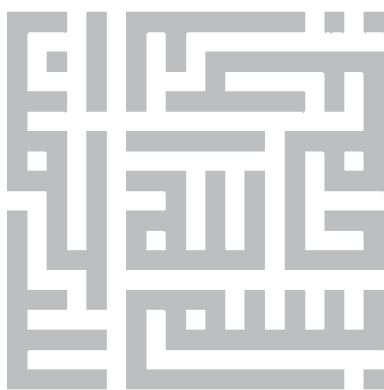






- سرشناسه : دهقانی، الهام، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور : شناسایی و مستندسازی بناها و فضاهای واجد ارزش شهر شیراز : (خانه‌های دوره پهلوی اول، مبتنی بر اصول هم‌پیوندی با زمینه)/الهام دهقانی ؛ کارفرما دفتر ترویج معماری، طراحی شهری و بافت‌های واجد ارزش، معاونت شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی.
مشخصات نشر : تهران: زویا، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری : ۳۸۹ ص.: مصور، جدول، نمودار.
شابک : 978-622-88864-1-1
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : معماری خانگی -- ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- نمونه‌پژوهی
Architecture, Domestic -- Iran -- History -- Pahlavi, 1941 - 1978 -- Case studies
معماری -- ایران -- شیراز
Architecture -- Iran -- Shiraz
معماری -- ایران -- قرن ۱۴
Architecture -- Iran -- 20th century
شهرسازی -- ایران -- شیراز -- نمونه‌پژوهی
City planning -- Iran -- Shiraz -- Case studies
موضوع : ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰
Iran -- History -- Pahlavi, 1925 - 1941
شناسه افزوده : ایران. وزارت راه و شهرسازی. دفتر معماری، طراحی شهری و بافت‌های واجد ارزش
رده بندی کنگره : NA۷۴۲۳
رده بندی دیویی : ۷۲۸/.۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۲۷۳۲۲۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا
تاریخ درخواست : ۱۴۰۴/۰۷/۲۹
تاریخ پاسخگویی :
کد پیگیری : 10272324

شناسایی و مستندسازی بناها و فضاهای واجد ارزش شهر شیراز (خانه‌های دوره پهلوی اول، مبتنی بر اصول هم‌پیوندی با زمینه)

تألیف: الهام دهقانی

کارفرما: دفتر ترویج معماری، طراحی شهری و بافت‌های واجد ارزش - معاونت شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی
مشاور: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

کارشناس طرح در دفتر ترویج معماری، طراحی شهری و بافت‌های واجد ارزش: شادی جلیلی

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴

شمارگان: ۱۰۰۰

ناشر: نشر زویا

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۸۸۶۴-۱-۱

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتو کپی، ریسوگرافی، تهیه فایل PDF، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود.

شناسایی و مستندسازی بناها و فضاهای واجد ارزش شهر شیراز

(خانه‌های دوره پهلوی اول، مبتنی بر اصول هم‌پیوندی با زمینه)

الهام دهقانی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

تقدیم به پدر و مادرم،

آنانکه مرا زندگی بخشیدند و مهربانی آموختند،

به پاس لحظه‌های سرشار از عشقی که به من دادند.

امروز ذره ذره وجودم، خواهان یک لحظه بودنشان است.

سخنی با بیان معاون شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی

از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر یک اثر معماری به بستری که بنا در آن ساخته می‌شود می‌توان اشاره کرد. ویژگی‌های زمینه فارغ از موضوع، تأثیر مستقیم بر ماهیت یک اثر معماری می‌گذارند. این ویژگی‌ها به موقعیت مکانی و زمانی طرح و شرایط بستر فرهنگی و اجتماعی آن برمی‌گردد و در قالب عوامل طبیعی، جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی بستر طرح، قابل بررسی هستند. ارتباط متقابل بین معماری و زمینه آن در معماری شهرهای تاریخی ایران، خلق آثار مطلوب و هماهنگ را به همراه داشته است. اما امروزه در کالبد شهرهای ایران، با پشت سر گذاردن دوره‌های تغییر، شاهد معماری بی‌سروسامانی هستیم که تعلق به مکان و بستر خود ندارد. آنچه در حال حاضر معماران و شهرسازان به آن واقفاند این است که در هر دو مقیاس شهری و مقیاس معماری، بی‌توجهی به زمینه در طراحی نمی‌تواند به تولید نتیجه‌های مثبت منجر شود.

در لایه میانی شهرها، آثار معماری باارزشی وجود دارد که نه چندان قدیمی‌اند که مورد توجه میراث‌داران این مملکت قرار گیرند و نه آن‌قدر جدید که از گزند تخریب و نوسازی در امان باشند؛ اما همین آثار بخشی از تاریخ این مرز و بوم را به نمایش می‌گذارند که معرف دوره تبدیل عصری به عصر دیگر در باب معماری می‌باشد. شناسایی و مستندسازی این آثار، که به نظر می‌آید در عالی‌ترین سطح خود به اصول زمینه نیز پایبند بوده‌اند، در گام نخست می‌تواند به آگاهی از مفهوم و تفکر معماری خانه معاصر شهر بینجامد و در لایه‌های عمیق‌تر تحلیلی می‌توان میزان و نحوه هم‌پیوندی و ارتباط با زمینه را در آنها بررسی نمود. مطالعه حاضر اقدام ارزشمندی در راستای شناسایی، مستندسازی و تحلیل تعداد زیادی از خانه‌های دوره گذار (حدود سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ شمسی) در شهر شیراز است؛ که در روندی دقیق و منسجم صورت گرفته و امیدوارم این مطالعه بتواند گامی مؤثر در شناخت بهتر این بناهای ارزشمند و همچنین پیش‌گیری از نابسامانی‌ها در ساختار و سازمان فضایی شهر شیراز باشد.

خسرو دانشجو

معاون شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی

و دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری ایران

سخن نخست

پیام معماری زمینه‌گرا ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون اثر معماری است و نشان می‌دهد که این توجه می‌تواند هم برای خود اثر معماری و هم برای زمینه عاملی مثبت و تقویت‌کننده باشد. معماری زمینه‌گرا تلاشی است برای نشان دادن توان ایجاد محیط مطلوب بصری در مقیاس کلان‌تر از معماری، در این میان هنرمند با آفرینش جدید در فضای شهری موجود، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در توجه به زمینه ایفا کند. همین امر بار مسئولیت او را در قبال محیط‌شهری پیرامون افزایش می‌دهد. بحران هویت شهرنشینی عصر حاضر ایران، ریشه در فراموشی و انفصال ناگهانی سنت و مدرنیته و عدم تطابق فرهنگی آن دارد. تنزل زیست‌پذیری شهرها، بحران کیفیت و تاب‌آوری و بی‌هنجاری موجود بدل به تهدیدی شده که حیات شهری ساکنین را به مخاطره می‌اندازد. این گسست که از اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی نخست با دعوت از معماران اروپایی و حضور ایرانیان تحصیل کرده در اروپا شدت گرفت، تحولات معماری غرب را بطور مستقیم در ایران انعکاس بخشید. نخستین فارغ‌التحصیلان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به‌عنوان وارث نسل اول معماران تحصیل کرده اروپا تاثیرگذارترین گروه در تثبیت اصول و مفاهیم معماری مدرن در ایران نامیده شده و به‌واسطه برنامه‌های توسعه‌ای آن دوران خصوصاً در زمینه مسکن، چهره غالب معماری مدرن را بر چهره معماری سنتی شهرها فائق نمود. از این‌رو مستندنگاری و مطالعه آثار شاخص معماری دوران انتقالی (از سنت به مدرنیته) می‌تواند رهیافتی نو در شناسایی الگوهای موثر معماری سنتی ایران در معماری مدرن باشد. لذا مطالعه ارزشمند پیش‌رو فرضیه خود را بر این اصل استوار می‌داند که فرهنگ زیست‌بوم اقوام، راهنمای مناسبی برای تطبیق‌پذیری در تحولات می‌باشد. شناسایی مولفه‌های موثر در معماری بومی نیز می‌تواند به شکل‌گیری فضای مناسب برای تطبیق‌پذیری نیازهای امروز با چالش‌های پیش‌رو رهنمون گردد. شناسایی، مستندسازی و تحلیل خانه‌های شاخص دوران انتقالی شهر شیراز که علی‌رغم پیروی از سبک دوران مدرن ردپای معماری سنتی شهر را در خود دارند، که برای اولین بار در این سطح انجام شده، می‌تواند روشنگر بسیاری از سوالات مطرح شده در این راستا باشد.

امیر مغانلو

مدیرکل دفتر ترویج معماری،

طراحی شهری و بافت‌های واجد ارزش

وزارت راه و شهرسازی

مقدمه مولف

ارتباط بین معماری و زمینه آن ارتباطی نقش گرفته از یک تأثیرپذیری متقابل است. نبود چارچوب نظری بومی برای بازشناخت مفهوم کنش متقابل زمینه و معماری باعث گردیده است، روزه روز معماری و شهرسازی از همنشینی با زمینه فاصله گرفته و تأثیرات این عدم تعامل مناسب زمینه و معماری را می‌توان در سیمای امروزی شهرهای ایران مشاهده کرد. هرچند باور تأثیرپذیری متقابل زمینه و معماری وجود داشته، لکن شناخت، تعریف و مدیریت این موضوع با چالش‌های بنیادی رو به رو است که نیاز به درکی عمیق‌تر از مفهوم کنش متقابل زمینه و معماری را آشکار می‌سازد. همواره مفهوم زمینه با پیچیدگی‌هایی همراه است که نیازمند تعریف و بررسی این مفهوم در بستر بومی معماری شهرها است.

بررسی مطالعات ارزشمندی که در دهه‌های اخیر در خصوص معماری معاصر ایران صورت گرفته از جمله مطالعات قبادیان (۱۳۹۲)، بانی مسعود (۱۳۹۰)، باور (۱۳۸۸)، مختاری (۱۳۹۴)، انصاری (۱۳۹۵) و اعتصام (۱۳۸۵) نشان‌دهنده تمرکز این پژوهش‌ها بر گستره معماری پایتخت است. واضح است که عمده جریان فکری و اجرایی معماری نو ایران متأثر از بستر سیاسی-اجتماعی زمانی و مکانی تهران است، اما بستر پیرنگ و منحصربه‌فرد و پیشینه غنی بسیاری از شهرهای تاریخی ایران از جمله شهر شیراز در رونق‌بخشی به این جریان نیز تأثیرگذار بوده است. در بررسی سیر تحول تاریخی شهر شیراز، معماری ارزشمند و قابل توجهی در لایه بافت میانی شهر حد فاصل محدوده بافت قدیم و شهر امروزی نمایان است که متأسفانه امروز مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. در این راستا شناسایی تجربیات معماری خانه معاصر شیراز به‌عنوان جدی‌ترین و ملموس‌ترین آثار تفکر معماری نو، در بستر یک شهر با پیشینه تاریخی غنی بسیار حائز اهمیت است. تلاش در راستای شناسایی و مستندسازی خانه‌های هم‌پیوند با زمینه در شهر شیراز، در واقع زمینه‌ساز دستیابی به اطلاعات و اسناد بالارزشی است که می‌تواند راهگشا و جوابگوی بسیاری از سؤالات مطرح شده بوده و همچنین راهنمایی جهت رسیدن به الگوی طراحی خانه مناسب در آینده این شهر باشد.

پژوهش حاضر که به سفارش دفتر ترویج معماری، طراحی شهری و بافت های واجد ارزش معاونت محترم شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی، انجام شده است، در گام نخست، یک طرح پژوهشی با عنوان «شناسایی و مستندسازی بناها و فضاهای واجد ارزش شهر شیراز- مبتنی بر اصول هم‌پیوندی با زمینه» بود که در بررسی‌های صورت گرفته و با توجه به اهمیت بناهای موجود در لایه بافت میانی شهر، با راهبری کارفرما، طرح بر شناسایی خانه‌های محدوده بافت میانی شهر شیراز (محدوده زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ شمسی) متمرکز گردید و در گام دوم جهت تقویت تحلیل‌ها، تعدادی از خانه‌های این بازه زمانی موجود در بافت تاریخی شهر شیراز نیز به ساختار پژوهش اضافه گردید.

این کتاب که حاصل طرح پژوهشی مذکور بوده، در چهار فصل کلی ارائه شده است. فصل اول در دو بخش تنظیم شده، که بخش اول با عنوان کلیات و مبانی نظری و بخش دوم با عنوان بررسی نظریات پایه (با هدف استخراج شاخص‌ها و اصول معماری هم‌پیوند با زمینه) به بررسی مباحث تئوری پرداخته است. فصل دوم با عنوان شناسایی و مستندسازی، ضمن معرفی بافت تاریخی و بافت میانه شیراز، به معرفی بناهای شناسایی شده با معیارهای هم‌پیوندی با زمینه می‌پردازد. در فصل سوم با عنوان ارائه دستاوردها، سعی شده در نظام‌های ده گانه به تحلیل و بررسی خانه‌های مورد نظر پرداخته شود. و فصل چهارم با عنوان نتیجه‌گیری نهایی ارائه شده است.

گروه پژوهش حاضر، در طول سه سال، علی‌رغم اهتمام ویژه‌ای که در تکمیل مستندات و تحلیل‌های کاربردی در خصوص شناسایی، مستندسازی و معرفی بناها داشته‌اند، که به‌عنوان اولین گام مؤثر در شناخت معماری خانه‌های دوره پهلوی اول شهر شیراز (اولین مظاهر معماری معاصر شهر)، قابل اعتناست؛ اما خاضعانه بر این باورند که آنچه انجام شده و ارائه شده است، قابل نقد، بررسی و تکمیل است. امید است که اندیشمندان، پژوهشگران و علاقمندان به تداوم کیفیت و هویت معماری این شهر، این مسیر را ادامه دهند و این پژوهش سرآغازی باشد بر ارتقای سطح کیفی معماری شهر شیراز.

الهام دهقانی

عضو هیئت علمی گروه معماری

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

فهرست همکارانی که در تهیه گزارش و نقشه‌های کتاب فعالیت داشته‌اند.

تیم مطالعات

کوثر شهسوار، مرضیه ارغوان، فاطمه عماد

تیم برداشت میدانی

کوثر شهسوار، محسن عزیزیان، شبنم پناهنده، محمدمیر عطروش، رقیه پری‌سوز

تیم ترسیم نقشه‌ها

کیمیا یزدانی، زهرا زکی‌خانی، کوثر شهسوار

تیم ترسیم سه‌بعدی‌ها

میلاذ دبیری، مهرناز عباسی، سارا اوجی‌زاده، مجتبی سعیدین خرم

۶	سخنی با بیان معاون شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی
۷	سخن نخست
۸	مقدمه مولف
۱۷	فصل اول
۱۹	بخش اول: کلیات و مبانی نظری
۲۰	مقدمه‌ای بر زمینه‌گرایی
۲۱	۱-۱-۱- بیان مسئله
۲۳	۱-۱-۲- اهمیت پژوهش
۲۴	۱-۱-۳- هدف پژوهش
۲۵	۱-۳-۱-۱- سؤالات پژوهش
۲۵	۱-۳-۲- خروجی مورد انتظار
۲۵	۱-۴-۱- روش تحقیق
۲۶	۱-۴-۱-۱- رویه و فرآیند مستندسازی
۲۷	۱-۴-۲- تعریف کلیدواژه
۲۹	بخش دوم: بررسی نظریات پایه
۳۰	۱-۲-۱- واژه‌شناسی
۳۰	۱-۲-۱-۱- معماری بافت میانه
۳۰	۱-۲-۲-۱- زمینه
۳۰	۱-۲-۳-۱- معماری معاصر
۳۲	۱-۲-۴-۱- معماری زمینه‌گرا
۳۶	۱-۲-۲-۱- نظریه‌های پایه
۳۶	۱-۲-۲-۱- زمینه کالبدی
۴۱	۱-۲-۲-۲- زمینه تاریخی
۴۱	زمینه تاریخی (سنت‌گرایی)
۴۴	زمینه تاریخی (فرانوگرایی)
۴۵	۱-۲-۲-۳- زمینه فرهنگی- اجتماعی
۴۶	زمینه فرهنگی- اجتماعی (معنی‌شناسی)
۴۸	زمینه فرهنگی- اجتماعی (زبان‌شناسی)
۵۰	۱-۲-۲-۴- زمینه انسان‌گرایانه
۵۲	۱-۲-۲-۵- زمینه اقلیمی
۵۳	حفظ عناصر طبیعی
۵۳	آسایش در برابر عوامل اقلیمی
۵۴	۱-۲-۳-۱- نظریه‌های بین‌المللی
۵۴	۱-۲-۳-۱-۱- بررسی نظریه‌های بین‌المللی هم‌پیوندی کالبدی با زمینه
۵۶	۱-۲-۳-۲-۱- بررسی نظریه‌های بین‌المللی هم‌پیوندی فرهنگی اجتماعی با زمینه
۵۶	۱-۲-۳-۳-۱- بررسی نظریه‌های بین‌المللی درباره هم‌پیوندی تاریخی با زمینه
۶۰	۱-۲-۴-۲- تدوین معیارها و شاخص‌های معماری هم‌پیوند با زمینه
۶۰	۱-۲-۴-۱- مؤلفه‌های معماری

۶۰	۲-۴-۲-۱- معرفی معیارها و شاخص‌های هم‌پیوندی با زمینه طبیعی
۶۱	۳-۴-۲-۱- معرفی معیارها و شاخص‌های هم‌پیوندی با زمینه کالبدی
۶۲	۴-۴-۲-۱- معرفی معیارها و شاخص‌های هم‌پیوندی با زمینه فرهنگی اجتماعی
۶۲	۵-۴-۲-۱- معرفی معیارها و شاخص‌های هم‌پیوندی با زمینه تاریخی
۶۲	۶-۴-۲-۱- معیارها
۶۵	۵-۲-۱- جمع‌بندی

فصل دوم: شناسایی و مستندسازی ۶۹

۷۰	۱-۲- بررسی ادوار معماری و تاریخی شهر شیراز
۷۰	۱-۱-۲- موقعیت، حدود و وسعت شهر شیراز
۷۰	۲-۱-۲- ساختار معماری و بافت شهری شیراز
۷۱	۲-۲- معرفی بافت تاریخی شیراز
۷۱	۱-۲-۲- شکل‌گیری بافت و معماری شیراز در رابطه با محیط فیزیکی و اقلیمی
۷۲	۲-۲-۲- دروازه‌ها و محلات شهر شیراز
۷۷	۳-۲- وضعیت اقتصادی - اجتماعی شیراز
۷۷	۴-۲- مشخصات کلی شهر قدیم شیراز
۷۸	۵-۲- اولین ساخت‌وسازها در شیراز
۷۸	۱-۵-۲- معماری مسکن در بافت تاریخی شیراز
۷۸	۶-۲- گونه‌شناسی مسکن در شیراز
۸۰	۷-۲- معماری قاجار در ایران
۸۰	۱-۷-۲- نگاهی مختصر به معماری مسکونی عصر قاجار در شیراز
۸۱	۲-۷-۲- گونه‌شناسی معماری مسکونی شیراز در دوره قاجار
۸۲	۸-۲- مفهوم معاصر
۸۲	۱-۸-۲- مرور تغییرات کالبدی مسکونی در دوران معاصر
۸۲	۲-۸-۲- معماری عصر پهلوی
۸۴	۱-۲-۸-۲- معماری دوره پهلوی اول
۸۵	۲-۲-۸-۲- معماری دوره پهلوی دوم
۸۶	۹-۲- معماری مسکونی شیراز در دوره پهلوی
۸۷	۱-۹-۲- پلان
۹۱	۲-۹-۲- نما
۹۲	۳-۹-۲- بازشوها
۹۳	۴-۹-۲- مصالح، تکنولوژی ساخت و روش‌های ساختمانی
۹۴	۵-۹-۲- تزیینات
۹۴	۱۰-۲- ویژگی فضاهای خانه در شیراز
۹۶	۱۱-۲- بررسی موقعیت بافت تاریخی در نقشه شیراز
۹۶	۱۲-۲- بررسی موقعیت بافت میانه در نقشه شیراز
۹۹	۱۳-۲- معرفی خانه‌های دوره پهلوی اول شیراز
۱۰۰	۱۴-۲- تقسیم‌بندی بافت میانه شیراز جهت کدگذاری در راستای مستندسازی بناها
۱۰۱	۱۵-۲- کدگذاری بناهای شناسایی شده پهلوی اول در بافت میانه شیراز
۱۶۴	۱۶-۲- تقسیم‌بندی بافت تاریخی شیراز جهت کدگذاری در راستای مستندسازی بناها
۱۶۵	۱۷-۲- بناهای شناسایی شده پهلوی واقع در محدوده بافت تاریخی
۲۱۱	۱۸-۲- بررسی میزان تطابق فضاهای مسکونی با فرهنگ سکونت
۲۱۷	فصل سوم: ارائه دستاوردها

۲۱۸	۳-۱- مقدمه
۲۱۸	۳-۲- تشریح طرح پژوهش
۲۱۹	۳-۳- روش تحقیق
۲۲۰	۳-۴- تدقیق محدوده مکانی این پژوهش
۲۲۱	۳-۵- تدقیق محدوده زمانی پژوهش
۲۲۲	۳-۵-۱- سطح اول: بستر سیاسی-اجتماعی و فرهنگی
۲۲۶	۳-۵-۲- سطح دوم: بستر معماری و شهرسازی
۲۲۹	۳-۵-۳- سطح سوم: تعیین مؤلفه‌های شناسایی و تحلیل معماری مسکونی در دوره پهلوی اول شیراز
۲۳۲	۳-۵-۱-۱- نظام استقرار بناهای مورد نظر در بافت شهری
۲۳۵	۳-۵-۲-۲- نظام دسترسی
۲۳۹	۳-۵-۳-۳- نظام دانه‌بندی و جهت‌گیری بنا در بافت میانه شیراز
۲۳۹	۳-۵-۴-۳- نظام توده‌گذاری
۲۴۶	۳-۵-۵-۳- نظام عملکردی حیاط‌ها
۲۵۰	۳-۵-۶-۳- نظام ترکیب‌بندی جزء فضاهای معماری
۲۵۷	۳-۵-۷-۳- نظام پیکره‌بندی فضایی
۲۶۴	۳-۵-۸-۳- نظام ارتباط فضایی
۲۷۷	۳-۵-۹-۳- نظام ترکیب‌بندی فضاهای نیمه‌باز (ایوان)
۲۸۰	۳-۵-۱۰-۳- نظام ساختار سازه و تزیینات خانه
۲۸۲	۳-۶- جمع‌بندی

فصل چهارم: نتیجه‌گیری نهایی ۲۸۵

۲۸۶	۴-۱- مقدمه
۲۸۷	۴-۲- دستیابی به پاسخ سؤال‌های مطرح‌شده در این پژوهش
۲۸۷	۴-۲-۱- نخستین سطح - پرسش اصلی
۲۹۱	۴-۲-۲- دومین سطح- پرسش‌های فرعی
۲۹۴	۴-۳- شرح یافته‌ها
۲۹۷	۴-۴- سخن آخر
۲۹۷	۴-۵- پیشنهاد پژوهش‌های آتی
۲۹۸	۴-۶- محدودیت‌های پژوهش

۲۹۹	فهرست منابع
-----	-------------------

فهرست نقشه‌ها

۷۳	نقشه‌ها و تصاویر مربوط به کالبد شهر شیراز در دوره‌های مختلف
----	---

فهرست نمودارها

۲۴۲	نمودار ۳-۱- نمودار مقایسه‌ای مساحت زمین و بنا در خانه‌های بافت میانه شیراز
۲۴۳	نمودار ۳-۲- نمودار نسبت مساحت زمین در خانه‌های بافت میانه شیراز
۲۴۳	نمودار ۳-۳- نمودار نسبت مساحت زمین در خانه‌های بافت میانه شیراز
۲۴۳	نمودار ۳-۴- نمودار نسبت سطح اشغال خانه‌های بافت میانه شیراز
۲۴۳	نمودار ۳-۵- نمودار مقایسه مساحت زمین در خانه‌های بافت میانه شیراز

جدول ۱-۱- نظریه نظریه پردازان در رابطه با معماری معاصر.....	۳۳
جدول ۷-۱- نظریه های نظریه پردازان بین المللی در رابطه هم پیوندی.....	۶۰
جدول ۱-۲- تقسیم بندی خانه ها بر مبنای نوع چیدمان ساختمان نسبت به حیاط.....	۸۰
جدول ۲-۲- گونه بندی پلان خانه های پهلوی در شیراز.....	۸۱
جدول ۳-۲- گونه بندی پلان خانه های پهلوی در شیراز.....	۸۳
جدول ۴-۲- گونه بندی پلان خانه های قاجار در شیراز.....	۸۶
جدول ۵-۲- پلان خانه های قاجار در شیراز.....	۸۷
جدول ۶-۲- گونه بندی پلان خانه های پهلوی در شیراز.....	۸۸
جدول ۷-۲- پلان خانه های پهلوی در شیراز.....	۸۹
جدول ۸-۲- پلان خانه های پهلوی در شیراز.....	۸۹
جدول ۱-۳- تحولات سیاسی - اجتماعی و پیامدهای آنها بر خانه در دوران پهلوی اول.....	۲۲۴
جدول ۲-۳- تحولات فرهنگی و پیامدهای آنها بر خانه در دوران پهلوی اول.....	۲۲۶
جدول ۳-۳- نظام دسترسی گونه خانه های پهلوی اول در بافت میانه شیراز.....	۲۳۶
جدول ۴-۳- نظام دسترسی گونه خانه های کوشکی در بافت میانه شیراز.....	۲۳۷
جدول ۵-۳- نظام دسترسی گونه خانه های یک طرف و دوطرف ساخت در بافت میانه شیراز.....	۲۳۸
جدول ۶-۳- گونه بندی پلان خانه های پهلوی در شیراز.....	۲۴۰
جدول ۷-۳- نظام توده گذاری گونه خانه های کوشکی در بافت میانه شیراز.....	۲۴۱
جدول ۸-۳- نظام توده گذاری گونه خانه های یک طرف ساخت در بافت میانه شیراز.....	۲۴۲
جدول ۹-۳- مساحت زمین، زیربنا و سطح اشغال خانه های منتخب در بافت میانه شیراز.....	۲۴۴
جدول ۱۰-۳- نظام توده گذاری خانه های بافت تاریخی شیراز.....	۲۴۵
جدول ۱۱-۳- نظام توده فضای باز خانه های بافت تاریخی شیراز.....	۲۴۶
جدول ۱۲-۳- طول مماس زمین با معبر در خانه های بافت تاریخی شیراز.....	۲۴۶
جدول ۱۳-۳- نظام عملکردی حیاط خانه های کوشکی در بافت میانه شیراز.....	۲۴۸
جدول ۱۴-۳- نظام عملکردی حیاط خانه های یک طرف ساخت در بافت میانه شیراز.....	۲۴۹
جدول ۱۵-۳- نظام عملکردی حیاط خانه های بافت تاریخی شیراز.....	۲۴۹
جدول ۱۶-۳- نظام تناسب محوری خانه های بافت تاریخی شیراز.....	۲۴۹
جدول ۱۷-۳- نظام عملکردی جزء فضای معماری خانه های کوشکی در بافت میانه شیراز.....	۲۵۲
جدول ۱۸-۳- نظام عملکردی جزء فضای معماری خانه های یک طرف ساخت در بافت میانه شیراز.....	۲۵۴
جدول ۱۹-۳- نظام عملکردی جزء فضای معماری خانه های بافت تاریخی شیراز.....	۲۵۵
جدول ۲۱-۳- تحلیل ساختار فضایی خانه شاپوری واقع در بافت میانه شهر شیراز، با تکنیک نحو فضا.....	۲۵۸
جدول ۲۲-۳- تحلیل ساختار فضایی خانه امتیاز واقع در بافت میانه شهر شیراز، با تکنیک نحو فضا.....	۲۵۹
جدول ۲۳-۳- تحلیل ساختار فضایی خانه شاپوری واقع در بافت میانه شهر شیراز، با تکنیک نحو فضا.....	۲۶۰
جدول ۲۴-۳- تحلیل ساختار فضایی خانه جمشیدی واقع در بافت میانه شهر شیراز، با تکنیک نحو فضا.....	۲۶۱
جدول ۲۵-۳- تحلیل ساختار فضایی خانه رحیمی واقع در بافت میانه شهر شیراز، با تکنیک نحو فضا.....	۲۶۵
جدول ۲۶-۳- تحلیل ساختار فضایی خانه فرهودی واقع در بافت میانه شهر شیراز، با تکنیک نحو فضا.....	۲۶۶
جدول ۲۷-۳- نظام ارتباط فضایی خانه های یک طرف ساخت در بافت میانه شیراز.....	۲۶۷
جدول ۲۸-۳- نظام ارتباط فضایی خانه های یک طرف ساخت در بافت میانه شیراز.....	۲۶۸
جدول ۲۹-۳- نظام ارتباط فضایی خانه های بافت تاریخی در شیراز.....	۲۶۹
جدول ۳۰-۳- نظام ارتباط فضایی خانه های کوشکی در بافت میانه شیراز.....	۲۷۳
جدول ۳۱-۳- نظام ارتباط فضایی خانه های یک طرف ساخت در بافت میانه شیراز.....	۲۷۴
جدول ۳۲-۳- نظام ارتباط فضایی خانه های بافت تاریخی شیراز.....	۲۷۶
جدول ۳۳-۳- نظام ارتباط فضایی خانه های بافت تاریخی شیراز.....	۲۷۷
جدول ۳۴-۳- نظام ترکیب بندی فضاهای نیمه باز (ایوان) در خانه های بافت میانه در شیراز.....	۲۷۸
جدول ۳۵-۳- نظام ترکیب بندی فضاهای نیمه باز (ایوان) در خانه های بافت تاریخی در شیراز.....	۲۷۹
جدول ۳۶-۳- نظام ساختار سازه خانه های خردمند شرقی و غربی در شیراز.....	۲۸۰

جدول ۱-۴- ارائه مدل بازخوانی مؤلفه‌های کالبدی کنش متقابل زمینه و معماری در معماری مسکونی بافت میانه شهر شیراز	۲۹۰
جدول ۲-۴- ویژگی‌های ساختاری خانه‌های برون‌گرا در بافت میانه شیراز	۲۹۳
جدول ۳-۴- گونه‌بندی فرمی خانه‌های کوشکی - برون‌گرا در بافت میانه شهر شیراز	۲۹۴
جدول ۴-۴- گونه‌بندی فرمی خانه‌های برون‌گرا (یک‌طرف ساخت) در بافت میانه شهر شیراز	۲۹۵
جدول ۵-۴- گونه‌بندی فرمی خانه‌های برون‌گرا (یک‌طرف ساخت) در بافت میانه شهر شیراز	۲۹۶

فهرست تصاویر

تصویر ۱-۲- نقشه شیراز	۷۰
تصویر ۲-۲- بزرگ‌نمایی بافت تاریخی شیراز	۷۱
تصویر ۳-۲- تصویر هوایی شهر شیراز در سال ۱۳۳۵	۷۳
تصویر ۴-۲- محلات شیراز و تفکیک آنها به حیدری‌خانه و نعمتی‌خانه	۷۵
تصویر ۵-۲- مرزبندی محلات شیراز	۷۶
تصویر ۶-۲- بافت‌شناسی شهر شیراز	۷۶
تصویر ۷-۲- تزیینات سنگی و طاق‌نما و سردر آجری در خانه‌های شیراز	۹۲
تصویر ۸-۲- نما خانه‌های پهلوی در شیراز	۹۲
تصویر ۹-۲- بازشو در خانه‌های پهلوی شیراز	۹۳
تصویر ۱۱-۲- موقعیت محدوده بافت تاریخی (تا پیش از ۱۳۰۰ هجری شمسی) در شهر شیراز	۹۶
تصویر ۱۲-۲- موقعیت محدوده بافت میانه (پهلوی اول از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی) در شهر شیراز	۹۶
تصویر ۱۳-۲- موقعیت محدوده بافت میانه (پهلوی دوم تا پیش از ۱۳۶۰ هجری شمسی) در شهر شیراز	۹۷
تصویر ۱۲-۲- بررسی موقعیت محدوده مورد مطالعه در بافت میانه شیراز	۹۷
تصویر ۱۴-۲- نقشه سال ۱۳۲۸ شیراز	۹۹
تصویر ۱۵-۲- تصویر هوایی سال ۱۳۳۵ شیراز	۱۰۰
تصویر ۱۶-۲- تقسیم‌بندی بافت میانه شیراز	۹۹
تصویر ۱۷-۲- تقسیم‌بندی بافت تاریخی شیراز	۱۶۴
تصویر ۱-۳- نقشه موقعیت بافت میانه نسبت به بافت تاریخی شیراز	۲۳۰
تصویر ۲-۳- نقشه سال ۱۳۲۸ هجری شمسی شیراز	۲۳۰
تصویر ۳-۳- تعیین موقعیت بافت تاریخی و بافت میانه شیراز بر روی عکس هوایی سال ۱۳۳۵ شیراز	۲۳۱
تصویر ۴-۳- تصاویری از گلخانه مربوط به خانه امتیاز در بافت میانه شیراز	۲۴۷
تصویر ۵-۳- تصاویری از فضای حیاط و باغچه‌ها مربوط به خانه امتیاز در بافت میانه شیراز	۲۴۸
تصویر ۶-۳- تصاویری از نمای بام بافت میانه شهر شیراز در سال ۱۳۹۹	۲۸۱
تصویر ۷-۳- تصویر سه‌بعدی از بافت میانه شیراز بر اساس عکس هوایی سال ۱۳۳۵	۲۸۱
تصویر ۸-۳- ساختار سه‌بعدی بافت میانه شیراز بر اساس عکس هوایی سال ۱۳۳۵	۲۸۱
تصویر ۹-۳- ساختار سه‌بعدی بافت میانه شیراز بر اساس عکس هوایی سال ۱۳۳۵	۲۸۲
تصویر ۱۰-۳- ساختار سه‌بعدی بافت میانه شیراز بر اساس عکس هوایی سال ۱۳۳۵	۲۸۲

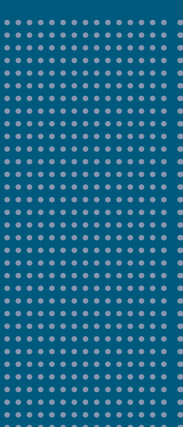
فهرست شکل‌ها

شکل ۱-۱- دسته‌بندی زمینه‌گرایی و نظریه‌پردازان هر زیرمجموعه	۳۵
شکل ۲-۱- بررسی ارتباط معنایی معماری و زمینه در بافت میانه شیراز	۳۶
شکل ۳-۱- خلاصه نظریه نظریه‌پردازان در رابطه با زمینه‌های مختلف	۵۴
شکل ۴-۱- جمع‌بندی تدوین معیارها و شاخص‌های معماری هم‌پیوند با زمینه	۶۷
شکل ۱-۴- نمودار ساختار پژوهش	۲۸۶
شکل ۲-۴- نمودار ساختار مولفه‌های هم‌پیوندی کالبدی معماری با زمینه	۲۸۹
شکل ۳-۴- دیاگرام چارچوب راهبردی معیارهای طراحی خانه در بافت میانه شهر شیراز	۲۸۹
شکل ۴-۴- جمع‌بندی معیارها و شاخص‌های معماری هم‌پیوند با زمینه بر اساس چارچوب نظری	۲۹۱





فصل ۱



بخش اول

کلیات و مبانی نظری

مقدمه‌ای بر زمینه‌گرایی

اروسارنین می‌گوید «همیشه چیزی را با در نظر گرفتن آن در یک زمینه بزرگ‌تر طراحی کنید یک صندلی در یک اتاق، یک اتاق در یک خانه، یک خانه در یک محیط و یک محیط در یک پلان شهری».

زمینه‌گرایی در سه بعد کالبدی، تاریخی و اجتماعی-فرهنگی قابل بررسی است. منظور از زمینه‌گرایی تاریخی، میزان و نظم رابطه اجزای شهر در طول زمان است. زمینه‌گرایی اجتماعی-فرهنگی به معانی، ارزش‌ها و اهداف مشترک باز می‌گردد و زمینه‌گرایی کالبدی به شکل کل از قبل موجود اشاره دارد. در زمینه‌گرایی اجزای شکل شهر به تنهایی ارزیابی و مطالعه نمی‌شوند. بلکه در زمینه وسیع‌تر محیطی قرار می‌گیرند. یک اثر معماری با نظام بزرگ‌تر شهری مرتبط است و در سلسله‌مراتبی از مجموعه‌ها قرار دارد. بنابراین زمینه‌گرایی پیوند میان معماری و شهرسازی در زمینه‌ای معین است. به عبارت دیگر زمینه جایی است که معماری و شهرسازی را به هم مربوط می‌سازد. گرایش شهرسازان به ساخت‌وساز در مجموعه موجود به معنی درهم بافتن نو و کهنه به نحوی است که بتواند یک کل زنده و مطلوب ایجاد کند. پس باید تعهد خاصی نسبت به مسئله ورود معماری جدید در زمینه موجود احساس شود.

پیام معماری زمینه‌گرا ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون اثر معماری است و نشان می‌دهد که این توجه می‌تواند هم برای خود اثر معماری و هم برای زمینه عاملی مثبت و تقویت‌کننده باشد. معماری زمینه‌گرا تلاشی است برای نشان دادن توان ایجاد محیط مطلوب بصری در مقیاس کلان‌تر از معماری. در این میان هنرمند با آفرینش جدید در فضای شهری موجود می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در توجه به زمینه ایفا کند. همین امر بار مسئولیت او را در قبال محیط شهری پیرامون افزایش می‌دهد. در حقیقت زمینه خود می‌تواند منشأ الهام برای طراحی باشد. به این منظور از جانب صاحب‌نظران چند پیشنهاد ارائه شده است:

- (۱) به طور کامل از نقش‌مایه‌های موجود تقلید شود.

- (۲) اشکال اصلی مشابه هم در نظر گرفته شود و آرایش آن‌ها تجدید گردد.

- (۳) اشکال جدیدی ساخته شود که مشابه تأثیر بصری بنای قدیمی باشد.

در اینجا چند پرسش اساسی در ارتباط با این رویکرد (معماری در زمینه) مطرح است:

(۱) چه نکاتی ارزش زمینه‌ای معین را تعیین می‌کنند؟

در ابتدا اهمیت تاریخی، فرهنگی، جذابیت و درجه همگنی بصری را در نظر می‌گیریم. اگر از این لحاظ فاقد ارزش بود، به سنت منطقه‌ای نگاه می‌کنیم. اگر آن هم جوابگو نبود، باید به قدری پرتوان کار کرد که نتیجه بصری آن زمینه‌ای برای کار دیگران باشد. اگر در موقعیت گذار هستیم یعنی نو و کهنه باهم در کشمکش‌اند باید توجه داشت مردمی که قرار است در آن وضعیت زندگی کنند کدام یک را زیباتر و معنی‌دارتر می‌انگارند.

(۲) وقتی زمینه همگن نیست و آمیزه‌ای از عناصر گوناگون است چه باید کرد؟

اگر زمینه به طور مطلق ناهمگن است باید گفت که دیگر زمینه‌ای وجود ندارد که بتوان تداوم بصری آن را تجربه نمود. در این حالت باید به نمونه‌های موفق که مورد توافق عامه و متخصصان است رجوع کرد.

۳) چه وقت می توان شکاف تندروانه با زمینه ایجاد کرد؟

در موارد خاص به خاطر ارزش نمادین و یا زدودن گذشته‌ای ناهمگن می توان زمینه را نادیده گرفت.

۴) آیا طراحی در درون زمینه لزوماً باعث یکنواختی می شود؟

باید میان تنوع بصری که اغتشاش ایجاد می کند و تنوعی که در آن توازن دیده می شود، فرق گذاشت. یکنواختی و اغتشاش دو روی یک سکه اند و هر دوی آنها ناخوشایند هستند.

۵) چگونه ایده تداوم بصری در مقیاس وسیع شهرسازی عملی می شود؟

برای احداث شهری جدید که زمینه معماری در آن وجود ندارد، باید به لحاظ نظری قواعدی در نظر گرفت. در این خصوص یکی از کاراترین شیوه ها اتصال توده و فضا به یکدیگر است.

بناها قابلیت امتداد در فضا را دارند زیرا جوهر فضا تداوم است و فضا واسطه ای است که در آن اشکال با هم رابطه متقابل برقرار می کنند. اما برای توسعه در شهر موجود؛ ۱- گاه توسعه جدید را به زمینه موجود ربط می دهیم ۲- گاه توسعه فقط از طریق اتصال لبه در درون محدوده ها به تدریج یا به سرعت انجام می گیرد ۳- گاه معماری کاملاً متفاوت به عنوان نمادی از آینده به آن تزریق می شود. گرچه ایده اخیر با ایده زمینه گرایان چندان هم خوانی ندارد، اما از همه متداول تر است.

۶) آیا حفظ تداوم بصری در واحد همسایگی به معنی پرهیز از هرگونه تغییر است؟

ایجاد حس تداوم بصری به معنی نمادین کردن یک واحد همسایگی نیست. نمونه های تاریخی نیز نشان می دهند که تنوع، نوع آوری و تغییر بدون آسیب رسانی به همگنی بصری امکان پذیر است. واضح است که وقتی رابطه با زمینه تهدیدی مستقیم برای خلاقیت به حساب بیاید و یا شهرسازان بخواهند خصمانه به سنت بنگرند، نتیجه چه خواهد شد.

در نتیجه می توان اظهار داشت که در زمینه گرایی کالبدی طراح نه تنها خود شیء بلکه رابطه متقابل آن را با سایر اشیای موجود در زمینه ملحوظ می دارد. زیرا معتقد است که شکل بناها بر اشکال مجاور و نزدیک آن تأثیر می گذارد. لذا جهت پیاده سازی طراحی زمینه گرا به مجموعه ای از اصول جهت ایجاد رابطه متقابل یا پیوند میان ساختارهای چندگانه شهرهای معاصر از طریق طراحی تک به تک و در مقیاس خرد نیاز است.

۱-۱-۱- بیان مسئله

هر اثر معماری دارای محیط ویژه مربوط به خود است. به بیانی ساده تر پیرامون این محیط ویژه را می توان بستر ساختمان نامید. ارتباط بین معماری و بستر آن ارتباطی نقش گرفته از یک تاثیرپذیری متقابل است. این ارتباط متقابل در معماری شهرهای تاریخی ایران، خلق آثار مطلوب و هماهنگ به همراه داشته است. اما امروزه در کالبد شهرهای ایران با پشت سرگذاشتن دوره های تغییر، شاهد معماری بی سروسامانی هستیم که تعلقی به مکان و بستر خود ندارد. آنچه در حال حاضر معماران و شهرسازان به آن واقفند این است که در هر دو مقیاس شهری و مقیاس معماری، بی توجهی به زمینه در طراحی نمی تواند به تولید نتیجه های مثبت منجر شود.

هرچند باور تاثیرپذیری متقابل زمینه و معماری وجود داشته، لکن شناخت، تعریف و مدیریت این موضوع با چالش‌های اساسی روبه‌رو است که نیاز به درکی عمیق‌تر از مفهوم کنش متقابل زمینه و معماری را آشکار می‌سازد. برخی از این چالش‌ها دستمایه این پژوهش گردیده است.

■ **شناخت ناکافی:** هرچند جنبش‌های پسامدرنی، تعاریف و توجه صاحب‌نظران و منتقدان، نقش قابل توجهی در بازشناخت مفهوم «زمینه و معماری» به هدف آشکارسازی، تقویت و محافظت از تنوع اثر متقابل انسان، محیط و فرهنگ داشته است؛ لکن مسأله این است که این شناخت دوران کودکی خود را سپری میکند. چون با گذشت نزدیک به یک قرن از زمانی که برولین در کتاب «معماری در زمینه» به برخی از پرسش‌های اساسی در این خصوص پاسخ داده، اما همواره این مفهوم با پیچیدگی‌هایی همراه است که نیازمند تعریف و بررسی این مفهوم در بستر بومی معماری شهرها است.

■ **ناروشن بودن تعریف:** از زمان به کار بردن عبارت زمینه‌گرایی در معماری، گستره متنوعی از تعاریف و تفاسیر از سوی صاحب‌نظران ارائه گردیده است.

با تاکید بر نقش مهم این تعاریف در سیر تکامل مفهوم کنش متقابل زمینه و معماری و کارگشا بودن آنها در شناخت جنبه‌های گوناگون آن، سوی نگاه‌ها با این مسأله سوق داده می‌شود که این تعاریف هر کدام از یک نقطه‌نظر و پایگاه نظری به مقوله «زمینه و معماری» نظر افکنده‌اند و یک یا چند وجه از وجوه پرشمار آن و یک یا چند لایه از لایه‌های درهم‌تنیده معنایی و کالبدی آن را آشکار ساخته‌اند. هر چند نمی‌توان ارزش هریک از این تعاریف را از نظر دور داشت، اما باید در نظر داشت که شناخت کل چیزی فراتر از شناخت تک تک اجزاست؛ لذا لزوم بررسی و شناخت همه‌جانبه این مفهوم آشکار می‌شود.

■ **نبود چارچوب نظری روشن:** نبود چارچوب نظری بومی برای بازشناخت مفهوم کنش متقابل زمینه و معماری باعث گردیده است، روبه‌روز معماری و شهرسازی از هم‌نشینی با زمینه فاصله گرفته و تأثیرات این عدم تعامل مناسب زمینه و معماری را می‌توان در سیمای امروزی شهرهای ایران مشاهده کرد. موضوعی که در آینده، معماری و شهرسازی را با چالش جدی روبه‌رو خواهد کرد.

از این‌رو این پژوهش بر بازخوانی مفهوم کنش متقابل زمینه و معماری که بسیاری از چالش‌ها از نبود آن ریشه می‌گیرد، متمرکز است. و از آنجا که هدف، ارائه کاربردی بازخوانی این مفهوم است، سعی در بررسی نتایج حاصل از مطالعات نظری در بستر معماری یکی از شهرهای ایران را دارد. به نظر می‌رسد جهت تبیین مشکلات معماری امروز شهرها بررسی دوره گذار از سنت به مدرنیته (بافت میانی شهرها)، عوامل تاثیرگذار، جریان‌های رویداده، بنیان‌های فکری ضروری است. ادراک و تجربه خانه بیش از هر چیز معطوف به یک امر کیفی است. بی‌شک در کیفیت این تجربه متغیرهایی متعدد و مؤلفه‌هایی گوناگون دخیل هستند که برهم کنش آنها بر تجربه حاصل دلالت مینماید. بنیان ادراک، نسبت و رابطه میان زمینه و خانه و نیز کیفیت چنین تعاملی؛ تماماً برخاسته از برهم کنش این مؤلفه‌ها است. از سوی دیگر، به دلیل مرتبط بودن موضوعی نظیر خانه با علوم و مباحث مختلف، هر یک از این مؤلفه‌ها از وجهی خاص به موضوع اصلی می‌پردازد. همین‌طور وقتی این مفهوم در بستر سرزمین ایران بررسی شد، عمدتاً پژوهش‌ها متمرکز بر ابعاد کالبدی

بوده‌اند. در پاره‌ای از موارد نیز کیفیت خانه‌های امروز با کیفیتی بی‌زمان و مکان از خانه‌های سنتی مقایسه شده است که این موارد نیز نتوانسته در روند تغییرات مفهوم خانه در دوران معاصر کشورمان مؤثر باشد. بنابراین در تبیین چگونگی ارتباط زمینه و خانه، نه تنها پژوهش‌های سازمان‌یافته مبتنی بر چارچوب‌های نظری در علوم مختلف ضروری است، بلکه تبدیل آن به الگوهای کاربردی و بومی نیز ما را در جهت یافتن الگوی این تعامل، در بستر سرزمین خود یاری می‌بخشد. بررسی مطالعات ارزشمندی که در دهه‌های اخیر در خصوص معماری معاصر ایران صورت گرفته از جمله مطالعات قبادیان (۱۳۹۲)، بانی مسعود (۱۳۹۰)، باور (۱۳۸۸)، مختاری (۱۳۹۴)، انصاری (۱۳۹۵) و اعتصام (۱۳۸۵) نشان‌دهنده تمرکز این پژوهش‌ها بر گستره معماری پایتخت است. واضح است که عمده جریان فکری و اجرایی معماری نو ایران متأثر از بستر سیاسی-اجتماعی زمانی و مکانی تهران است اما بستر پررنگ و منحصر به فرد و پیشینه غنی بسیاری از شهرهای تاریخی ایران از جمله شهر شیراز در رونق‌بخشی به این جریان نیز تاثیرگذار بوده است. در بررسی سیر تحول تاریخی شهر شیراز، معماری ارزشمند و قابل توجهی در بافت میانی شهر -حذف‌اصل محدوده بافت قدیم و شهر امروزی- نمایان است که متأسفانه امروز مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

در این راستا شناسایی تجربیات معماری خانه معاصر شیراز به عنوان جدی‌ترین و ملموس‌ترین آثار تفکر معماری نو، در بستر یک شهر با پیشینه تاریخی غنی بسیار حائز اهمیت است. تلاش در راستای شناسایی و مستندسازی خانه‌های همپيوند با زمینه در شهر شیراز، در واقع زمینه‌ساز دستیابی به اطلاعات و اسناد باارزشی است که می‌تواند راه‌گشا و جوابگوی بسیاری از سوالات مطرح شده بوده و همچنین راهنمایی جهت رسیدن به الگوی طراحی خانه مناسب در آینده این شهر باشد.

۱-۱-۲- اهمیت پژوهش

ضرورت مطالعه و بررسی تجربیات معماری خانه معاصر شهر شیراز و تحلیل همپيوندی معماری نو با زمینه، زمانی آشکارتر می‌شود که این دوره را به مثابه مفصلی برای گذر از معماری سنتی به معماری نو بدانیم و از آنجا که ما در جستجوی علایم و نشانه‌هایی هستیم که به وسیله آن‌ها از محدودیت‌ها، امکانات، احتیاجات و هدف‌های خود آگاه باشیم، معماری معیار اشتباه‌ناپذیری از رویدادهای زمان را به دست می‌دهد. لذا هنگامی که راجع به معماری نو استدلال می‌کنیم، باید توجه داشته باشیم که موضوع تنها شامل مجموعه‌ای از فرم‌های نو نیست، بلکه نحوه جدیدی از تفکر است که نتایج آن هنوز مشخص نشده‌اند و بررسی همه‌جانبه این معماری می‌تواند روشنگر بسیاری از مسایل زمان خود باشد و همچنین پاسخگوی بسیاری از سوالات مطرح در زمینه بخشی از تاریخ معماری این شهر. بررسی روند معماری معاصر شیراز، و شناخت خانه‌های دوره پهلوی اول و آنچه امروز به نام بنیان‌های معماری مدرن در سطح شهر شیراز می‌شناسیم، به ما کمک می‌کند که در فهم مشکلاتی که در معماری امروز وجود دارد موفق‌تر باشیم. در لایه میانی شهر، آثار معماری باارزشی وجود دارد که نه چندان قدیمی‌اند که مورد توجه میراث‌داران این مملکت قرار گیرند و نه آنقدر جدید که از گزند تخریب و نوسازی در امان باشند؛ اما همین آثار بخشی از تاریخ این مرز و بوم را به نمایش می‌گذارند که معرف دوره تبدیل

عصری به عصر دیگر در باب معماری می‌باشد. شناسائی و مستندسازی این آثار که به نظر می‌آید در عالی‌ترین سطح خود به اصول زمینه نیز پایبند بوده‌اند در گام نخست می‌تواند به آگاهی از مفهوم و تفکر معماری خانه معاصر شهر شیراز بیانجامد و در لایه‌های عمیق‌تر تحلیلی می‌توان میزان و نحوه هم‌پیوندی و ارتباط با زمینه را در آنها بررسی نمود. علاوه بر موارد ذکر شده، ارائه کیفیت ویژه‌ای از زندگی در خانه‌های سنتی ایران نیز سبب می‌شود تا افت کیفیت زندگی در بناهای امروزی بیشتر احساس گردد و این چالش را به میان آورد که پرداختن انسان امروزی به انگاره‌های مادی تا به کجا و چگونه روند نزولی کیفیت ارتباط زمینه و معماری را به همراه خواهد داشت. از این‌رو آنچه ضرورت این پژوهش را تأکید می‌نماید انفصال کنونی زمینه و خانه (به‌عنوان محل اصلی زندگی انسان) می‌باشد. گرچه شاید چنین پرسشی به ذهن متبادر گردد که کیفیت رابطه کنونی بین زمینه و معماری، حاصل خواست ما انسان‌ها و نتیجه گزینش چنین زندگی‌ای است؛ اما پژوهشی از این دست لزوم بازنگری رابطه زمینه و خانه را متذکر شده و گامی برای ارتقاء این کیفیت بر می‌دارد.

۱-۳- هدف پژوهش

پس از آشکارسازی ضرورت ارائه یک تعریف بومی از زمینه‌گرایی، تبیین یک چارچوب نظری برای تعریف و دسته‌بندی معماری هم‌پیوند با زمینه بر پایه نحوه تأثیرگذاری متقابل زمینه و معماری در ایران دنبال می‌گردد. یکی از دلایل اهمیت و شناخت ارزش‌ها در مفهوم زمینه و معماری این است که اگر این ارزش‌ها به درستی بازشناسی و بازخوانی نشود، آینده معماری با چالش روبه‌رو می‌شود. یکی از ویژگی‌های چارچوب پیشنهادی، امکان ارائه دسته‌بندی‌های جدید با افزایش شناخت نسبت به زمینه و معماری ایران می‌باشد. در ادامه براساس این چارچوب نظری پیشنهادی مفهوم کنش متقابل

مرحله اول: مطالعات نظری		روش‌شناسی
گام اول	مقدمات نظری (بین مسئله، اهمیت و ضرورت مطالعه، اهداف، روش‌شناسی (کلیدواژگان))	روش اسنادی (مطالعات کتابخانه‌ای)
گام دوم	بررسی نظریات پایه	برداشت میدانی، مصاحبه شفاهی، روش اسنادی (مطالعات کتابخانه‌ای)
گام سوم	بررسی ادوار معماری و شهرسازی معاصر شهر شیراز	
گام چهارم	تدوین مولفه‌ها و شاخص‌های شناسایی بناهای واجد ارزش در شهر شیراز (در مقیاس بنا، سایت و بافت)	
مرحله دوم: برداشت‌های میدانی		روش‌شناسی
گام اول	شناسایی و برداشت اولیه تمامی بناهای واجد ارزش معاصر شیراز	برداشت میدانی، مصاحبه شفاهی، تحلیل آماری
گام دوم	مستندسازی تفصیلی تجربیات منتخب	
گام سوم	گونه‌شناسی تحلیلی و تدوین راهنما و دستورالعمل‌های معماری	
مرحله سوم: تحلیل و نتیجه‌گیری		روش‌شناسی
گام اول	تحلیل نهایی آثار منتخب براساس شاخص‌های ساختاری	

زمینه و معماری، معماری بافت میانه شهر شیراز در ایران به عنوان نمونه موردی انتخاب می‌گردد و چارچوب پیشنهادی در آن مورد آزمون قرار می‌گیرد.

از دیگر اهداف این مطالعه، شناخت و تحلیل آثاری از معماری مسکونی شهر شیراز است که در گذر از معماری سنتی به مدرن تاثیرگذار بوده‌اند و سپس دستیابی به اصول و معیارهایی جهت تحلیل این آثار به لحاظ نحوه همپیوندی با زمینه می‌باشد. برای تحلیل و بررسی معماری معاصر شیراز، که نقطه شروع آن عصر جدید در نظر گرفته شده، لازم است عواملی را که در پیدایی این تغییر در نحوه دید و فکر مردم مؤثر افتاده‌اند مورد نظر قرار گیرد. بالندگی معماری معاصر شیراز در گذر از معماری شکلی و رسیدن به مفاهیمی متناسب با شرایط کنونی جامعه ایران است. لذا هدف از این پژوهش آن است که مسائل معماری امروز که به وجود آورنده محیط زندگی مردم شهر به شمار می‌آیند با دیدی تحلیلی مورد مطالعه قرار گیرد، عوامل بوجود آورنده آن‌ها لمس و خصوصیاتشان تجزیه و تحلیل شود. در راستای این پژوهش سعی می‌شود اهداف زیر دنبال گردد:

- دستیابی به چارچوب نظری مفهوم کنش متقابل زمینه و معماری
- تبیین معیارهای همپیوندی با زمینه و بررسی و تحلیل آثار معماری مسکونی بافت میانه شهر شیراز بر اساس آن معیارها

۱-۳-۱-۱- سؤالات پژوهش

- چگونه می‌توان مولفه‌های کنش متقابل زمینه و معماری را در بستر معماری مسکونی بافت میانه شهر شیراز بازخوانی کرد؟
- چگونه مولفه‌های زمینه در ابعاد تاریخی، اجتماعی، عملکردی و معماری ارتباط متقابل دارند؟
- ارتباط بین مولفه‌های زمینه و معماری مسکونی بافت میانه شهر شیراز در سطوح فرم و عملکرد چیست؟

۱-۳-۲- خروجی مورد انتظار

- شناسایی بناهای شاخص دوران انتقالی شهر شیراز که علی‌رغم پیروی از سبک دوران مدرن ردپای معماری سنتی شیراز را در خود دارند.
- بازشناسی نیازها و نیروهای کالبدی و غیر کالبدی مؤثر در معماری مسکونی بافت میانه شهر شیراز.

۱-۴-۱- روش تحقیق

رویکرد اصلی این پژوهش، رویکردی کیفی است؛ که تلاش می‌کند تا با به‌کارگیری مباحث نظری در مبحث مفهوم زمینه و مفهوم خانه، به درک بهتر و نیز نحوه تعامل این دو بپردازد. این پژوهش را می‌توان یک پژوهش کل‌نگر دانست. زیرا خانه یک مفهوم چندبعدی است و تفکیک این مفهوم در ابعاد مختلف می‌تواند از کلیت آن بکاهد. همچنین نحوه برهم‌کنش مؤلفه‌های مختلف زمینه بر آن، سبب می‌شود که راه مناسب برای فهم آن رهیافت کل‌نگر باشد. از سه رویکرد تحقیق کیفی شامل نظریه‌های زمینه‌ای، مردم‌نگاری و تفسیرگرایی، «نظریه‌های زمینه‌ای» برای این پژوهش برگزیده می‌شود چون در

نظریه‌های زمینه‌ای پژوهشگر در پی آن است که فارغ از ارائه باورها و تصورها، اجازه دهد که شرایط طبیعی محیط، داده‌ها را تعیین کند و سپس نظریه‌ای از میان داده‌ها به تکوین برسد (گروت و وانگ، ۱۸۰، ص. ۱۳۸۴). و در این پژوهش نیز قرار است یک نظریه جدید که همان چارچوب نظری مفهوم کنش متقابل زمینه و معماری است با تأمل در میان داده‌های موجود تدوین گردد. در پژوهش‌های حوزه ارتباط معماری و محیط (زمینه) می‌توان دو رویکرد کلی را پیشرو نهاد: رویکرد نخست، به کارگیری ساختارهای نظری در تحلیل موضع‌گیری‌های هنجاری است و رویکرد دوم، استفاده از روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. در پژوهش حاضر، به دلیل غنای مفهومی موضوع خانه و تلاقی آن با عرصه‌های مختلف، گریزی از رویکرد نخست، یعنی به کارگیری ساختارهای نظری در تحلیل موضع‌گیری‌های هنجاری، نخواهد بود. لیکن این رویکرد نمی‌تواند تنها رویکرد موجود در این پژوهش را تشکیل دهد. زیرا نیاز به مطالعه دقیق ارتباط زمینه و معماری، سبب می‌گردد تا رویکرد بعدی، یعنی استفاده از دیگر روش‌های کیفی نیز ضروری گردد. این پژوهش دارای چند بخش است. بخش نخست که در پی درک بهتر مفهوم زمینه و مؤلفه‌های زمینه‌گرایی است، از طریق مباحث نظری موجود و تحلیل و استنتاج از آنها، مفاهیم کلیدی یافت می‌شود. این روند در تبیین مفهوم خانه و نحوه ارتباط آن نیز ادامه می‌یابد. از این‌رو رویه استنتاجی بحث‌های کیفی پژوهش، به واسطه استدلال و قیاس‌های منطقی استحکام می‌یابد. تدابیر اصلی گردآوری اطلاعات در این زمینه، مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای بوده است. در بخش بعدی که به بررسی تحولات مستخرج، در بررسی و تحلیل نمونه موردی می‌پردازد، از سه سطح بهره گرفته شده است که هر سطح بنا به اقتضاء تدبیری خاص را طلب می‌کند. در سطح نخست نیز مانند بخش‌های قبلی، از رویه استنتاجی از طریق جمع‌آوری اطلاعات به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. در سطح دوم که به دنبال تحلیل کالبدی خانه‌ها است، علاوه بر روش‌های قبلی از راهبرد تفسیری-تاریخی نیز بهره گرفته شده است. از این طریق، پژوهشگر منابع داده‌های چندگانه را به گونه‌ای ترکیب کرده که بیانگر نفوذ فرهنگی گسترده، گستردگی پژوهش و یا تطابق کالبدی با زمینه، و درک ساکنان از خانه خود در ارتباط با محیط فرهنگی گسترده‌تر است. از مجموعه داده‌های غنی کسب شده در عملیات برداشت میدانی، نکات دقیق چگونگی و چرایی تأثیرپذیری متقابل زمینه و معماری مسکونی بافت میانه شیراز تشریح شده است.

۱-۴-۱-۱- رویه و فرآیند مستندسازی

در کلیه گام‌های فوق سه لیست پایه مورد کنکاش، بررسی و دقت نظر قرار می‌گیرد که روش‌شناسی این پژوهش در ارتباط مستقیم با آن لیست قرار دارد:

■ لیست اول: مجموعه مستندات، مدارک و اسناد

به‌صورت عمده این لیست برای شناسایی ادوار معماری معاصر و در پی آن معماری و شهرسازی مرتبط مورد استفاده قرار خواهد گرفت. درضمن به‌صورت ضمنی به شناسایی تجارب معاصر و دسترسی به اسناد و مدارک منجر خواهد شد.

■ لیست دوم: مجموعه مصاحبه‌ها با افراد مطلع (تاریخ شفاهی)

این لیست شامل حرفه‌مندان، مسئولین و شیرازشناسان است. که به تفکیک هر دسته به‌عنوان افراد مطلع، در شناسایی تجارب، جمع‌آوری اسناد و مدارک کمک خواهد نمود. تاریخ شفاهی یکی از مهم‌ترین منابع موجود در زمینه مستندسازی

تجارب معماری معاصر شهر خواهد بود.

■ لیست سوم: مجموعه تجارب معماری معاصر در شهر شیراز

این لیست عموماً مستخرج از دو لیست اولیه بوده که با مشاهدات میدانی و توسط گروه مطالعات میدانی تدوین و تکمیل خواهد گردید.

کلیه اقدامات این پژوهش فارغ از روش‌شناسی، ذیل گروه‌های زیر صورت خواهد گرفت:

۱- هیئت راهبردی

۲- گروه کارشناسان معماری و شهرسازی

۳- گروه برداشت‌های میدانی

۴- گروه مطالعات اسنادی

۱-۴-۲- تعریف کلیدواژه

■ معماری معاصر

اصطلاح معماری معاصر به معماری در «تاریخ معاصر ایران» اطلاق می‌شود. دوره‌ای از معماری ایرانی است که از سال ۱۳۰۰ خورشیدی تا به امروز ادامه دارد.

معماری معاصر ایران به ۵ دوره تقسیم می‌شود:

دوره نخست: از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی شامل معماری انجام گرفته در اواخر دوره قاجار و پهلوی اول

دوره دوم: از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ هجری شمسی شامل معماری انجام گرفته در دوره پهلوی دوم

دوره سوم: از سال ۱۳۴۰ تا ابتدای انقلاب ۱۳۵۷ معماری انجام گرفته در دوره پهلوی دوم

دوره چهارم: از آغاز انقلاب ۱۳۵۷ تا جنگ ایران و عراق معماری انجام گرفته در دوره انقلاب اسلامی

دوره پنجم: از پایان جنگ ایران و عراق تا امروز

■ مستندسازی در معماری

مستندسازی در معماری دارای رویکردی همه جانبه است؛ بدین معنی که کالبد بنا را از آغاز پیدایش و در طول تحولات، نه تنها به صورت منفرد، بلکه در پیوند با محیط، رخدادها، افراد و سبک‌ها بررسی و دانش پایه را جهت شروع عملیات ارائه می‌کند.

بخش دوم

بررسی نظریات پایه

(با هدف استخراج شاخص‌ها و اصول معماری هم‌پیوند با زمینه در منابع و متون)

۱-۲-۱- واژه‌شناسی

۱-۱-۲-۱- معماری بافت میانه

در ارتباط با شهر مورد مطالعه باید گفت، اگر امروز کلان شهرهای ما با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند، بافت‌های میانی اغلب زمینه‌ها و شرایط پایداری بهتری را در سازگاری با شرایط طبیعی ارائه می‌دهند. این شهرها با جمعیت ۵۰ تا ۲۵۰ هزار نفری، جایگاه خاصی در توسعه شهری-منطقه‌ای دارند (رهنمایی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۶). بررسی‌های کالبدی و جمعیتی شهر شیراز حاکی از آن است، که این شهر تحت تأثیر عوامل مختلف تاریخی، اجتماعی و اقتصادی به ساختاری با سه بافت قدیمی، میانی و بیرونی با الگوی رشد پراکنده رسیده است، که هر کدام دارای محدودیت‌ها و امکانات خاص خود می‌باشد (علی آبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۷).

به عنوان مثال شکل‌گیری بافت میانی شهر شیراز، مربوط به تحولات شهرنشینی دهه‌های آغازین قرن حاضر می‌باشد و در وضع موجود، این محدوده وسعتی برابر ۵۳۵ هکتار از مساحت شهر را دربرگرفته است. شکل‌گیری این بافت در ارتباط با شرایط خاص شهرسازی روز از نظم و قاعده خاصی پیروی می‌کند. این بافت چسبیده و به‌طور هماهنگ با بافت قدیمی به شکل شعاعی از محدوده بافت قدیم به سمت خارج در جهات مختلف گسترش یافته است. بافت میانی دارای انسجام کالبدی مطلوبی است و سیمای شهری در این بافت وضعیت مناسب‌تری نسبت به بافت قدیم و بافت جدید دارد. جهت‌گیری و معماری ساخت‌وسازها نیز تا حدودی در هماهنگی با ویژگی‌های اقلیمی منطقه است. متوسط قطعات مسکونی در این بافت بالای ۲۷۰ متر مربع مساحت دارد که بهترین وضعیت را در سطح شهر دارا می‌باشد.

۱-۲-۱-۲- زمینه

زمینه‌گرایی یکی از دیدگاه‌های رایج در معماری و شهرسازی است که زمینه را به مثابه رویدادی تاریخی می‌پندارد. زمینه‌گرایی ابتدا به ابعاد صرفاً کالبدی توجه داشت، اما به تدریج به ابعاد انسانی گرایید و حوزه مطالعات خود را به وجوه اجتماعی-فرهنگی جامعه گسترش داد (تولایی، ۱۳۸۰، ص ۳۶).

زمینه‌گرایان معتقدند که اجزای کالبدی شهر زیر پوشش نیروها یا ویژگی‌های درونی خود نمی‌باشند، بلکه به محیط و مجموعه پیرامون آن وابسته هستند. از این رو، نمی‌توان فقط در جستجوی خواص و ابعاد پدیده‌ها بود و به جوهر پدیده‌ها بدون توجه به بعد زمان و زمینه‌ای که در آن قرار دارند، نگرست. واحد تحلیل در این رویکرد، مطالعه بناها یا فضاها در ارتباط با عوامل محیطی آن است و هرگونه تغییر و دخالت در آن‌ها نیز به این عوامل وابسته می‌باشد (استکلس، ۱۹۸۷، ص ۱۵).

۱-۲-۱-۳- معماری معاصر

معماری معاصر ایران از موضوعاتی است که کمتر به صورت دقیق و با استفاده از تحلیل آثار و جریانات فکری دوران معاصر مورد بررسی قرار گرفته است و جایگاه خالی آن در دانش معماری ایران به خوبی قابل مشاهده است (مهدوی نژاد، ۱۳۸۵، ص ۱۲). معماری معاصر به فراخور شرایط زمانی، مکانی و جریانات اجتماعی، فرهنگی و آموزشی تأثیرات گوناگونی را به خود دیده که هر کدام بازتاب شرایط خاص سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران خود بوده‌اند. درعین حال نمی‌توان تغییرات ساختاری

فراوان و متمایز این دوران را بر معماری ایران نادیده گرفت (محمودی نژاد و پورجعفر، ۱۳۸۵، ص ۲۴). همچنین توجه به مؤلفه‌های مختلف در دوره‌های معماری گاه با افراط و تفریط‌هایی همراه بوده و با اهداف مختلفی دنبال شده که گاهی به‌عنوان ابزاری برای برتری جویی و تثبیت اندیشه‌های تعصب‌گرایانه و ملی‌گرایی افراطی به کار رفته و گاه به‌منظور تعدیل پیامدهای منفی دوره مدرن در سال‌های اخیر در راستای مواجهه با پدیده جهانی شدن دنبال شده است (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۸).

دگرگونی و تغییرات سریع و فراگیر معماری ایران به گونه‌ای است که می‌توان دریافت به یک‌باره گرایش به رویکردهای سنتی معماری ایران دستخوش تغییرات گوناگونی شده که این تأثیر بر اثر هجوم مدرنیزاسیون و ماشین‌سازم اتفاق افتاده است و با نگاهی اجمالی، این هجمه‌ها ره‌آورد دوران مدرن به‌شمار می‌آیند (محمودی نژاد و پورجعفر، ۱۳۸۵، ص ۲۴). این نگرش هماهنگ با دوران معماری معاصر غرب و تحت تأثیر آن، آثار برجسته‌ای را در سبک‌های متعدد اعم از مدرنیسم اولیه تا اعتلای مدرنیسم و جنبش‌های بعد از مدرنیسم به‌وجود آورد (قبادیان، ۱۳۹۳، ص ۹).

به‌علاوه بعد از تحول اجتماعی غرب و در پی انقلاب صنعتی، تحولات اجتماعی ایران به‌صورت وارداتی در نتیجه افزایش ارتباط با غرب اتفاق افتاد (مهدوی نژاد، ۱۳۸۵، ص ۲۲). چالش جامعه ایرانی با معاصر شدن و به تعبیر دیگری فرنگی شدن، از دو قرن پیش در محافل حکومتی و روشنفکری به بحثی غالب تبدیل شد. این روند در دوره بعد از انقلاب مشروطیت و دوره رضا خان به شیفتگی به معماری فرنگی و نهایتاً سیطره معماری غرب و مدرن انجامید. اما در دوره‌های اول شالوده و کالبد معماری ایرانی حفظ و روی آن تزیینات فرنگی نصب شد و در دوره‌های بعد، شالوده و کالبد معماری فرنگی اجرا گردید ولی تزیینات و صورت‌های معماری ایرانی روی آن چسبیده شد (شایان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲).

در معماری معاصر ایران هنوز دوران مدرن پیشین تا حدودی ناشناخته مانده و تمام ابعاد آن مورد نقد قرار نگرفته است (صارمی، ۱۳۸۵، ص ۳۱). با این همه درواقع تا امروز هیچگاه اندیشه بازگشت به هویت معماری ایرانی فراموش نشده است (محمودی نژاد و پورجعفر، ۱۳۸۵، ص ۲۵).

به‌همین دلیل است که معماری یکی از قلمروهایی است که بدون تردید می‌توان از آن به‌عنوان تجلی باورها و فرهنگ جامعه یاد نمود؛ و به این ترتیب نقش معماری در تبیین و احراز و تقویت و نمایش باورها و فرهنگ جامعه و در نتیجه در تجلی هویت (و به تبع آن، هویت انسان) به‌عنوان نقشی غیرقابل انکار محرز می‌شود (خسروی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۰). ولی تنوع رویکردها به یک‌باره گرایش‌های معماران ایرانی را آماج تعاملات و بازخوردهایی ویژه و ناموزون قرار می‌دهد، این هجوم را می‌توان نه تنها در معماری بلکه در شهرسازی هم به‌نظاره نشست (محمودی نژاد و پورجعفر، ۱۳۸۵، ص ۲۵). در هر صورت از آنجا که پرداختن به گرایش‌ها و رویکردهای معماری معاصر ایران برای جستاری بر یک تقسیم‌بندی، نیازمند اندیشه‌های انتقادی بر مفاهیم بنیادینی است همچون سبک، فرم، مفهوم، آموزش معماری که مبنای شکل‌گیری مؤلفه‌های تأثیرگذاری همچون ایده‌های طراحی، مکان و بافت‌های بستر طراحی، مفاهیم فضایی آثار و بناها، ریخت‌شناسی و شکل‌سازی بناها و همچنین مواد و مصالح مورد استفاده است، باید با شناخت زوایای پنهان آثار معماران این سه نسل، آن هم در یک رویکرد نقد مشخص، امکانی را برای تقسیم‌بندی یا معادل‌یابی در معماری ایران در انطباق با

معماری معاصر جهان فراهم کرد. در عین حال باید اشاره کرد که تقسیم‌بندی و ارزیابی و نوع نگرش به گرایش‌ها و آثار مهم معماران معاصر ایران به دلیل گوناگونی سبکی یا نحله‌های فکری با خوانش‌های ایرانی از جریان‌های معاصر بررسی احتمالی را دچار چالش می‌کند. در هر صورت این امر ضروری به نظر می‌رسد که پیش از هرگونه بررسی در معماری معاصر که ناخواسته از دل نقد جریان‌های معماری بیرون می‌آید، دید تاریخی مد نظر قرار می‌گیرد، که این نگرش با بررسی آثار و نوع نگرش معماران معاصر ارزیابی می‌شود، زیرا معماری در مواجهه با این دوره گزینی تاریخی دارای نتایج متمایز و گه‌گاه متغیری می‌شود.

علاوه براین، با نگاهی به تاریخ معماری معاصر و برهم‌کنش آن با جریان‌ات تجدد و فراتجدد و تحولات سیاسی و اجتماعی، می‌توان دریافت که تأثیر این جریان‌ها در معماری به‌طور کامل در انطباق با یک دوره تاریخی ویژه روی نمی‌دهد. با این دیدگاه، ارزیابی نسل‌های معماری معاصر ایران یادآور این نکته نیز می‌شود که معماری ایران همانند دیگر شرایط اجتماعی یا مقتضیات فرهنگی، به‌طور کامل بر این جریان‌ها منطبق نمی‌شود و باید به این نکته توجه داشت که یک اثر معماری باید در شرایط خاص زمانی و مکانی و براساس مؤلفه و مقتضیات تاریخی خود مورد نقد قرار گیرد و نمی‌توان نسخه‌ای جامع و مانع برای تقسیم‌بندی معماری معاصر پیچید (محمودی نژاد و پورجعفر، ۱۳۸۵، ص ۲۵). دوره معاصر تغییرات گسترده‌ای را در بیشتر حوزه‌ها و از جمله نظریه‌های معماری به همراه داشته، دیدگاه‌های متنوع و متکثری را مطرح نموده و در مواردی نیز به اندیشه‌های دیرین و ریشه‌دار انجامیده است (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۸).

بدون شک تلاش برای رسیدن به مؤلفه‌های معماری روز باید از عوامل معماری گذشته نیز استفاده کرد همچنین در این شکی نیست که هر معمار باید میراث گذشته خود را شناخته، از آنها آموخته باشد و مهم‌تر از همه از آن لذت برده باشد و خود را در تجربه فضایی آنها شریک کرده باشد. ولی این تجربه نباید در سطح متوقف بماند بلکه باید آثار معماری گذشته را درونی کرد (شکوفی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۸). این امر با نگاهی تطبیقی به معماری ایران بیشتر خود را نشان می‌دهد در هر صورت هر برهه تاریخی به فراخور زمان خویش تأثیراتی بر گرایش‌های معماری و میزان اندیشیدگی معماران می‌گذارد و این تأثیرات و آشنایی با تحولات رایج معماری دنیا را نمی‌توان در خلق آثار معماری ایشان نادیده گرفت. این گفتار تقسیم‌بندی گرایش‌ها و رویکردهای معماران معاصر ایران را براساس جریان‌ات فکری و خوانش معماران دوره‌های معاصر ایران از رگه‌ها و نشانه‌های موجود در متن اثر و مؤلفه‌های طراحی مورد بحث قرار می‌دهد. به‌عنوان نمونه بررسی بسیاری از آثار معماری معاصر ایران نشان می‌دهد که هر چند این آثار در شکل کلی خود متقارن نیستند، اما نوعی نظم هندسی در آنها قابل پیگیری است (سیلوايه و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۳).

۱-۲-۴- معماری زمینه‌گرا

زمینه در لغت به معنای مجموعه شرایط یا واقعیت‌های است که یک موقعیت یا شرایط را در بر می‌گیرد و همچنین به معنای شرایطی که چیزی در آن اتفاق می‌افتد و به فرد کمک می‌کند تا آن را درک نماید. هر پدیده در محیط پیرامون خود تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌گیرد و در تعامل با یکدیگر هستند. به‌طور کلی زمینه‌گرایی سازگاری با زمینه‌های کالبدی، اقلیمی، تاریخی و اجتماعی فرهنگی است (برولین^۱، ۱۳۸۳).

1. Brolin

جدول ۱-۱- نظریه نظریه پردازان در رابطه با معماری معاصر (منبع: نگارنده)

نظریه	سال	نظریه پردازان
تسا زمانی که معماری را با تحولات اجتماعی اقتصادی و در پیوند با آن در نظر نگیریم، نمی‌توانیم بدانیم شخصی برای شروع تحول و تغییر معماری زمان حاضر تصور کنیم. به این منظور لازم است قدری به گذشته برگردیم و عواملی را که باعث تغییرات و تحولات اجتماعی ایران شده‌اند، بررسی و همپای آن، تحولات معماری را بررسی و تحلیل کنیم.	۱۳۷۵	ایرج اعتصام
این روند در دوره بعد از انقلاب مشروطیت و دوره رضا خان به شیفتگی به معماری فرنگی و نهایتاً سیطره معماری غرب و مدرن انجامید. اما در دوره‌های اول شالوده و کالبد معماری ایرانی حفظ و روی آن تزیینات فرنگی نصب شد و در دوره‌های بعد، شالوده و کالبد معماری فرنگی اجرا گردید ولی تزیینات و صورت‌های معماری ایرانی روی آن چسبیده شد.	۱۳۸۵	شایان
در معماری معاصر ایران هنوز دوران مدرن پیشین تا حدودی ناشناخته مانده و تمام ابعاد آن مورد نقد قرار نگرفته است.	۱۳۸۵	صارمی
دگرگونی و تغییرات سریع و فراگیر معماری ایران به گونه‌ای است که می‌توان دریافت به یکباره گرایش به رویکردهای سنتی معماری ایران دستخوش تغییرات گوناگونی شده که این تاثیر بر اثر هجوم مدرنیسم و ماشین‌سازم اتفاق افتاده است.	۱۳۸۵	محمودی‌نژاد و پور جعفر
بعد از تحول اجتماعی غرب و در پی انقلاب صنعتی، تحولات اجتماعی ایران به صورت وارداتی در نتیجه افزایش ارتباط با غرب اتفاق افتاد.	۱۳۸۵	مهدوی‌نژاد
دوره معاصر تغییرات گسترده‌ای را در بیشتر حوزه‌ها و از جمله نظریه‌های معماری به همراه داشته، دیدگاه‌های متنوع و متکثری را مطرح نموده و در مواردی نیز راجع به اندیشه‌های دیرین و ریشه‌دار انجامیده است.	۱۳۹۲	بایزیدی و همکاران
معماری یکی از قلمروهایی است که بدون تردید می‌توان از آن به عنوان تجلی باورها و فرهنگ جامعه یاد نمود؛ و به این ترتیب نقش معماری در تبیین و احراز و تقویت و نمایش باورها و فرهنگ جامعه و در نتیجه در تجلی هویت (و به تبع آن، هویت انسان) به عنوان نقشی غیرقابل انکار محرز می‌شود.	۱۳۹۲	خسروی و همکاران
در هر صورت هر برهه تاریخی به فراخور زمان خویش تاثیراتی بر گرایش‌های معماری و میزان اندیشیدگی معماران می‌گذارد و این تاثیرات و آشنایی با تحولات رایج معماری دنیا را نمی‌توان در خلق آثار معماری ایشان نادیده گرفت.	۱۳۹۲	سیلویاه و همکاران
این نگرش هماهنگ با دوران معماری غرب و تحت تاثیر آن، آثار برجسته‌ای را در سبک‌های متعدد اعم از مدرنیسم اولیه تا اعتدالی مدرنیسم و جنبش‌های بعد از مدرنیسم به وجود آورد.	۱۳۹۳	قبادیان
جریان نوین معماری ایران تلاش دارد نوعی معماری بیافریند که در تداوم و تکامل معماری گذشته این سرزمین بوده و بتواند جایگاه شایسته را در معماری معاصر جهان به خود اختصاص می‌دهد	۱۳۹۵	میرهادی میرمیران
معماری معاصر ایران سیر پرفراز و نشیبی را در طی بیش از یکصد سال اخیر در صنعت تکمیل و توسعه خود سپری نموده است. نکته اصلی که بر تمامی رویدادهای این اثر سایه افکنده و وجه تمایز آنها با رویدادهای پدید آمده در تمامی اعصار پیش است مواجهه فرهنگ ایرانی با فرهنگ مغرب‌زمین می‌باشد. که دیگر نقش هم‌حضور را برعهده نداشته و به عصر تاثیر گذاری مستقیم و غیرمستقیم و یا حتی فراتر از آن به اقتباس از تقلید کشانده شده است.	۱۳۹۵	حمید انصاری ایران

معماری زمینه‌گرا بر زمین‌مداری و پیوند محیط با فضا تأکید دارد و با درک پیام بستر خود شکل می‌گیرد و در واقع پیامی را که بستر معماری به او انتقال داده به عینیت رسانده و طراحی می‌کند، در نتیجه ساختمان جزئی کوچک از طبیعت پیرامونی خواهد بود (پوردیهیمی، ۱۳۹۰).

هگل، هردر، آرنولد توین‌بی به رابطه میان انسان و محیطش اشاره می‌کنند و اهمیت محیط طبیعی‌اش را باز شناخته‌اند، لکن توأمان بر توانمندی انسان به پاس‌خگویی و شکل دادن به جهان تأکید کرده‌اند. واضح است که انسان نه تنها طبیعت، بلکه خود، اجتماع و فرهنگ را نیز می‌سازد (شولتز^۱، ۱۳۸۸).

یکی از اصول اساسی مارکسیسم این است که انسان به‌عنوان موجودی زیست‌شناختی بخشی از طبیعت است و مکان انسان ساخت فهم او از محیطش را نمایان می‌سازد، تکمیل می‌کند و نهادینه می‌سازد (همان، ص ۹۹).

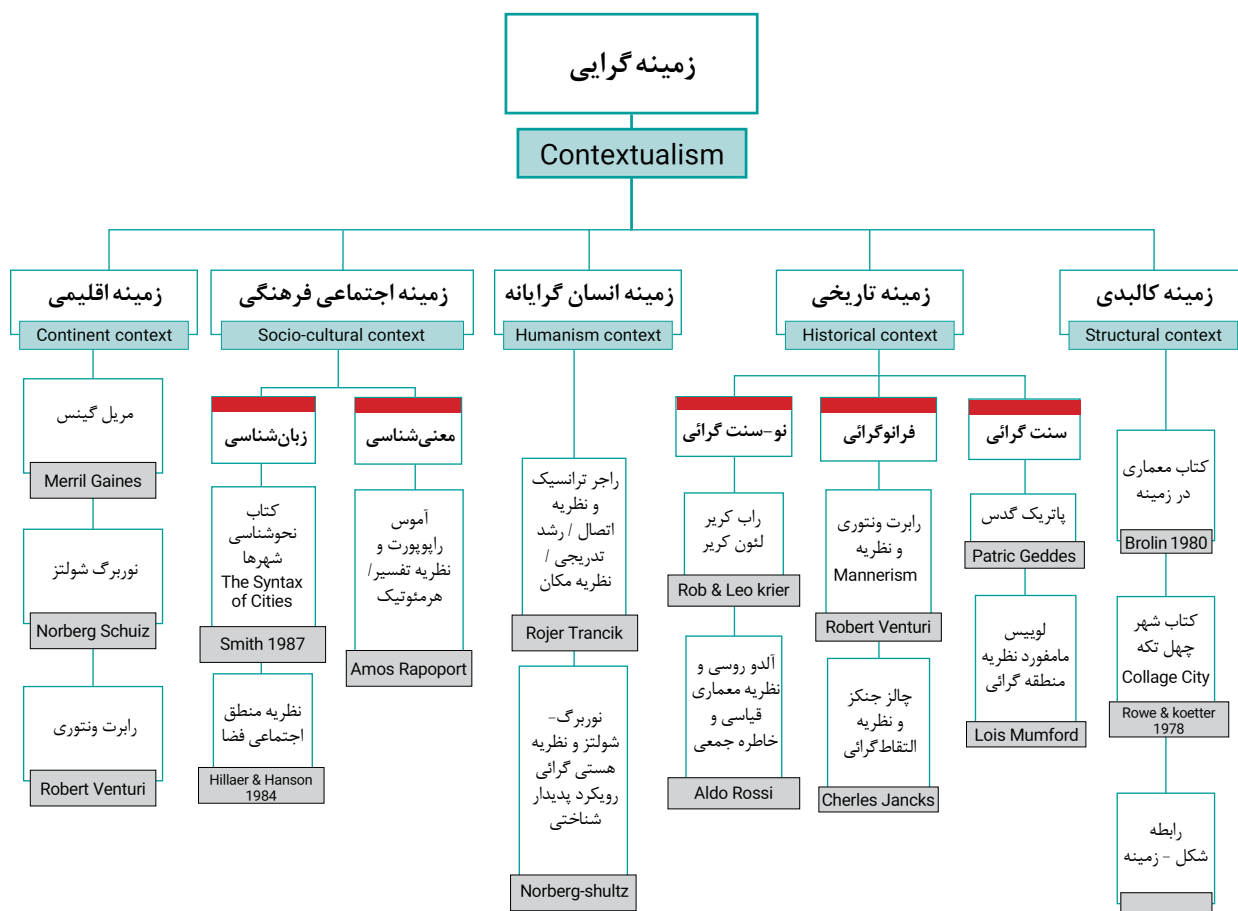
معماری زمینه‌گرا نه تأکید بر تقلید دارد و نه مانع نوآوری و خلاقیت است. پیام آن ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون اثر معماری است و نشان می‌دهد که این توجه می‌تواند هم برای خود اثر معماری و هم برای زمینه عاملی مثبت و تقویت‌کننده باشد. معماری زمینه‌گرا تلاشی است برای نشان دادن توان ایجاد محیط مطلوب بصری در مقیاسی کلان‌تر از معماری. از نظر ادموند بیکن در معماری رنسانس این موضوع به‌خوبی رعایت شده و موفقیت فضاها و نماهای شهری این دوره را تضمین نموده است. ارتباط بصری، ویژگی‌های رموزی که توسط متخصصین حرفه‌ای قابل درک باشند نبوده، بلکه ویژگی‌های ساده و ابتدایی هستند. تناسبات پنجره‌ها، محل قرارگیری درب ورودی، عناصر تزیینی، سبک، مصالح و خط آسمان نمونه ویژگی‌هایی هستند که به‌وجودآورنده وحدت و یا عدم‌وحدت و یکپارچگی یک خیابان، محله یا منطقه می‌باشند. هر محل برای خود دارای ترکیبی از این عناصر و درجه آزادی برای ایجاد تنوع در طراحی می‌باشد. یک ساختمان برای تناسب با زمینه و تقویت وحدت بصری منطقه، نیازی به تقلید دقیق شکل و فرم ساختمان‌های مجاور ندارد، بلکه می‌بایستی ویژگی‌های مشترک و اساسی معینی را داشته باشد (حسین پور و همکاران، ۱۳۹۲).

طراح و معمار باید پیام زمینه و بسط‌تر طرح و متنی را درک کند و پس از آن با توجه به شرایط موجود طراحی کند. طراحی باید مبتنی بر نگرشی واقع‌بینانه بر اطلاعات محیط باشد و ساختمان باید با ساختگاه خود تعاملی درست و متوازن برقرار کند به گونه‌ای که آندو می‌گوید: معماری کشف بنایی است که سایت آن را می‌طلبد، در نظر او معماری و زمینه در تعاملی دو جانبه پایه‌گذاری معماری هستند. در معماری زمینه‌گرا، معماری نه تنها برای مکان شدن عمل می‌کند و نه برای فضا شدن بلکه به باز تولید نیروی محیطی و مکمل‌های متافیزیکی آن می‌پردازد. معماری زمینه‌گرا، معماری است که به خلق آثار مطلوب‌تر و متعالی‌تر در موازنه محیط منجر می‌شود. معماری که در عین حال که به گونه‌ای ضمنی به تمایز مکان نظر دارد به صراحت تداوم ارزش‌های کالبدی و غیرکالبدی مکان یا زمینه موجود را خواستار است با این حال خلق ارزش‌های جدید را نفی نمی‌کند. رویکرد اصلی زمینه‌گرایی، درک ارزش‌های زمینه و تداوم در آینده است (بهمنی، ۱۳۹۵، ص ۵۷).

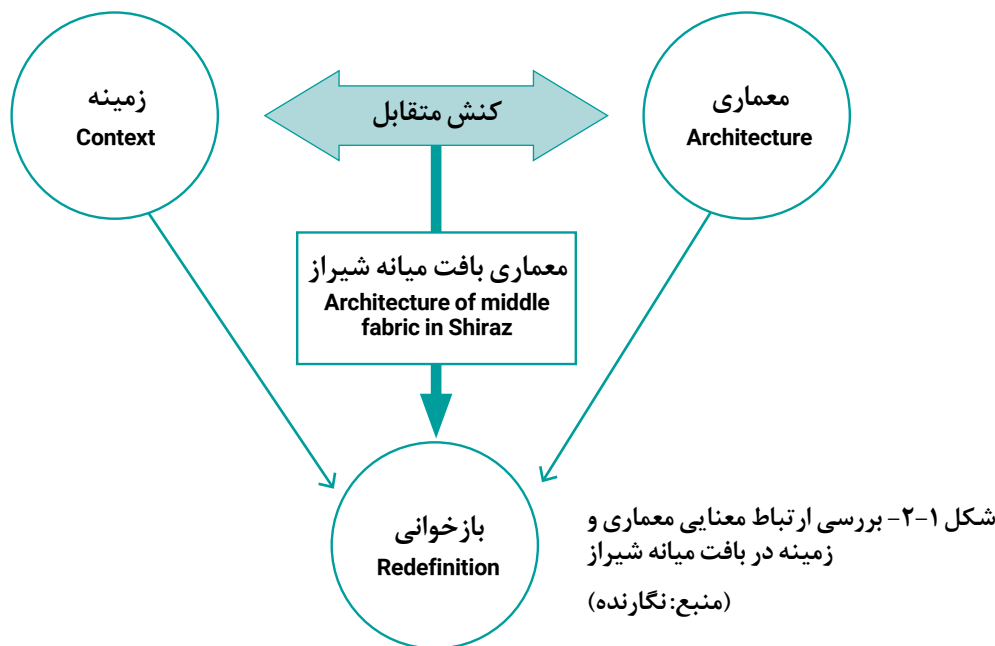
برهمن مبنای معماری زمینه‌گرا به ضرورت توجه به محیط پیرامون اثر معماری تأکید دارد و براین باور است که توازن میان

1. Schulz

معماری و محیط می‌تواند هم برای خود اثر و هم برای زمینه عاملی مؤثر و تقویت‌کننده باشد. زمینه‌گرایی الگویی برای خلق محیط مطلوب‌تر است. لذا شناخت و آگاهی بیشتر و درکی عمیق‌تر نسبت به زمینه و محیط برای معماران و طراحان امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. معماری زمینه‌گرا تلاشی است برای نشان دادن توان محیط مطلوب بصری در مقیاسی کلان‌تر از معماری. پیام معماری زمینه‌گرا ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون اثر معماری است (برولین، ۱۳۸۳). در واقع زمینه‌گرایی مبتنی بر این اصل است، که یک پدیده به‌صورت مجزا و مجرد از پیرامون خود قابل تصور نیست و پدیده‌ها تنها در انحصار نیروها، جوهره و ویژگی‌های درونی خود نمی‌باشند بلکه به محیط و مجموعه پیرامون خود وابسته‌اند. هر پدیده در محیط پیرامون خود تأثیر می‌گذارد و از آن نیز تأثیر می‌گیرد و در تعامل با یکدیگر هستند. در واقع کل هستی به هم پیوسته است و هر جزئی مؤثر در کل است و هر تغییر در جزء، در کل هستی تأثیری حتمی از خود به جا خواهد گذاشت. شولتز برای فهم روح مکان مفاهیم معنا و ساختار را مطرح می‌کند. معنای هر شیء ریشه در روابط آن با اشیای دیگر دارد. ساختار در عوض، به ویژگی‌های شکلی و فرمی مجموعه‌ای از روابط اشاره دارد. به‌طور کلی زمینه‌گرایی، سازگاری با زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی- فرهنگی است که بر طبق آن طراح زمینه‌گرا باید قادر باشد ویژگی‌های مکان را دریابد و آن را بخشی از فرآیند طراحی خود قرار دهد (تولایی، ۱۳۸۰).



شکل ۱-۱- دسته‌بندی زمینه‌گرایی و نظریه‌پردازان هر زیرمجموعه (منبع: نگارنده)



۱-۲-۲-۱- نظریه‌های پایه

۱-۲-۲-۱- زمینه کالبدی

در زمینه‌گرایی، اجزای شکل شهر به تنهایی ارزیابی و مطالعه نمی‌شوند، بلکه در زمینه وسیع‌تر محیطی قرار می‌گیرند. یک اثر معماری با نظام بزرگ‌تر شهری مرتبط است و در سلسله‌مراتبی از مجموعه‌ها قرار دارد. بنابراین، زمینه‌گرایی پیوند میان معماری و شهرسازی در زمینه‌ای معین است. به عبارت دیگر، زمینه جایی است که معماری و شهرسازی را به هم مربوط می‌سازد. گرایش شهرسازان به ساخت‌وساز در مجموعه موجود به معنی درهم بافتن نو و کهنه به نحوی است که بتواند یک کل زنده و مطلوب ایجاد کند (واتر هاوس^۱، ۱۳۸۷، ص ۷). پس باید تعهد خاصی نسبت به مسئله ورود معماری جدید در درون زمینه موجود احساس شود.

برولین^۲ (۱۹۸۰) در کتاب «معماری در زمینه» به برخی از پرسش‌های اساسی در این خصوص چنین پاسخ داده است. از این پاسخ‌ها می‌توان تا اندازه‌ای به نقاط قوت و ضعف این رویکرد پی برد:

الف) چه نکاتی ارزش زمینه‌ای معین را مشخص می‌کند؟ در ابتدا اهمیت تاریخی، فرهنگی، جذابیت و درجه همگنی بصری را در نظر می‌گیریم. اگر از این لحاظ فاقد ارزش بود، به سنت منطقه‌ای نگاه می‌کنیم. اگر آن هم جواب‌گو نبود، باید به قدری پرتوان کار کرد که نتیجه بصری آن زمینه‌ای برای کار دیگران باشد. اگر در موقعیت گذار هستیم یعنی نو و کهنه با هم در کشمکش‌اند، باید توجه داشت مردمی که قرار است در آن وضعیت زندگی کنند کدام یک را زیباتر و معنی‌دارتر می‌انگارند.

ب) وقتی زمینه همگن نیست و آمیزه‌ای از عناصر گوناگون است چه باید کرد؟ اگر زمینه به‌طور مطلق ناهمگن است،

1. water house

2. Brolin

باید گفت که دیگر زمینه‌ای وجود ندارد که بتوان تداوم بصری را در آن تجربه نمود. در این حالت باید به نمونه‌های موفق که مورد توافق عامه و متخصصان است رجوع کرد.

ج) چه وقت می‌توان شکاف تندروانه با زمینه ایجاد کرد؟ در موارد خاص، به خاطر ارزش نمادین و یا زدودن گذشته‌ای ناهمگن می‌توان زمینه را نادیده گرفت.

د) آیا طراحی در درون زمینه لزوماً باعث یکنواختی می‌شود؟ باید میان تنوع بصری که اغتشاش ایجاد می‌کند و تنوعی که در آن توازن دیده می‌شود؛ فرق گذاشت. یکنواختی و اغتشاش دوروی یک سکه‌اند و هر دوی آن‌ها ناخوشایند هستند.

ه) چگونه ایده تداوم بصری در مقیاس وسیع شهرسازی عملی می‌شود؟ برای احداث شهری جدید که زمینه معماری در آن وجود ندارد، باید به لحاظ نظری قواعدی در نظر گرفت. در این خصوص یکی از کاراترین شیوه‌ها برای ایجاد تداوم بصری، اتصال توده و فضا به یکدیگر است.

بناها قابلیت امتداد در فضا را دارند، زیرا جوهر فضا تداوم است و فضا واسطه‌ای است که در آن اشکال با هم رابطه متقابل برقرار می‌کنند. اما برای توسعه در شهر موجود:

۱) گاه توسعه جدید را به زمینه موجود ربط می‌دهیم.

۲) گاه توسعه فقط از طریق اتصال لبه در درون محدوده‌ها به تدریج یا به سرعت، انجام می‌گیرد.

۳) گاه معماری کاملاً متفاوت به عنوان نمادی از آینده به آن تزریق می‌شود. اگرچه مورد اخیر با ایده زمینه‌گرایان چندان همخوانی ندارد، اما از همه متداول‌تر است.

و) آیا حفظ تداوم بصری در واحدهای همسایگی به معنی پرهیز از هرگونه تغییر است؟ ایجاد حس تداوم بصری به معنی نمادین کردن یک واحد همسایگی نیست. نمونه‌های تاریخی نیز نشان می‌دهند که تنوع نوآوری و تغییر بدون آسیب‌رساندن به همگنی بصری امکان‌پذیر است. واضح است که وقتی رابطه با زمینه تهدیدی مستقیم برای خلاقیت به حساب بیاید و یا شهرسازان بخواهند به سنت خصمانه بنگرند، نتیجه چه خواهد شد (برولین^۱، ۱۹۸۰، ص ۱۴۸-۱۵۳).

بنابراین، زمینه خود می‌تواند منشأ الهام برای طراحی باشد. به این منظور چند پیشنهاد ارائه کرده‌اند:

۱) به‌طور کامل از نقش مایه‌های موجود تقلید شود.

۲) اشکال اصلی مشابه هم را در نظر گیرند و آرایش آن‌ها را تجدید کنند.

۳) اشکال جدیدی بسازند که مشابه تأثیر بصری بنای قدیمی باشند (تاگنات^۲، ۱۹۸۷، ص ۱۲۱).

در هم‌پیوندی کالبدی با زمینه، طراح نه تنها خود شیء بلکه رابطه متقابل آن را با سایر اشیای موجود در زمینه ملحوظ می‌دارد؛ زیرا معتقد است که شکل بناها بر اشکال مجاور و نزدیک آن تأثیر می‌گذارد. هواداران این دیدگاه در تکمیل عناصر رویکرد خود، رابطه بناها و فضاها را با هم در نظر می‌گیرند. در نظر آنها طراحی مجموعه‌ای از اصول برای ایجاد رابطه متقابل یا پیوند میان ساختارهای چندگانه معاصر از طریق طراحی تکه‌به‌تکه و در مقیاس خرد است (تولایی، ۱۳۸۰، ص ۴۲).

1. Brolin
2. Tugnut

در هم‌پیوندی کالبدی با زمینه، اجزای شهر و اشکال آن به تنهایی ارزیابی و مطالعه نمی‌شوند، بلکه در زمینه وسیع‌تر محیطی قرار می‌گیرند. یک اثر معماری با نظام بزرگ‌تر شهری مرتبط است و در سلسله‌مراتبی از مجموعه‌ها قرار دارد (تولایی، ۱۳۸۰، ص ۳۵).

گرایش شهرسازان به ساخت‌وساز در «مجموعه موجود» نیز به معنی در هم بافتن نو و کهنه به نحوی است که بتواند یک کل زنده و مطلوب ایجاد کند. بنابراین زمینه می‌تواند منشأ الهام برای طراحی باشد. نوآوری و ساخت‌وساز جدید در هرگونه بافت شهری باید با در نظر گرفتن و رعایت قواعد کالبدی باشد که عبارت‌اند از: سازگاری مقیاس عناصر با زمینه، پیوستگی نما به منظور ایجاد رابطه میان بناها، ارتفاع طبقات و سلسله‌مراتب بلندی بناها، انسجام تک‌بناها، ردیفی شدن بازشوها، انتخابی کاربردی و ترکیبی از مصالح، سیمای بام خانه‌ها، نسج و رنگ بناها و تنوع محلی (ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹، ص ۱۰).

۱-۲-۲- نظریه پردازان زمینه کالبدی

برولین (Brolin). 1980. "Architecture in Context"

بر طبق نظریه برولین ابتدا اهمیت تاریخی فرهنگی در سایت و درجه همگنی بصری را در نظر می‌گیریم و در صورت فاقد ارزش بودن، به سنت منطقه‌ای نگاه می‌کنیم اگر آن هم نبود باید به قدری بتوان کار کرد که نتیجه بصری آن زمینه‌ای برای کار دیگران باشد.

در صورتی که زمینه همگن نباشد و آمیزه‌ای از عناصر گوناگون باشد باید گفت که دیگر زمینه‌ای وجود ندارد که بتوان تداوم بصری را در آن تجربه نمود، در این حالت باید به نمونه‌های موفق که مورد توافق عامه متخصصان است رجوع کرد؛ اما در موارد خاص می‌تواند به دلیل ارزش نمادین اثر زمینه را نادیده گرفت. (برولین^۱، ۱۹۸۰)

آنتونی تاگنات (Tugnutt Anthony). 1987. "Townscape Making"

بنابراین زمینه خود می‌تواند منشأ الهام برای طراحی باشد به این منظور چند پیشنهاد ارائه کردند:

- ۱) به‌طور کامل از نقش‌مایه‌های موجود تقلید شود؛
- ۲) اشکال اصلی مشابه هم را در نظر گیرند و آرایش آنها را تجدید کنند؛
- ۳) اشکال جدیدی بسازند که مشابه تأثیر بصری بنای قدیمی باشند. (تاگنات^۲، ۱۹۸۷)

کالین رو و فرد کوتر (Koetter Fred & Rowe Collin). 1978. "Collage City"

آنها با هدف اتصال بهتر بناها با زمینه از معماران خواستند تا بر روی نواحی کوچک‌تر متمرکز شوند و در پی آن با بهره‌گیری از عناصر موجود در بافت شهری بتوانند روابط فضایی گذشته و آینده را در شهر به خوبی تعریف کنند، بنابراین هر نشانه بصری می‌تواند از زمینه یا متنی معین جدا شود و زمینه‌ها و متون جدید را ایجاد کنند. این کلاژ

1. Brolin
2. Tugnutt

به سلیقه و قراردادهای حاضر در جامعه وابسته نیست و می‌تواند به فرهنگ عامه یا اشخاص و یا به هر زمان و مکان متعلق باشد، بنابراین برای طراحی شهر به تاریخ و سنت رو نمی‌کند بلکه با الهام از کوبیسم زمان حال را زمینه طراحی قرار می‌دهد.

شهر مجموعه‌ای از حوزه‌ها است. هر حوزه ناحیه وسیعی است که ویژگی‌های فضایی-شکلی آن با سازماندهی توده‌ها و فضاها در الگوهای منسجم و دقیق و قابل شناسایی زمینه تعریف می‌شود. پنج ویژگی حوزه عبارتند از: (۱) داشتن مرکز یا مراکز؛ (۲) بافت که شامل تراکم و تاروپود می‌شود؛ (۳) مشخص ساختن انواع خاصی از الگوها مثل: الگوی خطی، متحدالمرکز، شعاعی روابط فضایی میان بناها را تعریف می‌کنند؛ (۴) لبه که ممکن است توده یا فضا باشد؛ (۵) مناطق یا حوزه کوچکت‌ر که در آن گروه‌های خاصی از اشیا یا الگوها قابل تشخیص‌اند (کوتر^۱، ۱۹۷۸).

اسمیت (Smith). 1973. "City as Organism"

جنبه ادراکی و روش‌شناسی کلاژ شهر بر اصل شکل-زمینه گشتالت استوار است، که مراد از آن تصویری انتزاعی است که به‌طور همزمان مجموعه‌ای از الگوی اشکال سیاه بر روی زمینه سفید یا مجموعه‌ای از الگوی اشکال سفید بر روی زمینه سیاه را شامل می‌شود. روان‌شناسان گشتالت به شیوه‌های گوناگون نشان دادند که هنگامی الگوی یک شیء مشخص می‌شود، که یک شکل در برابر زمینه قرار گیرد (اسمیت^۲، ۱۹۷۳).

گاسلینگ (Gosling). 1996. "Vision of Urban Design"

در مورد وابستگی متقابل اشیا با کل صحبت می‌کند و معتقد است که انسان‌ها برای کل برتری ذاتی قائل‌اند تا حدی که کاستی‌های صحنه‌ای را کامل نشده در ذهن یا در واقعیت تکمیل می‌کنند آنها شش شرط را نام می‌برند که نقش اساسی در ایجاد شکل بهتری دارد همجواری، شباهت اشکال تکمیل شده، خط مرزی یا کناره نما، حرکت مشترک و تجربه (گاسلینگ^۳، ۱۹۹۶).

استیونز (Stevens). 1973. "Integration and the Concept of Self"

نظریه وابستگی متقابل، ادراک اشکال سیاه و سفید را در روان‌شناسی گشتالت نشان می‌دهد. تصاویر زمانی ادراک می‌شود که ابتدا اشکال به‌طور جداگانه ادراک شده و سپس انسجام یابند (استیونز^۴، ۱۹۷۳).

آشیهارا (Ashihara). 1983. "The Aesthetic Townscape"

با استفاده از یافته‌های آنان به تدریج مبانی نظریه شکل-زمینه فضا در شهرسازی شکل گرفته است. این نظریه مبتنی بر مطالعه ساختمان‌هایی که به‌طور نسبی سطح زمین را پوشانده‌اند و به‌صورت توده (شکل) و فضای باز خالی (زمینه) ظاهر شده‌اند. هر محیط شهری الگوی خاص برای توده و فضا دارد اما طراحی شهری در صورتی موفق

1. Koetter
2. Smith
3. Gosling
4. Stevens

است که بتواند میان توده و فضا هم‌زیستی مثبت ایجاد کند.

چینی‌ها معتقدند که جوهر هر چیز تهی بودن است و آن را CH می‌نامند. تهی بودن اساس زندگی و نیروی حیات بر عالم است و اعتقاد بر این است که از هم‌زیستی میان نیروهای متضاد یین و یانگ نیروی مثبت حاصل می‌شود. هزاران شکل موجود در جهان در یین و یانگ آشکار می‌شود و این دو اصل به نوبه خود در همه چیز وجود دارند. اگر شخصی در فضای معین خالی یک دایره ترسیم کند فضای درون دایره خود را از فضای بیرون جدا کرده و یک فضای همگرایی ایجاد می‌کند به عبارت دیگر “یانگ” از فضای “یین” ایجاد می‌شود (آشیهارا^۱، ۱۹۸۳).

فوترمن (Futter man). 1991. "The Composition of Spatial Sequence in Urban Design"

در کولاز شهر روش ترکیب ویژگی‌های فضایی-شکلی شهر سنتی با شهر معاصر و ترکیب نوع آرمانی و زمینه تجربی سنتی موجود در دو مرحله انجام می‌شود: الف) در مرحله اول، فرآیند طراحی مبتنی بر روش قیاس است و از طریق تجرید و تحلیل شکل-زمینه ابتدا الگوها و خصوصیات هر حوزه را مشخص و سپس ویژگی‌های حوزه‌های مجاور را تعیین می‌کنند. تحلیل سایت بر اساس تهیه نقشه در مراحل زیر انجام می‌شود:

۱) شکل-زمینه؛ ۲) انواع فضاها و شکل‌های ناحیه، پروژه یا توده در فضا؛ ۳) تفاوت‌های بافتی در ناحیه پروژه؛ ۴) نشان دادن نوعی از الگوی شهری؛ ۵) توزیع عناصر اصلی؛ ۶) سلسله‌مراتب فضاهای باز
ب) در مرحله استقرایی فرآیند طراحی به صورت انتخاب با تحمیل نوع آرمانی به زمینه انجام می‌شود. یک نوع آرمانی از میان بلوک‌های شهری نوگرایانه، بخش‌های تاریخی حوزه‌ها یا مجموع تکه‌ها از زمینه موجود انتخاب می‌شود. انتخاب شکل از میان هریک از این‌ها برآیندی از محدودیت‌های شکلی زمینه و محدودیت‌های فرهنگی و آرمان‌های جامعه است (فوترمن^۲، ۱۹۹۱).

استوارت کوهن (Stuart Cohen). 1976. "Research"

استوارت کوهن از شاگردان کالین‌رو به منظور تکمیل رویکرد زمینه‌گرایی، بعد تاریخی، اجتماعی و فرهنگی را به این نظریه افزود (کوهن^۳، ۱۹۷۶).

هلی (Healy). 1997. "Cities Meaning: the new urban context"

از آنجا که زمینه‌گرایی اقتباس شکل از زمینه است؛ از انواع زمینه‌های طبیعی تاریخی، روانی، فرهنگی و ساخته دست انسان را در نظر می‌گیرد و چون حفظ و تداوم نظم شکلی گذشته را مبنای تولید شکل می‌داند، حتی آرمان‌ها را مشروط به شرایط از قبل موجود یا سنت‌ها می‌کند (هلی^۴، ۱۹۹۷).

1. Ashihara
2. Futter man
3. Cohen
4. Healy

۱-۲-۲- زمینة تاریخی

تاریخ‌گرایان بر این عقیده‌اند که گذشته، برای شهرسازی کنونی درس‌هایی عینی دارد. اگر جامعه‌ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان گذشته را بیهوده انگاشته است. انسان، در یک کلمه، طبیعتی ندارد، آنچه دارد تاریخ است. تنها فرق میان تاریخ انسان و تاریخ طبیعی آن است که تاریخ انسان هرگز نمی‌تواند از ابتدا آغاز شود. چندین هزار سال است که حیوانات روز خود را همانند گذشته آغاز می‌کنند، اما در مورد انسان، قطع استمرار تاریخی تحقیر حیات گذشته اوست. به گفته پوپر ما تحقیقی را انتخاب می‌کنیم که سابقه‌ای از تکامل علم در پس آن نهفته است و سعی در ادامه آن داریم. باید از آنچه گذشتگان انجام داده‌اند بهره گیریم، در غیر این صورت در هنگام مرگ هنوز مانند آدم و حوا رفتار خواهیم کرد. اگر خواهیم در علم پیشرفت کنیم باید بر روی شانه پیشکسوتان بایستیم و سنت خاصی را ادامه دهیم. جوهر جامعه و توسعه آن به سنت پیوند خورده است. همان‌طور که فرضیه برای کشف واقعیت‌ها در علم به کار می‌رود، سنت همین نقش را برای جامعه دارد. گرچه سنت قابل نقد و تغییر است، اما نظمی خاص ایجاد می‌کند و مبنایی است برای عمل (کوتر^۱، ۱۹۸۷، ص ۱۱۸-۱۱۹). قید تاریخی زمینه باعث تجدید زمینه به بخش‌هایی از شهر (به‌عنوان متن یا زمینه) می‌گردد، که بتوان به آن اطلاق تاریخی نمود (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۱، ص ۲۶). هم‌پیوندی تاریخی با زمینه، ویژگی‌های تاریخی را در نظر می‌گیرد و مکان و جوهره تاریخی آن را نظر دارد و از این‌رو سنت را محترم می‌شمارد؛ اما برای آنکه گذشته برای حال قابل استفاده باشد، به سنت زنده رجوع می‌کند و در راستای حفظ تداوم با زمینه تاریخی در واقعیت کالبدی و در سطح انتزاعی از طریق ایجاد وحدت و انتظام بصری در کل ساختار بصری شهر و تلفیق با هنرهای بومی در قالب کاربرد گونه‌ها و تناسب‌های ماندگار عمل می‌کند (ماجدی و زرآبادی، ۱۳۸۹، ص ۸).

در اینجا هم‌پیوندی به معنای مطابقت و همخوانی اثر مورد مطالعه با دوره تاریخی ساخت زمینه در نظر گرفته شده است. دوره‌های تاریخی ساخت‌وساز معماری و شهرسازی معاصر همان گونه به سه دسته کلی قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی تقسیم شده است. هر کدام از این دوره‌ها ویژگی‌های معماری و شهرسازی خاص خود را دارند که در ادامه به تفصیل اشاره می‌شود. تاریخ‌گرایان بر این عقیده‌اند که گذشته، برای شهرسازی کنونی درس‌هایی عینی دارد. اگر جامعه‌ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان گذشته را بیهوده انگاشته است (تولایی، ۱۳۸۰، ص ۳۸). زمینه تاریخی به‌خاطر دنیای از قبل موجود ارزش‌ها و خاطره‌ها اهمیت دارد. «خاطره بصری» قادر است در طول فضا و زمان پیوندهایی ایجاد کند (تولایی، ۱۳۸۰، ص ۴۲).

نظریه پردازان زمینه تاریخی (سنت‌گرایی)

پاتریک گدس (Patric Gedees)

1968. "Cities in Evolution: An Introduction to the Town Plannig Movement and to the Study of cities".

از طرفداران پروپاقرص حفظ سنت‌های معماری و فرهنگی و مخالف سرسخت تحمیل شهرسازی غربی بر جوامع

1. Koetter

غیرغربی بود. نظریه جراحی محافظه کارانه او بر این فرضیه استوار بود که هر اندازه درک ما نسبت به روح شهر و جوهره تاریخی و حیات پیوسته آن بیشتر باشد زندگی شهری را بیشتر لمس خواهیم کرد. وی در شهرهای قدیمی ساختمان‌ها و بناها را به صورت ساختاری جدایی‌ناپذیر و درهم بافته تلقی کرد که به دلیل عادت غربی‌ها به نظم ماشینی به ظاهر نامنظم می‌نماید (گدس^۱، ۱۹۶۸).

لویی مامفورد (Louis Mumford). 1991. "Research"

مامفورد منطقه‌گرایی را پیشنهاد کرد. محتوای آن بازگشت به گذشته‌ای است که برای حال قابل استفاده باشد. هدف وی از طرح این قضیه آن بود که انسان‌ها از «احساس زندگی در یک اغتشاش روحی» رهایی یابند. از این رو گرایش به سبک‌های منطقه‌ای و بومی افزایش یافت (مامفورد^۲، ۱۹۹۱).

اسمیت (Smith). 1974. "The Dynamics of Urbanism"

یکی از ابعاد شهرهای تاریخی که تأثیری ژرف بر روی ذهن انسان‌های عصر حاضر دارد مؤانست (familiarity) مردم با سازماندهی آن است. مؤانست به دنبال الگوسازی و تکرار اشکال در طول زمان بوجود می‌آید که در بخش‌هایی از شهر بازتاب داشته است (اسمیت^۳، ۱۹۷۴).

رادوفسکی (Rudofsky). 1996. "Architecture without Architect"

رادوفسکی که با کتاب معماری بدون معمار، معماری درون‌زا، خودبخودی و گمنام را مطرح ساخت. این معماری با الهام از ویژگی‌های شکل شهری انجام می‌شد که طراح آن معمار نبود (رادوفسکی^۴، ۱۹۹۶).

اسپیرو کاستف (Spiro Kostof)

1991. "The City Shaped: Urban Pattern & Meaning through History"

از اقدامات عملی نسبت به «ضدتاریخی بودن» تندرانه نوگرایان و حفظ سنت می‌توان از جنبش حفاظت تاریخی برای حفظ بافت شهری موجود نام برد که در واکنش نسبت به نوسازی‌های شهری و بازسازی پس از جنگ در اروپا در دهه ۱۹۶۰ آغاز گشت.

هدف آنها حفظ هسته‌های تاریخی شهرها در مقابل هجوم بی‌امان نوسازی بود. از این رو بر آن شدند تا بعد از جنگ هر آنچه از تخریب در امان مانده بود حفظ کنند، بناهای قدیمی را باز آفرینی نمایند و بخش‌های قدیم و جدید را در هم آمیزند.

به دنبال آن قوانین حفاظت تاریخی برای حمایت از نواحی شهری که برای مردم معنی خاصی داشت وضع گردید. قانون حفاظت تاریخی، مقامات را ملزم ساخت تا به جای تخریب مناطق تاریخی کاربری‌های جدید برای آن بیابند و آن را «صنعت میراث» نام نهاده‌اند (کاستف^۵، ۱۹۹۱).

1. Gedees
2. Mumford
3. Smith
4. Rudofsky
5. Kostof

وایت هند (whitehand)

1992. "The Changing Face of Cities: A study of Development Cycles & Urban Form".

به نظر وی هسته‌های تاریخی شهرهای ما غیرقابل جایگزینی هستند. عناصر مهمی در طرح شهر موجود می‌باشد که تاریخ رشد کالبدی شهر را نشان می‌دهد، لازم است تا پویایی‌شناسی اولیه در تکامل یک شهر خوب درک شود. چنانچه بیان کالبدی رشد اولیه شهری خوب شناخته شود همچون پلی برای ارتباط با گذشته و تقویت هویت شهری عمل کرده و به شکل شهر معاصر منسجم می‌انجامد. اگر تصاویر واضحی از زندگی شهری متوالی از آغاز تا حال در بافت کالبدی شهری موجود باشد آگاهی شهروند را می‌افزاید (وایت هند^۱، ۱۹۹۲).

کروک (Crook)

1990. "Architectural Ideas From the Picturesque to the Post Modern".

کروک مطالعات پل هنری گلای در کتاب حیات تاریخ را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. گلای ۷ مورد را می‌یابد که مردم پس از بازسازی بعد از جنگ قادر به چشم‌پوشی از آن نبودند: ۱- بازسازی یادمان‌های اصلی ۲- تکرار نقش‌مایه‌های سنتی معماری ۳- تأکید بر مرکز و حاشیه ۴- یکی‌سازی سررشته‌های تاریخی ۵- حفظ مقیاس ادراک شده شهر ۶- انتخاب رهنمودهای تاریخی برای طراحی ۷- ابقای کاربری‌های سنتی در مرکز شهر (کروک^۲، ۱۹۹۰).

گروت (Groat) . 1986 "Research"

در سال ۱۹۸۹ نظر مردم آمریکا را در مورد سازگاری بناهای جدید با شکل شهری موجود را سنجید. مردم نسبت به این دیدگاه که «معماری باید به صورت یک سند تاریخی باشد» واکنش نشان دادند. وی نتیجه گرفت که این دیدگاه از حمایت چندانی برخوردار نیست. تداعی معنی و بیان تاریخی بناها حداقل از اهمیت کمی برخوردار است و برای مردم بناهای جدیدی اهمیت دارد که از نظر بصری با بناهای موجود هماهنگ‌اند (گروت^۳، ۱۹۸۶).

پانتر (Punter) . 1986 "Research"

در تحقیقی که انجام داد نتیجه گرفت که: برای بیشتر مردم ظاهر بیرونی مهم‌تر از تاریخ آن است. به عبارت دیگر ارزش سبک معماری مستقل از آگاهی از تداعی تاریخی و بیان آن است. (پانتر^۴، ۱۹۸۶).

کالین رو و فرد کوتر (Rowe & Koetter) . 1978 "Collage City"

جوهر جامعه و توسعه آن به سنت پیوند خورده است.

1. whitehand
2. Crook
3. Groat
4. Punter

همان‌طور که فرضیه برای کشف واقعیت‌ها در علم به کار می‌رود، سنت همین نقش را برای جامعه دارد. گرچه سنت قابل نقد و تغییر است، اما نظامی خاص ایجاد می‌کند و مبنایی برای عمل قرار می‌گیرد (کوئر^۱، ۱۹۷۸).

نظریه پردازان زمینه تاریخی (فرانوگرایی)

کروک (Crook)

"Architectural Ideas From the Picturesque to the Post Modern". 1990.

فرانوگرایان معتقد بودند که نوگرایی نباید الزاماً به معنی نفی شهرسازی گذشته باشد بلکه می‌تواند با ایده تداوم و اتصال به گذشته آن انجام گیرد. شهرسازی فرانوگرا در پی الهام گرفتن از سیمای شهرهای گذشته و انطباق آن با سیمای شهر حاضر است، به عبارت دیگر می‌خواهد زمان حال را تاریخی سازد (کروک^۲، ۱۹۹۰).

رابرت ونتوری (Robert Venturi). 1996. "Complexity & Controlduction in Architecture"

او در صدد بود تا برای مردم بسازد و از زیبایی‌شناسی و شکل شهر عامه‌گرا و بومی طرفداری می‌کرد. در حالی که نوگرایان به سادگی و نظم هندسی توجه داشتند، ونتوری «وحدت سطوح پیچیده و متضاد را به جای آن مطرح ساخت. وی در صدد بود تا عبارت هم‌این، هم‌آن را جایگزین «یا این یا آن» بسازد و می‌خواست شکل و بی‌قواره، کوچک و بزرگ، باز و بسته، مدور و چهارگوش و فضایی و ساختاری را به هم پیوند دهد. تأکید او بر پیچیدگی و تنوع ناشی از اعتقاد به غنای معنی به جای وضوح معنی بود. طراحی وی در تقابل با ایجاد فضاهای سال بود که در قاموس نوگرایان جا افتاده بود؛ در عوض، سعی در ایجاد فضاهای محصور با در نظر گرفتن تضاد میان فضاهای داخل و خارج داشت که پشتیبان معماری پیچیدگی و تضاد بود (ونتوری^۳، ۱۹۹۶).

چارلز جنکز (Charles Jencks). 1990. "The New Moderns"

جنکز سعی دارد از طریق کدهای فعال ارتباطاتی به معماری عملکرد ارتباطی دهد و معانی را بی‌واسطه به مردم منتقل کند. به نظر او دستاورد معماران فرانوگرا این نبود که دوباره معانی و کدها را ایجاد کنند زیرا معنی در شیوه بازنمایی گذشته نهفته است نه در احیا و باز تولید آن. به نظر جنکز شکست معماری و شهرسازی معاصر عدم دریافت زمینه شهری و تأکید بیش از حد بر روی شیء به جای بافت است. به نظر او ممکن است بافت از بین رفته باشد اما شاید چیزی باقی باشد که خاطرات را به یاد آورد و به قول دریدا خاصیت قرار گرفتن یا اثر گذاشتن یک متن بر متن دیگر را داشته باشد. طراحی معاصر با همین نیت ارتباطاتی انجام می‌پذیرد و عناصری که مشابه گذشته است، حتی اتصالاتی را که فاقد شکل است در زمینه‌ها و مجموعه‌های جدید تلفیق می‌کند. جنکز به عاریت گرفتن از مکان‌ها و زمان‌های مختلف را در قالب التقاط‌گرایی تحسین می‌کند.

1. Koetter
2. Crook
3. Venturi

او معتقد است که معماران باید یاد بگیرند آزادانه از زبان‌های نامتجانس استفاده کنند تا انسان‌ها بتوانند در اعصار و فرهنگ‌های متفاوت زندگی کنند و خود را به زمان حاضر و مکان محدود نسازند. چرا باید کسی که می‌تواند در زمان‌ها و مکان‌های مختلف زندگی کند خود را در حال و به مکان خاص محدود کند؟ التقاط‌گرایی تکامل طبیعی فرهنگی همراه با انتخاب است (جکنز^۱، ۱۹۹۰).

کلیف ماتین (Moughtin). 1992. "Research"

جنکس التقاط‌گرایی را زبان آزادی می‌خواند، اما نتیجه آن چیزی جز هرج و مرج بصری نبوده است (ماتین^۲، ۱۹۹۲).

۱-۲-۳- زمینه فرهنگی-اجتماعی

زمینه‌گرایان فرهنگی-اجتماعی معتقدند که فرهنگ مجموعه قواعدی را می‌آفریند که شکل ساخته‌شده بازتابی از آن است. مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نظام‌های نمادی مشترک به محیط خود معنی می‌دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کنند (راپاپورت^۳، ۱۹۷۷، ص ۶).

اساس نظریه مکان درک خصوصیات انسانی و فرهنگی فضای کالبدی است. فضا به لحاظ کالبدی زمینی خالی، اما دارای محدوده و هدف است که اشیا را به هم پیوند می‌دهد: وقتی فضا محتوای فرهنگی می‌یابد، مکان نامیده می‌شود. ویژگی مکان، هم‌اشیایی را که دارای شکل، بافت و رنگ است دربرمی‌گیرد و هم روابط فرهنگی را که بر اثر مرور زمان ایجاد می‌شود. وظیفه شهرسازان ایجاد مکان‌های پایداری است، که بهترین تناسب را میان زمینه فرهنگی، کالبدی، نیازها و انتظارات استفاده‌کنندگان فراهم آورد. بحث آنها بیشتر بر روی معنی به جای قواعد شکلی استوار است، زیرا به نظر آنها شکل فضایی به دنبال معنایی که داشته ایجاد شده و معنی پدیده در زمینه‌ای که ظاهر می‌شود، درک می‌شود (نوربرگ^۴، ۱۹۸۰، ص ۱۸-۱۹).

نظریه‌پردازانی که زمینه اجتماعی-فرهنگی را در نظر دارند، به زبان‌شناسی و معنی‌شناسی روی آورده‌اند و اجزای شهر را به واژه‌ها تشبیه کردند که گرچه هر یک به تنهایی واجد معنی هستند، اما زمینه یعنی کلمات پیش و پس از آن (جمله‌ها) نقش مهمی در درک معنی آن دارند؛ بنابراین وقتی عناصر از هم متمایز، به هم می‌پیوندند یک هدف، غایت یا معنی را می‌رسانند و انسجام حاصل می‌شود. در این دیدگاه، برای دریافت اینکه معنی چگونه ایجاد می‌شود به فرهنگ، مراجعه می‌کنند که به نوبه خود میان مردم، مشترک است. این نوع انسجام اجزا با هدف ایجاد هویت (قابلیت شناسایی و پیش‌بینی) معنی و در نهایت تداعی معنی انجام می‌پذیرد، لذا واقعیت‌های کالبدی را از طریق ذهنیت انتزاعی مشترک به هم پیوند می‌دهد (کارکرد فرامنتی و عاطفی) (ماجدی و زرابادی، ۱۳۸۹، ص ۹).

طرفداران این زمینه، معتقدند که فرهنگ مجموعه قواعدی را می‌آفریند که شکل ساخته‌شده بازتابی از آن است. مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نظام‌های نمادی مشترک به محیط خود معنی می‌دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کنند (تولایی، ۱۳۸۰، ص ۴۰).

1. Jancks
2. Moughtin
3. rapaport
4. norberg-schulz

شیوه زندگی ساکنان و هم‌چنین طرز استفاده آن‌ها از محل زندگی‌شان تأثیر مهمی بر روی شکل ساختمان می‌گذارد. تعداد اعضای خانواده که از این فضا استفاده می‌کنند، شیوه غذا درست کردن و غذا خوردن آن‌ها، شیوه ارتباط برقرار کردن آن‌ها با یکدیگر و هم‌چنین دیگر ملاحظات فرهنگی در اندازه و طرح اصلی منازل تأثیر به‌سزایی می‌گذارد. فرهنگ بر روی ظواهر ساختمان‌های بومی نیز تأثیر به‌خصوصی می‌گذارد. بدین‌صورت که ساکنان این ساختمان‌ها بر مبنای عقاید و سنت‌های محلی خود این ساختمان‌ها را رنگ‌آمیزی خاصی می‌کنند (جعفری نجف‌آبادی، ۱۳۹۰، ص ۲۶).

نظریه پردازان زمینه فرهنگی - اجتماعی (معنی‌شناسی)

آموس راپاپورت (Rapaport). 1977. "Human Aspects of urban Form"

زمینه‌گرایان اجتماعی-فرهنگی معتقدند که فرهنگ مجموعه قواعدی را می‌آفریند که شکل ساخته‌شده بازتابی از آن است.

مردم توسط فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نظام‌های نمادی مشترک به محیط خود معنی می‌دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کنند.

به گفته راپاپورت سازماندهی محیط مصنوع سازماندهی معنی هم هست که در آن ویژگی‌های کالبدی نظیر مصالح، رنگ، ارتفاع، اندازه و مقیاس، خاصیت ارتباطی و نمادین دارد.

عناصر کالبدی در محیط معانی متفاوت دارند و این معانی به‌طور نظام‌یافته‌ای به فرهنگ پیوند خورده است.

مردم در مجموعه‌های کالبدی متفاوت هنجارهای رفتاری متناسب با آن را که توسط فرهنگی تعریف‌شده انجام می‌دهند.

آنها براساس قرائت‌شان از محیط عمل می‌کنند، باید این زبان را فهمید و آن را مبنایی برای ایجاد اشکال در محیط شهری قرار داد.

محور اصلی رویکرد معنی‌شناسی او در سؤالات زیر خلاصه شده است: مردم شهر را چگونه تجربه و تفسیر می‌کنند؟ چگونه به آنچه ادراک می‌کنند معنی می‌دهند؟ شهر را چگونه فهم می‌کنند؟ چگونه به عناصر محیطی هویت می‌بخشند؟ چگونه محیط‌های طراحی شده تصاویر ذهنی مطلوب را منعکس می‌کنند؟ چگونه رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟ و چگونه انتخاب‌ها صورت می‌گیرد؟

ادراک، تأثیر محرک‌ها بر روی اندام‌های حسی انسان و تفسیر نمادهای درون آن است.

ادراک تحت تأثیر اطلاعاتی است که از طریق حواس از محیط دریافت می‌کنیم و شناخت، دانش و تجربه است که در مغز ذخیره می‌شود. پیام‌ها در پدیده‌ها مستور هستند و باید از طریق فرآیند ادراک و شناخت، تفسیر شوند نه آن که رمزگشایی گردند. هرمنوتیک یا نظریه تفسیر یعنی از متنی که داریم به معنای آن پی ببریم.

در پس حروف معنایی نهفته شده که باید آن را شناخت. تفهیم کشف معنی رویداد یا عملی در زمینه‌ای خاص از طریق درک علائم است. واقعیتی که از معنای خاص فرهنگی فارغ باشد نداریم.

تحلیل یک پدیده کالبدی زمانی میسر می‌شود در آن فرهنگ چه معنایی برای آن فائل‌اند. نظریه تفسیر در

شهرسازی عناصر شهر را واجد معنی می‌داند. هدف تفسیر فهم‌پذیر کردن عناصر شکل شهر است. مهمترین معیار، پیوستگی و ارتباط اجزای تفسیر باهم و به وجود آوردن یک کل معنادار و بی‌تناقض است. صحت معیار این پیوستگی، نظر مردم است. برای فهم محیط شهری به فهم معانی و ارزش‌هایی که استفاده‌کنندگان به آنها نسبت می‌دهند نیاز داریم که گاه نمادین و گاه معطوف به هدف است. به نظر راپاپورت شهر معاصر گرچه با کثرت معانی روبه‌روست اما فاقد معنی مشترک است. بنابراین مهم است که اجزای شکل شهر را به گونه‌ای متصل کرد که واجد معنی مشترک باشند. دریافت این معنی مشترک تنها با مراجعه به فرهنگ قابل دستیابی است (راپاپورت^۱، ۱۹۷۷).

هیلر و هانسون (Hillier & Hanson). 1984. "The social logic of space"

مطالعات اولیه آنها به نشانه‌شناسی منحصر می‌شود. رویکرد نشانه‌شناسی شهری در صدد است تا شکل شهر را براساس نظام نشانه‌ها و نمادها توصیف کند. هدف آنها نشان دادن معنی اجتماعی-فرهنگی محیط کالبدی یا مطالعه نظام یافته معنی از طریق نشانه‌ها در ظاهر شهر است. به عبارت دیگر بیان دارد که چگونه محیط کالبدی براساس عمل کردن به صورت نظام نشانه‌ها همانند زبان طبیعی معنی اجتماعی دارد. هیلر و هانسون شواهدی مبنی بر اثبات اهمیت معنی اجتماعی شکل شهر ارائه داده‌اند. به نظر آنها فضای زندگی مردم چیزی بیش از جمع اجزای مادی آن است. این دسته از شهرسازان، در مطالعه شکل شهر منسجم تنها به روابط کالبدی اکتفا نمی‌کنند، بلکه برای آن منطق اجتماعی قائل‌اند. آنها در صدد ایجاد رابطه میان ذهنیات غیرمادی و انتزاعی و عینیات دنیای مادی هستند که با غفلت از آن فضا از اجتماع و اجتماع از فضا پاک می‌شود. بنابراین در جستجوی یافتن یک نظریه هستند که ثابت کند نظم کالبدی برای اهداف اجتماعی پدید آمده است. به عبارت دیگر در این دیدگاه فضا به عنوان «فراکنی ظاهری از فرآیندهای ذهنی و اجتماعی» تلقی می‌شود. منطق اجتماعی فضا نشان می‌دهد که در اغلب موارد طراحی یک شیء دست‌ساخته انسان منطق خاص خود را دارد.

این شکل‌گیری در چند مرحله انجام شده است: در مرحله اول اهداف عملکردی در نظر بوده و عناصر یا مصالح در قالب یک شکل به یکدیگر متصل شده تا یک هدف کاملاً تعریف‌شده یا مجموعه‌ای از اهداف را تأمین کند. پس از انجام این کار بعد دوم یعنی سبک به آن اضافه می‌شود. منظور این است که تزیینات یا تغییر شکل‌ها می‌توانند اهمیتی بیش از کاربردهای عملی به دست‌ساخت‌ها دهد و به عرصه هویت فرهنگی با معنی وارد شوند. گاه دشوار است که بگوییم چه بعدی از یک شکل به چه عرصه‌ای مربوط می‌شود: عملکردی یا معنی‌داری؟

1. Rapaport

عملکردی به استفاده عملی یا مفید بودن و معنی‌داری به کاربرد اجتماعی مربوط می‌شود که ابزاری برای شناخت و تداوم هویت‌های فرهنگی است. هدفمند بودن فضا باعث می‌شود که رابطه خاص میان عملکرد و معنی اجتماعی در شهرها ایجاد شود (هیلر و هانسون^۱، ۱۹۸۴).

دوکسیادیس (Doxiadis). 1975. "Research"

محور مطالعات نشانه‌شناسی شهری را نماد تشکیل می‌دهد. گاه نمادها باعث انسجام شکل شهر می‌شود و گاه انسجام در شکل شهر به صورت یک نماد عمل می‌کند. یکی از خصیصه‌های مهم نماد این است که به عنوان یک جزء قادر است کل را نشان دهد. اجزای تشکیل دهنده «مثل دست انسان» بیانگر کل جسم اوست. در شهرها نیز گاه یک ساختار واحد یا فضای باز به عنوان نماد کل شهر عمل می‌کند (دوکسیادیس^۲، ۱۹۷۵).

وین (Wayne). 1981. "Research"

خط آسمان نیز شناخته شده‌ترین نماد جمعی شهری (Urban collective symbol) است. خط آسمان یعنی آرایش یا دوره یک بنا یا تعدادی از بناها و اشیایی که در برابر آسمان دیده می‌شوند. به این معنی هر فرد یا گروه حضور خود را با ساختن اشکالی به سمت آسمان ابراز می‌کند که دال بر مشارکت اقشاری از مردم در یک مکان و زمان است که در جوار هم عمل می‌کنند و با یکدیگر وابستگی متقابل دارند (وین^۳، ۱۹۸۱).

نظریه پردازان زمینه فرهنگی-اجتماعی (زبان‌شناسی)

اسپیرو کاستف (Kostof, S). 1991. "The City Shaped"

در پاره‌ای از موارد خط آسمان در وحدت بخشیدن به شکل شهر مؤثر واقع شده است. وحدت کالبدی خط آسمان با معیارهایی چون ارتفاع، شکل و چشم‌انداز آن مشخص می‌شود. انسجام در شکل گاه نمادی از نفی تمایز طبقاتی است. شهرسازان سوسیالیستی از «وحدت»، هماهنگی، «آرمانشهر» و «برابری» بحث می‌کردند. از آن جمله فوریه، آون و موارد در صدد بودند تا نظامی از برابری، بهداشت و طبقات اجتماعی ایجاد کنند که در هماهنگی و پیوند با طبیعت باشند. آنها تحقق برابری اجتماعی را در وحدت شکل تصور می‌کردند. فرض سوسیالیست‌ها بر این بود که با تظاهر خارجی یکسان بناها، تمایزات طبقاتی از بین می‌رود (کاستف^۴، ۱۹۹۱).

1. Hillier & Hanson
2. Doxiadis
3. Wayne
4. Kostof

بوگدانویک (Bogdanovic) . 1975 . "Research"

مطالعات نظام‌یافته بر روی نمادهای جمعی نشان می‌دهد چگونه انسجام عناصر شکل شهر به صورت نماد نمایش داده می‌شود. در بسیاری از فرهنگ‌ها که شهر بخشی از نظام آفرینش قلمداد می‌شده، شکل شهر در مقیاس خرد نمادی از نظم کل عالم بوده است (بوگدانویک^۱، ۱۹۷۵).

کارلسون (Carlson) . 1989 . "Research"

انسجام در شکل کالبدی گاه نمادی از قدرت است. میدان‌های شهری نظیر نقش جهان اصفهان، با نماهای متحدالشکل، یادمانی کردن برخی از عناصر شهر به صورت یک کل، مجلل کردن مصالح ساختمانی، توازن اجزا به جای اندازه مطلق، استفاده از تدابیری چون قرنیز کاری و سطوح مداوم دیوار، ارتفاع و نمای یکسان برای ایجاد پیوستگی بناها برای نمایش قدرت در یک محدوده فضایی است. (کارلسون^۲، ۱۹۸۹)

باکتین (Bakhtin) . 1990 . "Research"

زبان نمی‌تواند متشکل از اجزای پراکنده باشد. انسان‌ها کلمات و رسانه‌ها را که جمله‌ها را می‌سازند لغت به لغت به رسانه‌ها ترجمه نمی‌کنند، بلکه کل جمله را می‌خوانند و از طریق رابطه متقابل کلمات یا رسانه‌هاست که معنی وسیع‌تری از آن درک می‌کنند. باکتین آغازگر این اندیشه است. به نظر او مهمترین چیزی که معنی را می‌سازد نشانه نیست، بلکه کل گفته یا بیان است که در ترکیب‌بندی آن نشانه وارد شده است. شهرهای معاصر به خاطر گسستگی رابطه میان رسانه‌ها در شیوه‌ای که معانی درک می‌شوند مشکل ایجاد کردند (باکتین^۴، ۱۹۹۰).

اسمیت (Smith) . 1987 . "The Syntax of Cities Architecture & the Principals of Harmony"

اسمیت در کتاب نحوشناسی شهرها سعی دارد تا در جهت تقویت جایگاه ارزش‌های انسانی در طراحی شهری نتایج بررسی طیفی وسیع از قواعد رابطه عناصر معماری و شهر را به دست دهد. وی برای این قواعد واژه نحوشناسی را از ادبیات به وام می‌گیرد. نحوشناسی یعنی جمله‌سازی و چگونگی اتصال کلمات به گونه‌ای که معنی داشته و اطلاع‌رسانی کند. نحوشناسی شهرها اعتقاد دارد که اجزای محیط مصنوع واژگانی را تشکیل می‌دهند که شیوه قرار گرفتن آنها در کنار هم معنای خاصی را می‌رساند. چنانچه بر روی معنی اشکال و فضاها به میزان کافی میان مردم اتفاق نظر وجود داشته باشد، شکل شهر می‌تواند با مردم شهر ارتباط برقرار کند (اسمیت^۱، ۱۹۸۷).

1. Bogdanovic
2. Carlson

کینگ (King). 1996. "The Emancipating Space: Geography, Architecture, Urban Design"

مطالعات افرادی که بر مبنای روش‌شناسی معنی‌شناسان انجام گرفته نشان می‌دهد که معنی در تعاقب دو مفهوم اساسی حاصل می‌شود: نظم (قابلیت) شناخت و پیش‌بینی و هماهنگی. افراد وقتی معنی را دریافت می‌کنند که نظم و هماهنگی در جهان مغشوش واقعیت‌ها ببینند در غیر این صورت دچار فشار روانی و آزرده‌گی می‌شوند. شهرسازی با سطوح متفاوت معنی را مشکل بتوان قرائت کرد. ادراک همزمان سطوح متکثر ناظر را با کشمکش‌ها و تردید مواجه ساخته و ادراک او را مبهم‌تر می‌کند (کینگ^۱، ۱۹۹۶).

والمسلی (Walmsley). 1988. "Urban Living: the Individual in the City"

نتایج تحقیقات هاریسون و هاوارد در سال ۱۹۸۰ که روی شهر دنور انجام شد نشان داد که ۱- ظاهر مکان (اندازه، رنگ، طرح و شکل)، ۲- محل عناصر در درون ساختار شهری (به خصوص در رابطه با راه‌های اصلی)، ۳- معنی اجتماعی، سیاسی، قومی و تاریخی آن مکان در تعریف محیط مؤثرند، اما نتوانست چگونگی اطلاق معنی به مکان را بیان دارد (والمسلی^۲، ۱۹۸۸).

۱-۲-۲-۴- زمینه انسان‌گرایانه

به نظر ایشان در شهرسازی معاصر بناها جزئی از بافت خیابان‌ها، میدان‌ها و فضاهای باز زنده نیستند. توسعه شهرها بدون در نظر گرفتن روابط سه‌بعدی میان بناها و فضاها و درک واقعی از رفتار انسان صورت می‌گیرد و اهمیت نظم فضایی در عملکرد اجتماعی را نادیده گرفته است. تحرک و ارتباطات بر فضاهای عمومی غلبه یافته و معنای فرهنگی و هدف انسانی آن را سلب کرده است (ترمیک ۱۹۸۶، ص ۵-۶).

پیشینیان دریافته بودند که بقا بستگی به رابطه مناسب کالبدی و روانی با مکان دارد، بنابراین روح مکانی که در آن زندگی می‌کردند اهمیت زیادی داشت. روح مکان یعنی هر هستی مستقلی روح خود را داراست. روح نگهبانی که به مردم و مکان‌ها هستی می‌بخشد و با آنها از بدو تولد تا مرگ همراه است. ایده روح مکان در صدد است تا اصولی را برای ساخت مکان دریابد که گذشته را با آینده پیوند زند؛ برای این کار لازم است تا قواعد از پیش موجود را بشناسد و در درون آن عمل کند (نوربرگ^۳، ۱۹۸۰، ص ۱۴ و وین^۳، ۱۹۸۱، ص ۵۵).

راجر ترانسیک (Roger Trancik). 1988. "Research"

به نظر او در شهرسازی معاصر پدیده گشتالت برای فضاها به کار نمی‌رود و برای همین زمینه ایجاد سیمای شهر از بین رفته است. نادیده گرفتن این زمینه، افکار وی را متوجه مسئله فضاهای ازدست‌رفته کرده که در دهه‌های اخیر ایجاد شده‌اند.

1. King
2. Walmsley
3. Norberg

به نظر وی در شهرسازی معاصر، بناها جزئی از بافت خیابان‌ها و میدان‌ها و فضاهای باز نیستند. توسعه شهرها بدون در نظر گرفتن روابط سه بعدی میان بناها و فضاها و درک واقعی از رفتار انسان صورت می‌گیرد و اهمیت نظم فضایی در عملکرد اجتماعی را نادیده گرفته‌اند. تحرک و ارتباطات بر فضاهای عمومی غلبه یافته و معنای فرهنگی و هدف انسانی آن را سلب کرده است.

به نظر وی ترکیب سه نظریه فوق، تحقق رویکرد منسجم را عملی می‌سازد. اهداف عمده این رویکرد عبارت‌اند از: ۱- رشد تدریجی در برابر بازسازی کامل: انسجام می‌تواند با رشد تدریجی بوجود آید تا بر مبنای آن گام‌هایی در مقیاس کوچک نسبت به نوسازی شهری برداشته شود. ۲- کاربری مختلط در برابر تفکیک کاربری‌ها: انسجام کاربری‌ها حائز اهمیت است. به جای فضاهای تک‌منظوره باید فضاهای چندمنظوره احداث گردد و کاربری‌های از هم تفکیک شده به یکدیگر نزدیک شوند. طراحی شهری باید به پویایی کاربرد اجتماعی در شکل کالبدی توجه نشان دهد. ۳- انسجام شبکه پیاده و سواره: باید شیوه‌هایی جدید برای انسجام شبکه سواره با پیاده بدون کاستن از کیفیت فضاهای بیرونی اندیشید. گرچه در پاره‌ای از موارد لازم است تا این دو شبکه را از هم جدا نمود اما اختلاط این دو نیز ضرورت دارد. ۴- جدایی محل کار از سکونت در مقابل همجواری آنها: جدایی محل کار از سکونت علاوه بر مشکلات و هزینه حمل‌ونقل باعث خلوت شدن مراکز شهری و بروز مسائل ناشی از آن می‌شود. ۵- انسجام ویژگی منطقه‌ای و طراحی فضای شهری: ویژگی منطقه‌ای نه تنها در اشکال معماری بومی نهفته است، بلکه مفهوم وسیع‌تری از هویت محیطی را در بر گرفته و شامل اشکال طبیعی زمین و گیاهان خاص آن ناحیه می‌باشد. طراحی فضای شهری می‌باید بر ویژگی‌های منطقه‌ای استوار باشد. ۶- انسجام کیفیت طراحی با فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی: اغلب ملاحظات اقتصادی و عملکردی بر طراحی غالب می‌شود. نقش طراح تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاران و عامه مردم است که کیفیت محیط عمومی به خطر نیفتد (ترانسیک^۱، ۱۹۸۸).

نوربرگ شولتز (Norberg Schulz). 1980. "Toward the phenomenology of Architecture"

تأثیر هستی‌گرایی (اگزیستانسیالیسم) و پدیدارشناسی در افکار شولتز مقوله فضا را بعدی ذاتا معنی‌دار از وجود انسان تلقی کرده است.

به نظر او انسان جایگاه خود را در درون نظام آفرینش یافته است. ایجاد رابطه میان مکان دست ساخته انسان و محیط طبیعی با سه هدف صورت می‌گیرد: ۱- انسان می‌خواهد درک خود را از طبیعت به عینیت در آورد. ۲- انسان می‌خواهد با افزودن آنچه که یک محیط فاقد آن است موقعیتی خاص را تکمیل کند. ۳- انسان می‌خواهد درک خود را از طبیعت نهادینه کند.

وی با این گزاره‌ها در صدد است تا قواعد شکلی را با طبیعت پیوند زند: محدوده یک فضای ساخته شده، کف و دیوار و سقف، و محدوده‌های محیط طبیعی، زمین و افق و آسمان هستند.

این شباهت ساختاری ساده اهمیت زیادی در درک رابطه میان محیط مصنوع و طبیعی دارد. داشتن محدوده یا حصار

1. Trancik

احساس کامل شدن در پی دارد و در آن فضا با نظم کامل از فضای اطراف متمایز می‌شود. حصار خانه آن را از اطراف متمایز می‌کند و میدان اتاقی در بیرون است و در کیفیت محصور بودن با هم اشتراک دارند (نوربرگ^۱، ۱۹۸۰).

استاکلس (Stokols) . 1987 . "Hand Book of environmental pschology"

هستی‌گرایی (اگزیستانسیالیسم) نیز شبیه به پدیدارشناسی است و سعی در تعریف رابطه میان هستی و شعور دارد. انسان‌ها محیط را در مقابل و جدای از خود تعریف می‌کنند و به اصطلاح از آن بیگانه می‌شوند؛ لذا سعی دارند با گسترش روابط محیطی که به هستی انسان معنا می‌بخشد بر این از خودبیگانگی غلبه کنند (استاکلس^۲، ۱۹۸۷).

والمسلی (Walmsley) . 1988 . "Urban Living : the Individual in the city"

رویکرد پدیدارشناختی بر جوانب ذهنی و تجربی روابط فرد و محیط تمرکز دارد و با معانی، احساسات، جهت‌گیری احساس مردم نسبت به مکان‌ها مرتبط است. مردم، مکان‌ها و مکان‌ها، مردم هستند. گرچه آنها به لحاظ مفهومی، جدا از هم به نظر می‌آیند اما در تجربه به سادگی قابل تمیز نیستند. محیط کالبدی زمانی مکان خوانده می‌شود که با معانی، احساسات و فعالیت‌ها همراه شود. وقتی فضاها با مردم و فعالیت‌ها متصل شوند، مکان نامیده می‌شود. مکان قلمرویی است که به انسان کمک می‌کند تا بداند در کجاست و کیست (والمسلی، ۱۹۸۸).

۱-۲-۵- زمینه اقلیمی

انسان همواره در طول تاریخ سعی داشته است به منظور ایجاد سرپناهی امن برای سکونت، آن را با طبیعت پیرامون خود هماهنگ سازد؛ اما معماری معاصر برخلاف معماری سنتی توانایی هماهنگی با اقلیم پیرامون خود را ندارد و این ناهماهنگی مشکلات زیست‌محیطی فراوانی را رقم زده است. در صورت آگاهی به امکانات محیط زیست خود می‌توان از تخریب آنها جلوگیری کرد. درک محیط به وضوح مراحل طراحی، از جمله جهت قرارگیری نسبت به خورشید و چگونگی قرارگیری ساختمان در محل و حفظ محیط پیرامون و دسترسی مجموعه نقلیه و پیاده می‌شود. برای این منظور، شناختن اقلیم نیز ضروری به نظر می‌رسد (مهدوی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۸).

توجه به اقلیم زمینه و فاکتورهای اقلیمی که در آن معماری می‌کنیم می‌تواند سکوی پرشی برای پرواز به سوی معماری پایدار باشیم. دقت به این مهم راه را برای استفاده از نیروی طبیعی نظیر خورشید، باد، آب و غیره میسر می‌کند و استفاده از منابع فسیلی را به حداقل می‌رساند لذا توجه به فاکتورهای اقلیمی منطقه نظیر خصوصیات اقلیمی هر زمینه باد، باران، تغییرات دمای هوا در شب و روز، دمای هوا، جریان هوا، وضعیت آسمان، آفتاب، تابش و غیره امری ضروری است (قنبری، ۱۳۹۳).

براساس نظریه فکری سبک بین‌الملل در معماری مدرن، ساختمان باید فاقد هر گونه خصوصیات منطقه‌ای، شهری، محله‌ای و اقلیمی باشد (قبادیان، ۱۳۸۵). مدرنیست‌ها معماری را یک مسئله تکنولوژیک می‌دانستند. تکنولوژی یک خصوصیت عام دارد و در سراسر جهان از قواعد و اصول یکسان تبعیت می‌کند. تجربه هنر و معماری مدرن یا سبک بین‌الملل که قطع

1. norberg
2. Walmsley

- رابطه بین محیط، تاریخ و سنت بود نشانه بارزی از یک تجربه شکست‌خورده است.
- «رابرت ونتوری معمار پست‌مدرن امریکایی در سال ۱۹۶۶ اصول اندیشه‌ها و جهان‌بینی معماری مدرن را زیر سؤال برد. او خواستار توجه به خصوصیات انسانی و توجه به معماری انسانی‌مدار شد. ونتوری هیچ اعتقادی به سبک بین‌المللی ندارد و به جای آن معتقد به زمینه‌گرایی است، یعنی هر بنایی باید براساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و کالبدی و شرایط آن سایت و ساختمان طراحی و اجرا شود.» از نظر پست‌مدرن‌ها شرایط زیر فرم ساختمان‌ها را تعیین می‌کند:
- ۱- خصوصیات فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و اقتصادی افراد که از آن ساختمان استفاده می‌کنند.
 - ۲- خصوصیات شهری، خیابان، میدان، کوچه و مغازه.
 - ۳- شرایط اقلیمی، رطوبت، سرما، گرما، جنگل و صحرا.
 - ۴- نحوه زندگی روزمره اهالی ساختمان، نیازهای آن‌ها، پیش‌زمینه‌های ذهنی آنها در رابطه با فرم‌های زیستی.
- به عبارتی معماران پست‌مدرن می‌خواهند نگاه معماران را به سمت تاریخ، فرهنگ، سنت، و در یک کلام، آن چیزی که هویت انسان و محیط کالبدی پیرامون آن را شکل می‌دهد برگردانند (قبادیان، ۱۳۸۵).

حفظ عناصر طبیعی

عناصر طبیعی به معنای آنچه از طبیعت گرفته شده مثل آب، هوا، خاک، نور و پوشش گیاهی می‌باشد. حفظ عناصر طبیعی موجود در زمینه می‌تواند از طریق جلوگیری از حذف آنها در طی ساخت‌وساز و یا کاهش اثرات منفی زیست‌محیطی وارد بر زمینه به سبب ساخت‌وساز تا حدود زیادی محقق شود.

آسایش در برابر عوامل اقلیمی

آسایش به معنای راحتی و آسودگی از مؤلفه‌های مهم و اساسی محیط‌های انسان‌ساخت است. یکی از موارد کسب این آسایش در محیط سازگاری آن اثر با شرایط اقلیمی زمینه طراحی می‌تواند باشد. منظور از عوامل اقلیمی، عواملی چون میزان و نوع نزولات جوی، وضعیت تابش آفتاب، وضعیت وزش بادهای، وضعیت دما و رطوبت محل است (اژدر و دهقان من شادی، ۱۳۸۹، ص ۷۷).

مریل گینس (Merrill Gaines). 1980. "Research"

معماری علمی جدا از مقوله‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، جامع‌شناسی و ... نیست و در واقع برآیند و انعکاس آن‌هاست. زمینه و متنی که اثر معماری در آن موجودیت می‌یابد واجد ویژگی‌ها و خصوصیات انحصاری کالبدی، جغرافیایی، اقلیمی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تاریخی و ... می‌باشد. مریل گینس زمینه در معماری را تحت سه موضوع کلی الگوهای فرمی، فعالیت‌های اقلیمی و دسته‌بندی می‌کند (گینس^۱، ۱۹۸۰).

1. Gaines



شکل ۱-۳- خلاصه نظریه پردازان در رابطه با زمینه‌های مختلف (منبع: نگارنده)

نوربرگ شولتز (Norberg Schulz). 1980. "Research"

به واسطه ساختن، مکان‌های انسان‌ساختی خلق می‌شوند که روح مکان ویژه خود را دارند. در معماری بومی روح مکان انسان‌ساخت باید به خوبی پاسخگوی مکان طبیعی خود باشد (نوربرگ^۱، ۱۹۸۰).

رابرت ونتوری (Robert Venturi). 1966. "Research"

رابرت ونتوری معمار پست‌مدرن آمریکایی در سال ۱۹۶۶ اصول اندیشه‌ها و جهان‌بینی معماری مدرن را زیر سؤال برد. او خواستار توجه به خصوصیات انسانی و توجه به معماری انسان‌مدار شد. ونتوری هیچ اعتقادی به سبک بین‌المللی ندارد و به جای آن معتقد به زمینه‌گرایی است، یعنی هر بنایی باید براساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و کالبدی و شرایط آن سایت و ساختمان طراحی و اجرا شود (ونتوری^۲، ۱۹۶۶).

۱-۲-۳- نظریه‌های بین‌المللی

۱-۳-۲-۱- بررسی نظریه‌های بین‌المللی هم‌پیوندی کالبدی با زمینه

۱-۳-۲-۱-۱- لوکوربوزیه

وی معتقد به نفی شیوه‌ها و الگوهای گذشته شهرسازی و معماری بود (شماعی و پوراحمد، ۱۳۹۲، ص ۲۱۴).

۱-۳-۲-۱-۲- مصوبه یونسکو (۱۹۶۲ میلادی)

انگیزه اصلی از تصویب این توصیه‌نامه‌ها، حفاظت و نگهداری از ویژگی‌های چشم‌اندازهای محیطی شهری و روستایی و زیبایی موجود در آنها می‌باشد. کاربری پیشنهادی در این توصیه‌نامه‌ها کاربری‌ای است که با اهمیت قائل شدن بر مسائل زیبایی‌شناسانه، مجموعه را با نیازها و مقتضیات زمان سازگار و هماهنگ و به عبارتی معاصر سازی کند (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۱، ص ۷۰).

۱-۳-۲-۱-۳- کنگره بولونیا (۱۹۷۴ میلادی)

به این نکته که نه فقط شکل ظاهری بناها و بافت‌ها بلکه گونه‌شناسی (تیپولوژی) و عملکرد آنها نیز باید حفظ شود اشاره می‌نماید (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۱، ص ۷۵).

۱-۳-۲-۱-۴- بیانیه ترینیدا (۱۹۸۲ میلادی)

اصول پیشنهادی این بیانیه دربرگیرنده مواردی از قبیل زیر است:

۱. بازشناسی حق مشارکت مردم بومی در تصمیم‌گیری‌های حفاظتی

۲. تداوم معماری بومی

۳. استفاده از مصالح محلی (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۱، ص ۷۹).

1. Norberg

2. Venturi

۱-۲-۳-۲- بررسی نظریه‌های بین‌المللی هم‌پیوندی فرهنگی اجتماعی با زمینه

۱-۲-۳-۲-۱- ادموند بیکن

ادموند بیکن که از نام‌آوران شهرسازی معاصر است در ساماندهی شهر، مشارکت مردم، فراهم کردن شرایط شکل‌گیری عناصر شهری و ارتباط بین آنها نقش بسزایی دارد (شماعی و پوراحمد، ۱۳۹۲: ۱۶۵).

۱-۲-۳-۲-۱- فارابی

از نظر فارابی سعادت و خیر از طریق هم‌فکری و همکاری شهروندان فراهم می‌شود. بدون هم‌فکری و همکاری عملی انسان قادر به رفع احتیاجات روزافزون خود نیست و درواقع، اقدامات شهرسازی در هر فضایی منوط به همکاری عملی انسان است (شماعی و پوراحمد، ۱۳۹۲: ۲۰۹).

۱-۲-۳-۲-۱- جان راسکین (۱۸۵۲ - ۱۸۱۸م)

خواستار آن بود که خانه‌های معمولی به گونه‌ای ساخته شوند که زیبا و متفاوت با هم باشند. تفاوت‌های متناسب با شخصیت و معیشت ساکنان از مسائل مورد توجه وی بود (شماعی و پوراحمد، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

۱-۲-۳-۲-۱- کوین لینچ

به اعتقاد او باید در فرآیند بهسازی و نوسازی شهری برنامه‌ریزی با مشارکت مردم و مشاوره با متخصصان و هماهنگی با مسئولان و مردم شهر صورت بگیرد (شماعی و پوراحمد، ۱۳۹۲: ۲۱۷ و ۲۱۸).

۱-۳-۳-۲- بررسی نظریه‌های بین‌المللی هم‌پیوندی تاریخی با زمینه

۱-۳-۳-۲-۱- ادموند بیکن

بیکن به روابط متقابل، وحدت و انسجام شهر در بخش‌های مختلف با نگاه به گذر زمان به‌صورت جریانی مداوم از قدیم تا امروز و فردا معتقد بود. او معتقد است آثار دوره‌های مختلف تاریخی در شهر می‌توانند در گستره زمان و در سطح وسیعی در ارتباط با یکدیگر قرارگیرند (شماعی و پوراحمد، ۱۳۹۲: ۱۶۵).

۱-۳-۳-۲-۱- کامیلو سیت (۱۹۰۳ - ۱۸۴۳ م)

سیت، مدیر مدرسه سلطنتی و پادشاهی هنرهای صنعتی وین بود. وی تحقیقات گسترده‌ای درباره ویژگی بافت‌های شهری برجسته قرون وسطی و رنسانس انجام داده است. پژوهش‌ها و علاقه خاص وی به مجموعه‌های معماری زمان‌های گذشته هم قابل توجه است. دو نکته بااهمیت، نظریات کامیلو سیت را درباره شهرسازی مورد توجه طراحان قرار داده است:

نخست آن که وی بناهای تاریخی را به تنهایی ارج نمی‌نهد، بلکه معتقد است ارزش بنای تاریخی در هماهنگی و ارتباط فضایی موجود بین بنا و محیط آن است و حذف بخش‌هایی از ساختمان که بعد از بنای اصلی ساخته شده‌اند، موجب کاهش انعکاس هویت بنا خواهد شد. در همین رابطه است که وی ایجاد شبکه‌ای از خیابان‌های بدون ارتباط با بافت کالبدی قدیمی را رد می‌کند؛ نکته دوم در نظریات سیت این است که وی تجربه و نظریه را در راستای تطبیق شهرهای قدیم و جدید در یک قالب اجتماعی، به هم می‌آمیزد و با آزمایش‌هایی که در این زمینه انجام می‌دهد به حقایقی عینی که همان نظریه‌ها را پشت سر می‌گذارد، دست می‌یابد.

وی همچنین، تقلید صوری و غیرخلاق از فرم‌های ارگانیک محیط‌های قدیمی را رد می‌کند. از نظر سیت احیای مدل‌های قدیمی باید با روشی متفاوت با آنچه در کپی‌های امروزی دیده می‌شوند، انجام پذیرد. تنها با آزمایش آنچه در آفرینش آنها جنبه اساسی‌تری دارد، قادر خواهیم بود آنچه را که برای تلفیق با موقعیت مدرن مناسب‌تر است، اقتباس کنیم. سیت در اظهار عقایدش، اصالت خاصی به گذشته و پیشینیان می‌دهد (حناچی، ۱۳۹۱: ۲۷ و ۲۸) از نظر سیت که به گفته بسیاری از شهرسازان، پدر شهرسازی معاصر است (شماعی و پوراحمد، ۱۳۹۲: ۱۶۷)، توجه به روش‌ها و الگوهای هنری گذشته و استفاده از آنها برای آفرینش شاهکارهای جدید و مرتبط با گذشته و تداوم اصول معنی‌دار گذشته می‌تواند محصولی جدید و پربار را در شهرسازی به دنبال داشته باشد. به نظر او شهرسازی در صورتی نتایج موفقیت‌آمیز دارد که ضمن حفظ هویت شهری با شرایط زندگی امروز مطابقت داشته باشد (شماعی و پوراحمد، ۱۳۹۲: ۱۶۸) وی همچنین به تداوم در شهرسازی و توجه به هویت تاریخی شهرها توجهی خاص کرد (شماعی و پوراحمد، ۱۳۹۲: ۲۱۱).

۱-۲-۳-۳- پاتریک گدس

معتقد بود باید بنا یا مجموعه‌های شهری با شرایط مکانی و زمانی انطباق و هماهنگی داشته باشد و نباید تکرار دیروز باشد، بلکه باید تحول و تداوم در آن باشد. همچنان که در طول تاریخ بوده است. البته باید خاطره‌های تاریخی و میراث فرهنگی حفظ شود (شماعی و پوراحمد، ۱۳۹۲: ۲۱۲).

۱-۲-۳-۴- منشور آتن (۱۹۳۱ میلادی)

در سال ۱۹۳۱ در شهر آتن کنگره‌های بین‌المللی برگزار شد که این کنگره همزمان با اوج‌گیری جنبش مدرن در اروپا شکل گرفت. تمام اصول مطرح شده در این کنگره به‌نوعی از تفکرات و ایده‌های مدرنیسم متأثر بود (مسعود و بیگ زاده شهرکی ۱۳۹۱: ۶۸ و ۶۹). یکی از مواردی که در این کنگره مورد توجه قرار گرفت این بود که ارزش‌های معماری می‌بایست حفظ شوند، چه آن‌گاه که صحبت از بناهای منفرد به میان است و چه آن‌گاه که هسته‌های کامل شهری مورد نظر هستند (ماده ۶۵). لازم است توجه شود که پرستش زیبایی‌های شاعرانه و آنچه به تاریخ تعلق دارد نباید بر سالم زیستن در خانه‌های مسکونی که رفاه و صحت روانی و اخلاقی فرد بدان پیوند دارد، ارجحیت یابد. به کار بردن سبک‌های گذشته در ساختمان‌های جدید واقع در محوطه‌های تاریخی، به اتکای ادعاهای زیبایی‌شناسانه، به‌عواقب نامیمونی منجر می‌شود. به‌هیچ صورت نباید اجازه داد که این عادت تداوم یابد و به هر شکلی این‌گونه خواسته‌ها و اقدامات عملی شوند (ماده ۷۰). تقلید عاجزانه گذشته، همانا تن دادن به دروغ و بالا بردن بدل تا حد اصل است. چراکه هیچ‌گاه نمی‌توان شرایط کهن را تجدید کرد. در بند هفتم قطعنامه آتن (۱۹۳۱) آمده است: کنفرانس توصیه می‌کند که در ساختن بناها، مشخصات و ریخت کالبدی شهر، به‌ویژه در مجاورت نزدیک بناهای کهن، در نظر گرفته شوند و برای همین یادمان‌هاست که محیط باید موضوع تدبیرهایی خاص واقع شود. احترامی به همین میزان باید به برخی از منظرها که دارای وجهی شاعرانه و الهام‌بخش‌اند، گذارده شود (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۱: ۷۰).

۱-۲-۳-۵- کنگره ونیز (۱۹۶۴ میلادی)

براساس این کنگره که در ونیز و به‌منظور اصلاح مفاد کنگره آتن تشکیل شد، وقتی که یک محیط و بافت قدیمی و اصیل

در پیرامون بنای تاریخی موجود باشد، سعی در حفظ این بافت ضروری است. احداث هرگونه ساختمان جدید در آن محیط و همچنین تخریب بناها و یا تغییر نحوه استفاده از آنها به‌طوری که در روابط، حجم و رنگ آنها تأثیر بگذارد، به‌طور کلی ممنوع است (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۱: ۷۲).

همچنین در ماده ۱۳ این قطعنامه آمده است: بخش‌های الحاقی به بناهای کهن نمی‌توانند مورد پذیرش واقع شوند مگر آنکه به تمامی بخش‌های ارزشمند و جذاب ساختمان احترام گذارده باشند و همچنین با حفظ حرمت مجتمع ساختمانی کهن به محیط سنتی آن و به پیوندهای آن با محیط اطرافش (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۱: ۷۴).

۱-۲-۳-۶- بیانیه بوداپست (۱۹۷۲ میلادی)

در این بیانیه، گذشته، حال و آینده به‌صورت یک کل نگریسته شده که لازم است هماهنگی میان هر سه زمان حفظ گردد (ضرورت تداوم تاریخی).

از اصول پیشنهادی این بیانیه عبارت است از:

۱. قائل شدن ارزش خاص و ذاتی به مجموعه‌های تاریخی

۲. اجتناب از هرگونه تقلید از مجموعه‌ها و ابنیه تاریخی گذشته

۱-۲-۳-۷- کنگره بولونیا (۱۹۷۵ میلادی)

این کنگره اساساً براین نکته تأکید می‌کند که تحت هیچ شرایطی نباید در بافت‌های تاریخی مداخله‌ای انجام شود. به عبارتی نگرشی کاملاً موزه‌ای بر بافت‌های تاریخی دارد. در زمینه مداخله در بافت‌های کهن دو اصل زیر را مطرح می‌کند:

۱. دخالت نکردن در عملکرد و گونه‌شناسی بناهای تاریخی

۲. نگاهداری و حفاظت همه جانبه (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۱: ۷۵).

۱-۲-۳-۸- شورای اروپا (۱۹۷۵ میلادی)

ازجمله اصول پیشنهادی شورای اروپا موارد زیر قابل ذکر است:

۱. امکان حضور معماری معاصر به شرط انطباق با بافت کهن

۲. لزوم معاصرسازی بافت‌ها و تجهیزات زیرساختی (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۱: ۷۵).

۱-۲-۳-۹- بیانیه روتنبرگ (۱۹۷۵ میلادی)

این بیانیه در چهارمین اجلاس ایکوموس در روتنبرگ تدوین شد. در این بیانیه در راستای حفاظت از داشته‌های شهر، رعایت مقیاس موجود شهر در تمام توسعه‌های جدید و احترام به شخصیت، ساختمان‌های غالب و ارتباط با چشم‌انداز کلی آن را ضروری می‌داند (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۱: ۷۹).

۱-۲-۳-۱۰- توصیه‌نامه ناپروبی (۱۹۷۶ میلادی)

در این اجلاس اعتقاد بر این است که شهرسازی مدرن عامل تخریب مراکز تاریخی و قدیمی شهر و روستا می‌باشد؛ بنابراین برنامه‌های حفاظتی در دستور کار قرار گرفته است. در اصول پیشنهادی این توصیه‌نامه آمده است: حداقل تغییرات در الگوی

سکونت ساکنان منطقه، رعایت الگوهای مطلوب در نوسازی بافت‌های قدیمی، مشارکت مردم بومی (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۱: ۷۹).

۱-۲-۳-۱۱- منشور ایکوموس (۱۹۸۷ میلادی)

این منشور که در شهر واشنگتن تصویب شد، به ارزش‌های فرهنگی شهرهای سنتی اهمیت بسیاری می‌دهد و بر تضمین یک رابطه هماهنگ میان مناطق تاریخی و سایر مناطق شهری به‌عنوان یک «کلیت» و نیز بر معاصرسازی این مناطق تأکید فراوان دارد. همچنین در این منشور، تمام مؤلفه‌های مربوط به حفاظت از محوطه‌های تاریخی شهری از جمله ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، برنامه‌ریزی و نظایر آنها و حتی در مراتب دقیق‌تر، حفظ الگوهای شهری، بلوک‌بندی‌ها، مصالح و ساخت مایه‌ها، عملکردها و ارتباط هماهنگ بافت‌ها مورد تأکید ویژه‌ای قرار گرفته‌اند (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۱: ۷۹).

۱-۲-۳-۱۲- معاهده ماستریخت (۱۹۹۲ میلادی)

هدف اصلی از انعقاد این معاهده توجه به بحث توسعه پایدار شهرها می‌باشد. معاهده ماستریخت دو اصل زیر را مورد تأکید قرار می‌دهد:

۱. لزوم همکاری و مشارکت مردم در طرح‌های مرمتی

۲. توجه به اصل توسعه پایدار در سیاست‌گذاری‌های مختلف (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۱: ۸۳).

۱-۲-۳-۱۳- سند نارا (۱۹۹۴ میلادی)

در این سند که با مسئولیت سازمان یونسکو، ایکوموس و ایکروم در کشور ژاپن منعقد گردید، انگیزه اصلی هویت‌بخشی و اصالت‌بخشی به میراث فرهنگی-هنری بومی و ملی است. برخی از اصول مورد تأکید این سند عبارت‌اند از: توجه به ارزش‌های اصیل و با هویت؛ به رسمیت شناختن گروه‌ها و فرهنگ‌های متنوع، و اینکه فرهنگ و ارزش‌های گروه‌های اقلیت نباید مورد بی‌احترامی قرار گیرد؛ مخالفت با روند جهانی‌سازی و یکسان‌سازی، چون بدین ترتیب فرهنگ و ارزش‌های گروه‌های اقلیت مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرد و فرهنگ اقوام برتر بر اقوام اقلیت مسلط می‌شود (مسعود و بیگ زاده شهرکی، ۱۳۹۱: ۸۴).

۱-۲-۳-۱۴- ادموند بیکن

تطابق و هماهنگی سیستم حرکت و تأسیسات شهر را با مختصات جغرافیایی به‌ویژه توپوگرافی و اقلیم منطقه ضروری و این اقدام را ابزاری مناسب برای تأکید و افزایش جلوه بصری و مفهومی جدید به ساختمان‌های عمومی و یادمان‌های تاریخی شهر می‌داند (شماعی و پوراحمد، ۱۳۹۲: ۲۱۸).

۱-۲-۴- تدوین معیارها و شاخص‌های معماری هم‌پیوند با زمینه

۱-۲-۴-۱- مؤلفه‌های معماری

ابعاد چهارگانه زمینه در معماری می‌توانند بر جنبه‌های مختلف معماری تأثیرگذار باشند. در هر اثر معماری سه مؤلفه قابل تشخیص است:

۱- فناوری و فرآیند طرح و ساخت: مصالح، تجهیزات، عناصر و جزئیات ساختمانی، روش‌های ساخت و به‌طور کلی

ماده و بدنه ساختمان تعریف این مؤلفه است.

۲- سیما و نماها: مفاهیم بصری حاکم بر نماها و احجام بیرونی و داخلی ساختمان و زیبایی‌شناسی آن، نکاتی چون رنگ، بافت، خط آسمان و فرم از اجزاء این مؤلفه‌اند.

۳- سازمان فضایی: ترکیب فضاهای یک بنا با هم یا با عناصر شهر که مبتنی بر مشخصات هر فضا، مثل اندازه و تناسبات فضا و نظام حاکم بر آن اعم از نظام دو بعدی و سه بعدی، سازمان فضایی را تعریف می‌کند. مواردی چون هندسه پلان، پر و خالی استقرار و مفاهیمی چون اصل و فرع، سلسله‌مراتب و... از عناصر این مؤلفه‌اند، که در رابطه با نظام عملکردی و معنایی هر بنا تبیین می‌شوند.

۱-۲-۴-۲- معرفی معیارها و شاخص‌های هم‌پیوندی با زمینه طبیعی

کلیه عوامل طبیعی اعم از زمین و ساخت و ریخت آن، آسمان و عوامل طبیعی مربوط به آن مثل باد، باران، خورشید و ماه، آب‌های زیرزمینی و سطحی و گیاهان و جانوران که همه این‌ها با انسان و محیط او از یک‌طرف و با مصالح و فناوری از طرف دیگر نسبت برقرار می‌کنند، زمینه طبیعی را تشکیل می‌دهند. از میان پنج معیار گفته شده در زمینه طبیعی معیارهای «طراحی اقلیمی»، «بازیافت‌پذیری مصالح» و «بوم‌آوردی مصالح» در مؤلفه فناوری و فرآیند طرح و ساخت معماری لازم است. همچنین معیار «ترکیب مناسب فضاها با عناصر طبیعت» در مؤلفه سازماندهی فضایی معماری مؤثر است.

۱-۲-۴-۳- معرفی معیارها و شاخص‌های هم‌پیوندی با زمینه محیط کالبدی

منظور از زمینه محیط کالبدی، بناها و عناصر مصنوع موجود در محیط پیرامون بنا و نظام بافتاری حاکم بر رابطه بین

جدول ۱-۷- نظریه‌های نظریه پردازان بین‌المللی در رابطه هم‌پیوندی (منبع: نگارندگان)

نظریه	نظریه پرداز	هم‌پیوندی کالبدی با زمینه
استفاده از مصالح بومی	بیانیه ترینیدا ۱۹۸۲ (میلادی)	
تأکید بر مشارکت مردم	ادموند بیکن	
تأکید بر همفکری و همکاری مردم	فارابی	
تأکید بر همفکری و همکاری مردم	جان راسکین	
توجه به مشارکت مردم و نظر متخصصان و هماهنگی با مسئولان و آنها برای برنامه‌ریزی شهر	لینچ	
لزوم همکاری و مشارکت مردم در طرح‌های مرمتی	معاهده ماستریخت	
بازشناسی حق مشارکت مردم بومی در تصمیم‌گیری‌های حفاظتی	بیانیه ترینیدا ۱۹۸۲ (میلادی)	
توجه به ارزش‌های اصیل و با هویت، به رسمیت شناختن گروه‌ها و فرهنگ‌های متنوع و مخالفت با روند جهانی‌سازی و یکسان‌سازی	سند نارا	
توجه به کلیه جنبه‌های فرهنگی مکان و حفاظت آن	منشور بورا	

نظریه	نظریه پرداز	
نگاه به شهر در گذر زمان و به صورت جریانی مداوم	ادموند بیکن	هم‌پیوندی تاریخی با زمینه
ارزشمند دانستن بافت تاریخی و استفاده از آنها برای آفرینش شاهکارهای جدید در ارتباط با گذشته و در تداوم با اصالت معنی دار گذشته	کلمیلوسیت	
انطباق مجموعه‌های شهری با شرایط مکانی و زمانی و توجه به تحول و تدام در آنها	پاتریک گدس	
نفی شیوه‌ها و الگوهای گذشته شهرسازی و معماری	لوکوربوزیه	
احترام به ارزش‌های معماری گذشته و نفی تقلید صرف از آنها	منشور آتن	
توجه به اصل معاصر سازی و به روز کردن بافت‌ها و فضاهای تاریخی	کنگره گوینو	
تاکید بر سازگاری و هماهنگی مجموعه‌ها با نیازها و مقتضیات زمان (معاصر سازی)	مصوبه یونسکو ۱۹۶۲ (میلادی)	
توجه به حفظ اصالت و شخصیت کلی اندام‌های شهری	کنگره رم	
قائل شدن ارزش خاص و ذاتی برای مجموعه‌های تاریخی و اجتناب از هرگونه تقلید از آنها	بیانیه بواداپست	
توجه به حفظ شکل ظاهری بناها و بافت‌ها گونه شناسی (تیپولوژی) و عملکرد آنها، نگاه در و حفاظت همه جانبه از بافت تاریخی	کنگره گوینو	
معاصر سازی و امکان حضور معماری معاصر به شرط انطباق با بافت کهن	شورای اروپا	
تداوم معماری بومی	بیانیه ترینیدا ۱۹۸۲ (میلادی)	
اهمیت دادن به ارزش‌های فرهنگی شهرهای سنتی و تضمین یک رابطه هماهنگ میان مناطق تاریخی و سایر مناطق شهری به عنوان یک «کلیت» و نیز تأکید بر معاصر سازی این مناطق	منشور ایکوموس	هم‌پیوندی زیست محیطی با زمینه
اعتقاد به نمایش گذاشتن ارزش‌های تاریخی و فرهنگی هر دوره تاریخی در فضاها و مجموعه‌های شهری	لینچ	
توجه به اقلیم شهر در مکان‌یابی بناها و ساخت آنها و همچنین توجه به زیبایی و چشم‌اندازهای طبیعی سایت	افلاطون و ارسطو	
در شهرسازی باید از عوامل طبیعی به خوبی استفاده شود و تطبیق منظر و چشم‌انداز شهر با طبیعت مورد توجه قرار گیرد.	آندره کوتن	
اهمیت قائل شدن برای بررسی و تحلیل ویژگی‌های محیط جغرافیایی	پاتریک گدس	
اعتقاد به پیوند شهر با طبیعت و برخورداری از مواهب طبیعی	لوکوربوزیه	
اعتقاد به آمیزش شهر با طبیعت و تأکید بر حفظ آن	هاوارد	
رعایت توپوگرافی و شرایط اقلیمی و مختصات جغرافیایی محدوده طراحی	ادموند بیکن	
تاکید بر حفاظت و نگهداری از ویژگی‌های چشم‌اندازهای محیطی شهری و روستایی و زیبایی موجود در آنها	مصوبه یونسکو	

آن‌هاست. از این ریخت‌شناسی و گونه‌شناسی ابنیه و بافت عوامل زمینه کالبدی هستند. در زمینه محیط کالبدی توجه به چهار معیار و شاخص هم‌پیوندی در طراحی معماری معاصر توصیه می‌شود.

«مواجهه خلا‌قانه با فنون ساختمانی رایج» معیاری است که در مؤلفه فناوری و فرآیند طرح و ساخت بایستی لحاظ گردد. همچنین معیار «هم‌آهنگی بصری با محیط مصنوع» در مؤلفه سیما و نمودها تأثیرگذار است. معیار «برقراری پیوند اندام وار با بافت شهر» در مؤلفه سازمان‌دهی فضایی اما در مقیاس بافت شهری بایستی مورد توجه قرار گیرد. همچنین معیار «فرم استقرار مناسب در سایت» نیز شاخصی است که در مؤلفه سازمان‌دهی فضای معماری تأثیر بسزایی دارد (علاقه‌بند، ۱۳۹۷: ۶۲).

۱-۲-۴-۴- معرفی معیارها و شاخص‌های هم‌پیوندی با زمینه فرهنگی اجتماعی

زندگی انسان در شناخت فردی و اجتماعی علاوه بر محیط مصنوع و طبیعی که در آن می‌زید از عوامل دیگری مبتنی بر ویژگی‌های ذاتی و اکتسابی انسان تأثیر می‌پذیرد در سبک زندگی، روال‌های اجتماعی، هویت‌های جمعی، فعالیت‌های اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی و معنایی از عوامل این زمینه هستند، در رعایت معیارهای «رونق اقتصاد محلی و خودکفایی»، «تعدیل نمودهای اختلاف طبقات اجتماعی»، «رعایت حرایم اجتماعی و حقوق همسایگان و شهروندان» و «ایجاد ظرفیت در سازمان فضایی برای تقویت ساختارها و فعالیت‌ها و ارزش‌های اجتماعی» در طراحی معماری معاصر سبب پیوند عمیق و مستحکم با زمینه فرهنگی-اجتماعی خواهد شد. معیار اول متوجه مؤلفه فناوری و فرآیند طرح و ساخت معماری است. دو معیار بعدی در سیما و نمودهای معماری تأثیر گذار است و معیار آخر مشخصاً در مؤلفه سازمان‌دهی فضایی معماری مطرح است.

۱-۲-۴-۵- معرفی معیارها و شاخص‌های هم‌پیوندی با زمینه تاریخی

تجربه زیست تاریخی در کشور ما ترکیب همگنی از توجه به عوامل اجتماعی، فرهنگی، طبیعی، اقلیمی و محیط مصنوع کالبدی را نشان می‌دهد؛ با گذشت زمان عواملی چون هویت‌های جمعی، روال‌های اجتماعی، سبک زندگی، دستاوردها و آثار تمدنی دستخوش تکامل، تناقص و تحول می‌شوند. پیوند مفاهیم اجتماعی زمان ما با همان مفاهیم در دوره‌های پیش و پس از خود تاریخ نامیده می‌شوند. نادیده گرفتن این پیوندها از عوامل ناکارآمدی و ناهنجاری‌های تمدنی و فرهنگی ماست. بازآفرینی روال‌ها و نمودهای تاریخی با هدف ارجاع تاریخی راه‌حلی برای تأکید بر پیوند با زمینه تاریخی است. برای پیوند با زمینه تاریخی در معماری حداقل توجه به سه معیار «احیاء و انتقال فنون تاریخی ساخت‌وساز»، «استفاده خلاقانه از عناصر و فرم‌های معماری تاریخی» و «به‌کارگیری الگوهای تاریخی معماری در سازمان فضایی» اهمیت دارد که هریک از این سه معیار با سه مؤلفه تشریح‌شده معماری متناظر است. در ادامه هریک از این معیارها به اجمال معرفی می‌شوند.

۱-۲-۴-۶- معیارها

باتوجه به مطالعات و برداشت‌های میدانی، و رسیدن به تعریفی اولیه از بناهایی که حائز شرایط زمینه‌گرایی هستند، معیارهای به دست آمده در دو دسته کلی ملموس (فیزیکی) و ناملموس (غیر فیزیکی)، تقسیم‌بندی شدند؛ آن دسته از ویژگی‌های بناها که با حواس اصلی انسان نظیر دیدن و لامسه قابل ادراک است را می‌توان در زمره معیارهای فیزیکی دانست و آن دسته که ادراک آنها به واسطه دریافت‌های حسی و با ابزارهای حسی نظیر دیدن امکان‌پذیر باشد را معیارهای غیرفیزیکی نامیده‌ایم.

۱-۲-۴-۶-۱- معیارهای فیزیکی (ملموس)

۱-۲-۴-۶-۱-۱- هماهنگی بنا با محیط زیست و اقلیم

هماهنگی با توپوگرافی: توپوگرافی به‌عنوان یک معیار برای سنجش هم‌پیوندی معماری به معنای قرارگیری بنا بر روی آن نیست، بلکه بدین معنا است که بنایی با آن هماهنگ باشد. به این منظور طراح باید در تعریف روند

ساخت‌وساز به گونه‌ای عمل نماید که حداقل تغییرات و مداخله (به‌صورت هدفمند) در توپوگرافی اعمال شود و به‌نوعی در طراحی خود، از آن تبعیت نماید.

هماهنگی با اقلیم و آب و هوا: به منظور ایجاد هماهنگی بین معماری و اقلیم بستر نیاز است که بنای مورد نظر با ارائه راهکارهای مناسب معماری، عملکرد درخوری را در برابر عوامل مساعد و نامساعد جوی از خود نشان دهد و بتواند آرامش اقلیمی مورد نیاز را فراهم نماید؛ باید توجه داشت که این موضوع محقق نمی‌شود، مگر با شناسایی دقیق و کامل اقلیم بستر طراحی.

ارتباط با عناصر طبیعی محیط: منظور از این معیار، این است که بنا در امتداد و پیوند با طبیعت باشد؛ جزئی از آن به‌شمار رود، به مقابله با آن بر نخواست و رعایت مواهب موجود در بستر طبیعی را نماید.

هماهنگی مصالح بنا: سازگاری ساختارهای جدید در پوسته بیرونی ساختمان‌ها از اهمیت بسیاری برخوردار است. انتخاب مصالح مناسب برای پوسته خارجی بناها، به درکی از سازگاری مصالح پیشنهادی در ترکیب، مقیاس، مدول، الگو، بافت، رنگ و درخشندگی آن‌ها وابسته است؛ که در مکانی با خصوصیات ثابت، معمولاً مصالح ساختمانی و دامنه‌های رنگی غالب، مخصوصاً در جزئیات و تزیینات، وجود دارد. رنگ مصالح به‌عنوان نخستین قسمت نشان‌دهنده بافت، ملزم به ایجاد هماهنگی با محیط است. این نکته به معنای استفاده از مصالحی مشابه بنای مجاور نیست؛ بلکه گویای این مفهوم است که در طراحی‌های جدید با شناسایی مصالح و رنگ‌هایی که به‌صورت محلی و در بناهای مجاور استفاده شده‌اند باید از مصالحی با ترکیب رنگ‌هایی هماهنگ با بناهای مجاور استفاده شود؛ هرچه بیشتر این هماهنگی رعایت شود، گویای هم‌پیوندی غنی‌تری بین بنا و بافت خواهد بود.

ترکیب بندی مصالح: مصالح استفاده شده در بنا باید به‌عنوان جزئی از کلبه سمت هماهنگی با محیط حرکت کند و از ترکیب مصالح همگون با محیط و با یکدیگر به‌منظور جلوگیری از اغتشاش در سیمای طبیعت بهره برده شود. **هماهنگی در تناسبات:** به منظور ایجاد زیبایی بصری (که جزء اصول اولیه اثر هنری است) و به بیان رابطه هماهنگ میان اجزای آن می‌پردازد، هندسه و تناسبات با اهمیت ویژه‌ای در معماری ظهور می‌یابد. تناسبات به‌طور کلی شامل: تناسب اجزاء اثر نسبت به یکدیگر و تناسب اثر نسبت به عناصر فیزیکی اطراف (تناسبات محیطی) می‌شود. **فرم:** بنایی را می‌توان هم‌پیوند با زمینه محسوب کرد که فرم کلی آن با فرم غالب بناهای موجود در آن زمینه سازگار باشند. این نکته بدان معنا نیست که شکل بنای جدید از بنای مجاور خود کپی‌برداری شود، اما باید به نحو مناسبی با شمایل ظاهری آن در ارتباط بوده و درواقع فرم طراحی‌های جدید با خط آسمان غالب در زمینه هماهنگ باشد و آن را تقویت نماید. این سازگاری باید به‌نحوی باشد که خلق یک کلیت هماهنگ به‌وسیله تناسب خوب بین پنجره‌ها، بازشوهای در، سایبان محدوده سقف، سازه‌های عمودی و افقی، مصالح، رنگ، عناصر زیبایی و ... با طبیعت را ایجاد نماید. معماری به مثابه یک پیکر واحد: ارزش‌های ظاهری بنا در نگاه کلی، که در یک نگاه قابل ادراک هستند.

نحوه اشغال زمین: فرم قرارگیری بنا در زمین، که طی ادوار گوناگون دستخوش تغییر قرار گرفته است و بررسی

تأثیر آن در قائل ماندن بنا به زمینه و زمانه خود.

فرم سقف (لبه آسمان): با نگاهی به معماری سنتی ایران در شهرهایی مانند کاشان، یزد، اصفهان و ...، می‌توان دریافت که در معماری سنتی ایران علاوه بر چهار نمای اصلی، بام‌ها نیز از لحاظ زیبایی‌شناسی (فرم گنبدی) و کارکردی (سایه اندازی) به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر و همگرا از ساختمان مطرح بوده‌اند و می‌توان از آن‌ها به‌عنوان نمای پنجم در معماری ایران یاد کرد. چیزی که در این پژوهش مورد نظر است چگونگی هم‌خوانی این وجه از بنا با محیط و سایر عناصر مؤثر در آن به‌عنوان نمایی از هویت ساختمان است.

۲-۱-۴-۲-۱- هم‌هنگی با الگوهای کالبدی بومی

ترکیب بنا با بافت: طراحی بنا در بافت باید خود را ملزم به توجه در متن و زمینه بداند؛ در واقع اگر طراحی ساختارهای جدید منعکس‌کننده درکی از خصوصیات ویژه منطقه و بناهای آن بوده و با آن خصوصیات سازگار باشد، می‌تواند به افزایش ویژگی‌های مکان کمک نموده و بافت و معماری مکمل یکدیگر را سبب شود.

هم‌هنگی بنا با همسایگان، بناهای جدید و قدیم: حضور ساختارهای جدید در زمینه تاریخی سبب تداوم تاریخ و غنا یافتن محیط‌های تاریخی شده است؛ اما حضور ساختاری جدید نباید محیط اطراف را تحت تأثیر قرار دهد، به گونه‌ای که ضمن توجه و در نظر گرفتن حجم، رنگ، شکل، تناسب، مقیاس و مصالح موجود، بر بناهای اطراف غلبه نکرده و به چشم‌اندازها و دیدهای با اهمیت آسیب نرساند. این رویکرد می‌تواند با ایجاد بنایی مدرن و یا بنایی با اقتباس از بناهای اطراف ایجاد شود، اما آنچه که اهمیت دارد عدم تقلید صرف از بناهای تاریخی و سبک‌های گذشته است؛ به‌طوری که ضمن سازگاری با بناهای تاریخی و احترام به خصوصیت آن‌ها، از سبک‌هایی که بیان‌کننده روح زمان خود هستند؛ بهره‌برد. از این طریق می‌توان ساختاری را خلق کرد که به‌عنوان میراثی برای آینده بهترین معرف معماری زمان خود باشد.

هم‌هنگی در خط آسمان: خط آسمان، باید با توجه به خطوط ارتفاع، حجم، نما، شکست‌های داده‌شده به حجم و نحوه پر و خالی شدن آن ایجاد شده، و دارای تناسب خوب و منطقی باشد. درواقع ضمن در نظر گرفتن مقیاسی سازگار با خط آسمان موجود، فرم طراحی‌های جدید باید با خط آسمان غالب در زمینه هم‌هنگ بوده و آن را تقویت کند.

تناسبات در دانه‌بندی: با توجه به ریزدائگی یا درشت‌دائگی محدوده‌ای که بنا در آن قرار گرفته است، و موفقیت بنا در پاسخ به دانه‌بندی موجود در بافت به‌وسیله فرم و پوسته بنا، عاملی است که در شناخته شدن آن به‌عنوان یک بنای زمینه‌گرا، یا غیرزمینه‌گرا دخیل خواهد بود.

۲-۱-۴-۲-۱- معیارهای غیرفیزیکی (غیرملموس)

هم‌هنگی بنا با فرهنگ مردم: فرهنگ و نوع زندگی مردم منطقه و تأثیر آن در ایجاد سرپناه، زمینه‌گرایی فرهنگی به‌معنی حفظ ارزش‌ها و اهداف مشترکی است که مردم به کمک آن (مجموعه ارزش‌ها و باورها) به محیط خود معنی

می‌دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کنند. بنای جدید تنها در صورت اقتباس از مایه اصلی زمینه طراحی (درک خصوصیات انسانی و فرهنگی فضای کالبدی)، با بناهای مجاور خود پیوندی مستحکم خواهد داشت، عناصر کالبدی در محیط معانی متفاوتی دارند، این معانی به‌طور نظام‌یافته‌ای به فرهنگ پیوند خورده‌اند؛ فرم ساخته شده، بازتابی از مجموعه قواعدی است که فرهنگ آفریده است، و طراحی باتوجه به فرهنگ و ارزش‌های بستر موجب افزایش احساس تعلق افراد به محیط می‌شود.

هماهنگی بنا با شرایط اجتماعی: همگام و پاسخگو با شرایط اجتماعی بستری که بنا در آن ایجاد شده است. ارزش‌های اجتماعی و تأثیراتی (مثبت یا منفی) که بر مردم و محدوده می‌گذارد، به‌طور نظام‌یافته‌ای تأثیر مستقیم در روش ایجاد سرپناه دارد.

هماهنگی بنا با مذهب و قومیت: هماهنگی با مذهب و قومیت، یکی از اصلی‌ترین عناصری است که مردم به کمک آن (مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی) به محیط خود معنی می‌دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کنند. مذهب و قومیت مردم منطقه و تأثیر آن در ایجاد سرپناه تأثیر مستقیم در روش ایجاد سرپناه دارد.

هماهنگی بنا با تاریخ و معماری بومی: درک بهتر از روند معماری «گذشته» و الهام گرفتن از آن در معماری «معاصر»، بنابراین این همگامی نه تأکید بر تقلید «ایجاد مجدد گذشته» و نه مانع نوآوری است.

هماهنگی بنا با شرایط اقتصادی: فرم ساخته‌شده و مصالح استفاده‌شده در بنا بازتابی از شرایط اقتصادی موجود در منطقه می‌باشد، و طراحی باتوجه به شرایط اقتصادی بستر و میزان تأثیرگذاری آن بر بناها نکته‌ای قابل تأمل در روش ایجاد سرپناه است (قانعی، ۱۳۹۷: ۳۲).

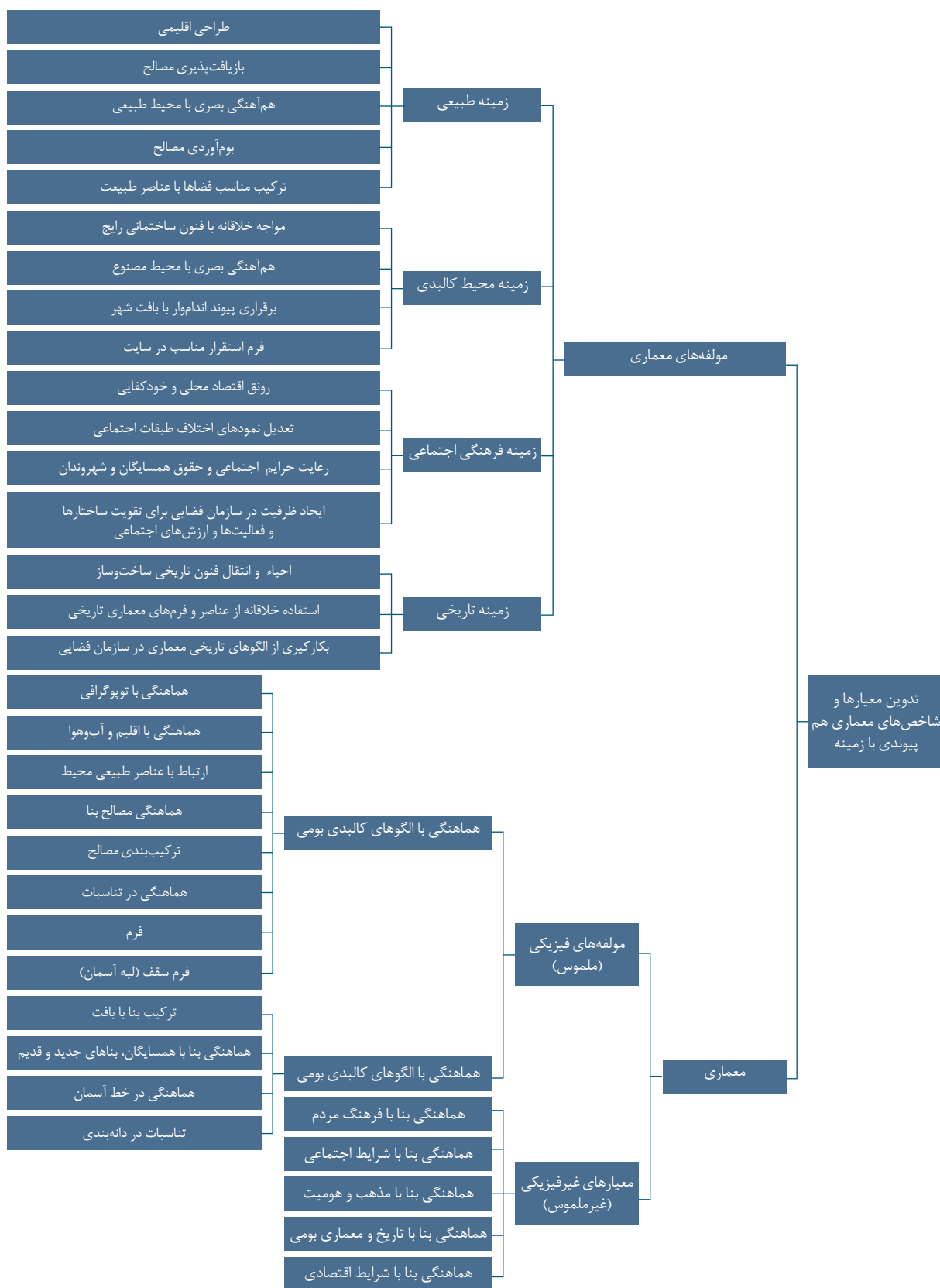
۱-۲-۵- جمع‌بندی

زمینه‌گرایی دیدگاهی است که به ویژگی‌های یک مکان توجه دارد. از این‌رو درعین حال که به‌گونه‌ای ضمنی به تمایز مکان نیاز دارد و ایجاد ارزش‌های جدید را نفی نمی‌کند، به‌صراحت، تداوم ارزش‌های کالبدی مکان با زمینه موجود را خواستار است. در سال‌های اولیه پیدایش نظریه زمینه‌گرایی، تنها به ابعاد فرمی توجه می‌شد، اما در سال‌های بعد ابعاد انسانی و اجتماعی-فرهنگی نیز مورد توجه قرار گرفت. حساسیت معمار و میزان درک او از ویژگی‌های فیزیکی، ذهنی و احساسی سایت یا حس مکان تنها با حضور در بستر و زمینه مکان حاصل می‌شود. زمینه‌گرایی شهری به موارد زیر متعهد می‌ماند:

- (۱) زمینه‌گرایی کالبدی، به شکل کل از قبل موجود؛ (۲) زمینه‌گرایی تاریخی، به میزان و نظم رابطه اجزای شهر در طول زمان؛ (۳) زمینه‌گرایی اجتماعی-فرهنگی، به معنای ارزش‌ها و اهداف مشترک؛ اما تحول در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه موجب بسترسازی برای پیشرفت و رونق معماری و شهرسازی خواهد بود. در سیر تحول نظریات مختلفی که ارائه شد، همواره ارجاع به محیط کالبدی مصنوع، چه تحت عنوان شهر پیش از مدرن یا شهر معاصر، وجود داشته و شیوه کار در این ارجاعات نه بر مبنای بی‌تفاوتی بلکه یا مبتنی بر هماهنگی با آن محیط یا تضاد با آن بوده است. به نظر می‌رسد در جمع‌بندی بتوان گفت که به‌ر صورت انسان، محیط پیرامون خود را به‌صورت مجموعه‌ای از عناصر مرتبط

ادراک می‌نماید. مجموعه‌ای که جریان خنثی پدیده‌ها نمی‌باشند، بلکه واجد ساختار و لذا معانی‌ای بوده که جهت‌گیری خاصی را الزام می‌کند. نتیجه این اقدام به‌صورت تشدید آن ساختار و معانی یا رد و اصلاح آنها می‌باشد. از این نظر، محیط کالبدی مصنوع و متناظر با آن محیط طبیعی پیرامونی نظیر منظومه‌ای از نیروهای پویا، متحرک و به تعبیری زنده تلقی می‌شوند که زندگی و سکونت در آن، دیگر زندگی در بستری خنثی نخواهد بود بلکه دلالت بر هم‌زیستی انسان با این موجودیت زنده دارد. این موجود زنده محیطی، انسان را در برداشته و زندگی انسان در گرو بهره بردن از امکانات و نیروهای آن، در قالب دخالت هماهنگ و کاهش آسیب‌های آن، در قالب نقد متضاد می‌باشد.

بررسی تأثیر کارکردها بر روند معماری و فضای آن، گرچه از وجه فردی آغاز شد اما خواه ناخواه به وجه اجتماعی منجر خواهد شد. هر تحدید و تعیین فضایی، حتی اگر از نیازهایی کاملاً فردی برخاسته باشد، نهایتاً بی‌تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از کارکردهای اجتماعی نمی‌تواند به انجام رسد. اگر روند کارکردگرایانه (و نه عملکردگرایانه) حرکت از ماهیت عام عملکردی گونه معرف به تجلی خاص گونه پدید آمده را در تدوین معماری قائل باشیم، ناگزیر از پذیرفتن تأثیرات کارکردهای خاص اجتماعی و فرهنگی بر اثر معماری خواهیم بود. اگر سه موجودیت شهر، تیپ و اثر معماری در نظر گرفته شود، در برخورد تیپولوژیک، زنجیره‌ای حلقه‌ای شکل می‌گیرد که هر مفهوم، ارتباطی تنگاتنگ با دو مفهوم دیگر برقرار می‌نماید؛ اثر معماری برخاسته از تیپ، در شهر جای می‌گیرد؛ شهر، بستر و زمینه اثر معماری و مخزن تیپ‌های شکلی بوده و تیپ، با الهام از تاریخ تجارب معمارانه، در شهر خود محور شکل‌گیری از معماری می‌گردد.



شکل ۴-۱- جمع‌بندی تدوین معیارها و شاخص‌های معماری هم‌پیوند با زمینه (منبع: نگارنده)





فصل ۲

شناسایی و مستندسازی

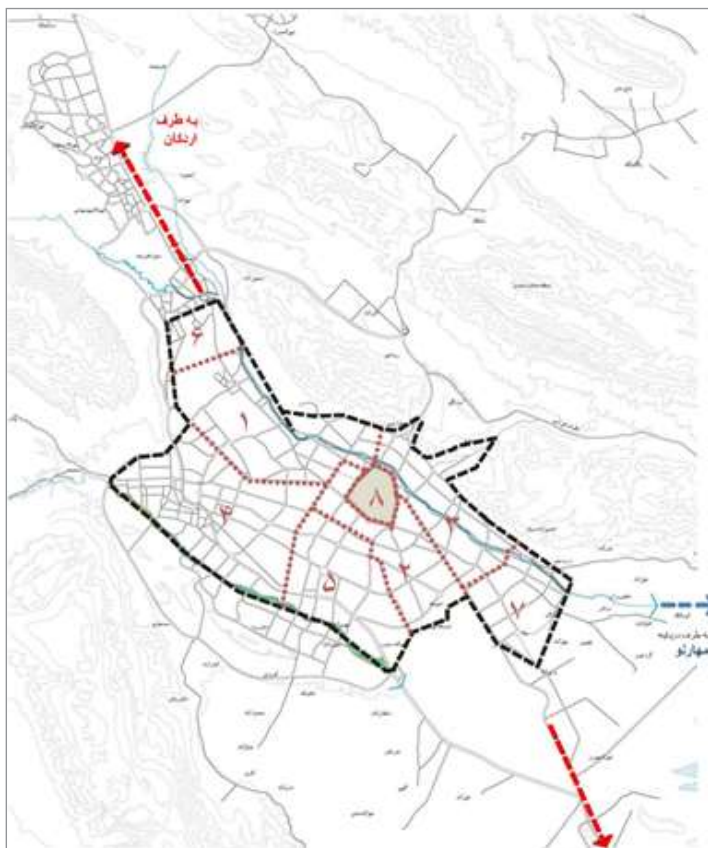
۲-۱- بررسی ادوار معماری و تاریخی شهر شیراز

۲-۱-۱- موقعیت، حدود و وسعت شهر شیراز

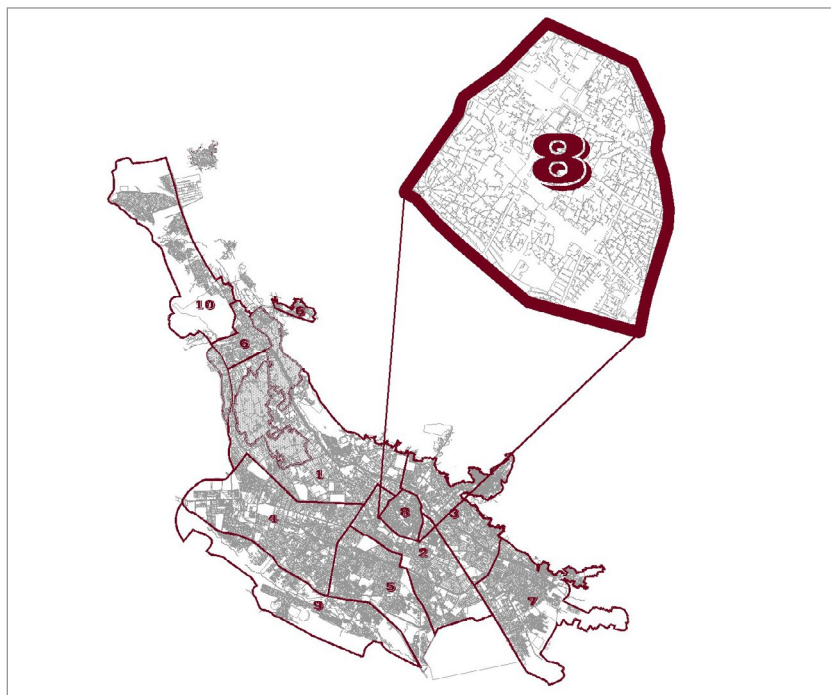
شهر شیراز به‌عنوان مرکز استان فارس در دشتی تقریباً مستطیل شکل در ۲۹ درجه و ۳۷ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه و ۳۲ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. ارتفاع این شهر از سطح دریا ۱۵۴۰ متر و فاصله آن با تهران به‌عنوان پایتخت کشور ۸۹۵ کیلومتر می‌باشد. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۸۱) [تصویر ۱-۲]

۲-۱-۲- ساختار معماری و بافت شهری شیراز

شیراز به‌عنوان یک کلان‌شهر دارای هویتی تاریخی و شناخته‌شده است و حیطه قابل توجهی برای پژوهش و بررسی به‌ویژه در زمینه معماری و شهرسازی به‌شمار می‌آید. ساختار کنونی شهر شیراز حاصل فرآیندی تاریخی و پویا از استقرار جمعیت بر بستر طبیعی شهر و تأثیرات متقابل آنهاست، یعنی مضمون آن در هر دوره با توجه به ساختار فضایی طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی-فرهنگی شهر تفاوت می‌کند و این تغییر مضمون سرعتی افزاینده دارد (معماریان، ۱۳۷۵). در ادوار مختلف تاریخی بافت شهری شیراز بیشتر به شکل یک چهارگوش کشیده و متشکل از تعداد زیادی خانه است که همانند دیگر نقاط ایران (بیشتر مناطق مرکزی) از کوچه‌های بن‌بست و دربند برای راه‌یافتن به خانه‌های میانی قطعات استفاده شده است (قبادیان، ۱۳۹۰).



تصویر ۱-۲- نقشه شیراز منبع: (URL)



تصویر ۲-۲- بزرگ‌نمایی بافت
تاریخی شیراز
(منبع: نگارنده)

خانه‌های حیاط‌دار اصلی‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده قطعات مسکونی بافت شهری شیراز می‌باشد. از خصوصیات این خانه‌ها، درون‌گرایی کامل آن است. در خانه‌های شیراز کلیه فضاها حیاط را دربر گرفته است و این فضاها به غیر از هشتی، هیچ‌گونه ارتباط بصری و فیزیکی با مسیرهای بیرون خود ندارند. حیاط علاوه بر ارتباط بین فضاهای مختلف و سازمان‌دهی فضاهای تابستان‌نشین و زمستان‌نشین، در بخشی از سال محل نشیمن بوده و در کلیه فصول به‌نوعی مورد استفاده واقع می‌شده است.

۲-۲- معرفی بافت تاریخی شیراز

منطقه تاریخی و فرهنگی شهر شیراز با وسعت تقریبی ۳۷۸ هکتار بخشی از محدوده مرکزی شهر را شامل می‌شود که امروزه منطقه ۸ شیراز شهرداری شیراز را تشکیل داده و خود دارای شهرداری مستقل است. معابر این بافت تنگ و پیچ درپیچ و بافت شهری آن فشرده و درهم تنیده است. جمعیت این بافت براساس آمار سال ۱۳۸۸ بیش از ۵۰ هزار نفر است و از ۱۱ محله تشکیل شده است، که هر کدام از این محله‌ها دارای ویژگی‌های خاص خود است که در ادامه به ویژگی‌های هر کدام اشاره خواهد شد. [تصویر ۲-۲]

۲-۲-۱- شکل‌گیری بافت و معماری شیراز در رابطه با محیط فیزیکی و اقلیمی

یکی از عوامل مؤثر بر بافت و سیمای شهرها، عوامل محیطی است که در زمینه‌های زیر می‌تواند بر شهر اثر گذارد؛

- اجازه ورود بادهای مناسب به داخل بافت
- دادن جهت مناسب به ابنیه، جهت استفاده لازم از نور آفتاب با توجه به شرایط اقلیمی

- سد کردن راه ورود بادهای نامطلوب
- نقش عوامل محیطی در نوع مصالح
- تغییر مقدار شیشه مصرفی با توجه به دما و زاویه تابش
- نقش عوامل محیطی در تعیین و نوع تأسیسات شهری مانند تأسیسات خنک‌کننده و گرم‌کننده
- تأثیر محیط بر شبکه معابر در ایجاد سطوح سایه، معابر تنگ و ...

آنچه در ترکیب معماری و بافت شهرهای ایران از جمله شیراز می‌توان مشاهده کرد این است که عامل آب‌وهوا در شکل دادن منطقی به بافت شهرها و ترکیب معماری این نواحی نقش عمده‌ای داشته و مسائل آب‌وهوایی همیشه به صورت مشکلات حاد برای مردم این نواحی مطرح بوده این مشکلات در طول هزاران سال مردم را به یافتن راه‌حلهایی هدایت نموده که به طور حیرت‌انگیزی جنبه‌های آزاردهنده آب‌وهوایی را کم و از جنبه‌های راحتی بخش آن بهره می‌گیرد (توسلی، ۱۳۸۱).

[تصویر نقشه‌ها و تصویر ۲-۳]

۲-۲-۲- دروازه‌ها و محلات شهر شیراز

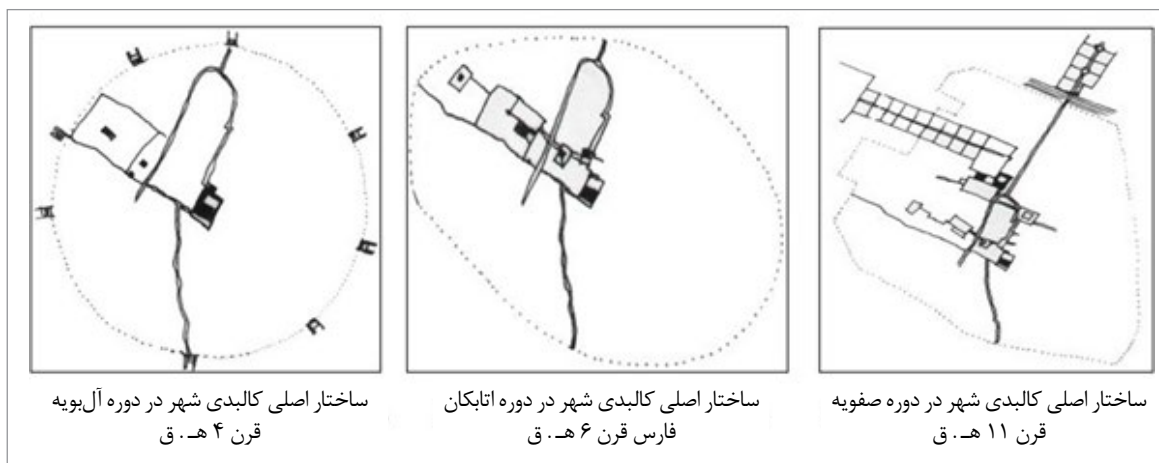
ابو شمس‌الدین مقدسی جغرافیدان بنام اسلامی در گذشته به سال ۳۷۶ ه. ق در کتاب احسن‌التقاسیم فی معرفه‌الاقالیم می‌نویسد: «شیراز هشت دروازه دارد: باب اصطخر (دروازه اصفهان کنونی)، دروازه شوشتر (دروازه کازرون کنونی)، دروازه بند آستانه، دروازه غسان، دروازه سلم (دروازه شاهدای امروزی)، دروازه کوار (دروازه قصابخانه کنونی)، دروازه منذر (حدود کل شیخ ابوزرعه)، دروازه فهندر (دروازه سعدی امروزی)» و حمدالله مستوفی که در اواخر دوره اتابکان و اوائل سده هشتم هجری به شیراز آمد دروازه‌های شیراز را نه دروازه به این شرح نوشته است: «دروازه اصطخر (دروازه اصفهان)، دروازه دراک موسی (یا باغشاه نزدیک خیابان دهنادی کنونی)، دروازه بیضا (کل مشیر امروز)، دروازه کازرون (شوشتر سابق)، دروازه سلم (دروازه شادای امروز)، دروازه فسا (دروازه کوار سابق)، دروازه باب نو، دروازه دولت (منذر سابق)، دروازه سعادت (فهندر سابق).

این مورخ محلات شیراز را هفده محله نوشته که از روی نوشته‌های اشد الازرار و شیرازنامه می‌توان به نام آن‌ها پی برد: «محله بالاکفد، محله باغ قتلغ (محله سید علاالدین کنونی)، محله باغ نو (درب شیخ کنونی)، محله سراجان (قسمتی از محله لب‌آب و جنوب مسجد جامع عتیق)، محله دشتک (قسمت غربی محله لب‌آب)، محله پالانگران (حوالی بقعه علمدار)، محله دزک (سردزک امروزی)، محله بال رود (باهلیه و قسمتی از محله سردزک کنونی)، محله درب سلم یا دارالسلام (شاهدای کنونی)، محله شیراز (سربابله یا باهلیه امروز)، محله مقاریضی (سنگ سیاه کنونی)، محله باغ نو (جنوب شرقی شیراز و حوالی خاتون)، محله پیراسته، محله درب اصطخر، محله نامدار (حوالی دروازه اصطخر)، محله گچ‌پزان (کل شیخ ابوزرعه)».

تا زمان صفویه این دروازه‌ها و محلات به همین نام نامیده می‌شدند که کریمخان زند پس از ساختن باروی دور شهر، شیراز را به شش دروازه و یازده محله بخش نمود که به شرح زیرند:

دروازه باغشاه (نزدیک خیابان دهنادی کنونی)، دروازه اصفهان، دروازه سعدی، دروازه قصابخانه، دروازه شادای، دروازه کازرون.

- به جز دروازه باغشاه که چند دهه پیش جای آن را خیابان زند گرفته و دیگر سر زبان‌ها نیست، بقیه نام‌های ذکر شده برای این دروازه‌ها تا به امروز به جا مانده است. یازده محله زمان کریمخان زند:
- پنج محله حیدری‌خانه: محله اسحاق بیگ، بازار مرغ، بالاکفد، درب شاهزاده، میدان شاه.
 - پنج محله نعمتی‌خانه: محله درب مسجد، سرباغ، سردزک، سنگ سیاه، لب آب.
 - یازدهمین محله، محله یهودی‌هاست. (سامی، ۱۳۶۳)



نقشه‌ها و تصاویر مربوط به کالبد شهر شیراز در دوره‌های مختلف



تصویر ۲-۳- تصویر هوایی شهر شیراز در سال ۱۳۳۵ (منبع: آرشیو شهرداری شیراز)

در سال ۱۳۰۱ ه. ق محلات ذکرشده دارای ۶۳۲۷ خانه بوده‌اند و جمعیت شهر را در این سال ۲۵۲۷۴ نفر مرد و ۲۸۳۲۳ نفر زن نوشته‌اند.

به‌طور کلی این محله‌ها از حیث فرسودگی، پایین بودن سطح درآمد، حضور اقشار سنتی در کنار مهاجران تازه‌وارد، کمبود خدمات شهری و کهنسالی جمعیت با یکدیگر وجه اشتراک دارند، اما د عین حال هر کدام دارای ویژگی‌هایی هستند که در زیر به آنها اشاره شده است:

محله بالاگفت

این محله بزرگ‌ترین محله بافت محسوب می‌شود. خیابان آستانه و لطفعلی‌خان زند از خیابان‌های شرقی-غربی این محله هستند. خیابان آستانه که حرم سید علاء الدین حسین (ع) است در این محله قرار دارد. کاربری‌های غالب این محله، کاربری مذهبی با کارکرد فراشهری، کاربری تجاری با کارکرد فرامحله‌ای و کاربری مسکونی که سطح عمده‌ای از محله را اشغال کرده است، می‌باشد.

محله لب آب

این محله از جمله محله‌های حاشیه‌ای بافت است که از جنوب به دروازه شاه داعی الله منتهی می‌شود. واحدهای تجاری در دو سوی این خیابان مستقر شده‌اند. خیابان حسینی در سمت شرق این محله قرار دارد، این خیابان به میدان آستانه می‌رسد و از جمله خیابان‌های پررفت‌وآمد محسوب می‌شود. کاربری غالب این محله کاربری مسکونی است.

محله سردزک

این محله در قسمت جنوبی بافت قدیم قرار گرفته است. خیابان حضرتی از وسط این محله عبور می‌کند. خیابان حضرتی، یکی از خیابان‌های پیونددهنده شهر با مرکز مذهبی، شاهچراغ است و از این‌رو حجم عبور و مرور در آن بالاست.

محله سنگ‌سیاه

محله سنگ‌سیاه یکی از محله‌های حاشیه‌ای بافت قدیم است. این محله از لحاظ ارتباط درون محله‌ای وضعیت بهتری دارد و دسترسی‌های درجه دوم آن روشن‌تر است. کاربری غالب این محله، کاربری مسکونی است.

محله اسحاق‌بیگ

خیابان کریم خان زند مقداری از شمال محدوده را در بر گرفته و خیابان لطفعلی‌خان زند از میان محله عبور می‌کند، به این ترتیب، این محله به دو قسمت تقسیم شده که قسمت شمالی آن به دلیل همجواری با میدان آستانه و دسترسی‌های مناسب‌تر در حاشیه بافت وضعیت بهتری دارد. کاربری غالب این محله، کاربری مسکونی است.

محله درب شازده

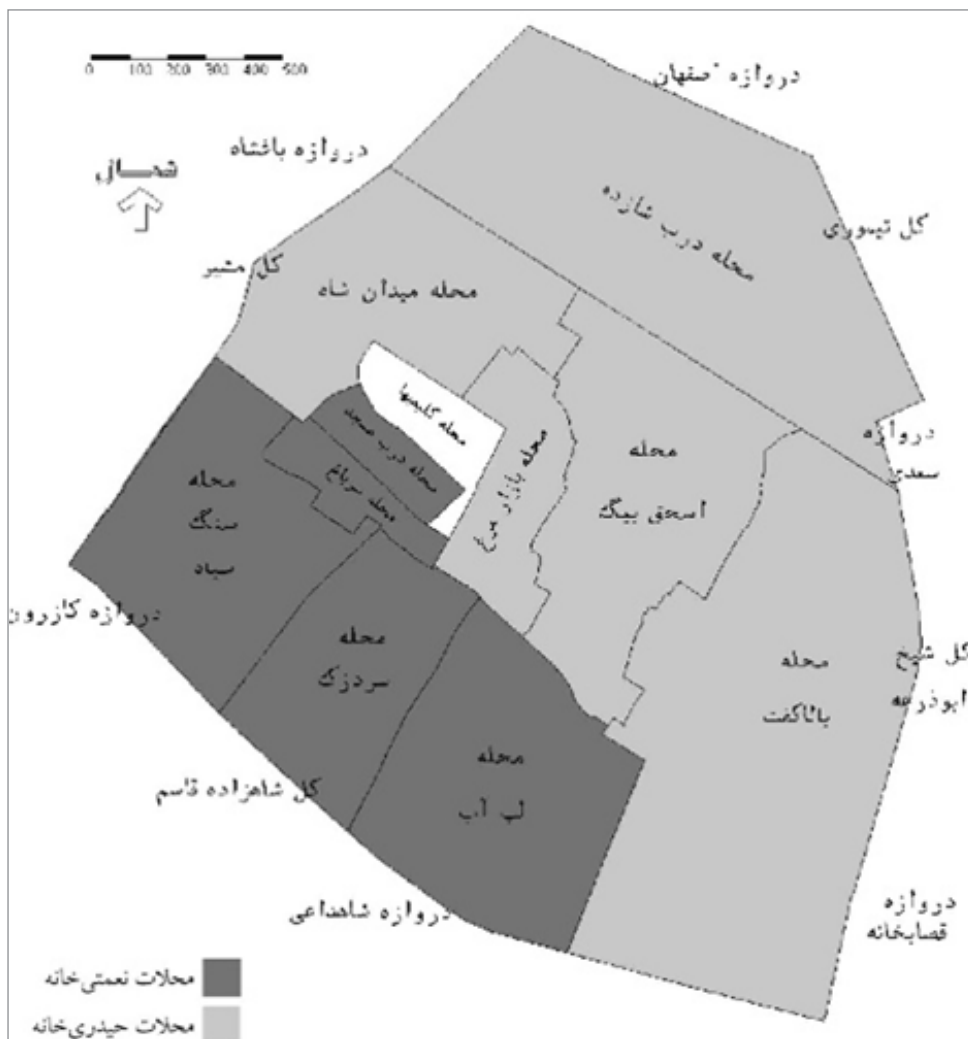
این محله به‌رغم برخی دست‌خوردگی‌ها، یکی از قدیمی‌ترین محله‌های بافت است که در قسمت شمالی بافت قرار دارد. خدمات شهری موجود در این محله، عمدتاً کارکرد فرامحله و شهری دارد. وجود بازار وکیل در این محدوده، نشانگر کارکرد فراشهری و حتی فرامنطقه‌ای کاربری تجاری این محله است و کاربری غالب این محله، کاربری تجاری و مسکونی است.

محله میدان شاه

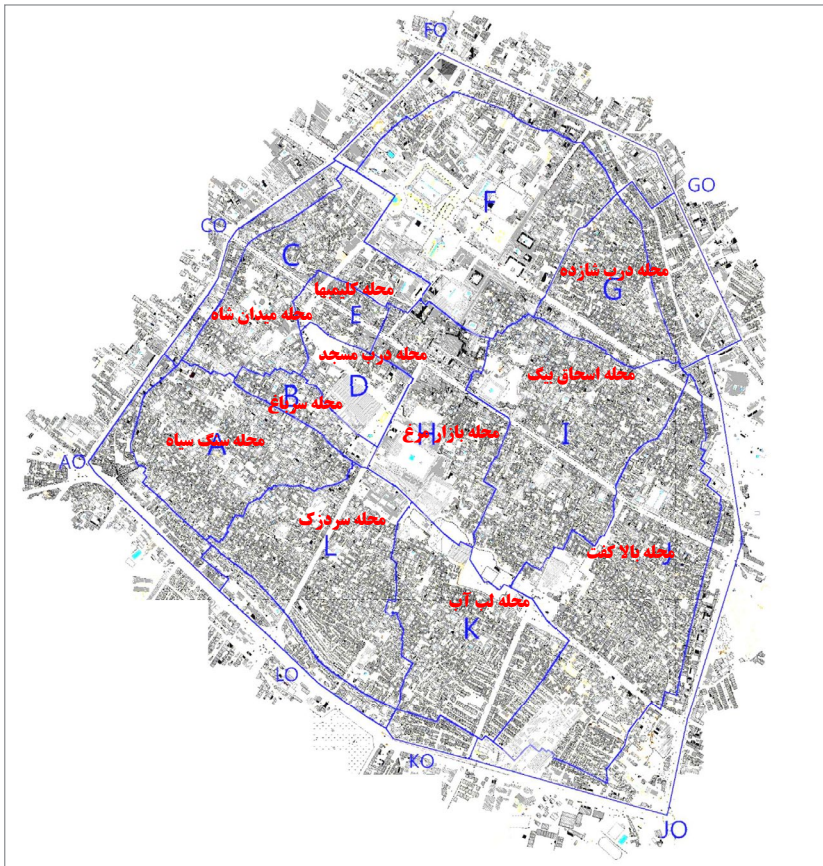
این محله در قسمت شمال غربی بافت قرار دارد. خیابان لطفعلی خان زند این محله را به دو قسمت تقسیم کرده است. قسمت شمالی آن به دلیل همجواری با محله درب شازده از خدمات شهری، در سطح وسیع تری برخوردار است. قسمت شمالی این محله از امکانات خوبی برخوردار است و قسمت جنوبی آن برخلاف قسمت شمالی محله است.

محله درب مسجد

قرار گیری مسجد نو در این محله، کاربری مذهبی-توریستی آن را بالا برده است. همجواری این محله با شاهچراغ و عبور خیابان منتظری، بر اهمیت آن به عنوان یک راه ارتباطی به منظور پیوند شهر با شاهچراغ افزوده است. در گذشته اهمیت سکونت این محله به خاطر کیفیت و موقعیت اجتماعی ساکنان، مطرح بوده است (نصر، ۱۳۸۳).



تصویر ۲-۴- محلات شیراز و تفکیک آنها به حیدری خانه و نعمتی خانه
(منبع: نقشه مبنای محدوده محلات: سازمان میراث فرهنگی استان فارس)



تصویر ۲-۵- مرزبندی محلات شیراز
(منبع: نگارنده)



تصویر ۲-۶- بافت‌شناسی شهر شیراز
(منبع: نگارنده)

۲-۳- وضعیت اقتصادی - اجتماعی شیراز

شهر شیراز از دیرباز مرکز حکومتی و سیاسی و اداری بوده است و در حال حاضر نیز به چنین نقشی در سطح استان و حتی استان‌های همجوار ادامه می‌دهد. بنابراین نقش و عملکرد غالب اقتصادی شهر را می‌توان نقش خدماتی دانست. تمرکز امور اداری و سیاسی استان در این شهر، همچنین تمرکز نیروهای نظامی و انتظامی در نقاط مختلف آن، چهره‌ای اداری و نظامی به شهر داده است. استقرار ارگان‌های خدماتی و رفاهی مختلف مانند دانشگاه، مراکز رادیو و تلویزیون، مراکز بهداشتی و پزشکی، فرودگاه بین‌المللی و نظامی در شهر شیراز، عواملی به‌شمار می‌روند که نقش خدماتی شهر را تقویت می‌نمایند.

عملکردهای فرهنگی، اجتماعی، مذهبی مانند شاهچراغ، حوزه علمیه و سایر عناصر مذهبی، فرهنگی و خدماتی که از طریق این عملکردها ارائه می‌گردد و امکانات مختلف آموزشی از دانشگاه شیراز تا سایر مراکز آموزش عالی که عده بسیاری را به اشتغال گرفته، جلوه دیگری از نقش خدماتی شهر شیراز به‌شمار می‌رود.

«باتوجه به این موارد و همچنین با تکیه بر میزان درصد اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی و همچنین باتوجه به اهمیت فرهنگی و اجتماعی شیراز و وجود اماکن تاریخی که باعث جذب توریسم در منطقه می‌شود و باتوجه به اهمیت صنعت توریسم می‌توان تأکید کرد که نقش غالب اقتصادی در شهر در وضع موجود نقش خدماتی می‌باشد. برنامه‌های آتی دولت و ارگان‌های محلی در زمینه رشد و توسعه اقتصادی شهر و همچنین ارقام اعتباری و میزان سرمایه‌گذاری‌های دولت در بخش‌های مختلف اقتصادی در این شهر، نمایانگر گسترش نقش خدماتی شیراز در آینده است» (طرح جامع شیراز، انتشارات اداره کل مسکن و شهرسازی استان فارس، سال ۱۳۷۰، ص ۶).

ساختار معماری بومی شهر شیراز در هر نقطه از جهان، مسکن بومی از چهار عامل شرایط جغرافیایی و طبیعی زمین، شرایط اقلیمی و آب‌وهوایی، شرایط اقتصادی و نحوهٔ امرار معاش ساکنین و خصوصیات فرهنگی مردم منطقه بیشترین تأثیر را می‌پذیرد (خاک‌پور، ۱۳۹۰).

شهر شیراز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های جنوبی ایران دارای معماری خاصی می‌باشد. شرایط محیطی و فرهنگی این شهر و تأثیر آن در ساخت بناهای شهر شیراز سبب گردیده است تا معماران علاوه بر اصولی که برای ساخت و احداث بنا در دیگر شهرهای ایران در نظر گرفته‌اند؛ بر درون‌گرایی بنا نیز تأکید داشته باشند. همچنین از مصالح خشتی برای بنای دیوارها و از سیستم تیرپوش در ساخت بنا استفاده کنند. به گونه‌ای که ترکیب زیبایی از سنگ و آجر و چوب در بناهای شهر شیراز، متأثر از شرایط اقلیمی و محیطی منطقه متجلی گردد (معماریان، ۱۳۷۵: ۱۴۷).

۲-۴- مشخصات کلی شهر قدیم شیراز

شیراز در ادوار مختلف به‌واسطه توسعه شهر ابعاد متغیری داشته است. اکثر بناها یک‌طبقه و به‌ندرت دوطبقه و در نظر اول از دور حصار و برج و گنبدهای بقاع و مساجد و سبزی درختان دیده می‌شده است. عناصر تشکیل‌دهنده خارجی صرفاً عبارت بوده از جاده‌های خارج، حصار و برج و خندق و پل و دروازه. داخل شهر از

محلات مختلف تشکیل یافته و بافت اصلی آن از محورهای تجارتی یا بازارها و محل رفت‌وآمد یا کوچه‌ها و میدان‌ها بوده است.

بناهای داخلی عبارت بودند از قصرهای سلطنتی، مراکز مذهبی شامل بقاع و مساجد و حسینیه‌ها، مدارس علمی و گاهی کتابخانه مراکز تولید صنایع دستی و ظریف، مراکز تجارتی شامل کاروانسرا و بازارها، تأسیسات و محل سپاهیان، قسمت‌های مسکونی، حمام‌ها، بیمارستان‌ها، تأسیساتی نظیر کشتارگاه و دباغ‌خانه، قبرستان‌ها و غسل‌خانه‌ها. کاروانسراها بیشتر در جانب بازارها و یا در محل ورودی شهر (دروازه‌ها) بنا می‌شده‌اند؛ میدان‌ها اغلب در جانب بقاع و یا ورودی مساجد بزرگ در نظر گرفته می‌شده‌اند و علت آن ازدحام زیاد سوگواری یا سایر مراسم مذهبی بوده است.

۲-۵- اولین ساخت‌وسازها در شیراز

در دوره پهلوی اول، زمانی که ساخت بناهای دولتی آغاز گردید، در جایگاه میدان‌های وسیع مشق و توپخانه بسیاری از این بناها در کنار یکدیگر و با فواصل متناسب احداث شدند. بناهایی که به فرمان رضاشاه و با استفاده از میدان مشق ساخته شدند در بسیاری از شهرهای کشور مجتمعی از آثار معماری ایران بوجود آوردند که تحت عنوان ساختارهای معماری پهلوی اول از آن‌ها نام برده می‌شود. با توجه به اینکه در زمان پهلوی دوم، معماری جدید هرگز به دلیل پراکندگی، قادر به خلق مجتمعی به این عظمت نگردید.

۲-۵-۱- معماری مسکن در بافت شهری تاریخی شیراز

خانه حیاط‌دار اصلی‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده قطعات مسکونی بافت شهری شیراز می‌باشد. از خصوصیات این خانه‌ها درون‌گرایی کامل آن است. در خانه‌های شیراز کلیه فضاها حیاط را در بر گرفته است و این فضاها به غیر از هشتی، هیچ گونه ارتباط بصری و فیزیکی با مسیرهای بیرون از خود ندارند. حیاط علاوه بر ارتباط بین فضاها و سازماندهی فضاها، تابستان‌نشین و زمستان‌نشین، در بخشی از سال محل نشیمن بوده و در کلیه فصول فضای سبز زیبایی را به وجود آورده است. سازماندهی فضاها در بیشتر خانه‌ها در یک طبقه همراه با زیرزمین بوده و در بعضی خانه‌ها قسمت‌هایی از آن در دو طبقه گسترش یافته‌اند (معماریان، ۱۳۷۵).

۲-۶- گونه‌شناسی مسکن در شیراز

به خاطر نقش ویژه ارسی به لحاظ عملکردی و ظاهری تقسیم‌بندی گونه مسکن در شیراز براین اساس است:

۱. خانه‌های بدون ارسی با یک حیاط

۲. خانه‌های ارسی‌دار با یک حیاط - خانه‌های چندحیاطه

ارسی در شکل‌های متنوعی ساخته شده است و رایج‌ترین نوع آن با خطوط افقی و عمودی و کارهای زیبای چوبی داخل آن است. گاهی در پایین تیر افقی میانه ارسی، هلالی‌هایی دیده می‌شود. عناصر سازنده ارسی عبارت‌اند از: وادار یا ستون‌های

عمودی، آستانه یا تیر افقی در کف ارسی، کالا یا تیر افقی بین قسمت ثابت و متحرک ارسی، تنک یا خانه‌های داخل درک‌های ارسی و چفته ریزه که عنصری است برای ثابت نگه داشتن درک‌های ارسی.

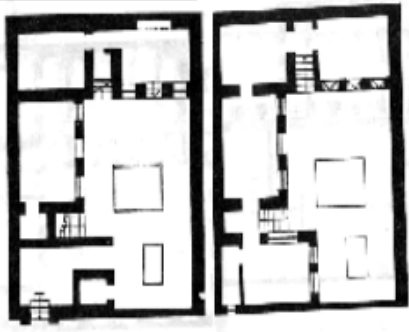
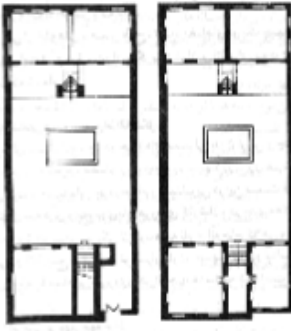
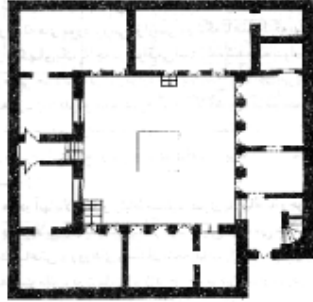
ویژگی‌های ارسی

■ اختصاص حداقل جا در باز و بسته شدن
■ ایجاد ارتباط بصری به شکل‌های مختلف با محیط سرسبز حیاط - هدایت نور مناسب به داخل اتاق‌ها - جداره مناسب بین دو یا چند اتاق
خانه‌های ارسی‌دار و بدون ارسی با یک حیاط برمبنای نحوه قرار گرفتن فضاها در اطراف حیاط به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱. خانه با فضاهایی در یک جبهه حیاط (ترکیبی از اتاق و راهرو)
۲. خانه با فضاهایی در دو جبهه حیاط
۳. خانه با فضاهایی در سه جبهه حیاط (با توجه به این که در یک جبهه حیاط طاق‌نما قرار می‌گیرد، ارسی می‌تواند در جبهه روبه‌روی این طاق‌نما و یا در جبهه مجاور آن باشد)
۴. خانه با فضاهایی در چهار طرف (در خانه‌های ارسی‌دار در جبهه روبه‌روی ارسی فضاهایی مثل انبار، دستشویی، راهرو و طاق‌نماهای کوچک و فضاهایی مثل سه‌دری، پنج‌دری و راهروهای ارتباطی در دو جبهه دیگر مانند خانه کازرونیان)
۵. خانه‌های چندحیاطه

- خانه‌هایی با دو حیاط و یک محور طولی مشترک (خانه تابنده و نصیرالملک)
 - خانه‌هایی با چند حیاط و با دو یا سه محور اصلی موازی هم (خانه سرهنگ و فروغ‌الملک)
 - خانه‌هایی با دو محور اصلی عمود برهم (خانه دکتر منصوری و صالحی)
- در معمول‌ترین حالت، خانه یک ورودی از هشتی مشترک بین دو حیاط دارد و حیاط‌ها هم با یک راهرو یا مسیر زیرزمینی به هم مرتبط‌اند (معماریان، ۱۳۷۵).

جدول ۱-۲- تقسیم‌بندی خانه‌ها بر مبنای نوع چیدمان ساختمان نسبت به حیاط (معماریان، ۱۳۷۵)

	
خانه با دو جبهه L شکل در حیاط	خانه با دو جبهه رو به هم در حیاط
	
خانه با سه جبهه U شکل در حیاط	خانه با چهار جبهه رو به هم در حیاط

۷-۲- معماری قاجار در ایران

با مقایسه معماری قاجار و معماری دوره پهلوی اول، همه‌چیز بر ما روشن می‌شود. وجوهی که هم جنبه اجتماعی و هم از لحاظ تکنیکی دارای مشخصاتی هستند که بر معماری زمان تاثیر گذارند.

معماری دوره قاجار به چند بنای حمام و کاروانسرا بین شهرهای مهم و مساجد بیشتر معطوف به ساخت قصرها و باغ‌های بزرگ اطراف تهران بود. درحالی‌که در دوره پهلوی آنچه به‌عنوان اثر معماری ساخته شدند احتیاجات عاجل و لازم رژیم جدید برای پاسخ‌گویی به فضاهای حکومتی و اداری بود؛ چیزهایی که کمبود آن در شهرها احساس می‌شد (باور، ۱۳۸۸).

۱-۷-۲- نگاهی مختصر به معماری مسکونی عصر قاجار در شیراز

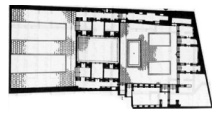
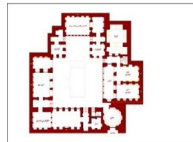
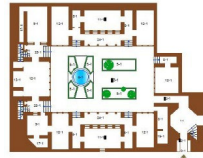
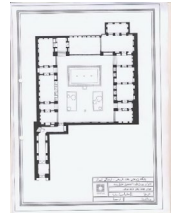
معماری قاجار اصول، مبانی و الگوهای قدیم معماری ایران را ارتقا بخشید و نوآوری‌هایی از نظر فضا به‌وجود آورد؛ لیکن به نظر می‌رسد قوت لازم خلق یک معماری نوین را نداشته است. جایگاه و مرتبه معماری قاجار در تاریخ معماری گذشته ایران (قبل از دوره جدید) می‌تواند محل بحث و تأمل باشد. اگر آثار معماری را از زاویه فضایی ارزیابی و به خلاقیت‌های فضایی در معماری توجه کنیم، معماری دوره قاجار ارزش پیدا می‌کند و در جایگاه برتر و تکامل یافته‌تری نسبت به معماری‌های

دوره‌های قبل از خود چون زندیه و صفویه قرار می‌گیرد؛ چرا که معماری این دوره خلاقیت‌های فضایی افزایش می‌یابد، نوع فضاها بیشتر می‌شود و فضاهای نوینی خلق می‌شوند.

خانه‌های مسکونی شهر شیراز در دوره قاجاریه علاوه بر تأثیرهای ناشی از اقلیم، در پلان، چیدمان فضایی، ویژگی‌های معماری، سازه و تزیینات تأثیر گذاشته و باعث بروز پاره‌ای اشتراک‌ها در وجوه مذکور شده است. ساخت خانه‌ها براساس چرخش در جهت ۳۰ درجه جنوب غربی، درون‌گرایی، احداث زیرزمین، حیاط و اتاق‌های بزرگ، ارتفاع زیاد اتاق‌ها، تنوع کم در شکل حوض و باغچه، تزیینات آجرکاری، کاشی‌کاری هفت‌رنگ و معرق، گچ‌بری پیش‌بخاری‌ها و سرستون‌ها و تزیینات چوبی در و پنجره و سقف‌های چوبی با طرح کتابی و پروانه‌ای و غیره (نقوش شش‌ضلعی، مربع، چلیپا و مستطیل) و نقاشی، بهره‌گیری از قوس‌های نیم‌دایره تخت و تزیینی، ساخت ارسی‌های پنج‌دری، ستون‌های گچ‌بری‌شده با هسته چوبی، و تأثیر از معماری غربی (استفاده از آهن گالوانیزه روی پوشش‌ها، قوس‌های تزیینی خاص، و ...) را می‌توان از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری مسکونی این دوره در شهر شیراز بیان کرد (زارعی، ۱۳۸۹).

۲-۲-۲- گونه‌شناسی معماری مسکونی شیراز در دوره قاجار

جدول ۲-۲- گونه بندی پلان خانه‌های پهلوی در شیراز (منبع: نگارنده)

پلان بنا	نام بنا/ دوره ساخت	ویژگی‌های خانه
	خانه نصیرالملک قاجار	
	خانه افشاریان اواخر قاجار	• فضای تالار به‌عنوان مهم‌ترین فضا درجهبه شمالی مطرح بوده است. • حوض و باغچه درامتداد محور طولی حیاط ساخته شده است. • بهره‌گیری از خانه‌های حیاط مرکزی و درون‌گرا • رعایت اصل سلسله مراتب و اهمیت فضاها • تزیینات کاربردی پوشش هشتی ورودی • قرارگیری خانه‌ها براساس رون وجه شمال غربی- جنوب شرقی • بهره‌گیری از ارسی • قرارگیری ایوان در جلوی تالار که بار تیر حمل آن توسط ستون‌هایی تحمل می‌شود.
	خانه محتشم زندیه/ قاجار	
	خانه منصوری قاجار	• دارای یک حیاط، دو و یا سه حیاط مجزا • حیاط وحدت‌دهنده و ارتباط‌دهنده فضاهای مختلف خانه • حیاط تعیین‌کننده حریم‌ها و محدوده مورد تملک • حوض‌خانه، فضایی برای ارتباط با طبیعت در فصول گرم • حیاط در برگرفته تمام زندگی جاری در خانه
	خانه خلیل‌پسند قاجار	

۲-۸- مفهوم معاصر

واژه معاصر اگرچه بار زمانی را دربردارد، اما در این دوره بار مفهومی پیدا کرده و براساس دیدگاه‌های مختلف تعاریف مختلفی پیدا می‌کند. ازجمله تعاریفی که برای واژه معاصر بیان شده عبارت‌اند از: معاصر با واژه‌هایی مثل نور، مدرن، تجدد و ... در مقابل گذشته و سنت قرار می‌گیرد (زندگی نو براساس تفکرات و اندیشه‌ها و خصلت‌های نو).

این واژه به‌دلایلی بازه زمانی خود را از دست می‌دهد و متغیر می‌شود. تاریخ معاصر مبنایی ملی و فرهنگی دارد (مانند انتخاب مذهب شیعه به‌عنوان مذهب رسمی کشور در دوره صفویه) (کیانی، ۱۳۹۳).

۲-۸-۱- مرور تغییرات کالبدی مسکونی در دوران معاصر

معماری مسکن در اواخر دوران قاجار آثار تحول و تغییر را به‌تدریج در خود بروز داد تا جایی که گونه‌های مسکن در شروع حکومت پهلوی دیگر کاملاً بر شکل ظاهری مسکن سنتی تطابق نداشت. با وجود آنکه روحیه درون‌گرایی خانه‌های این دوران مانند خانه‌های سنتی بود، لیکن تغییراتی نظیر سقف شیروانی، تزیینات گچ‌بری به سبک اروپایی، طاق‌نماهای دایره‌ای و حتی نقاشی‌های دیوارهای داخلی از سبک‌های غربی در بسیاری از نمونه‌های مسکونی به‌عاریت گرفته شده بود (جانی‌پور، ۱۳۸۰).

البته این نشانه‌ها آرام آرام در مسکن طبقه خاص جامعه و عمدتاً مربعی مشاهده می‌شد و آنچه در جریان معماری مسکونی در سطح جامعه بروز داشت پیروی از الگوهای سنتی و هماهنگی حداکثری با آنها بوده است. باتوجه به مرور گونه‌های مختلف کالبدی در دوران معاصر می‌توان دریافت که گونه مسکن پهلوی اول به‌طور کامل از گونه‌های بعدی مجزا است. با وجود تغییر در سازمان فضایی مسکن در این روزگار هنوز روح خانه سنتی در این مسکن تداوم دارد. بدین ترتیب نسل نخست از مسکن معاصر به دوران پهلوی اول اختصاص می‌یابد.

۲-۸-۲- معماری عصر پهلوی

معماری عصر پهلوی به دو دوره مشخص پهلوی اول و پهلوی دوم تقسیم می‌شود: در دو دهه سلطنت رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴) دولت ایران تعیین‌کننده سبک معماری بود و اغلب پروژه‌های معماری را نیز دولت اجرا می‌کرد. این پروژه‌ها هم به‌نفع عامه مردم بود و هم چهره شهر را تغییر می‌داد. وسعت و سرعت برنامه بازسازی به معماران ایرانی و خارجی امکانات و فرصتی می‌داد که در ایران و جاهای دیگر بی‌سابقه بود. در این روند مدرنیزاسیون، شکل سنتی شهر تهران از بین رفت. محسن حبیبی معماری دوره پهلوی اول بین سال‌های ۱۳۱۰ الی ۱۳۲۰ را به چهار الگو یا روش تقسیم می‌کند. این چهار مورد شامل:

۱- معماری مبتنی بر ادامه سبک تهران در دوره قاجاریه که تلفیقی است از عناصر معماری بومی و بیگانه

جدول ۲-۳- بررسی دیدگاه نویسندگان به دوره‌بندی معماری معاصر (منبع: نگارنده)

توضیحات	بازه زمانی	
دوره‌بندی معماری معاصر ایران براساس نگاه دکتر سیروس باور		
نقطه عطف معماری ایران با عنایت به تحولات بزرگی که به‌تدریج به وجود آمد. این انقلاب سبب گسست پیوند گذشته و آینده شد و پایه‌گذار بنیان‌های اجتماعی جدید را فراهم کرد.	۱۲۸۷-انقلاب مشروطه	
این سال‌ها را می‌توان یک دوره نامید. دوره‌ای که به‌دلیل تغییر حکومت و وضع سیاسی و اداری کشور نیاز به ساخت بناهایی با کاربری‌های جدید بود. در این دوره افرادی که برای تحصیل از ایران خارج شده بودند بازگشتند و شروع به‌کار کردند.	۱۲۹۹-۱۳۲۰	
عوامل مختلف اقتصادی و سیاسی و همچنین توسعه روابط با دیگر کشورها باعث شدند که نحوه دید و سلیقه و روش زندگی مردم ایران روال جدیدی بیابد و خصوصیات زندگی اروپایی وارد ایران شد.	دهه ۳۰	
تدوین قوانین شهرسازی و طرح جامع شهری و شروع فعالیت مهندسان مشاور	دهه ۴۰ و ۵۰	
به‌وجود آوردن حرکتی جدیدی در کلیه شئون زندگی مردم که در سازندگی نقش مهم و اساسی ایفا می‌کنند و هم‌زمان با کنگره‌های جهانی معماری در دنیا.	انقلاب ۵۷	
عصر سازندگی و بازسازی خراب‌های جنگ آغاز شد دولت از یک‌سو و بخش خصوصی از سوی دیگر وارد میدان شدند.	بعد از جنگ	
دوره‌بندی معماری معاصر ایران براساس نگاه مطصفی کیانی		
دوره اول ، نخست وزیری (رضا خان)	۱۲۹۹-۱۳۰۴	
دوره دوم، جدایی کامل از دین (وارد کردن فرهنگ غرب)، پادشاهی (رضا شاه)	۱۳۰۴-۱۳۱۳	
دوره سوم، آزادی زنان (کشف حجاب)، پادشاهی (رضا شاه)	۱۳۱۳-۱۳۲۰	
شروع دوره پهلوی دوم، پادشاهی محمدرضا شاه و ادامه همان روند گرایش به غرب، برکناری رضا شاه (رضا خان)	۱۳۲۰	
دوره‌بندی معماری معاصر ایران براساس نگاه وحید قبادیان		
از آغاز حکومت قاجار تا قبل از سلطنت ناصرالدین شاه	۱۲۰۰ تا ۱۲۶۶ هجری قمری	عصر قاجار - دوره اول
از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه تا اخر سلطنت ناصرالدین شاه	۱۲۶۶ تا ۱۲۹۸ هجری قمری	عصر قاجار - دوره دوم
از اخر سلطنت ناصرالدین شاه تا اخر حکومت قاجار	۱۲۹۸ تا ۱۳۴۴ هجری قمری	عصر قاجار - دوره سوم
دوره سلطنت رضا شاه	۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی	عصر پهلوی اول
دوره سلطنت محمدرضاشاه	۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ هجری شمسی	عصر پهلوی دوم
از پیروزی انقلاب تا پایان جنگ	۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ هجری شمسی	عصر جمهوری اسلامی ایران - دوره اول
از پایان جنگ تا امروز	۱۳۶۸ تا امروز	عصر جمهوری اسلامی ایران- دوره دوم

۲-معماری اصطلاحاً ملی، که مبتنی است بر یادآوری شکوه گذشته‌های دور

۳-معماری مبتنی بر سبک بین‌الملل که متأثر از جنبش معماری نو (مدرنیسم) در اروپا است

۴-معماری مبتنی بر سبک کلاسیک اروپا

* سبک‌های رایج معماری دوره رضاشاهی

سبک‌های رایج معماری دوره رضاشاهی را می‌توان در سه گرایش معماری تقسیم‌بندی نمود:

■ تداوم معماری اواخر قاجار، سبک معماری اوایل مدرن، نئوکلاسیک اروپا با تلفیق موتیف‌های ایرانی

■ محسن حبیبی معماری دوره پهلوی دوم بین سال‌های ۱۳۴۰ الی ۱۳۵۷ را به سه بینش مشخص در معماری کشور

تقسیم می‌کند:

۱. نوپردازان: طرفداران مکتب باهاس و مدرنیسم که می‌توان همه را در سبک، طرفداران سبک بین‌الملل قلمداد نمود.
۲. نوسنت‌گرایان: طرفداران بازآفرینی و نوزایی ارزش‌های معماری بومی و ایرانی (چه در مفاهیم دوران باستانی و چه در مضامین دوران اسلامی)
۳. حالت‌گرایان، طرفداران موج نو: طرفداران گردهم‌برداری بی‌کم‌وکاست از معماری نوپرداز و فرانوپرداز جهانی، عمدتاً در زمینه شکلی

۸-۲-۱- معماری دوره پهلوی اول

۱. معماری سنتی و سنت‌گرایی: شیوه اصفهانی (شیوه اصفهانی با عملکرد و یا فناوری جدید)
 ۲. معماری تلفیقی: تلفیق معماری تاریخی ایران با معماری معاصر غرب
 ۳. معماری نئوکلاسیک: نئوکلاسیک (نئوکلاسیک خردگرا)
 ۴. سبک ملی: شیوه پارسی (شیوه پارتی)
 ۵. معماری مدرن متعالی: سبک آرت دکو (سبک بین‌الملل)
- معماری دوره رضاشاه، بدون پرداختن به تحولات فرهنگی و اجتماعی، عملاً راه به جایی نمی‌برد. زیرشاخصه‌های همه این اصلاحات شکل‌گیری شبه‌مدرنیسمی بود که از طرف دولت به صورت آمرانه به اجرا گذاشته شده بود و جوهره این شبه مدرنیسم در چهار شاخصه خلاصه می‌شود.
- هدف بلند مدت رضاشاه بازسازی ایران طبق الگوی غربی بود. برای رسیدن به جامعه مدرن همانند جوامع اروپایی باید موانع این مقصد را که مذهب و سنت بود از سر راه برمی‌داشت و از راه تضعیف فرهنگ و مذهب معاصر می‌توانست به چنین هدفی دست یابد. درهمین راستا بسیاری از اقدامات رضاشاه به‌طور مستقیم با مذهب و دین برخورد می‌کرد مانند کشف حجاب، خارج ساختن سیستم قضایی از اداره و نظارت روحانیون و محدود کردن مراسمات مذهبی (بانی مسعود، ۱۳۹۳).
- سبک‌های دوره پهلوی اول

۱. تداوم معماری اواخر دوره قاجار

۲. سبک معماری اوایل مدرن

۳. نئوکلاسیک اروپا با تلفیق (موتیف‌های ایرانی (سبک ملی))

■ تداوم معماری اواخر دوره قاجار

اولین گرایش معماری این دوره را می‌توان معماری اواخر قاجار با تلفیق عناصر وارداتی دانست. معماران سنتی در ایران دوره رضاشاهی بیشترین حامیان این گرایش بودند. در این دوره اکثریت مردم جهت ساخت ساختمان‌های کوچک و معمولی مانند خانه‌ها و ساختمان‌های تجاری، اغلب موارد به مهندس معمار مراجعه نمی‌کردند و با کمک معماران سنتی اقدام به ساخت آنها می‌نمودند.

معماران سنتی این دوره با آموزه‌های سنتی خود و با الگوبرداری از ساختمان‌های مهندسان طراح، سعی می‌کردند که جنبه‌ها و نکته‌های معماری جدید را با روش‌ها و آنچه خود از معماری سنتی می‌دانستند، بیامیزند. از آنجایی که در این دوره معماران سنتی هنوز با منبع غنی معماری ایرانی اتصال داشتند، از این آمیزش نتایج جالب توجه و گاه ارزشمندی در سبک معماری بناهای مسکونی و تجاری دوران پهلوی اول حاصل شد. لذا ساختمان‌های این دوره را می‌توان در اصل تداوم همان سبک معماری دوره قاجاری اواخر دوره ناصری با کمی تغییر در مصالح و تکنیک ساخت دانست (بانی مسعود، ۱۳۹۳).

■ سبک‌های معماری مدرن

این سبک عمدتاً از سمت معماران خارجی و تحصیل‌کردگان ایرانی در خارج از کشور حمایت می‌شد. تا حدودی تحت تأثیر معماری مکتب وین و هنر و معماری اکسپرسیونیسم آلمان قبل از سال ۱۹۳۰ میلادی قرار داشت. از مهم‌ترین معماران این سبک وارطان هوانسیان بود. هیچکدام از معماران این دوره نتوانستند به اصول معماری مدرن وفادار بمانند که برای آن می‌توان به دلایل بسیاری اشاره نمود از جمله بستر اجتماعی اعتقادات و سنن و ایرانی‌بازی معماران. وارطان هوانسیان در کنار حمایت از معماری مدرن معتقد بود که کارهای معماری باید رنگ‌وبوی ایرانی داشته باشد. او به دنبال آشتی دادن هوشمندانه معماری مدرن با معماری ایرانی بود. هوانسیان معماری مدرن را همچون کشف حجاب می‌دانست و بر این عقیده بود همان‌گونه که رضاشاه چادر را از سر زنان کند معماری مدرن نیز چنین کاری با ساختمان‌های دوره قاجاری نمود. برون‌گرایی ساختمان‌های پهلوی اول ماحصل همین دیدگاه است. موضوع آشتی دادن معماری مدرن با سنن ایرانی به یکی از دغدغه‌های معماران پهلوی دوم بدل شد. (بانی مسعود، ۱۳۹۳).

معماری نئوکلاسیک اروپایی با تلفیق موتیف‌های ایرانی می‌توان آن را به عنوان سبک معماری دوره پهلوی اول نامید.

■ «سبک ملی» در دوره پهلوی دوم به این عنوان نام‌گذاری شد.

■ در اصل این سبک خوانشی است از معماری فاشیسم اروپا، عمدتاً معماری آلمان هیتلری، از زاویه معماری نئوکلاسیک اروپایی که با چاشنی موتیف‌های ایران باستان رنگ‌وبوی ایرانی یافته است.

■ از سبک‌های محبوب دیکتاتورهاست به‌خاطر ابدیت‌گرایی، حس سلطه‌طلبی و از همه مهم‌تر گرایش به گذشته و باستان‌گرایی. (بانی مسعود، ۱۳۹۳).

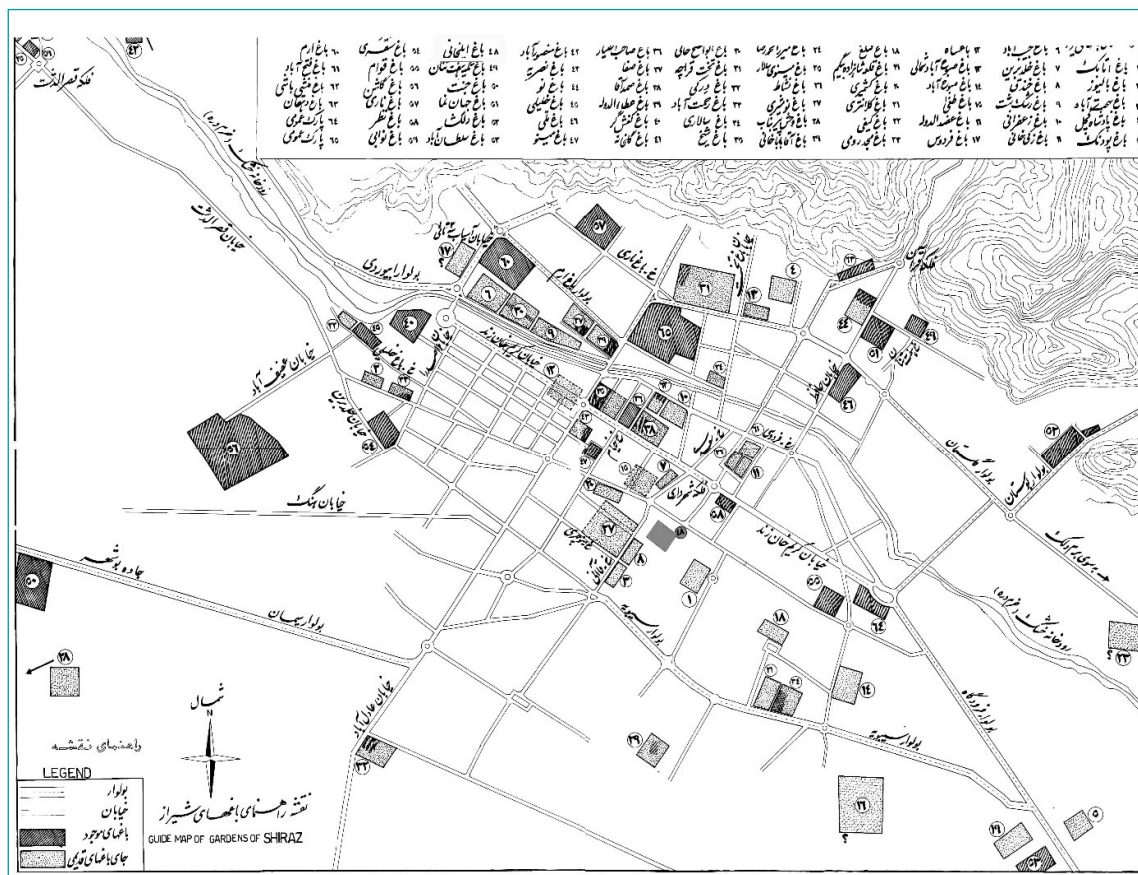
۲-۲-۸-۲ معماری دوره پهلوی دوم

۱. معماری سنتی و سنت‌گرایی

۲. معماری مدرن متعالی و متأخر: سبک آرت‌دکو، سبک بروتالیسم، سبک بین‌الملل، سبک مینیمالیسم، سبک تندیس‌گرایی

جدول ۲-۴- دوره بندی معماری دوره‌ی پهلوی، (منبع: بانی مسعود، ۱۳۹۴)

سال	دوره
۱۳۱۲-۱۳۰۴	پهلوی اول دوره نخست
۱۳۲۰-۱۳۱۲	پهلوی اول دوره دوم
۱۳۵۷-۱۳۲۰	پهلوی دوم



تصویر ۲-۷- تصویر قدیم ساختار شهر شیراز (منبع: URL)

۳. معماری ارگانیک

۴. معماری نوگرایی ایرانی

۵. معماری‌های- تک

۲-۹- معماری مسکونی شیراز در دوره پهلوی

در دوره پهلوی کم‌کم خانه‌ها از درون‌گرایی خارج شده، بنا به صورت حجمی خالص در محوطه حیاط قرار می‌گیرد. سبک

معماری و آرایش ساختمان تغییر کرده و احجام هندسی، ساده‌تر خود را به نمایش می‌گذارند. این تغییر در فرم و ابعاد ورودی‌ها، پنجره‌ها، ستون‌ها و سرستون‌ها، پله‌ها نمایان است. استفاده فراوان از آجر خودبه‌خود تزیینات آجری نما را به همراه آورد به گونه‌ای که میزان استفاده از تزییناتی نظیر کاشی را کاهش و بر تزیینات و ترکیبات آجری افزود.

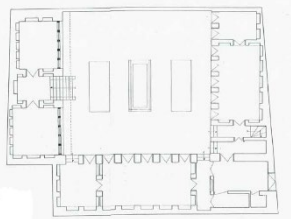
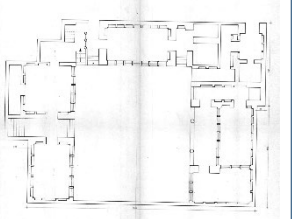
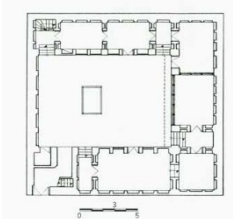
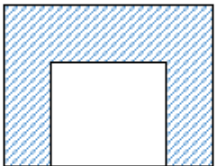
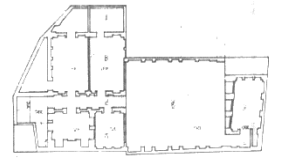
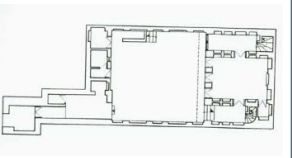
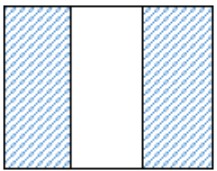
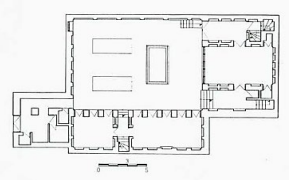
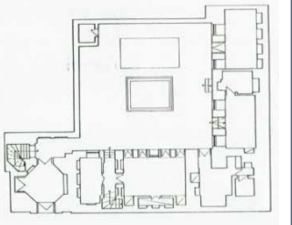
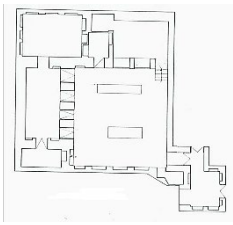
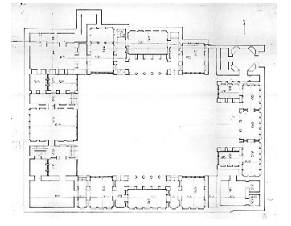
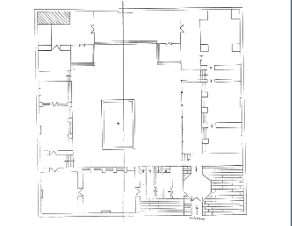
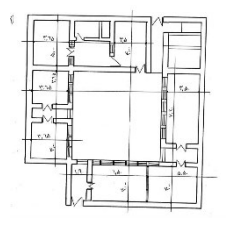
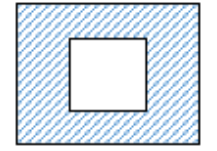
۲-۹-۱-پلان

در دوره پهلوی اول شدیدترین تغییرات در حوزه پلان بنا صورت گرفت به دلیل حضور سریع و عملکردهای جدید در معماری پلان‌ها عیناً و بدون تطبیق محلی و فرهنگی وارد حوزه معماری ایران شد. رشد این گونه نقشه‌ها بیشتر در فضاهای آموزشی نظیر مدارس و دانشگاه‌ها و حوزه اداری و حکومتی نظیر وزارت‌خانه‌ها و شهربانی، پست و بانک‌ها صورت پذیرفت. در این دوره بناها بعضاً توانستند عناصر گذشته معماری را به‌خود بگیرند؛ ولی داخل بنا نتوانست روابط فضای پیشین خود را در خود جای دهد. در این میان پله‌ها و راهروها از اهمیتی بالا در تنظیم روابط و عملکرد فضاهای داخلی برخوردار شدند. ساختمان بسته به عملکرد و مقیاس به دو یا چند حال تقسیم شدند که راهروهای طویل و یکنواخت با اتاق‌های فراوان در طرفین از ویژگی‌های اصلی آن شد. این ویژگی را می‌توان در معماری دوره پهلوی اول در فضای خانه تا کاخ مشاهده کرد.

جدول ۲-۵- گونه بندی پلان خانه‌های قاجار در شیراز (منبع: نگارنده)

سه طرف ساخت	دو طرف ساخت	L شکل	چهار طرف ساخت

جدول ۲-۶- پلان خانه‌های قاجار در شیراز (منبع: سایت میراث فرهنگی شیراز)

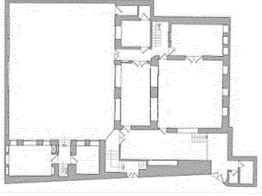
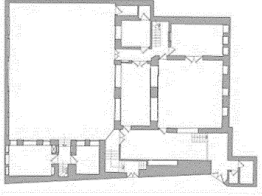
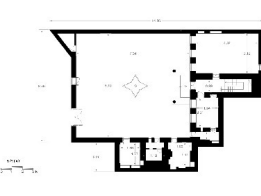
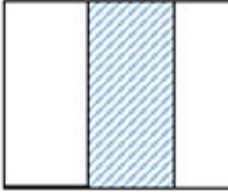
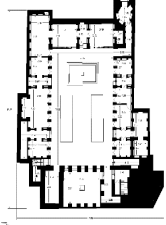
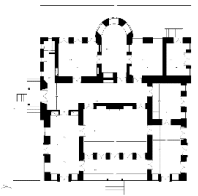
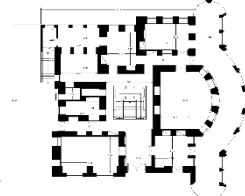
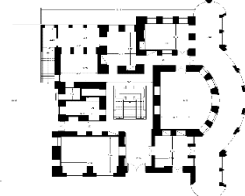
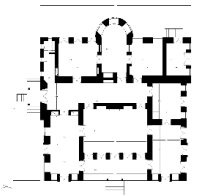
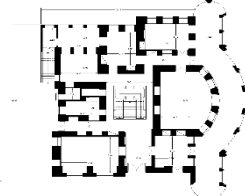
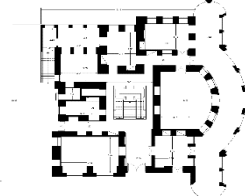
نمونه پلان			گونه‌ی ساخت
			
خانه محمد راحمی	خانه سید محمدباقر حاجی عالم	خانه لیاقت رفیعی	سه طرف ساخت
			
خانه زارع	خانه اصغر اسدی	خانه پوست فروش	دو طرف ساخت
			
خانه آمنه و مهدی چکامه حقیقی	خانه علیرضا مستمندی	خانه مصطفی یزدان پناه	L شکل
			
خانه زینت الملک	خانه افشاریان	خانه کشمیری	چهار طرف ساخت

جدول ۲-۷- گونه بندی پلان خانه‌های پهلوی در شیراز (منبع: نگارنده)

سه طرف ساخت	یک طرف ساخت	دو طرف ساخت	L شکل	ساختمان در وسط	کوشکی	چهار طرف ساخت

جدول ۲-۸- پلان خانه‌های پهلوی در شیراز (منبع: سایت میراث فرهنگی شیراز)

گونه‌ی ساخت	نمونه پلان
سه طرف ساخت	درمانگاه نمازی
یک طرف ساخت	خانه فرجادیان
دو طرف ساخت	خانه رحیمی
سه طرف ساخت	خانه امینی
یک طرف ساخت	خانه محمد حسن ذاکری
دو طرف ساخت	خانه رحیمی
سه طرف ساخت	خانه علی یل
چهار طرف ساخت	خانه امینی

نمونه پلان			گونه‌ی ساخت
خانه غضنفر همتی	خانه حلی‌ساز	خانه رافائل زاده	دوطرف ساخت
			
	خانه جمال نشاطیان	خانه برکت	L شکل
			
	خانه کریم پژمان	خانه فرودی	ساختمان در وسط
			
	خانه انجوی (بهبهانی)	خانه افشاریان	چهار طرف ساخت
			
	کانون فاطمه الزهرا	خانه شاپوری	کوشکی
			

از طرف دیگر پلکان داخلی بناها که قبل از دوره معاصر از ارزش فضایی و مکانی کمتری نسبت به بقیه فضاهای داخلی برخوردار بود و این ویژگی در تمامی بناها، از خانه‌ها تا مساجد و کاخ‌ها وجود داشت، به فضایی بزرگ، چشم‌گیر و تشریفاتی بدل گردید و از نظر ترکیب‌بندی فضاها، مکانی مهم، با ارزش و قابل دسترسی سریع را به خود اختصاص داد. بهره‌گیری از پله‌ها، تنها محدود به داخل بناها نبود و پردازش شکوه‌آمیز و عظمت‌آفرینی به بناها، به کارگیری پلکان را در قبل از ورود به ساختمان، ضرورت بخشید (کیانی، ۱۳۹۳).

۲-۹-۲- نما

نما در خانه‌های شیراز شامل سه بخش است:

۱. ازاره

۲. جرزها و بازشوهای بالای ازاره و کتیبه ختم‌کننده بالای آن

۳. رخبام یا شیرسر

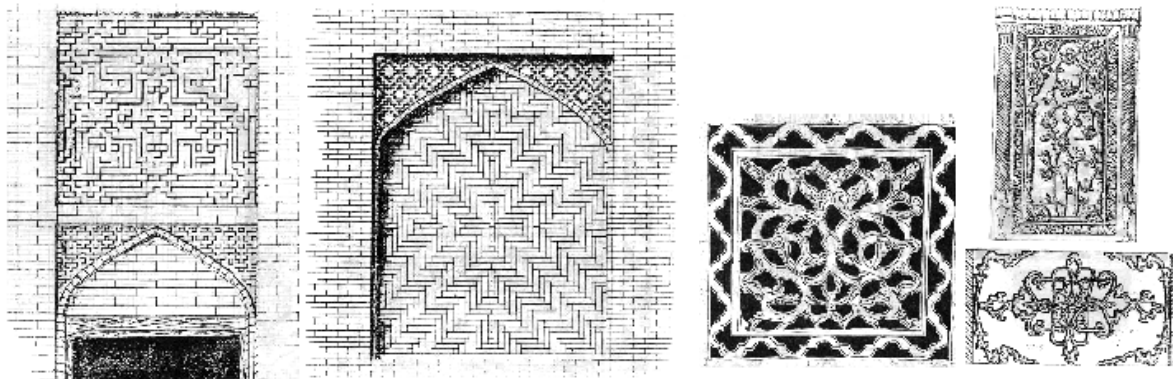
در متن سنگ‌های به کاررفته در ازاره‌ها، شاهکارهایی از حجاری و شکل‌های هندسی مشاهده می‌شود. در نوع متداول، متن کار به صورت مثبت‌کاری و یا گل‌های مجوف حجاری شده که این نقوش مجوف علاوه بر زیبایی نمای خانه برای نورگیری زیرزمین استفاده می‌شده است.

بیشترین سطح نما اختصاص به عناصر عمودی مثل جرزها و بازشوهای بین آن‌ها مثل ارسی‌ها، در و پنجره‌ها و حفره‌های به وجود آمده از راهرو دارد. نمود جرزها در نما به وسیله یک چفت انجام می‌شود که در بالا به وسیله کتیبه بسته شده و یک قاب را شکل می‌دهد. قاب‌ها با آجر کار شده و گاهی با معقلی و کاشی هفت‌رنگ تزیین می‌شده است. اسپر بیشتر در قسمت‌های طاق نما کار و با گل‌اندازهای زیبای آجری تزیین شده است.

معمولاً در محل تقاطع دو دیوار کنج تیزی به وجود می‌آید که برای رفع آن از پیلک یا نیم‌ستون استفاده می‌شود که بر روی گلدان برپا شده و بالای آن با مقرنس کاری تزیین شده است. ریتم‌های افقی و عمودی و خطوط موجود در ارسی‌ها و رنگ قهوه‌ای تیره آن‌ها نیز در هماهنگی نمای خانه‌ها مؤثر است. تیغه‌های عمودی (تابش‌بند) نیز در بین در و پنجره‌ها به کار می‌رفته است. دیگر عناصر عمودی به کار رفته شامل ستون‌های چوبی و سنگی است که به صورت چندوجهی یا مدور و به تعداد دو عدد در تالارها و به فواصل یک متر در ایوان‌ها کار شده‌اند و سرستون‌ها با مقرنس کاری تزیین شده‌اند. بالای کتیبه‌ها به دو روش بسته شده است: با رخبام‌های آجری و با بیرون‌زدگی تدریجی آجرها، و روش دوم شیرسرهای چوبی که عرض ۷۰ تا ۸۰ سانتی‌متر داشته‌اند. این عناصر علاوه بر عملکرد مناسب در مقابل باران‌های تند، سطح خارجی نما را به نحو زیبایی خاتمه داده‌اند (معماریان، ۱۳۷۵).

از آنجایی که اندیشه تمرکزگرا، سنت‌شکن، تجدیدطلب و مدرن و دارای اصول نظامی در دوره ۲۰ ساله ظهور کرد، ساختار دولت نیز به گونه‌ای شد که چنین تفکری را به اجرا درآورد.

۱- بالاتر قرار گرفتن ساختمان از سطح زمین و نیز نمایش آشکار آن در وسط و محل ورودی ساختمان تقریباً در تمامی



تصویر ۲-۸- نما خانه‌های پهلوی در شیراز



تصویر ۲-۹- بازشو در خانه‌های پهلوی شیراز
(منبع: نگارنده)

بناهای دوره پهلوی اول مشاهده می‌گردد. برآمدن بنا از سطح زمین تعمداً و نه به علت وضعیت سایت انجام می‌شد که بر سیما و شکوه آن تأکید می‌کند.

۲- ورودی‌های بلند و ستون‌های مرتفع و کشیده در بناها، اگرچه از یک نگاه به معماری دوره قدرت‌گرایی آلمان و آغاز قرن بیستم و از نگاه دیگر به عظمت و قدرت باستان‌گرایانه ایران کهن و به تعبیری نئوکلاسیسم ایرانی نظر دارد، هرچه باشد در پی اقتدار و عظمت است.

۳- نمای بناهای دوره رضاشاهی بیشترین استفاده را از نشانه‌ها و عناصر خطی-عمودی برده است. ستون‌ها و پنجره‌ها بیشترین نقش را در این کاربرد داشته‌اند تا بتوانند بر ایجاد حس ابهت و شکوه بنا بر بیننده بیفزایند. برخلاف این حرکت عمودی خود بناها در جهت افقی کشیدگی دارند و به‌صورت سنگین و حجیم بر زمین نشسته‌اند (کیانی، ۱۳۹۳).

۲-۹-۳- بازشوها

در این دوره برای نخستین بار پنجره‌ها یکی پس از دیگری به روی کوچه‌ها و خیابان‌های جدیدالاحداث گشوده می‌شدند. پنجره‌های به‌جامانده از آن دوره در خیابان‌های قدیمی بیانگر این تفکرات است که اولاً توجه به حریم خانه با ارتفاع مناسب پنجره از سطح کوچه و خیابان و یا عدم دید مستقیم هنوز پابرجاست.



تصویر ۲-۱۰- بازشوها در خانه‌های پهلوی شیراز
 (منبع: نگارنده)

پنجره‌ها، علاوه بر کاربرد چوب و شیشه در شکلی ساده و اجرایی‌تر، برای اولین بار فلز را در شکل نرده و محافظ به کار می‌گیرد. در بنا، نما و پنجره‌ها ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر دارند. بالای کتیبه‌ها به دو روش بسته شده است: با رخیام‌های آجری و با بیرون‌زدگی تدریجی آجرها و روش دوم شیرسرهای چوبی که عرض ۷۰ تا ۸۰ سانتی‌متر داشته‌اند. این عناصر علاوه بر عملکرد مناسب در مقابل باران‌های تند، سطح خارجی نما را به‌نحو زیبایی خاتمه داده‌اند (معماریان، ۱۳۷۵).

۲-۹-۴- مصالح، تکنولوژی ساخت و روش‌های ساختمانی

در شیراز از دو روش تیرپوش و طاقی در ساخت همه بناها استفاده شده است. در واقع می‌توان کاربرد پیشرفته و دقیق این دو روش را از خصوصیات بارز این منطقه دانست. در خانه‌های شیراز مصالح ساخت دیوارها از نوع خشتی و سنگی بوده و ضخامت دیوارها به شکل جرز یا اسپر بوده که معمولاً ۲ تا ۲٫۵ آجر ضخامت داشته (ابعاد آجر ۲۰*۲۰*۴). آجر یا فقط در نماسازی و یا به‌صورت پشت و پیش به کار می‌رفته است. همچنین ستون‌های چوبی تالارهای ایوان‌ها و داخل شاه‌نشین‌ها از دیگر عناصر باربر سازه‌ای بوده‌اند. در زیرزمین و هشتی به‌دلیل طاقی بودن آنها از خشت و آجر، و در سقف همکف و طبقات، از تیرهای چوبی استفاده شده است. چوب‌ها از جنس سپیدار، صنوبر و نارون بوده است. چوب سپیدار به‌دلیل تارهای عمودی مناسب در پوشش‌ها و کلاف‌ها و در داخل دیوارها جای می‌گرفته است و از چوب چنار و گردو ارسی‌های زیبا را می‌ساختند. این چوب‌ها از مناطق نزدیک شیراز مثل سیوند و یاردکان تهیه می‌شده است. در ساخت سقف‌های تیرپوش، بر روی تیرهای چوبی معمولاً بوریا و روی آن تعدادی نی پهن می‌کرده‌اند. سپس قشری از گل نمناک به‌صورت شفته که جداکننده کاهگل مرطوب و نی و بوریا بوده ساخته می‌شده است. گل بون (خاک با رطوبت کم) برای شیب‌بندی استفاده می‌شده و آخرین قشر، کاهگل بوده است (معماریان، ۱۳۷۵).

■ تکنولوژی ساخت و روش‌های ساختمانی در دوران پهلوی

با آنکه در دوران پهلوی اول، بیشتر مصالح استفاده شده در بناها، به‌علت امکان‌پذیر نبودن تهیه مصالح جدید، سنتی و بومی بودند، در مواردی مانند احداث کارخانه‌های صنعتی، از تیر آهن یا تیرهای چدنی برای ایجاد دهانه‌های بزرگ، و در بناهای دولتی اغلب از بتن و شیشه استفاده شد، همچنین در این دوره، در جهت احیای سنت‌های گذشته از سنگ و نمای سنگی با حجاری‌هایی نظیر حجاره‌های تخت‌جمشید بهره گرفته شده است.

در ساخت عناصر سازه‌ای خانه‌ها از مصالح مختلفی استفاده شده است. مصالح ساخت دیوارها از نوع خشتی و سنگی بوده است. همچنین در بیشتر خانه‌های مورد بررسی در ساخت پوشش سقف‌ها چوب به کار رفته است. چوب‌ها از جنس سپیدار، صنوبر و نارون بوده و از هر کدام از آنها با توجه به ویژگی‌های خود در مکان‌های مختلف استفاده شده است. سنگ نیز یکی دیگر از مصالح مهم در ساخت خانه‌ها بوده و به‌کارگیری آن بیشتر جنبه تزئینی داشته است.

۲-۹-۵-تزیینات

تزیینات دوره پهلوی اول متأثر از چندین عامل بوده است:

۱. استفاده از آجر در بناها به دلیل سرعت و سهولت باعث گردید که تزیینات آجری نقش بیشتر و تازه‌تری پیدا کنند.
۲. معماری این دوره در استفاده به‌جا از تزیینات، هر چند ساده و مختصر و متحول شده، هنوز نگاه در گذشته دارد.
۳. اتفاق تازه در این دوره رویکرد به عناصر حجمی و مجسمه‌سازی است که باز نگاه دوگانه باستانی و غربی به خوبی قابل تشخیص است (کیانی، ۱۳۹۳).

۲-۱۰-ویژگی فضاهای خانه‌های سنتی در شیراز

۱. ورودی: هیچ‌گونه ارتباط بصری مستقیم با درون خانه به وجود نمی‌آورد و با توجه به سازماندهی فضاهای داخلی در وسط و در راستای محور اصلی جای دارد. البته تعداد ورودی‌ها با توجه به تعداد حیاط‌ها و سازماندهی کلی فضاها متغیر است. (مثل خانه حاج مهیا و نارنجستان قوام و یا در کنار و کنج نقشه مثل خانه زینت‌الملک، فروغ‌الملک و صالحی)

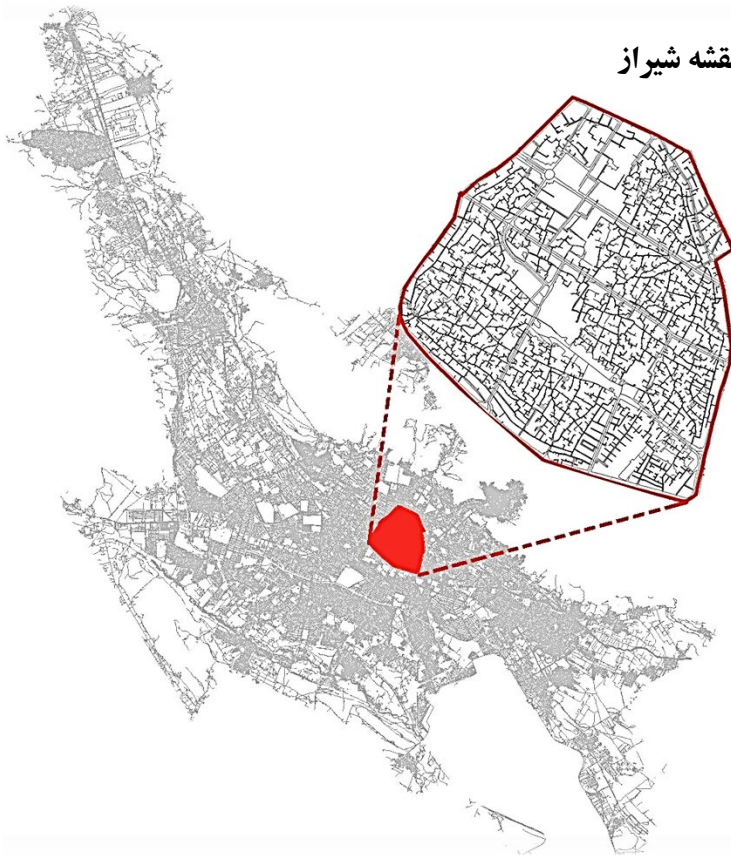
۲. هشتی‌های چهارگوش و هشت‌گوش با پوشش کاربندی آجری ساخته شده است.

۳. حیاط: عنصر مهم در سازماندهی فضایی که به شیوه رایج محلی طراحی شده است. ترکیب حوض و باغچه و اتاق ارسی از ویژگی‌های خانه‌های شیرازی است. دو عنصر اصلی حیاط، باغچه و حوض هستند و محورهای طولی آن‌ها معمولاً بر هم عمودند و اتاق ارسی و پنج‌دری در راستای محور اصلی خانه قرار دارد و یک نوع رابطه بصری مستقیم بین افراد ساکن در اتاق و حوض و باغچه پدید می‌آید.

۴. حوض‌ها به شکل چهارگوش، دایره، لوزی و یا ترکیبی هستند و باغچه‌ها با گیاهان همیشه سبز چون نارنج و پرتقال و ... مزین شده‌اند و این نحوه فضا ارتباط مستقیم با روح علاقه‌مند به سرسبزی و خرم‌دوستی ساکنین و اهالی شیراز

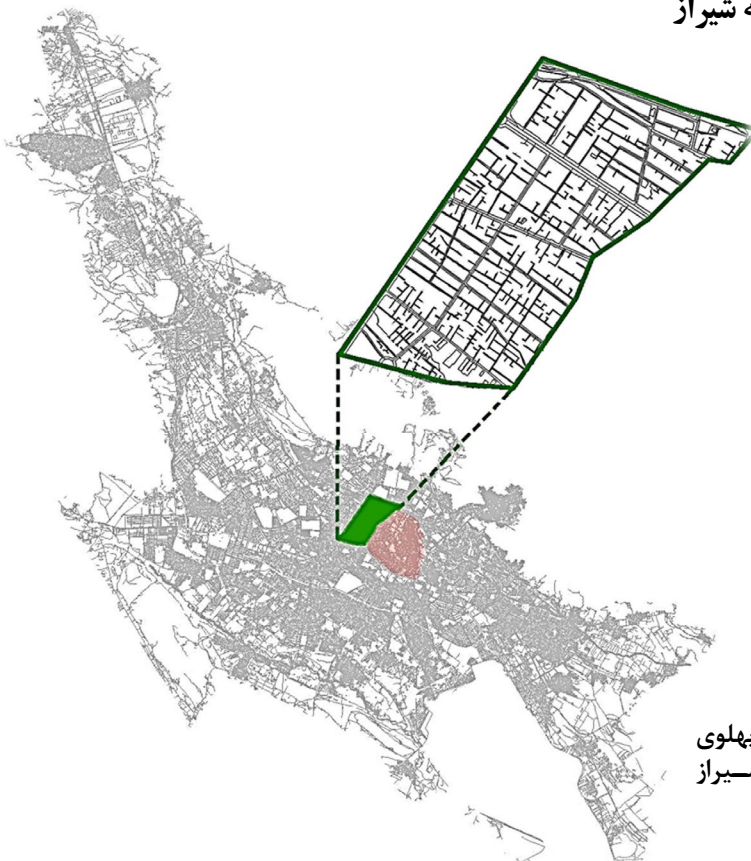
- دارد. ویژگی دیگر حیاط خانه‌های شیرازی، ایجاد یک نوع بیرون‌زدگی کوچک در آن است که از سه طرف بسته و از یک طرف با حیاط بزرگ‌تر در ارتباط است که نمونه آن در خانه زینت‌الملک، بصیری و افشاریان وجود دارد.
۵. اتاق: اتاق‌ها با ترکیب و آهنگ خاص در گونه‌های مختلف در کنارهم سازماندهی شده‌اند. آن‌ها به اسامی گوناگون مثل یک‌دري، دودري، سه‌دري، پنج‌دري، شاه‌نشین، گوشواره و ارسی نامیده شده و هرکدام عملکرد خاصی دارند. پنج‌دري‌ها به‌عنوان نشیمن و شاه‌نشین‌ها به‌صورت ستون‌دار و بی‌ستون ساخته شده‌اند. ارسی‌ها هم در انواع سه، پنج و هفت‌درکی نقش ویژه‌ای در خانه‌های شیراز دارند.
۶. تالار و ایوان: در بعضی خانه‌ها فضای نیمه‌بسته هم در تابستان‌نشین و هم در زمستان‌نشین به نام تالار دیده می‌شود که به خاطر ایستایی آن چند ردیف ستون دارند (ارگ کریمخانی). ایوان فضایی کوچک‌تر از تالار است و در جلوی یک اتاق قرار می‌گیرد و نمونه آن در خانه دکتر منصوری، بصیری، فروغ‌الملک و زینت‌الملک مشاهده شده است.
۷. زیرزمین: فضایی با چند پله گودتر از حیاط که در تابستان جهت استراحت و یا به‌عنوان انبار استفاده می‌شده است.
۸. حوضخانه: فضای هشت‌گوش و تابستان‌نشین که در طراحی فضاها مؤثر بوده مثلاً در خانه فروغ‌الملک، حوضخانه بخش‌های اندرونی و بیرونی را به‌هم پیوند داده و یا در خانه بصیری چند حیاط آن را به هم مربوط ساخته است.
۹. راهرو: با عرض باریک (هشتی به حیاط)، متوسط (بین اتاق‌ها) و عریض (کنار شاه‌نشین‌ها) شریان‌های ارتباطی خانه هستند. در بالای راهروها معمولاً اتاق گوشواره ساخته می‌شده است.
۱۰. و سایر فضاها مثل مطبخ، دستشویی و حمام و ... (معماریان، ۱۳۷۵).

۱۱-۲- بررسی موقعیت بافت تاریخی در نقشه شیراز

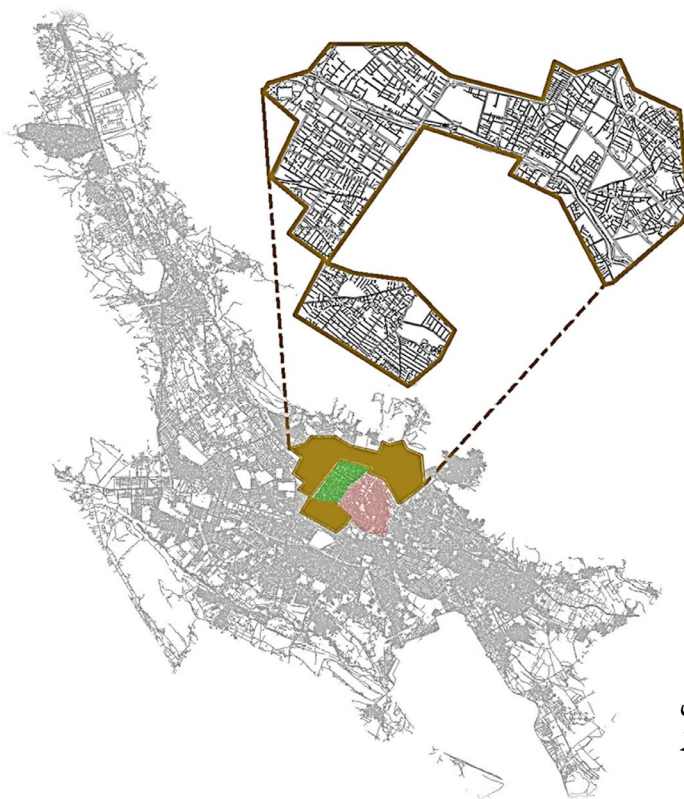


تصویر ۱۱-۲- موقعیت محدوده بافت تاریخی
(تا پیش از ۱۳۰۰ هجری شمسی) در شهر شیراز
(منبع: نگارنده)

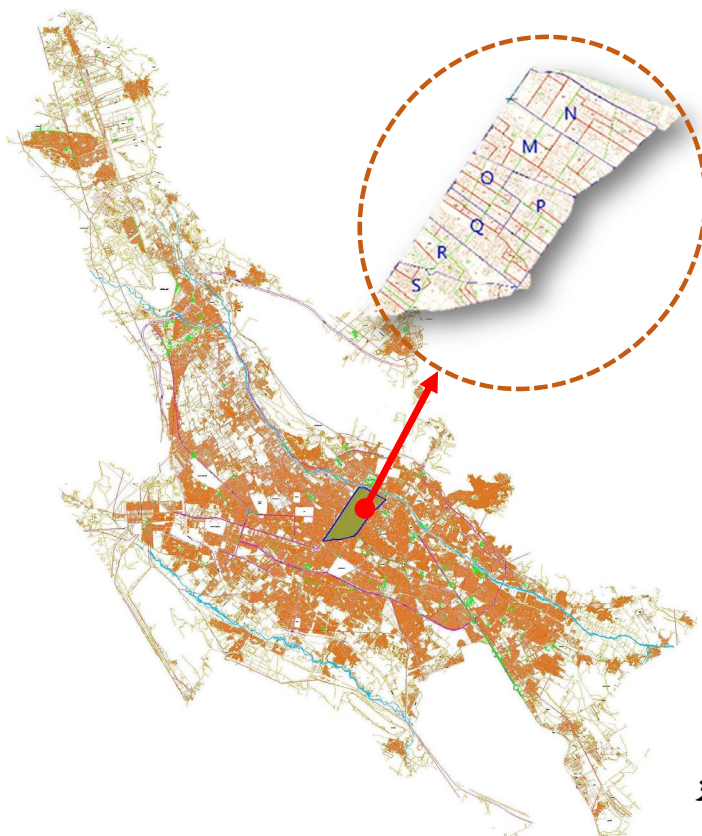
۱۲-۲- بررسی موقعیت بافت میانه در نقشه شیراز



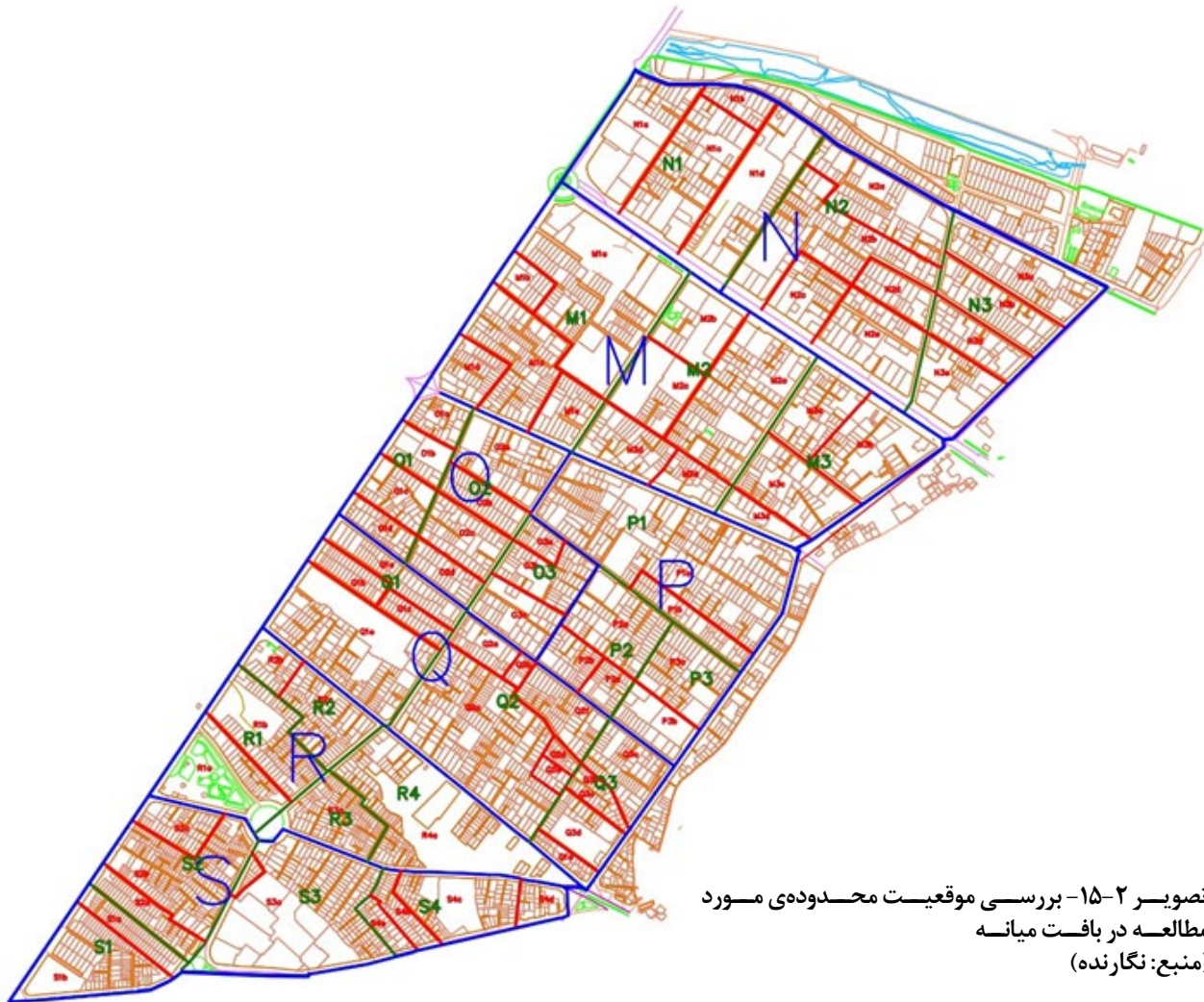
تصویر ۱۲-۲- موقعیت محدوده بافت میانه (پهلوی
اول از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی) در شهر شیراز
(منبع: نگارنده)



تصویر ۲-۱۳- موقعیت محدوده بافت میانه (پهلوی دوم تا پیش از ۱۳۶۰ هجری شمسی) در شهر شیراز (منبع: نگارنده)

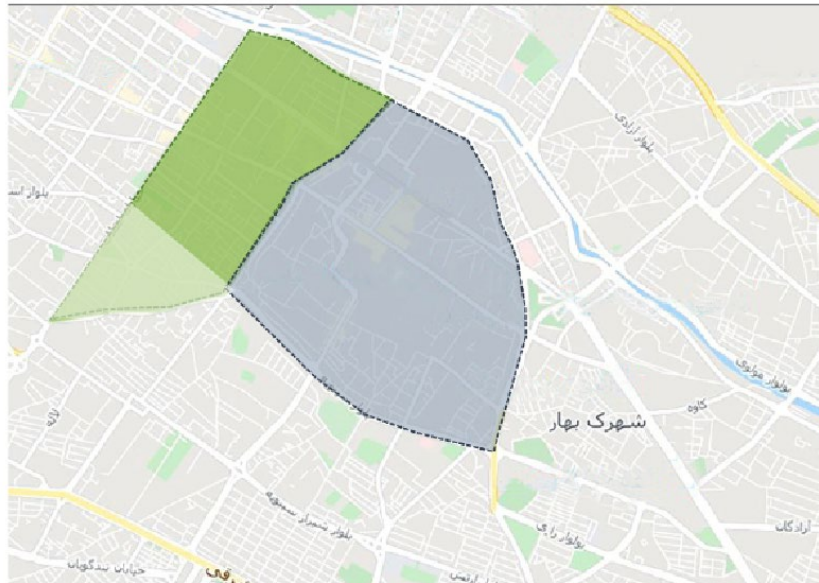


تصویر ۲-۱۴- بررسی موقعیت بافت میانه در نقشه شیراز (منبع: نگارنده)



تصویر ۲-۱۵- بررسی موقعیت محدوده‌ی مورد
مطالعه در بافت میانه
(منبع: نگارنده)

۲-۱۳- معرفی خانه‌های دوره پهلوی اول شیراز



موقعیت بافت میانه شیراز در شهر

راهنما:

محدوده بافت میانه شیراز

محدوده بافت تاریخی شیراز

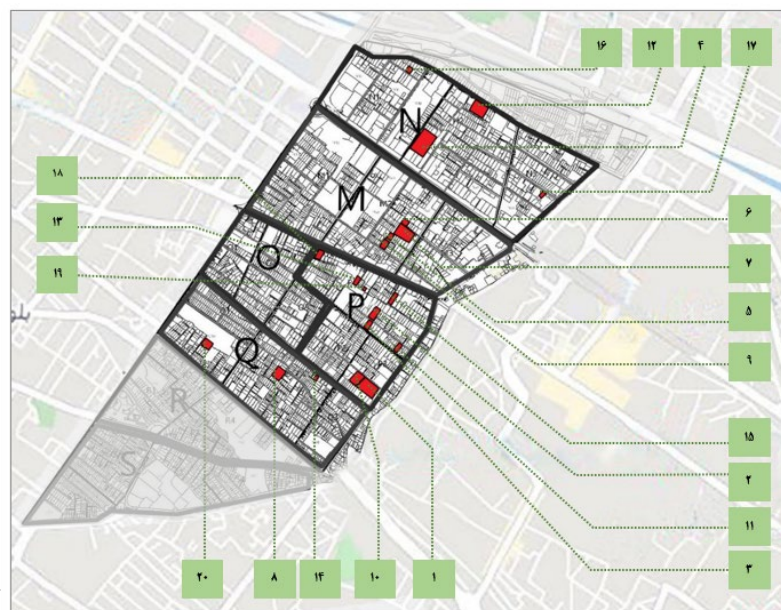


تصویر ۲-۱۴- نقشه سال ۱۳۲۸ شیراز
 (منبع: آرشیو شهرداری شیراز)



تصویر ۲-۱۵- تصویر هوایی سال ۱۳۳۵ شیراز (منبع: آرشیو شهرداری شیراز)

۲-۱۴- تقسیم‌بندی بافت میانه شیراز جهت کدگذاری در راستای مستندسازی بناها



تصویر ۲-۱۶- تقسیم‌بندی بافت میانه شیراز

(منبع: نگارنده)

راهنما:

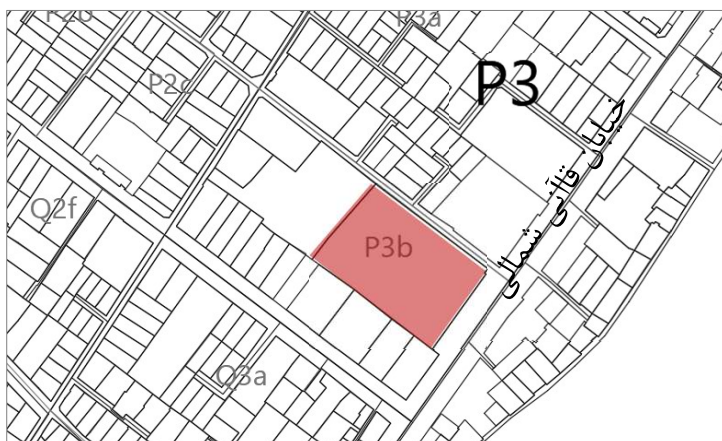
بناهای منتخب جهت معرفی

۲-۱۵- کدگذاری بناهای شناسایی شده پهلوی اول در بافت میانه شیراز

شماره	کد بنا	نام بنا	تصویر	شماره	کد بنا	نام بنا	تصویر
۱	P3b (14)	خانه امتیاز		۱۱	P1b (3)	خانه نورانی وصال	
۲	P1a (41)	خانه توللی		۱۲	N2a (41)	خانه منشی‌باشی	
۳	P1b (15)	خانه فرهودی		۱۳	P1a (149)	خانه خوشخو	
۴	N2h (33)	باغ فردوس		۱۴	Q2f (41)	خانه پرویزی	
۵	M2c (84)	خانه رحیمی		۱۵	P1c (10)	خانه نمازی	
۶	M2c (61)	خانه خردمند		۱۶	N1b (12)	خانه مویدی	
۷	M2c (75)	خانه شاپوری		۱۷	N3d (4)		
۸	Q2c (43)	خانه جمشیدی		۱۸	P1a (124)	خانه باغ خیرات	
۹	M2a (96)	موسسه آینده‌سازان		۱۹	P1a (159)		
۱۰	P3b (15)	خانه عفاف		۲۰	Q1e (67)	خانه محلاتی	

بنای شماره ۱: P3b(14) - خانه امتیاز

کد بنا	P3b (14)	نشانی	خیابان قآنی شمالی نبش کوچه ۱۰			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	۱۶۵۵۵	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	دولتی	نام مالک	دانشگاه آزاد واحد شیراز
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	اداری-آموزشی	نام معمار	ابوالقاسم مهندسی	نوع کاربری	آموزشی
توضیحات	این بنا اکنون به عنوان مرکز مطالعات معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز فعالیت دارد.						
گونه شناسی	نوع گونه	کوشکی	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شرقی-غربی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	میان زمین	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	شرقی-از حیاط	جهت استقرار توده	غرب	



- موقعیت بنا در خیابان قآنی شمالی شیراز -



- تصویر هوایی

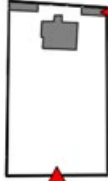
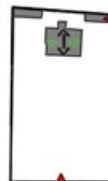
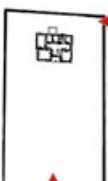
خانه تاریخی امتیاز از اولین بناهای ساخته شده در لایه بافت میانی شهر شیراز است که توسط معمار معروف شیرازی، میرزا ابوالقاسم معمار مهندسی در دو طبقه و به صورت کوشکی ساخته شده است. عمارت اصلی شامل کوشک دو طبقه در وسط باغ بنا شده و ساختمان دارای بناهای ساخته شده در ضلع غربی حیاط نیز می‌باشد که به محل سکونت خدمه و مباشر خانواده تعلق داشته است.

مصالح اصلی نما آجر بوده و تزئینات آجری زیبا، سقف شیروانی، ایوان ستون دار شرقی، تزئینات کاشی هفت‌رنگ در نمای بنا دیده می‌شود. بنا دارای دو ایوان می‌باشد در ضلع شرقی و در ضلع غربی، ایوان ضلع شرقی که به سمت نارنجستان عمارت دید داشته، دارای شش ستون می‌باشد، نماها تقریباً متقارن بوده، ضلع شرقی بنا کاملاً متقارن نیست. اتاق‌های طبقه همکف با توجه به اینکه همگی در ورودی به سمت حیاط دارند کارکرد کوشک وسط باغ را تکمیل می‌کند. این بنا

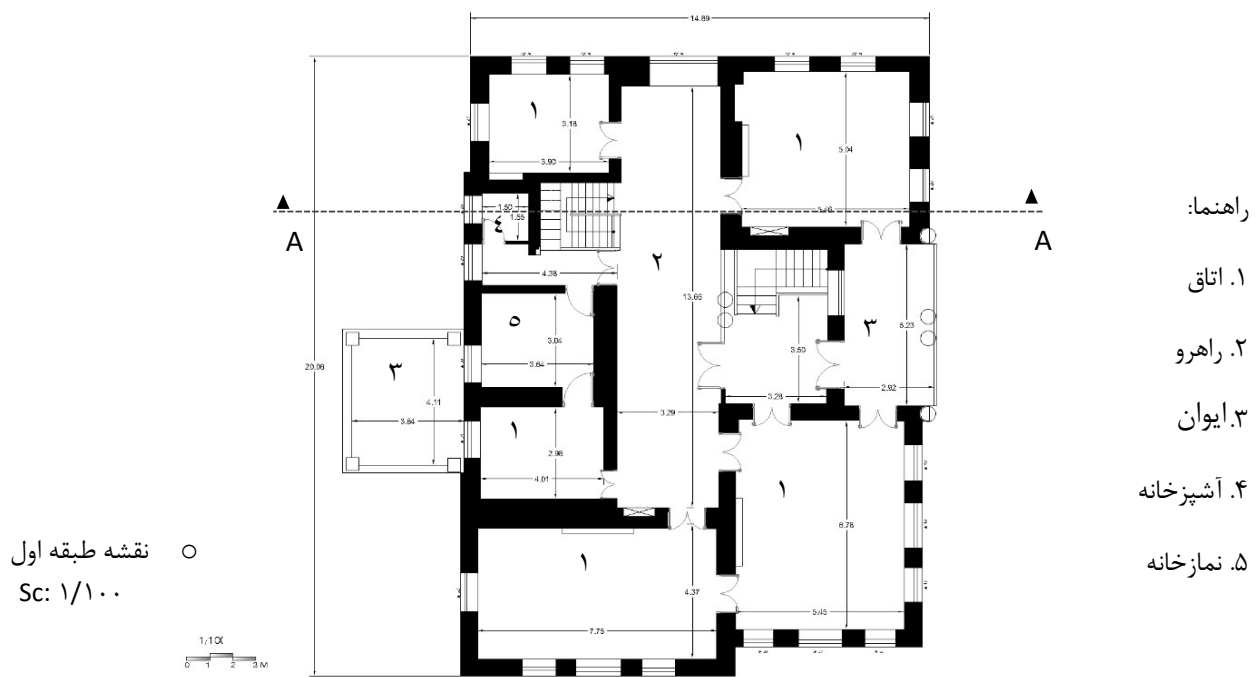
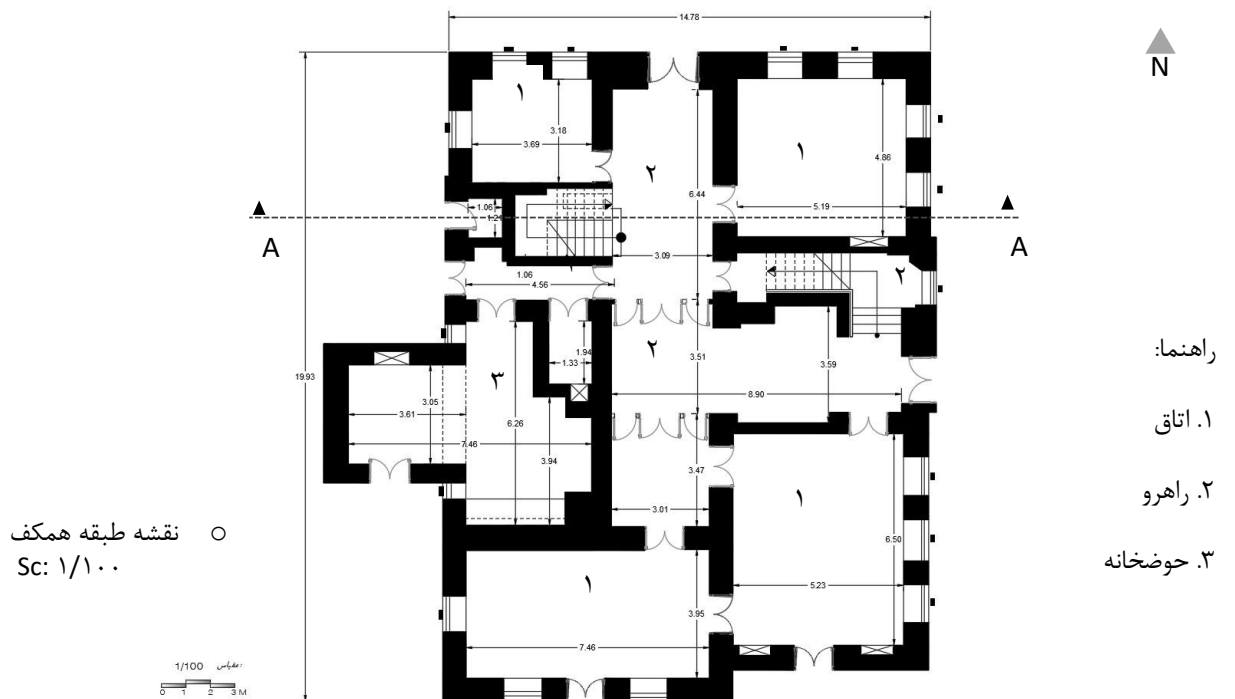
در سال ۱۳۷۰ توسط دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز خریداری شده و تا سال ۱۳۹۲ به عنوان دانشکده هنر و معماری فعالیت داشته و در همین سال ها ساختمان شش طبقه ای نیز در ضلع شرقی حیاط به بنا اضافه گردیده که حریم بصری بنا را مخدوش کرده است. این بنا پس از مرمت انجام شده در سال ۱۳۹۶ به عنوان مرکز تحقیقات معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز فعالیت دارد.

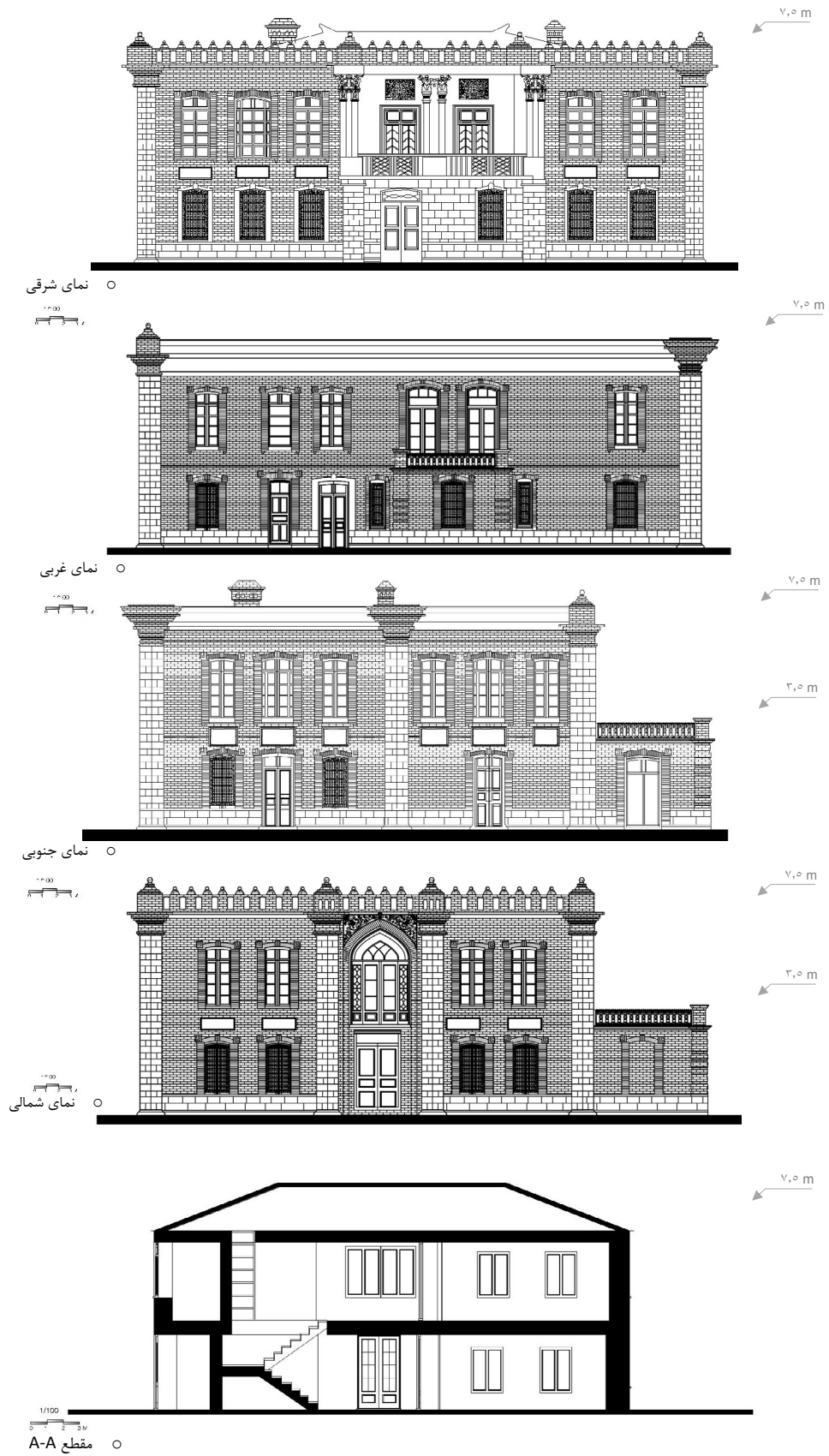
جدول مساحت بنا:

طول ۲۰ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۱۵ متر	۴۸۵۸ متر مربع	طبقه همکف ۵۲۳ متر مربع	۴۳۳۵ متر مربع	۱۰٪		۱۲ متر مربع
ارتفاع ۷٫۵ متر		طبقه اول ۵۲۳ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۴۸۵۸ مترمربع	مساحت توده: ۵۲۳ مترمربع	مساحت فضای باز: ۴۳۳۵ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشغال بنا ۱۰٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما





تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: زمستان ۱۳۹۸)



- نمای شمالی



- نمای جنوبی

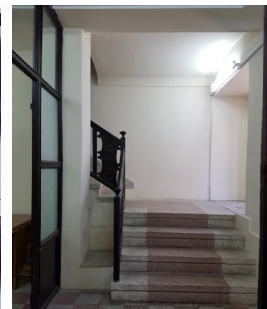
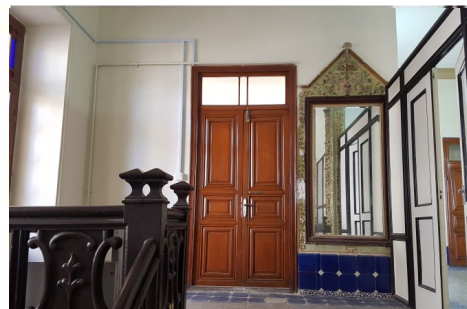


- نمای شرقی

تصاویر فضاهای داخلی:



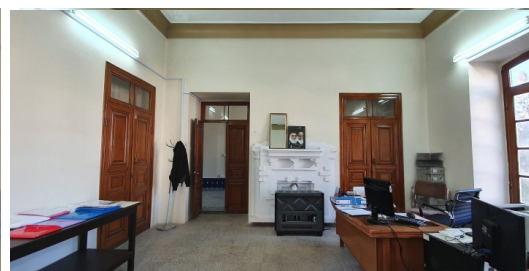
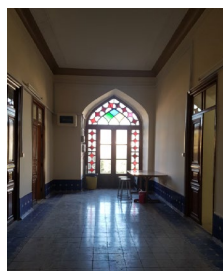
- اتاق‌های طبقه همکف



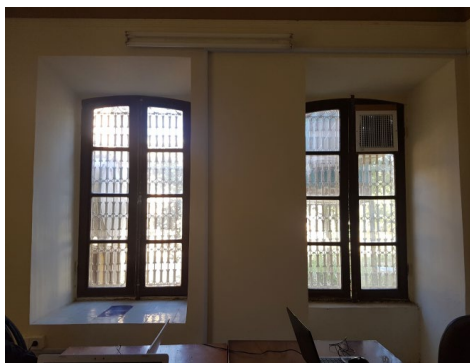
- راهرو و راه‌پله به طبقه اول



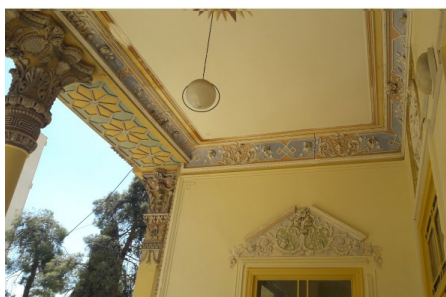
- اتاق‌های طبقه اول



- اتاق و راه‌برو طبقه اول



حوضخانه طبقه همکف - اتاق طبقه همکف



تزئینات گچبری ایوان شرقی

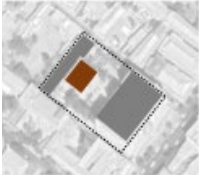
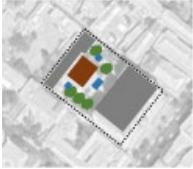
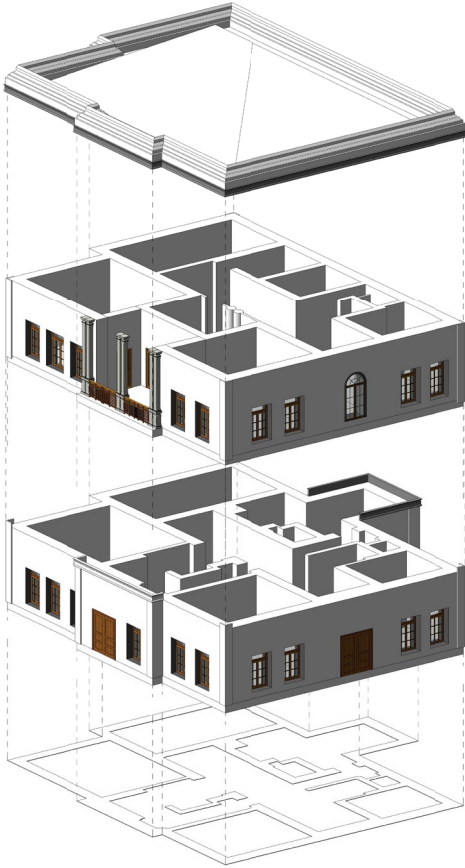
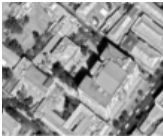


محل محوطه بنا



محل سکونت خدمه بنا

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
p3b(14)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			
			

بنای شماره ۲: (P1a (41) – خانه توللی

کد بنا	P1a (41)	نشانی	خیابان قآنی شمالی، خیابان حائری، کوی رحمت پلاک ۳۳			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	۶۰۷۶	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	شخصی	نام مالک	توللی
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	این بنا در حال حاضر کاربری مسکونی با مالکیت شخصی دارد.						
گونه شناسی	نوع گونه	یک طرف ساخت	مصلح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی-جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	یک طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	جنوبی از حیاط	جهت استقرار توده	شمال	



- تصویر هوایی

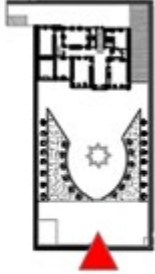
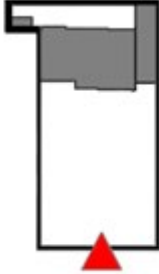
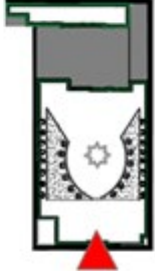
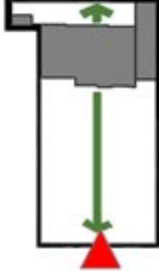
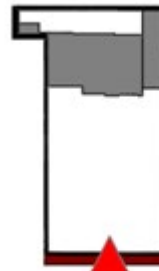
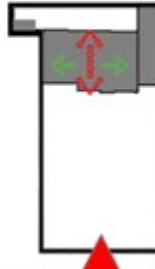


- تصویر هوایی

خانه توللی واقع در خیابان حائری، از بناهای یک طرف ساخت، مربوط به دوره پهلوی اول می باشد که در دو طبقه و با نمای آجری ساخته شده است. این بنا دارای فضاهای متنوعی است که با تناسبات بزرگ و تزئینات داخلی کم و تعداد بازشوهای زیاد، امکان دید حداکثری به باغ جلوی آن را فراهم می کند. حوض ستاره‌ای شکل در نزدیکی ورودی اصلی بنا قرار داشته و این بنا همانند بیشتر خانه‌های ساخته شده در این دوره دارای سقف شیروانی می باشد. کاربری بنا، مسکونی بوده و هم اکنون نیز مالکیت شخصی دارد.

جدول مساحت بنا:

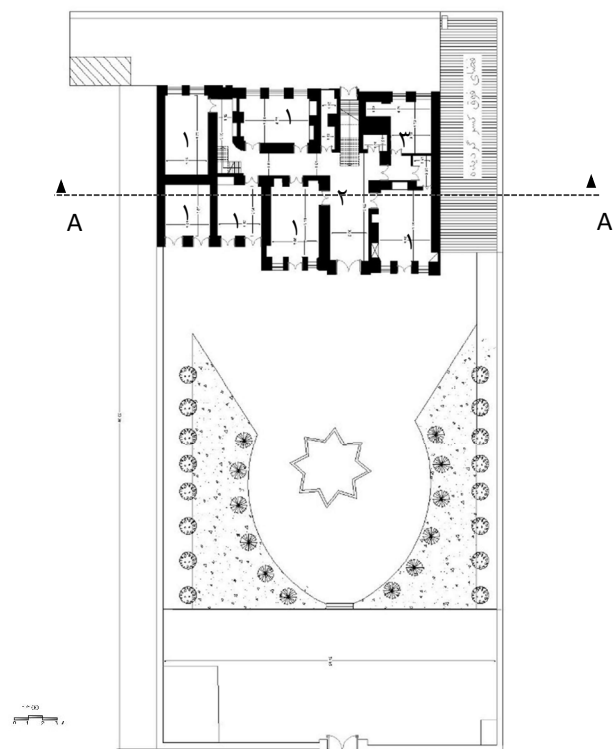
طول ۲۰ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۲۴ متر	۱۶۰۰ متر مربع	طبقه همکف ۳۴۰ متر مربع	۱۲۶۰ متر مربع	۲۱٪	فاقد ایوان	
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۳۴۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۱۶۰۰ مترمربع	مساحت توده: ۳۴۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۱۲۶۰ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا		بدون ایوان	سطح اشغال بنا ۲۱٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما

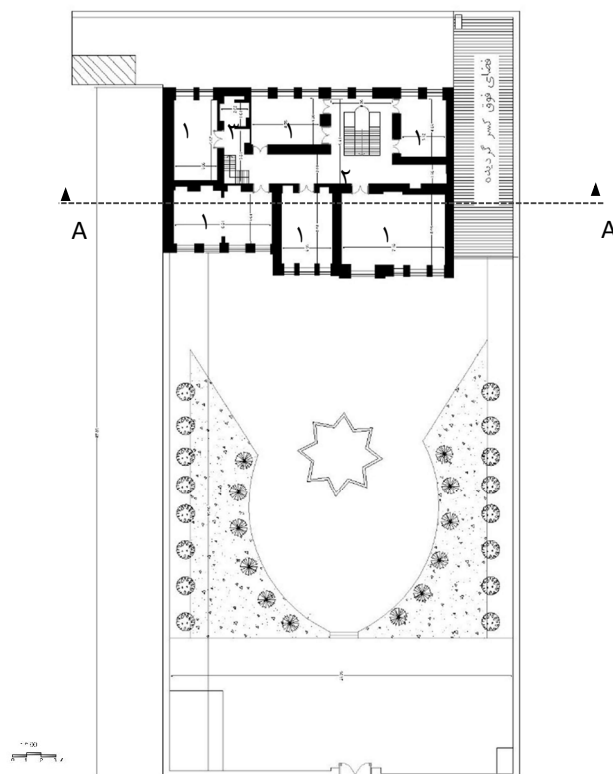


○ نقشه طبقه همکف
Sc: ۱/۱۰۰



راهنما:
۱. اتاق
۲. راهرو
۳. آشپزخانه

○ نقشه طبقه اول
Sc: ۱/۱۰۰



راهنما:
۱. اتاق
۲. راهرو
۳. خدماتی



تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: زمستان ۱۳۹۸)



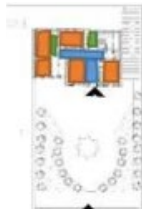
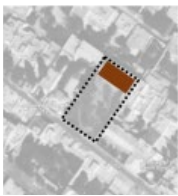
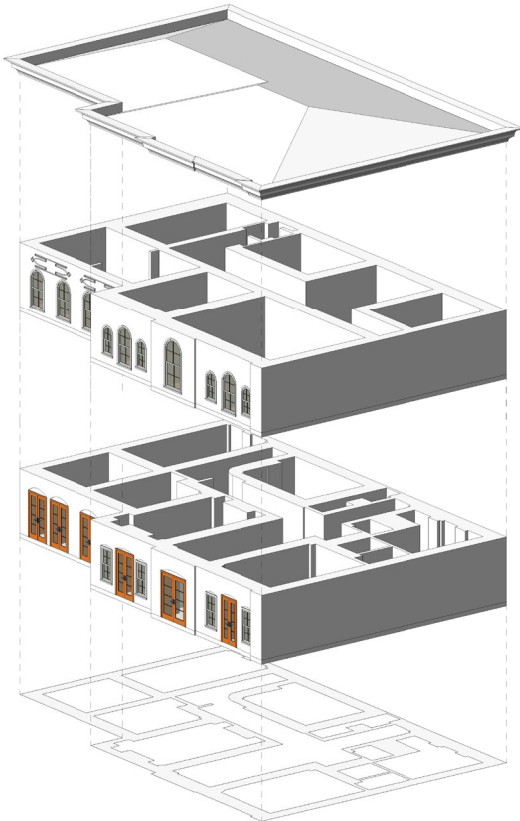
- ضلع شمالی و حیاطی



- اتاق‌های طبقه اول

- اتاق طبقه همکف

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■) ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی (■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده گذاری	فضای سبز
pla(14)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			
			

بنای شماره ۳: (P1b) - خانه فرهودی

کد بنا	P1b(15)	نشانی	خیابان قائنی شمالی. خیابان حائری پلاک ۴۷			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	۱۵۳۲۸	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	شخصی	نام مالک	فرهودی
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	اداری	نام معمار	-	نوع کاربری	فرهنگی
توضیحات	این بنا اکنون به عنوان دفتر تسهیلگری بافت تاریخی شیراز فعالیت دارد و در دست مرمت است.						
گونه شناسی	نوع گونه	دو طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی-جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	دو طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	جنوبی از حیاط	جهت استقرار توده	شمال-جنوب	



- موقعیت قرارگیری در خیابان حائری

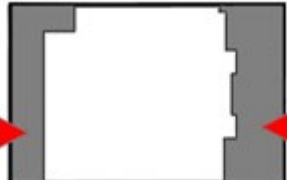
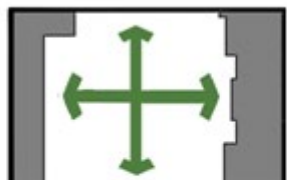
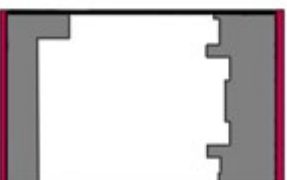
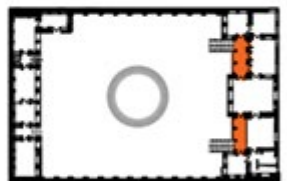


- تصویر هوایی

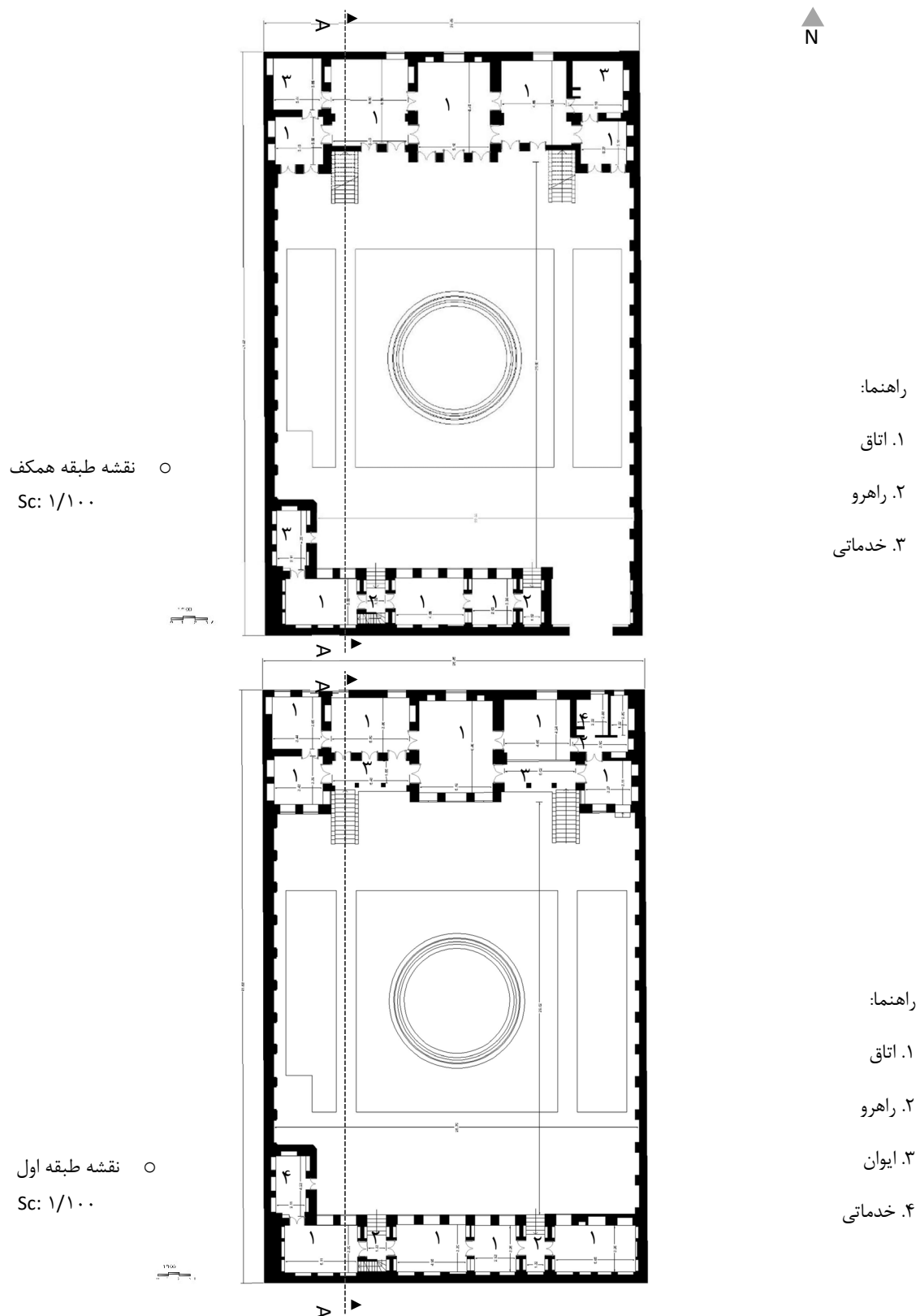
خانه فرهودی از بناهای مجلل بافت میانه شیراز محسوب می‌گردد که در تیپولوژی فرمی دو طرف ساخت بنا شده است. بنا دارای تزئینات بسیار زیبای آجرکاری و کاشی کاری می‌باشد. وجود فرم خورشیدی مدرن شده و شیرسرهای چوبی زیبا در جبهه اصلی بنا از ویژگی‌های این خانه بوده که در ادامه و هم‌پیوندی با خانه‌های سنتی شیراز است. همانند بسیاری از خانه‌های این دوره دارای سقف شیروانی بوده و ایوان ستون‌دار و پله‌های موجود در نمای بنا، ازاره سنگی و تزئینات آجرکاری و فرم بازشوها، فرم حوض و باغچه‌ها اصول معماری زمینه‌ای را یادآور است. این خانه، مدتی به عنوان دفتر تسهیل‌گری بافت تاریخی شیراز فعالیت داشته و هم‌اکنون در حال مرمت و تبدیل به محیط فرهنگی-اداری می‌باشد.

جدول مساحت بنا:

طول ۲۶ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۴۲ متر	۱۰۱۳ متر مربع	طبقه همکف ۲۰۰ متر مربع	۸۱۳ متر مربع	٪ ۱۹		۲۰ متر مربع
ارتفاع ۷ متر		طبقه اول ۲۰۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۱۰۱۳ مترمربع	مساحت توده: ۲۰۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۸۱۳ مترمربع
طول های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشغال بنا ۱۹٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما





○ نمای شمالی



○ نمای جنوبی



○ مقطع A-A

تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: زمستان ۱۳۹۸)



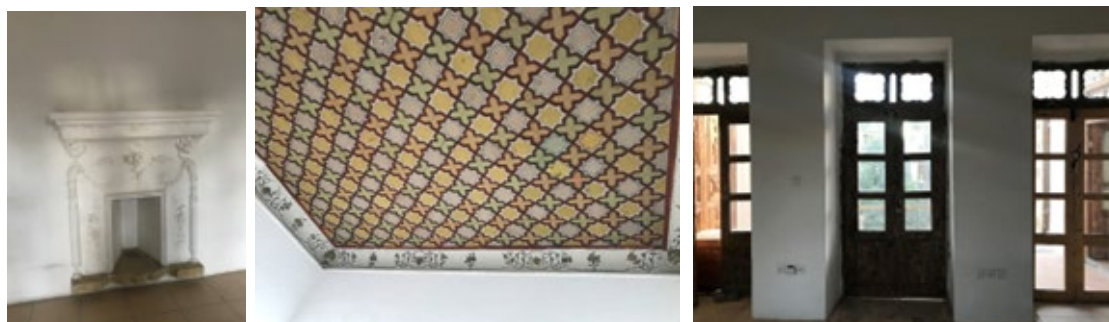
- ضلع شمالی و جنوبی حیاطی



- ضلع شمالی بنا



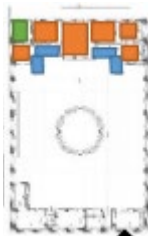
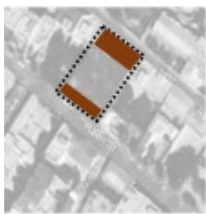
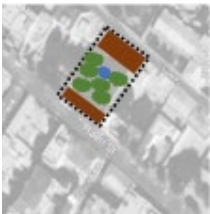
- فضای داخلی و تزینات گچبری



- تزینات سقف و گچبری

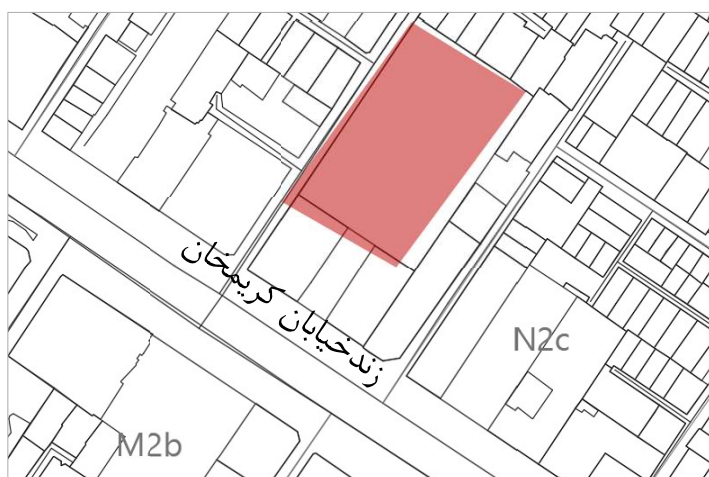
- فضای داخلی

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

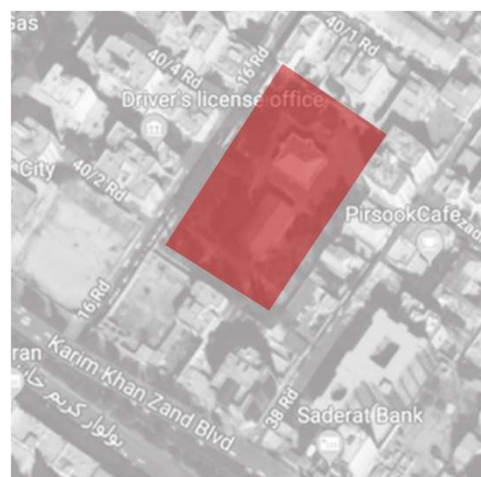
کد بنا	تحلیل فضا	توده گذاری	فضای سبز
p1b(15)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			
			

بنای شماره ۴: (33) N2h – خانه باغ فردوس (عمارت شهرداری سابق)

کد بنا	(33) N2h	نشانی	خیابان کریم‌خان زند، خیابان کمال‌الملک			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	۶۰۴۲	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	دولتی	نام مالک	-
کاربری پیشین	شهرداری	کاربری فعلی	آموزشی	نام معمار	ابولقاسم معمار مهندسی	نوع کاربری	فرهنگی
توضیحات	این بنا هم‌اکنون به عنوان کانون فرهنگی زیر نظر اداره آموزش و پرورش فعالیت دارد.						
گونه شناسی	نوع گونه	کوشکی	مصلح‌نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی-جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	میان زمین	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	غربی از حیاط	جهت استقرار توده	شمال-شرق	



– موقعیت قرارگیری در خیابان کریم‌خان زند



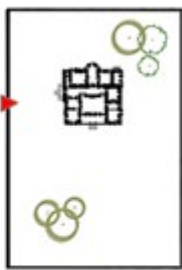
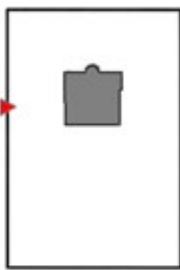
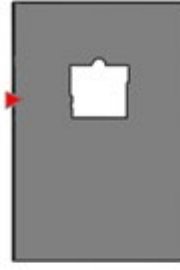
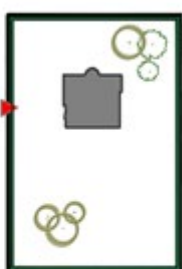
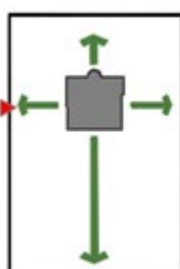
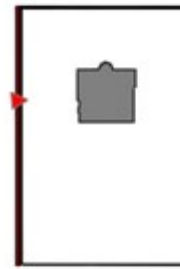
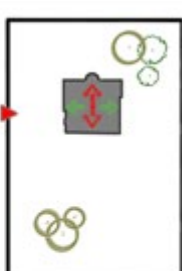
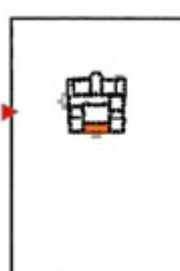
– تصویر هوایی

باغ فردوس شیراز از بازماندگان باغ‌های خیابان چهارباغ شیراز در دوره صفوی است؛ این باغ که همچون اکثر همتایان خود دارای س‌روه‌های تنومند شیرازی است؛ نشانی دارد از قرن‌هایی که بر این خاک حضور داشته است. باغ فردوس در خیابان زند؛ حدوداً روبروی خیابان خیام، در خیابان کمال‌الملک قرار گرفته است؛ و یک پلاک با خیابان زند فاصله دارد؛ ظاهراً در دوره پهلوی عمارت درون باغ تخریب شده و جای خود را به عمارت فعلی می‌دهد که در تیپولوژی بناهای کوشکی و از آثار معمار مهندسی شیرازی است.

قسمت‌های زیادی از باغ در تفکیک شدن‌ها و خیابان‌کشی از مساحت اصلی باغ کم شده است از جمله پلاک مجاور این باغ که بر خیابان زند قرار گرفته است، در دوره پهلوی توسط انجمن کلیمیان شیراز خریداری و به کنیسه تبدیل می‌شود که بعدها، تغییر کاربری داده شد و در حال حاضر مخروبه است. این بنا مدتی نیز به عنوان عمارت شهرداری شیراز فعالیت داشته، و بعدها به اداره آموزش و پرورش واگذار می‌شود. هم‌اکنون این بنا به عنوان کانون فرهنگی فاطمه‌الزها زیر نظر اداره آموزش و پرورش فعالیت دارد.

جدول مساحت بنا:

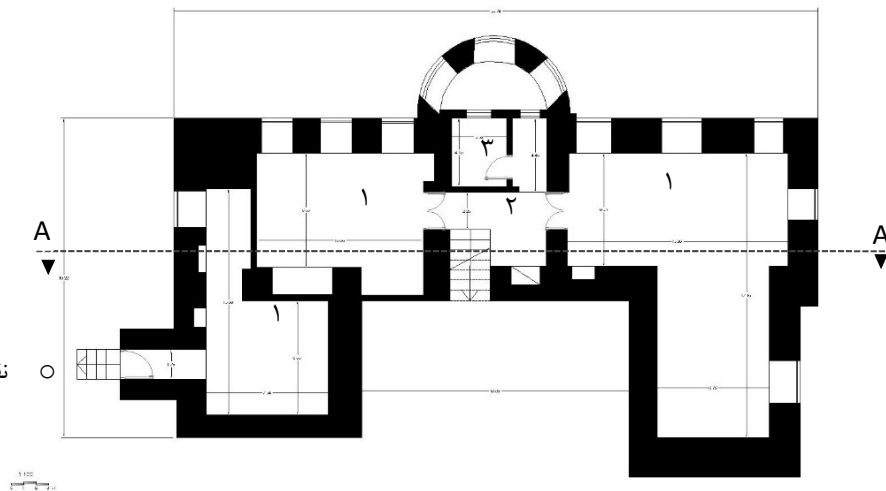
طول ۲۰ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۲۰ متر	۷۸۸۲ متر مربع	طبقه زیر زمین ۲۰۰ متر مربع	۷۴۵۷ متر مربع	۵٪		۱۵,۵ متر مربع
ارتفاع ۶ متر		طبقه همکف ۴۲۵ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۷۸۸۲ مترمربع	مساحت توده: ۴۲۵ مترمربع	مساحت توده: ۷۴۵۷ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشغال بنا ۵٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما



نقشه طبقه زیرزمین
Sc: ۱/۱۰۰



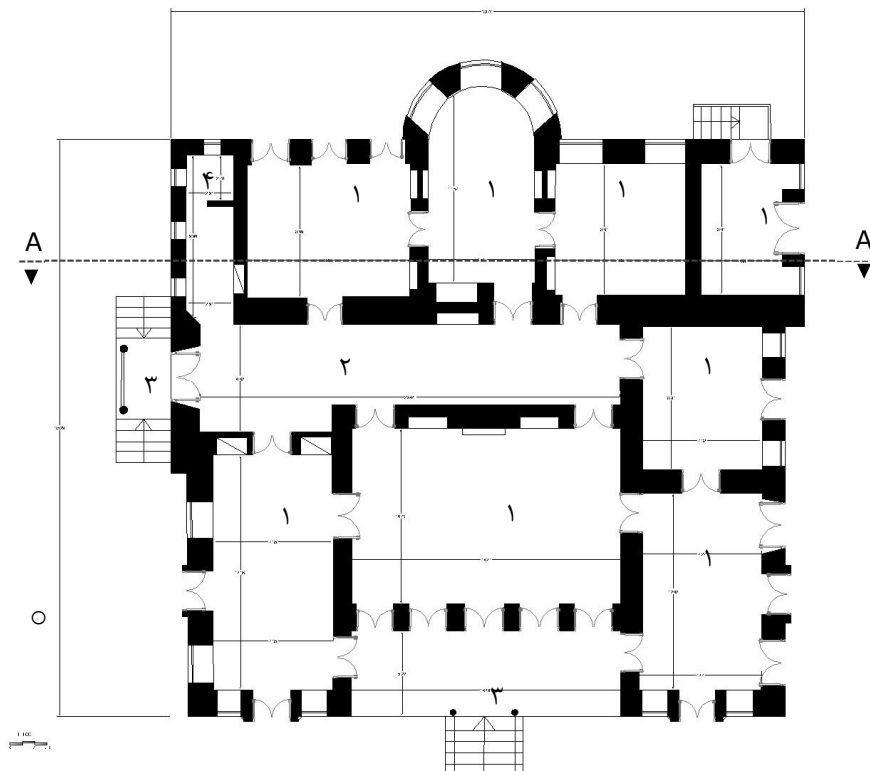
راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. خدماتی

نقشه طبقه همکف
Sc: ۱/۱۰۰



راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. ایوان

۴. خدماتی

تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: زمستان ۱۳۹۸)



- ضلع شرقی



- ضلع شمالی



- جبهه شمالی



- جبهه و نمای جنوبی



- نما و جبهه شمالی



- ضلع شرقی

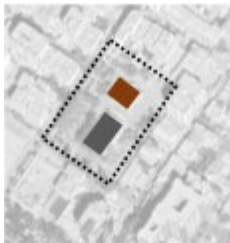
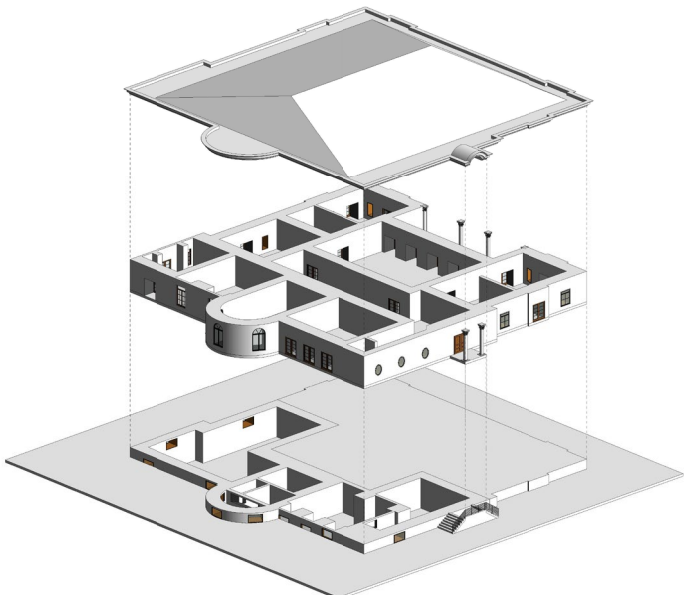
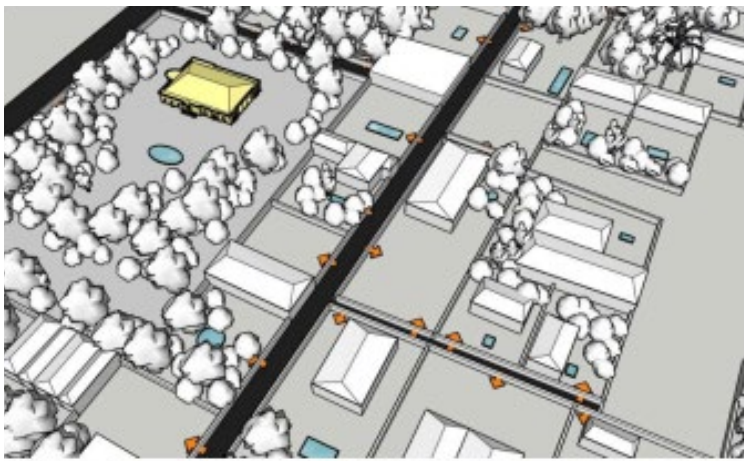


- ایوان غربی



- فضای داخلی

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
N2h(33)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			
			

بنای شماره ۵: (84) M2c - خانه رحیمی

کد بنا	M2c (84)	نشانی	خیابان انوری کوچه لشکری		منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	۶۰۶۰	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	نام مالک	رحیمی
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	نوع کاربری	-
توضیحات: این بنا در حال حاضر کاربری مسکونی با مالکیت شخصی دارد.						
گونه شناسی	نوع گونه	یک طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی-جنوبی
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	یک طرفه
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	جنوبی از حیاط	جهت استقرار توده	شمال



- موقعیت قرارگیری در خیابان انوری

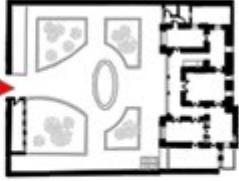
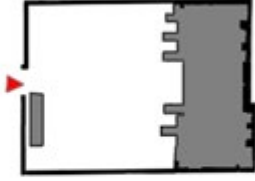
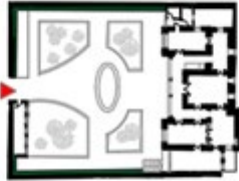
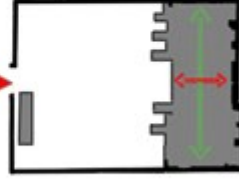
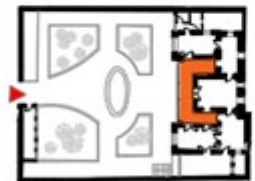


- تصویر هوایی

این بنا در دهه ۲۰ ساخته شده و مالکیت آن خصوصی و متعلق به خانواده رحیمی می‌باشد. کاربری پیشین این بنا مسکونی بوده و همچنان با همان کاربری در حال استفاده است. موقعیت قرارگیری آن در خیابان انوری و کوچه لشکری است. تیپولوژی آن یک طرف ساخت و دارای ایوان ستوندار نمای آجری با کتیبه‌های کاشی هفت رنگ، دارای حوض و باغچه و اتاق‌های تودرتو می‌باشد. سقف بنا شیروانی بوده که تیپ غالب خانه‌های دوره پهلوی اول می‌باشد. بنا در طول زمان تغییراتی کرده است از جمله کف حیاط پر شده و بالا آمده طوری که طبقه همکف تبدیل به زیرزمین شده و حوض بنا تغییر کرده همچنین نرده چوبی ایوان به نرده سنگی تبدیل شده است. باتوجه به سکونت ساکنین اصلی در این بنا، وضعیت به نسبت مطلوبی دارد.

جدول مساحت بنا:

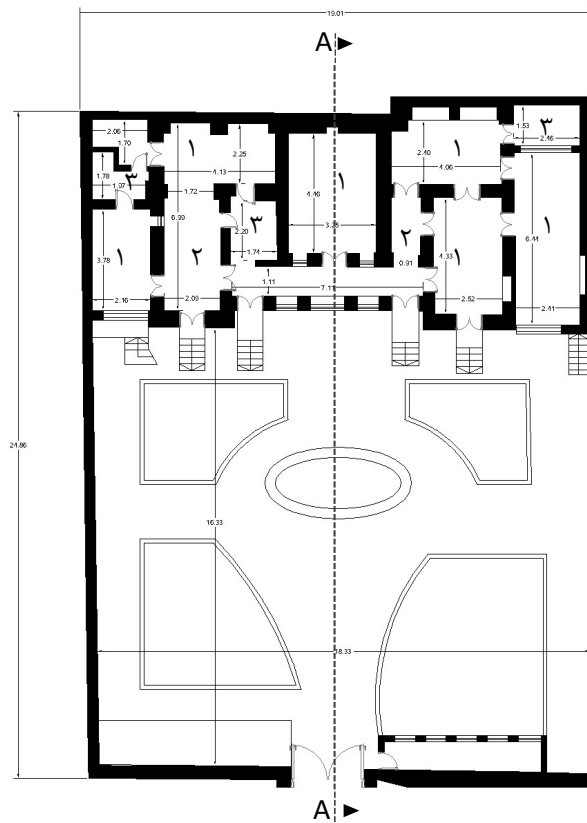
طول ۲۱ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۱۰ متر	۸۱۳ متر مربع	طبقه زیرزمین ۲۳۰ متر مربع	۵۸۳ متر مربع	۲۸٪		۱۶ متر مربع
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۲۳۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۸۱۳ مترمربع	مساحت توده: ۲۳۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۵۸۳ مترمربع
عرض‌های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشغال بنا ۲۸٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما



○ نقشه طبقه زیرزمین
Sc: ۱/۱۰۰



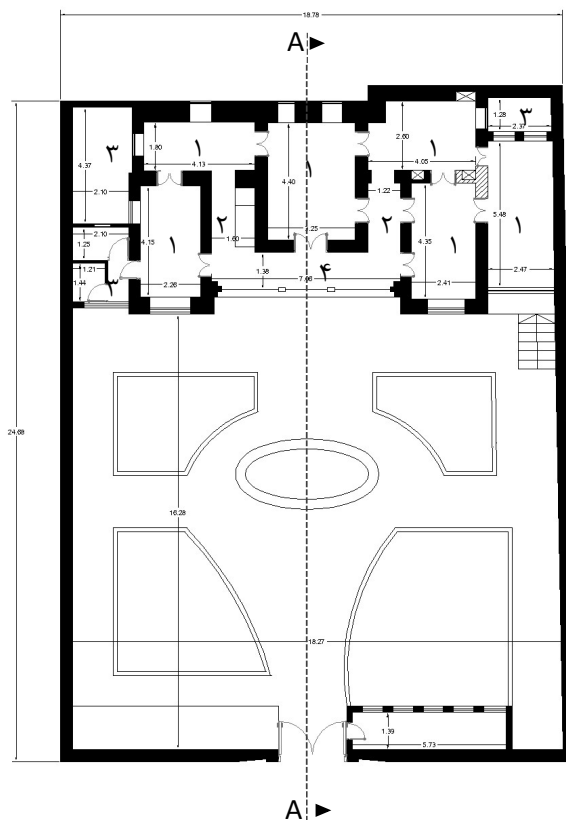
راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. خدماتی

○ نقشه طبقه همکف
Sc: ۱/۱۰۰



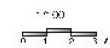
راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. خدماتی

۴. ایوان



○ نمای شمالی



مقطع A-A 1/100

تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: زمستان ۱۳۹۸)

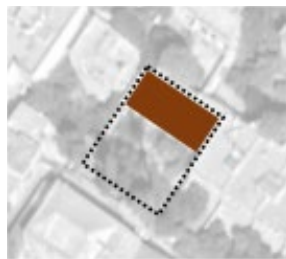
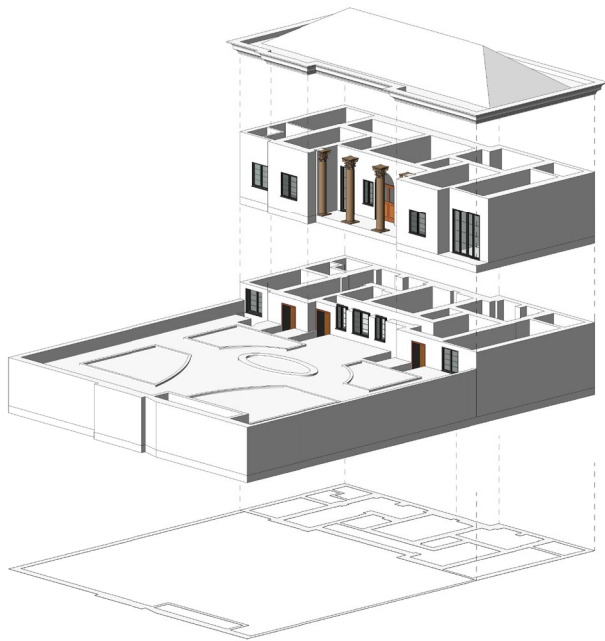
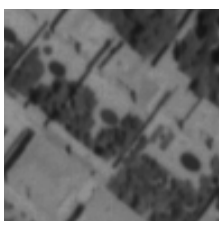


- نمای اصلی بنا



- تزیینات گچبری

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده گذاری	فضای سبز
N2c(84)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			
			

بنای شماره ۶: (61) M2c - خانه خردمند

کد بنا	P1b(15)	نشانی	خیابان انوری کوچه ۶			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	۹۰۱۲	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	شخصی	نام مالک	خردمند
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	در حال مرمت	نام معمار	ابوالقاسم مهندسی	نوع کاربری	-
توضیحات: این بنا اکنون در حال مرمت است.							
گونه شناسی	نوع گونه	یک طرف ساخت	مصلح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی-جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	یک طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	جنوبی از حیاط	جهت استقرار توده	شمال	



- موقعیت قرارگیری در خیابان انوری

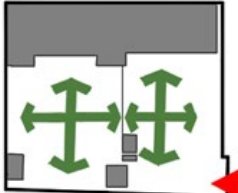
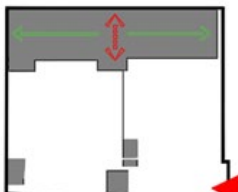
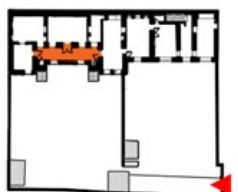


- تصویر هوایی

این بنا متعلق به دهه ۲۰ و از آثار معماری ابوالقاسم معمار مهندسی بوده است. کاربری این بنا از ابتدا مسکونی بوده و در دوره‌ای به دبستان و همچنین در دوره‌ای به عنوان آسایشگاه سربازان سازمان میراث فرهنگی تغییر کاربری پیدا کرده بود. این بنا شامل دو خانه می‌باشد. به عنوان خانه خردمند شرقی و خردمند غربی شناخته می‌شود. که ظاهراً جزئی از مجموعه باغ شاپوری بوده و به عنوان فضاهای خدمه کاربری داشته است. که از سمت باغ شاپوری نیز یک ورودی دارد. خانه خردمند غربی دارای تزئینات بیشتر و ایوان ستوندار بوده و بنای شرقی ساده تر و با تزئینات کمتر بنا شده است. هر دو این بناها هم اکنون در حال مرمت هستند و مالکیت خصوصی دارند.

جدول مساحت بنا:

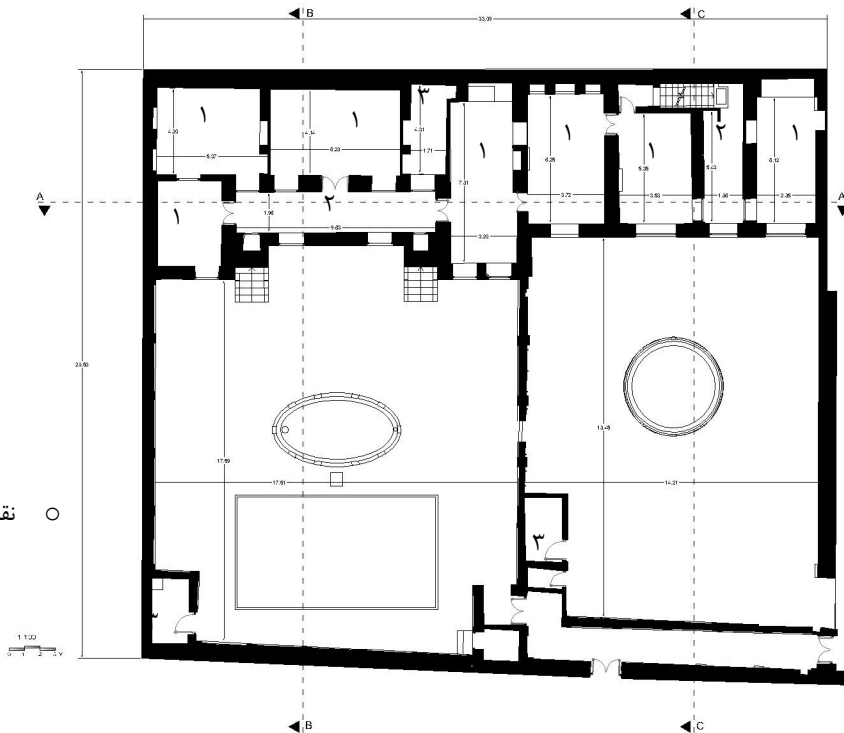
طول ۲۶ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۴۲ متر	۵۵۰ متر مربع	طبقه همکف ۱۶۰ متر مربع	۳۹۰ متر مربع	۲۹٪		۱۴۰۵ متر مربع
ارتفاع ۷ متر		طبقه اول ۱۶۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۵۵۰ مترمربع	مساحت توده: ۱۶۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۳۹۰ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشغال بنا ۲۹٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما



○ نقشه طبقه همکف
Sc: ۱/۱۰۰



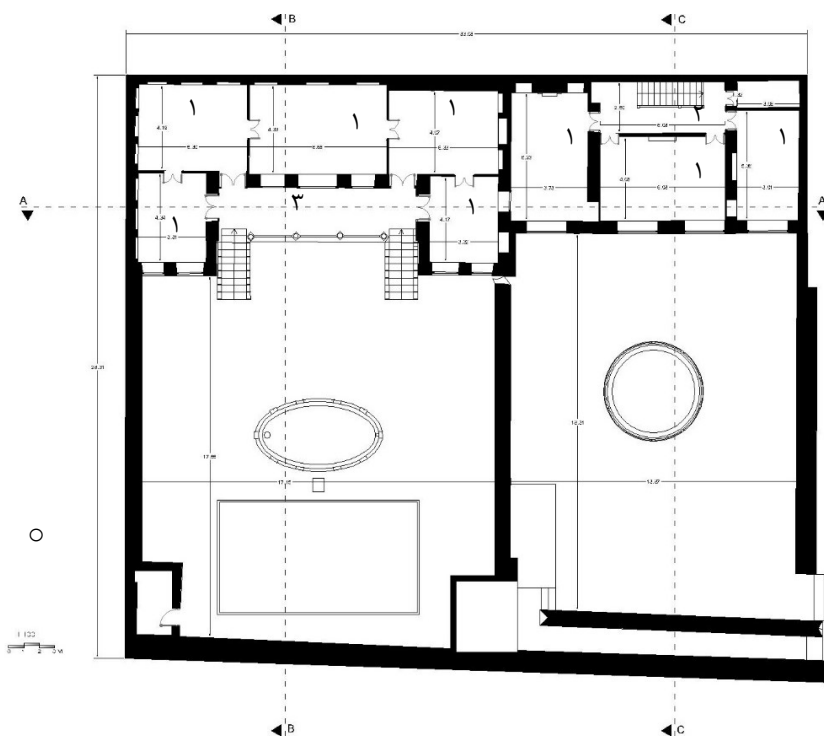
راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. خدماتی

○ نقشه طبقه اول
Sc: ۱/۱۰۰

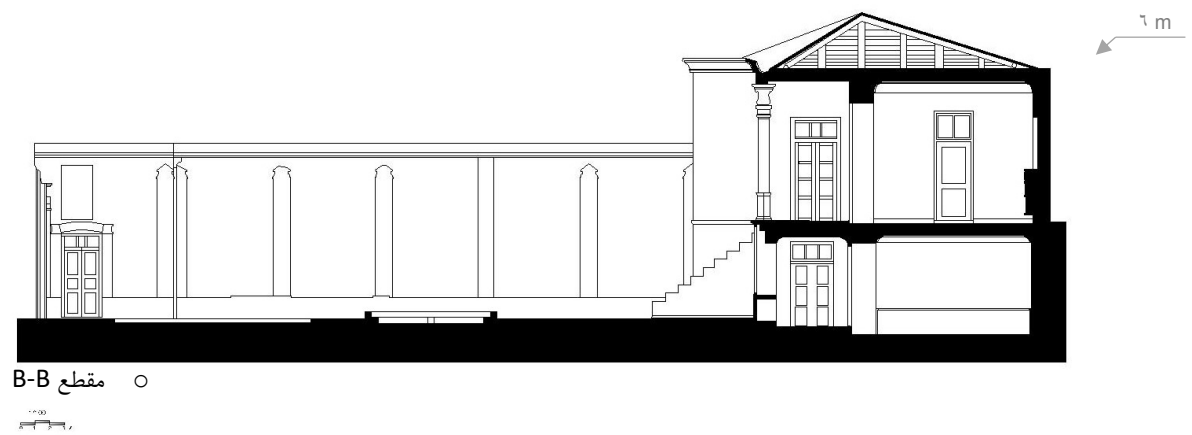


راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. ایوان



تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: پاییز ۱۳۹۷)



- نمای کلی از بنا در سال ۱۳۸۰



- نمای کلی



- جبهه غربی

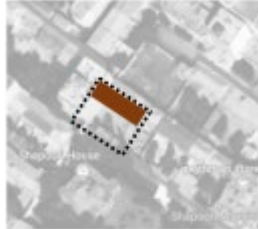
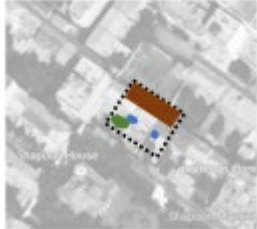


- تزئینات بنا



- فضای داخلی خردمند شرقی

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی) ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی (■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده گذاری	فضای سبز
N2c(61)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف پراساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۷: (15) P1b - خانه شاپوری

کد بنا	M2c (75)	نشانی	خیابان انوری نبش کوچه ۶			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	۲۷۸۱	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	دولتی	نام مالک	اداره میراث فرهنگی
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	رستوران	نام معمار	ابوالقاسم مهندسی	نوع کاربری	خدماتی
توضیحات	این بنا مرمت شده و با کاربری رستوران فعالیت دارد.						
گونه شناسی	نوع گونه	کوشکی	مصالح نما	سنگ- آجر و کاشی	کشیدگی زمین	شرقی- غربی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	میان زمین	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	شرقی از حیاط	جهت استقرار توده	غرب	



- موقعیت قرارگیری در خیابان انوری

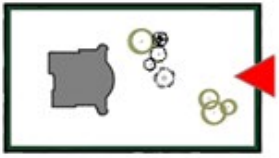
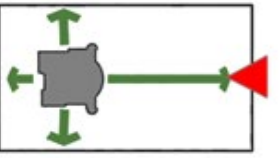
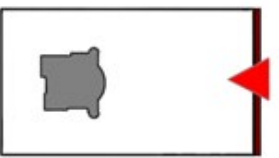
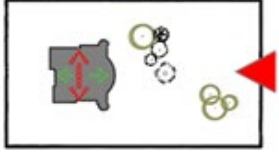
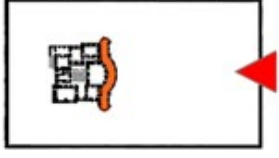


- تصویر هوایی

این بنا در سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۵ توسط استاد ابوالقاسم مهندسی بنا شده است و متعلق به عبدالصاحب شاپوری از تاجران بزرگ کازرون بوده است. تا دهه ۷۰ هجری شمسی این بنا مورد استفاده خانواده شاپوری بود و چند سال به صورت متروک رها شده بود که در نهایت در سال ۱۳۷۸ سازمان میراث فرهنگی استان فارس آن را خریداری و ثبت ملی ایران کرد. این بنا در دو طبقه با زیر بنای ۸۴۰ متر مربع به مساحت ۴۶۳۵ متر مربع به سبک معماری پهلوی اول و تیپولوژی کوشکی بنا شده است و جزء اولین بناهایی است که اصول معماری سنتی شیرازی با نگاهی جدید و با رویکرد آوانگارد در بنا به کار برده شده است. این بنا نیز مانند سایر باغ‌های ایرانی دارای قرینگی نسبت به محور اصلی می‌باشد ولی نوع درختان و نحوه قرارگیری آن‌ها قرینه نیستند. وجود ایوان ستون‌دار بسیار شکیل در نمای اصلی بنا با تعداد ۱۴ ستون به همراه خورشیدی کاشی‌کاری شده در بالای ایوان و حوض بزرگ با طرح گل جلوی آن از شاخصه‌های اصلی عمارت شاپوری است. از دیگر ابداعات معمار، اختصاص دادن عملکرد خاص به هر اتاق است؛ برای این بنا در دهه ۸۰ توسط دفتر معماری فیروز فیروز طرح مرمت تهیه گردید و عملیات مرمت انجام شده و هم‌اکنون کاربری رستوران دارد.

جدول مساحت بنا:

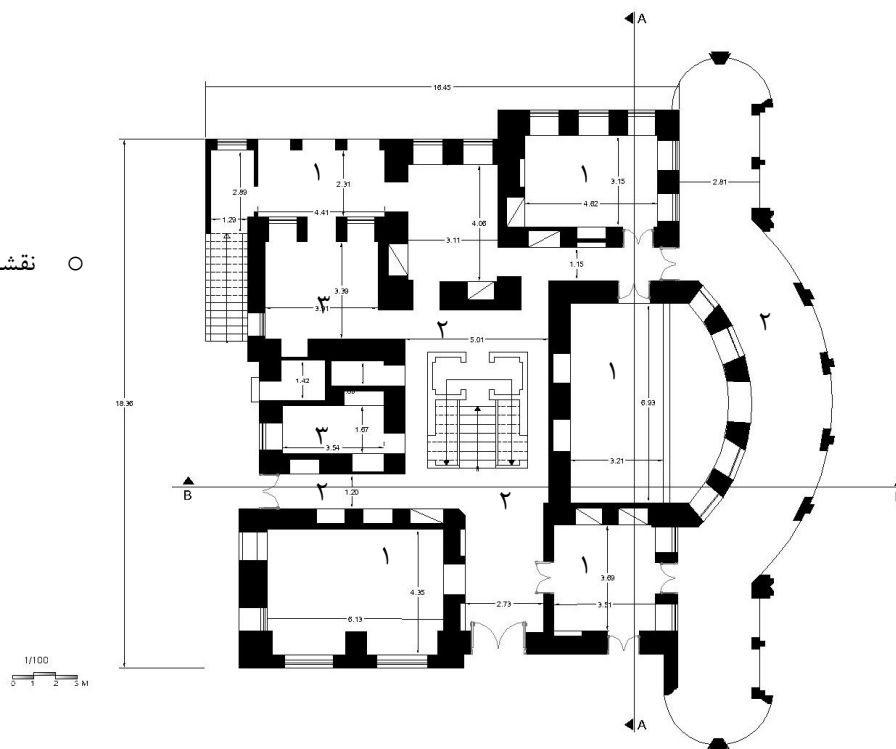
طول ۲۶ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۴۲ متر	۵۱۵۰ متر مربع	طبقه همکف ۳۸۰ متر مربع	۴۷۷۰ متر مربع	۷٪		۱۰۰ متر مربع
ارتفاع ۷ متر		طبقه اول ۳۸۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۵۱۵۰ مترمربع	مساحت توده: ۳۸۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۴۷۷۰ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشتغال بنا ۷٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما



○ نقشه طبقه همکف
Sc: ۱/۱۰۰



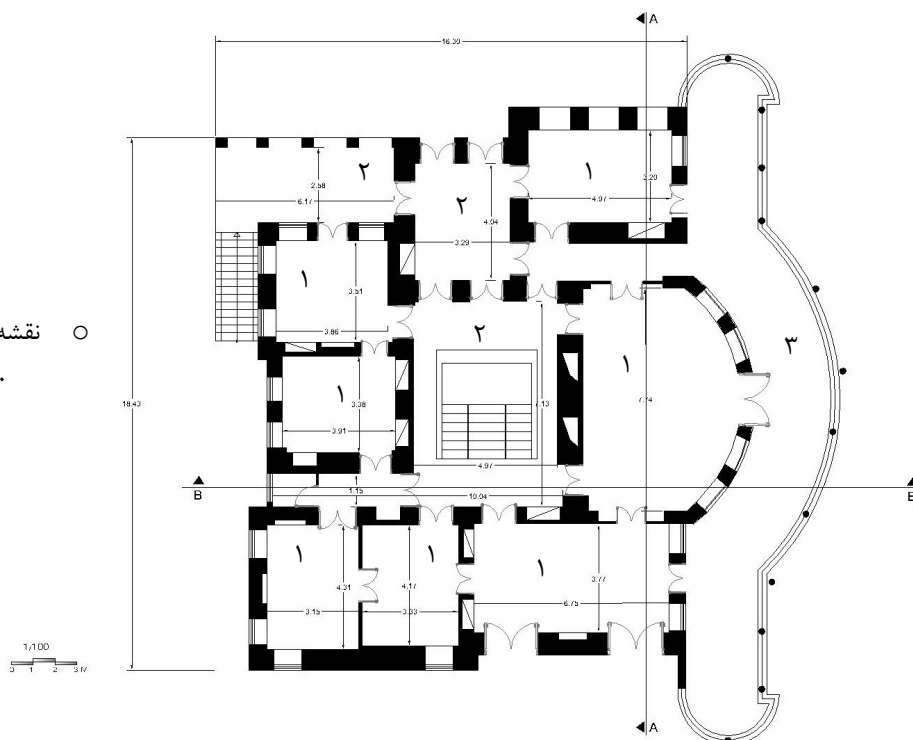
راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. خدماتی

○ نقشه طبقه اول
Sc: ۱/۱۰۰

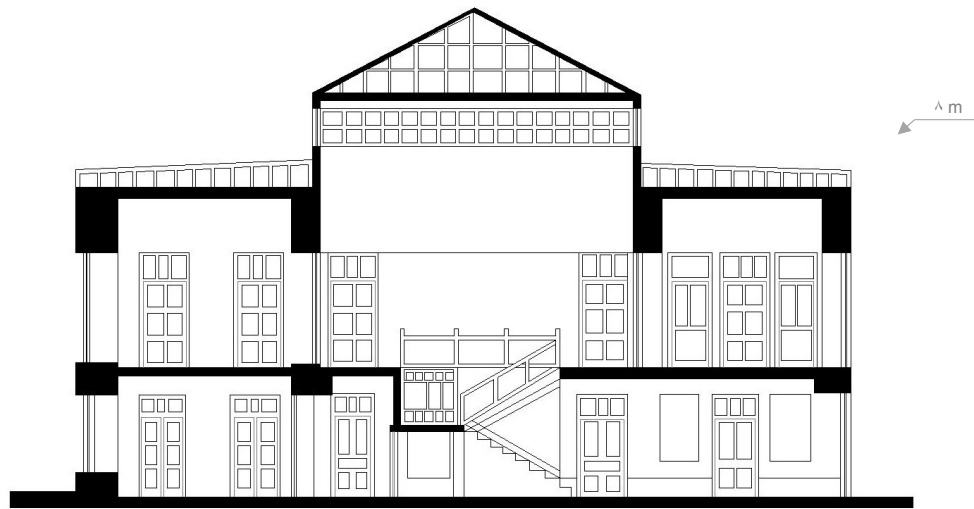


راهنما:

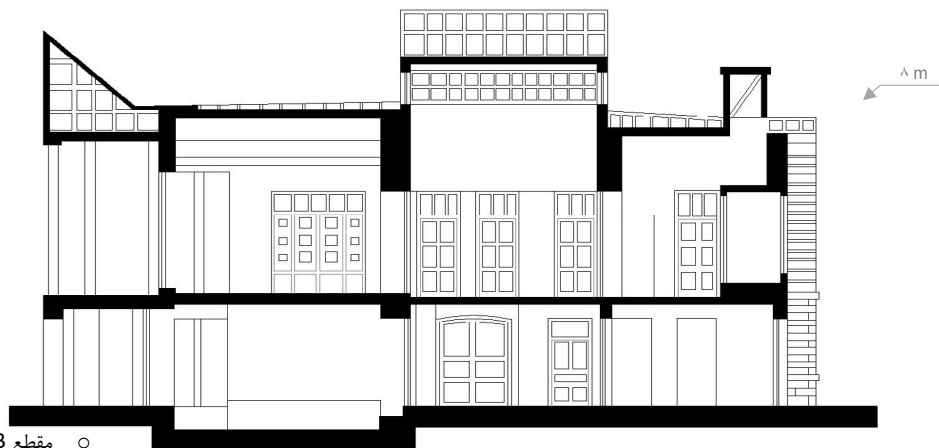
۱. اتاق

۲. راهرو

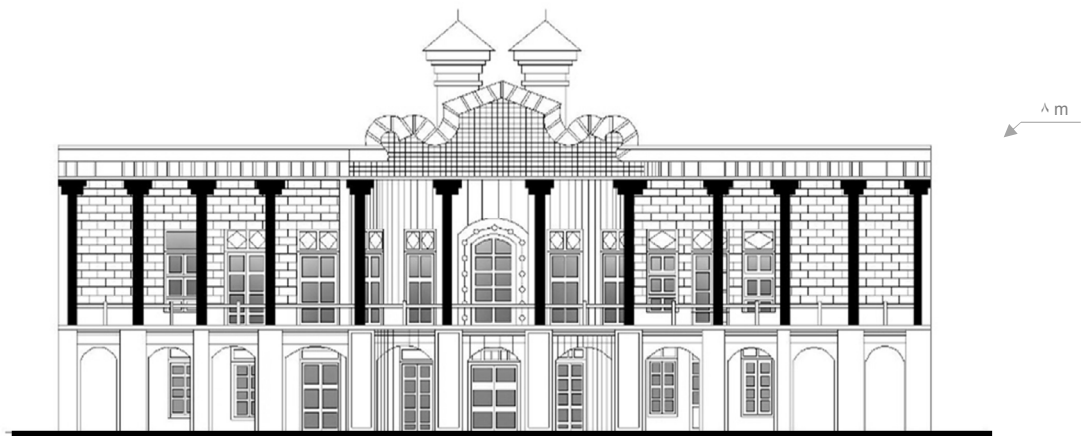
۳. ایوان



○ مقطع A-A
۱:۱۰۰



○ مقطع B-B
۱:۱۰۰



○ نمای شرقی
۱:۱۰۰

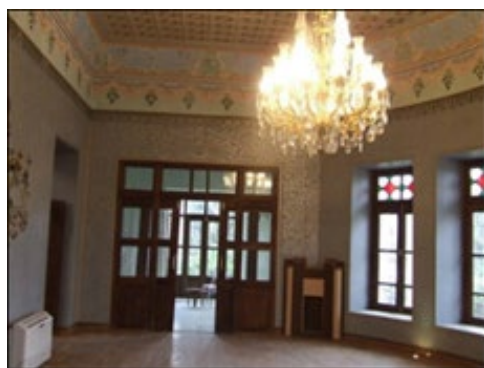
تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: پاییز ۱۳۹۷)



- تزیینات ایوان شرقی



- جبهه شرقی بنا



- تزیینات داخلی



- ایوان شرقی



- ورودی بنا



- راه‌پله داخلی فضا

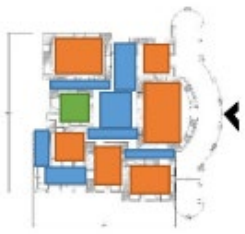
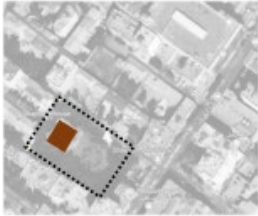
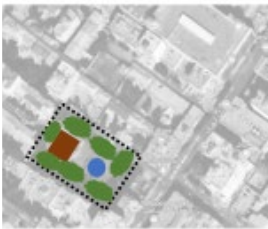
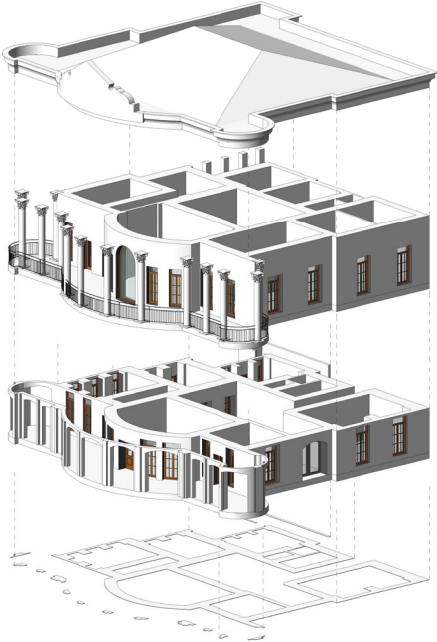
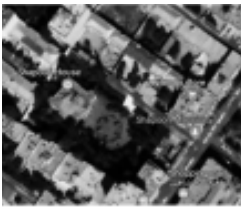


- تصویر قدیمی از بنا



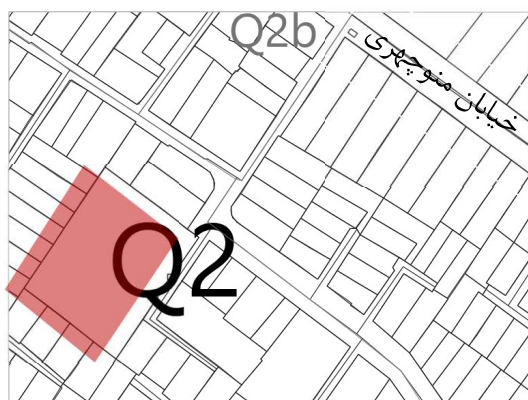
- تزیینات داخلی

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده گذاری	فضای سبز
N2c(75)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			
			

بنای شماره ۸: (43) Q2c - خانه جمشیدی

کد بنا	(43) Q2c	نشانی	خیابان منوچهری کوچه ۱۰			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	۶۰۶۰	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	شخصی	نام مالک	شرکت عمران فارس
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	در حال مرمت	نام معمار	ابوالقاسم مهندسی	نوع کاربری	-
توضیحات	این بنا هم اکنون در مالکیت شرکت عمران و مسکن سازان فارس و در حال مرمت است.						
گونه شناسی	نوع گونه	کوشکی	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی - جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	یک طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	جنوبی از حیاط	جهت استقرار توده	شمال	



- موقعیت قرار گیری در خیابان منوچهری

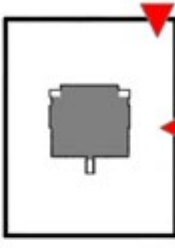
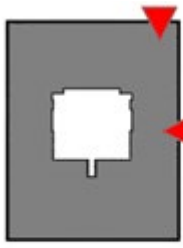
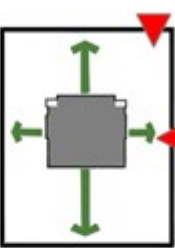
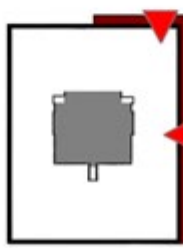
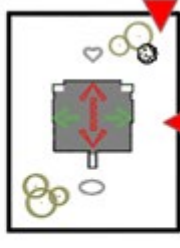
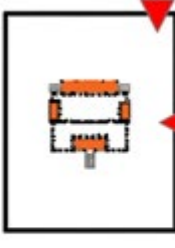


- تصویر هوایی

خانه جمشیدی از بناهای کوشکی شیراز متعلق به خانواده جمشیدی و از آثار معمار شیرازی ابوالقاسم مهندسی می‌باشد. سبک معماری، معمار مهندسی تقریباً دارای اصولی است که در تمامی بناهای ساخته شده توسط ایشان بارز است. ویژگی‌هایی که برآمده، از متن معماری سنتی شیراز و هماهنگ با شرایط و سلیقه دوره زمانی پهلوی اول است. وجود ایوان‌های ستون‌دار با تزئینات گچ‌کاری، ازاره سنگی، پله‌های شاخص در نما، خورشیدی و شیرسره‌های چوبی دور تا دور نما، فرم بازشوها، حوض‌های با فرم‌های متنوع، تزئینات آجرکاری و فضاهای داخلی با تناسبات وسیع و ارتباط فضایی بالا به دلیل وجود بازشوهای متعدد از ویژگی‌های این بنا همانند سایر آثار معمار مهندسی از جمله خانه شاپوری، امتیاز و ایران پیما می‌باشد. این بنا مدتی نیز به عنوان مدرسه (مدرسه شهید قمری) فعالیت داشته و بعدها پس از چند سال متروک ماندن توسط شرکت عمران و مسکن سازان فارس خریداری شده و هم‌اکنون در حال مرمت و تبدیل به مجموعه اقامتی می‌باشد.

جدول مساحت بنا:

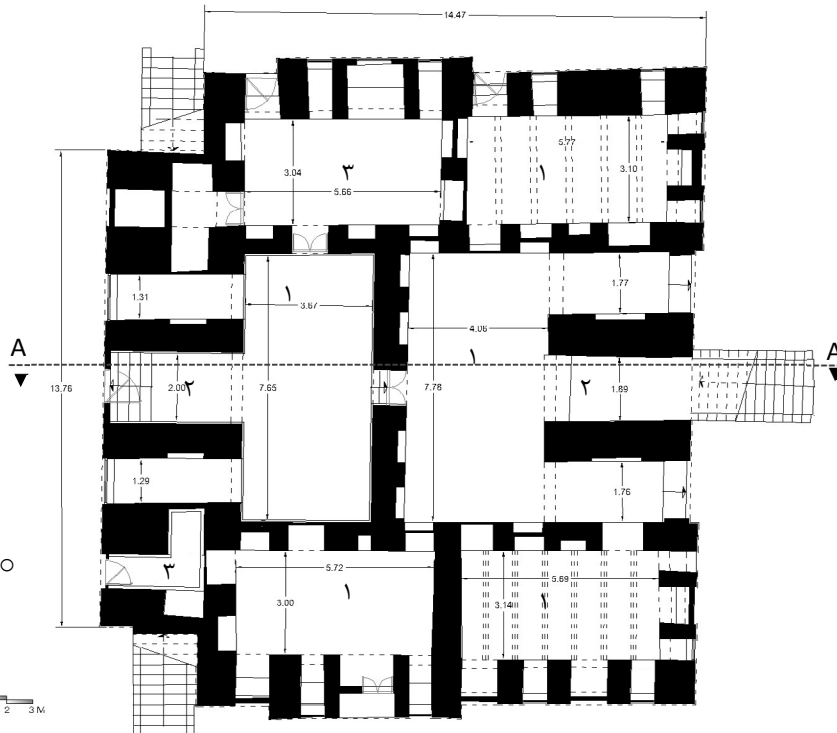
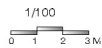
طول ۲۶ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۴۲ متر	۲۲۱۰ متر مربع	طبقه همکف ۳۱۰ متر مربع	۱۹۰۰ متر مربع	۱۴٪		۱۵ متر مربع
ارتفاع ۷ متر		طبقه اول ۳۱۰ متر مربع				۲۶,۷ متر مربع

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۲۲۱۰ مترمربع	مساحت توده: ۳۱۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۱۹۰۰ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشغال بنا ۲۲٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما



○ نقشه طبقه همکف
Sc: 1/100



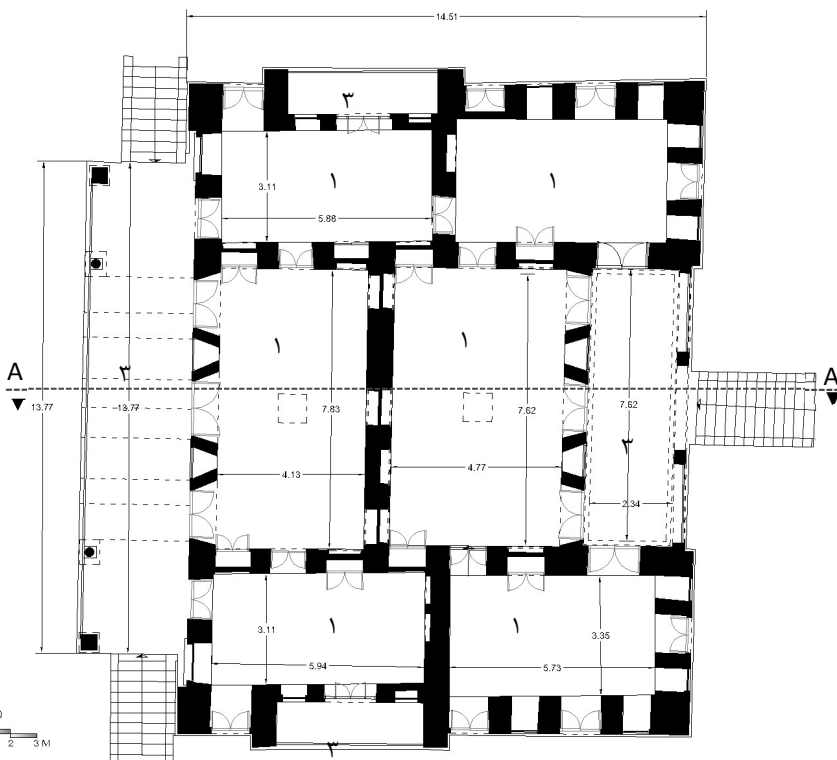
راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. خدماتی

○ نقشه طبقه اول
Sc: 1/100

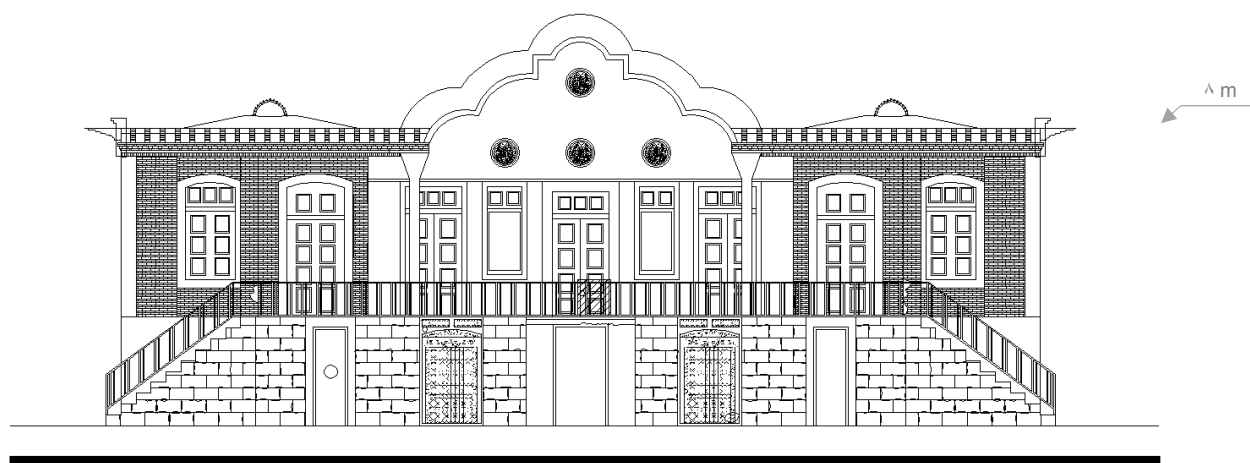


راهنما:

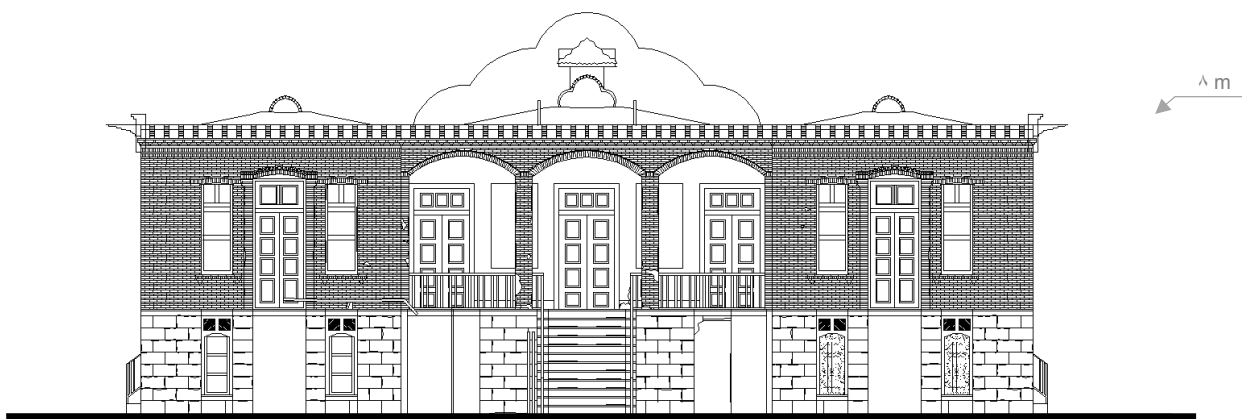
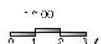
۱. اتاق

۲. راهرو

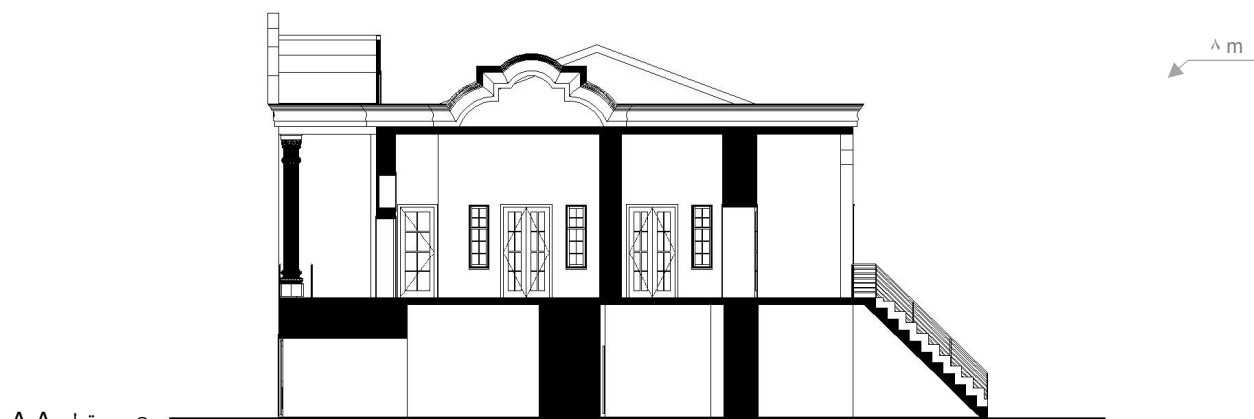
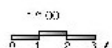
۳. ایوان



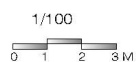
○ نمای شمالی



○ نمای جنوبی



○ مقطع A-A



تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: زمستان ۱۳۹۸)



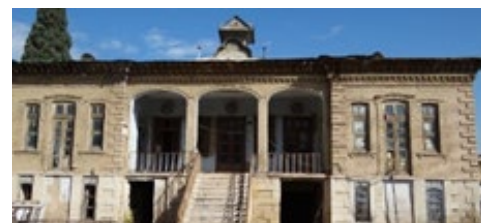
- تزیینات ایوان شمالی



- جبهه شرقی



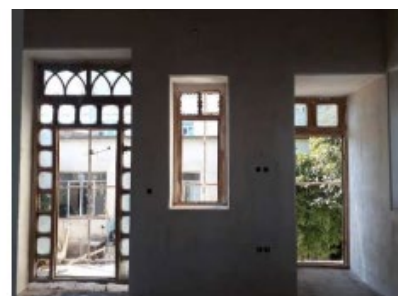
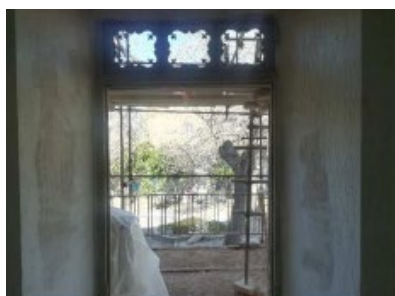
- ضلع شرقی



- ضلع جنوبی

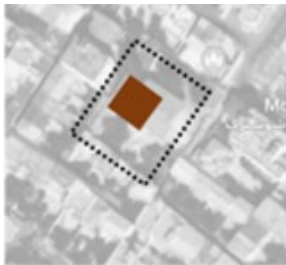
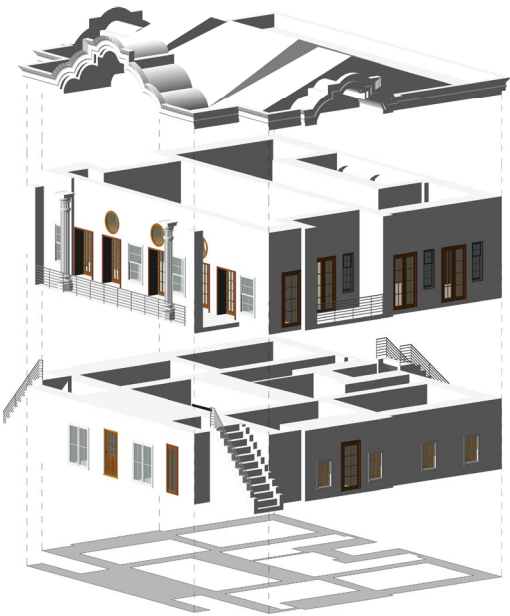
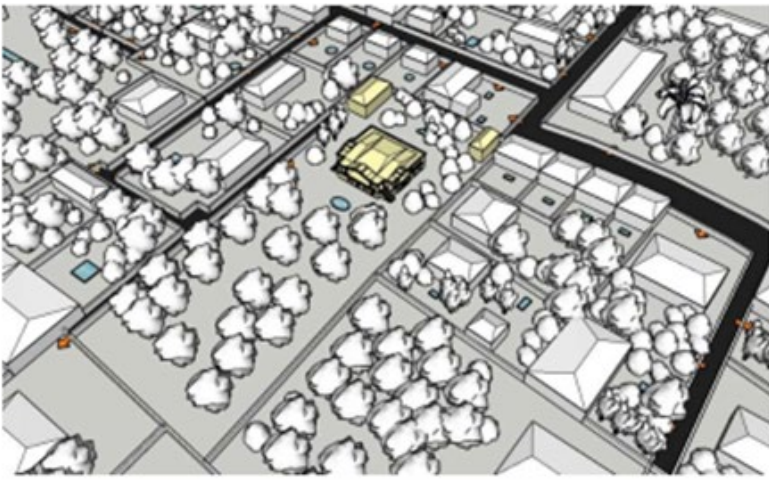
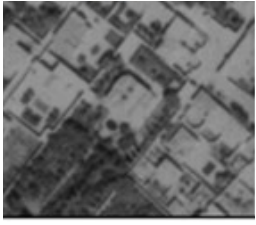


- جبهه شمالی و جنوبی، تزیینات پنجره



- فضاهای داخلی

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی)

کد بنا	تحلیل فضا	توده گذاری	فضای سبز
Q2c(43)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			
			

بنای شماره ۹: (96) M2a - موسسه آینده‌سازان

کد بنا	M2a (96)	نشانی	خیابان انوری کوچه لشکری			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	۶۰۳۷	دوره ساخت	دهه ۳۰	نوع مالکیت	دولتی	نام مالک	-
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	آموزشی	نام معمار	-	نوع کاربری	آموزشی
توضیحات	این بنا با مالکیت اداره آموزش و پرورش و در حال حاضر در اختیار موسسه آینده‌سازان است.						
گونه شناسی	نوع گونه	دو طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی - جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	دو طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	جنوبی از حیاط	جهت استقرار توده	شمال - جنوب	



- موقعیت قرارگیری در خیابان انوری



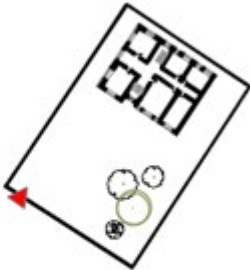
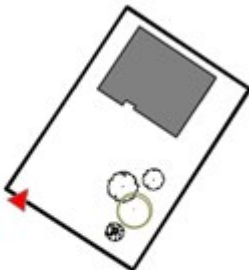
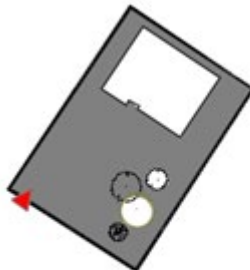
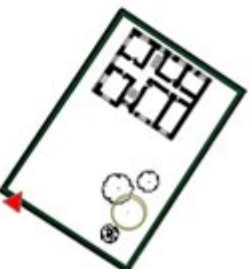
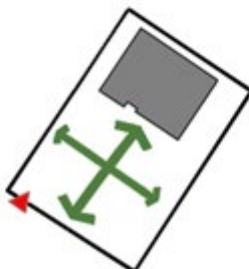
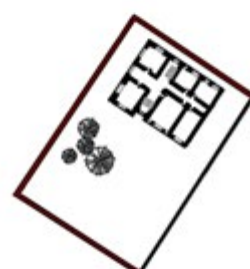
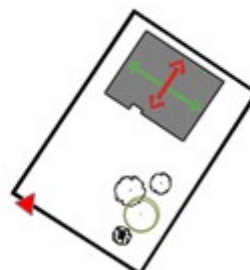
- تصویر هوایی

این بنا در دهه ۳۰ ساخته شده است و مالکیت آن دولتی بوده و در اختیار موسسه آینده‌سازان می‌باشد. کاربری پیشین این بنا مسکونی بوده و در دوره‌ای با کاربری آموزشی به عنوان موسسه آینده‌سازان فعالیت داشته است. موقعیت قرارگیری آن در خیابان انوری و کوچه لشکری است. بنا دو طبقه و با نمای ساده و مصالح آجری بنا شده است. فرم پنجره‌ها تخت بوده و در طول زمان فضای حیاط تغییراتی داشته که شامل حذف حوض و باغچه می‌باشد. در تیپولوژی بنا در راسته بندی بناهای یک طرف ساخت قرار می‌گیرد.

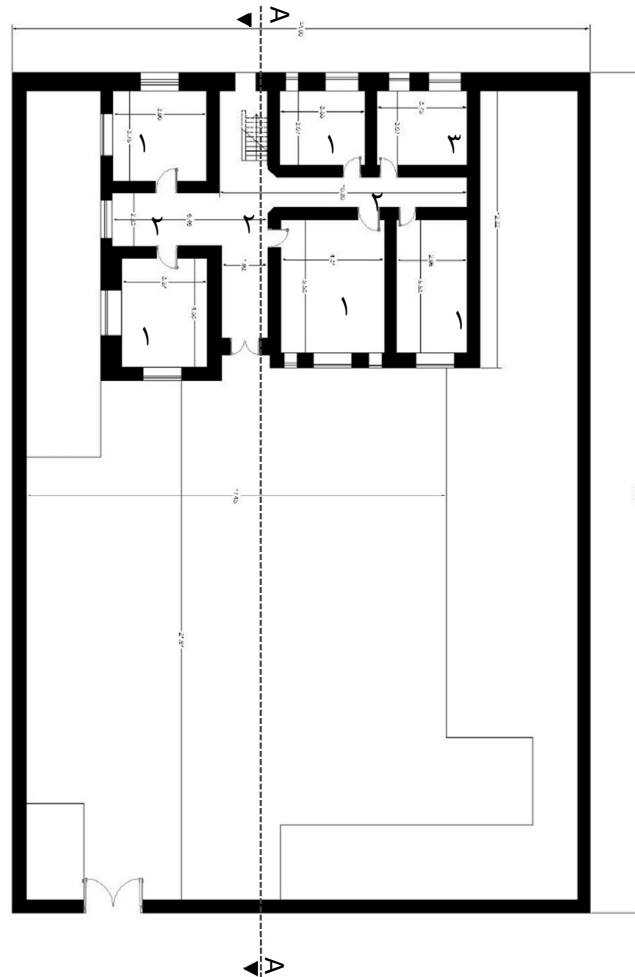
این بنا با وجود معماری و تزیینات شاخص دوره پهلوی اول، اما به دلیل عدم همکاری مالک اطلاعات کمی در برداشت بدست آمده است.

جدول مساحت بنا:

طول ۳۴ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۲۳ متر	۱۰۱۳ متر مربع	طبقه همکف ۲۹۰ متر مربع	۱۰۱۰ متر مربع	۲۲٪	فاقد ایوان	-
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۲۹۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۱۳۰۰ مترمربع	مساحت توده: ۲۹۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۱۰۱۰ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا		بدون ایوان	سطح اشغال بنا ۲۲٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده		مساحت فضای نیمه باز

نقشه و نما



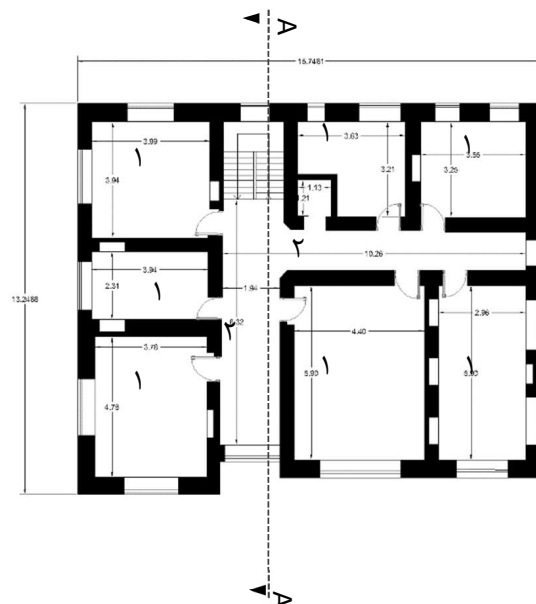
○ نقشه طبقه همکف
Sc: ۱/۱۰۰

راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. خدماتی

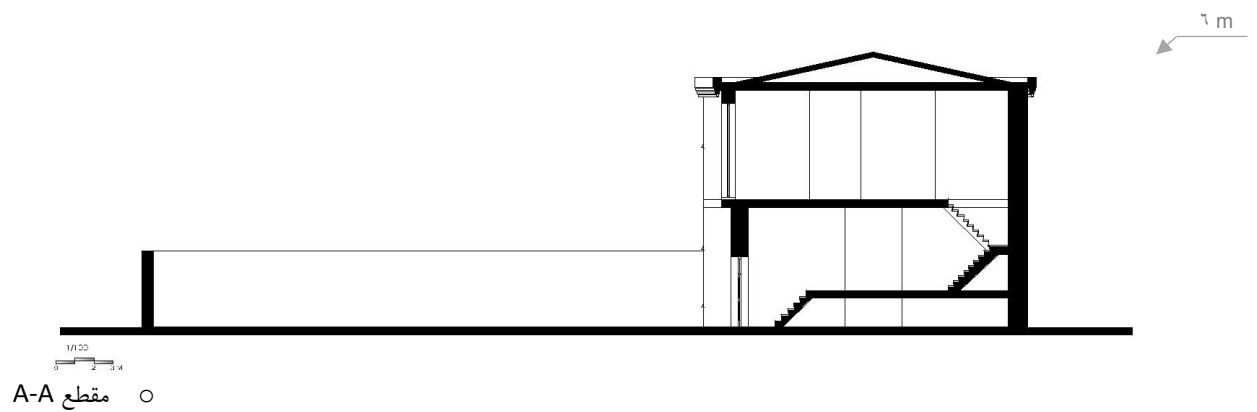
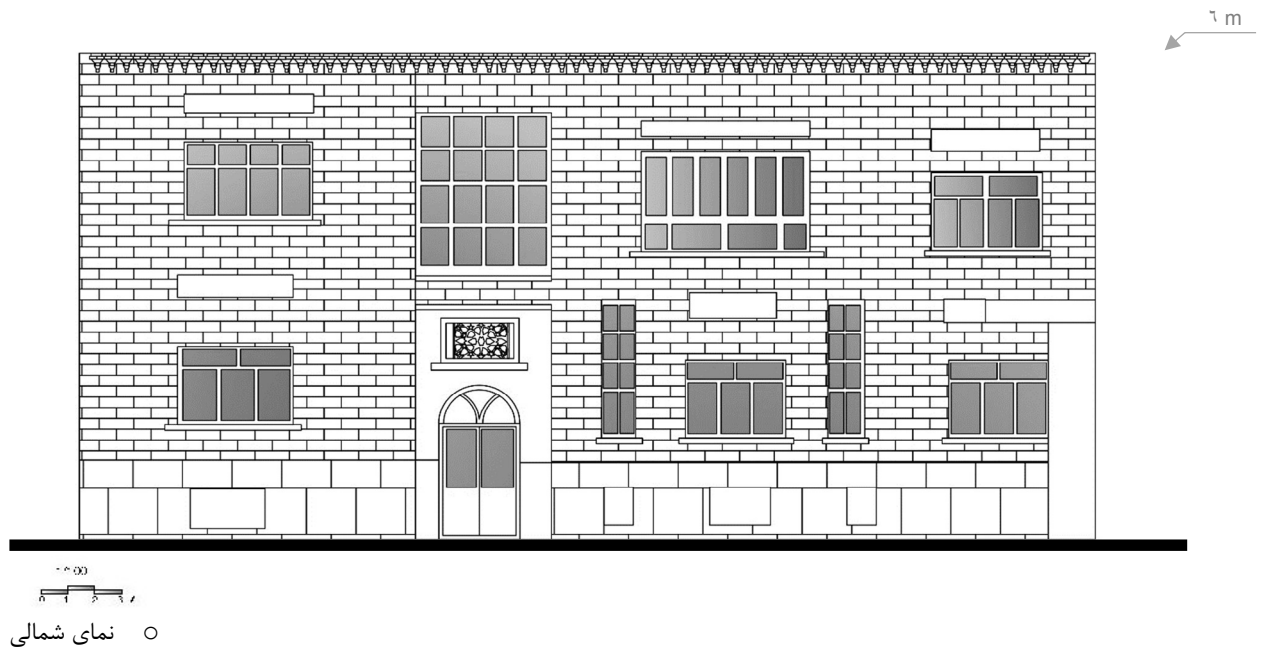


○ نقشه طبقه اول
Sc: ۱/۱۰۰

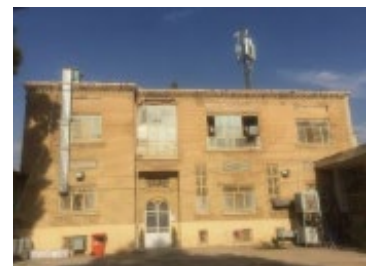
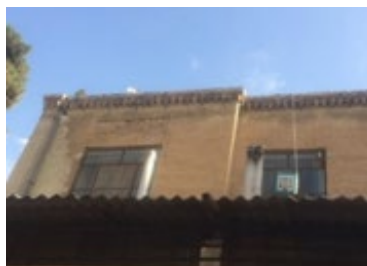
راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

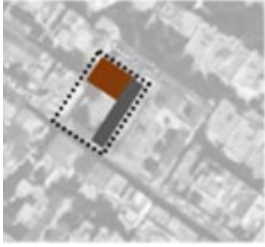
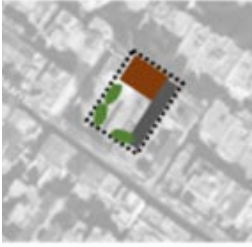
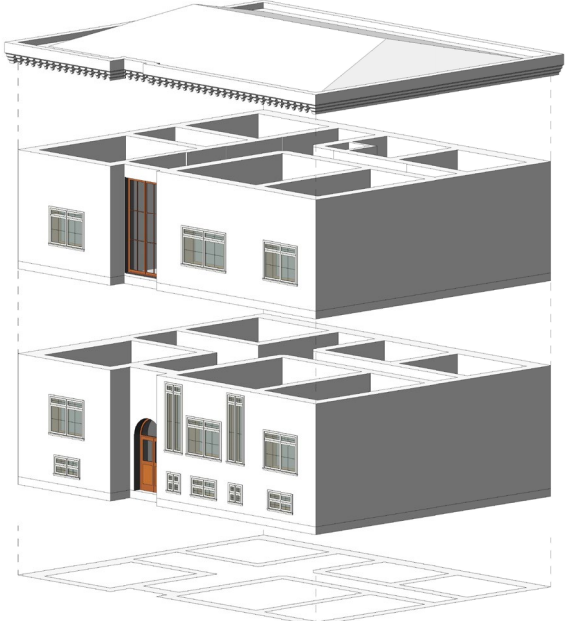


تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: پاییز ۱۳۹۷)



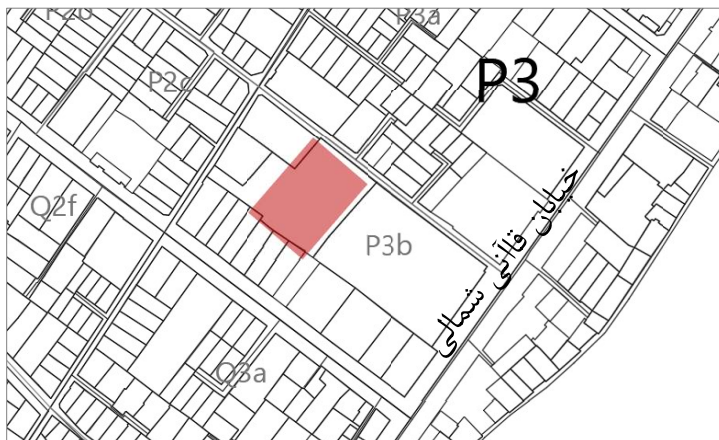
- جداره بنا و تصویر قدیمی

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
M2a(96)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۱۰: (15) P3b - خانه عفاف

کد بنا	P3b (15)	نشانی	خیابان قآنی شمالی، کوچه ۱۰، پشت خانه امتیاز			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	۶۰۵۷	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	شخصی	نام مالک	-
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	این بنا در دوره ای به عنوان مهدکودک فعالیت داشته و در حال حاضر کاربری مسکونی دارد.						
گونه شناسی	نوع گونه	یک طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی - جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	یک طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	شمالی	جهت استقرار توده	شمال	



- موقعیت قرارگیری بنا

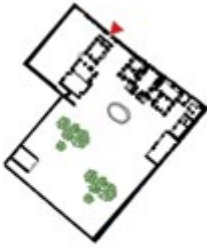
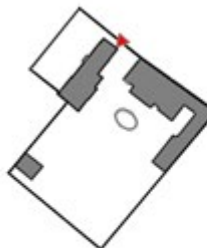
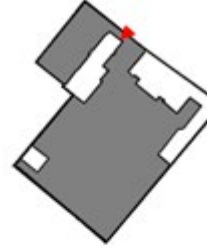
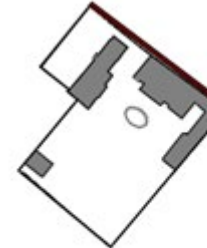
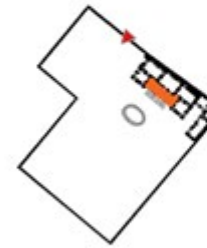


- تصویر هوایی

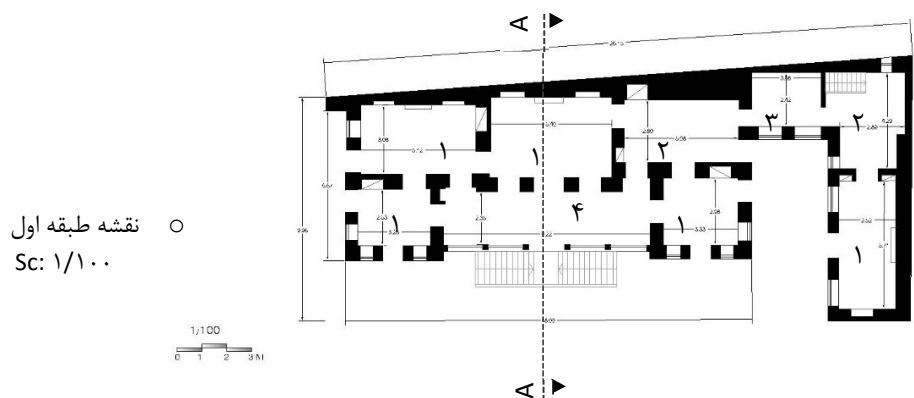
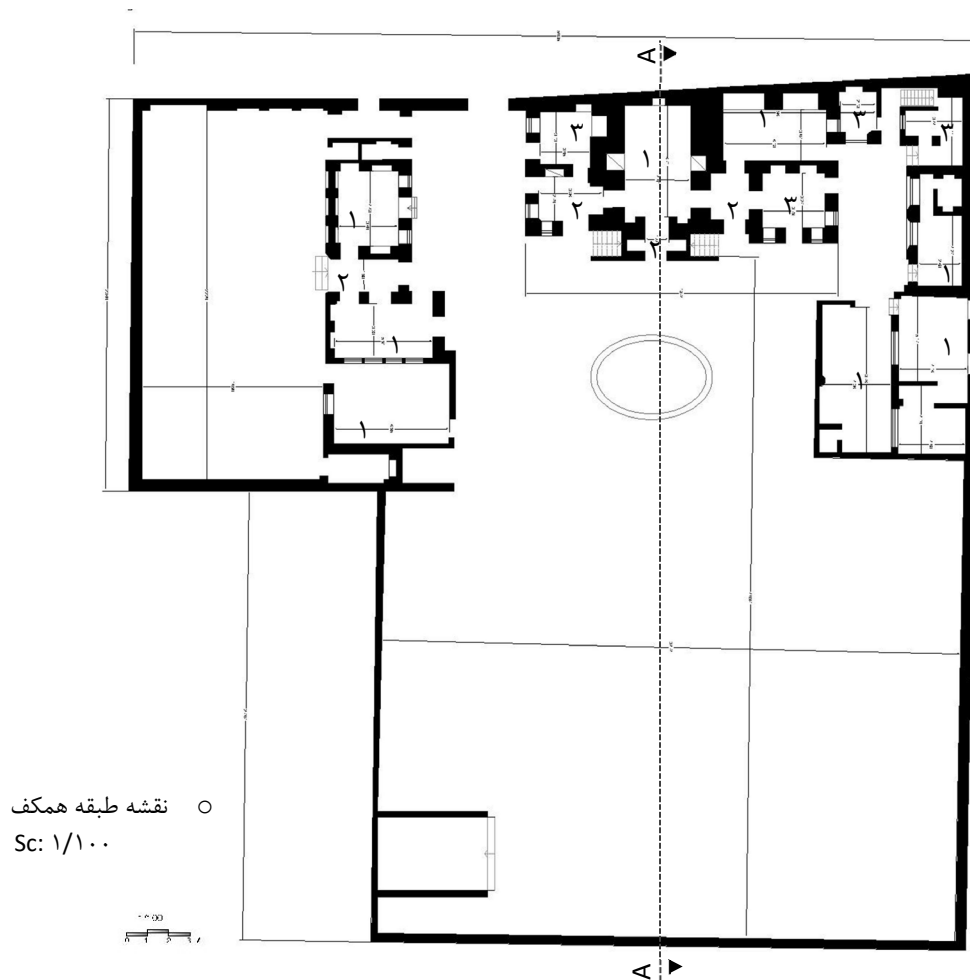
این بنا در دهه ۲۰ ساخته شده و دارای تزیینات ساده و ویژه دوره پهلوی می باشد. مالکیت این بنا خصوصی است. این بنا در دوره‌ای با کاربری آموزشی به عنوان مهدکودک فعالیت داشته و در دوره‌ای نیز به عنوان کانون عفاف شناخته شده است. ورودی این بنا از قسمت شمالی است. از تزیینات مورد استفاده در نماسازی بنا می توان به آجر کاری ساده، ازاره سنگی و شیرسره‌های چوبی اشاره کرد. حوض بیضی شکل و سنگی نیز در حیاط قرار دارد. در مجاورت بنای اصلی در دوره‌های مختلف الحاقاتی اضافه شده است.

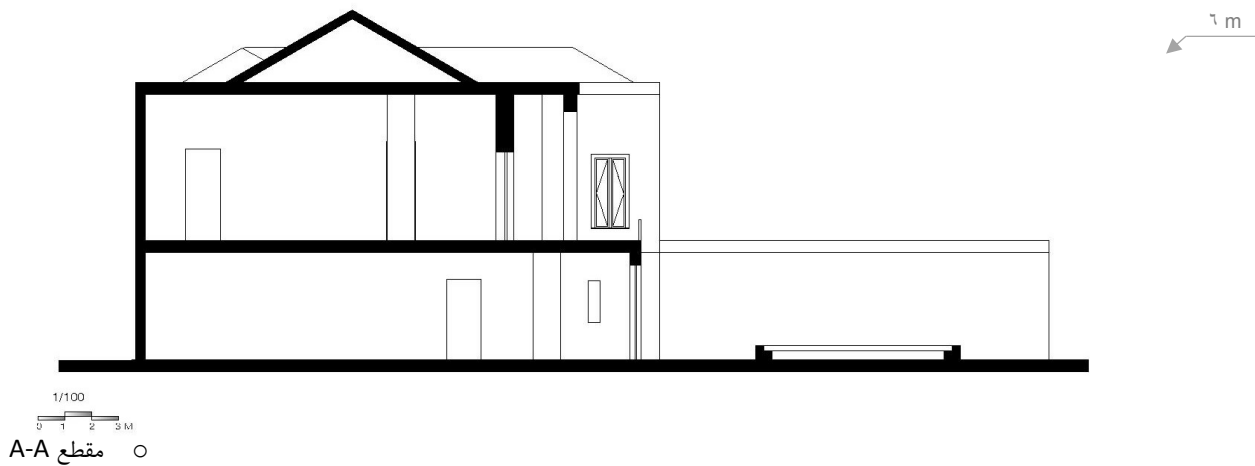
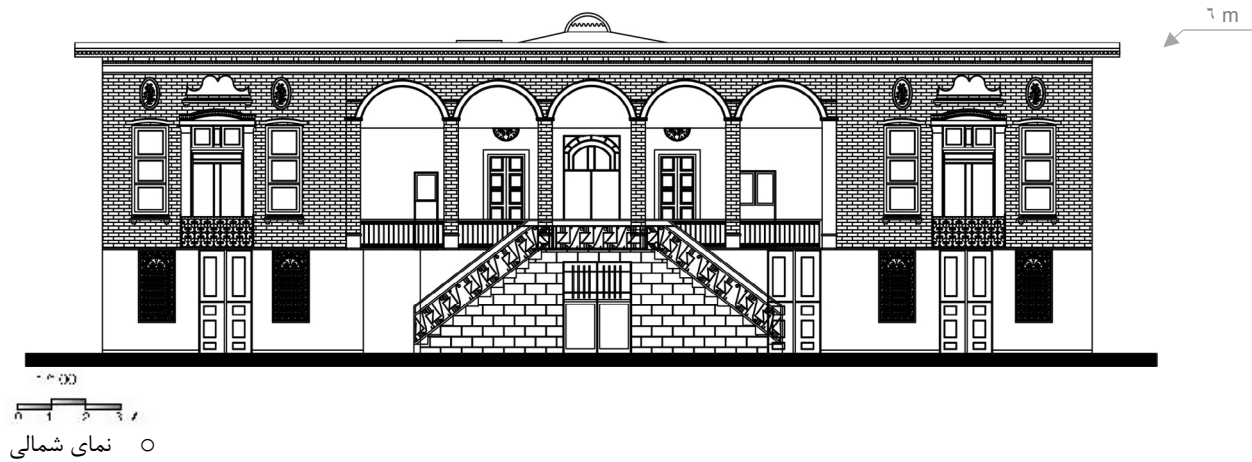
جدول مساحت بنا:

طول ۶۰ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۴۰ متر	۲۴۲۵ متر مربع	طبقه همکف ۳۸۰ متر مربع	۲۰۴۵ متر مربع	۱۵٪		۲۰ متر مربع
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۳۸۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۲۴۲۵ مترمربع	مساحت توده: ۳۸۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۲۰۴۵ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشتغال بنا ۱۵٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما





تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: زمستان ۱۳۹۸)



- جبهه شمالی بنا



- ساخت‌وساز جبهه غربی بنا

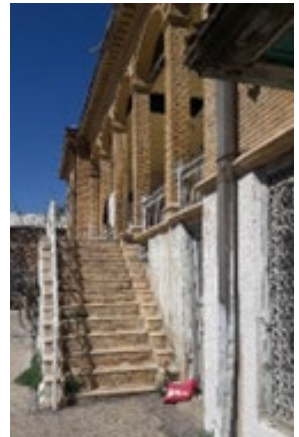
- نمای کلی حیاط



- تزیینات شیرسر



- تزیینات آجرچینی



- پله سنگی ایوان



- فضای داخلی بنا و تزیینات داخلی



- حوض سنگی



- تزیینات آجرکاری بنا



- ساخت و ساز جبهه غربی در حیاط

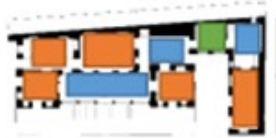
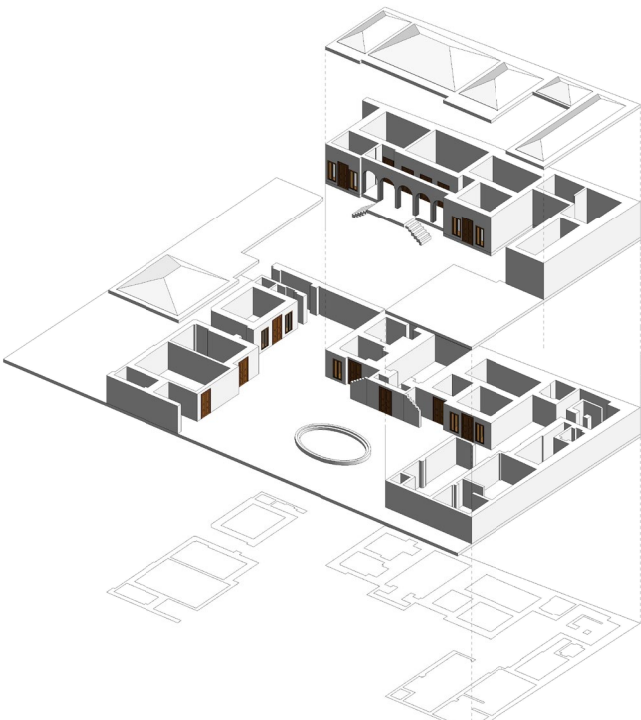


- تزیینات ایوان جبهه شمالی



- جبهه شمالی

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
P3b(15)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف پراساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۱۱: (3) P1b - خانه نورانی وصال

کد بنا	P1b (3)	نشانی	خیابان قآنی شمالی، خیابان حائری		منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	۸۹۸۹	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	-	نوع کاربری
توضیحات	این بنا در حال حاضر کاربری مسکونی با مالکیت شخصی دارد.					
گونه شناسی	نوع گونه	یک طرف ساخت	مصلح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی-جنوبی
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	یک طرفه
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	جنوبی از حیاط	جهت استقرار توده	شمال



- موقعیت قرارگیری در خیابان حائری



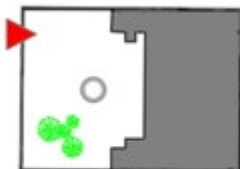
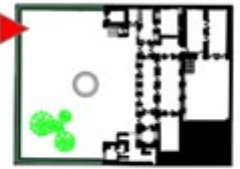
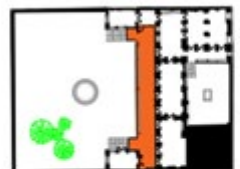
- تصویر هوایی

این بنا در خیابان قآنی کهنه و خیابان حائری واقع شده و از آثار اوایل دوره پهلوی به شمار می‌آید. خانه نورانی با نقشه مستطیل شکل و بنای دو طبقه، در یک جبهه حیاط ساخته شده است. در میانه حیاط بزرگ مجموعه، حوض سنگی مدوری قرار دارد و ساختمان در جبهه شمالی این حیاط ساخته شده و مشتمل بر ایوان ستون دار، اتاق‌های بزرگ و کوچک با تزئینات گچبری و قاب‌بندی است.

این بنا دارای معماری منحصربه‌فرد دوره پهلوی می‌باشد اما به دلیل عدم همکاری مالک، اطلاعات کمی برداشت شده است.

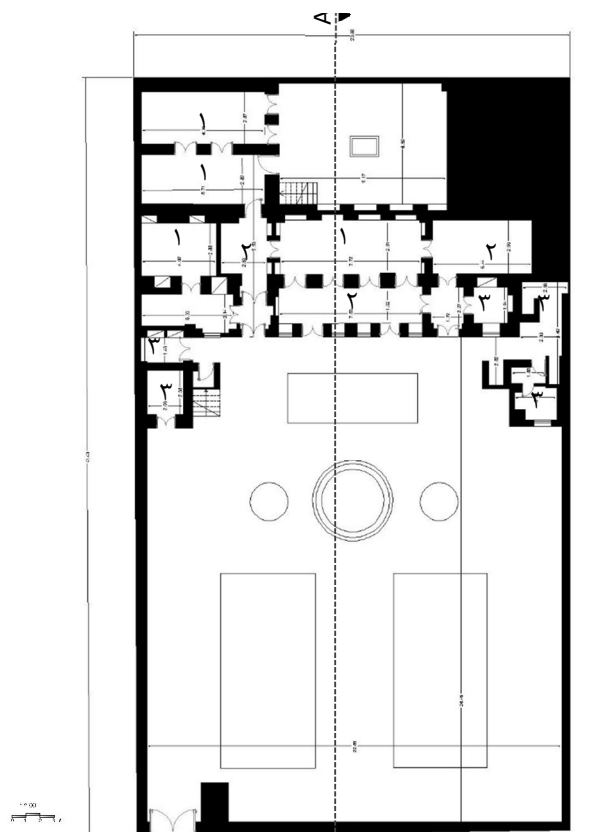
جدول مساحت بنا:

طول ۴۳ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۲۲ متر	۹۳۶ متر مربع	طبقه همکف ۲۵۰ متر مربع	۶۸۶ متر مربع	۲۶٪		۱۶ متر مربع
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۲۵۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۹۳۶ مترمربع	مساحت توده: ۲۵۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۶۸۶ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشتغال بنا ۲۶٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما

○ نقشه طبقه همکف
Sc: ۱/۱۰۰



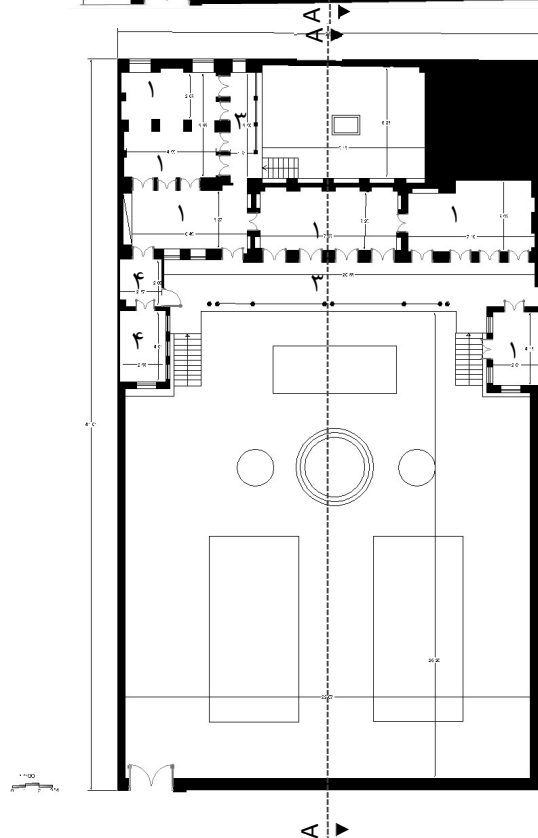
راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. خدماتی

○ نقشه طبقه اول
Sc: ۱/۱۰۰



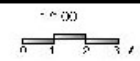
راهنما:

۱. اتاق

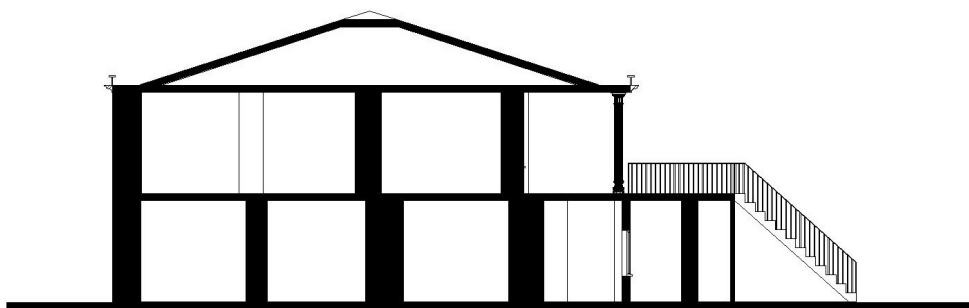
۲. راهرو

۳. ایوان

۴. خدماتی



○ نمای شمالی



○ مقطع A-A
1/100
0 1 2 3 M

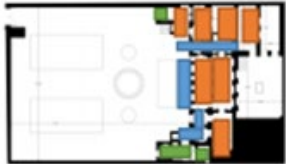
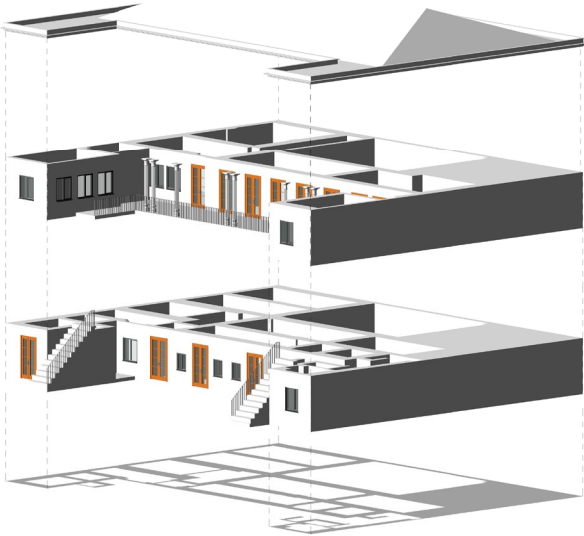
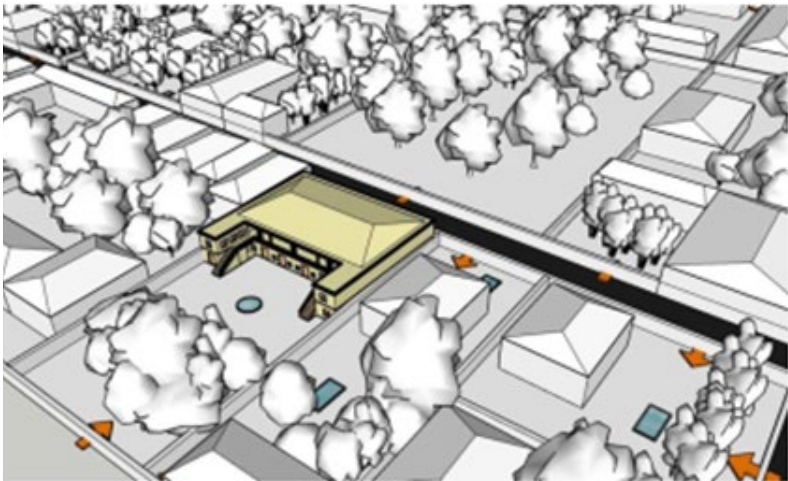


- نمای جداره بیرونی بنا



- تصاویر قدیمی از نمای اصلی بنا

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده گذاری	فضای سبز
P1b(3)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف پراساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۱۲: (41) N2a - خانه منشی باشی

کد بنا	(41) N2a	نشانی	خیابان قآنی شمالی. خیابان حائری پلاک ۴۷			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	۱۲۲۱	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	دولتی	نام مالک	-
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	اداری	نام معمار	-	نوع کاربری	اداری
توضیحات	بنا متعلق به اداره پست استان فارس و در حال مرمت است.						
گونه شناسی	نوع گونه	کوشکی	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شرقی - غربی	
	تعداد طبقات	سه	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	میان زمین	
	نوع سازه	بتنی	نوع ورود	شمال و جنوب	جهت استقرار توده	جنوب	



- موقعیت قرارگیری در خیابان فردوسی



- تصویر هوایی

این بنا از بناهای دوره اواخر قاجار و اوایل پهلوی محسوب می‌گردد. باغ منشی‌باشی در حدود ۳ هزار مترمربع است و به تدریج تفکیک و به صورت واحدهای مسکونی درآمده است.

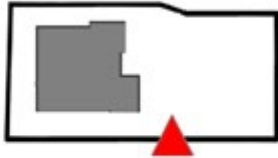
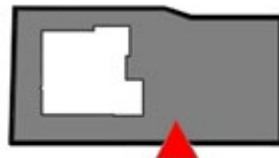
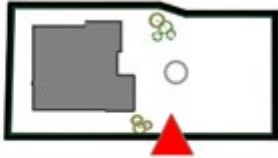
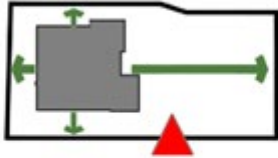
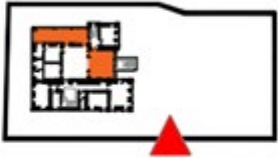
سمت شرقی باغ ساختمان جدیدی در سال‌های اخیر احداث گردید که مرکز فرستنده مخابراتی است. ساختمان قدیمی در گوشه جنوب غربی باغ قرار دارد و شامل یک بنای سه طبقه می‌باشد. این بنا از نظر طرح بسیار جالب و دارای سالن وسیع و اتاق‌های متعدد می‌باشد.

تزیینات هنری جالبی از نظر گچ‌بری، نقاشی رنگ و روغن بر روی چوب سقف و درهای چوبی دارای منبت کاری‌های بسیار ظریفی است. باغ مذکور توسط اداره کل پست استان فارس خریداری و نگهداری می‌شود.

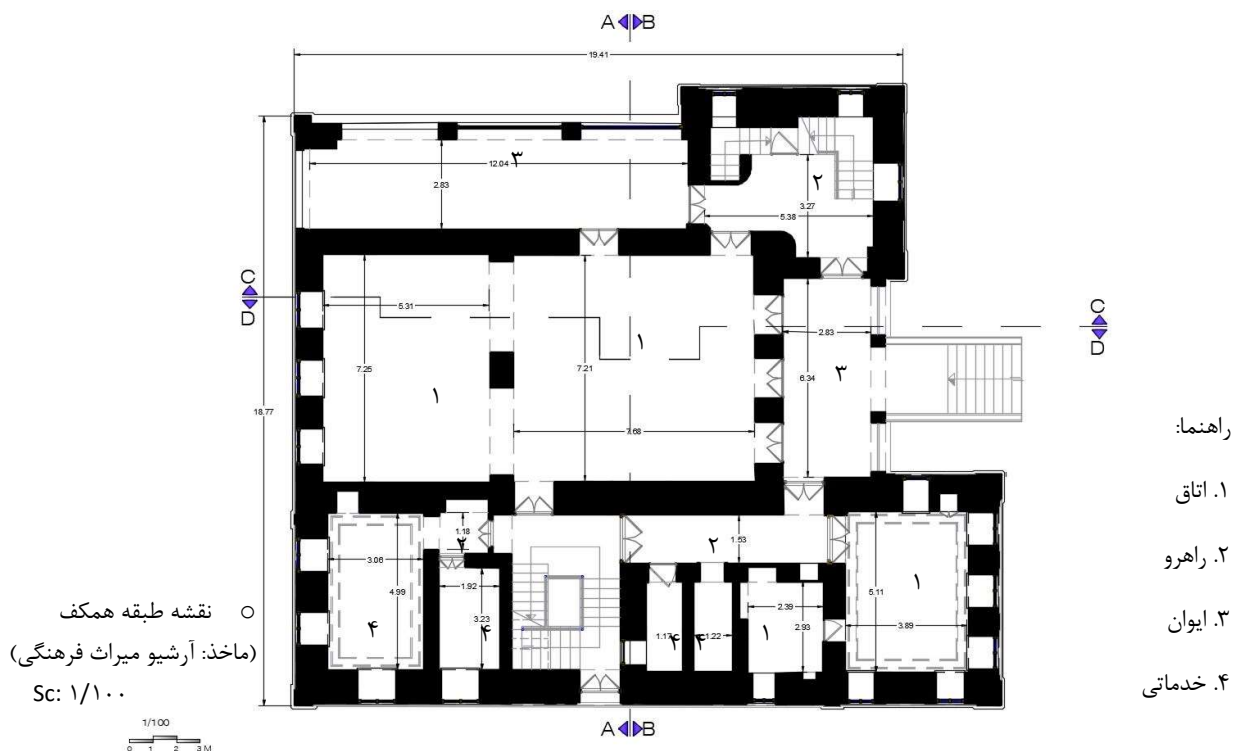
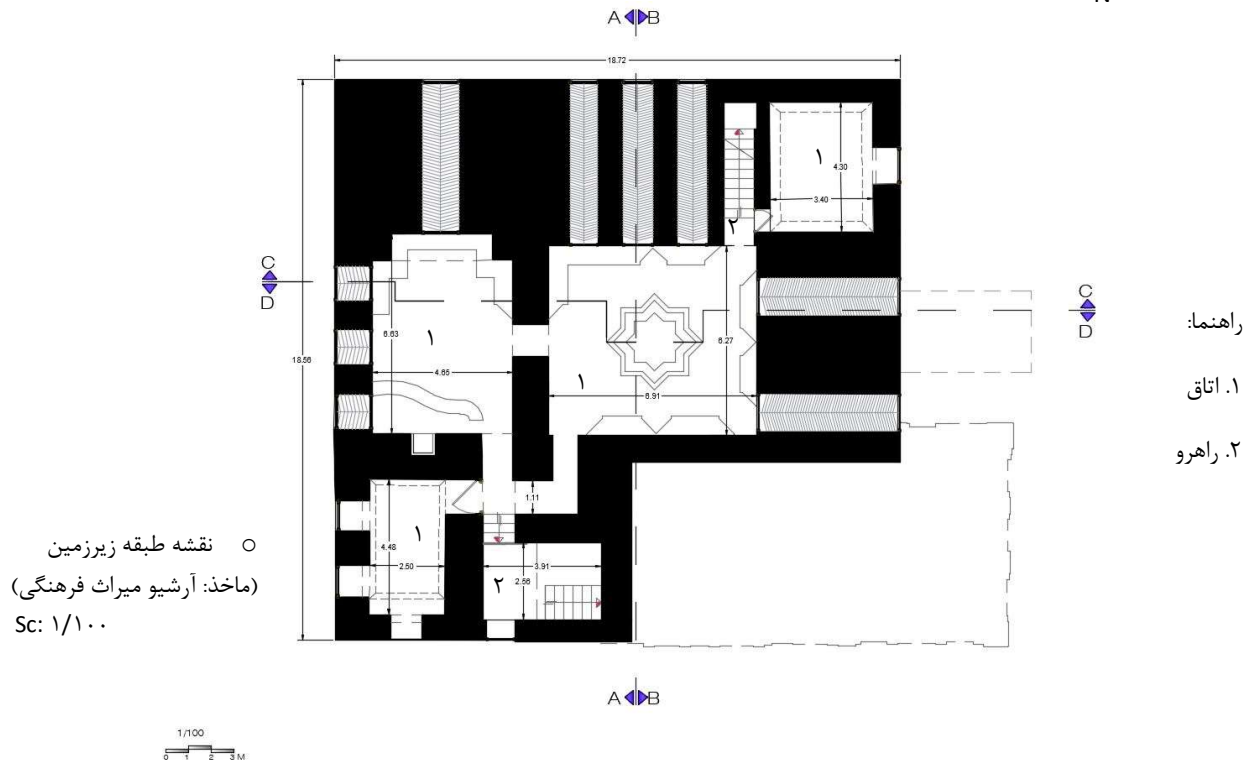
از رضا شاه در زمان مسافرت به فارس در این باغ پذیرایی شده است.

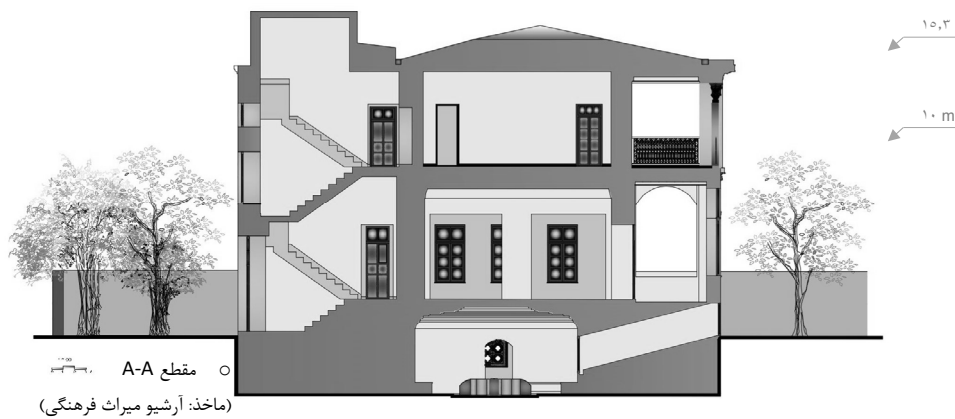
جدول مساحت بنا:

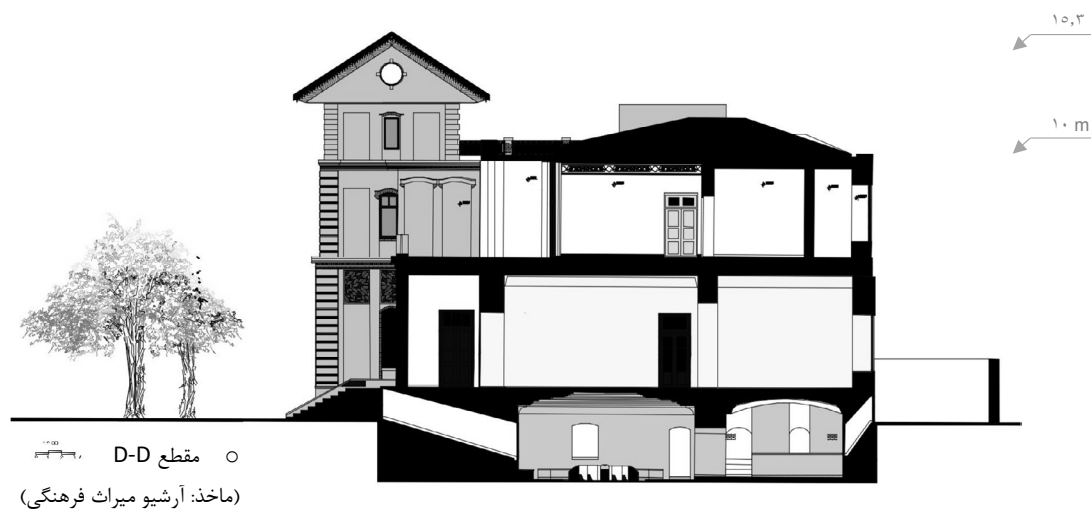
طول ۲۰ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۲۰ متر	۴۱۰۰ متر مربع	طبقه همکف ۲۸۰ متر مربع	۳۸۲۰ متر مربع	۶٪		۸ متر مربع
ارتفاع ۱۰ متر		طبقه اول ۲۸۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۴۱۰۰ مترمربع	مساحت توده: ۲۸۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۳۸۲۰ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشتغال بنا ۶٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما









○ نما شمالی (ماخذ: آرشیو میراث فرهنگی)



○ نما غربی (ماخذ: آرشیو میراث فرهنگی)



○ نما شرقی (ماخذ: آرشیو میراث فرهنگی)



تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: پاییز ۱۳۹۸)



- تزئینات آجر چینی



- جبهه شرقی بنا

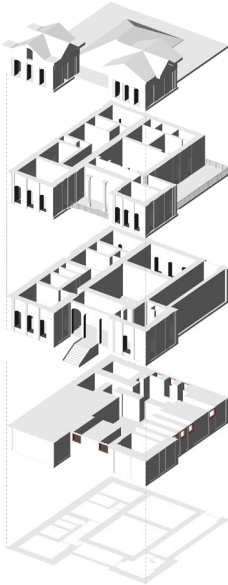
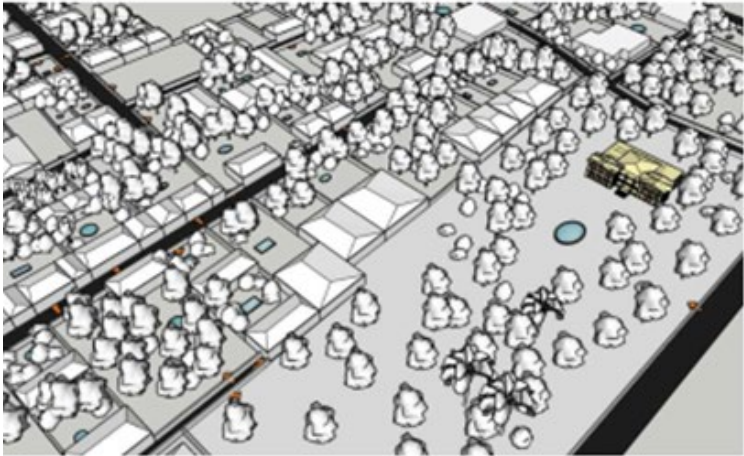


- جبهه شرقی



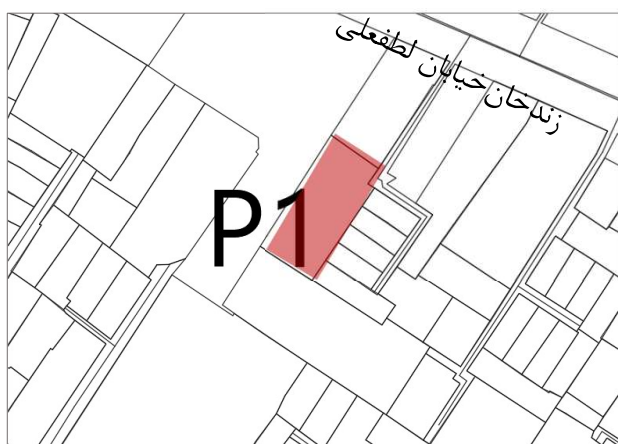
- فضای داخلی

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
N2a(41)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۱۳: P1a (149) - خانه خوشخو

کد بنا	P1a(149)	نشانی	خیابان لطفعلی خان زند کوچه ۷۵			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	-	دوره ساخت	دهه ۳۰	نوع مالکیت	شخصی	نام مالک	خوشخو
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	این بنا در حال حاضر کاربری مسکونی با مالکیت شخصی دارد.						
گونه شناسی	نوع گونه	دو طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی - جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	یک طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	شمالی	جهت استقرار توده	شمال	



- موقعیت قرارگیری در خیابان لطفعلی خان زند

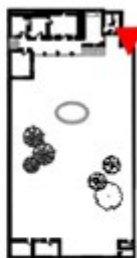
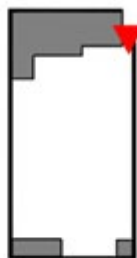
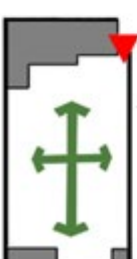
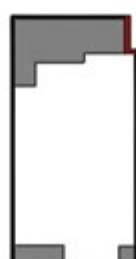
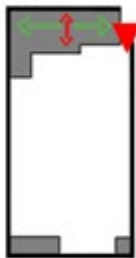
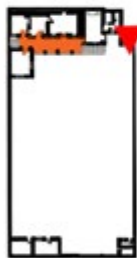


- تصویر هوایی

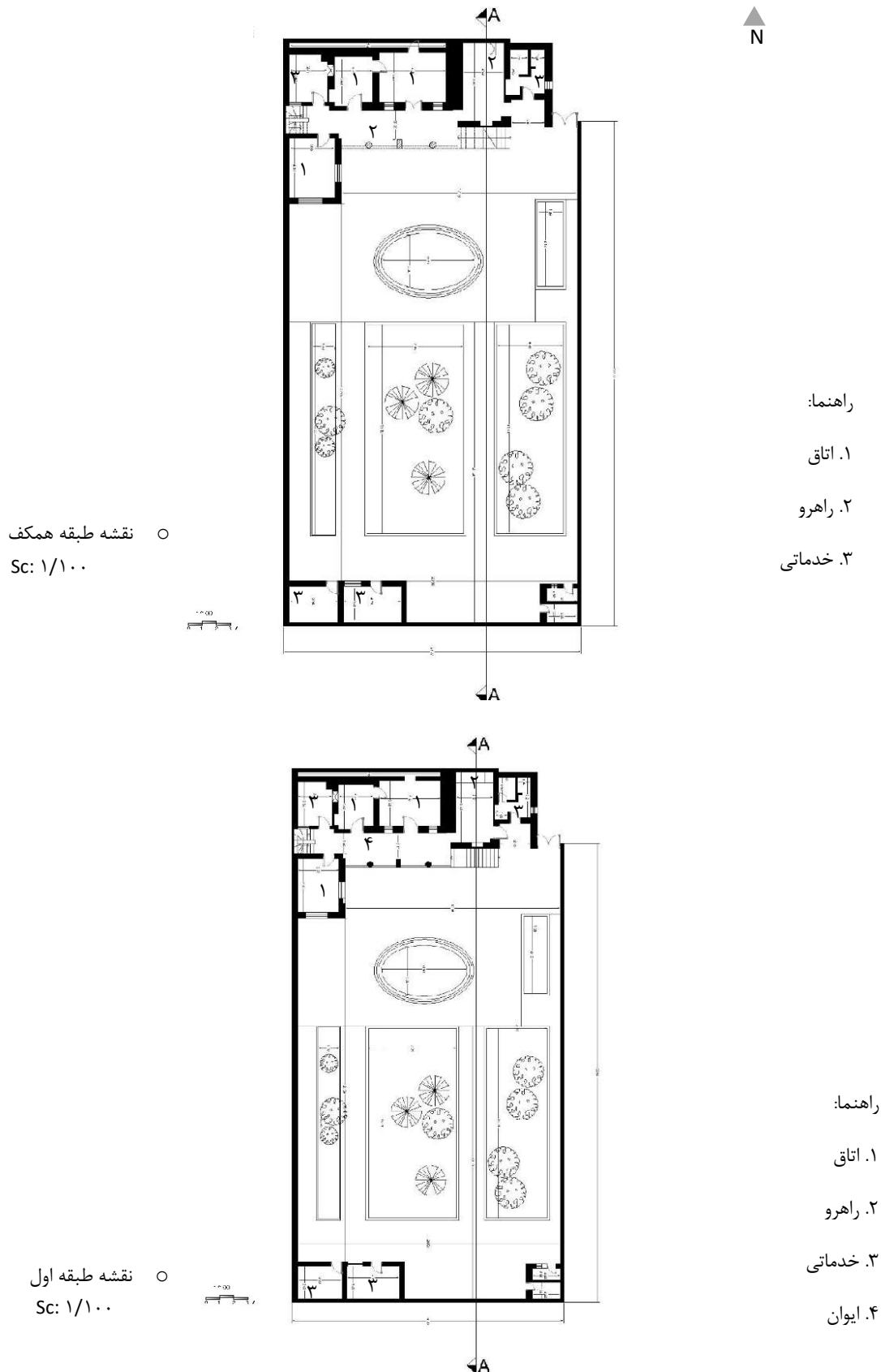
خانه خوشخو واقع در خیابان لطفعلی خان زند کوچه ۷۵، در محدوده‌ای که بافت اطراف آن حفظ شده و دارای ویژگی‌های معماری دوره پهلوی اول می‌باشد، ساخته شده است. این بنا در دو طبقه و به صورت یک طرف ساخت طراحی گردیده و وجود ایوان ستون‌دار در جبهه اصلی بنا و بعضاً تزئینات سقف فضای داخلی ویژگی هم‌پیوندی با زمینه را در این بنا تقویت می‌کند. علی‌رغم اینکه خانه به لحاظ وسعت کوچک مقیاس بوده نسبت به بناهای هم دوره خود، اما ویژگی‌های اصلی خانه شیرازی را دارا می‌باشد؛ از جمله تزئینات آجرکاری، بازشوهای چوبی، سقف دارای تزئینات، حوض و باغچه‌های پر درخت که ارتباط با طبیعت را تقویت می‌کند. این بنا در لیست آثار ملی ثبت نشده است و هم‌اکنون نیز کاربری مسکونی دارد.

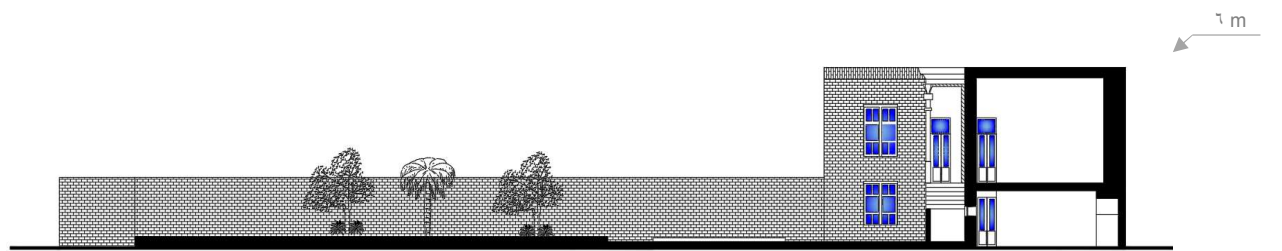
جدول مساحت بنا:

طول ۴۲ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۲۰ متر	۹۷۰ متر مربع	طبقه همکف ۲۱۰ متر مربع	۷۶۰ متر مربع	۲۱٪		۱۷ متر مربع
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۲۱۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۹۷۰ مترمربع	مساحت توده: ۲۱۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۷۶۰ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشتغال بنا ۲۱٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما





○ مقطع A-A
۱:۵۰



○ نمای شمالی
۱:۵۰

تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: زمستان ۱۳۹۸)

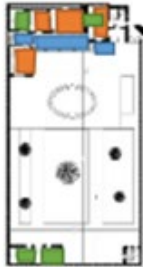
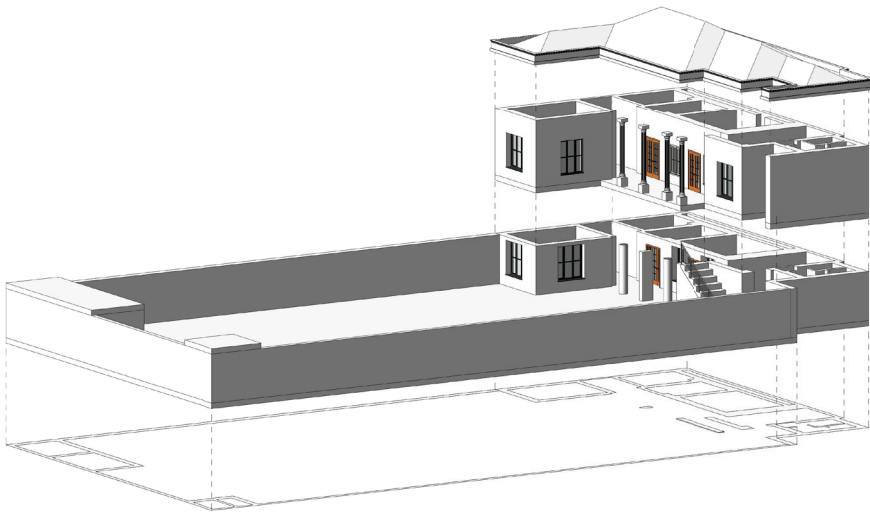
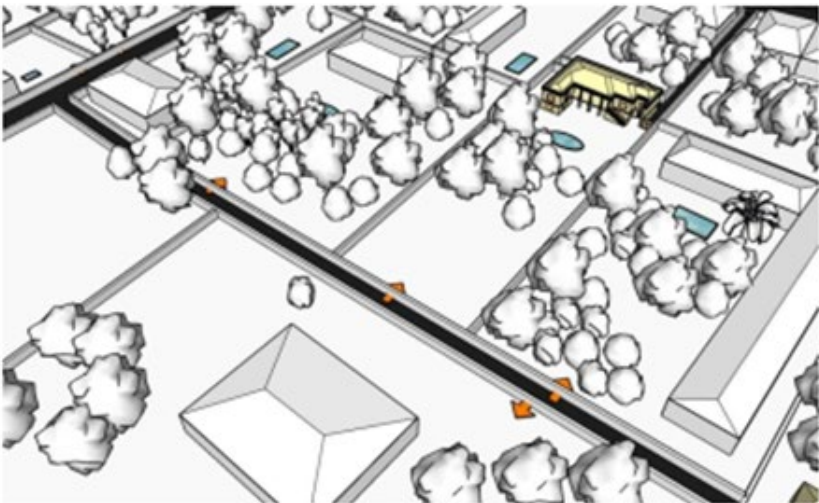
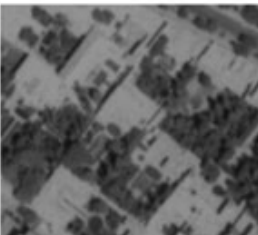


- نمای شمالی



- فضای داخلی

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
Pla(149)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			
			

بنای شماره ۱۴: Q2f (15) - خانه پرویزی

کد بنا	Q2f (41)	نشانی	خیابان منوچهری نبش کوچه ۸			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	-	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	پرویزی
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	این بنا در حال حاضر کاربری مسکونی با مالکیت شخصی دارد.						
گونه شناسی	نوع گونه	دو طرف ساخت	مصلح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی - جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	دو طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	جنوبی	جهت استقرار توده	شمال - جنوب	



- موقعیت قرارگیری در خیابان منوچهری

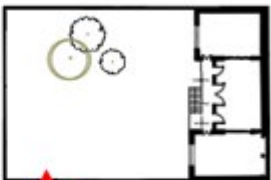
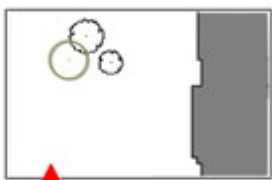
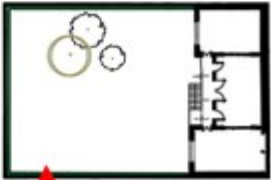
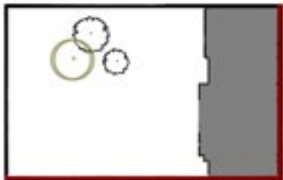
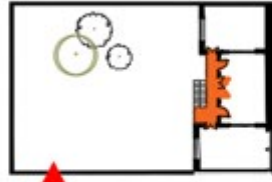


- تصویر هوایی

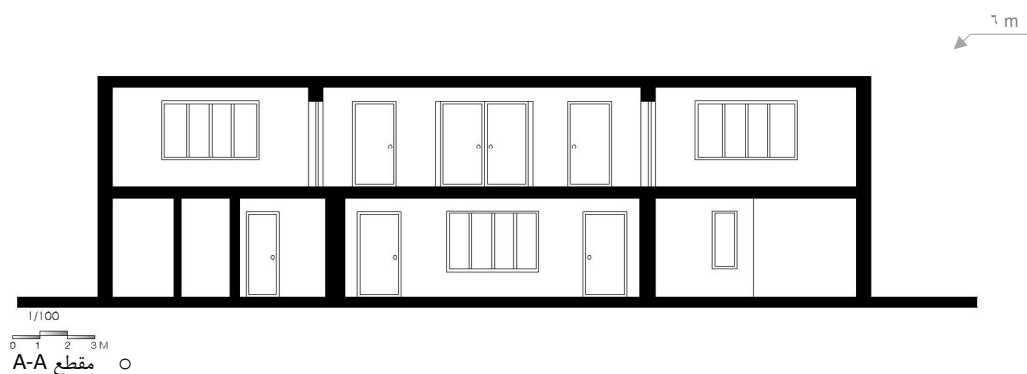
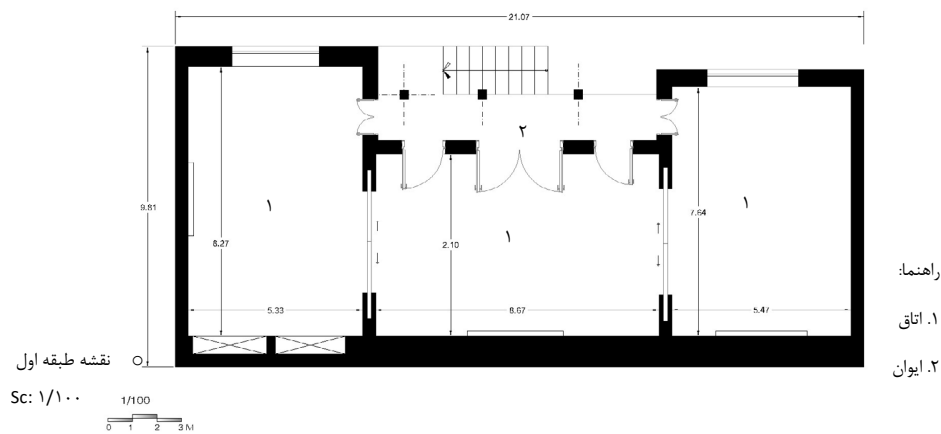
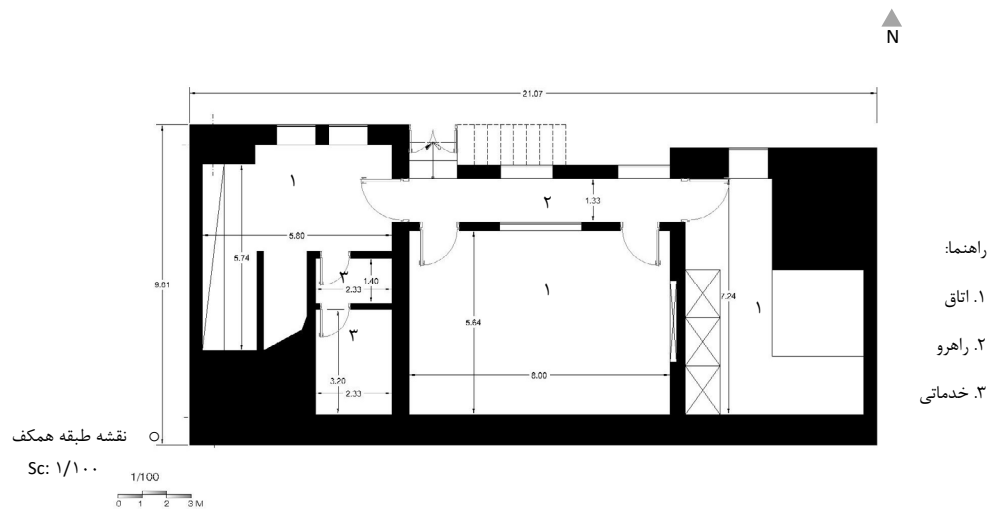
این بنا شامل دو بخش است که قسمت جنوبی آن قدیمی تر بوده و به نظر می رسد متعلق به دهه ۲۰ باشد و قسمت شمالی بعداً به آن اضافه شده است. مالکیت آن خصوصی و متعلق به خانواده پرویزی است. کاربری پیشین این بنا مسکونی بوده و همچنان با همان کاربری فعالیت دارد. موقعیت قرارگیری آن در خیابان منوچهری و نبش کوچه ۸ است. قسمت جنوبی که ویژگی های معماری پهلوی اول را داراست، به صورت یک طرف ساخت و دارای ایوان ستون دار، پله های شاخص، حوض، نمای آجری و در دو طبقه ساخته شده است. تقارن مرکزی در نما دیده می شود و تزیینات کمی دارد. سقف این بنا نیز همانند سایر بناهای این دوره به صورت شیروانی است.

جدول مساحت بنا:

طول ۳۷ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۱۶ متر	۵۵۰ متر مربع	طبقه همکف ۱۴۰ متر مربع	۴۱۰ متر مربع	۲۵٪		۱۲ متر مربع
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۱۴۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۵۵۰ مترمربع	مساحت توده: ۱۴۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۴۱۰ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشتغال بنا ۲۵٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

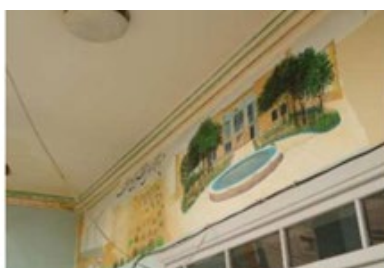
نقشه و نما



تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: پاییز ۱۳۹۸)



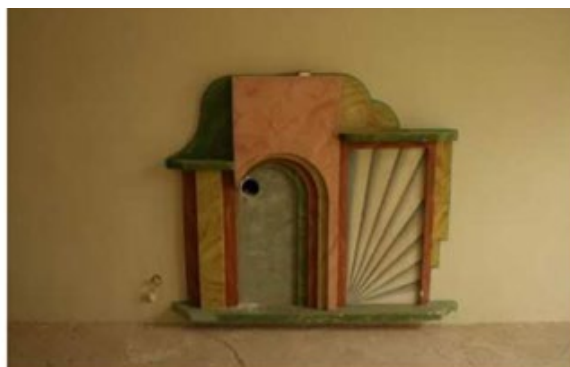
- جبهه جنوبی بنا



- فضای داخلی

- تزیینات ایوان

- جبهه شمالی بنا

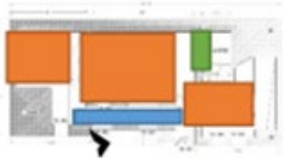
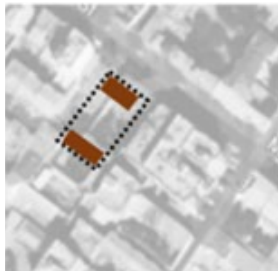
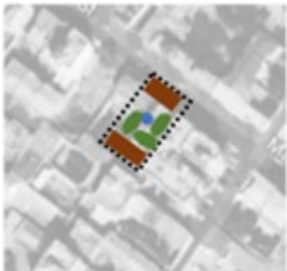
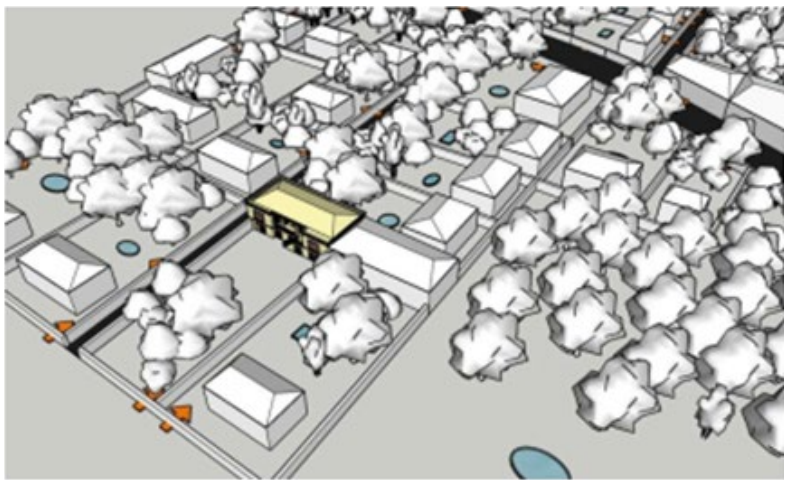


- تزیینات فضای داخلی



- فضاهای داخلی

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده گذاری	فضای سبز
Q2f(41)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
			
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۱۵: P1c (15) - خانه نمازی

کد بنا	P1c (15)	نشانی	خیابان لطفعلی خان زند، کوچه ۶۹			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	-	دوره ساخت	دهه ۳۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	شه کلاهی
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	متروکه	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	این بنا کاربری مسکونی با مالکیت شخصی داشته، که در حال حاضر بدون استفاده و متروک است.						
گونه شناسی	نوع گونه	کوشکی	مصالح نما	سیمان	کشیدگی زمین	شمالی- جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	میان زمین	
	نوع سازه	فلزی	نوع ورود	غربی و جنوبی	جهت استقرار توده	شمال	



- موقعیت قرارگیری بنا

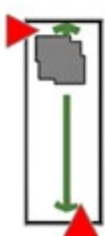
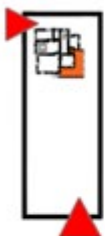


- تصویر هوایی

این بنا در دهه ۳۰ ساخته شده است. مالکیت این بنا خصوصی بوده و منتسب به محمد نمازی، پسر مرحوم نمازی می‌باشد. این بنا در عین سادگی، دارای ویژگی‌های منحصر به فرد معماری دوره پهلوی دوم می‌باشد. تزئینات نمای این بنا ساده و سیمانی بوده و دارای پنجره‌های ساده و کشیده است که از ویژگی‌های تزئینات در این دوره است. حوض سنگی مستطیل شکل در قسمت جنوبی قرار گرفته است. ورودی اصلی این بنا از ضلع غربی بوده که پس از دخل و تصرفاتی که توسط شهرداری منطقه جهت تعریض گذر صورت گرفته این ورودی مسدود شده و به ضلع جنوبی بنا انتقال پیدا کرده است.

جدول مساحت بنا:

طول ۵۶ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۱۵ متر	۱۱۵۰ متر مربع	طبقه همکف ۱۸۰ متر مربع	۹۷۰ متر مربع	۱۵٪		۳۲ متر مربع
ارتفاع ۸ متر		طبقه اول ۱۸۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۱۱۵۰ مترمربع	مساحت توده: ۱۸۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۹۷۰ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشتغال بنا ۱۵٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما



راهنما:

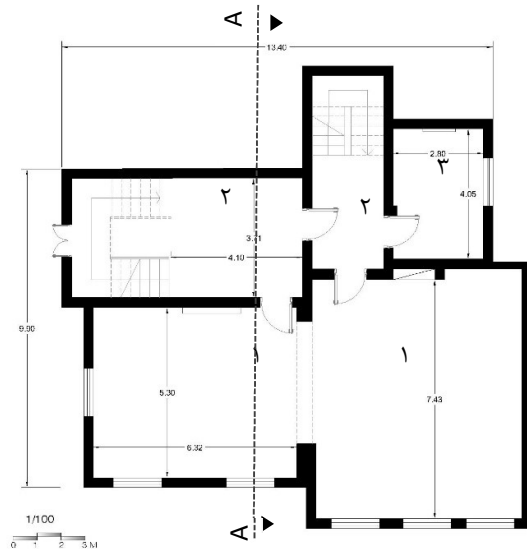
۱. اتاق

۲. راهرو

۳. خدماتی

○ نقشه طبقه زیرزمین

Sc: ۱/۱۰۰



راهنما:

۱. اتاق

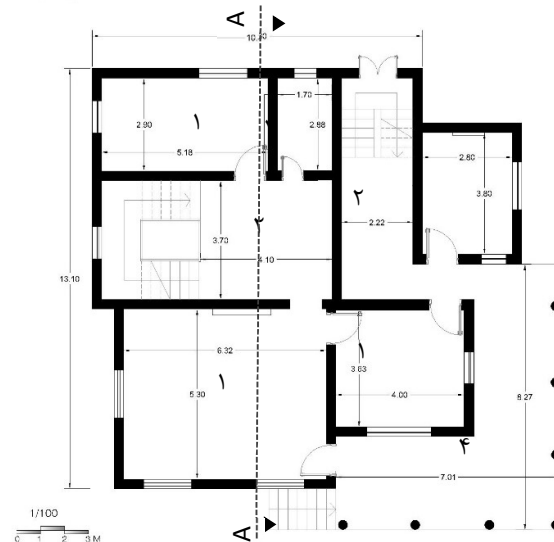
۲. راهرو

۳. خدماتی

۴. ایوان

○ نقشه طبقه همکف

Sc: ۱/۱۰۰



راهنما:

۱. اتاق

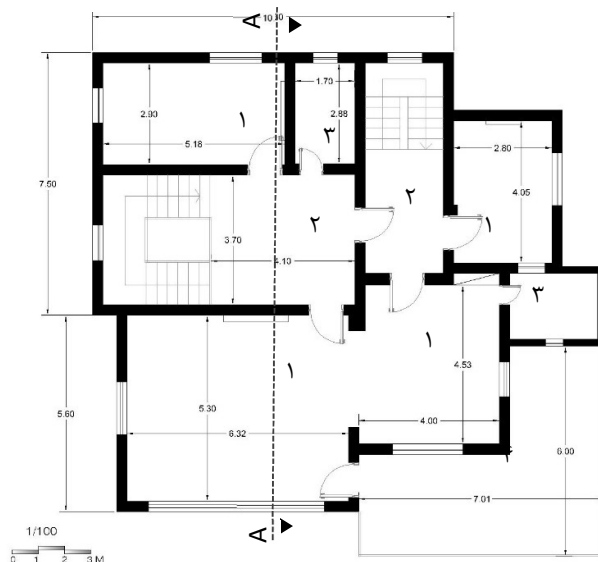
۲. راهرو

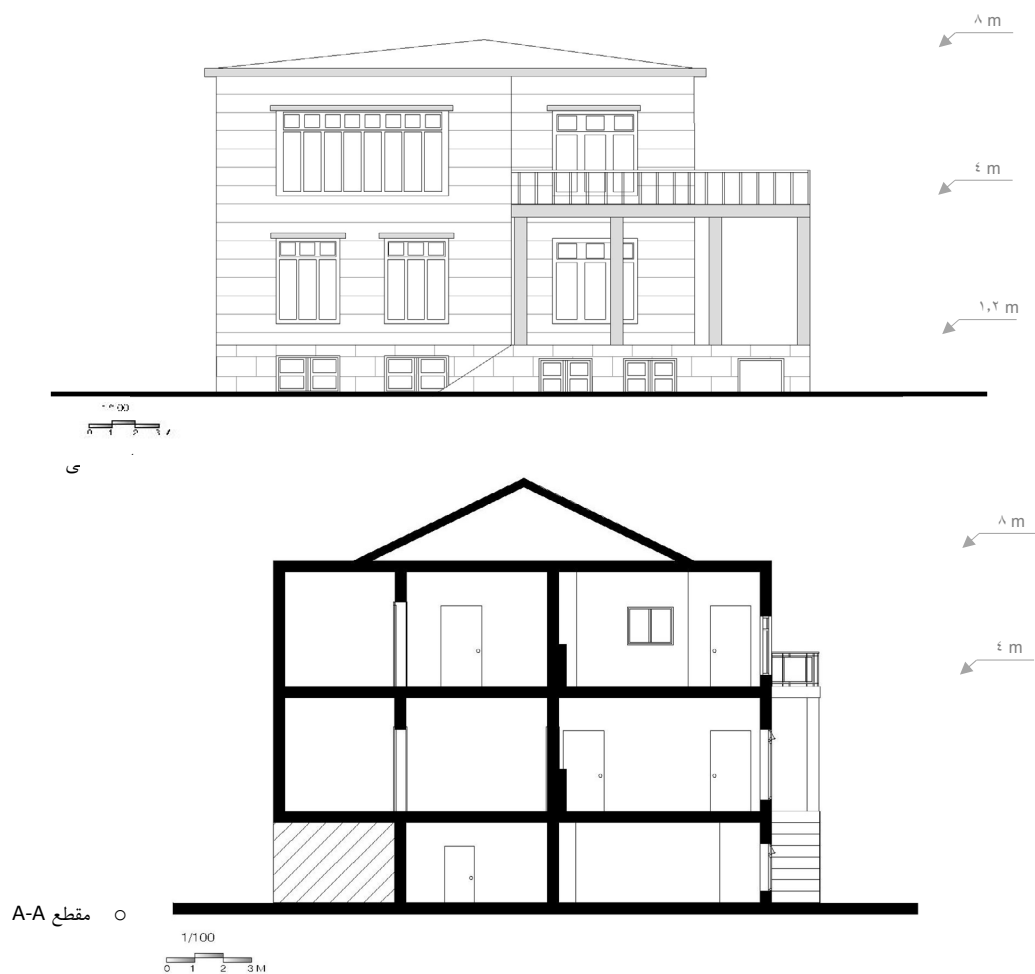
۳. خدماتی

۴. ایوان

○ نقشه طبقه اول

Sc: ۱/۱۰۰





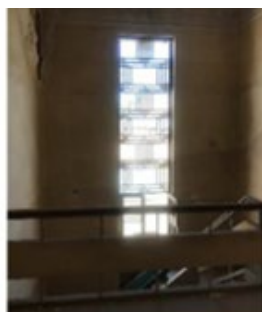
تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: تابستان ۱۳۹۹)



- نمای اصلی و ایوان

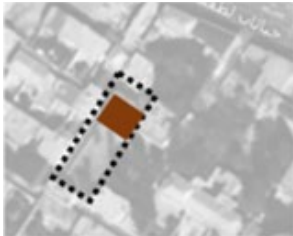
- نمای کلی از حیاط

- نمای اصلی بنا



- پنجره‌های کشیده راه‌پله

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
P1c(10)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۱۶: N1b (12) - خانه مویدی

کد بنا	N1b (12)	نشانی	خیابان فردوسی، خیابان پروانه			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	-	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	مویدی
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	این بنا در حال حاضر کاربری مسکونی با مالکیت شخصی دارد.						
گونه شناسی	نوع گونه	یک طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شرقی - غربی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	یک طرفه	
	نوع سازه	فلزی	نوع ورود	جنوبی	جهت استقرار توده	غرب	



- موقعیت قرارگیری بنا

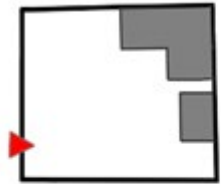
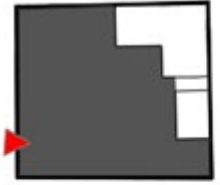
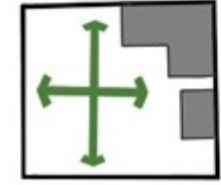
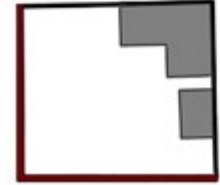
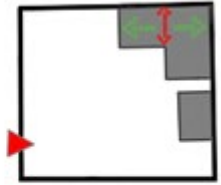
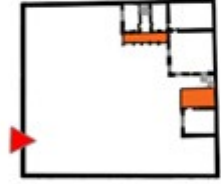


- تصویر هوایی

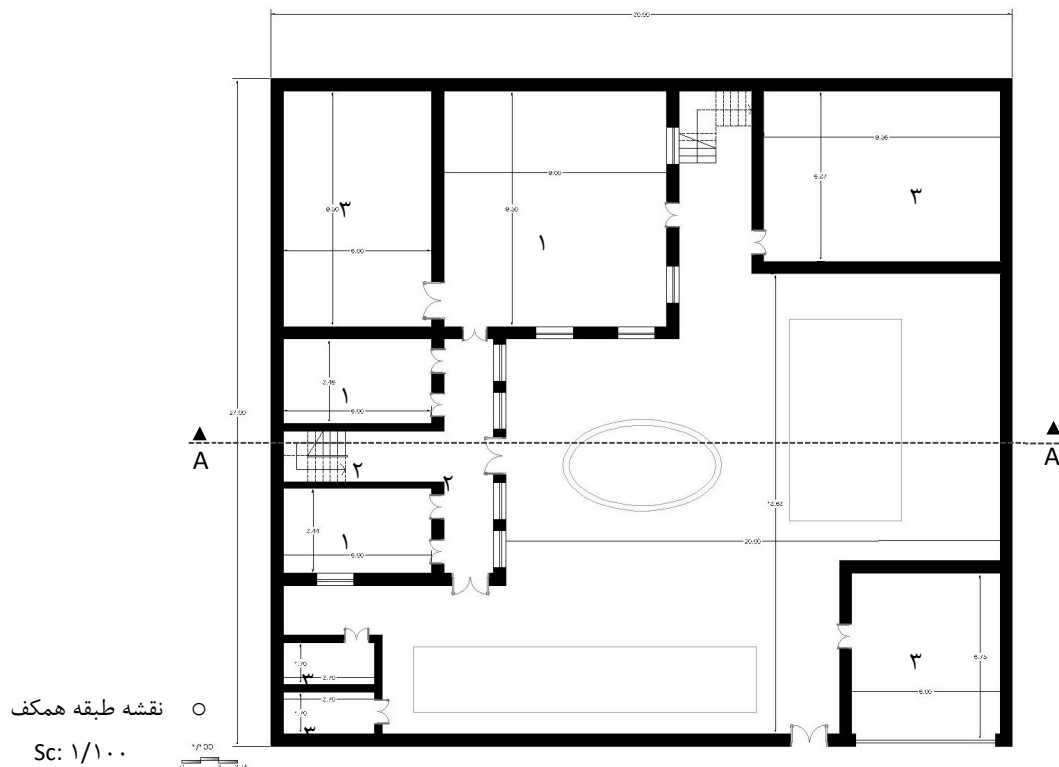
این بنا در دهه ۲۰ ساخته شده و مالکیت آن خصوصی و متعلق به خانواده مویدی است. کاربری این بنا از گذشته مسکونی بوده و همچنان با کاربری پیشین فعالیت دارد. این بنا دارای ویژگی‌های منحصر به فرد معماری دوره پهلوی اول می‌باشد. در تزیینات نمای خانه از آجرکاری و گچبری روی سرستون‌های ایوان و همچنین کاشی کاری به صورت کتیبه‌ای در قسمت فوقانی پنجره‌ها استفاده شده است. در حیاط نیز حوض بیضی شکل و سنگی قرار دارد.

جدول مساحت بنا:

طول ۳۰ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۲۷ متر	۹۸۵ متر مربع	طبقه همکف ۱۸۸ متر مربع	۷۹۷ متر مربع	۱۹٪		۲۰ متر مربع
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۱۸۸ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۹۸۵ مترمربع	مساحت توده: ۱۸۸ مترمربع	مساحت فضای باز: ۷۹۷ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشتغال بنا ۱۹٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما

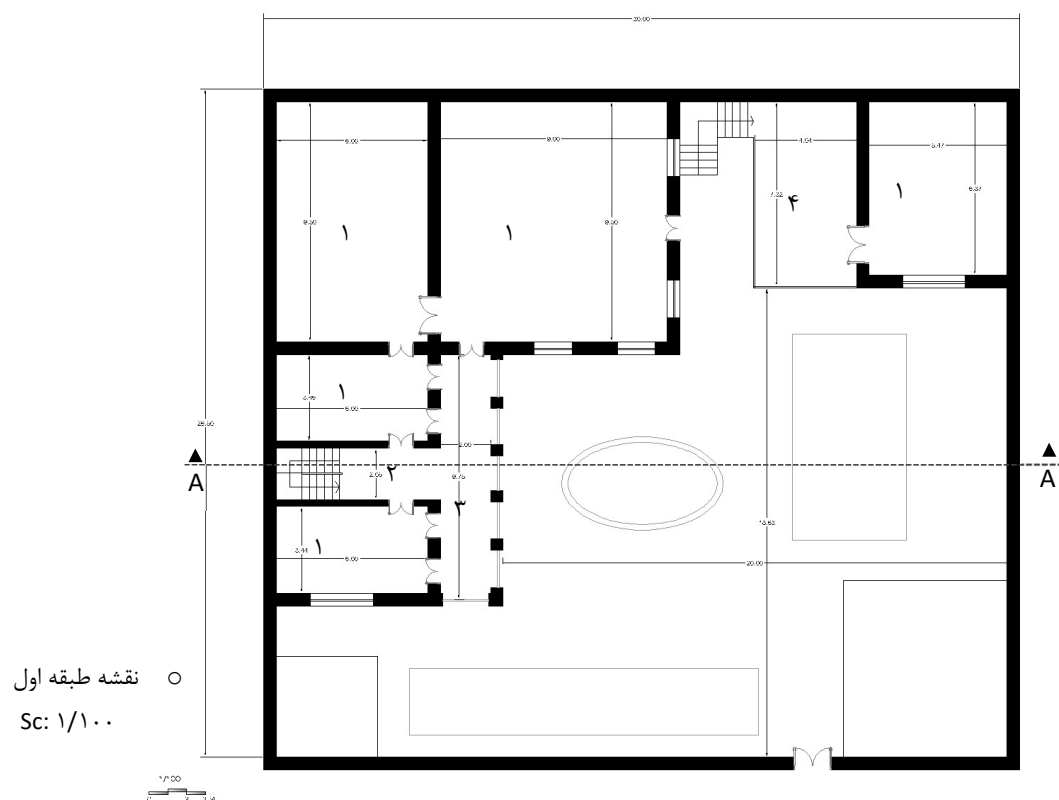


راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. خدماتی



راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. ایوان

۴. بالکن



تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: زمستان ۱۳۹۸)



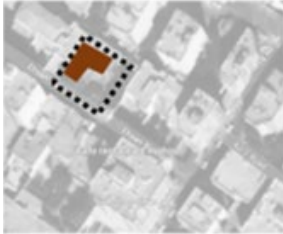
- جبهه غربی نمای اصلی بنا



- فضای داخلی طبقه همکف

- نمای کلی از حیاط و نمای شمالی بنا

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

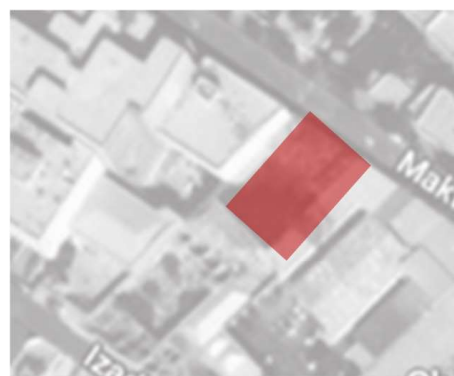
کد بنا	تحلیل فضا	توده گذاری	فضای سبز
N1b(12)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۱۷: (4) N3d

کد بنا	(4) N3d	نشانی	خیابان سعدی خ - مکتبی			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	-	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	-
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	در حال مرمت	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	این بنا در حال حاضر کاربری مسکونی با مالکیت شخصی داشته و در حال مرمت است.						
گونه شناسی	نوع گونه	یک طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی - جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	یک طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	شمالی	جهت استقرار توده	شمال	



- موقعیت قرارگیری در خیابان مکتبی



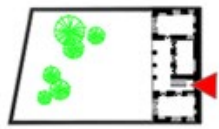
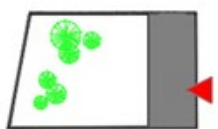
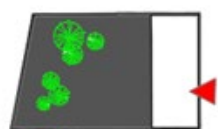
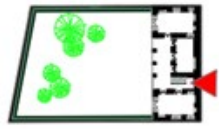
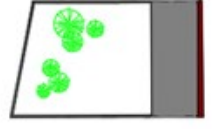
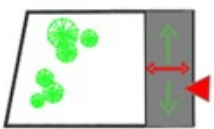
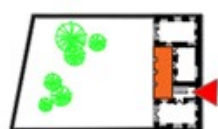
- تصویر هوایی

این بنا در دهه ۲۰ ساخته شده است. مالکیت این بنا خصوصی بوده و در حال مرمت است. این بنا دارای ویژگی‌های خاص دوره پهلوی می‌باشد. به‌طوری که در تزیینات پنجره‌ها و سرستون‌ها، علاوه بر پیروی از دوره‌های گذشته دارای سادگی ویژه دوره پهلوی می‌باشد.

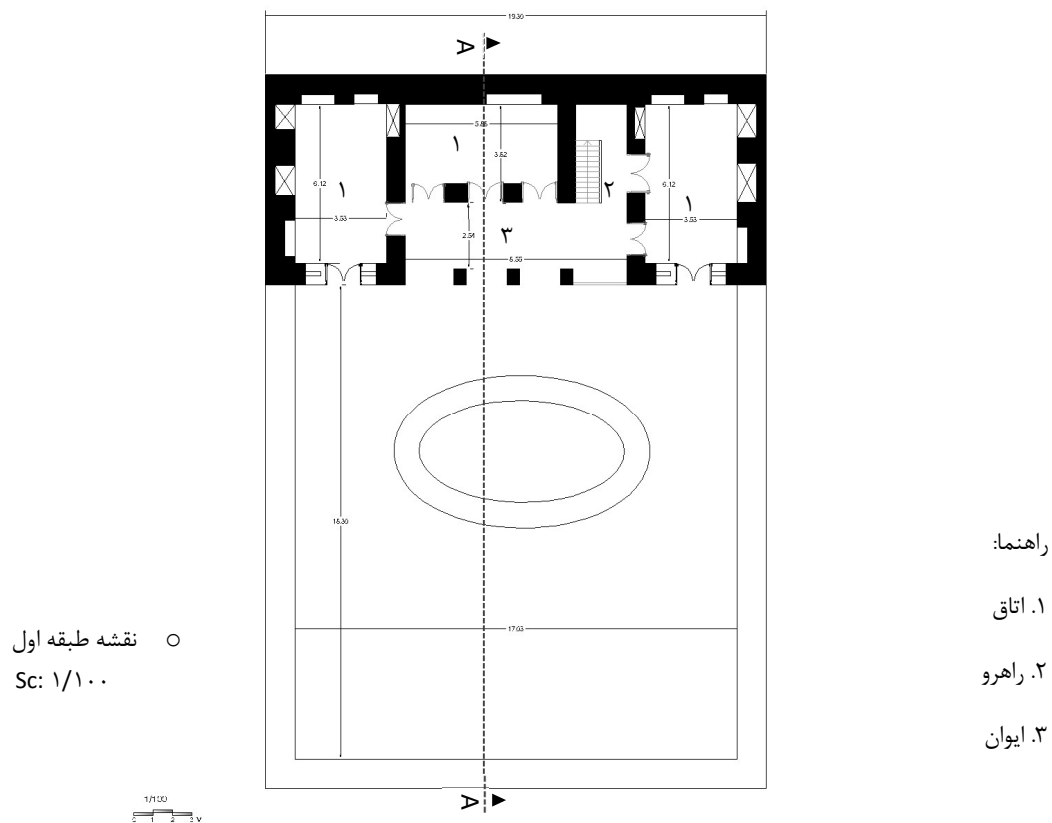
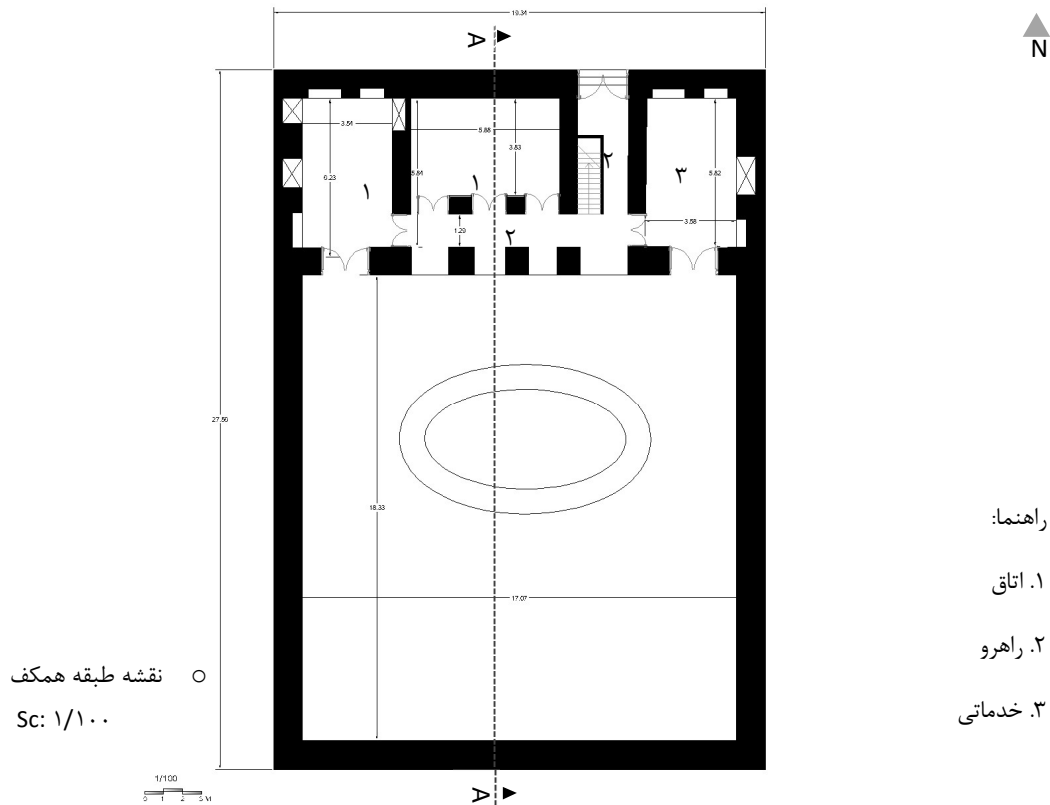
ساخت‌وساز بنا در جبهه شمالی قرار دارد و ورودی بنا از همین قسمت و از ساختمان است. این بنا در دو طبقه ساخته شده و دارای تزیینات نمای ساده و آجری در طبقه اول و ازاره‌های سنگی ساده در طبقه همکف است. در حیاط این بنا حوض بیضی شکل و سنگی قرار دارد.

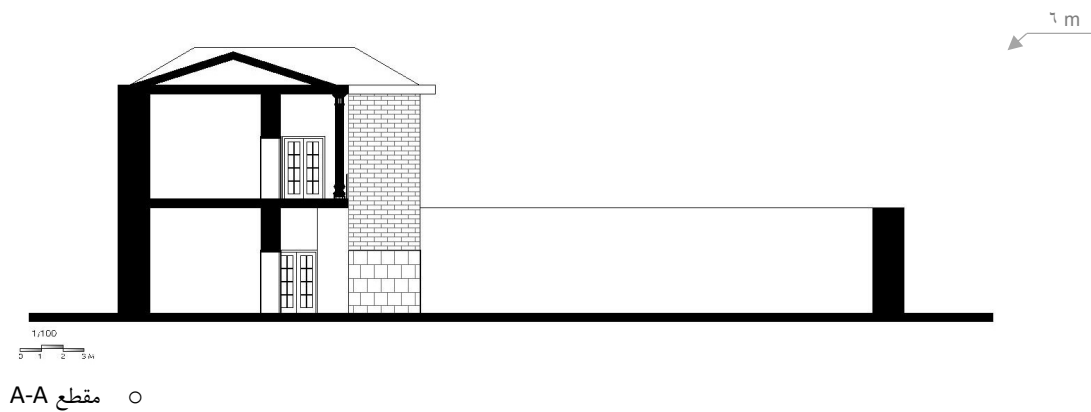
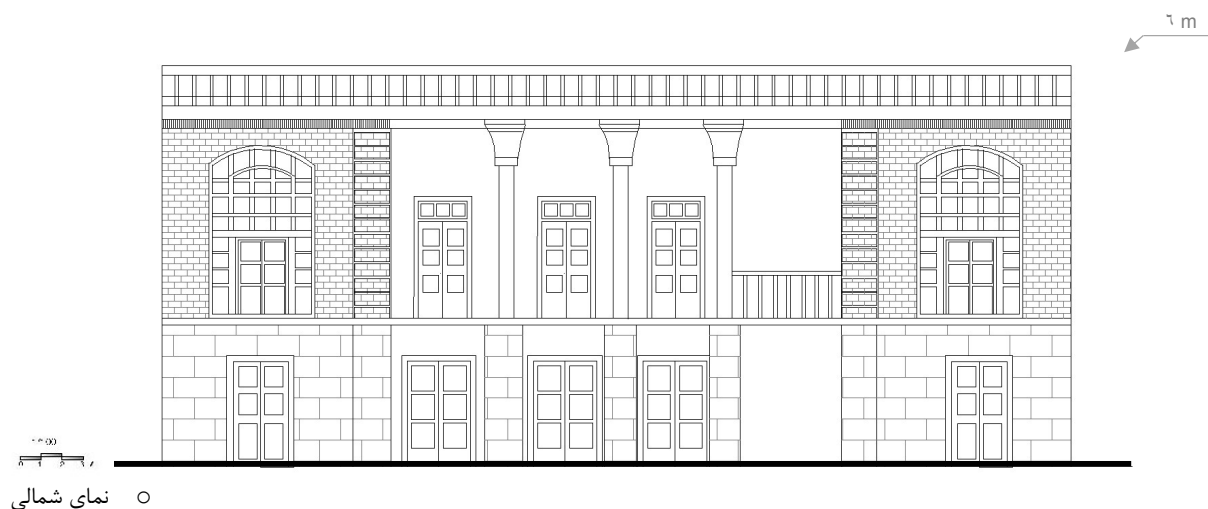
جدول مساحت بنا:

طول ۳۰ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۱۸,۵ متر	۵۵۵ متر مربع	طبقه همکف ۱۸۵ متر مربع	۳۷۰ متر مربع	۳۳٪		
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۱۸۵ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۵۵۵ مترمربع	مساحت توده: ۱۸۵ مترمربع	مساحت فضای باز: ۳۷۰ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشغال بنا ۳۳٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما





تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: تابستان ۱۳۹۸)

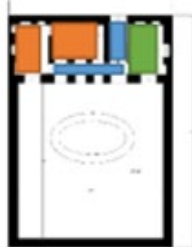
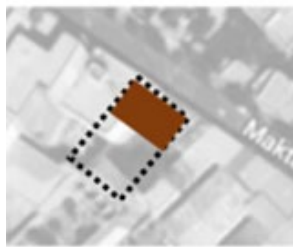
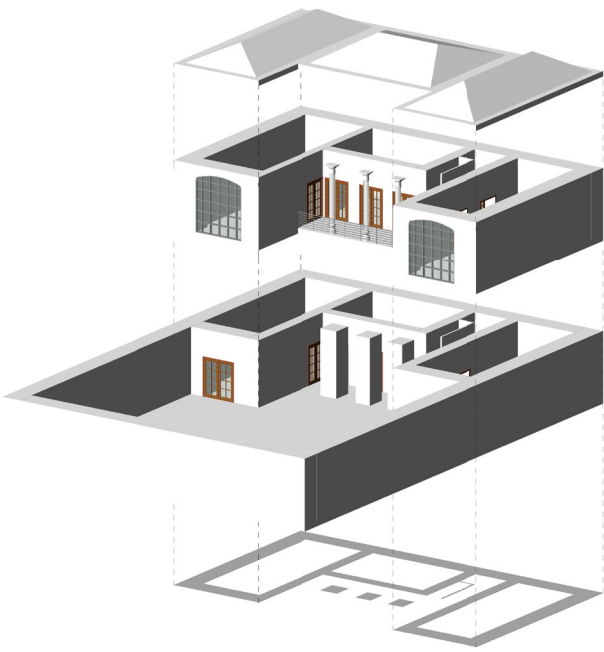
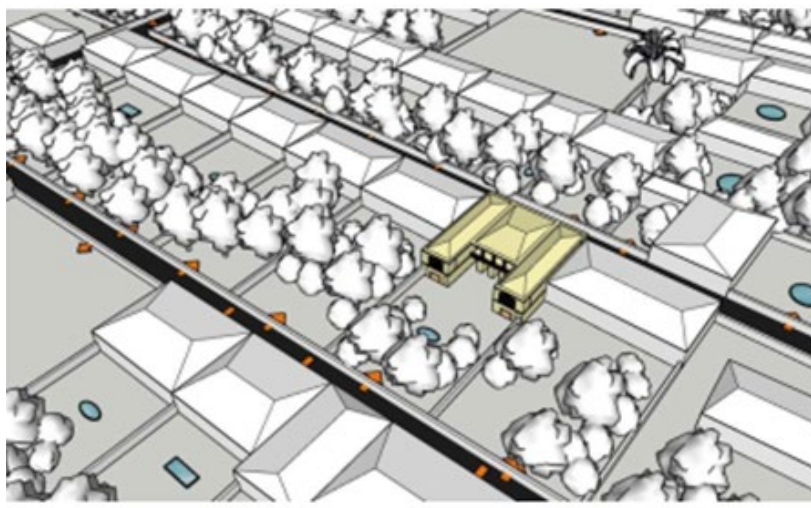


- نمای جبهه شمالی بنا



- فضاهای داخلی

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
N3d(4)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۱۸: P1a (124) - خانه باغ خیرات

کد بنا	P1a(124)	نشانی	خیابان لطفعلی خان زند- نبش خیابان وصال			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	-	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	-
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	گلخانه	نام معمار	-	نوع کاربری	خدماتی
توضیحات							
این بنا در گذشته کاربری مسکونی با مالکیت شخصی داشته و در حال حاضر کاربری گلخانه دارد.							
گونه شناسی	نوع گونه	کوشکی	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی - جنوبی	
	تعداد طبقات	یک	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	مرکز زمین	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	غربی	جهت استقرار توده	شمال غرب	



- موقعیت قرارگیری

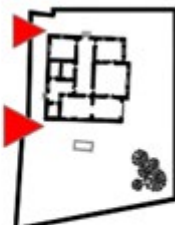
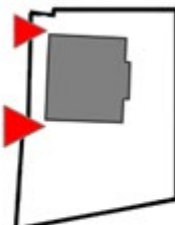
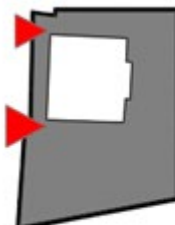
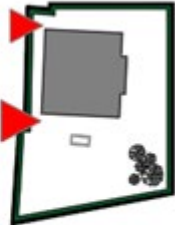
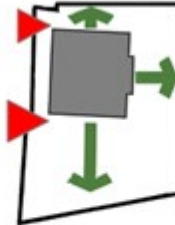
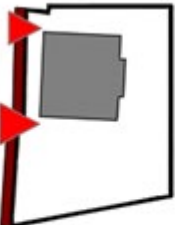
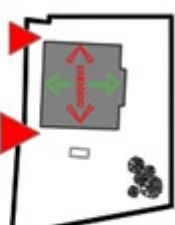


- تصویر هوایی

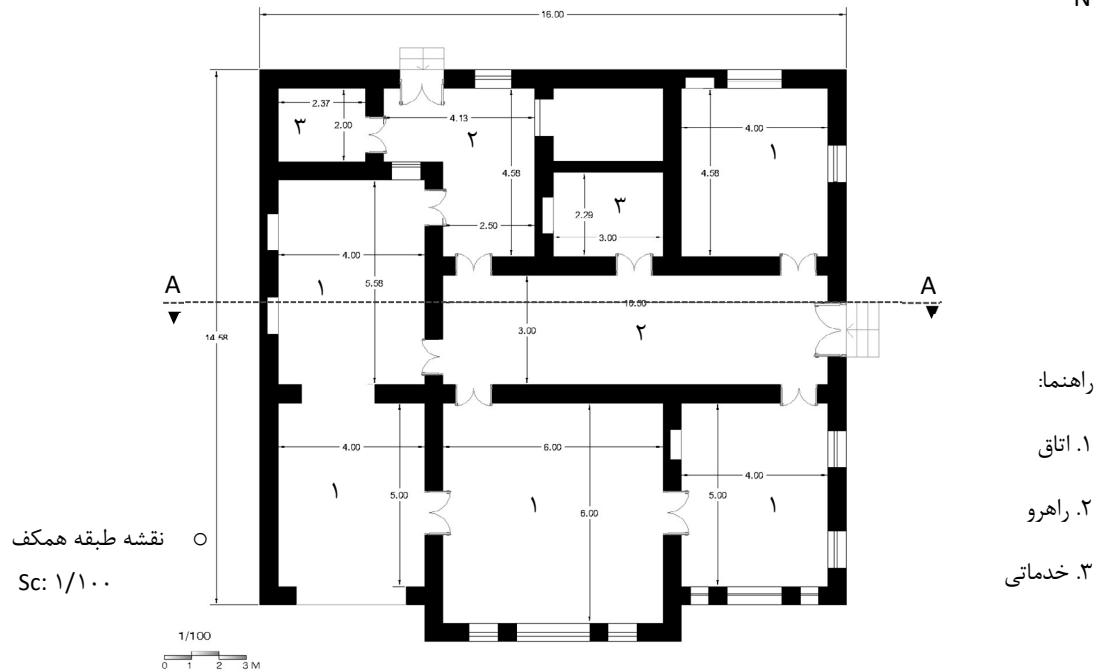
این بنا در دهه ۲۰ ساخته شده است. مالکیت این بنا خصوصی بوده و به گلخانه و انبار نگهداری از وسایل مربوطه تبدیل شده است. این بنا دارای ویژگی‌های خاص دوره پهلوی می‌باشد. ساخت و ساز بنا در جبهه شمال غربی قرار دارد و ورودی بنا از سمت غرب زمین است. این بنا در یک طبقه ساخته شده و دارای زیرزمین می‌باشد که راه دسترسی به زیرزمین مسدود شده و امکان دسترسی و برداشت فراهم نبود. در تزیینات نمای این ساختمان از آجرکاری ساده استفاده شده است.

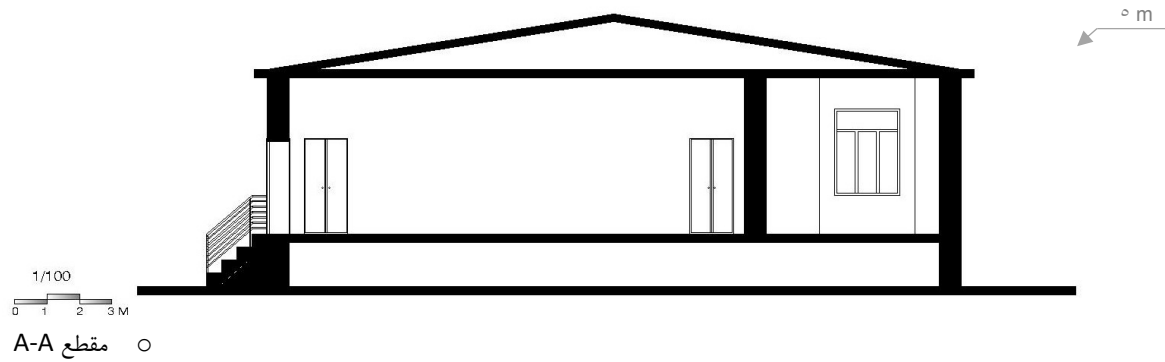
جدول مساحت بنا:

طول ۳۸ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۲۰ متر	۱۵۳۰ متر مربع	طبقه همکف ۱۹۰ متر مربع	۱۳۴۰ متر مربع	۱۲٪	فاقد ایوان	
ارتفاع ۵ متر		طبقه اول ۱۹۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۱۵۳۰ مترمربع	مساحت توده: ۱۹۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۱۳۴۰ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا		بدون ایوان	سطح اشغال بنا ۱۲٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده		مساحت فضای نیمه باز

نقشه و نما





تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: تابستان ۱۳۹۹)



- نمای کلی ضلع جنوبی



- ضلع شرقی بنا



- ضلع جنوبی بنا

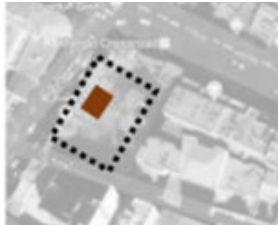
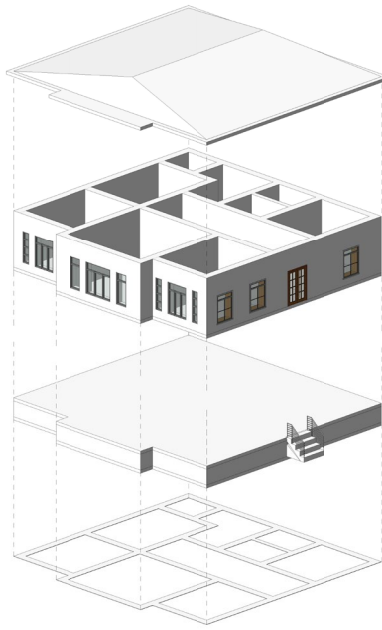
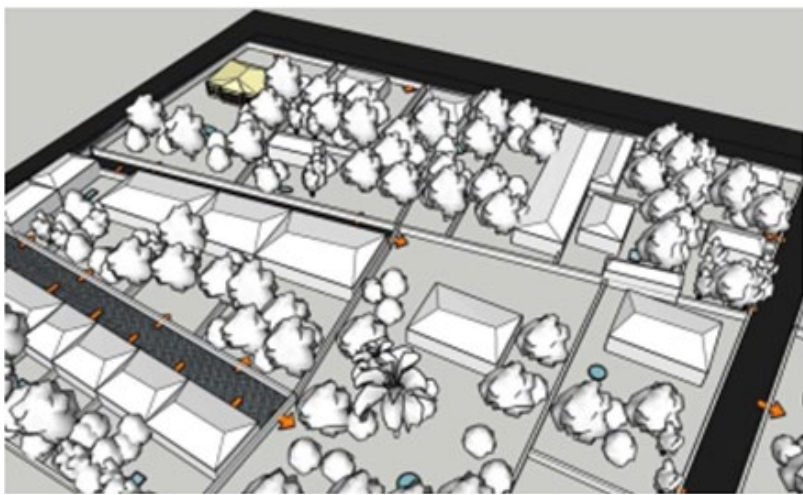
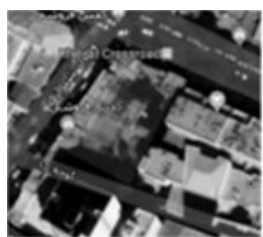


- فضاهای داخلی



- فضاهای داخلی

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده گذاری	فضای سبز
Pl1a(124)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۱۹: P1a (159)

کد بنا	P1a(159)	نشانی	خیابان لطفعلی خان زند- کوچه ۷۳			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	-	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	-
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	این بنا در حال حاضر کاربری مسکونی با مالکیت شخصی دارد.						
گونه شناسی	نوع گونه	دو طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی- جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	دو طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	شرقی	جهت استقرار توده	شمالی و غربی	



- موقعیت قرارگیری



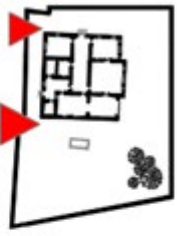
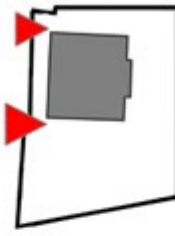
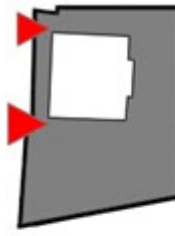
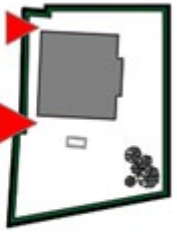
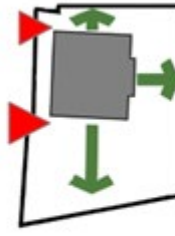
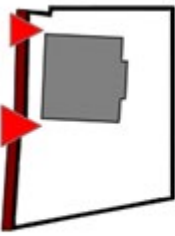
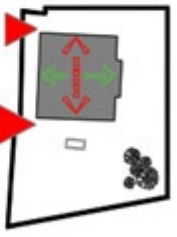
- تصویر هوایی

این بنا در دهه ۲۰ ساخته شده است. مالکیت این بنا خصوصی است. کاربری آن در گذشته مسکونی بوده و همچنان با همان کاربری فعالیت دارد. این بنا دارای ویژگی‌های خاص دوره پهلوی می‌باشد.

ساخت‌وساز بنا در جبهه شمالی و غربی قرار دارد و ورودی بنا از سمت شرق است. تزیینات استفاده شده در نما به صورت آجرکاری ساده است و حوض سنگی دایره‌ای در حیاط وجود دارد. به نظر می‌رسد در جبهه غربی کتیبه‌های کاشی‌کاری در قسمت فوقانی درک‌ها وجود داشته که از بین رفته‌اند. همچنین با استناد به تصویر هوایی و دیوارهای الحاقی در این بنا به نظر می‌رسد با بناهای مجاور در قسمت شرقی و جنوبی در ارتباط بوده که در گذر زمان با کشیدن دیوارهای الحاقی از یکدیگر جدا شده‌اند.

جدول مساحت بنا:

طول ۱۸ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۱۶ متر	۹۳۸ متر مربع	طبقه همکف ۳۵۰ متر مربع	۵۸۸ متر مربع	۳۷٪		۱۸ متر مربع
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۳۵۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۹۳۸ مترمربع	مساحت توده: ۳۵۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۵۸۸ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا		بدون ایوان	سطح اشغال بنا ۲۵٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده		مساحت فضای نیمه باز

نقشه و نما



راهنما:

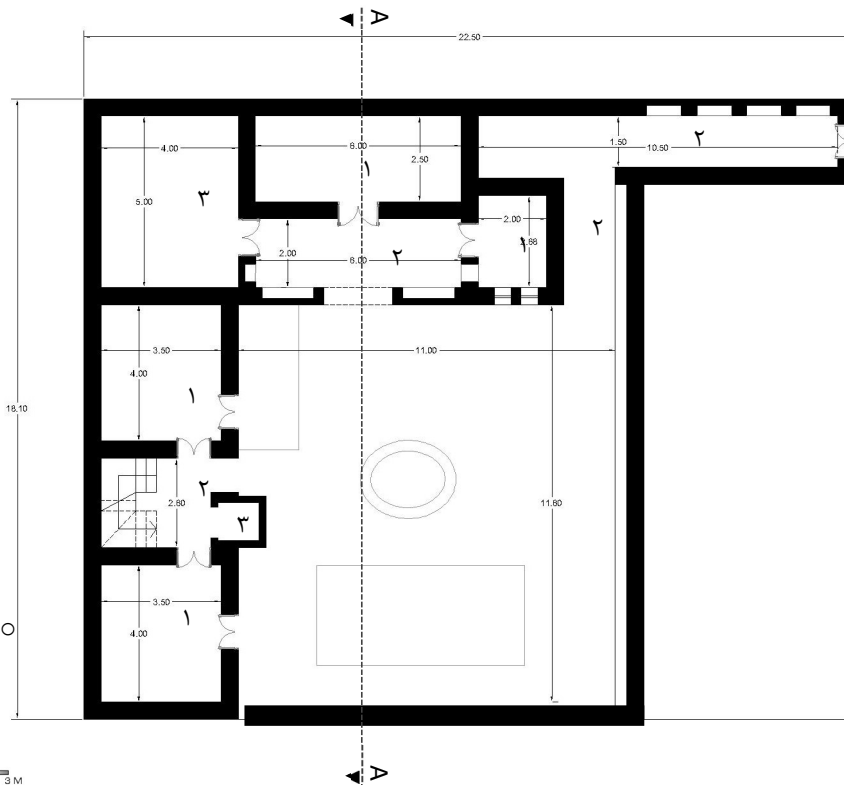
۱. اتاق

۲. راهرو

۳. خدماتی

نقشه طبقه همکف

Sc: ۱/۱۰۰



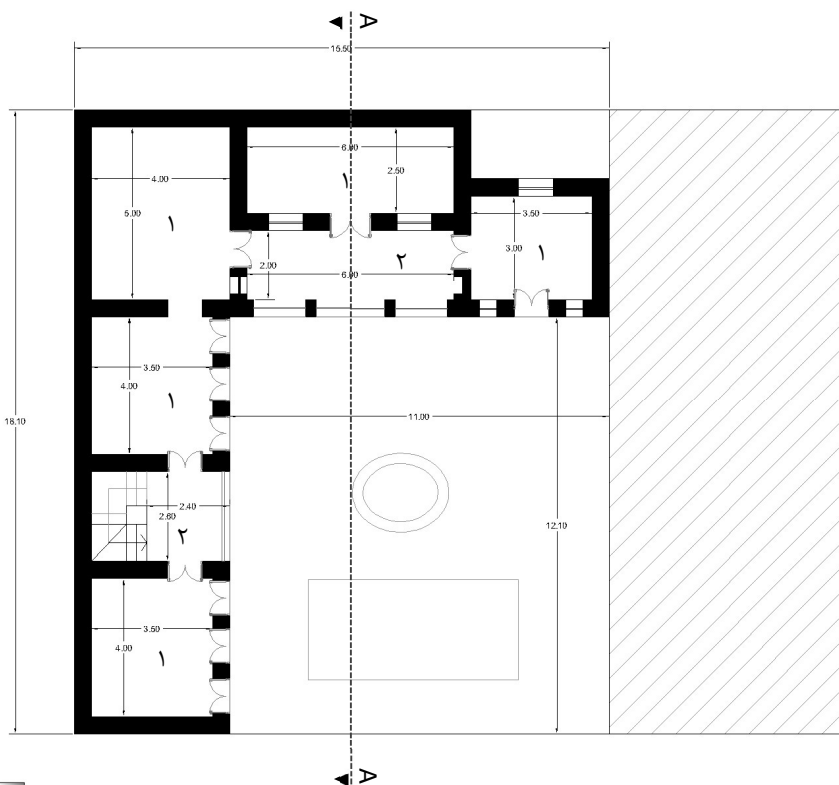
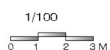
راهنما:

۱. اتاق

۲. ایوان

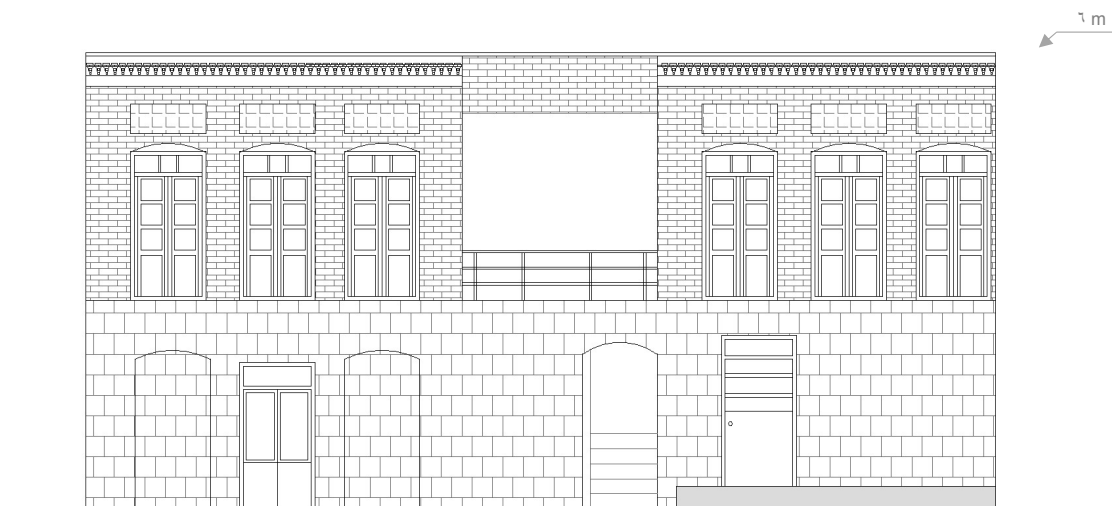
نقشه طبقه اول

Sc: ۱/۱۰۰

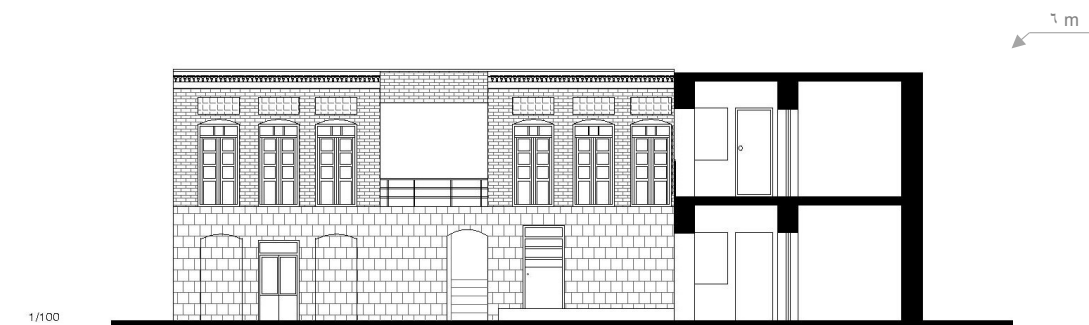




○ نمای شمالی



○ نمای غربی



○ مقطع A-A

تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: تابستان ۱۳۹۹)



- جداره شمالی بنا



- نمای جداره شمالی



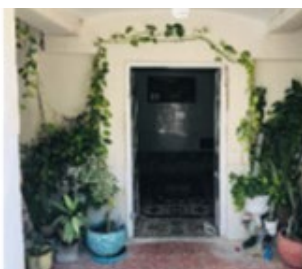
- نمای جداره غربی



- تزیینات آجرکاری



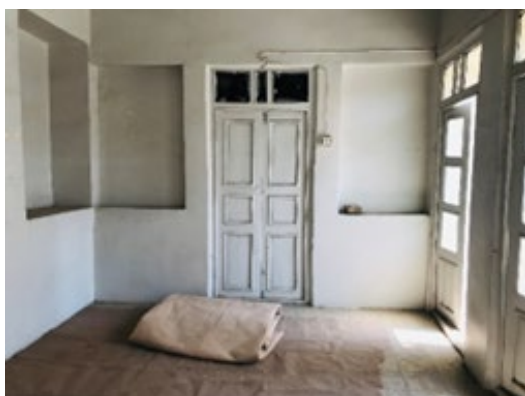
- جداره غربی



- فضاهای داخلی



- فضاهای داخلی

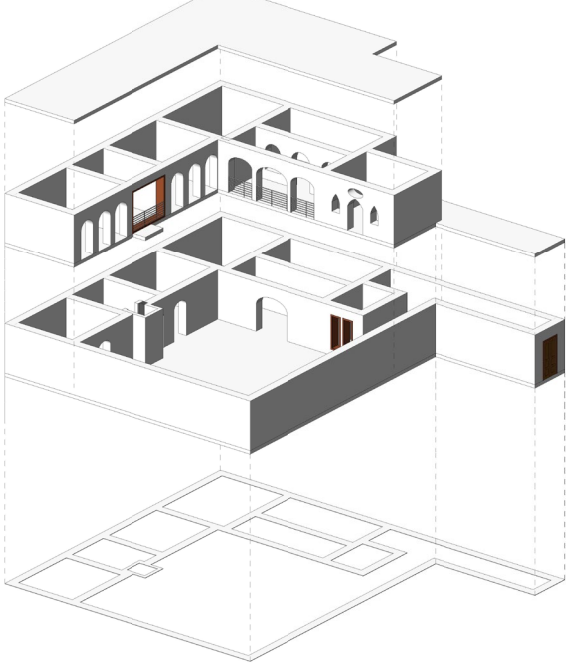
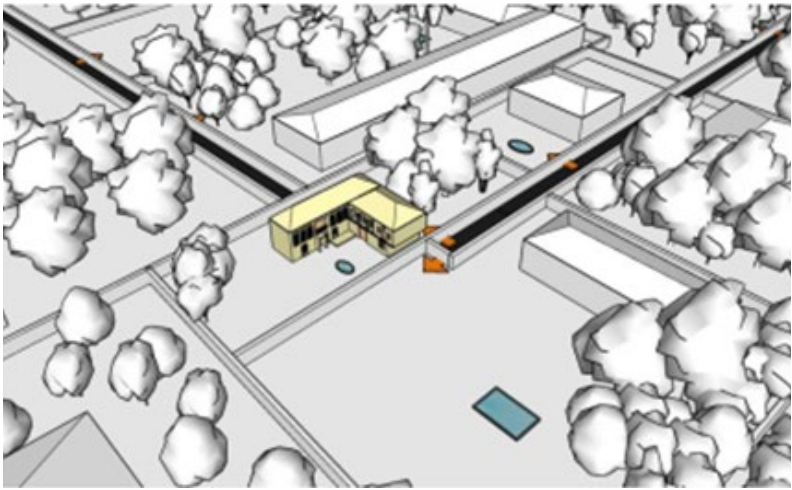


- فضاهای داخلی



- تزیینات آجرکاری

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

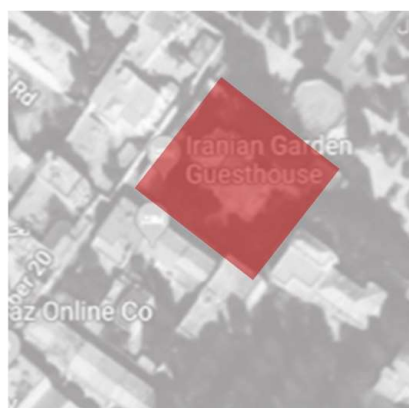
کد بنا	تحلیل فضا	توده گذاری	فضای سبز
P1a(124)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۲۰: Q1e (67) - خانه محلاتی

کد بنا	Q1e(67)	نشانی	خیابان مشیر شرقی - کوچه ۱۸			منطقه شهرداری	منطقه ۲
شماره ثبت	-	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	محلاتی
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	اقامتگاه	نام معمار	-	نوع کاربری	خدماتی
توضیحات	این بنا در گذشته کاربری مسکونی با مالکیت شخصی داشته و بعد از مرمت کاربری رستوران سنتی دارد.						
گونه شناسی	نوع گونه	کوشکی	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شرقی - غربی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	مرکز زمین	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	غربی و جنوبی	جهت استقرار توده	شمال	



- موقعیت قرارگیری در خیابان مشیر شرقی



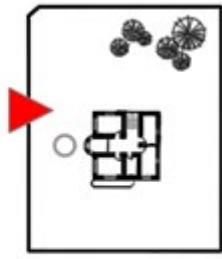
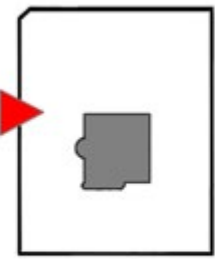
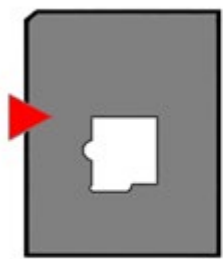
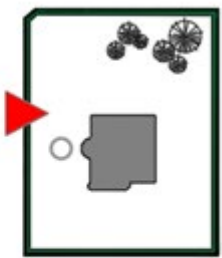
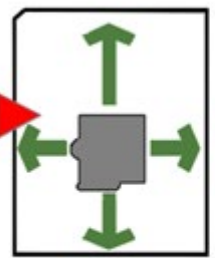
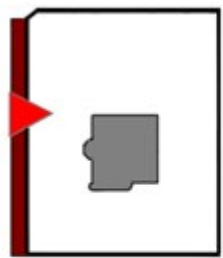
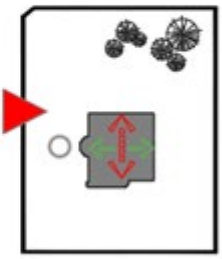
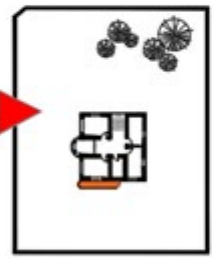
- تصویر هوایی

این بنا در دهه ۲۰ ساخته شده است. مالکیت این بنا خصوصی است. کاربری آن در گذشته مسکونی بوده و پس از مرمت با کاربری اقامتی و رستوران به فعالیت خود ادامه داده است و با نام باغ ایرانی نیز شناخته شده است. این بنا دارای ویژگی‌های خاص دوره پهلوی می‌باشد.

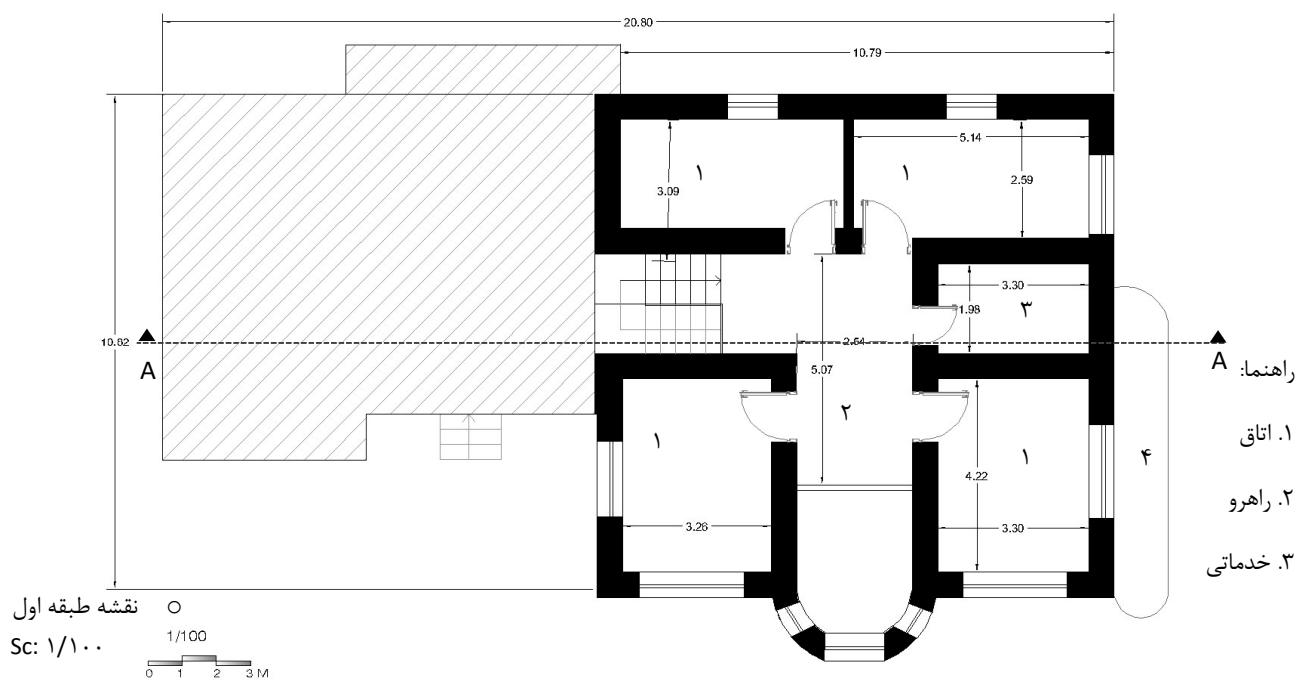
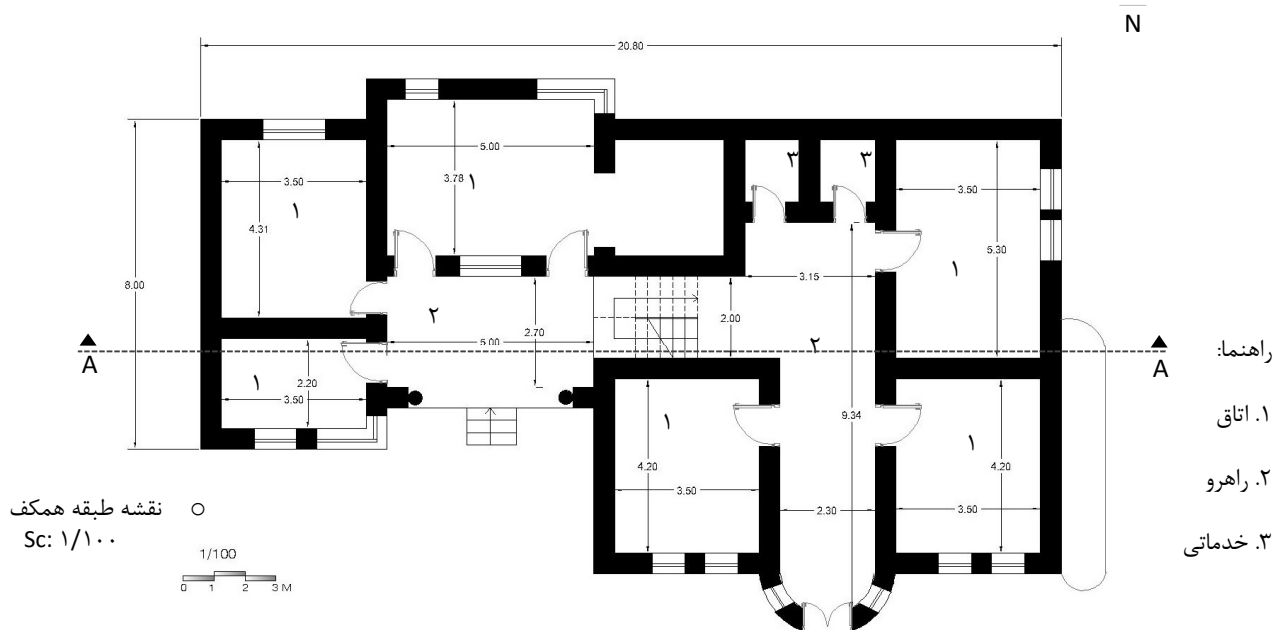
ساخت‌وساز بنا در قسمت مرکزی و به سمت شمال قرار دارد. این بنا دارای سه ورودی است که یکی از آن در قسمت جنوبی زمین، یکی در ضلع غربی و دیگری در تقاطع ضلع جنوبی و غربی است. تزیینات استفاده شده در نما به صورت آجرکاری ساده است و حوض سنگی دایره‌ای در حیاط وجود دارد.

جدول مساحت بنا:

طول ۴۵ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۳۵ متر	۲۰۰۰ متر مربع	طبقه همکف ۴۵۰ متر مربع	۱۵۵۰ متر مربع	۲۲٪	فاقد ایوان	-
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۴۵۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۲۰۰۰ مترمربع	مساحت توده: ۴۵۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۱۵۵۰ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشغال بنا ۲۲٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما



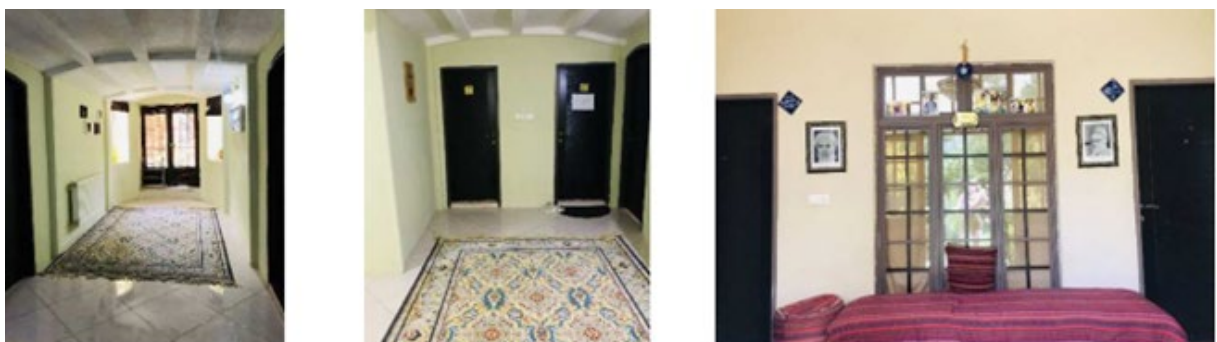


تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: تابستان ۱۳۹۹)



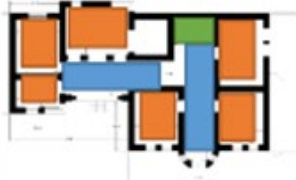
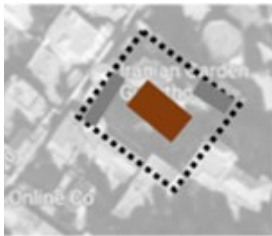
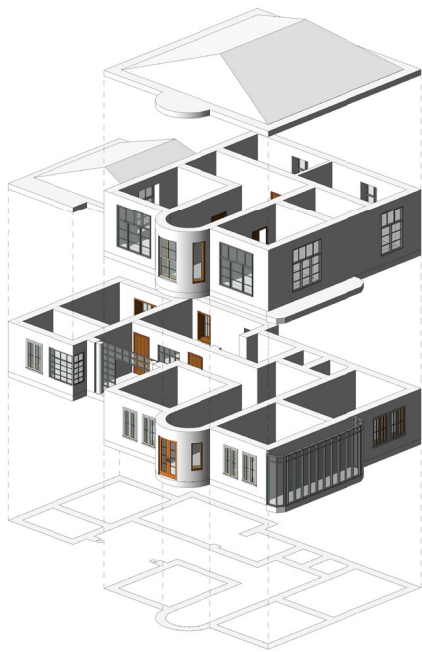
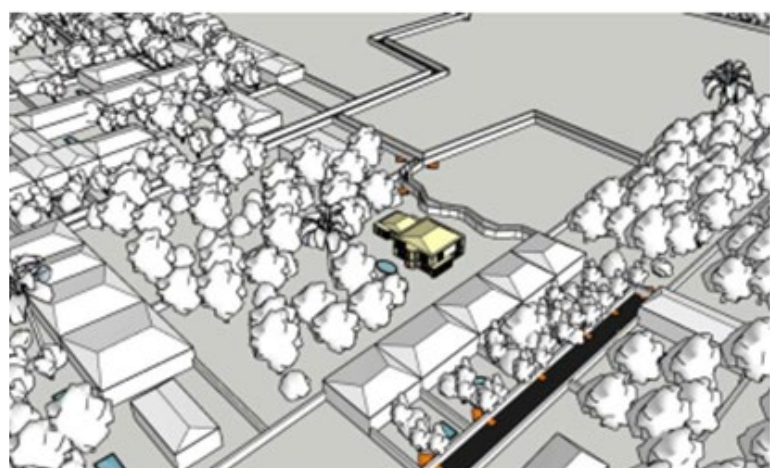
- جداره جنوبی بنا

- جداره جنوبی و نمای اصلی

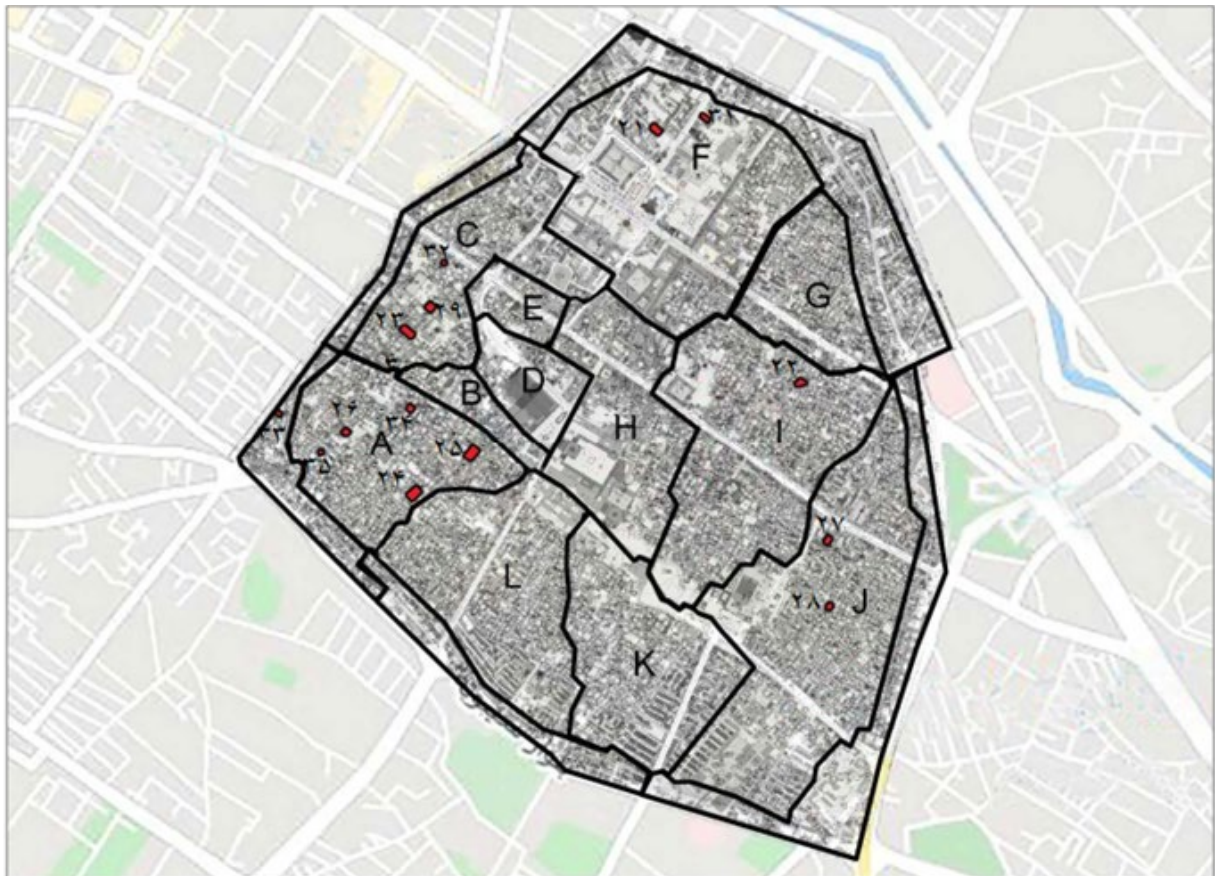


- فضاهای داخلی طبقه همکف

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
Q1c(67)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

۲-۱۶- تقسیم‌بندی بافت تاریخی شیراز جهت کدگذاری در راستای مستندسازی بناها



راهنما:

بناهای منتخب جهت معرفی

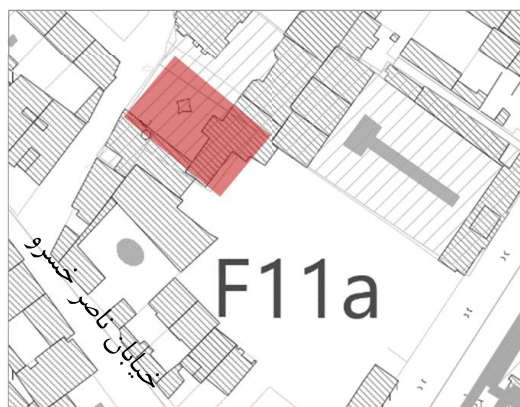
تصویر ۲-۱۷- تقسیم‌بندی بافت تاریخی شیراز (منبع: نگارنده)

۲-۱۷- بناهای شناسایی شده پهلوی واقع در محدوده بافت تاریخی

شماره	کد بنا	نام بنا	تصویر	شماره	کد بنا	نام بنا	تصویر
۲۱	F11a (324)	خانه برکت		۲۹	C10c (329)	خانه کریمی	
۲۲	I8a (154)	خانه خواسته		۳۰	B1 (307)	خانه رضایی	
۲۳	C10a (124)	خانه مهندسی		۳۱	F13a (331)	خانه جاویدان	
۲۴	A2b (181)	خانه انجوی بهبهانی		۳۲	C8a (332)	خانه نقش زن	
۲۵	A5 (45)	خانه رجبعلی هولی		۳۳	AO1b (333)	خانه فصحتی	
۲۶	A9b (139)	خانه دانش (نصر)		۳۴	A6b (334)	خانه جزینی	
۲۷	J9a (29)	خانه افشاریان		۳۵	A9a (330)	خانه جلالی	
۲۸	J13 (257)	خانه روحانی					

بنای شماره ۲۱: F11a (324) - خانه برکت

کد بنا	F11a(324)	نشانی	خیابان مشیر شرقی - کوچه ۱۸			منطقه شهرداری	منطقه ۸
شماره ثبت	۳۰۵۳۱	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	برکت
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	این بنا هم اکنون متعلق به سازمان میراث فرهنگی بوده و در حال مرمت است.						
گونه شناسی	نوع گونه	یک طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شرقی - غربی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	یک طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	غربی از حیاط	جهت استقرار توده	شرق	



- موقعیت قرارگیری بنا



- تصویر هوایی

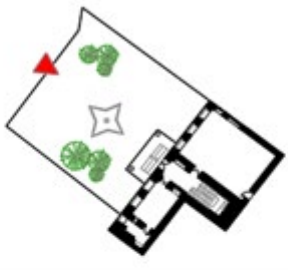
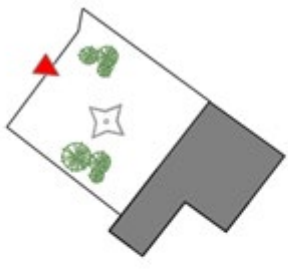
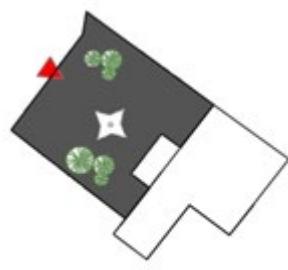
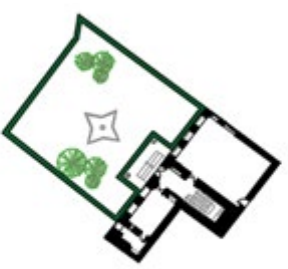
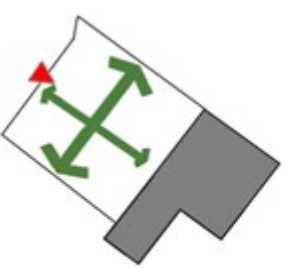
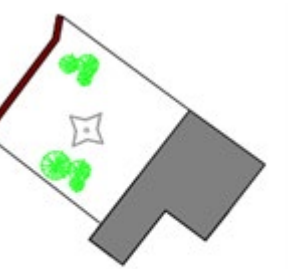
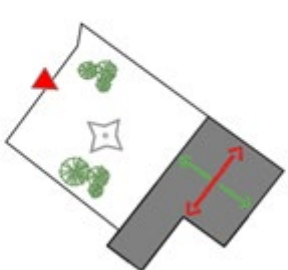
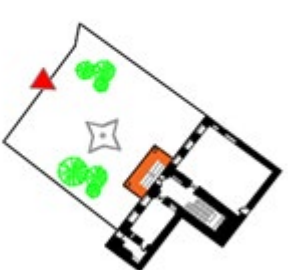
این بنا مربوط به دوره اوایل پهلوی می‌باشد. این خانه در بافت قدیم شهر شیراز قرار دارد. کاربری پیشین این بنا مسکونی بوده و همچنان با همان کاربری فعالیت دارد.

این خانه در نزدیکی مجموعه زندیه و در مجاورت خانه محتشم قرار گرفته است. ورودی بنا از جبهه غربی است. ساخت و ساز در ضلع شرقی قرار گرفته و قسمتی از ساخت و ساز نیز در قسمت جنوبی قرار دارد. ساختمان در دو طبقه بوده و در طبقه دوم ایوان کوچکی وجود دارد. نماسازی با استفاده از آجرکاری و قسمتی کاشی کاری صورت گرفته. از تزیینات داخلی بنا نیز می‌توان به نقاشی روی سقف اشاره کرد.

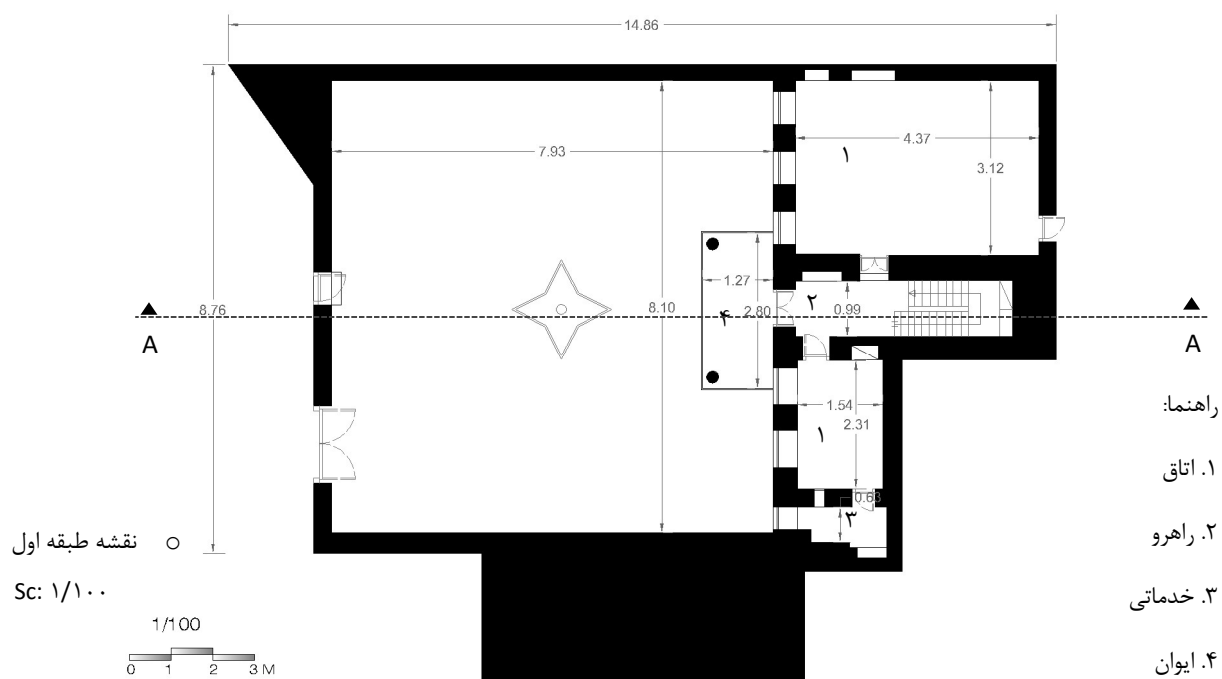
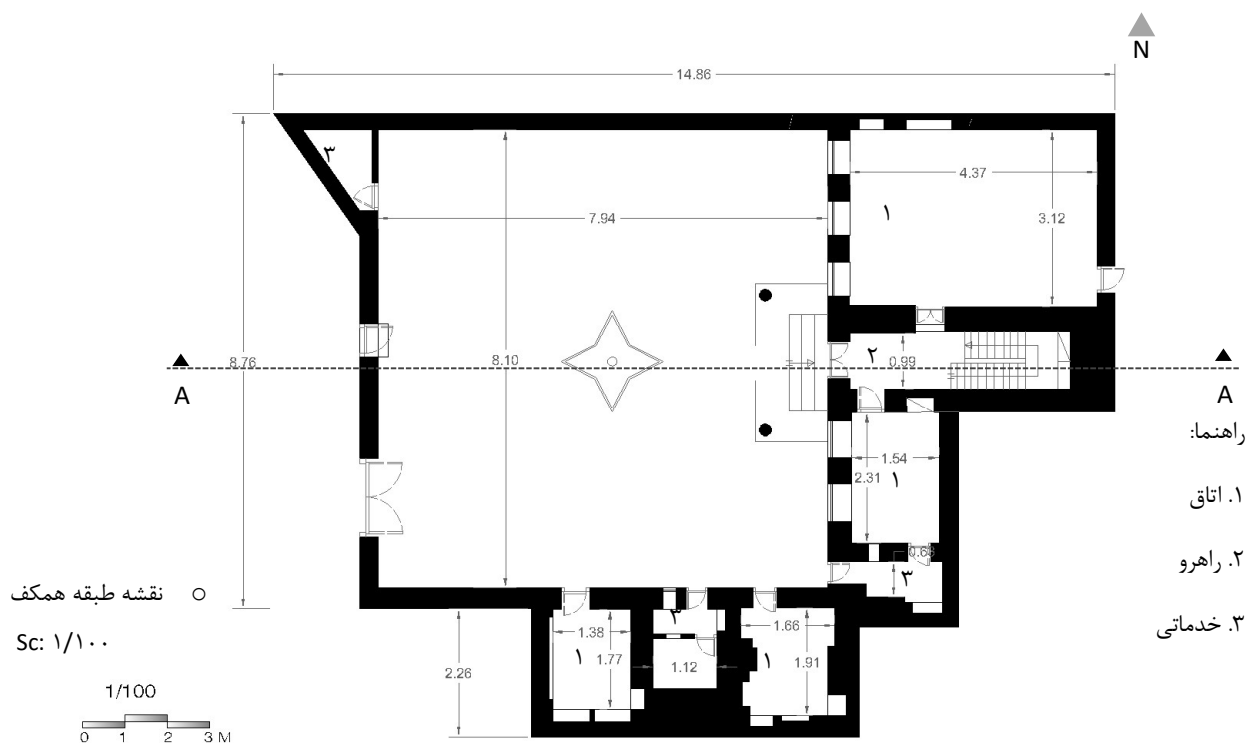
در حیاط نیز حوض سنگی به شکل ستاره وجود دارد.

جدول مساحت بنا:

طول ۱۳ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۹ متر	۴۶۰ متر مربع	طبقه همکف ۴۵۰ متر مربع	۱۵۵۰ متر مربع	۳۵٪		۳,۳ مترمربع
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۴۵۰ متر مربع				

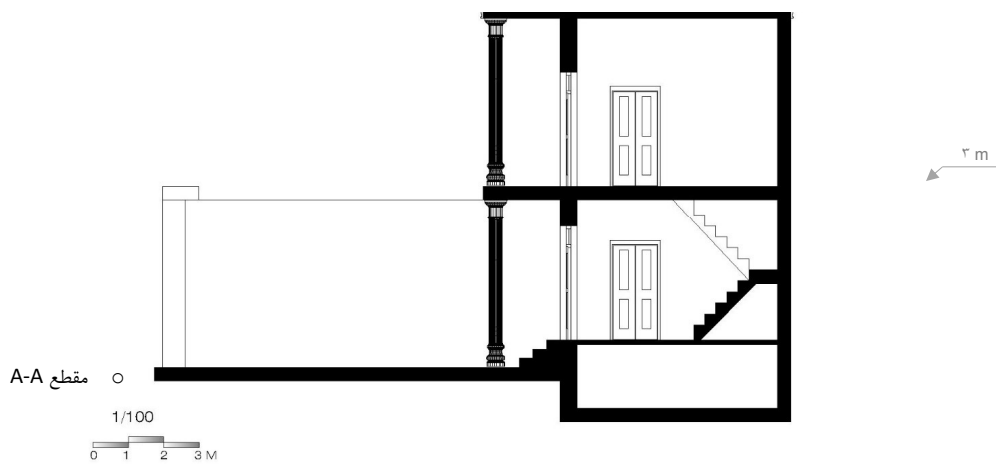
مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۴۶۰ مترمربع	مساحت توده: ۱۶۵ مترمربع	مساحت فضای باز: ۲۹۵ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشغال بنا ۳۵٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما





○ نمای شرقی
1/100
0 1 2 3 M



○ مقطع A-A

1/100
0 1 2 3 M

تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: تابستان ۱۳۹۸)

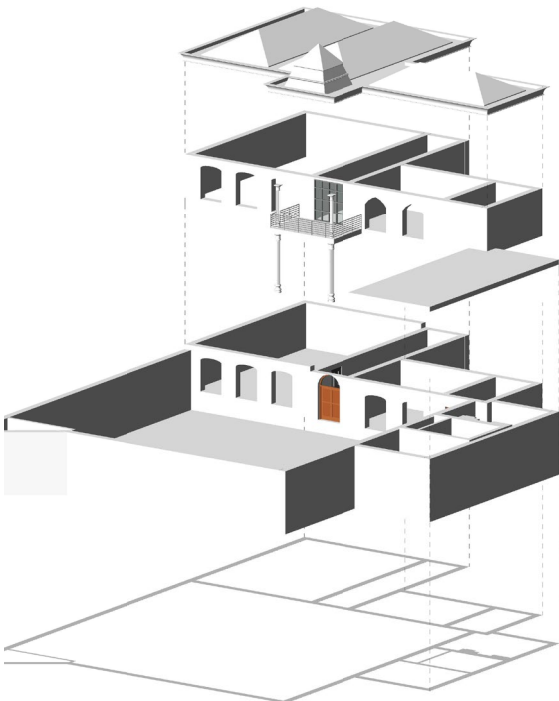
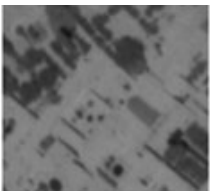


- فضای حیاط



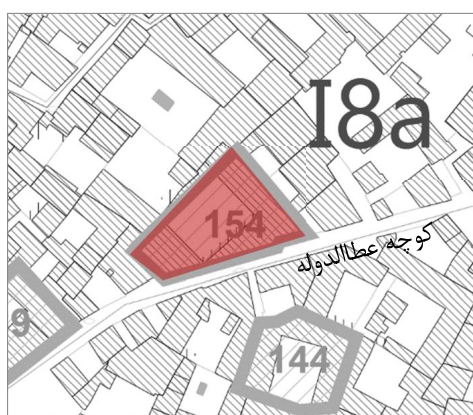
- ضلع شرقی بنا

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده گذاری	فضای سبز
F11a(324)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
			
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۲۲: I8a (154) - خانه خواسته

کد بنا	I8a (154)	نشانی	بازارچه فیل، کوچه عطالدوله، پلاک ۵۳			منطقه شهرداری	منطقه ۸
شماره ثبت	۸۶۵۴	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	خواسته
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	در حال مرمت	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	این بنا هم‌اکنون مالکیت شخصی داشته و در حال مرمت است.						
گونه شناسی	نوع گونه	سه طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی- جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	سه طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	شرقی	جهت استقرار توده	شمال، جنوب و شرق	



- موقعیت قرارگیری بنا

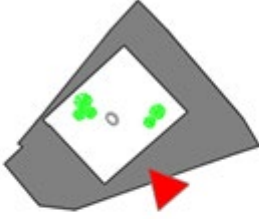
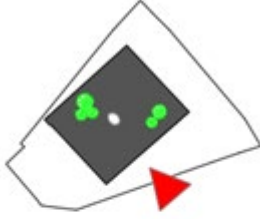
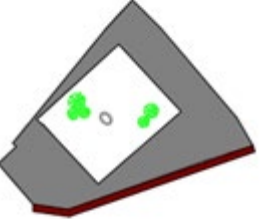
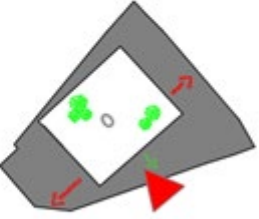


- تصویر هوایی

این بنا مربوط به دوره اوایل پهلوی می‌باشد. این خانه در بافت قدیم شهر شیراز قرار دارد. کاربری پیشین این بنا مسکونی بوده و در حال حاضر در حال مرمت می‌باشد. ساخت‌وساز در سه طرف و در قسمت‌های شمالی، جنوبی و شرقی بنا است. ورودی نیز از ضلع شرقی است. این بنا در دو طبقه ساخته شده و در تزیینات نما از آجرکاری ساده استفاده شده. تزیینات نما در جبهه شرقی این بنا نشان‌دهنده دوره قاجار در این ضلع می‌باشد. اما تزیینات جبهه‌های دیگر که به صورت ساده انجام شده و همچنین تناسب در ارتفاع، نشان‌دهنده دوره پهلوی در این بنا است. در دیگر تزیینات این بنا می‌توان به گره‌چینی اشاره داشت.

جدول مساحت بنا:

طول ۲۵ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۲۰ متر	۳۷۶ متر مربع	طبقه همکف ۲۲۵ متر مربع	۱۵۱ متر مربع	۵۹٪	فاقد ایوان	-
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۲۲۵ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۳۷۶ مترمربع	مساحت توده: ۲۲۵ مترمربع	مساحت فضای باز: ۱۵۱ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشتغال بنا ۵۹٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	بدون ایوان نیمه باز	

نقشه و نما

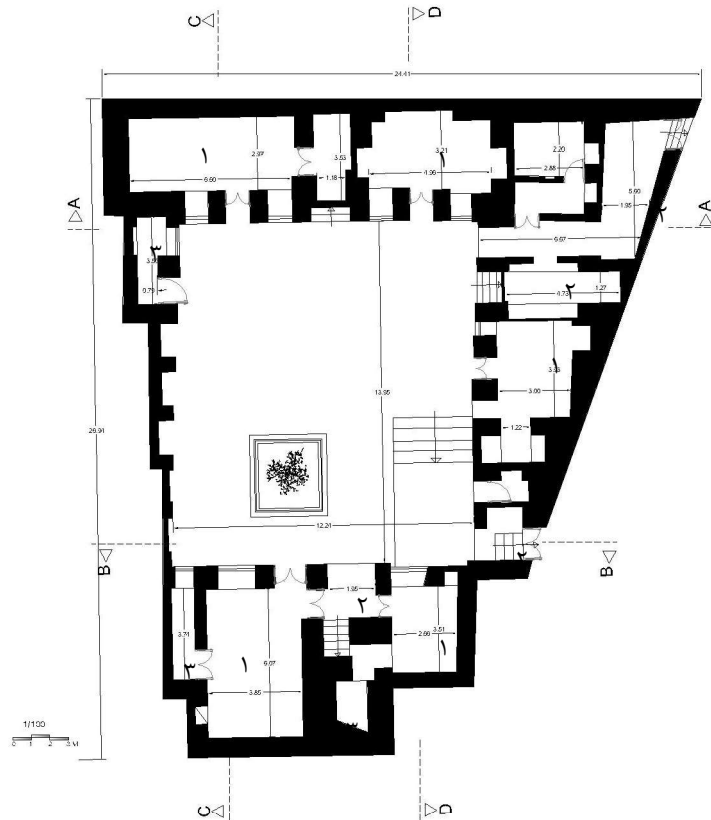


راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. خدماتی



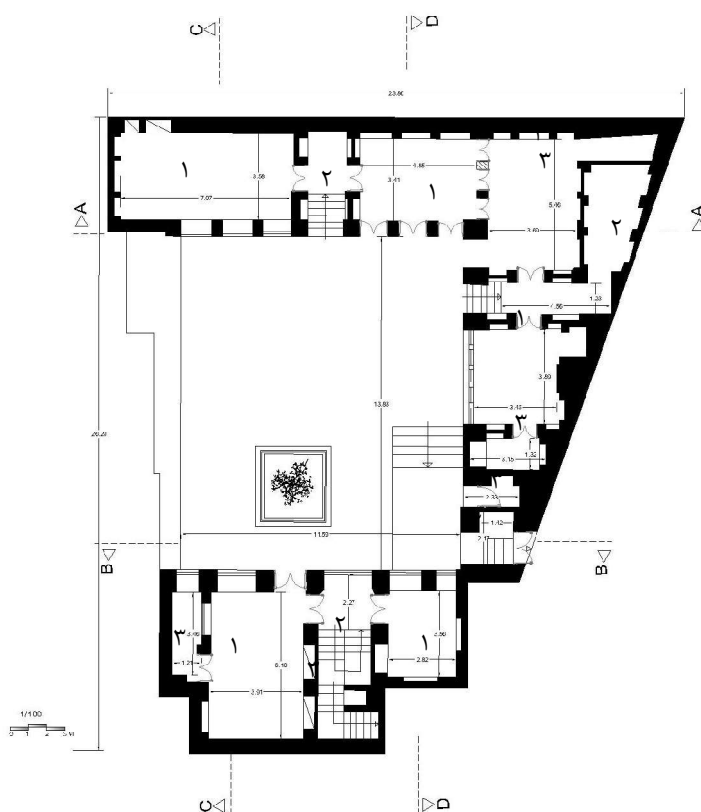
○ نقشه طبقه همکف
Sc: ۱/۱۰۰

راهنما:

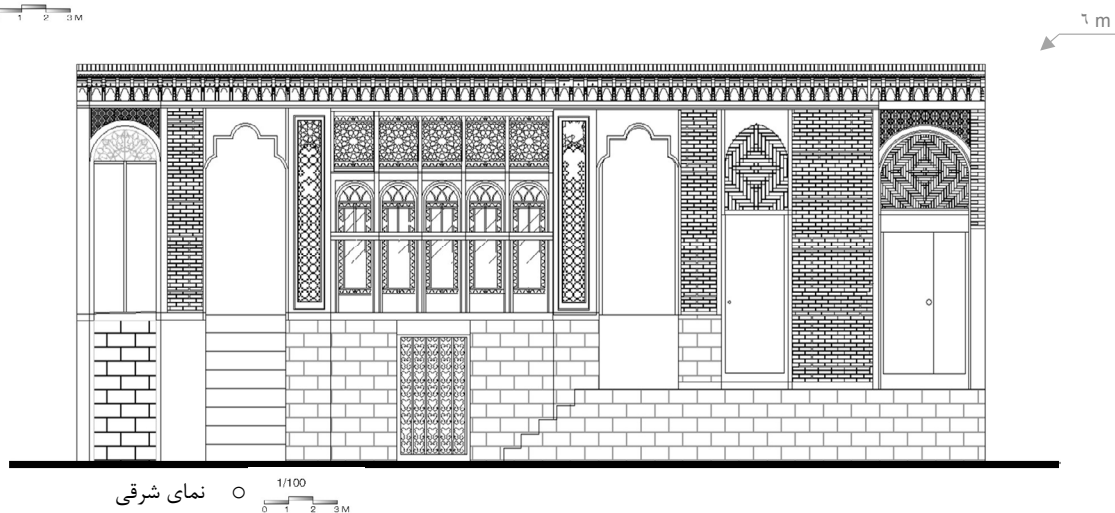
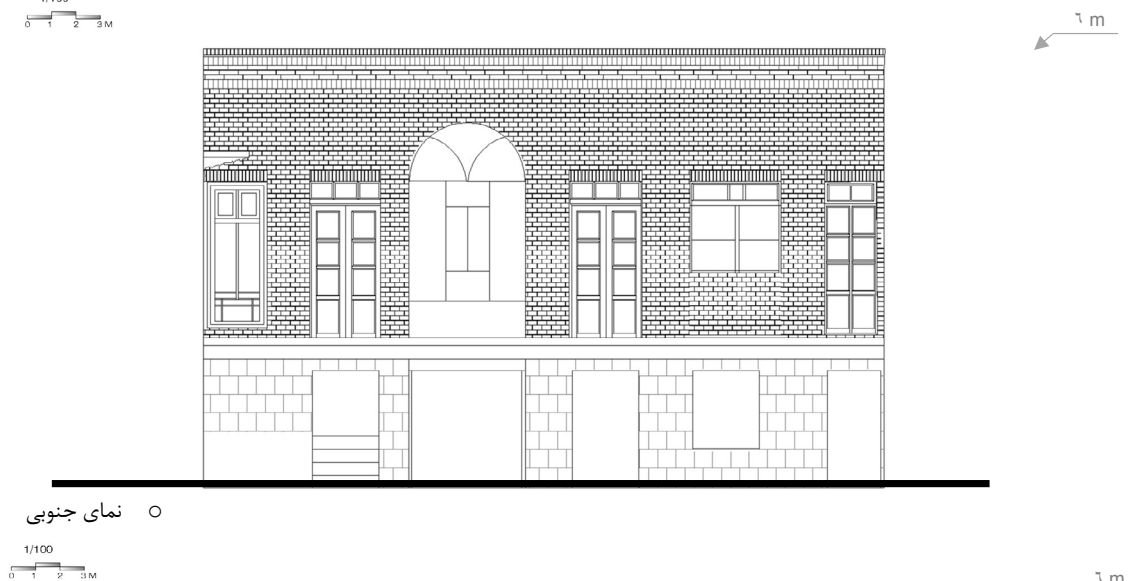
۱. اتاق

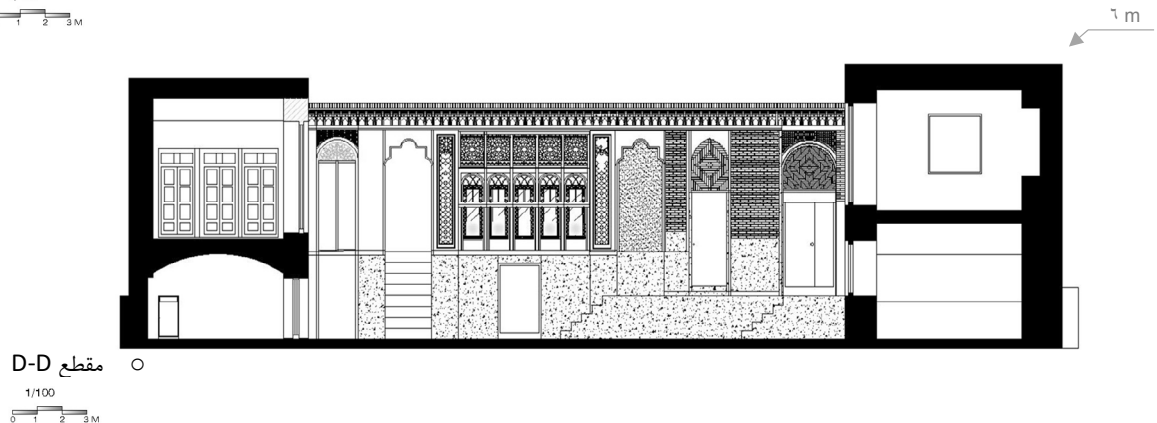
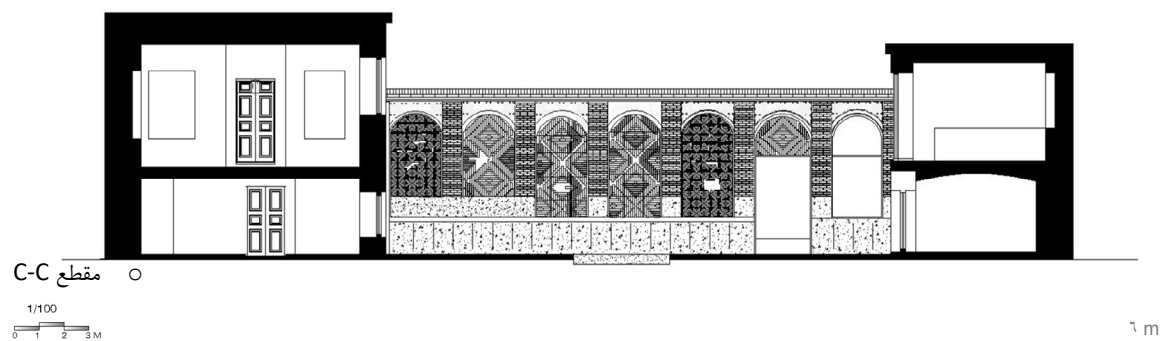
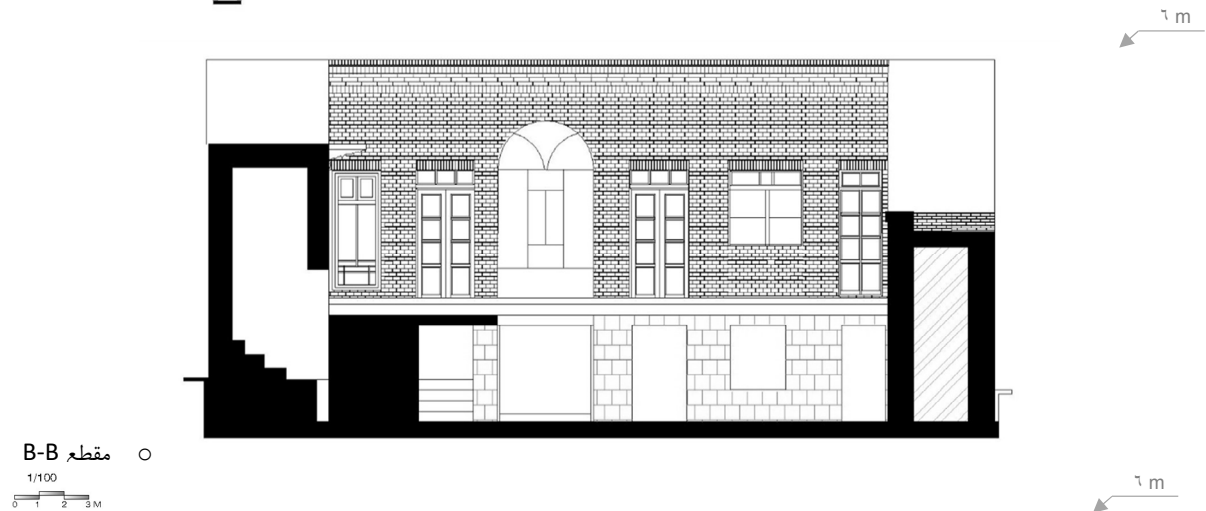
۲. راهرو

۳. خدماتی



○ نقشه طبقه اول
Sc: ۱/۱۰۰





تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: تابستان ۱۳۹۹)



- جداره شمالی بنا قبل از مرمت

- جداره شرقی بنا



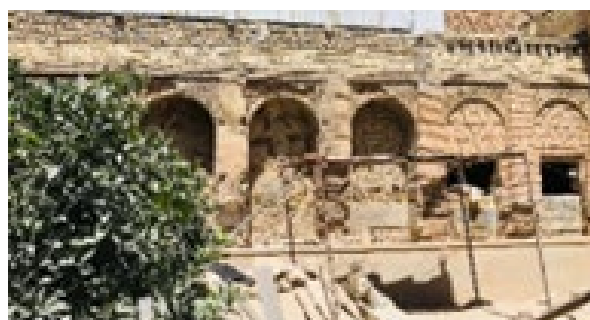
- نمای کلی حیاط

- جبهه غربی بنا

- جبهه جنوبی بنا



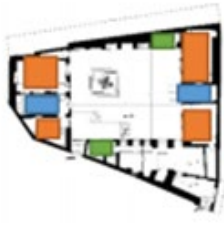
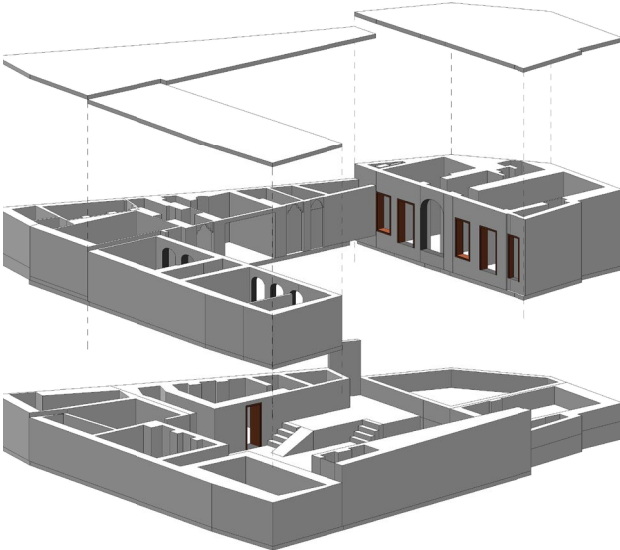
- تزیینات سقف و گره چینی بنا



- نمای کلی حیاط

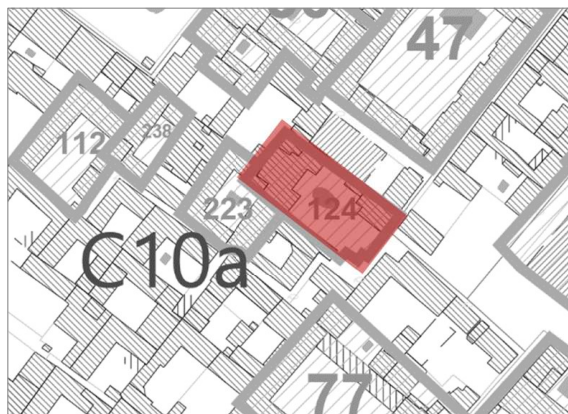
- جبهه غربی بنا

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■) ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی (■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
18a(154)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۲۳: C10a (124) - خانه مهندسی

کد بنا	C10a (124)	نشانی	محله میدان شاه. کوچه بن بست مهندسی			منطقه شهرداری	منطقه ۸
شماره ثبت	۶۰۶۱	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	مهندسی
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	ابوالقاسم مهندسی	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	این بنا در حال حاضر کاربری مسکونی با مالکیت شخصی دارد.						
گونه شناسی	نوع گونه	یک طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی - جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	یک طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	شمالی از حیاط	جهت استقرار توده	جنوب	



- موقعیت قرارگیری بنا

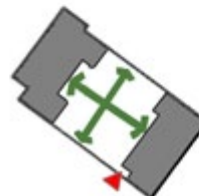
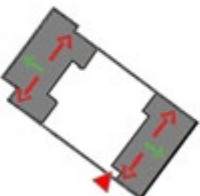


- تصویر هوایی

این بنا مربوط به دوره اوایل پهلوی می‌باشد. معمار این بنا ابوالقاسم مهندسی بوده اکنون متعلق به فرزند آن مرحوم است. این خانه در بافت قدیم شهر شیراز قرار دارد. کاربری پیشین این بنا مسکونی بوده و همچنان با همان کاربری فعالیت دارد. در ضلع غربی حیاط دیواری است که با برگ‌های درخت نارنج پوشیده شده در این ضلع حیات یک سرویس حمام دیگر قرار دارد. در ضلع شمالی عمارت اصلی و شاه‌نشین قرار گرفته که از نور مطلوب جنوب بهره می‌برد. طبقه همکف شامل سه‌دری و در طبقه بالای آن یک ایوان و تالار قرار دارد. این بنا در طبقه همکف خود شامل پنج اتاق و انبار بزرگ و همچنین دو سرویس حمام و یک سرویس بهداشتی است.

جدول مساحت بنا:

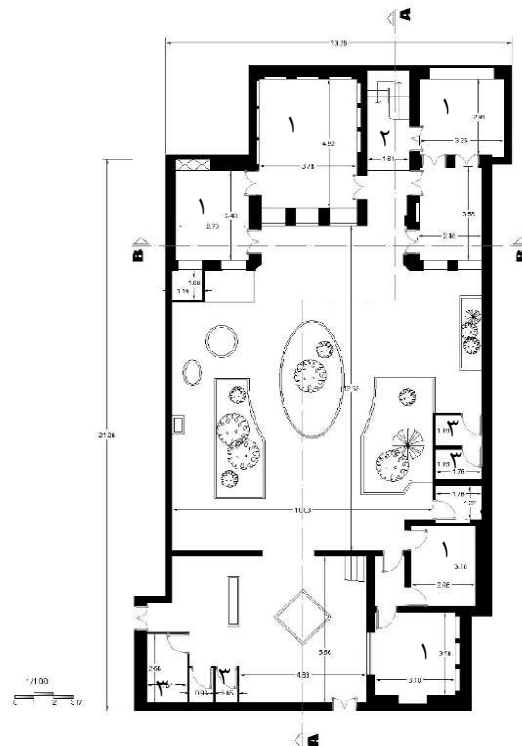
طول ۲۵ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۱۷ متر	۴۲۲ متر مربع	طبقه همکف ۱۷۵ متر مربع	۲۴۷ متر مربع	۴۱٪		۱۱ متر مربع
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۱۷۵ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۴۲۲ متر مربع	مساحت توده: ۱۷۵ متر مربع	مساحت فضای باز: ۲۴۷ متر مربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشغال بنا ۴۱٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما



○ نقشه طبقه همکف
Sc: ۱/۱۰۰



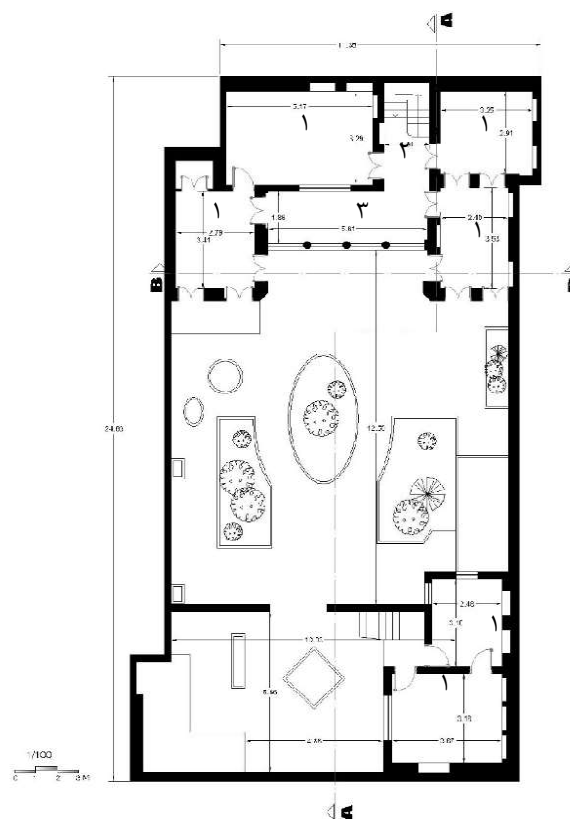
راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. خدماتی

○ نقشه طبقه اول
Sc: ۱/۱۰۰



راهنما:

۱. اتاق

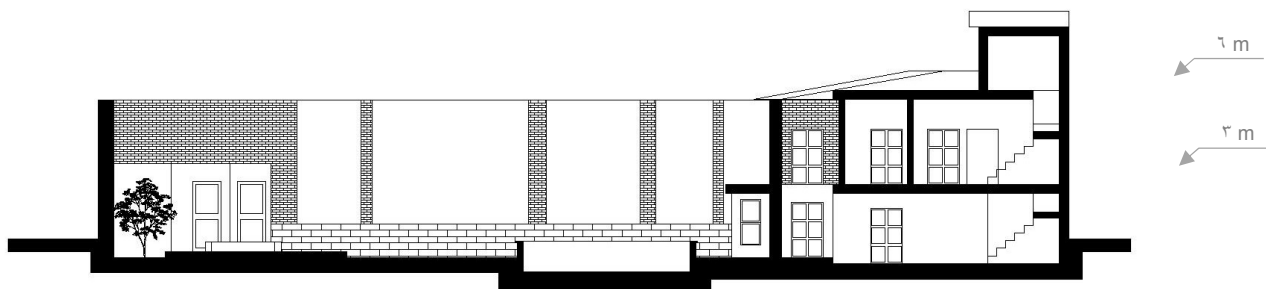
۲. راهرو

۳. ایوان



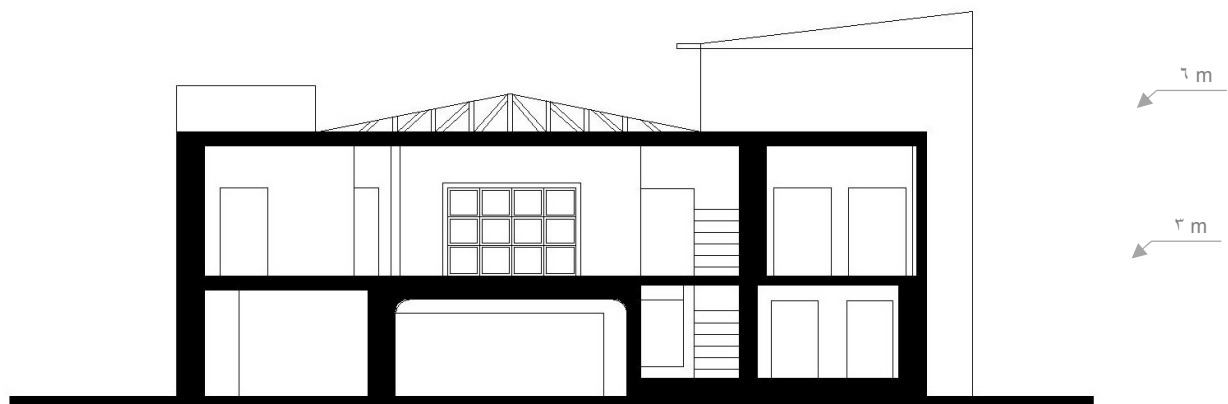
○ نمای شمالی

1/100
0 1 2 3 M



○ مقطع A-A

1/100
0 1 2 3 M



○ مقطع B-B

1/100
0 1 2 3 M

تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: تابستان ۱۳۹۸)



- حیاط و جبهه جنوبی بنا

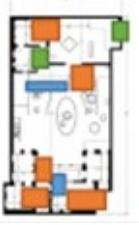


- تزیینات نمای جنوبی



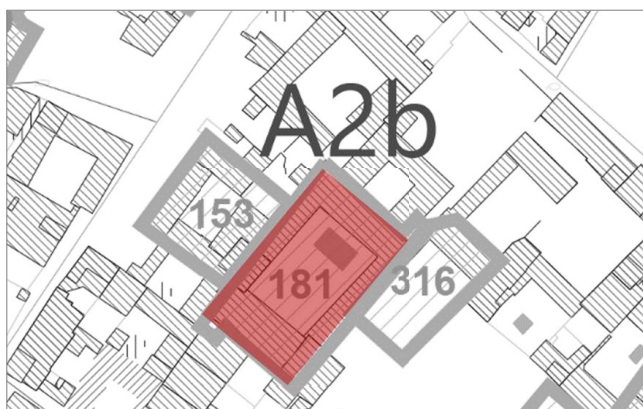
- تزیینات ایوان و حوض حیاط

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
C10a(124)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۲۴: A2b (181) - خانه انجوی بهبهانی

کد بنا	A2b (181)	نشانی	محله میدان شاه، کوچه بن بست مهندسی			منطقه شهرداری	منطقه ۸
شماره ثبت	۸۶۹۲	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	انجوی
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	متروکه	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	ضلع جنوبی بنا متعلق به دوره پهلوی است. کاربری سابق بنا مسکونی و در حال حاضر متروک است.						
گونه شناسی	نوع گونه	چهار طرف ساخت	مصلح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی - جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	چهار طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	شمالی	جهت استقرار توده	جنوب	



- موقعیت قرارگیری بنا

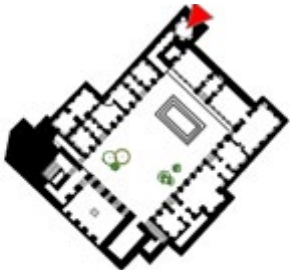
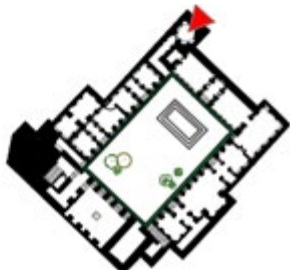
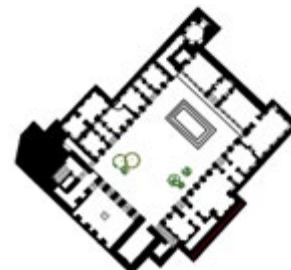
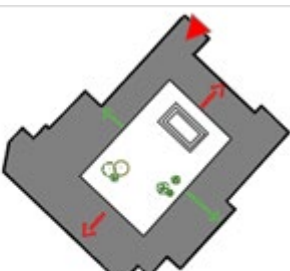


- تصویر هوایی

این بنا مربوط به دوره قاجار بوده و تنها ضلع جنوبی آن متعلق به دوره پهلوی اول می باشد. این خانه در بافت قدیم شهر شیراز قرار دارد. کاربری پیشین این بنا مسکونی بوده و اکنون به صورت متروک درآمده است. ورودی بنا از جبهه شمالی و از هشتی است. این بنا چهار طرف ساخت بوده و قسمت های قاجاری با زیرزمین و یک طبقه است؛ در صورتی که قسمت پهلوی دارای طبقه همکف و اول با ارتفاع بیشتر است. در نماسازی قسمت های قاجاری از تزیینات کاشی و آجر استفاده شده، اما در قسمت پهلوی تزیینات ساده آجرکاری مختص این دوره به چشم می خورد. از دیگر ویژگی منحصر به فرد این بنا در قسمت قاجاری، می توان به وجود حمام در ضلع شمالی اشاره کرد. در حیاط نیز حوض سنگی به شکل مستطیل وجود دارد.

جدول مساحت بنا:

طول ۱۹,۸ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۱۷,۶ متر	۷۳۰ متر مربع	طبقه همکف ۵۳۵ متر مربع	۱۹۵ متر مربع	۷۳٪	فاقد ایوان	-
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۵۳۵ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۷۳۰ مترمربع	مساحت توده: ۵۳۵ مترمربع	مساحت فضای باز: ۱۹۵ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا		بدون ایوان	سطح اشتغال بنا ۷۳٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده		مساحت فضای نیمه باز

نقشه و نما



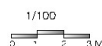
راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. خدماتی

○ نقشه طبقه همکف
 Sc: ۱/۱۰۰



1/100
 0 1 2 3 M

راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. خدماتی

○ نقشه طبقه اول
 Sc: ۱/۱۰۰

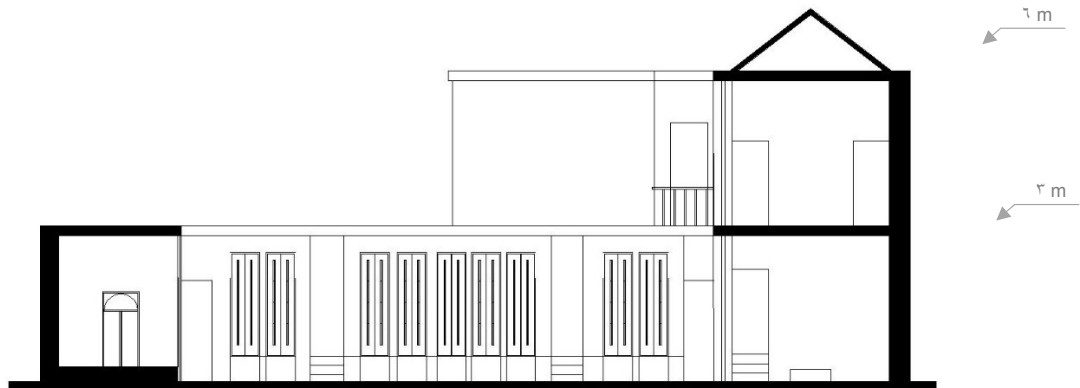


1/100
 0 1 2 3 M



○ نمای جنوبی

1/100



1/100



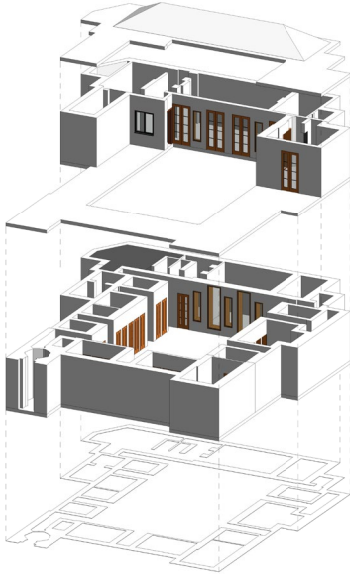
○ مقطع A-A

تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: تابستان ۱۳۹۹)



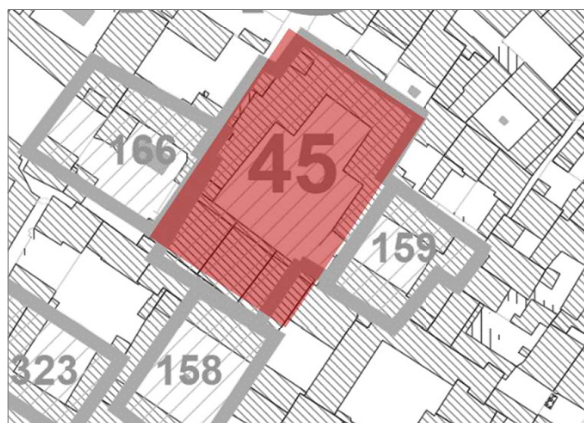
- جبهه جنوبی بنا

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده گذاری	فضای سبز
A2b(181)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
			
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۲۵: (45) A5 - خانه رجبعلی هوایی

کد بنا	(45) A5	نشانی	بلوار شهید دستغیب، نبش خیابان ۹ دی			منطقه شهرداری	منطقه ۸
شماره ثبت	۱۵۶۳	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	رجبعلی
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	این بنا در گذشته کاربری مسکونی با مالکیت شخصی داشته، در حال حاضر متعلق به شهرداری شیراز بوده و در حال مرمت است.						
گونه شناسی	نوع گونه	چهار طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی - جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	چهار طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	شمالی	جهت استقرار توده	جنوب	



- موقعیت قرارگیری بنا -

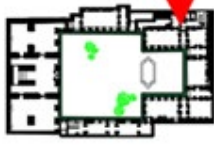
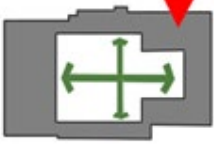
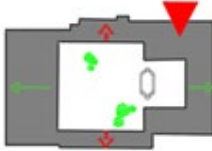


- تصویر هوایی -

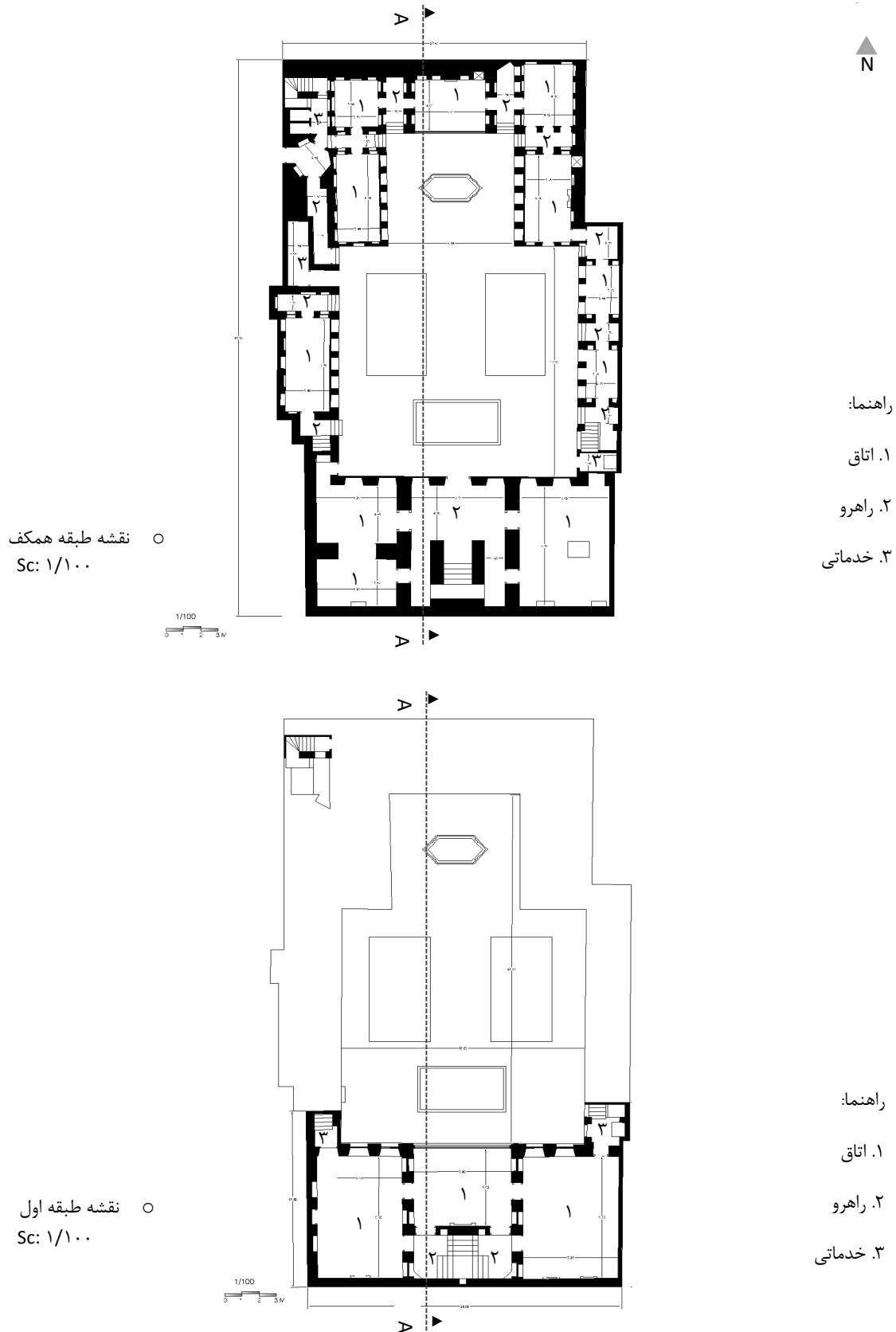
ضلع شمالی این بنا مربوط به دوره قاجار بوده و تنها ضلع جنوبی آن متعلق به دوره پهلوی اول می‌باشد. این خانه در بافت قدیم شهر شیراز قرار دارد. کاربری پیشین این بنا مسکونی بوده و اکنون نیز با کاربری پیشین خود فعالیت دارد. پس از تخریب و خیابان‌کشی ۹ دی، این بنا در مجاورت این خیابان قرار گرفت. ورودی بنا از جبهه شمال غربی و از ورودی هشتی است. این بنا چهار طرف ساخت بوده و تنها جبهه جنوبی با تزیینات منحصر به فرد متعلق به دوره پهلوی نماسازی شده است. در حیاط نیز دو حوض سنگی وجود دارد؛ یکی در جبهه شمالی و دیگری در جبهه جنوبی است. حوض جبهه جنوبی متناسب با دوره و ساده‌تر بوده و به شکل مستطیل است.

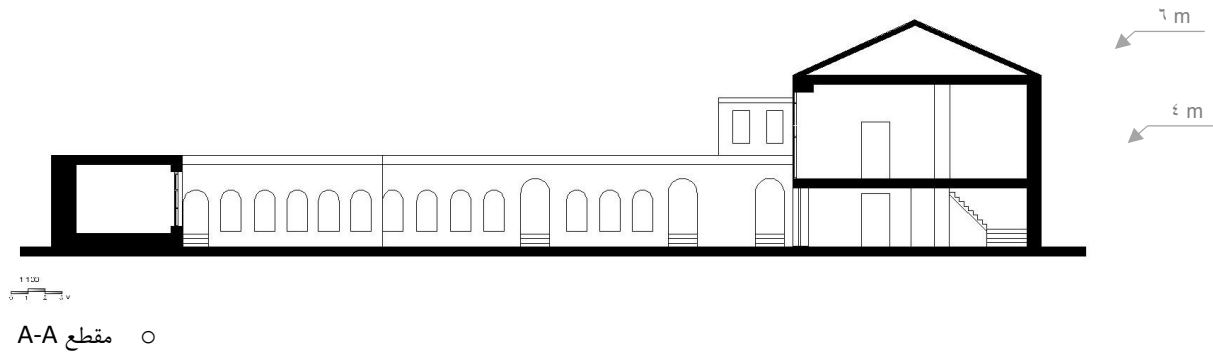
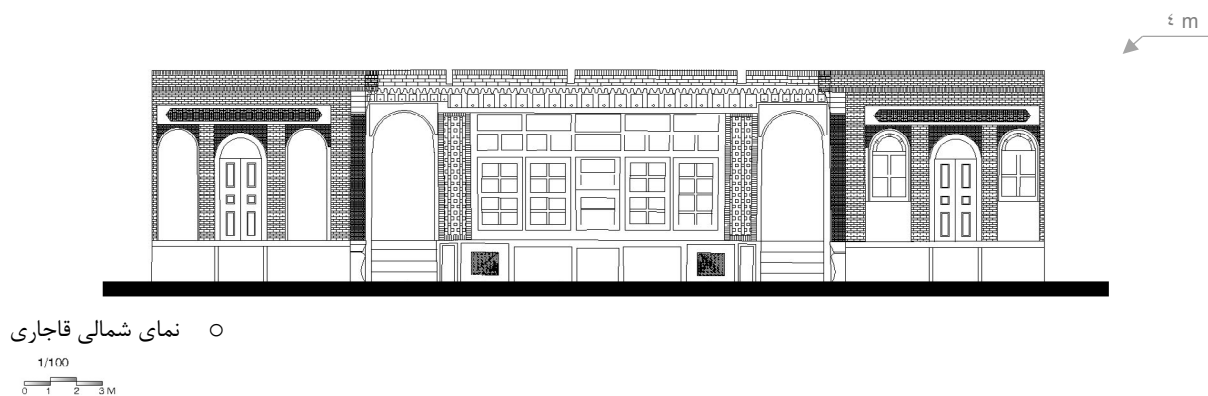
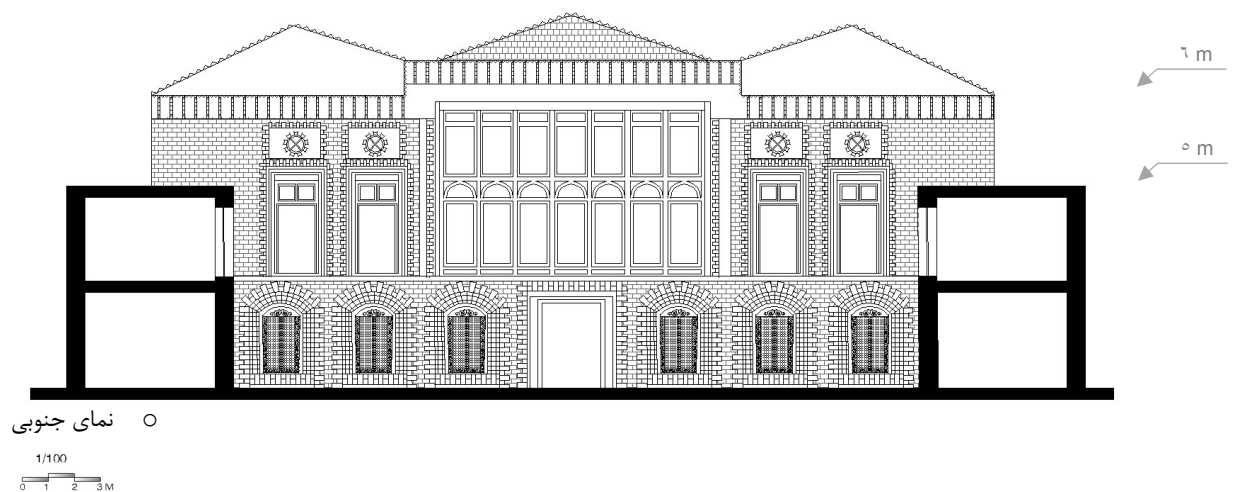
جدول مساحت بنا:

طول ۴۳٫۳۵ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۲۴ متر	۱۰۸۹ متر مربع	طبقه همکف ۵۶۰ متر مربع	۵۲۹ متر مربع	۵۱٪	فاقد ایوان	-
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۵۶۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۱۰۸۹ مترمربع	مساحت توده: ۵۶۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۵۲۹ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا		بدون ایوان	سطح اشتغال بنا ۵۱٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده		مساحت فضای نیمه باز

نقشه و نما





تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: تابستان ۱۳۹۸)

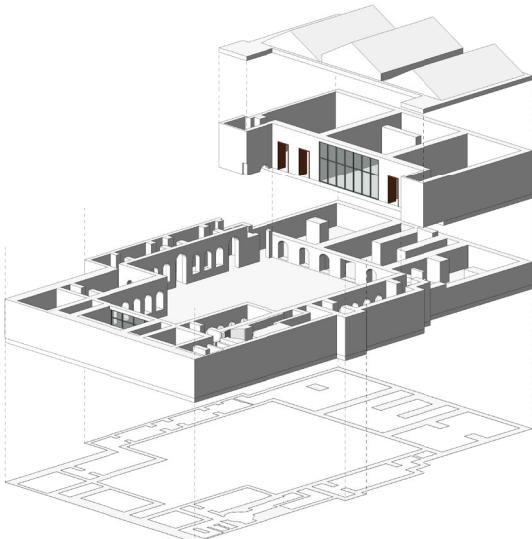


- نمای حیاط



- جبهه جنوبی بنا

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
A5(45)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۲۶: A9b (139) - خانه دانش (نصر)

کد بنا	A9b (139)	نشانی	بلوار شهید دستغیب، نبش خیابان ۹ دی			منطقه شهرداری	منطقه ۸
شماره ثبت	۲۲۷۶	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	نصر
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	جبهه شرقی این بنا متعلق به دوره پهلوی اول می‌باشد.						
گونه شناسی	نوع گونه	سه طرف ساخت	مصالح نما	آجر و کاشی	کشیدگی زمین	شمالی - جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	سه طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	جنوبی	جهت استقرار توده	شمال، جنوب و شرق	



- موقعیت قرارگیری بنا

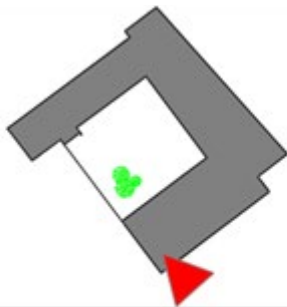
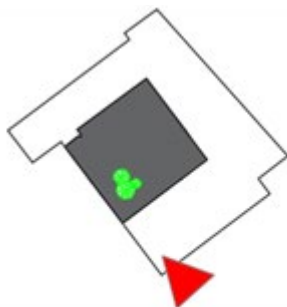
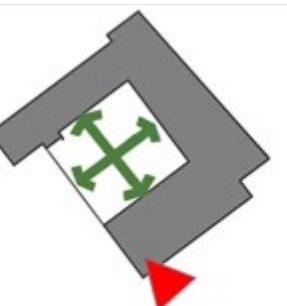
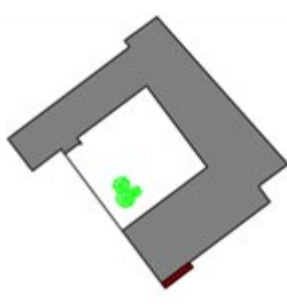
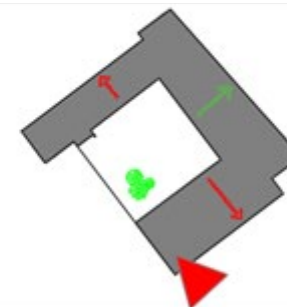
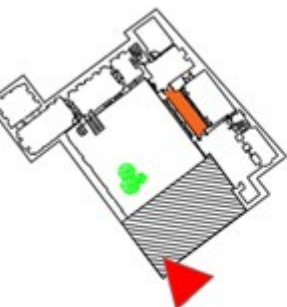


- تصویر هوایی

ضلع شمالی و جنوبی این بنا مربوط به دوره قاجار بوده و تنها ضلع شرقی آن متعلق به دوره پهلوی اول می‌باشد. این خانه در بافت قدیم شهر شیراز قرار دارد. کاربری پیشین این بنا مسکونی بوده و همچنان با همان کاربری پیشین فعالیت دارد. ورودی بنا از جبهه جنوبی و از ورودی هشتی است؛ که با خانه عدلو که در مجاورت آن قرار دارد، مشترک است. این بنا سه طرف ساخت بوده و تنها جبهه شرقی با تزیینات و تناسبات منحصر به دوره پهلوی نماسازی شده است. در حیاط نیز حوض سنگی دایره‌ای شکل وجود دارد.

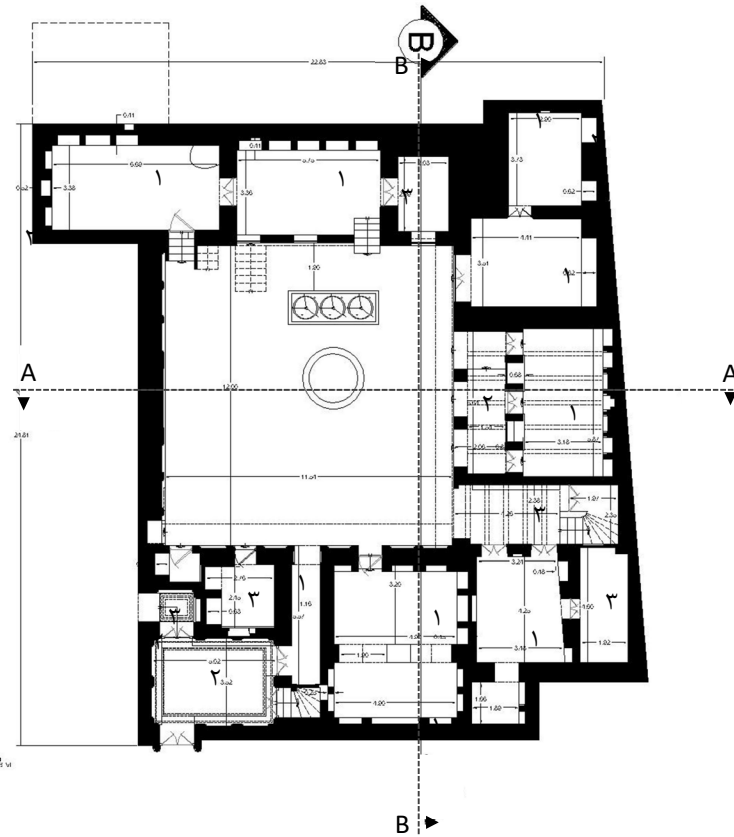
جدول مساحت بنا:

طول ۲۴,۵ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۲۰ متر	۴۲۲ متر مربع	طبقه همکف ۲۱۵ متر مربع	۲۰۷ متر مربع	۵۰٪		۱۲ متر مربع
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۲۱۵ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۴۲۲ مترمربع	مساحت توده: ۲۱۵ مترمربع	مساحت فضای باز: ۲۰۷ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشتغال بنا ۵۰٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

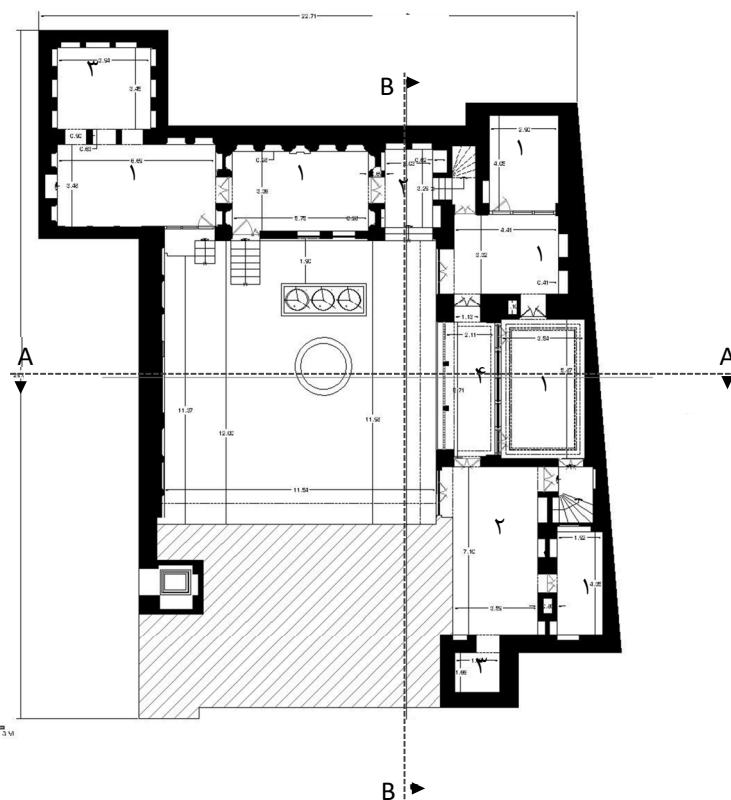
نقشه و نما

N



- راهنما:
۱. اتاق
۲. راهرو
۳. خدماتی

○ نقشه طبقه همکف
Sc: ۱/۱۰۰



- راهنما:
۱. اتاق
۲. راهرو
۳. خدماتی
۴. ایوان

○ نقشه طبقه اول
Sc: ۱/۱۰۰







تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: تابستان ۱۳۹۸)



- نمای کلی حیاط



- جبهه شرقی بنا



- تزیینات ایوان شرقی

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
A9b(139)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	

بنای شماره ۲۷: J9a (29) - خانه افشاریان

کد بنا	J9a (29)	نشانی	خیابان لطفعلی خان زند. خیابان شیخ روزبهان. کوچه ۱۷			منطقه شهرداری	منطقه ۸
شماره ثبت	۱۰۷۲	دوره ساخت	دهه ۱۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	افشاریان
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	این بنا در حال حاضر کاربری مسکونی با مالکیت شخصی دارد.						
گونه شناسی	نوع گونه	چهار طرف ساخت	مصالح نما	آجر و کاشی	کشیدگی زمین	شمالی - جنوبی	
	تعداد طبقات	یک	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	چهار طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	جنوبی	جهت استقرار توده	چهار طرف	



- موقعیت قرارگیری بنا



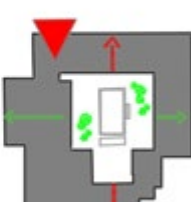
- تصویر هوایی

این بنا متعلق به دوره پهلوی اول می باشد و در بافت قدیم شهر شیراز قرار دارد. کاربری پیشین این بنا مسکونی بوده و همچنان با همان کاربری پیشین فعالیت دارد.

ورودی بنا از جبهه جنوبی و از ورودی هشتی است. این بنا چهار طرف ساخت بوده با تزیینات منحصر به دوره پهلوی نماسازی شده است. این خانه در ابتدا متعلق به برادر قوام الملک معروف به مستشیر السلطنه بوده است. بعد از او این خانه توسط محمد سوخته و پس از آن، محمدنبی افشاریان آن را خریداری کرده است. در حال حاضر این بنا در تملک سازمان میراث فرهنگی فارس قرار دارد. در حیاط نیز حوض سنگی مستطیل شکل وجود دارد.

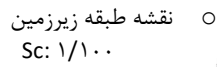
جدول مساحت بنا:

طول ۲۶ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۲۲ متر	۳۴۵ متر مربع	طبقه همکف ۲۰۰ متر مربع	۱۴۵ متر مربع	۵۷٪		۱۶ متر مربع
ارتفاع ۴ متر		طبقه اول ۲۰۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۳۴۵ مترمربع	مساحت توده: ۲۰۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۱۴۵ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشغال بنا ۵۷٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما

نقشه و نما:



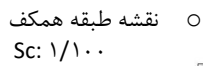
راہنما:

١. اتفاق

۲. راهرو

۳. خدماتی

۴. ایوان



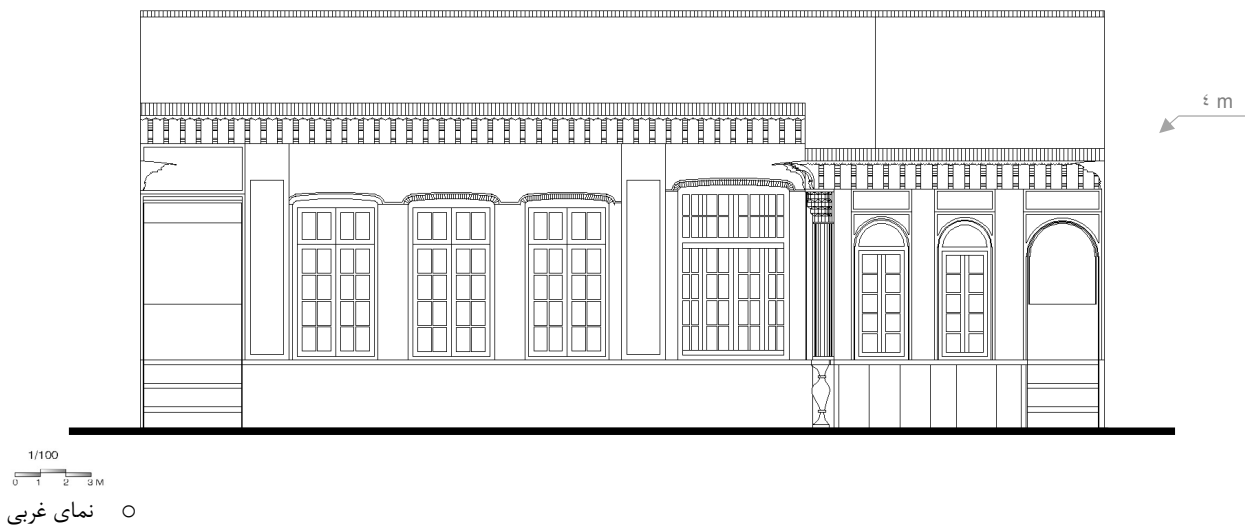
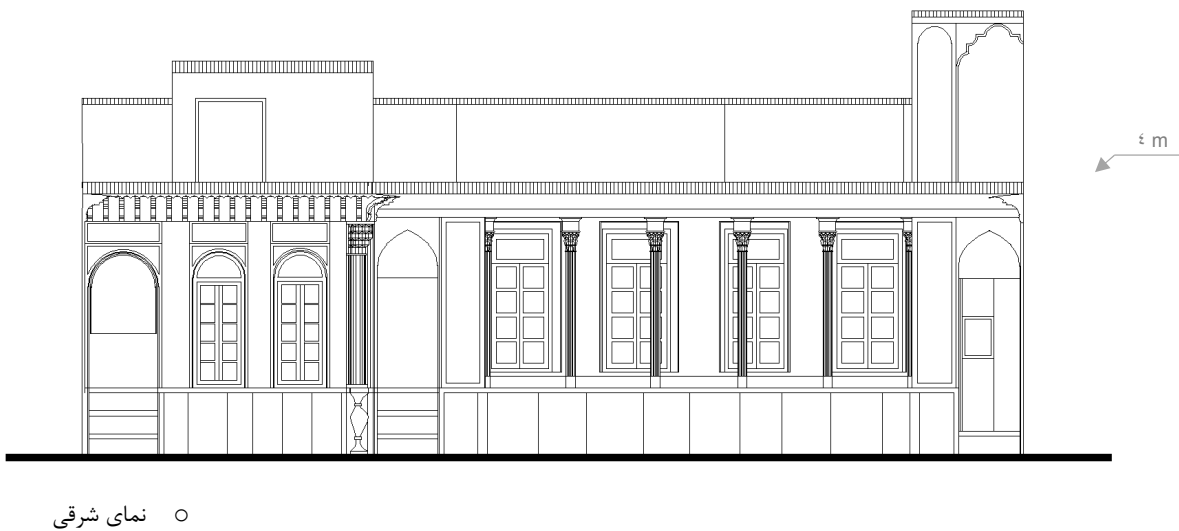
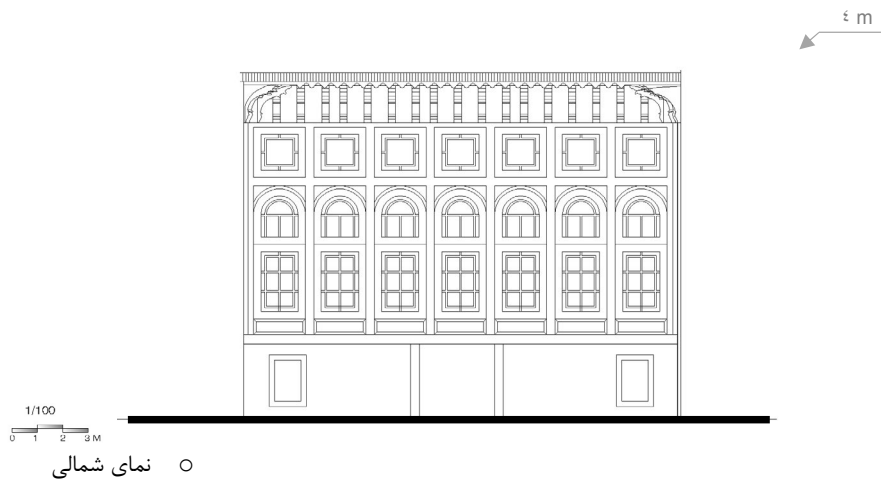
راهنما:

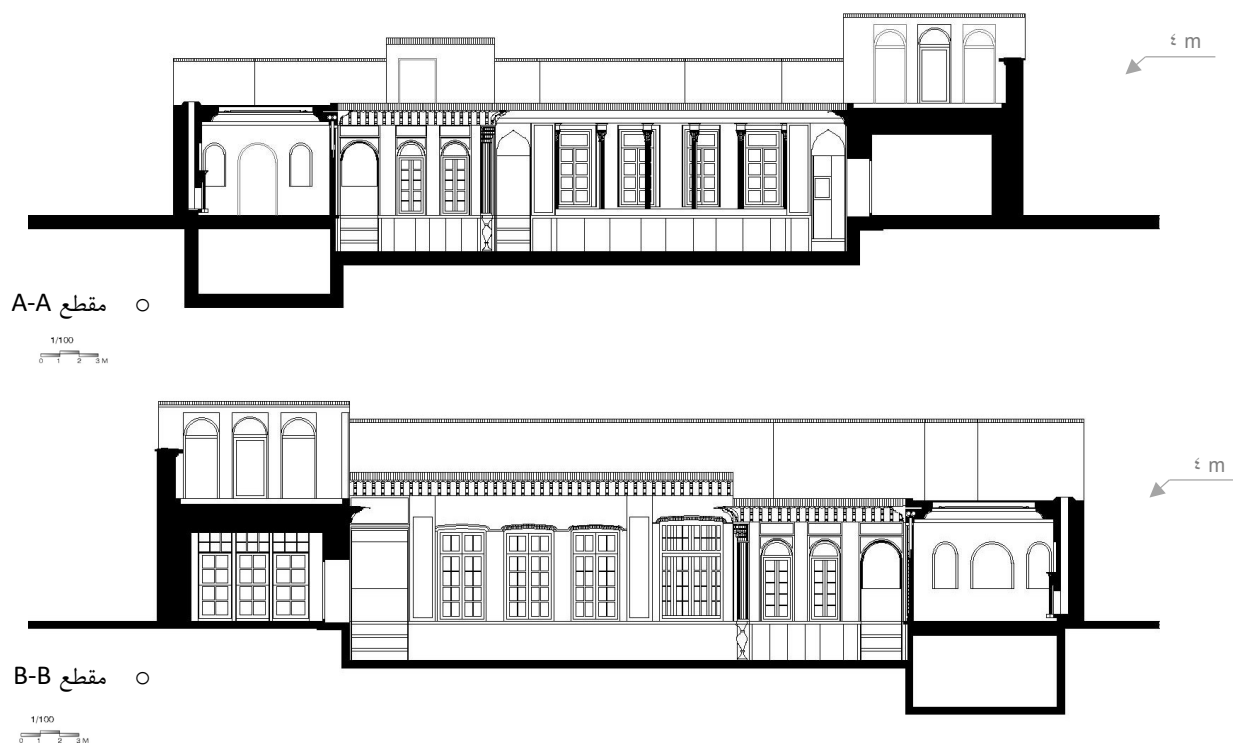
۱. اتفاق

۲. راهرو

۳. خدماتی

۴. ایوان





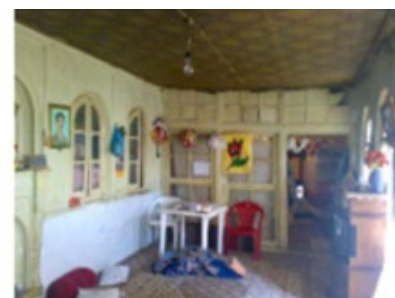
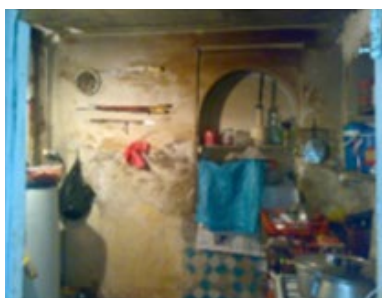
تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: تابستان ۱۳۹۸)



- جبهه جنوبی بنا



- جبهه جنوبی بنا



- فضای داخلی بنا

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
J9a(29)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	

بنای شماره ۲۸: (257) J13 - خانه روحانی

کد بنا	J13 (257)	نشانی	محله درب شیخ. بازارچه حاجی رجب. کوچه دیزی پزها			منطقه شهرداری	منطقه ۸
شماره ثبت	۹۲۶۹	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	روحانی
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	این بنا در حال حاضر کاربری مسکونی با مالکیت شخصی دارد.						
گونه شناسی	نوع گونه	سه طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی - جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	سه طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	جنوبی	جهت استقرار توده	شمال. جنوب و غرب	



- موقعیت قرارگیری بنا

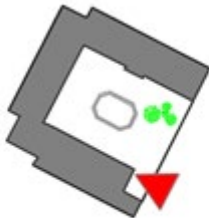
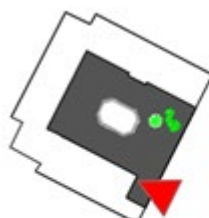
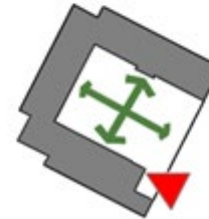
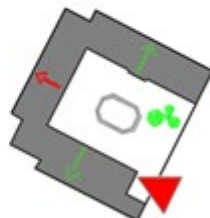


- تصویر هوایی

این بنا متعلق به دوره پهلوی اول می باشد و در بافت قدیم شهر شیراز قرار دارد. کاربری پیشین این بنا مسکونی بوده و همچنان با همان کاربری پیشین فعالیت دارد. ورودی بنا از جبهه جنوبی است. این بنا سه طرف ساخت بوده و تنها جبهه شمالی و غربی بنا دوطبقه ساخته شده است. در تزیینات نمای این خانه از آجرکاری ساده استفاده شده و در جبهه شمالی در قسمت فوقانی پنجره طبقه اول کتیبه کاشی کاری قرار گرفته است. در نماسازی جبهه شمالی و غربی در قسمت طبقه همکف از سنگ های تراش خورده استفاده شده است. در حیاط نیز حوض سنگی وجود دارد.

جدول مساحت بنا:

طول ۲۳,۵ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۲۲ متر	۵۱۷ متر مربع	طبقه همکف ۳۲۲ متر مربع	۱۷۰ متر مربع	۶۲٪	فاقد ایوان	-
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۳۲۲ متر مربع				

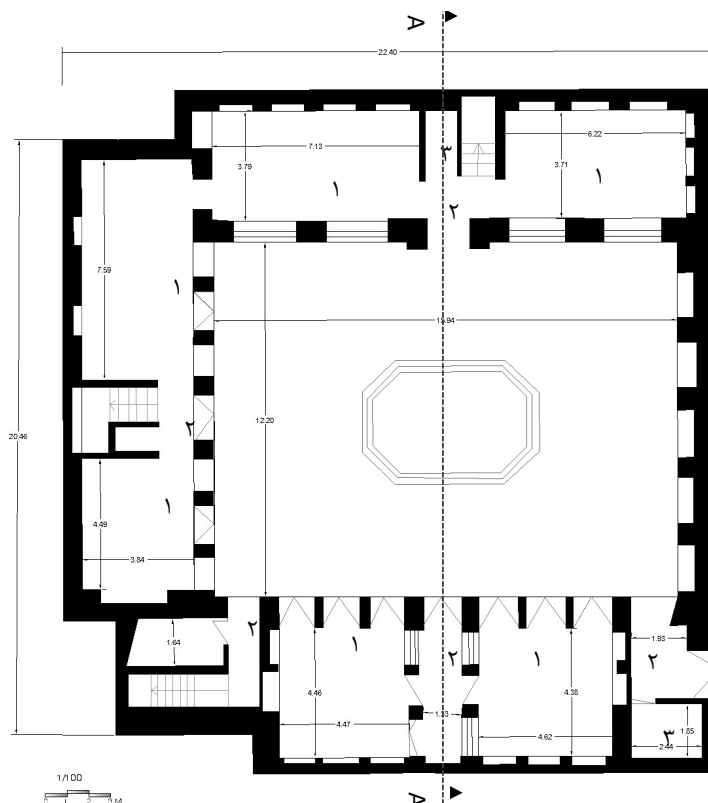
مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۵۱۷ مترمربع	مساحت توده: ۳۲۲ مترمربع	مساحت فضای باز: ۱۹۵ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا		بدون ایوان	سطح اشتغال بنا ۶۲٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده		مساحت فضای نیمه باز

نقشه و نما



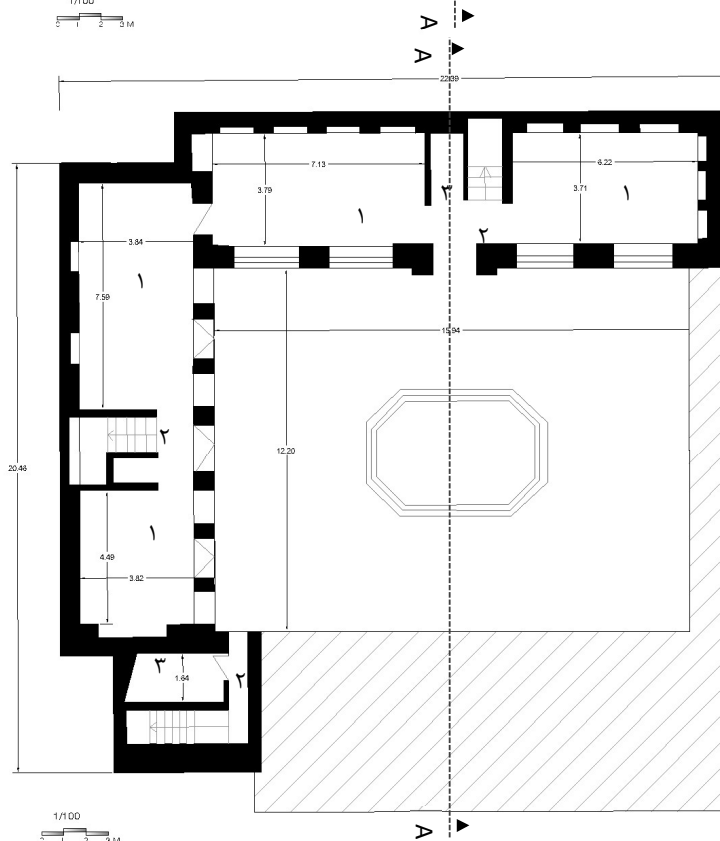
- راهنما:
 ۱. اتاق
 ۲. راهرو
 ۳. خدماتی

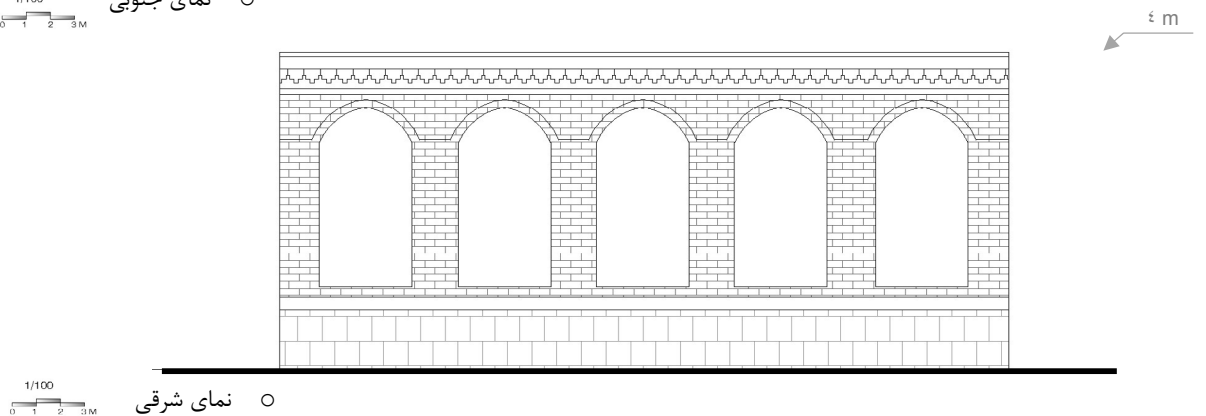
○ نقشه طبقه همکف
 Sc: ۱/۱۰۰

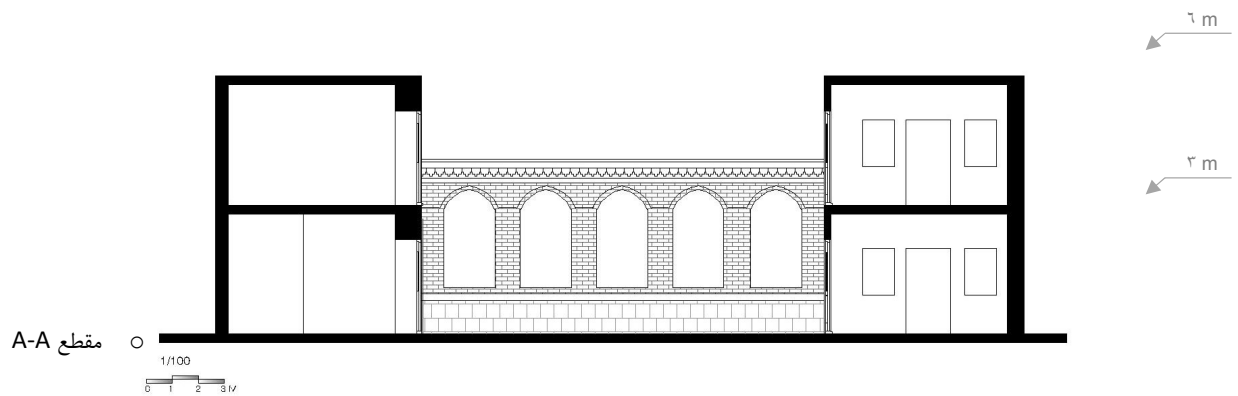


- راهنما:
 ۱. اتاق
 ۲. راهرو
 ۳. خدماتی

○ نقشه طبقه اول
 Sc: ۱/۱۰۰







تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: تابستان ۱۳۹۸)



- جبهه جنوبی بنا



- جبهه غربی بنا



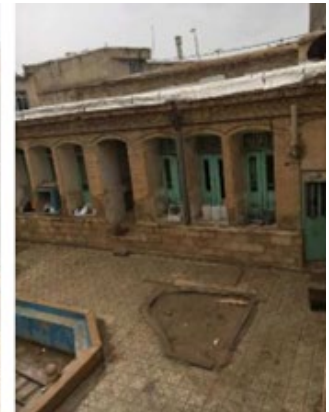
- جبهه شمالی بنا



- جبهه شرقی و حوض سنگی



- جبهه جنوبی بنا



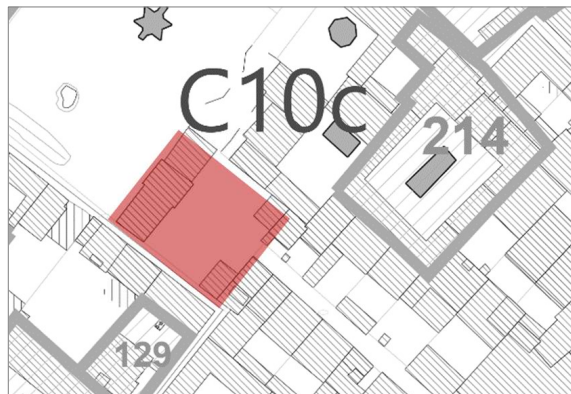
- فضاهای داخلی

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
J13(257)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	

بنای شماره ۲۹: C10c (329) - خانه کریمی

کد بنا	C10c(329)	نشانی	گذر سنگ‌سیاه، بن بست حجاریان. مرکز مستندات انقلاب			منطقه شهرداری	منطقه ۸
شماره ثبت	-	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	کریمی
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	اداری	نام معمار	-	نوع کاربری	اداری
توضیحات	این بنا در گذشته کاربری مسکونی با مالکیت شخصی داشته، هم اکنون در اختیار کانون بازنشستگان استان فارس می باشد.						
گونه شناسی	نوع گونه	سه طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی - جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	سه طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	جنوبی	جهت استقرار توده	شمال. جنوب و غرب	



- موقعیت قرارگیری بنا

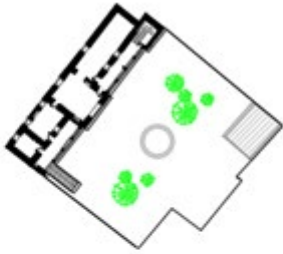
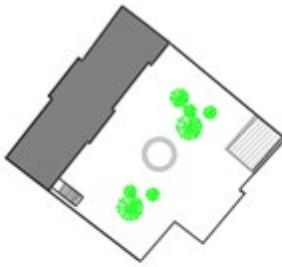
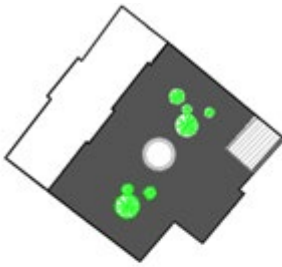
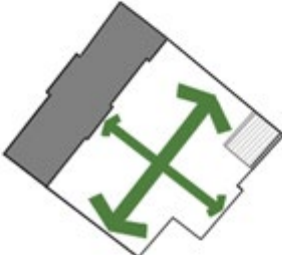
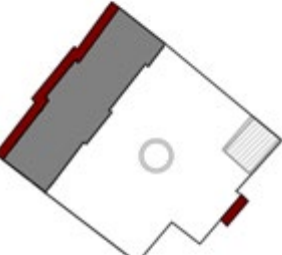
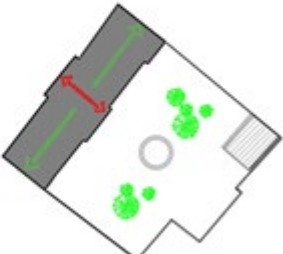
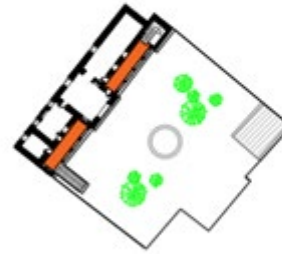


- تصویر هوایی

این بنا متعلق به دوره پهلوی اول می‌باشد و در بافت قدیم شهر شیراز قرار دارد. کاربری پیشین این بنا مسکونی بوده و اکنون در اختیار کانون بازنشستگان کشوری فارس قرار گرفته است. ورودی بنا از جبهه شرقی است. این بنا یک طرف ساخت بوده و در ضلع جنوبی باغ ایلخانی ساخته شده است. در تزیینات نمای این خانه از آجرکاری ساده استفاده شده است. ساخت‌وسازهایی نیز در جبهه شرقی در دوره‌های بعد به بنا الحاق شده‌اند. در حیاط نیز حوض سنگی مستطیل شکل وجود دارد.

جدول مساحت بنا:

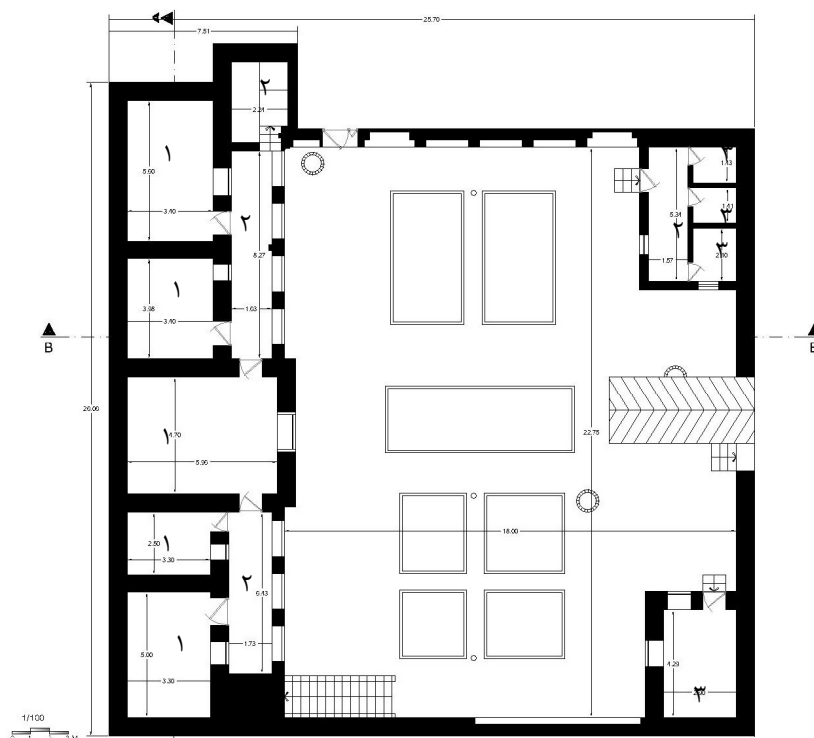
طول ۲۵٫۷ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۲۴ متر	۵۸۵ متر مربع	طبقه همکف ۲۳۵ متر مربع	۳۵۰ متر مربع	۴۰٪		۰۲ متر مربع
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۲۳۵ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۵۸۵ مترمربع	مساحت توده: ۲۳۵ مترمربع	مساحت فضای باز: ۳۵۰ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشغال بنا ۴۰٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما

N

○ نقشه طبقه همکف
 Sc: ۱/۱۰۰



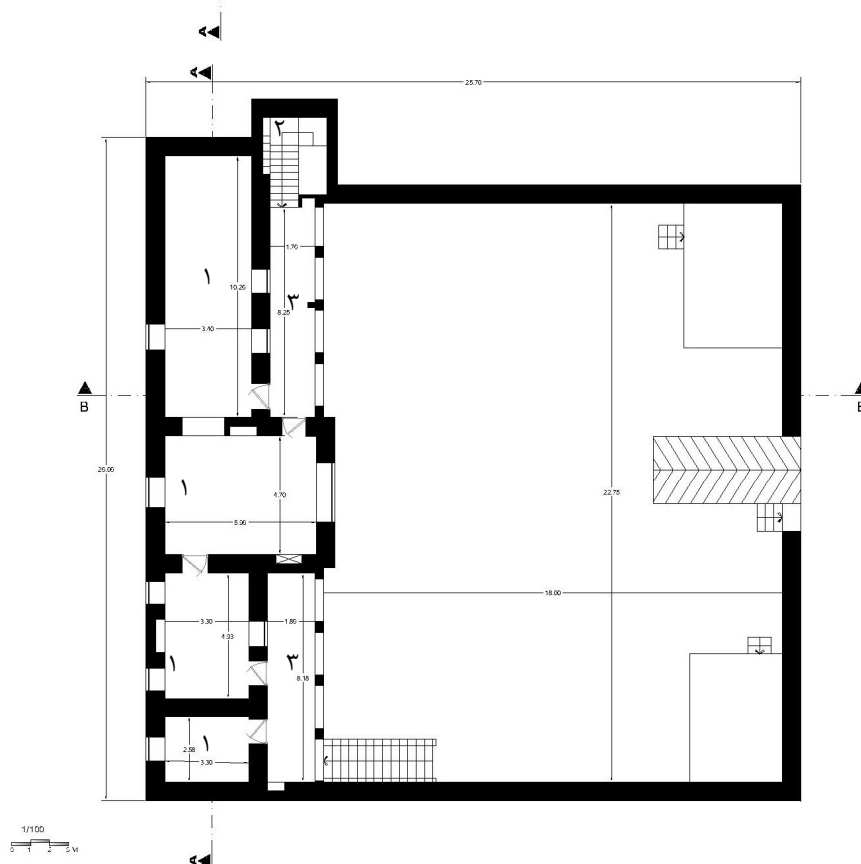
راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. خدماتی

○ نقشه طبقه اول
 Sc: ۱/۱۰۰

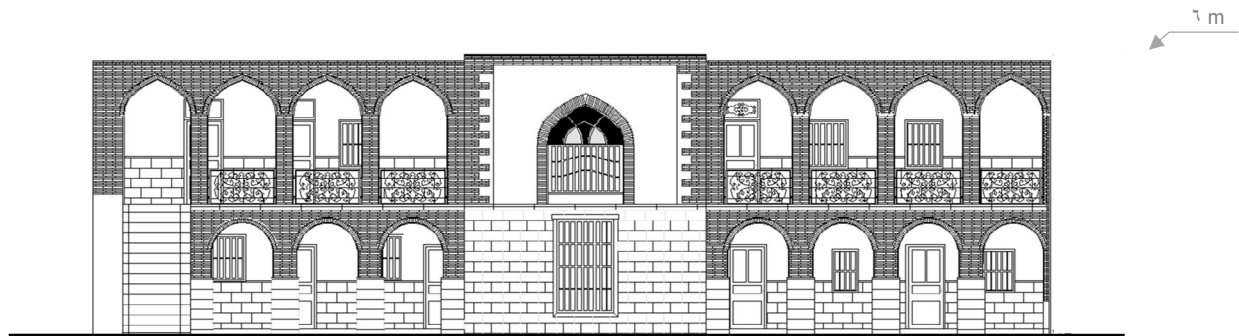


راهنما:

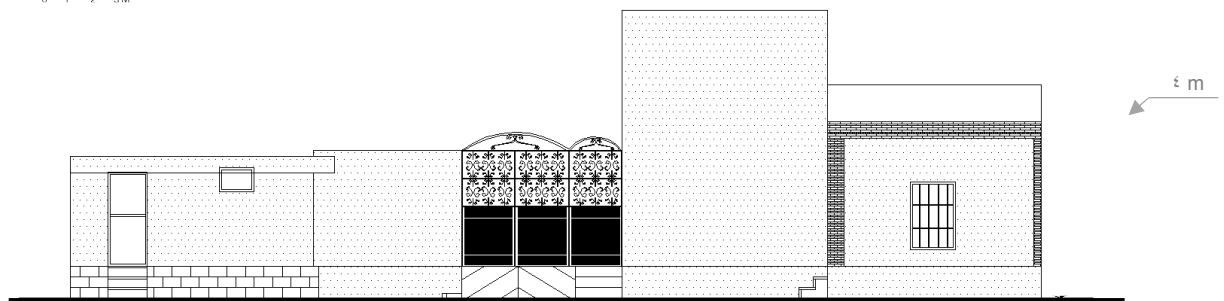
۱. اتاق

۲. راهرو

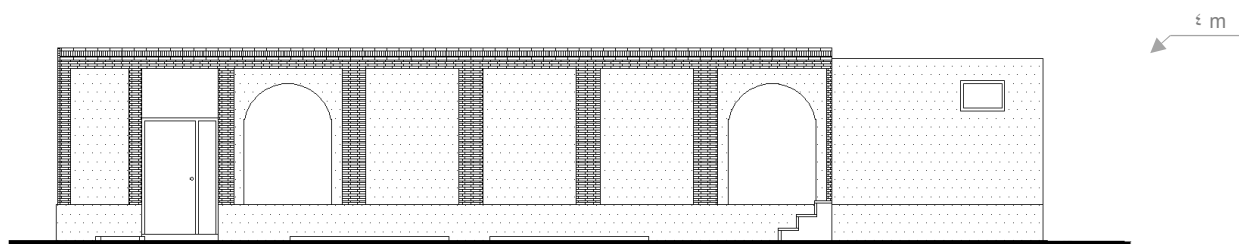
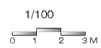
۳. ایوان



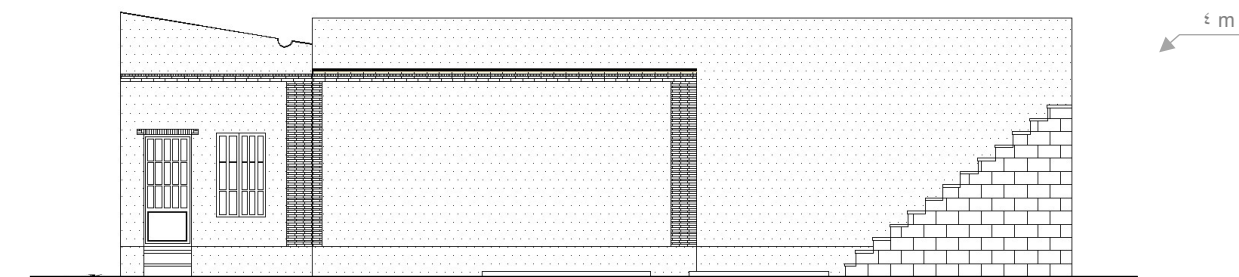
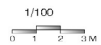
○ نمای غربی



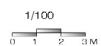
○ نمای شرقی



○ نمای شمالی



○ نمای جنوبی





تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: تابستان ۱۳۹۸)



- راه پله جداره غربی

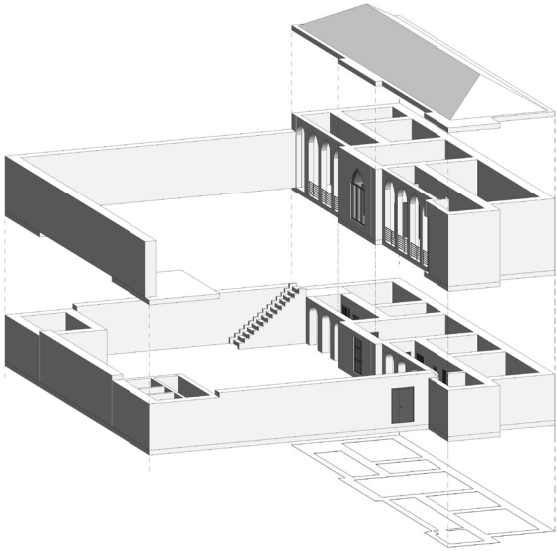
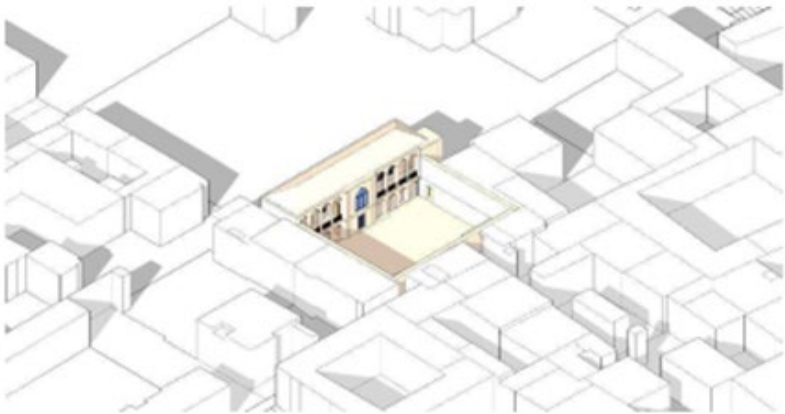


- جبهه شرقی بنا

- جبهه جنوبی بنا

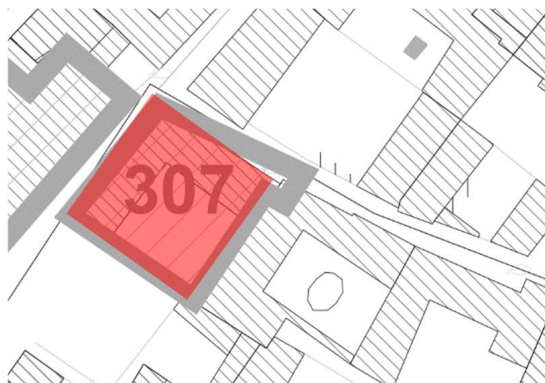
- راه پله جداره غربی

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
CI0c(329)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۳۰: B1 (307) - خانه رضایی

کد بنا	B1 (307)	نشانی	گذر سنگ سیاه. نبش کوچه شازده جمالی			منطقه شهرداری	منطقه ۸
شماره ثبت	۱۶۲۸۲	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	رضایی
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	-	نوع کاربری	اداری
توضیحات	این بنا در حال حاضر کاربری مسکونی با مالکیت شخصی دارد.						
گونه شناسی	نوع گونه	دو طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شرقی - غربی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	دو طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	شمالی	جهت استقرار توده	شمال و غرب	



- موقعیت قرارگیری بنا

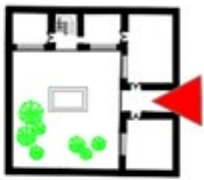
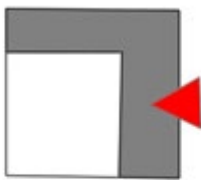
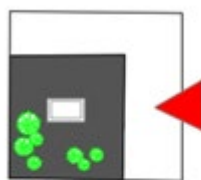
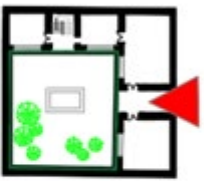
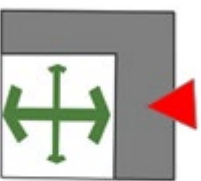
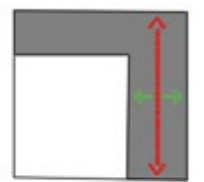


- تصویر هوایی

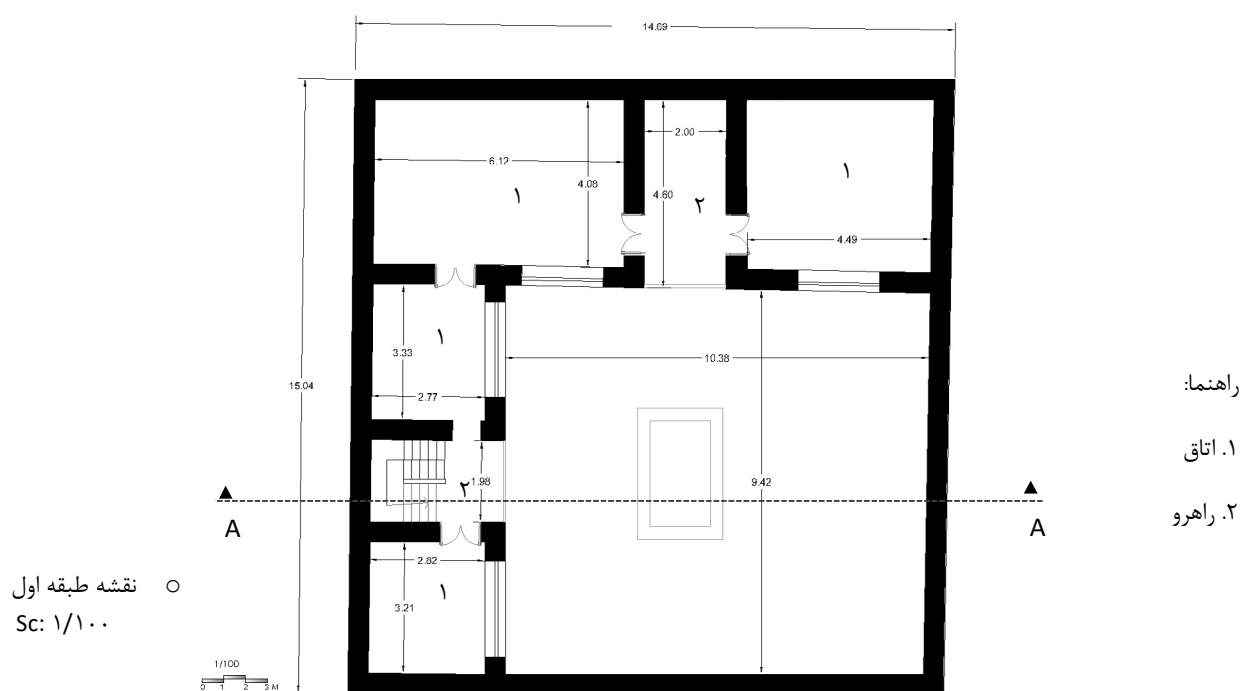
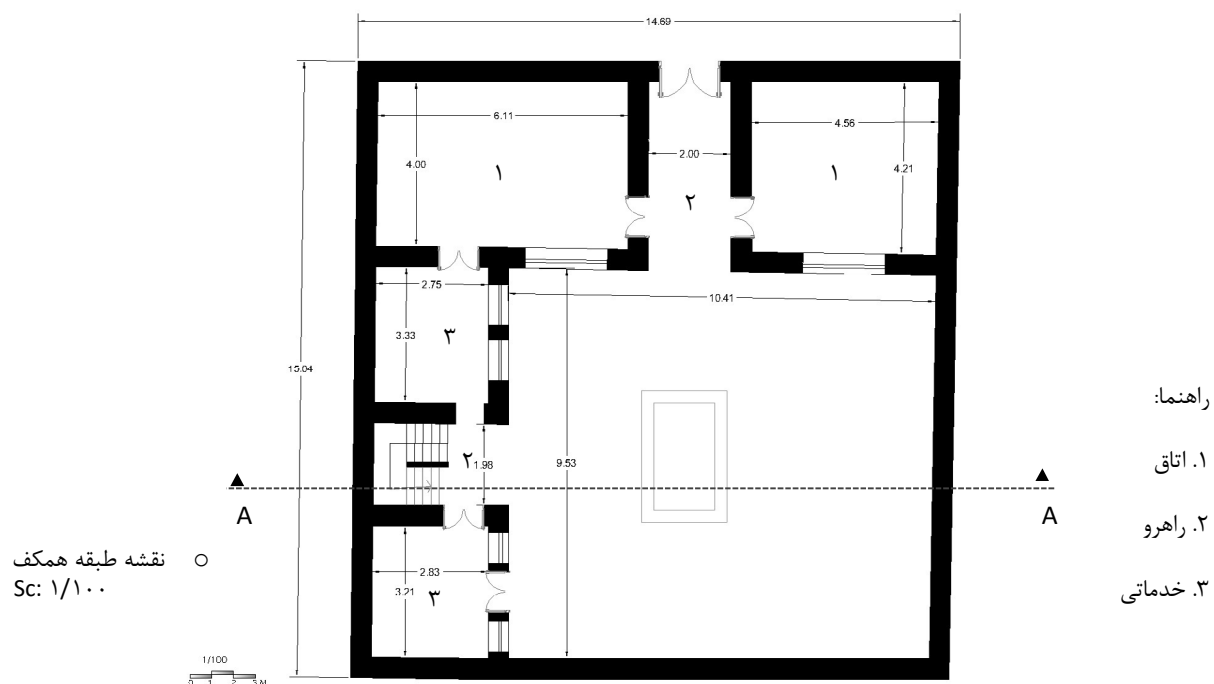
این بنا مربوط به دوره پهلوی اول بوده و در بافت تاریخی قرار دارد. مالکیت آن خصوصی است. کاربری پیشین این بنا مسکونی بوده و همچنان با همان کاربری فعالیت دارد. این بنا دو طرف ساخت بوده و در جبهه شمالی و غربی زمین قرار دارد. ورودی بنا از جبهه شمالی و از ساختمان است. تناسبات و تزیینات این بنا نیز متناسب با دوره پهلوی اول می باشد. تزیینات این بنا به صورت آجرکاری ساده است و حوض سنگی مستطیل شکلی در وسط حیاط قرار دارد.

جدول مساحت بنا:

طول ۱۵,۵ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۱۴ متر	۲۳۳ متر مربع	طبقه همکف ۱۰۶ متر مربع	۱۲۷ متر مربع	۴۵٪	فاقد ایوان	-
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۱۰۶ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۲۳۳ مترمربع	مساحت توده: ۱۰۶ مترمربع	مساحت فضای باز: ۱۲۷ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشتغال بنا ۴۵٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	بدون ایوان نیمه باز	

نقشه و نما





تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: تابستان ۱۳۹۹)



- جبهه غربی و اتاق



- فضا داخلی



- تزیینات سقف



- جبهه غربی بنا



- جبهه شمالی بنا

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
B1(307)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۳۱: F13a (331) - خانه جاویدان

کد بنا	F13a(331)	نشانی	خیابان ۲۲ بهمن. حدفاصل کوچه ۵			منطقه شهریاری	منطقه ۸
شماره ثبت	-	دوره ساخت	دهه ۴۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	جاویدان
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	مهندس حقانی	نوع کاربری	-
توضیحات	این بنا در حال حاضر کاربری مسکونی با مالکیت شخصی دارد.						
گونه شناسی	نوع گونه	یک طرف ساخت	مصالح نما	سیمان	کشیدگی زمین	شرقی - غربی	
	تعداد طبقات	سه	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	یک طرفه	
	نوع سازه	فلزی	نوع ورود	غرب از ساختمان	جهت استقرار توده	غرب	



- موقعیت قرارگیری بنا



- تصویر هوایی

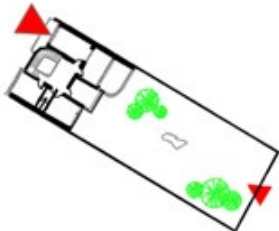
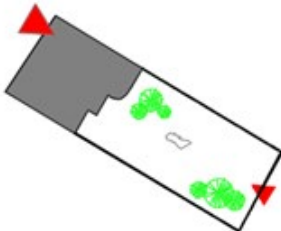
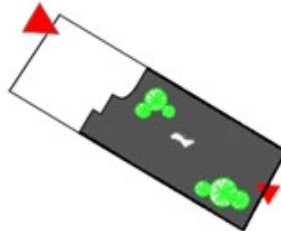
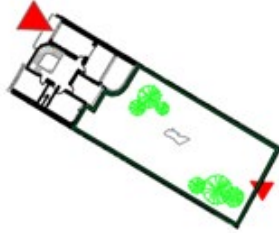
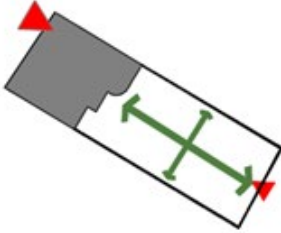
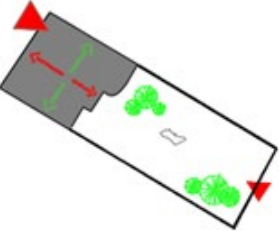
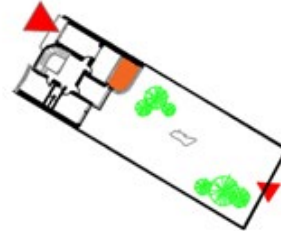
این بنا توسط مهندس حقانی که فارغ التحصیل ایتالیا بود بین سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۸ طراحی شد و ساخت خانه آغاز گردید. مالکیت این بنا خصوصی و متعلق به خانواده جاویدان است. ابولقاسم جوان جاویدان از بزرگان و ثروتمندان شیراز بودند که در حوضه میوه و تره‌بار فعالیت می‌کردند و تاسیس اولین میدان تره‌بار شیراز با تلاش‌ها و پیگیری‌های شخص ایشان صورت گرفت. برای اجرای این پروژه ابتدا خانه‌ای قدیمی خریداری شد و قبل از احداث خانه جدید به طور کامل تخریب شد.

در طراحی و ساخت این خانه از مدرن‌ترین تکنولوژی‌ها و مصالح و وسایل آن زمان استفاده شده است. تمامی تیرآهن‌های شارژ به صورت یکدست بوده که خارج از ایران تهیه و به ایران آورده‌اند. می‌توان گفت این خانه اولین پروژه در استان فارس است که نقشه طراحی آن به کامل‌ترین شکل ممکن طراحی شده بود و هیچ قسمتی طراحی نشده در آن نبود به طوری که، در طول ساخت پروژه هیچ بخشی جدیدی به کار اضافه نشد.

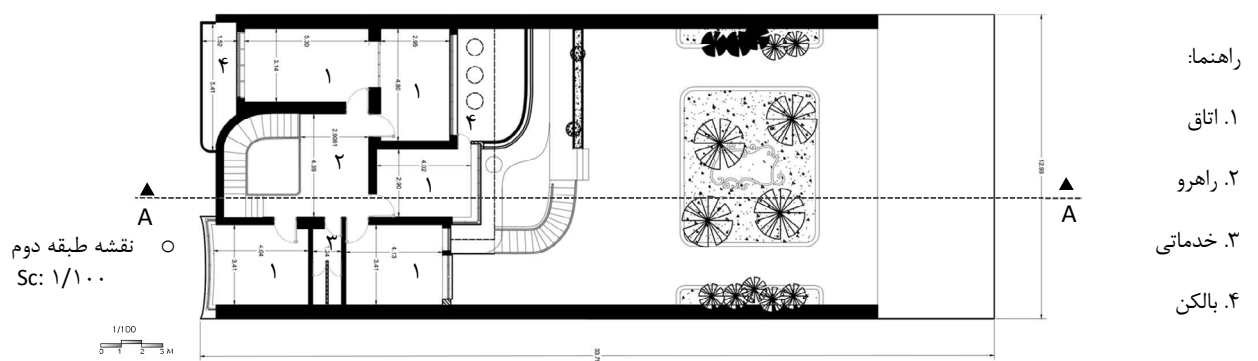
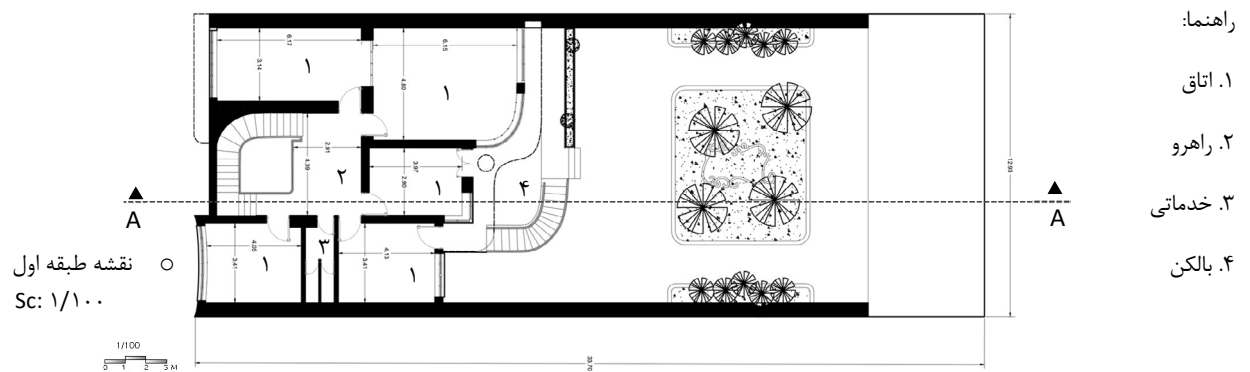
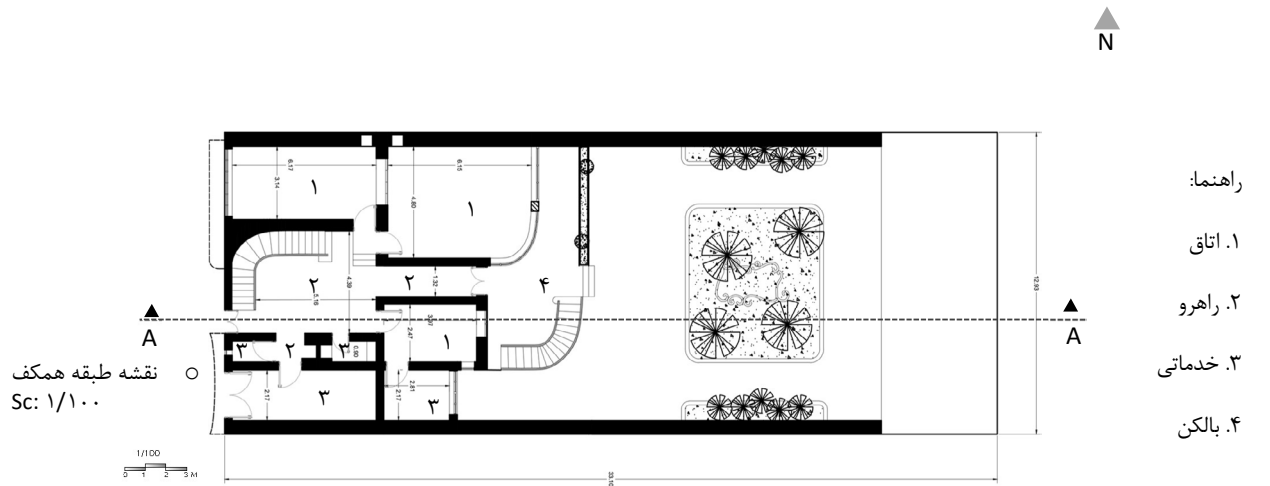
اهمیت این پروژه تا این اندازه بالا بود که در مراحل مختلفی افرادی از شهرداری برای دیدن عملیات‌های مختلف پروژه حاضر شدند و بازدید می‌کردند. در تمام مراحل ساخت خانه جناب جاویدان شخصا حضور داشتند.

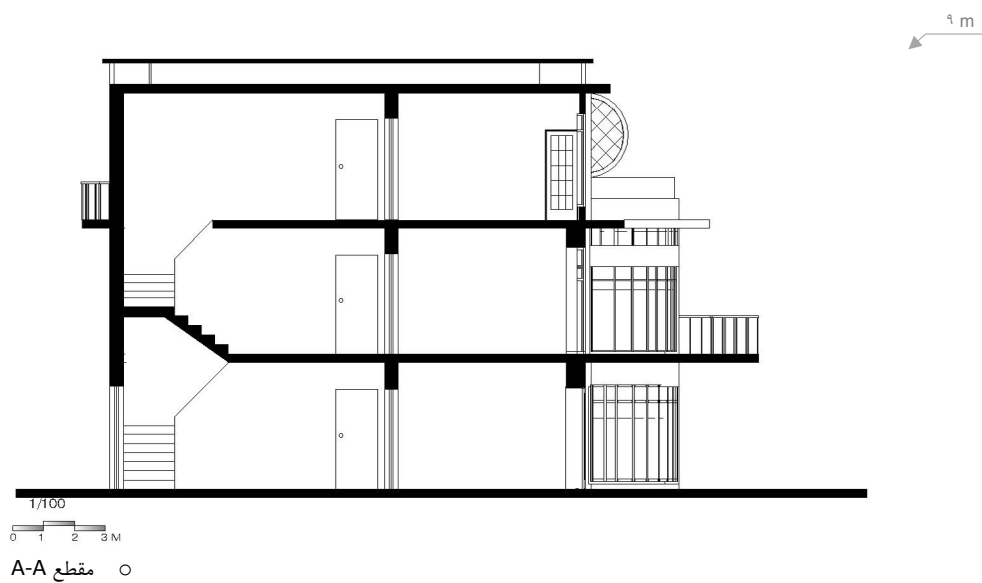
جدول مساحت بنا:

طول ۱۳ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۱۳ متر	۶۶۳ متر مربع	طبقه همکف ۲۰۵ متر مربع	۴۵۸ متر مربع	۳۰٪		۱۵ متر مربع
ارتفاع ۹ متر		طبقه اول ۲۰۵ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۶۶۳ مترمربع	مساحت توده: ۲۰۵ مترمربع	مساحت فضای باز: ۴۵۸ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشغال بنا ۳۰٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما



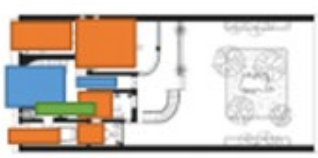
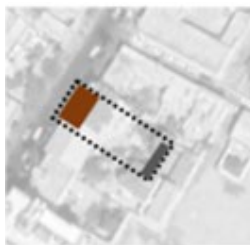
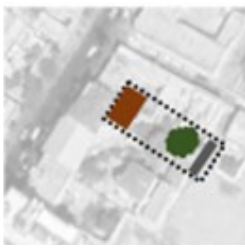


تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: پاییز ۱۳۹۷)



- نمای غربی بنا از داخل حیاط

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده گذاری	فضای سبز
F13a(331)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۳۲: C8a (332) - خانه نقش‌زن

کد بنا	C8a(332)	نشانی	خیابان لطفعلی‌خان زند کوچه ۶۱			منطقه شهرداری	منطقه ۸
شماره ثبت	-	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	نقش‌زن
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	متروکه	نام معمار	-	نوع کاربری	-
توضیحات	این بنا در حال حاضر متروک با مالکیت شخصی است.						
گونه شناسی	نوع گونه	یک طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شرقی - غربی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	یک طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	شرقی	جهت استقرار توده	غرب	



- موقعیت قرارگیری بنا

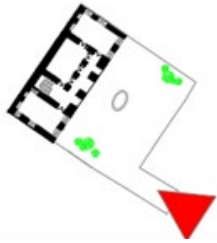
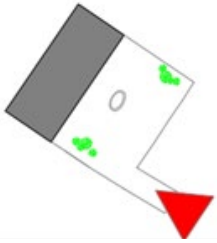
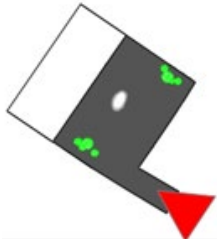
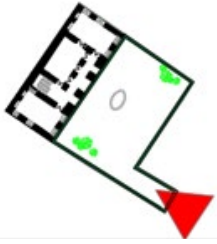
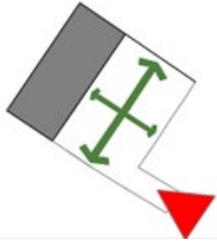
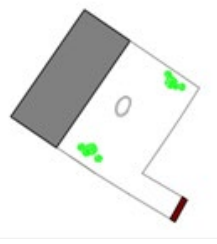
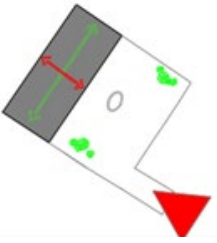
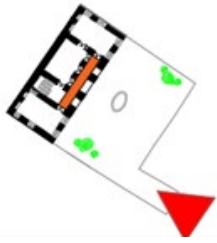


- تصویر هوایی

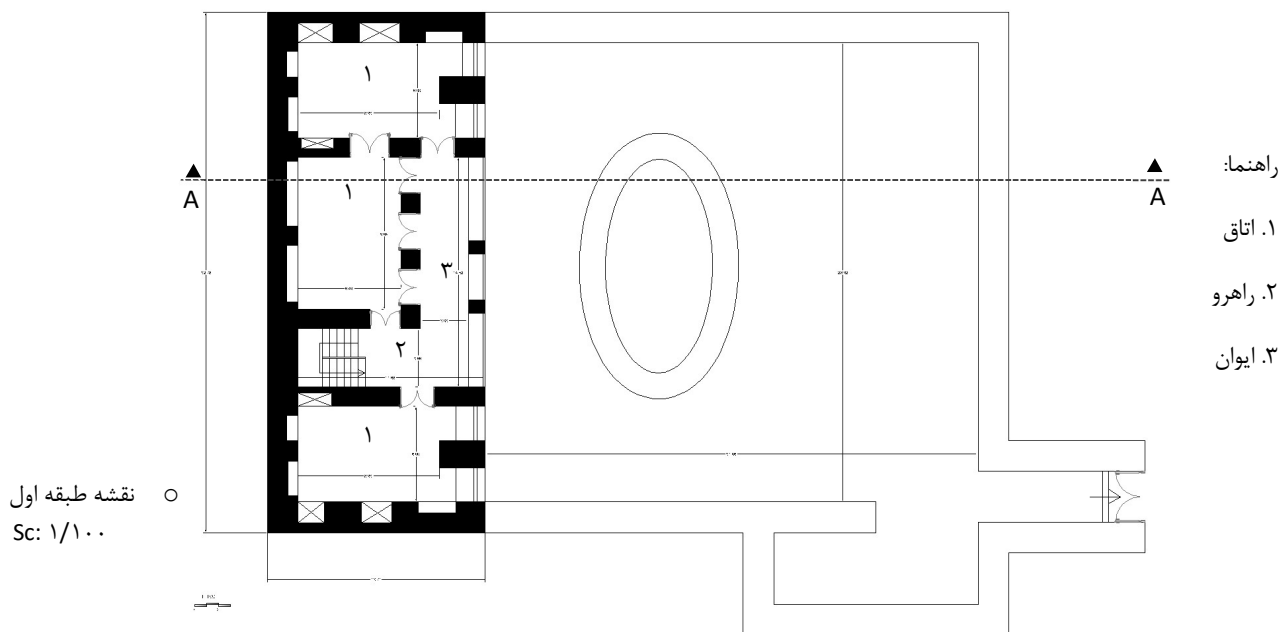
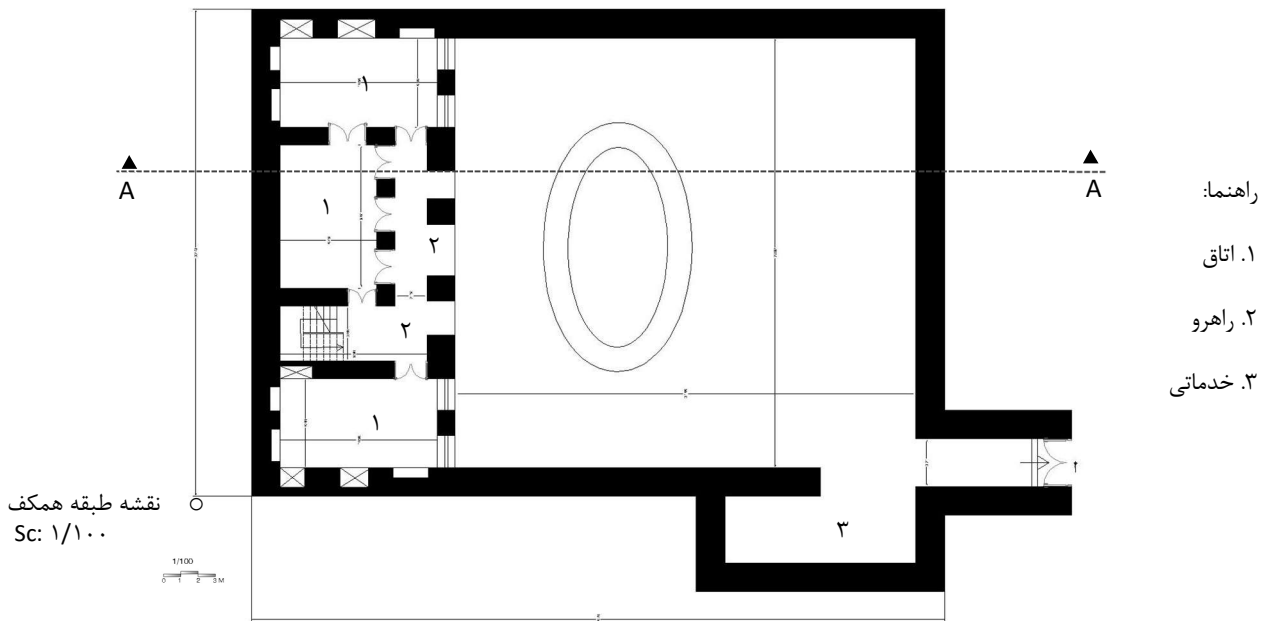
این بنا در دهه ۲۰ ساخته شده و مالکیت آن خصوصی و متعلق به خانواده نقش‌زن می‌باشد. این بنا از خانه‌های دوره پهلوی اول ساخته شده درون بافت تاریخی محسوب می‌شود. برخلاف سایر خانه‌های این دوره سقف مسطح تیرپوش دارد. ایوان ستون‌دار نمای اصلی، ازاره سنگی، نمای آجری، فرم بازشوهای مسطح و وجود حوض بیضی شکل از ویژگی‌های این بناست. در تیپولوژی خانه‌های یک طرف ساخت با ویژگی‌های فضایی - ساختاری بناهای هم‌دوره خود بنا شده است. کاربری پیشین بنا مسکونی بوده و اکنون به صورت متروک و فاقد کاربری است.

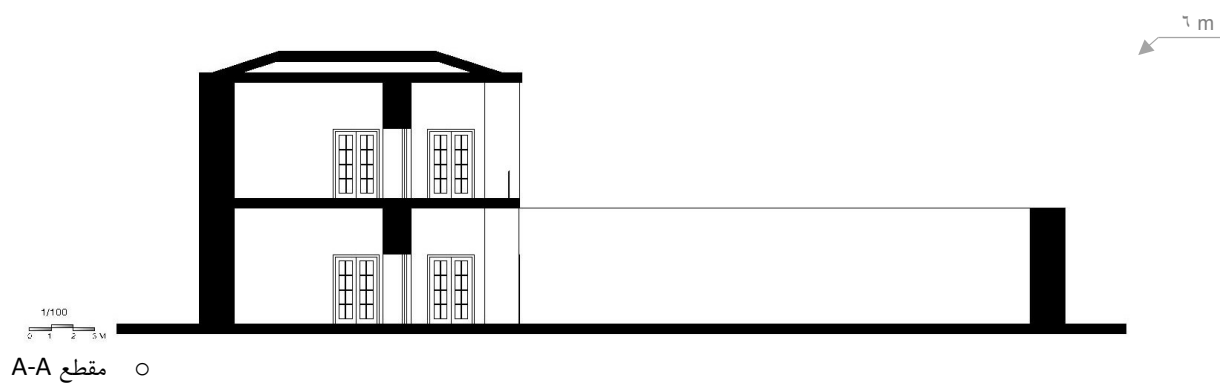
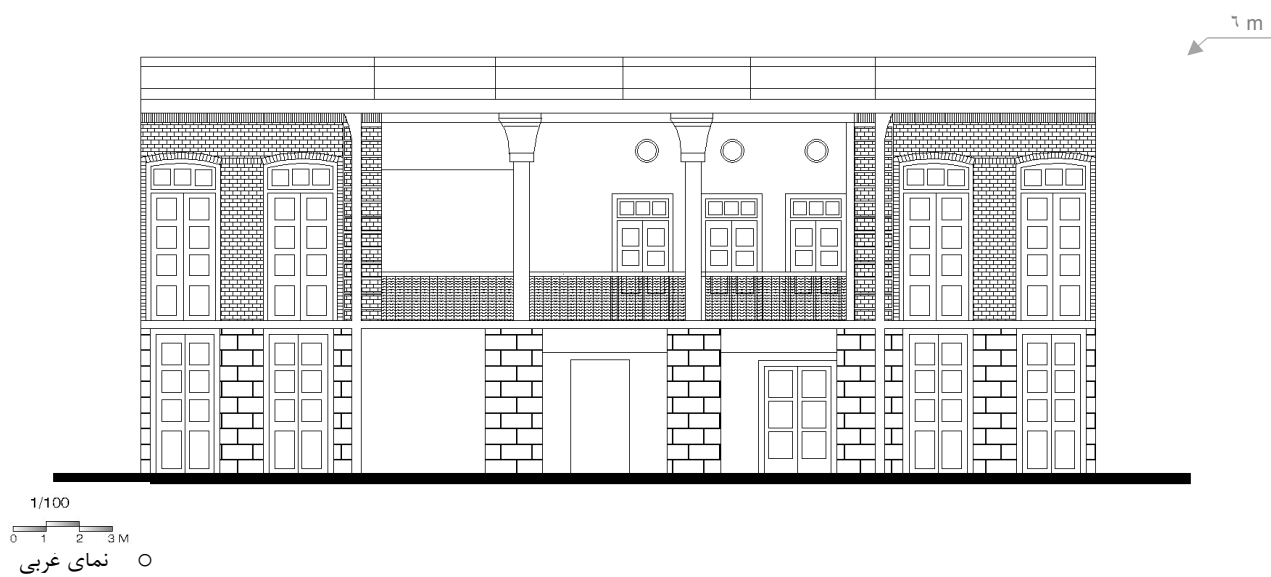
جدول مساحت بنا:

طول ۴۵ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۳۲ متر	۳۵۰ متر مربع	طبقه همکف ۱۰۰ متر مربع	۲۵۰ متر مربع	۲۸٪		۴۵ متر مربع
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۱۰۰ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۳۵۰ مترمربع	مساحت توده: ۱۰۰ مترمربع	مساحت فضای باز: ۲۵۰ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشتغال بنا ۲۸٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما





تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: بهار ۱۳۹۸)

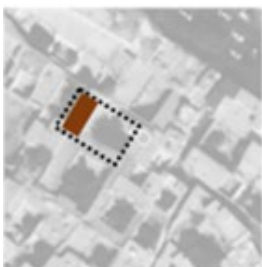
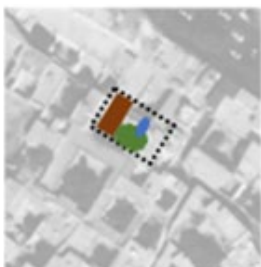
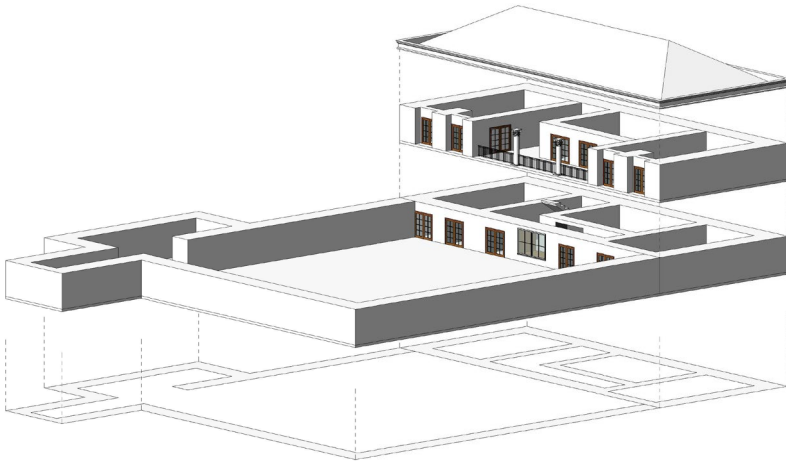
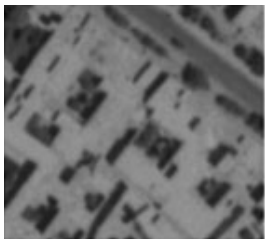


- نمای ضلع شمالی



- فضاهای داخلی

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
C8a(332)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۳۳: AO1b (333) - خانه فصحتی

کد بنا	AO1b(333)	نشانی	خیابان لطفعلی خان زند کوچه ۶۱			منطقه شهرداری	منطقه ۸
شماره ثبت	-	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	فصحتی
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	این بنا در حال حاضر کاربری مسکونی با مالکیت شخصی دارد.						
گونه شناسی	نوع گونه	دو طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شرقی- غربی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	دو طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	غربی	جهت استقرار توده	شرق و غرب	



- موقعیت قرارگیری بنا



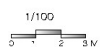
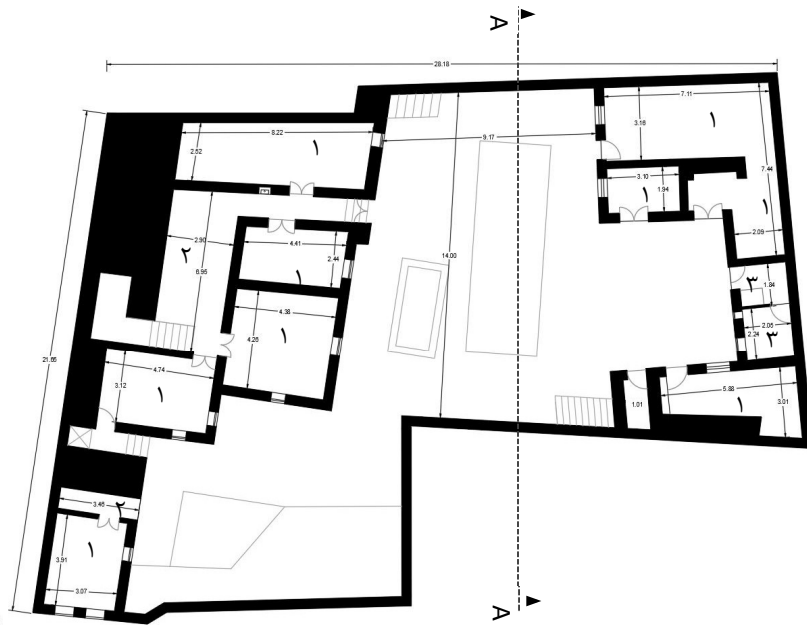
- تصویر هوایی

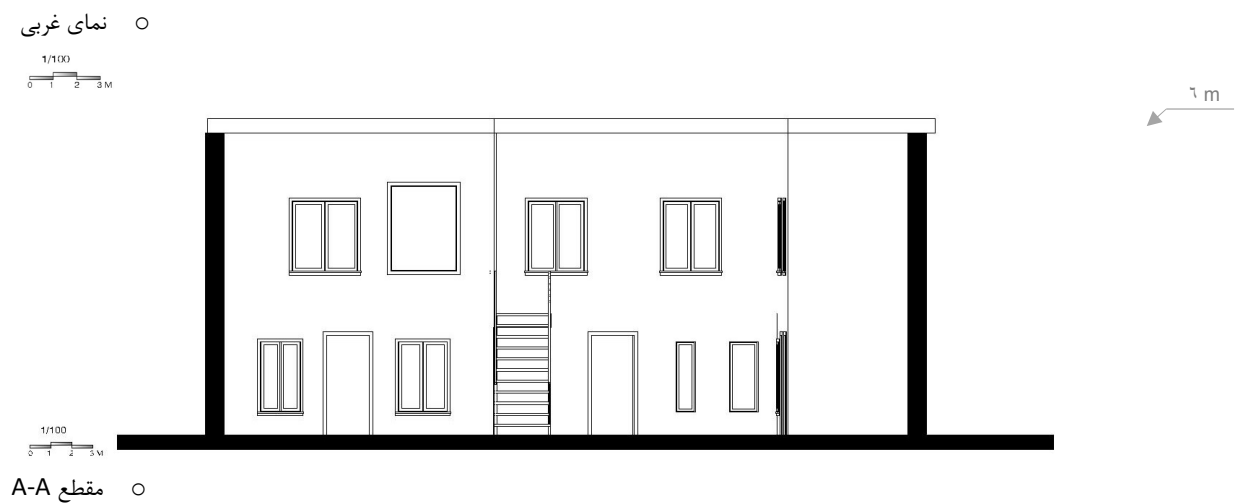
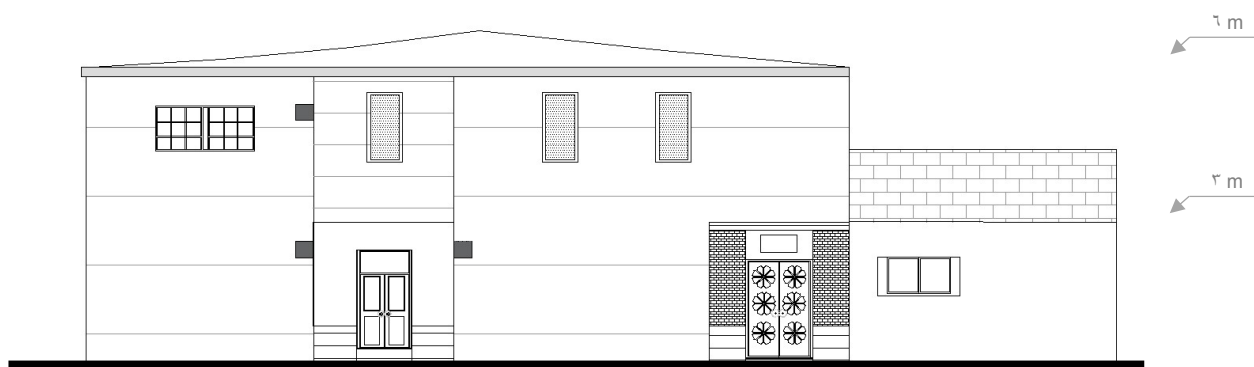
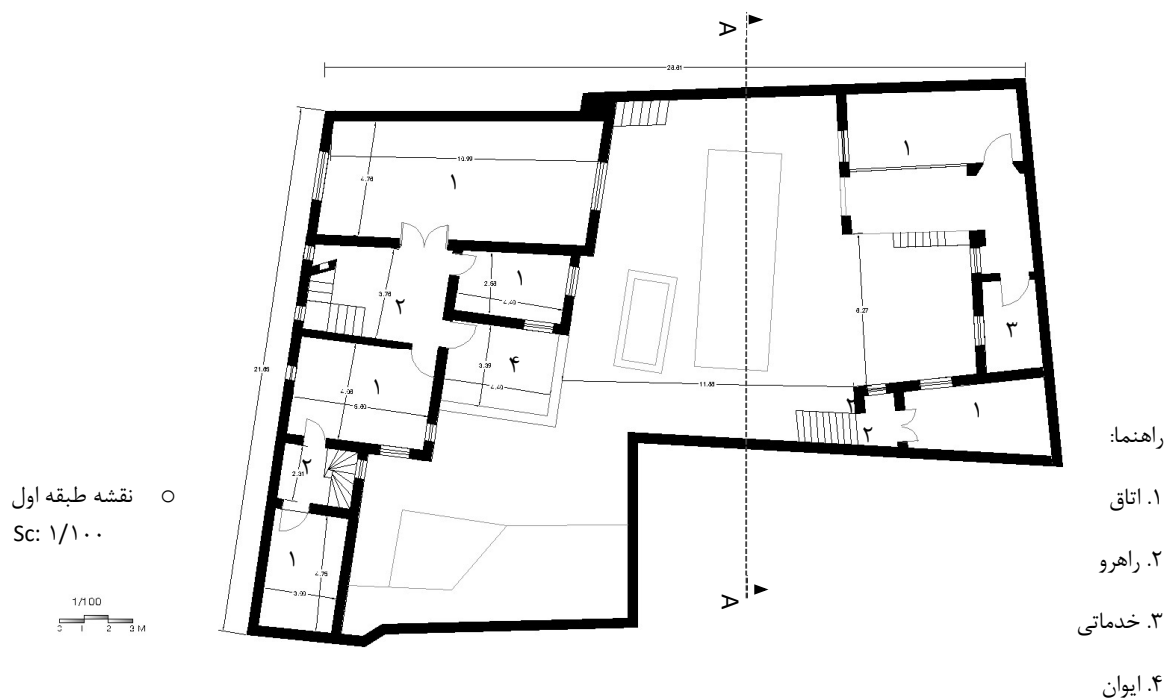
این بنا در مرز بافت تاریخی و بافت میانی و در دو بخش ساخته شده است. قسمت شرقی بنا قدیمی تر بوده و دارای ویژگی‌های ساختاری هم‌پیوند با بافت تاریخی است. مالکیت آن خصوصی و متعلق به خانواده فصحتی می‌باشد. کاربری پیشین این بنا مسکونی بوده و همچنان با همان کاربری فعالیت دارد. موقعیت قرارگیری آن در خیابان قائنی شمالی نبش کوچه ۷ است. بخشی از ساختمان که در قسمت غرب زمین واقع شده قدمت کمتری داشته و از آنجا که بر خیابان اصلی می‌باشد دارای بازشوهای رو به خیابان است. قسمت قدیمی تر دارای ایوان ستون دار و ازاره سنگی، شیرسرهای چوبی و تزئینات کاملاً شبیه بناهای دوره پهلوی اول است.

جدول مساحت بنا:

طول ۲۸ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۱۷ متر	۵۹۵ متر مربع	طبقه همکف ۲۸۰ متر مربع	۳۱۵ متر مربع	۴۷٪		۱۸ متر مربع
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۲۸۰ متر مربع				

راهنما:
 ۱. اتاق
 ۲. راهرو
 ۳. خدماتی





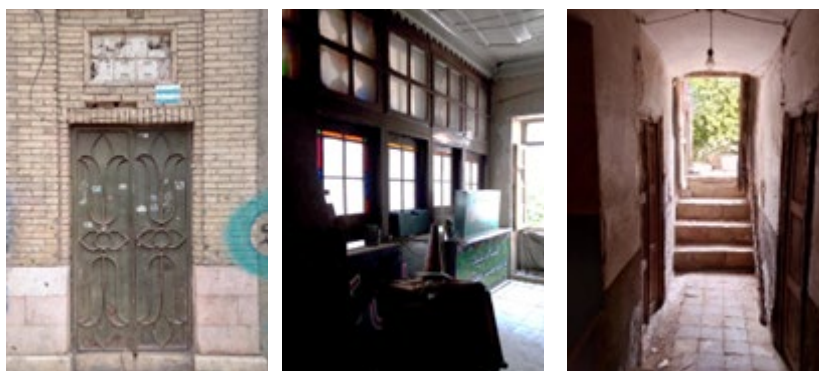
تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: زمستان ۱۳۹۸)



- جداره بیرونی بنا و ایوان غربی



- جبهه غربی بنا



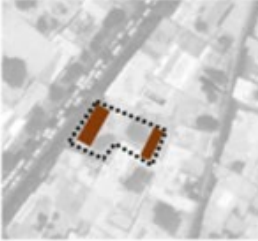
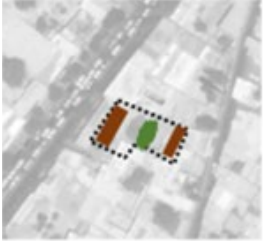
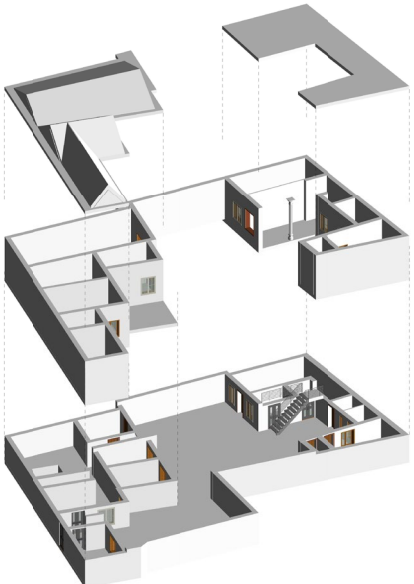
- ورودی بنا

- فضاهای داخلی



- فضای داخلی و محوطه حیاط

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده گذاری	فضای سبز
AO1b(333)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
			
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

بنای شماره ۳۴: A6b (334) - خانه جزینی

کد بنا	C8a(332)	نشانی	خیابان لطفعلی‌خان زند کوچه ۶۱			منطقه شهرداری	منطقه ۸
شماره ثبت	-	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	جزینی
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	در حال مرمت	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	جبهه شمالی این بنا متعلق به دوره پهلوی است. این بنا در حال مرمت است.						
گونه شناسی	نوع گونه	دو طرف ساخت	مصالح نما	آجر	کشیدگی زمین	شمالی - جنوبی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	دو طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	شمالی	جهت استقرار توده	شمال و جنوب	



- موقعیت قرارگیری بنا

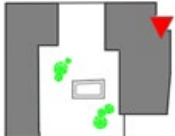


- تصویر هوایی

جبهه شمالی این بنا متعلق به دوره پهلوی بوده و در بافت تاریخی قرار دارد. مالکیت آن خصوصی و متعلق به خانواده جزینی بوده است. کاربری پیشین این بنا مسکونی بوده و اکنون در دست مرمت می‌باشد. ورودی این بنا از جبهه شمالی می‌باشد. ساخت‌وساز به صورت دو طرفه و در جبهه شمالی و جنوبی انجام گرفته. این بنا دو طبقه است و تزیینات و تناسبات آن منحصر به دوره پهلوی می‌باشد. تزیینات این بنا به صورت آجرکاری ساده است و حوض سنگی مستطیل شکلی در وسط حیاط قرار دارد.

جدول مساحت بنا:

طول ۱۷ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۱۵ متر	۲۵۰ متر مربع	طبقه همکف ۱۳۵ متر مربع	۱۱۵ متر مربع	۴۶٪	فاقد ایوان	-
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۱۳۵ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۲۵۰ مترمربع	مساحت توده: ۱۳۵ مترمربع	مساحت فضای باز: ۱۱۵ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا		بدون ایوان	سطح اشغال بنا ۴۶٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده		مساحت فضای نیمه باز

نقشه و نما



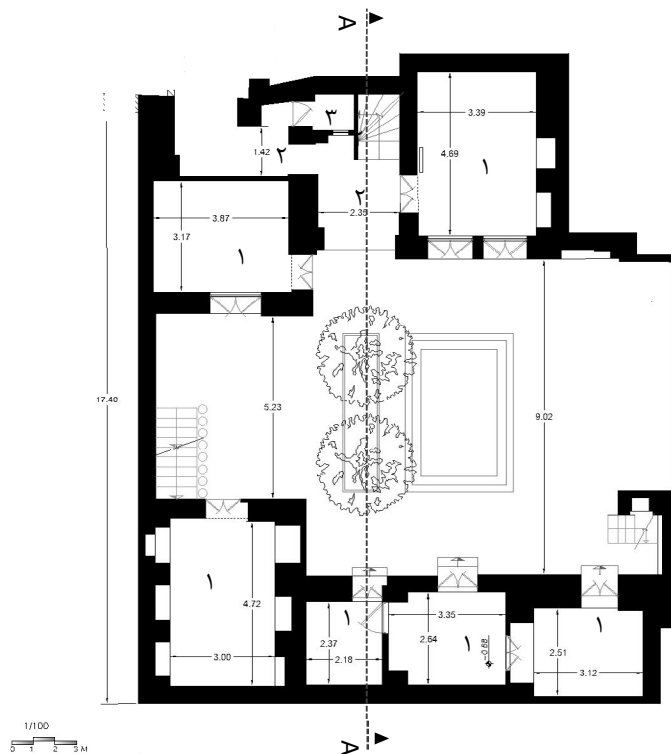
راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

۳. خدماتی

○ نقشه طبقه همکف
Sc: ۱/۱۰۰



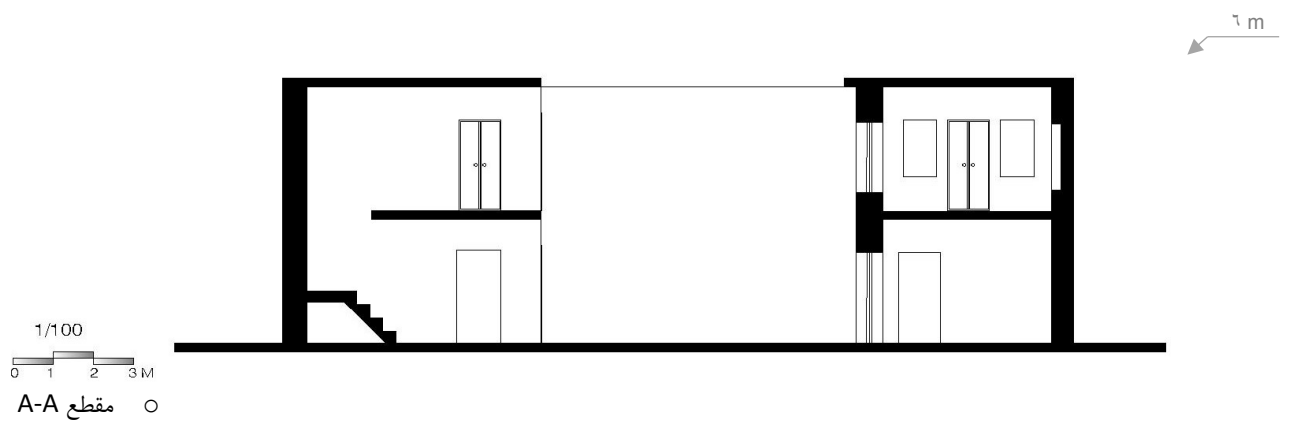
راهنما:

۱. اتاق

۲. راهرو

○ نقشه طبقه اول
Sc: ۱/۱۰۰





تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: تابستان ۱۳۹۹)



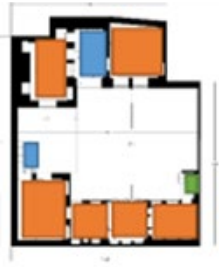
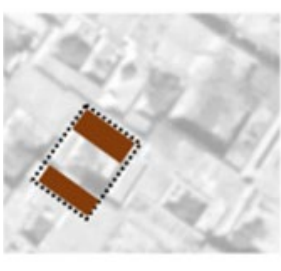
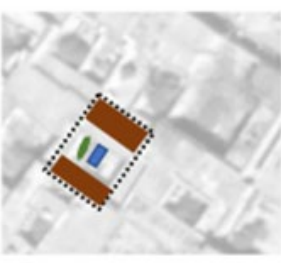
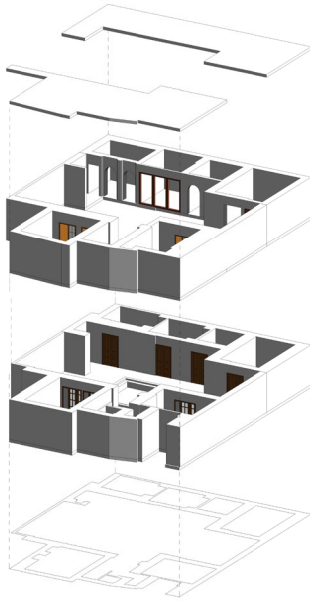
- جنبه جنوبی قبل از مرمت



- جنبه جنوبی بنا



جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی)

کد بنا	تحلیل فضا	توده‌گذاری	فضای سبز
A6b(334)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف پراساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			
			

بنای شماره ۳۵: A9a (330) - خانه جلالی

کد بنا	A9a (330)	نشانی	دروازه کازرون، گذر آقا باباخان، گذر صدرالدین آل طه			منطقه شهرداری	منطقه ۸
شماره ثبت	-	دوره ساخت	دهه ۲۰	نوع مالکیت	خصوصی	نام مالک	جلالی
کاربری پیشین	مسکونی	کاربری فعلی	مسکونی	نام معمار	-	نوع کاربری	مسکونی
توضیحات	جبهه شمالی این بنا متعلق به دوره پهلوی است. این بنا در حال مرمت است.						
گونه شناسی	نوع گونه	یک طرف ساخت	مصلح نما	آجر	کشیدگی زمین	شرقی - غربی	
	تعداد طبقات	دو	شکل زمین	مستطیل	نحوه استقرار توده	یک طرفه	
	نوع سازه	دیوار باربر	نوع ورود	شرق	جهت استقرار توده	غرب	



- موقعیت قرارگیری بنا

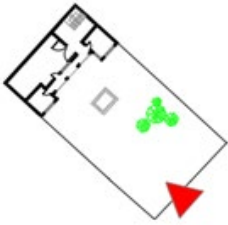
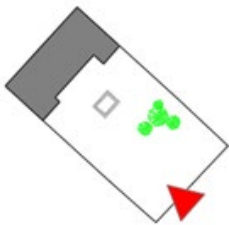
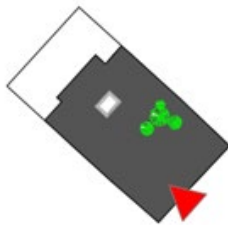
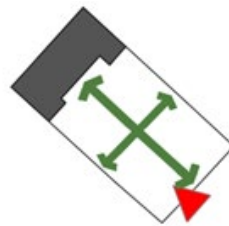
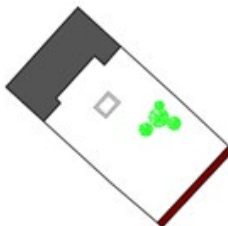
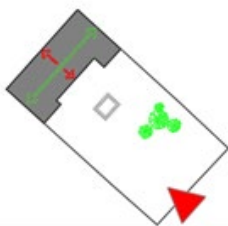
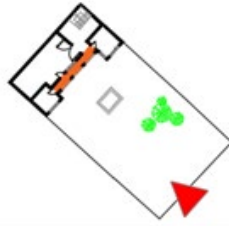


- تصویر هوایی

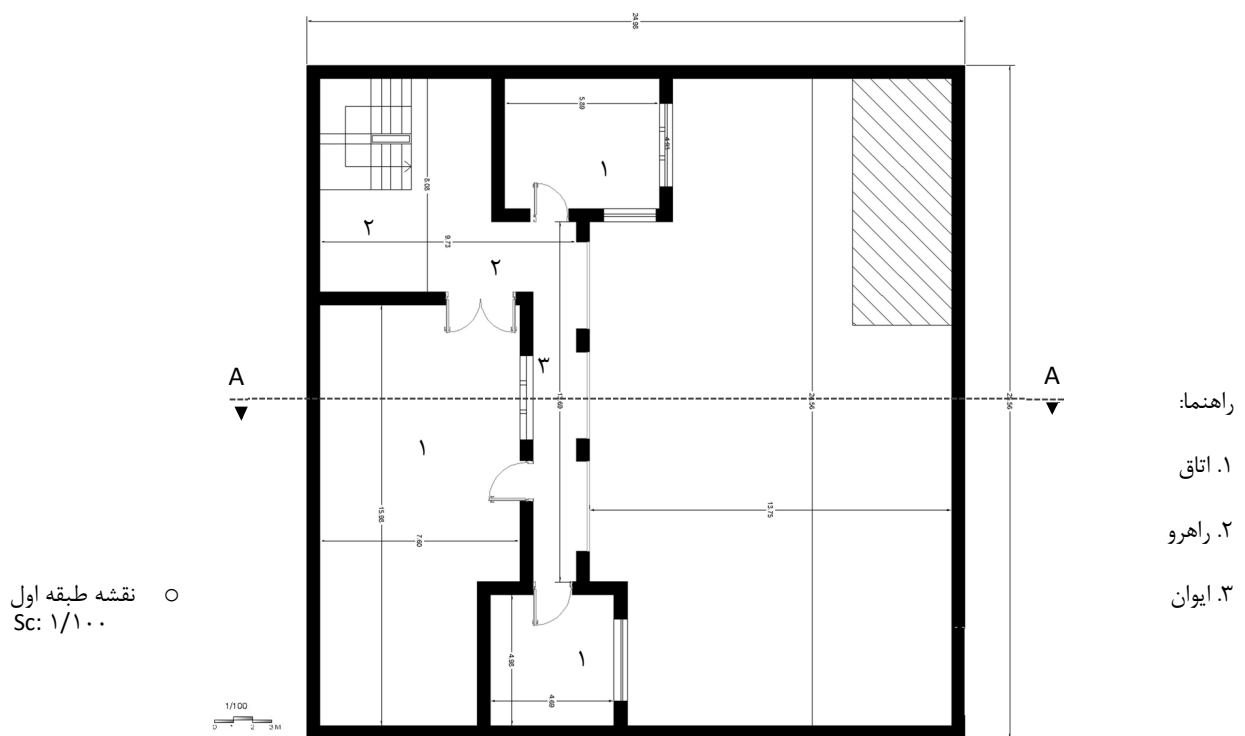
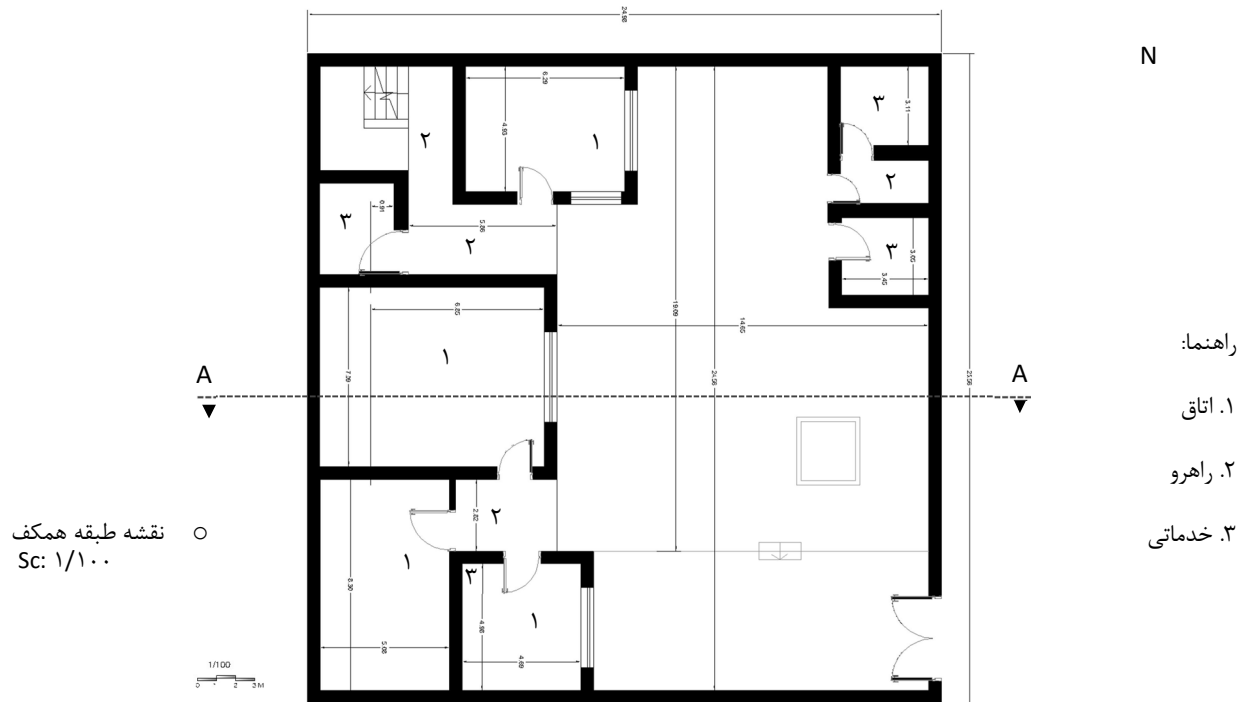
این بنا متعلق به دوره پهلوی اول می‌باشد و در بافت قدیم شهر شیراز قرار دارد. موقعیت قرارگیری آن در نزدیکی کوچه مقننی‌ها در بافت تاریخی است. کاربری پیشین این بنا مسکونی بوده و همچنان با همان کاربری پیشین خود فعالیت دارد. ورودی بنا از جبهه شرقی است. این بنا یک طرف ساخت بوده و در دو طبقه ساخته شده است. در تزیینات نمای این خانه متناسب با تزیینات منحصربه دوره پهلوی، از آجرکاری ساده استفاده شده است. این بنا در طبقه دوم جبهه غربی دارای ایوان ستون‌دار است. ساخت‌وساز گوشه شمال شرقی بنا جهت انبار و سرویس بهداشتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این بنا تغییرات و تعمیراتی جهت استفاده مجدد انجام شده است.

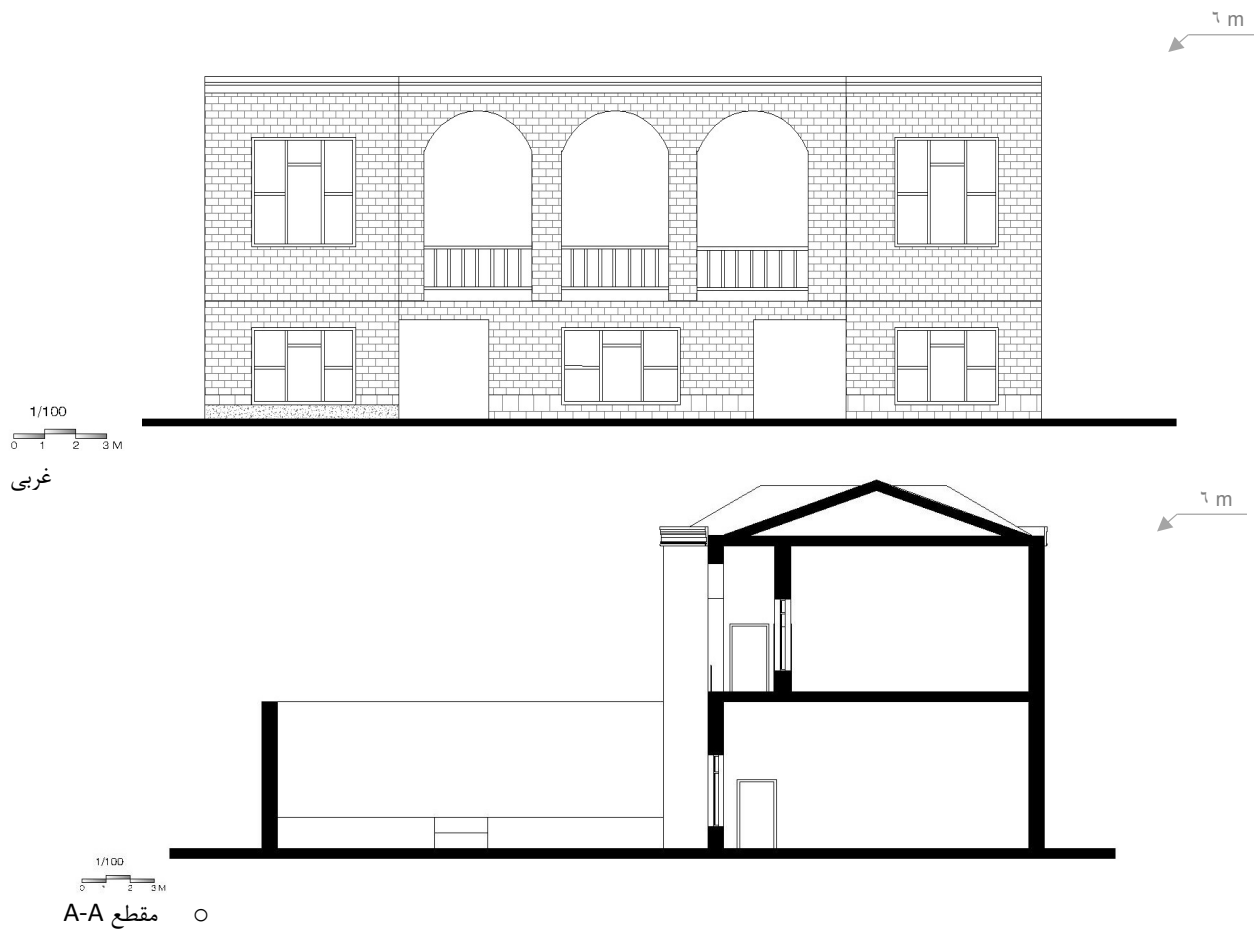
جدول مساحت بنا:

طول ۲۵،۵ متر	مساحت زمین	مساحت زیر بنا	مساحت حیاط	سطح اشتغال (نسبت زیر بنا به زمین)	فرم ایوان	مساحت ایوان
عرض ۲۵ متر	۱۹۰ متر مربع	طبقه همکف ۱۱۶ متر مربع	۷۴ متر مربع	۶۱٪		۲۰ متر مربع
ارتفاع ۶ متر		طبقه اول ۱۱۶ متر مربع				

مساحت کلی			
	مساحت زمین: ۱۹۰ مترمربع	مساحت توده: ۱۱۶ مترمربع	مساحت فضای باز: ۷۴ مترمربع
عرض های کلی			
	محیط فضای باز	طول متوسط فضای باز عرض متوسط فضای باز	طول مماس زمین با معبر
شاخص تناسب توده و فضا			سطح اشغال بنا ۶۰٪
	طول متوسط توده عرض متوسط توده	مساحت فضای نیمه باز	

نقشه و نما





تصاویر بنا: (تاریخ تصویربرداری: تابستان ۱۳۹۹)



- جبهه غربی بنا

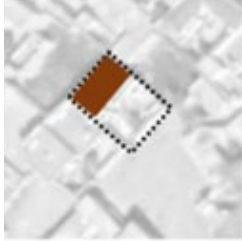
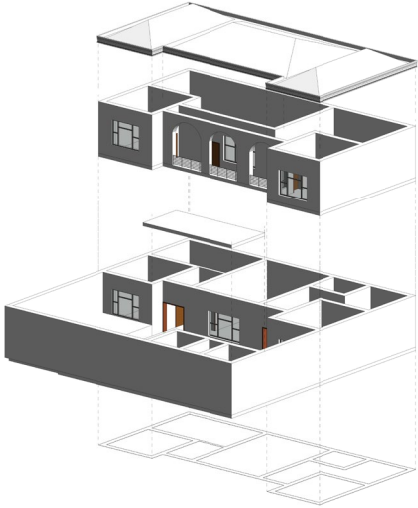
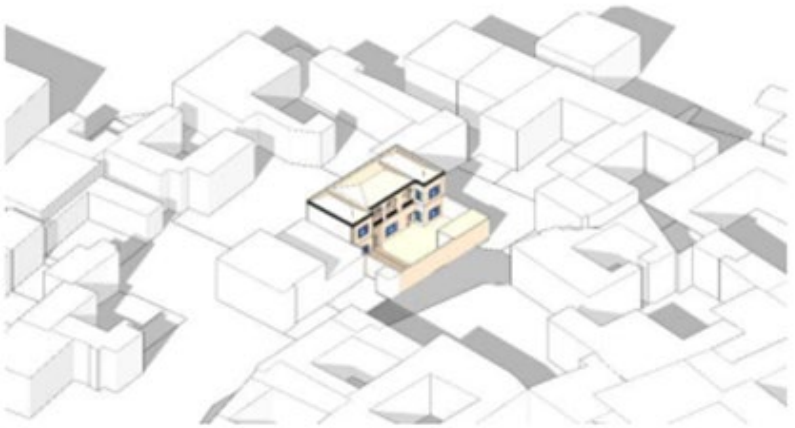


- ایوان غربی

- نمای کلی حیاط

- راه‌پله

جدول تحلیل فضا: (فضا ارتباطی ■ فضا اصلی ■ فضا خدماتی ■)

کد بنا	تحلیل فضا	توده گذاری	فضای سبز
A9a(330)			
سه بعدی			
نظام استقرار بنا در بافت اطراف براساس وضعیت سال ۱۳۳۵		تصویر هوایی سال ۱۳۳۵	
		تصویر هوایی سال ۱۳۹۹	
			

۱۸-۲- بررسی میزان تطابق فضاهای مسکونی با فرهنگ سکونت

واژه سکونت مفهوم گسترده‌ای از مسکن دارد و منظور از آن مجموعه فعالیت‌های زیستی، فردی و جمعی، فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، ارادی را در بر می‌گیرد. مفهوم سکونتگاه در برابر مسکن محلی است که تمامی خدمات و تسهیلات ضروری برای بهزیستی خانواده مانند بهداشت، آموزش، فرهنگ، روابط اجتماعی، بدون توجه به اهمیت و میزان انجام این خدمات را فراهم می‌سازد. امروزه با عوض شدن شیوه زندگی، مفهوم و مصداق خانه و سکونت جای خود را به واحد مسکونی و اسکان داده است. زندگی تقریباً همه جنبه‌های آیینی، سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و حتی اداری و بالطبع خوراکی، پوشاکی مصرفی و آداب سکونت را نیز شامل می‌شود. در قرن معاصر نسل‌های متأخر راه و روش، شیوه و منش دیگری را در حیات خصوصی و اجتماعی خود برگزیده‌اند (اخوت، ۱۳۹۲: ۶۲). به واقع زندگی انسان در محیط خانه محدود به آن بخش از فرهنگ که در آن رخ می‌دهد نیست؛ بلکه زندگی روزمره انسان در خانه با تمامی ارزش‌های فردی و گروهی او گره می‌خورد. از این رو فرهنگ سکونت به شیوه زیستن انسان و مشی خانواده در درون و بیرون از محیط کالبدی مسکن مرتبط شده و فرای آن عمل می‌کند (آقالطیفی، ۱۳۹۱: ۱۶۰).

معماری خانه ایرانی تا سال ۱۳۰۰ از تغییرات تدریجی و آرام برخوردار بوده و در حد فاصل سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ تحولات منطقی و سریع را منعکس نمود و از ۱۳۴۰ به این طرف به کلی دگرگون شد. این تغییرات هم در سازمان فضایی خانه و هم در شیوه زندگی خانواده به گونه‌ای به وقوع پیوسته است که شاید خانه‌های امروزی را در مقایسه با خانه‌های نیم‌قرن پیش در ایران، نتوان خانه ایرانی نامید (حائری مازندرانی، ۱۳۹۵: ۱۱۶). در قرن اخیر و در اثر رشد جمعیت، مهاجرت به شهرها، گسترش ارتباطات خارجی و سایر عوامل، شیوه معیشت در کشور تغییر یافت. برخی از این تحولات، اکتسابی از فرهنگ غربی و برخی بنا بر گذشت زمان و تغییر روش زندگی بوده است. اصلی‌ترین موارد تأثیرگذار در این تغییرات: تعداد اعضای خانواده، وسایل خانه، تخصصی شدن فعالیت‌ها، نگهداری حیوانات اهلی، مالکیت‌ها و مسئولیت‌های مشترک هستند (اخوت، ۱۳۹۲: ۱۵۸).

تفاوت موجود در دو نوع خانه ایرانی و خانه معاصر تفاوت در شیوه‌های به کارگیری و مصرف فضا است. معیار شکل‌دهی فضا در خانه ایرانی براساس رعایت حریم استوار است.

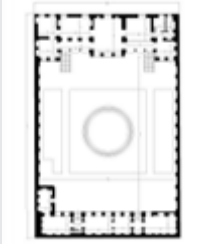
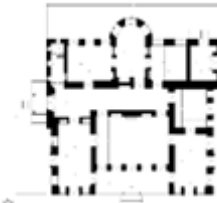
حریم که خود انعکاس فضایی حرمت است، تنظیم‌کننده روابط فرد و جامعه می‌باشد. حریم در حد فاصل خصوصی‌ترین خلوت ساکن در خانه تا عمومی‌ترین تجمع اهالی و خویشاوندان در خانه به صورت فضاهای بینابینی و متوالی معیار شکل‌دهنده مراتب فضایی خانه است (حائری مازندرانی، ۱۳۹۵: ۱۱۶). به حداقل رساندن استفاده از فضا در عین به حداکثر رسانیدن استفاده از مصالح، تا آن حد که در سازمان فضایی این گونه خانه‌ها، تنها می‌توان تعداد محدودی عملکرد جانمایی کرد. هرچند هم‌اکنون در برخی از خانه‌های معاصر، هر جا که فضا به عنوان ماده جوهری معماری تعریف و ترکیب شده، احساس‌ها و تجربه‌های فضایی مشابهی با معماری خانه‌های سنتی در آن‌ها محسوس است؛ لیکن بر اکثر قریب به اتفاق خانه‌های معاصر بی‌هویتی و زبان غیرمعمارانه حاکم گردیده است (اخوت، ۱۳۹۲: ۱۵۹).

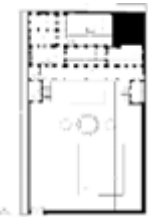
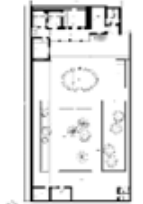
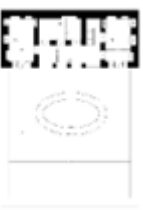
باتوجه به تک‌منظوره شدن اتاق‌ها، امکان استفاده از فضاهای خانه کاهش می‌یابد و این در حالی است که هریک از اعضای

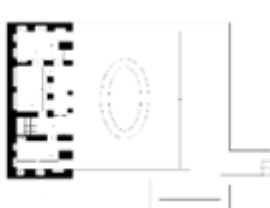
خانواده، برای تأمین حداقل خلوت خود، به یک اتاق اختصاصی احتیاج دارند. ساکنان از چشم‌انداز پنجره‌ها چشم پوشیده‌اند و تقریباً به هوا و نور مرتبط با پنجره‌ها نیز بی‌توجه هستند. دیگر فضاهای باز و نیمه‌باز از زمره نیازمندی‌های فضایی آنها محسوب نمی‌شود. فصل‌ها را باید در بیرون خانه تجربه کرد و معادل تجربه فضایی فصول در خانه به کارآیی سیستم‌های حرارتی-برودتی واگذار شده است (حائری مازندرانی، ۱۳۹۵، ۸۸).

انواع گوناگونی از الگوهای فضایی خلق شده و باگذشت زمان بر غنای گنجینه مجموعه پاسخ‌های فضایی به فرهنگ و شیوه زندگی مردم و طبیعت ایران، افزوده شده؛ این درحالی است که از این مجموعه فراهم‌شده، سازمان‌یابی معاصر معماری ایران کمتر بهره‌ای برده و این الگوها را که لایه‌های فرم، مضمون و معنا را هم‌زمان در خود داشته به فضاهای تک‌بعدی تقلیل داده است و نشانه این تقلیل را در شیوه نام‌گذاری و همچنین تعداد فضاهای خانه‌های معاصر می‌توان مشاهده کرد. اگر تعداد فضاهای معاصر ساخته‌شده در شهرهای کشور را بشماریم از تعداد انگشتان دو دست تجاوز نخواهد کرد، آنها عبارت‌اند از: (حائری مازندرانی، ۱۳۹۵: ۱۱۷)

۱. ورودی ۲. حیاط در ارتباط با پیلوتی و پارکینگ ۳. نشیمن ۴. پذیرایی ۵. آشپزخانه ۶. دستشویی و توالت ۷. حمام ۸. اتاق خواب ۹. انبار ۱۰. راه‌پله و راهرو.

بناهای منطبق با فرهنگ سکونت گذشته			
تصویر	نقشه	نام بنا	کد بنا
		خانه امتیاز	P3b (14)
		خانه فرهودی	P1b (15)
		باغ فردوس	N2h (33)
		خانه رحیمی	M2c (84)
		خانه خردمند	M2c (61)
		خانه شاپوری	M2c (75)

بناهای منطبق با فرهنگ سکونت گذشته			
تصویر	نقشه	نام بنا	کد بنا
		خانه جمشیدی	Q2c (43)
		خانه عفاف	P3b (15)
		خانه نورانی وصال	P1b (3)
		خانه خوشخو	P1a (149)
		خانه پرویزی	Q2f (41)
		خانه مویدی	N1b (12)
			N3d (4)

بناهای منطبق با فرهنگ سکونت گذشته			
تصویر	نقشه	نام بنا	کد بنا
		خانه برکت	F11a (324)
		خانه مهندسی	C10a (124)
		خانه دانش (نصر)	A9b (139)
		خانه افشاریان	J9a (29)
		خانه نقش زن	C8a (332)

براساس جدول فوق، می‌توان گفت عمده بناهایی که منطبق با فرهنگ سکونت گذشته هستند؛ دارای فضاهایی مثل ایوان ستون‌دار و شاه‌نشین هستند. برخی از این بناها که قدیمی‌تر بوده و دوره ساختشان به اواخر دوره قاجار نزدیک‌تر است به‌صورت کوشکی و میانه زمین ساخته شدند؛ درحالی که اغلب بناهای جدیدتر به‌صورت یک‌طرف‌ساخت هستند که در برخی بناها الگوی دوطرف‌ساخت هم دیده می‌شود که جبهه مقابل بیشتر کارکرد خدماتی دارند. این درحالی است که هرچه بناها به دوره معاصر نزدیک‌تر می‌شوند عناصری مثل شاه‌نشین و ایوان‌ها از معماری بناهای ساخته‌شده حذف شدند. این تغییر می‌تواند نشان‌گر تغییر در فرهنگ سکونت گذشته در بناهای متأخر باشد.





فصل ۳

ارائه دستاوردها

۳-۱- مقدمه

آنچه در فصل‌های پیشین نگاشته شد، ما را به مفهوم پیچیده و چندبعدی خانه نزدیک کرد. همچنین مفهوم خانه را در بستر سنتی خود و نیز تحولاتش را در دوران پس از سنت مورد مذاقه قرار داد و در نهایت مفاهیم مرتبط و لازم جهت بررسی آن در لایه‌ای تاریخ شهر شیراز در اختیار گذاشت. از سوی دیگر به تبیین مفهوم زمینه و پیشینه مطالعاتی آن پرداخته شد و چگونگی تعامل این دو، در دل «فرهنگ زندگی» یافته شد. فرهنگ سکونت نیز که خود بیش از هر چیز زاینده بستر فکری-اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه است که خانه در آن قرار دارد. از سوی دیگر این مفهوم جدا از کالبد و انسان ساکن در آن نیست. از این رو در مجموع می‌توان دریافت که تغییرات این رابطه، تنها با دیدی جامع به تمامی این عوامل قابل درک خواهد بود. همچنین بنا به یافته‌های پژوهش در بخش نظری، خانه و همچنین زمینه مفهومی چندبعدی و چندلایه هستند. به همین جهت نمی‌توان با یک روش واحد به تغییرات تمامی ابعادی مفهومی آن دست یافت.

در این فصل از پژوهش، با نگاهی به موارد پیش گفته و با رویکردی کل‌نگر، سه سطح مجزا برای دستیابی به فهم و درک کنش متقابل زمینه و معماری در نمونه موردی (خانه‌های بافت میانه شهر شیراز) در نظر گرفته شده است. «سطح نخست» به شناسایی بستر و تغییر و تحولات آن می‌پردازد. در این بخش به بستر سیاسی-اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه معاصر ایران توجه می‌شود. «سطح دوم» به بررسی و تحلیل بستر معماری و شهرسازی پرداخته و «سطح سوم» به تعیین مؤلفه‌های شناسایی و تحلیل معماری مسکونی در دوره پهلوی اول شیراز که موضوع اصلی این پژوهش به عنوان حلقه واسط معماری سنتی و معاصر شهر شیراز می‌باشد، می‌پردازد.

نکته شایان توجه این است که پیمایش میدانی که در این بخش صورت گرفته، به لحاظ برداشت میدانی، مستندسازی، ترسیم نقشه‌ها، سه‌بعدی‌سازی و تحلیل ساختاری خانه‌ها برای اولین بار انجام شده و آنچه که این پژوهش را دچار چالش نموده، عدم وجود اطلاعات مستند و کافی و همچنین ممکن نبودن دسترسی به بسیاری از این خانه‌ها بود که با تلاش و سختی بسیار میسر گردید.

۳-۲- تشریح طرح پژوهش

پژوهش حاضر در جست‌وجوی کنش متقابل زمینه و معماری در لایه بافت میانه شهر شیراز است. هدف نهایی این پژوهش نیز تبیین عوامل و اصول هم‌پیوندی با زمینه در تحیل کالبدی این خانه‌ها است. در این بخش چارچوب نظری به دست آمده در فصل‌های پیشین، در بستر تاریخی مورد نظر سنجیده می‌شود و تغییرات تعامل در آن مورد مذاقه قرار می‌گیرد. در راستای پرسش‌های اصلی پژوهش، که در فصل اول ذکر شد -که درک مفهوم زمینه، مفهوم خانه و کنش متقابل زمینه و معماری در دوره پهلوی اول شیراز بوده است- مطالعات نظری در سه عرصه تفکیک شده است.

عرصه نخست درک مفهوم زمینه و وجوه مختلف آن بوده است. این حوزه سبب شد تا به ابعاد مختلف موضوع، احاطه یافته و حوزه‌های مرتبط شناسایی گردد. عرصه دوم مربوط به مفهوم خانه و مفهوم معماری دوران معاصر ایران بوده که به تطابق

دانش جمع‌آوری شده از سابقه موضوع در مطالعات مختلف پرداخت. بدین ترتیب، جست‌وجو در این بخش، ما را به درک بهتر خانه ایرانی و تغییرات رخ داده در این موضوع رهنمون خواهد کرد. عرصه سوم به تحلیل نظام ساختاری خانه‌ها در تبیین مفهوم هم‌پیوندی با زمینه می‌پردازد. در این میان، مفهومی به نام فرهنگ سکونت تشریح شد که حلقه واسط بین انسان به عنوان بخشی از مفهوم زمینه و خانه است. بدین ترتیب انسان از طریق درگاه فرهنگ سکونت، با خانه آشنا شده و با آن ارتباط برقرار می‌کند و خانه نیز از طریق آن معنا می‌شود.

در این فصل، چارچوب نظری به دست آمده در دوران معاصر سنجیده می‌شود. فعالیت‌های این عرصه، در دو بخش اصلی متمرکز شده است:

■ تحلیل کالبدی خانه‌های پهلوی اول در بافت میانه شهر شیراز

■ تبیین اصول هم‌پیوندی با زمینه در ساخت این خانه‌ها

با مرور دوباره مباحث نظری مطرح شده، می‌توان دریافت که فرهنگ سکونت از چند عامل تأثیر می‌پذیرد؛ نخست این که مانند هر امر فرهنگی دیگر، وابسته به باورها، تاریخ و فرهنگ کلی جامعه مورد نظر است و از بستر سیاسی-اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه تأثیر می‌پذیرد. از این رو، تحولات جامعه یکی از اصولی ترین عوامل تأثیرگذار بر تغییرات فرهنگ سکونت است. همین‌طور شیوه مواجهه فرهنگ ایرانی در دوران سنتی، در شکل دهی به پدیده‌ها و مفاهیمی نظیر خانه، نشان گر آن است که باورها و ارزش‌های بنیادین در جامعه می‌تواند بر کلیه شئون زندگی سایه افکند و به آنها معنا دهد. بدین ترتیب باورها و ارزش‌ها نه تنها می‌تواند زمینه شکل دهنده فرهنگ سکونت باشد، بلکه می‌تواند خود، نقشی بسترگونه (بستر کلان) برای زمینه سیاسی-اجتماعی، زمینه فرهنگی و زمینه اقتصادی جامعه نیز باشد.

از سوی دیگر در مطالعات مختلف یافت شد که مفهوم خانه از ایده آل خانه تأثیر می‌پذیرد. این خانه ایده آل در جوامع شرقی و غربی وجود داشته است و شکل دهنده توجه به خانه و زندگی جاری در آن بوده است. بر این اساس، انسان سنتی با وجود الگوی انسان کامل که ناشی از تصویر زندگی آرمانی و ایده آل است، ارزش‌های شکل دهنده جامعه را می‌یابد. تصویر زندگی آرمانی به طور غیرمستقیم از بستر سیاسی-اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تأثیر می‌پذیرد و در آن تعریف می‌شود ولی به طور مستقیم بر خانه و نحوه تعامل با آن مؤثر است. از سوی دیگر، خانه مانند هر مکانی از کالبد (فرم)، معنا (تصویر ذهنی) و فعالیت، شکل می‌گیرد. بدین ترتیب تحولات هریک می‌تواند بر مفهوم خانه و فرهنگ سکونت تأثیر گذارد (آقالطیفی، ۱۳۹۱: ص ۱۶۶).

۳-۳- روش تحقیق

رویکرد اصلی این پژوهش، رویکردی کیفی است که تلاش می‌کند تا با به کارگیری مباحث نظری پیرامون مفهوم زمینه و مفهوم خانه، به درک بهتر تعامل بین آنها بپردازد. این پژوهش را می‌توان یک پژوهش کل نگر دانست. زیرا خانه یک مفهوم چندبعدی است و تفکیک این مفهوم در ابعاد مختلف می‌تواند از کلیت آن بکاهد. همچنین نحوه برهم کنش مؤلفه‌های زمینه بر آن، سبب می‌شود که راه مناسب برای فهم آن رهیافت کل نگر باشد. همچنین در پژوهش‌های حوزه انسان و

محیط می‌تواند دو رویکرد کلی را پیش رو نهاد: رویکرد نخست، به‌کارگیری ساختارهای نظری در تحلیل موضع‌گیری‌های هنجاری است، و رویکرد دوم، استفاده از روش‌های تحقیق در علوم رفتاری است. در پژوهش حاضر، به‌دلیل غنای مفهومی موضوع زمینه و خانه، گریزی از رویکرد نخست، یعنی به‌کارگیری ساختارهای نظری در تحلیل موضع‌گیری‌های هنجاری، نبوده است.

لیکن این رویکرد نمی‌تواند تنها رویکرد موجود در این پژوهش را تشکیل دهد. زیرا نیاز به مطالعه دقیق ارتباط زمینه و معماری، سبب می‌گردد تا رویکرد بعدی، یعنی استفاده از دیگر روش‌های پژوهش کیفی نیز ضروری گردد. این پژوهش دارای چند بخش است. بخش نخست که در فصل‌های ۱ و ۲ این پژوهش ارائه شد، در پی درک بهتر مفهوم زمینه و مفهوم خانه و نحوه ارتباط آنها بوده است. در این بخش‌ها تنها از طریق مباحث نظری تحلیل و استنتاج از آنها، مفاهیم کلیدی یافت شده، و از این‌رو رویه استنتاجی بحث‌های کیفی پژوهش، به‌واسطه استدلال و قیاس‌های منطقی استحکام یافت. تدابیر اصلی گردآوری اطلاعات در این زمینه، مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای بوده است. در بخش حاضر، که به بررسی تحولات مستخرج در بررسی و تحلیل نمونه موردی می‌پردازد، از دو سطح بهره گرفته شده است که هر سطح بنا به اقتضاء تدبیری خاص را طلب می‌کند. در سطح نخست نیز مانند بخش‌های قبلی از رویه استنتاجی از طریق جمع‌آوری اطلاعات به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. در سطح دوم، که به دنبال تحلیل کالبدی خانه‌ها است، علاوه بر روش‌های قبلی از راهبرد تفسیری-تاریخی نیز بهره گرفته شده است. از این طریق، پژوهشگر منابع داده‌های چندگانه را به گونه‌ای ترکیب کرده که بیانگر نفوذ فرهنگی گسترده، گستردگی پژوهش و یا تطابق کالبدی با زمینه، و درک ساکنان از خانه خود در ارتباط با محیط فرهنگی گسترده‌تر است. از مجموعه داده‌های غنی کسب‌شده در عملیات برداشت میدانی، نکات دقیق چگونگی و چرایی تأثیرپذیری متقابل زمینه و معماری مسکونی بافت میانه شیراز تشریح شد.

۳-۴- تدقیق محدوده مکانی این پژوهش

قبل از تشریح پژوهش در این سه سطح ضروری است تا محدوده زمانی و مکانی این پژوهش مشخص شود. بررسی مطالعات ارزشمندی که در دهه‌های اخیر در خصوص معماری معاصر ایران صورت گرفته از جمله مطالعات قبادیان (۱۳۹۲)، بانی مسعود (۱۳۹۰)، باور (۱۳۸۸)، مختاری (۱۳۹۴) و اعتصام (۱۳۸۵) نشان‌دهنده تمرکز این پژوهش‌ها بر گستره معماری پایتخت است. واضح است که عمده جریان فکری و اجرایی معماری نو ایران متأثر از بستر سیاسی-اجتماعی، زمانی و مکانی تهران است، اما بستر پررنگ و منحصربه‌فرد و پیشینه غنی بسیاری از شهرهای تاریخی ایران از جمله شهر شیراز نیز در رونق‌بخشی به این جریان نیز تأثیرگذار بوده است.

در بررسی سیر تحول تاریخی شهر شیراز، معماری ارزشمند و قابل توجهی در بافت میانی شهر حد فاصل محدوده بافت قدیم و شهر امروزی نمایان است که متأسفانه امروز مورد بی‌توجهی قرار گرفته است در این راستا شناسایی تجربیات معماری معاصر شیراز به‌عنوان جدی‌ترین و ملموس‌ترین آثار تفکر معماری نو، در بستر یک شهر با پیشینه تاریخی غنی بسیار حائز اهمیت است. لذا در این پژوهش، معماری مسکونی واقع در بافت میانه شهر شیراز (محدوده حد فاصل خیابان

قآنی تا خیابان انقلاب اسلامی) مورد شناسایی و بررسی قرار گرفته است. مطالعه و بازدید میدانی محدوده مکانی بر اساس تصاویر هوایی، نقشه‌های قدیمی و الگوی گسترش شهر است که در ادامه بر روی نقشه تشریح خواهد شد.

۳-۵- تدقیق محدوده زمانی پژوهش

در پژوهش حاضر در مورد انتخاب محدوده زمانی معین برای دوران معاصر، به شیوه‌های مختلف رجوع شده است. از آنجا که دستمایه این پژوهش شناسایی و بررسی معماری نو است، لذا توجه به دسته‌بندی‌های مختلفی که در خصوص تحلیل دوران معاصر در ایران انجام شده حائز اهمیت است. در این میان برخی شیوه‌ها، دسته‌بندی سیاسی را مد نظر قرار داده و با توجه به دوره‌های قاجار، پهلوی اول، پهلوی دوم و دوران انقلاب اسلامی، سه دوره آخر را جزء دوران معاصر تلقی می‌کنند. بدین ترتیب در این گونه دسته‌بندی، بازه زمانی ۱۳۰۴ هجری شمسی تا به امروز در دوران معاصر قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، با توجه به روند مدرنیته به ایران، می‌توان دسته‌بندی ویژه‌ای برای دوران معاصر قرار داد. دکتر سید محسن حبیبی در کتاب شرح جریان‌های فکری در معماری و شهرسازی معاصر ایران، این جریان‌ها را در چهار پرده تقسیم‌بندی نموده است، پرده اول را بین سال‌های ۱۲۷۵-۱۲۵۶ هجری شمسی دانسته و مشخصه آن را ورود نوآوری می‌داند. پرده دوم بین سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۱۰ هجری شمسی که اولین پژواک نوآوری (مدرنیسم) در عرصه شهر قابل شناسایی است. پرده سوم بین سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۴۰ هجری شمسی که نوپردازی (مدرنیزاسیون) یک سویه از بالا به پایین بوده است و پرده چهارم بین سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۶۰ هجری شمسی نوپردازی (مدرنیزاسیون) دوسویه شده است (حبیبی، ۱۳۸۵). همچنین می‌توان از تحولات معماری و شهرسازی نیز به محدوده دوران معاصر همان زمانی که مستقیماً بر عرصه معماری تأثیر گذاشته، دست یافت. از دیدگاه سید هادی میرمیران، شروع معماری معاصر ایران را می‌توان از حدود سال ۱۳۰۰ شمسی به بعد تصور کرد؛ دوره‌ای که در اثر تحولات سیاسی و اجتماعی، جریان زندگی اجتماعی و اقتصادی ایران تغییر کرد، سیمای شهرهای ایران متحول شد و ساختمان‌های جدیدی متناسب با نیازهای زندگی مدرن، مانند واحدها و مجموعه‌های مسکونی جدید، ادارات، کارخانجات، بانک، ایستگاه‌های راه‌آهن، دانشگاه‌ها و مانند اینها، در شهرها به وجود آمدند.

این بناها برخلاف بناهای قبل از دوران معاصر، که به دست معماران سنتی طراحی و ساخته می‌شدند، به تدریج به دست معماران تحصیل کرده طراحی گردیدند که این معماران در ابتدا غیر ایرانی بودند و سپس اندک‌اندک معماران ایرانی که در مدارس معماری خارج از ایران تحصیل کرده بودند و به دنبال آن، با ایجاد اولین مدرسه معماری ایران در حدود سال‌های ۱۳۲۰، معماران دانش‌آموخته در داخل ایران، نیز به آنها اضافه شدند. بدین ترتیب در تطابق با تحولات معماری، گروهی دوران معاصر را به قرن حاضر اطلاق می‌کنند.

در مسیر مطالعه معماری معاصر، با توجه به گسترده‌گی دوره زمانی که در ساحت این پژوهش نمی‌گنجد، و با توجه به تعیین محدوده مکانی، محدوده زمانی این پژوهش حدود سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ هجری شمسی (دوران پهلوی اول) در نظر گرفته شده است و نمونه خانه‌های بررسی‌شده در محدوده بافت میانه شیراز همگی متعلق به بازه زمانی پهلوی اول می‌باشند. در این دوره خانه‌ها در تداوم مسیر الگوی طراحی خانه‌های بومی شکل گرفته و در عین حال چهره‌ای نو به خود

گرفته است. آنچه مورد نظر این پژوهش است یافتن حلقه پیونددهنده معماری قدیم و معماری نو شیراز است؛ نکته‌ای که نگاه این پژوهش را دقیق‌تر کرده و به اصول هم‌پیوندی با زمینه نزدیک می‌کند.

۳-۵-۱- سطح اول: بستر سیاسی-اجتماعی و فرهنگی

در این بخش از پژوهش با هدف شناسایی بستر جامعه و تأثیر آن بر مفهوم خانه، به اجمال سیر تحولات فرهنگی، سیاسی-اجتماعی و اقتصادی جامعه در دوران پهلوی اول مرور می‌گردد. این بدان جهت است که فهم معنای خانه در بستر امروزی آن، تنها با در نظر گرفتن تحولات شیوه زندگی ممکن است. همچنین شیوه زندگی ایرانیان در دوران معاصر را نمی‌توان با جریان‌های مجزا سنجید، زیرا این جریان‌ها به شدت بر یکدیگر مؤثر بوده‌اند. لیکن به جهت درک بهتر شرایط، گزیری از تفکیک آن نیست. با این وجود نگاه کل‌نگر حاکم بر پژوهش در این روند نیز، کلیت جامعه را رصد نموده و نتایج حاصل از آن حتی‌المقدور از یک منظر استخراج نشده است. معنای خانه به شدت تحت تأثیر بستر تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی است. این موضوع محدود به جامعه ایران نیست. جامعه ایران در دوران معاصر بسیار متأثر از ورود مدرنیته است. هرچند بسیاری بر این باورند که ورود مدرنیته به ایران، در دوران قاجار رخ داد، ولی از ابتدای دوران پهلوی سرعت گرفت، و با نمود خود، جامعه را به شدت تحت تأثیر قرار داد. البته لازم به ذکر است مدرنیته‌ای که در ایران شکل گرفته، بسیار متفاوت از مدرنیته در غرب است. زیرا مدرنیته در جامعه غرب از بستر جامعه برخاسته و در کشور ما بیش‌تر وارد شده است. بسیاری از اندیشمندان و متخصصان تاریخ و فرهنگ ایران فرآیند صدساله گذشته را هرچند مهم ارزیابی می‌کنند، اما در آن بسیاری از فرصت‌های سوخته را می‌یابند و در نهایت نتایج پرباری نمی‌بینند (آقالطیفی، ۱۳۹۱: ص ۱۷۰). این نوشته نمی‌خواهد و نمی‌تواند دیدگاهی انتقادی درباره سیر وقایع و فرآیندهای تاریخی داشته باشد، بلکه تنها با مرور آن به جست‌وجوی نحوه کنش متقابل زمینه و معماری (خانه) است.

■ بستر سیاسی-اجتماعی دوره پهلوی اول

مشخصات سیاسی دوران پهلوی اول را می‌توان در تأکید بر نظامی‌گری، ملی‌گرایی افراطی در شکل باستان‌گرایی، محکوم و متهم کردن تفکر اسلامی تحت عنوان تفکر عربی با پشتوانه رسمی حکومتی خلاصه کرد (سروش، ۱۳۷۰: ص ۱۰۸). آنچه در اینجا واجد توجه است الگو قرار دادن غرب در کلیه اصلاحات انجام‌شده از طرف دولت است. جوهره ایدئولوژیک حکومت پهلوی، به‌عنوان مبنای معرفتی حکومت او، تجدد آمرانه بود؛ در ایران سده بیستم، در راستای یکی انگاشتن تجدد و غرب‌گرایی از مشخصه‌های عمده اندیشه تجدد نسخه‌برداری گردید (مومنی، ۱۳۸۷). عصر پهلوی اول از دو دوره مشخص تشکیل می‌شود. دوره نخست بین سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۲ هجری شمسی است که شاخص این دوره، حضور فعال افراد نوگرا و تحصیل‌کرده غرب، گرایش به تجدد و تغییر نسبت به دوران قاجار (در میان متولیان و روشنفکران) و برنامه‌های عمومی نوسازی است. این برنامه‌ها بخش‌های مختلف جامعه را هدف قرار داده بود. برنامه‌های عمرانی (مانند راه‌آهن سراسری)، آموزشی (مانند اعزام محصل به خارج از کشور)، اقتصادی (مانند افتتاح بانک رهنی)، اداری (مانند تحول

در نظام قضایی) و حتی تغییر در آداب و رسوم سنتی و مذهبی، بخشی از مجموعه تغییراتی بود که به کلیت اجتماع سنتی هجوم برد. جامعه سنتی که خود را آماده چنین تحولاتی نکرده بود - و در عین حال پیش‌ذهنیتی از تغییر را از روزگار قاجار داشت - تحت تأثیر این نوسازی قرار گرفت.

دوره دوم از عصر پهلوی اول، بین سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۰ هجری شمسی قرار داشت که به بیان صریح رضاشاه، دوره «رژیم یک نفره» یا حاکمیت مطلقه بود (هدایت، ۱۳۴۴: ص ۳۸۶). شاخصه این دوران بروز احکام مختلف حکومتی در ابعاد مختلف در ابعاد مختلف جامعه، کنار گذاشتن رجال مقتدر دوره نخست، اجرای سیاست‌های غیردینی و غرب‌گرا (مانند کشف حجاب)، تحکم در تغییر سنن و شیوه زیست آحاد جامعه (مانند اجبار در تعویض کلاه پهلوی به کلاه شاپو) بوده است.

رضاشاه به‌عنوان بنیان‌گذار «ایران نوین» به دنبال نو ساختن ایران بود. نوگرایی در ایران، برخلاف بستر اروپایی خود که با انباشت سرمایه، توسعه اقتصادی و بر پایه آن توسعه اجتماعی همراه بوده است، بدون همراهی موارد فوق، در زمان بسیار کوتاه و به‌صورت آمرانه بوده است. البته در این دوره تلاش‌هایی نیز شد تا برنامه‌های اصلاحی به ابعاد مختلف جامعه پرداخته و جامعه پراکنده منطقه‌ای و عشیره‌ای را به ملتی واحد و منسجم تبدیل کند و کلیت این جامعه را به سمت نوگرایی سوق دهد.

رضاشاه در پی اصلاح امور سیاسی-اداری، فعالیت‌های خود را به سمت اصلاحات در جامعه برد. هرچند هرگز طرح و برنامه مدونی برای نوسازی ارائه نداد. وی تلاش می‌کرد تا ایرانی بسازد که از سویی از نفوذ نیروهای مذهبی خارج شود، تحت دسیسه‌های خارجی نباشد و دور از شورش‌های قبیله‌ای و اختلافات قومی قرار گیرد، و از سوی دیگر، جامعه‌ای شبه‌غربی شکل دهد؛ جامعه دارای نهادهای آموزشی مدرن، زنان غربی‌مآب فعال در خارج از خانه و شبکه‌های ارتباطی به‌روز باشد و ابزارهایش برای رسیدن به این هدف مبارزه با قبیله‌گرایی، ملی‌گرایی، توسعه آموزش، سرمایه‌داری دولتی و غیردینی‌سازی جامعه بود (بانی مسعود، ۱۳۹۰: ص ۱۸۱). در این دوره مدرنیزاسیون وارد مرحله دیگری گردید و از طریق برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خاص به‌صورت مداخله آمرانه توسط دولت و غربیان انجام شد که به دلیل پیشگامی دولت در این امر، دگرگونی‌های عمیق و گسترده‌ای در ساختار اجتماعی-سیاسی ایران به وجود آورد که از قرار زیر هستند:

- رواج یافتن الگوهای غربی در تمام زمینه‌ها به دلیل تعقیب سیاست‌های غرب‌گرایانه از طرف حکومت.
- تغییر ساختار اجتماعی و پیدایش طبقه جدیدی موسوم به روشنفکران متخصص که از اساتید دانشگاه، وکلای دادگستری، آموزگاران و نظایر آنان تشکیل می‌شدند و غالباً گرایش به شیوه زندگی مدرن داشتند.

جدول ۳-۱- تحولات سیاسی - اجتماعی و پیامدهای آنها بر خانه در دوران پهلوی اول (منبع: کیانی، ۱۳۸۷)

ردیف	اساس تحولات	نمایش تحولات در جامعه	تغییرات به وجود آمده در خانه
۱	ظهور دولت مرکزی قدرتمند	- دخالت مستقیم در عرصه شهرسازی - به وجود آمدن معنای عمومی متفاوت از خیابان	- ساخت و ساز در شهر و محلات به عنوان قلمرو خارجی خانه - حرکت بروونگرا در طراحی خانه
۲	نفوذ ارتش در ساختار جامعه	- حضور ارتش به عنوان کانون ملی گرایی، در صف مقدم تحول اجتماعی - مدرن سازی آمارانه	- بروز تفاوت در زندگی خارجی و داخلی خانه
۳	تغییر در نظام اجتماعی	- امکان تحصیل دانشگاهی بانوان - کشف حجاب - تغییر نقش زنان در خانواده - امکان بیشتر اشتغال زنان در جامعه	- شروع تغییر جایگاه مکان‌های زنانه در خانه مانند آشپزخانه - به وجود آمدن نوع جدیدی از ایوان که به جای اشراف به حیاط به سمت خیابان بود.
۴	تغییر نظام اداری	- شکل گیری مراجع رسمی برای فعالیت‌های مختلف - شکل گیری شغل‌های جدید - ایجاد تغییر در فرهنگ سکونت به تبع شغل	- آغاز خارج شدن تدریجی محل تولید از فضای زیست
۵	فعالیت‌های عمرانی مرکزی	- ساخت ساختمان‌های دولتی با رویکرد باستان گرایی - توسعه راه‌آهن و خدمات عمومی حمل و نقل	- استفاده از عناصر تزئینی متفاوت از دوران سنتی در نماهای مسکونی - تغییر سلیقه مردم به واسطه تردد در محیط که منجر به توجه به نمای خارجی خانه شد.

■ به وجود آمدن روش‌های جدید در زندگی ایرانیان در نتیجه گسترش ورود کالاها و تولیدات صنعتی غرب و ترویج فرهنگ و راه و رسم زندگی اروپائی.

■ ظهور و گسترش فعالیت‌ها و نهادهای نوین اجتماعی همچون کارخانه‌ها، ادارات، آموزشگاه‌ها و بیمارستان‌ها. به هر تقدیر نوسازی در ایران باعث تأسیس ارتش مستقل، نظام وظیفه همگانی، تأسیس دستگاه قضایی نوین، گسترش حمل و نقل و ارتباطات، اسکان عشایر، توسعه صنعتی و اقتصادی، آموزش و پرورش نوین شد (انصاری، ۱۳۹۵: ص ۵۰). تحولاتی که در این دوره در زمینه‌های اداری و سیاسی صورت گرفت، منجر به پدید آمدن نهادهای جدیدی در عرصه‌های آموزشی، اداری، اجتماعی و فرهنگی شد؛ نهادهایی که اغلب، هم از لحاظ ساختار سازمانی و هم از جنبه فضای معماری جدید بودند. در نتیجه نه تنها دگرگونی‌ها و تحولات مهم و قابل توجهی در عرصه‌های اجتماعی پدید آمد، بلکه تغییرات وسیعی در عرصه‌های معماری و فضاهای شهری نیز حاصل شد. استفاده از اتومبیل و توسعه نسبتاً برنامه‌ریزی شده و تغییر در شکل زمین‌های در نظر گرفته شده برای توسعه شهر و چگونگی تقسیم قطعه‌ها به گونه‌ای که غالباً هر قطعه از یک جبهه در کنار خیابان اصلی یا فرعی قرار گیرد، از عوامل دگرگونی در فضاهای معماری و شهری به شمار می‌آیند.

■ بستر فرهنگی

اگر فرهنگ را کلیت درهم تافته‌ای بدانیم که شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم، و هرگونه توانایی و عاداتی انسان را به‌عنوان یک عضو از جامعه به دست می‌آورد و یا آن را شامل رفتارهایی قرار دهیم که در میان گروهی از انسان‌ها مشترک است و از نسلی به نسلی و از کشوری به کشوری راه یافتنی است و یا در نهایت آن را طریق زندگی و هرچه که طریق زندگی را معین می‌کند، فرض کنیم، بدین ترتیب فرهنگ مد نظر این نوشتار مجموعه باورها، دانش‌ها، آداب و رسوم و ارزش‌هایی است که جامعه‌ای بر مبنای پیشینه، اعتقادات و تعاملات خود، آن را تکامل بخشیده و بر اساس آن مجموعه، مشی می‌نماید و از طریق روابط در حوزه انسانی، بین اعضای مختلف آن جامعه انتقال می‌یابد. یکی از موارد شایان توجه در درک بهتر تغییرات فرهنگی، بررسی رسانه‌ها و تأثیرات آن بر جامعه در بازه‌های زمانی مختلف این دوران است. زیرا رسانه‌ها به سادگی وارد خانه‌ها می‌شوند و به هیچ وجه منفعل عمل نمی‌کنند، بلکه به سرعت فضا-زمان خانگی را تغییر می‌دهند و بدین‌سان فرهنگ سکونت آهسته‌آهسته تغییر می‌یابد. با حضور رسانه در عرصه خصوصی، معنای این گونه فضا به شدت تغییر یافته است (چارچ^۱، ۲۰۱۰، ۲۶۳).

■ بستر فرهنگی دوره پهلوی اول

رضاشاه بنیان‌گذار نهادهای مهم تحول‌یافته نظامی، اداری، سیاسی، مالی و آموزشی بود. با این وجود خود برآمده از تعلیم و تربیت و رسوم بومی و محلی طبقه اجتماعی متوسط جامعه بود. با وجود تأسیس دانشگاه تهران، خود بی‌سواد بود؛ با وجود دستور کشف حجاب، نسبت به نوامیس خود حساس و غیرتمند بود و با وجود تمنای تجدد، خود در زندگی خصوصی سنت‌گرا بود (امین، ۱۳۸۱). همگام با تحولات اداری، اجتماعی و آموزشی در جامعه، حاکمیت به‌صورت مشخص به سراغ مظاهر فرهنگی رفت و حفظ میراث فرهنگی ایران و تشویق و ترویج هنر مورد توجه قرار گرفت. هنرهای موسیقی بنا شد تا به گردآوری و تنظیم موسیقی محلی و ترانه‌های سنتی ایرانی بپردازد؛ برای نخستین بار از برنامه‌های موسیقی همگانی حمایت رسمی به عمل آمد؛ فرهنگستان پایه‌گذاری شد تا در صورت امکان واژگان فارسی را جایگزین واژگان عربی و ترکی موجود در زبان سازد. بدین ترتیب مظاهر فرهنگی نیز خود را در معرض بروز تحول دید. با این وجود فرهنگ غالب در جامعه به سرعت از تغییرات سیاسی و اجتماعی تبعیت ننمود. به جهت آنکه این تغییرات فرهنگی مخاطبان خاص خود را داشت و نیز ارزش‌های نوظهور فرهنگی در ذهن بسیاری از نسل‌های جامعه در برابر ارزش‌های گذشته توان مقابله نداشت. همچنین تغییرات فرهنگی در یک جامعه مستلزم زمان است و در یک بازه زمانی کوتاه رخ نمی‌دهد. بدین ترتیب شیوه زیست خصوصی جامعه در این دوران تقریباً پیرو فرهنگ سکونت قبلی بوده است، اگرچه که کالبد خانه‌ها تغییراتی داشته و شکلی متفاوت به خود گرفته است. حضور رسانه نیز بر تغییرات این دوران بی‌اثر نبود. رسانه در ایران با ورود رادیو و تلویزیون معنا یافت. پیش از آن با وجود انتشار روزنامه و نشریات متعدد، به‌واسطه محدود بودن مخاطبان و نیز بی‌سوادی جامعه، این دو ابزار توانست تأثیر چندانی بر مفهوم خانه نداشته باشد. علاوه بر این روزنامه و نشریات آن روزگار بیشتر به

1. church et la

جدول ۳-۲- تحولات فرهنگی و پیامدهای آنها برخانه در دوران پهلوی اول (منبع: کیانی، ۱۳۸۷)

ردیف	اساس تحولات	نمایش تحولات در جامعه	تغییرات به‌وجود آمده در خانه
۱	در تضاد بودن فرهنگی حاکمیت با گذشته خود و جامعه	- اجبار در همراهی جامعه با حاکمیت - ممنوع شدن برخی آداب و رسوم سنتی در جامعه	- پدید آمدن مظاهر فرهنگی بیرونی متمایز با فرهنگ دورنی (شکل‌گیری فرهنگ عمومی و خصوصی)
۲	گزارش حاکمیت به مظاهر فرهنگی (توجه به حفظ میراث فرهنگی ایران و تشویق و ترویج هنر)	- بنا شدن هنر سرای موسیقی - حمایت رسمی از برنامه‌های موسیقی همگانی - پایه‌گذاری فرهنگستان - ساخت موزه ایران باستان - به‌وجود آمدن سبک التقاطی در معماری	- شکل‌گیری جایگاه ویژه برای هنر در میان خانواده‌های عامه جامعه - زمینه حضور رسانه‌ها در خانه
۳	گسترش نسبی حضور رسانه	- افزایش اقبال عمومی به رسانه به سبب حضور رادیو در فضاهای عمومی و خصوصی	- مخاطب قرار گرفتن همه اعضای خانواده با رسانه - افزایش اقبال عمومی به رسانه به سبب حضور رادیو در فضاهای عمومی و خصوصی

موضوعات عمومی و فراگیر جامعه تمرکز داشتند و کمتر وارد حیطه خصوصی می‌شدند. در ابتدا رادیو جایگاه خود را در فضاهای عمومی یافت و عمدتاً در فضاهای تجمع مردان مانند قهوه‌خانه‌ها یافت می‌شد. به‌طور هم‌زمان بسیاری افراد از گروه‌های روشنفکر جامعه خواهان ورود این رسانه به فضای خصوصی خود بودند (آقالطیفی، ۱۳۹۱: ص ۱۸۸).

۳-۵-۲- سطح دوم: بستر معماری و شهرسازی

معماری معاصر ایران مسیر پرفراز و نشیبی را در طی یکصد سال اخیر در سیر تکوین و توسعه خود پیموده است. این معماری دارای گرایش‌ات و رویکردهای متنوعی است که بررسی و شناخت آنها همانند هر پدیده فرهنگی دیگر بدون داشتن شناخت جامعی از شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه روزگار خود امری ناممکن است. ایران در قرن گذشته شاهد رویدادهای بسیار متنوعی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بوده است، به گونه‌ای که شاید هیچ دوره‌ای را در طول تاریخ نتوان از لحاظ تنوع چنین رویدادهایی با دوره معاصر مقایسه نمود. نکته اصلی که بر تمامی رویدادهای این عصر سایه افکنده و وجه تمایز آنها با رویدادهای پدیدآمده در تمامی اعصار پیش است مواجهه فرهنگ ایرانی با فرهنگ مغرب زمین است، مواجهه‌ای که دیگر نقش «هم‌حضور» را بر عهده نداشته و به عرصه تأثیرگذاری مستقیم، غیرمستقیم و یا حتی فراتر از آن به اقتباس و تقلید کشانده شده است (انصاری، ۱۳۹۵: ص ۲).

معماری و شهرسازی دوره پهلوی اول

گسترش نهادهای جدید، معماران را با فضایی ناآشنا روبه‌رو می‌نمود، فضایی که بناهای شاخص آن دیگر سابقه‌ای در معماری گذشته ایران نداشتند، بناهایی نظیر ایستگاه‌های راه‌آهن، کارخانجات، سینماها، ساختمان‌های اداری، دانشگاه‌ها و بانک‌ها. اعتصام به شش گرایش در معماری دوره پهلوی اول اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: معماری مدرن اروپایی و کلاسیک آلمان،

معماری نئوکلاسیک ایران، معماری کلاسیک اروپا، معماری التقاطی با به کارگیری عناصر کلاسیک اروپایی و تزیینات ایرانی، معماری شبه‌مستعمراتی، و ادامه سبک معماری قاجار (اعتصام، ۱۳۷۵). صارمی نیز در خصوص این تنوع گرایش‌ها معتقد است که: «در دوران پهلوی اول در یک تقسیم‌بندی کلی چهار نوع عطف تاریخی را می‌توان مشاهده کرد. نوع اول ادامه راه گذشتگان، که سیر تاریخی معماری در آن مشاهده می‌شود. نوع دوم بناهایی هستند که آگاهانه به معماری پیش از اسلام عطف کرده‌اند، مانند بناهایی که غالباً معماران اروپایی طراحی کرده‌اند و تأثیرات معماری نئوکلاسیک در آنها به خوبی مشاهده می‌شود. نوع سوم آنهاهایی هستند که به معماری پیش از مدرن غرب عطف شده‌اند و در آنها سیر تاریخی معماری اروپا را می‌توان پیگیری کرد. نوع چهارم بناهایی هستند که از ترکیب معماری پیش از اسلام، معماری دوران اسلامی و معماری پیش از مدرن اروپا ساخته شده‌اند، که البته مقدار این ترکیب بسته به مورد متغیر است» (صارمی، ۱۳۹۷، ۶۸).

در دوره مدرن‌سازی کشور که از سال‌های ۱۳۱۰ توسط رضاشاه آغاز شده بود، همه مدل‌های مسلطی که می‌خواستیم به آنها دست یابیم یا آنها را در کشورمان بنشانیم بی‌بروبرگرد، برای بخشی از جامعه، از ارزش‌های غربی الهام می‌گرفت که این در معماری، در ایجاد فضاهای عمومی، در سبک امپراتوری نوهخامنشی، در تأسیس دانشگاه مدرن، در ساختمان وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری و غیره جلوه‌گر می‌شد (شایگان، ۱۳۷۴: ص ۹). در دو دهه سلطنت رضاشاه، دولت نقش فعالی را در اجرای طرح‌های عمرانی ایفا کرد. برای نخستین بار به‌طور گسترده از معماران بیگانه برای ساخت ادارات، وزارت خانه‌ها، کارخانه‌ها دعوت به عمل آمد و برنامه‌های بازسازی با سرعت و وسعت زیادی اجرا شد که در نتیجه آن بافت و سازمان فضایی-کالبدی سنتی شهرهای بزرگی چون تهران و شیراز شاهد تغییرات و تحولاتی گشت و به شهرها عناصر جدیدی چون خیابان ویژه تردد اتومبیل و مجموعه‌هایی با عملکرد نوین نظیر ایستگاه راه‌آهن و دانشگاه اضافه شد (انصاری، ۱۳۹۵: ص ۵۵). در این دوره بافت شهری تهران و برخی از شهرهای بزرگ من‌جمله شیراز دستخوش تحولاتی قرار گرفت؛ تحولاتی که ماهیتاً با تمامی تحولات پیشین متفاوت بود، تحولاتی آگاهانه که دیگر تنها در پی گسترش محدوده شهرها نبود، بلکه بر اساس اندیشه‌ای خاص، بافت شهری را از درون مورد توجه قرار می‌داد. در این دوره «برای اولین بار در تاریخ شهرگرایی و شهرنشینی کشور، دولت بر آن می‌شود که چهره و سازمان شهر را نه بر مبنای تفکر و تحول درونی بلکه بر اساس اندیشه و تغییر برونی دگرگون سازد. اندیشه‌ای که بر نوآوری (مدرنیته)، نوآوری (مدرنیسم) و نوپردازی (مدرنیزاسیون) ناشی از آنها استوار است. به خوبی روشن است که در این اندیشه مفاهیم تحول تاریخی، سازمان فضایی بومی، شیوه‌های زیست و تولید کهن و جاری، و نبود تغییرات ماهوی و بنیادی در سازمان اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی کشور بی‌معناست، و باز هم روشن است که وقتی نوپردازی مسلط، مشوق چنین اندیشه‌ای گردد، سازمان فضایی-کالبدی کهن تا چه اندازه می‌تواند مورد دگرگونی واقع شود. بر خلاف سنت شهرسازی کشور، شهر نه در برون و در فراسوی دیوارها، بلکه از درون مورد دگرگونی و تغییرات کالبدی واقع می‌شود» (حبیبی، ۱۳۸۵: ص ۲۹). ظهور و گسترش نهادهای نوین اجتماعی چون کارخانه‌ها، ادارات دولتی و استفاده از سیستم‌های نوین سازه‌ای، کاربرد مصالح جدید همانند آهن، سیمان، بتن و شیشه، و ظهور سبک‌ها و گرایش‌های متنوع معماری اروپایی و ایرانی از شاخص‌ترین ویژگی‌های معماری پهلوی اول هستند که در این رابطه سه گرایش را می‌توان از هم تفکیک کرد:

الف- معماری التقاطی با تأکید بر معماری ایران باستان

این گرایش در پاسخ به اهداف ملی‌گرایانه حکومت به وجود آمد. از آنجایی که ایدئولوژی حکومتی، نوستالژی شکوه و اقتدار امپراتوری کهن ایران را در خود پرورانده بود به طرح‌های معماری نیاز داشت که نمودار چنین رویکردی باشد و به همین جهت گرایشی در معماری این دوره شکل گرفت که به طریقی خاص به شیوه معماری قبل از اسلام و به ویژه معماری دوره هخامنشی و ساسانی و از الگوهای غرب به‌طور خاص به معماری نئوکلاسیک غرب توجه کرد. در این دوره یک سبک معماری رسمی به وجود آمد که عمدتاً میراث معماری اسلامی را نادیده گرفت و ترجیح داد از دوران کهن قبل از اسلام الهام بگیرد (ریتر، ۱۳۸۷). در نتیجه چنین گرایشی، گونه‌ای خاص از معماری در طرح ساختمان‌های دولتی چون ساختمان‌های آموزشی و ادارات پدید آمد. نقشه این ساختمان‌ها غالباً با رعایت تقارن، نظم، سلسله‌مراتب هندسی، متأثر از معماری نئوکلاسیک قرن نوزدهم طراحی شدند و جالب آنکه به معماری ایران در حد کاربرد عناصر تزئینی در نمای ساختمان چون نقش کنگره‌ها، ستون‌ها، سرستون‌های هخامنشی توجه شده است. بناهایی چون شهربانی کل کشور، دبیرستان انوشیروان دادگر، دبیرستان البرز تهران، اداره مرکزی پست و موزه ایران به طراحی معمارانی چون باغلیان، نیکلای مارکف، ماکسیم سیرو و آندره گدار از نمونه‌های شاخص این گرایش به حساب می‌آیند (انصاری، ۱۳۸۵: ص ۵۷).

نکته دیگر واجد اهمیت، شکل‌گیری انجمن آثار ملی در سال ۱۳۰۱ تحت تأثیر فضای ملی‌گرایی و ایران‌دوستی می‌باشد. این انجمن با هدف ساختن آرامگاه برای بزرگان ایران، تعمیر بناهای تاریخی، تألیف و انتشار آثار بزرگان علمی و ادبی، تهیه و نصب تندیس برخی از بزرگان تاریخی و برگزاری کنگره‌های علمی شکل گرفت و موجب تأثیرات فراوانی در عرصه فرهنگ و معماری گردید (سلطان‌زاده، ۱۳۸۵). از بناهایی که در دوره پهلوی اول توسط این انجمن ساخته شد می‌توان به آرامگاه فردوسی اشاره کرد.

ب- معماری التقاطی با تأکید بر معماری اروپایی

جریانات تجدیدطلبانه با هدف اقتباس از تمدن غربی و ترکیب تمدن ایرانی و غربی در معماری پهلوی اول به خوبی بازتاب یافت و باعث به‌وجود آمدن گرایشی شد که به دو شیوه معماری اروپایی و ایرانی توجه نمود ولیکن ترکیب این دو معماری به گونه‌ای بود که معماری اروپایی بیان ویژه‌ای برای خود یافت. استفاده مستقیم از عناصر تزئینی معماری کلاسیک اروپا و رعایت اصول معماری کلاسیک همانند تقارن، نمایی ریتمیک، رفعت و پرستونی نما از ویژگی‌های عمده ساختمان‌های متأثر از معماری نئوکلاسیک اروپا در دوران پهلوی اول است که می‌توان از بناهای اطراف میدان حسن‌آباد و میدان مشق به‌عنوان نمونه این بناها یاد کرد (انصاری، ۱۳۹۵: ص ۶۰).

ج- معماری خالص اروپایی

این گرایش بیشتر در ارتباط با اهداف تجدیدطلبانه روشنفکران به‌وجود آمد. روشنفکران، دانش‌آموختگان دانشگاه‌های مغرب زمین، مهندسان و پیمانکاران خارجی با تقلید از الگوهای ساخت‌وساز معماری غربی در پیدایش و رواج این گرایش مؤثر واقع شدند. در این نوع معماری هیچ اثر یا نشانه‌ای از معماری ایرانی وجود نداشت و غالباً گویای عملکرد و فضایی بود که بدون هیچ دخل و تصرفی از غرب به ایران وارد شد. بناهای ایستگاه راه‌آهن تهران، وزارت دادگستری، دانشکده‌های پزشکی و حقوق، بانک ملی گرگان و بیمارستان بانک ملی از مصادیق این گرایش در دوره پهلوی اول هستند (سلطان‌زاده، ۱۳۸۵: ص ۲۳).

در این رابطه می‌توان به تعدادی از بناهای مسکونی که با الگوهای جدید غربی احداث شدند اشاره کرد. ویلای ملک اصلانی، پناهی، خسروانی، با طراحی گابریل گورکیان در زمره این بناها هستند. محسن فروغی، وارطان هوانسیان، علی صادق، کیقباد ظفر بختیار، پل آبکار، گابریل گورکیان و ایرج مشیری از پیشگامان این جریان به شمار می‌رفتند. ویژگی‌های این جریان معماری را می‌توان در قالب دسته‌بندی زیر ارائه نمود:

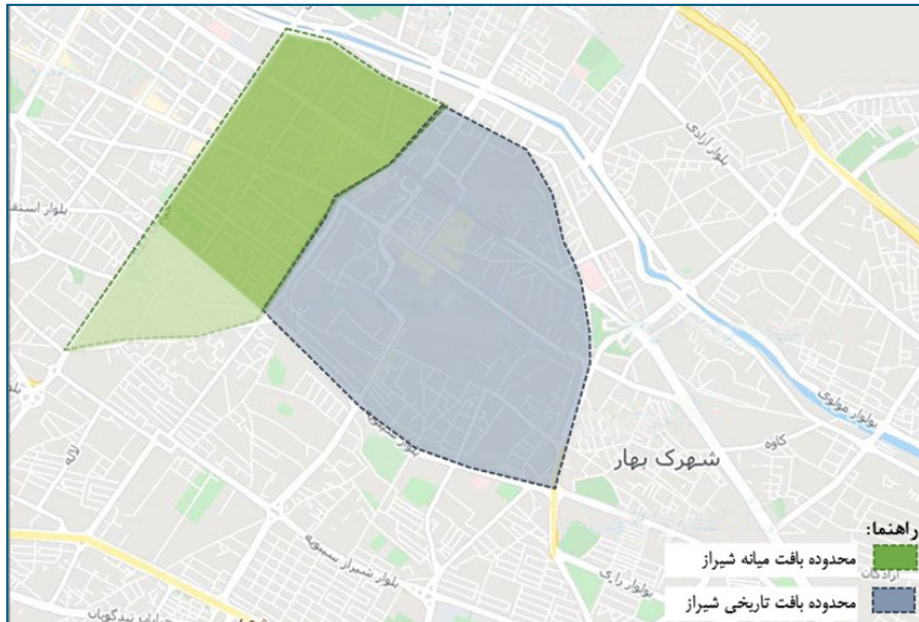
- عدم تقارن و استفاده از احجام، فرم‌ها و اشکال متنوع در طراحی ساختمان.
- ترکیب فضای داخل و خارج با استفاده از مصالحی چون شیشه و پلان آزاد.
- عدم استفاده از روابط فضایی سنتی و ایجاد روابط فضایی جدید بر اساس تقسیم عملکردی فضاها بالاخص در طرح خانه‌های مسکونی.
- استفاده از سیستم سازه‌ای ترکیب دیوار باربر و سیستم قابی.
- استفاده از سیمان به‌صورت روکار در نماها، بتن در سقف و پله‌ها و کاربرد سطوح گسترده و سرتاسری شیشه‌ای.

۳-۵-۳- تعیین مؤلفه‌های شناسایی و تحلیل معماری مسکونی در دوره پهلوی اول شیراز

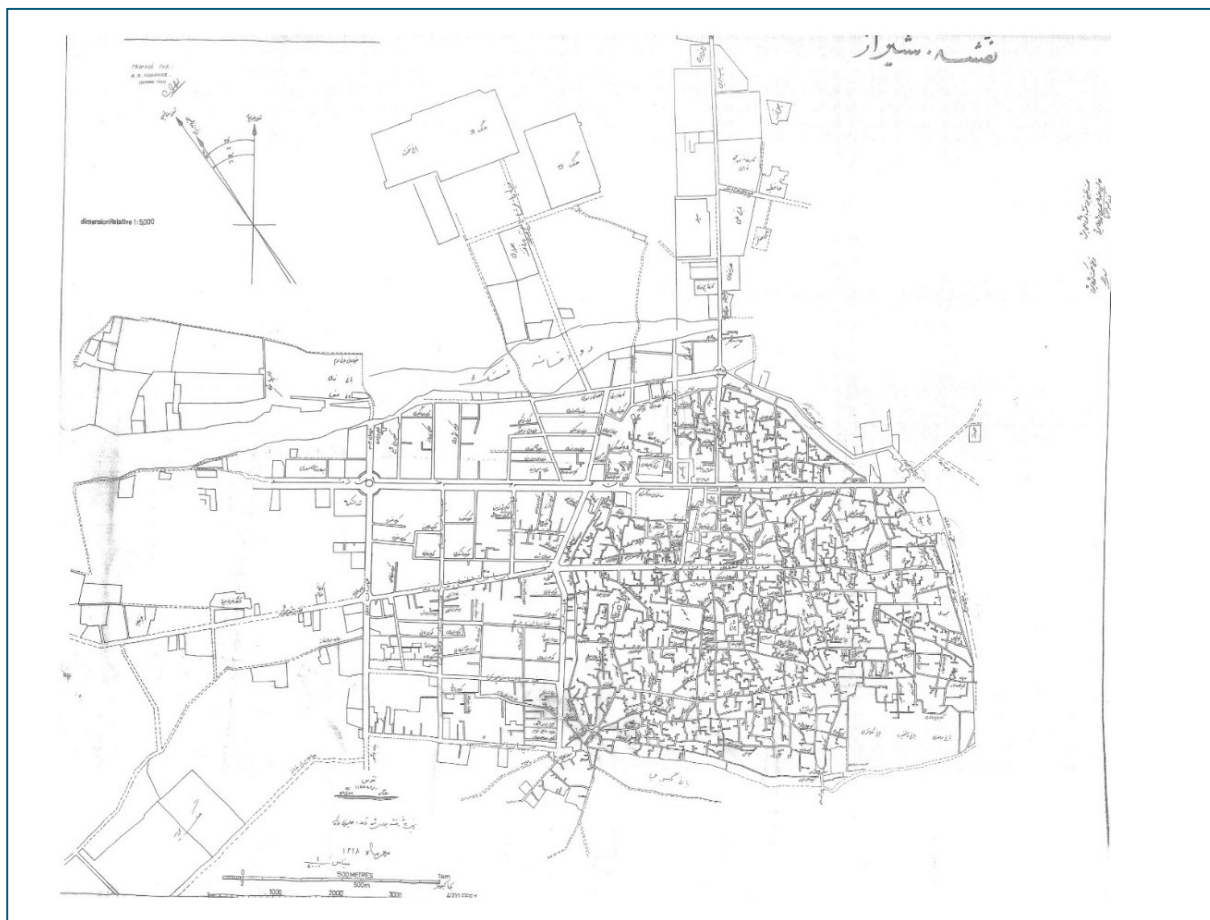
در راستای شناسایی بناها در محدوده بافت میانه شهر شیراز، در یک پیمایش میدانی کل محدوده بافت مورد بررسی قرار گرفت. در گام نخست شناسایی، سیمای بیرونی بناها که شامل دیوارها، نمای رو به خیابان و سردر ورودی بنا و آنچه که تظاهر بیرونی بناها را شامل می‌شد مورد سنجش قرار گرفته و بناهایی که از دارای ویژگی‌های خاصی بودند مشخص گردید. در گام دوم با تطابق این بناها با عکس‌ها و نقشه‌های قدیمی و مکان‌یابی بناهای موجود در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ و با نقشه وضع موجود، بناهای شاخص و ارزشمند شناسایی شدند. در مرحله شناسایی اولیه همه بناهای موجود در بافت میانه حد فاصل خیابان قآنی شمالی و خیابان انقلاب اسلامی (پارامونت) با تقسیم‌بندی خاصی که بر روی نقشه انجام شده، کدگذاری و مستندسازی گردید. در گام دوم شناسایی دقیق‌تر بناها بر اساس ویژگی‌های خاصی که مد نظر بود، بناهایی که امکان دسترسی به آنها میسر بود، انجام شد. در ادامه روند شناسایی و مستندسازی سعی شده مراحل تحلیل کالبدی بناها در مراتب زیر صورت بگیرد:

- نظام استقرار بناهای مورد نظر در بافت شهری
- نظام دسترسی
- نظام دانه‌بندی و جهت‌گیری بنا در بافت میانه شیراز
- نظام توده‌گذاری
- نظام عملکردی حیاط‌ها
- نظام ترکیب‌بندی جزء فضاها معماری
- نظام پیکره‌بندی فضایی
- نظام ارتباط فضایی
- نظام ترکیب‌بندی فضاها (نیمه‌باز (ایوان)
- نظام ساختار سازه و تزیینات خانه

تبیین محدوده مکانی پژوهش



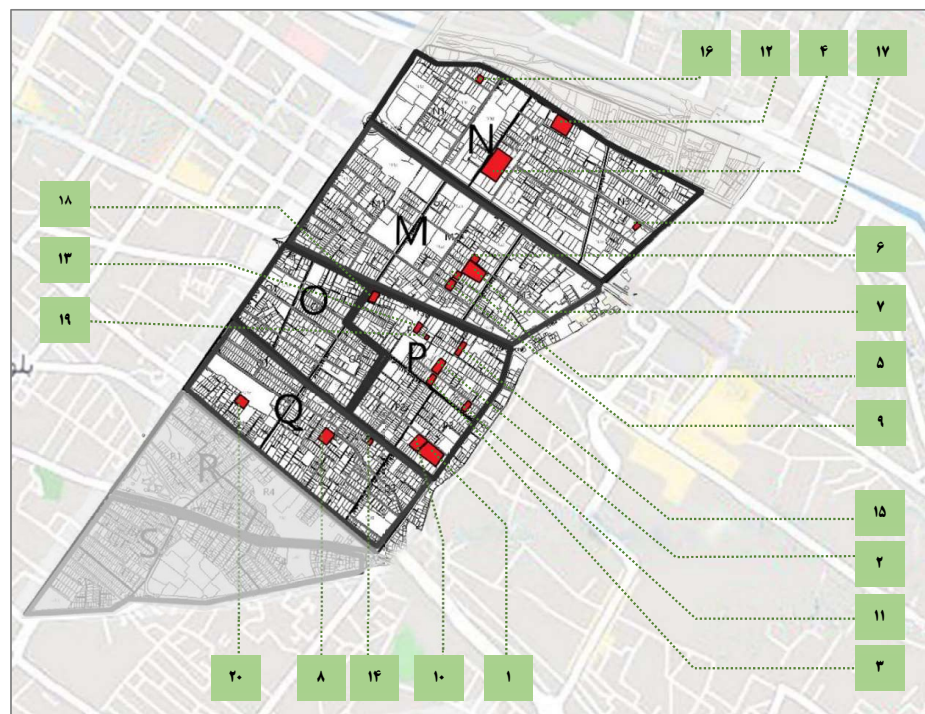
تصویر ۱-۳- نقشه موقعیت بافت میانه نسبت به بافت تاریخی شیراز
(منبع: نگارنده)



تصویر ۲-۳- نقشه سال ۱۳۲۸ هجری شمسی شیراز (منبع: آرشیو شهرداری منطقه تاریخی فرهنگی شیراز)



تصویر ۳-۳- تعیین موقعیت
بافت تاریخی و بافت میانه
شیراز بر روی عکس هوایی
سال ۱۳۳۵ شیراز
(منبع: نگارنده)

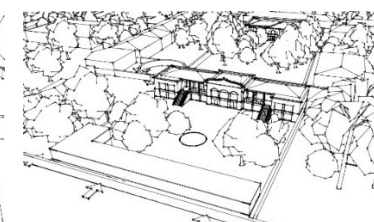
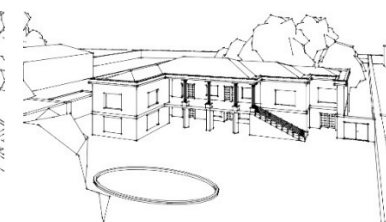
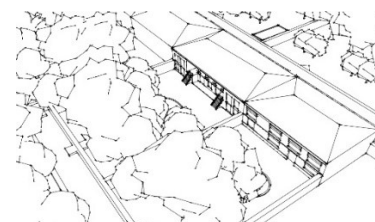
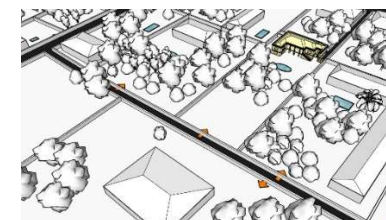
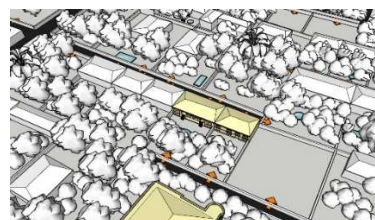
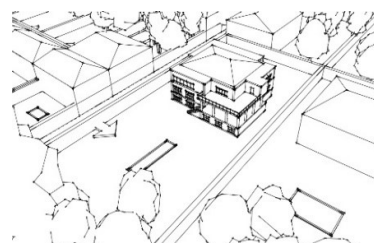
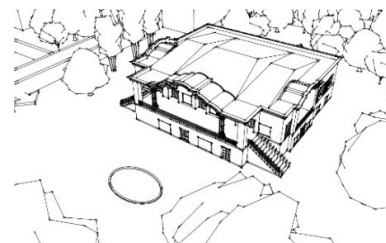
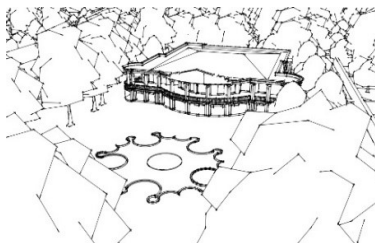
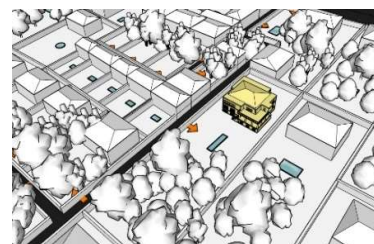
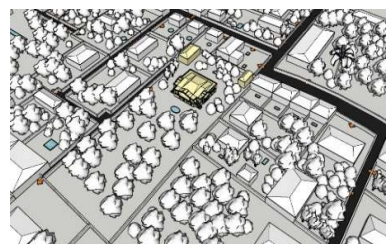
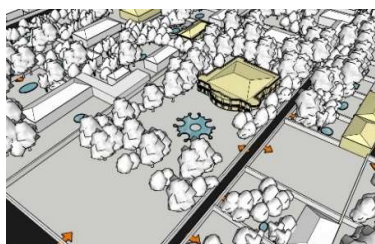
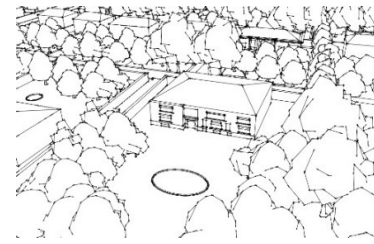
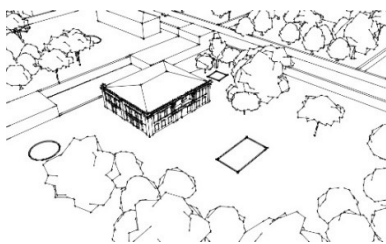
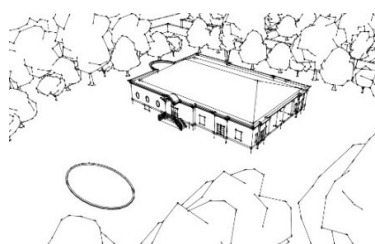


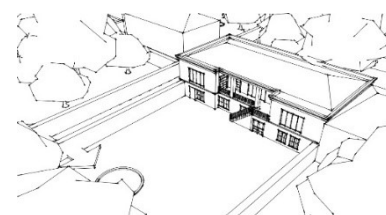
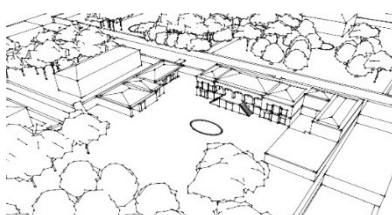
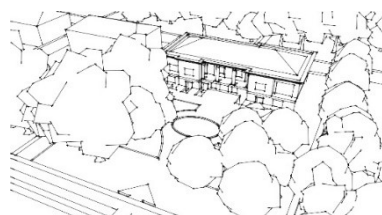
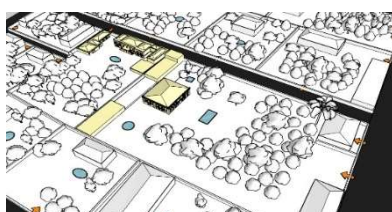
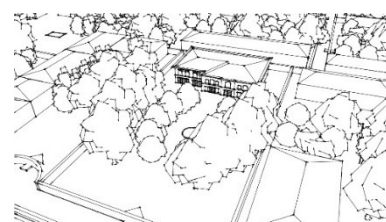
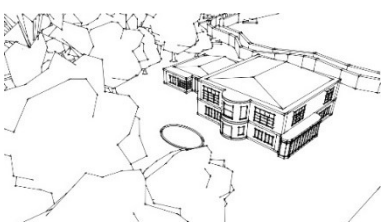
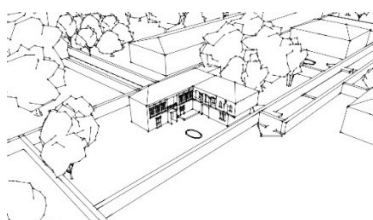
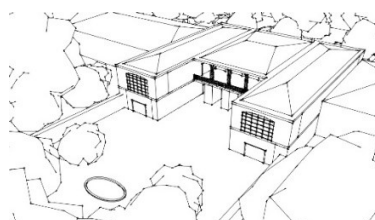
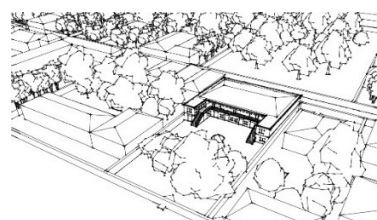
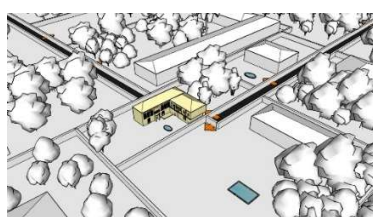
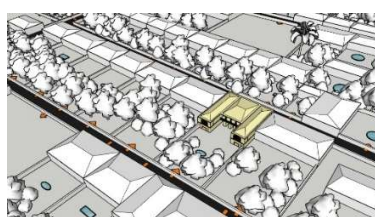
تصویر ۳-۴- تعیین موقعیت
بناهای منتخب این پژوهش
بر روی نقشه بافت میانه
شیراز (منبع: نگارنده)

- | | | | |
|--------------------|----------------------|---------------------|-------------------|
| ۱۶- خانه N1b(12) | ۱۱- خانه نورانی وصال | ۶- خانه خرمند | ۱- خانه امتیاز |
| ۱۷- خانه N3d(4) | ۱۲- خانه منشی باشی | ۷- خانه شاپوری | ۲- خانه توللی |
| ۱۸- خانه-باغ خیرات | ۱۳- خانه خوشخو | ۸- خانه جمشیدی | ۳- خانه فرهودی |
| ۱۹- خانه P1a(159) | ۱۴- خانه پرویزی | ۹- خانه آینده سازان | ۴- خانه-باغ فردوس |
| ۲۰- خانه محلاتی | ۱۵- خانه نمازی | ۱۰- خانه عفاف | ۵- خانه رحیمی |

۳-۵-۳-۱- نظام استقرار بناهای مورد نظر در بافت شهری

ورود خیابان به شهرهای تاریخی و تحولات ناشی از آن در بستر شهر، اجتناب‌ناپذیر بوده است. تخریب بافت فیزیکی، تغییر در ساختار کالبدی و کارکردی محلات، به همراه حذف نمونه‌های ارزشمند معماری مسکونی و غیرمسکونی، از تبعات ناشی از احداث خیابان بوده است. شهر شیراز نیز مانند غالب شهرهای ایران با پدیده خیابان مواجه می‌شود و تأثیرات زیاد آن را در محدوده بافت قدیم شهر می‌توان دید، محدوده بافت نو که در مجاورت بافت قدیم و در خارج از حصار شهر با خیابان کشی شطرنجی ساماندهی، طراحی و ساخته می‌شود، نظام ساختاری متفاوتی دارد. بارزترین نقش خیابان در سازمان کالبدی شهر را می‌توان ظهور مفهوم جدیدی به نام جداره خیابان دانست. در سطوح جدید، بطور به هم پیوسته رد موتیف‌های معماری حاکم بر گونه‌های بومی و قدیمی‌تر و همچنین سایر الگوهای متأخر معماری منطقه به‌نوعی دیده می‌شود؛ با این وجود الحاقات و الگوهای جدید هم ایجاد شده است. در نتیجه در شکل‌گیری جداره خیابان، سازگاری خانه‌های باقی مانده و راهکاری که برای انطباق با شرایط جدید به کار گرفته شد، با حفظ احترام به الگوهای قدیمی و به‌کارگیری قواعد جدید بوده است. در چنین خانه‌هایی، گاهی فرهنگ سکونت گذشته به‌نوعی استمرار داشته است. در اواخر دوره پهلوی در دو سوی خیابان جداره ممتدی متشکل از واحدهای تجاری، اداری و مسکونی ایجاد شد. جنس جداره خیابان، حاکی از امتداد بازار و یا شاید بتوان گفت، انتقال آن به خیابان بوده است. اما تفاوتی بین خیابان و بازار وجود دارد و آن هم ترکیب واحدهای تجاری با مسکونی است؛ چیزی که در راسته‌بازارها دیده نشده است. خیابان به‌عنوان محور اصلی شهر، از اهمیت بالایی برخوردار بوده و همین مسئله سبب شد کسبه تجارت خود را به حاشیه خیابان منتقل کنند، و از آنجایی که خیابان از محلات مسکونی عبور کرده، خانه یک عضو پایدار در حاشیه خیابان بوده است. خیابان در نحوه ارتباط معماری با محیط در مقایسه با محلات تاریخی، متفاوت بوده و اولویت‌های محیطی در حاشیه خیابان نسبت به پیشین تغییر کرده است. اگرچه از دوره پهلوی اول تغییر در نظام کالبدی خانه‌های شیراز آغاز گشته و برون‌گرایی در فرم خانه‌ها نمایان می‌شود، و در بسیاری از خانه‌ها شاهد پنجره‌ها و ایوان‌های رو به خیابان هستیم، اما این امر به مرور اتفاق افتاده و با توجه به مساحت زمین در این محدوده، همچنان ورود از خیابان به حریم خصوصی خانه با سلسله‌مراتب اتفاق می‌افتد. در خانه‌ها جبهه‌ای از بنا که با خیابان مجاور است، معمولاً بخش خدماتی خانه محسوب می‌شود، و عمارت اصلی همچنان از عرصه عمومی دارای فاصله زیادی است، موضوعی که دلالت بر حاکمیت سنت زیست ساکنان خانه‌های درون‌گرای شیراز است و در این دوره به نوعی دیگر بروز کرده است. در ادامه با تصاویر سه‌بعدی که بر اساس عکس هوایی سال ۱۳۳۵ شیراز تهیه شده است، به‌نوعی شاهد هم‌نشینی خانه‌ها با یکدیگر و نحوه تعامل با عرصه عمومی هستیم.





۳-۵-۲- نظام دسترسی

ورودی بنا از مهم‌ترین اجزای ساختاری آن بوده که ارتباط کارکردی خانه با بستر شهر را فراهم می‌آورد. منظور از خانه در اینجا کل مجموعه شامل فضاهای باز محصور، بخش خدماتی و فضاهای مسکونی است. در بررسی نظام ساختاری خانه‌های پهلوی اول، که ما در این پژوهش آن را به دو دسته بناهای درون بافت تاریخی و بناهای درون بافت میانه تقسیم‌بندی کرده‌ایم، به دلیل تفاوت در نظام گذر بندی متفاوت در این دو بافت، دارای تفاوت‌هایی با هم هستند. خانه‌های درون بافت تاریخی که در دوره پهلوی اول ساخته شده‌اند غالباً به صورت ترکیبی با بخش قدیمی تر بوده و در قطعات مشخص و با دسترسی‌هایی که معمولاً تا آن دوره تغییر بنیادی نداشته‌اند، ساخته شده است، لذا نظام ورودی‌ها و نوع دسترسی بسیار شبیه به بافت پیرامون خود می‌باشد. اما خانه‌هایی که در بافت میانه ساخته شده‌اند، با توجه به اینکه نظام شبکه‌بندی گذرها در این بافت کاملاً متفاوت -به صورت شبکه شطرنجی و عمود برهم، و مناسب برای حرکت سواره بوده است- نظام دسترسی را به بناها نیز نسبت به بافت تاریخی دستخوش تغییرات بنیادی کرده است. لذا در خانه‌های موجود در بافت تاریخی، همچنان شاهد عناصر سلسله‌مراتبی ورود به خانه شامل، سردر، پیرنشین، هشتی، دالان هستیم، اما در خانه‌های بافت میانه، غالباً با یک ورودی شاخص و عریض مناسب برای حرکت اتومبیل مواجه هستیم و بعضاً یک یا دو ورودی کوچک‌تر در کوچه‌های اطراف.

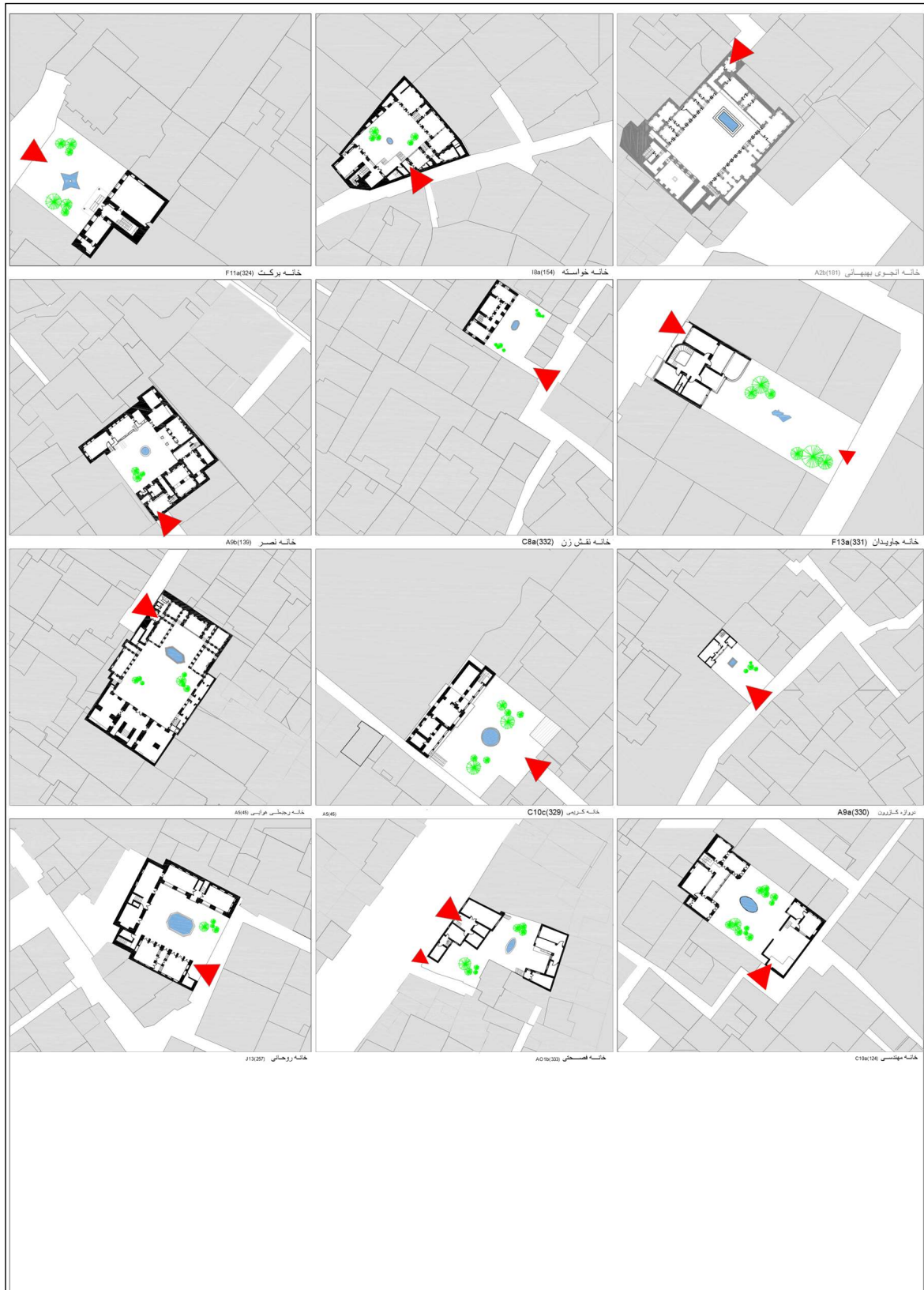
نظام دسترسی خانه‌های پهلوی اول درون بافت تاریخی شیراز

۱- نظام دسترسی خانه‌های پهلوی اول بافت میانه شیراز

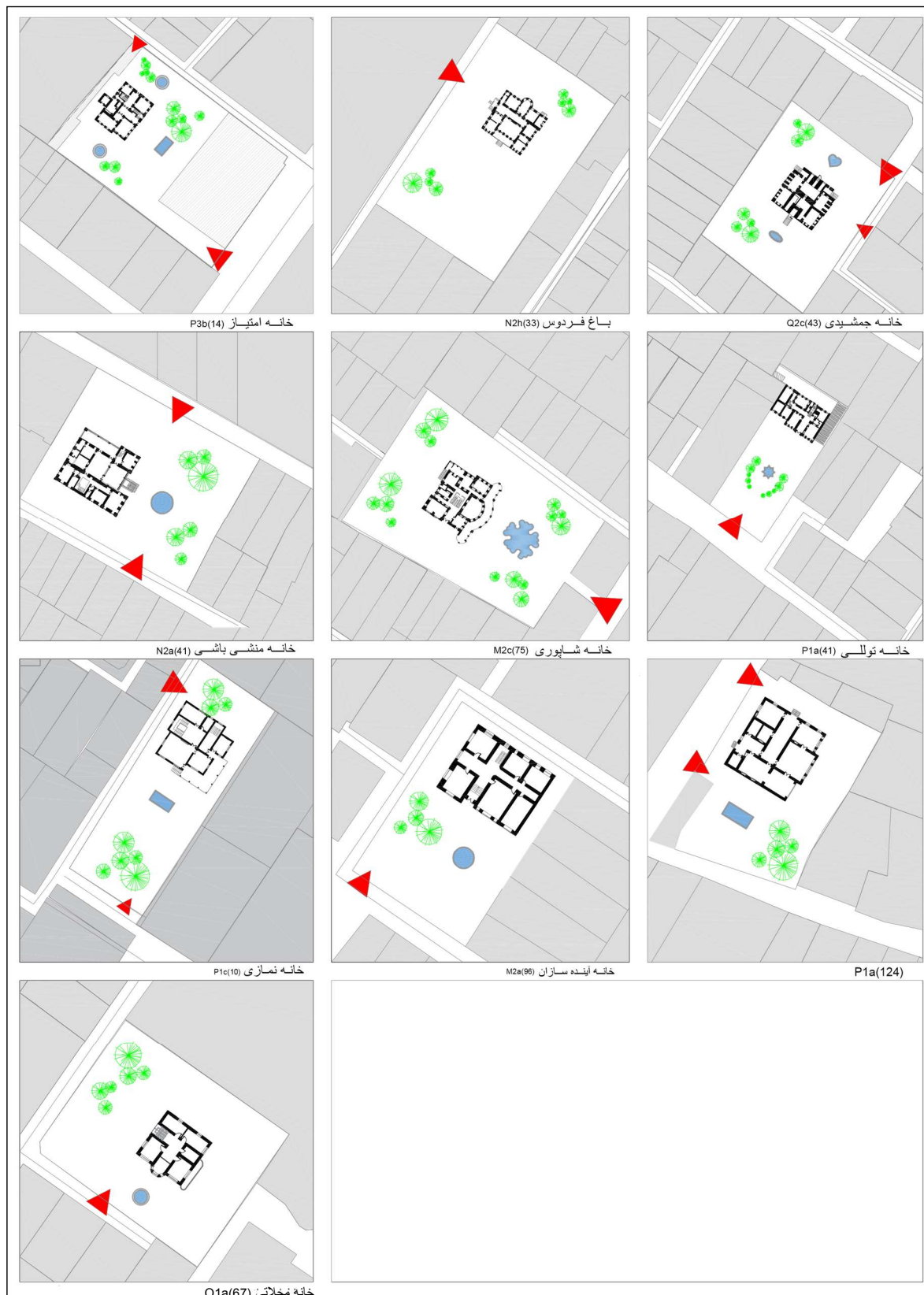
۱-۲- خانه‌های کوشکی

۲-۲- خانه‌های یک یا دوطرف ساخت

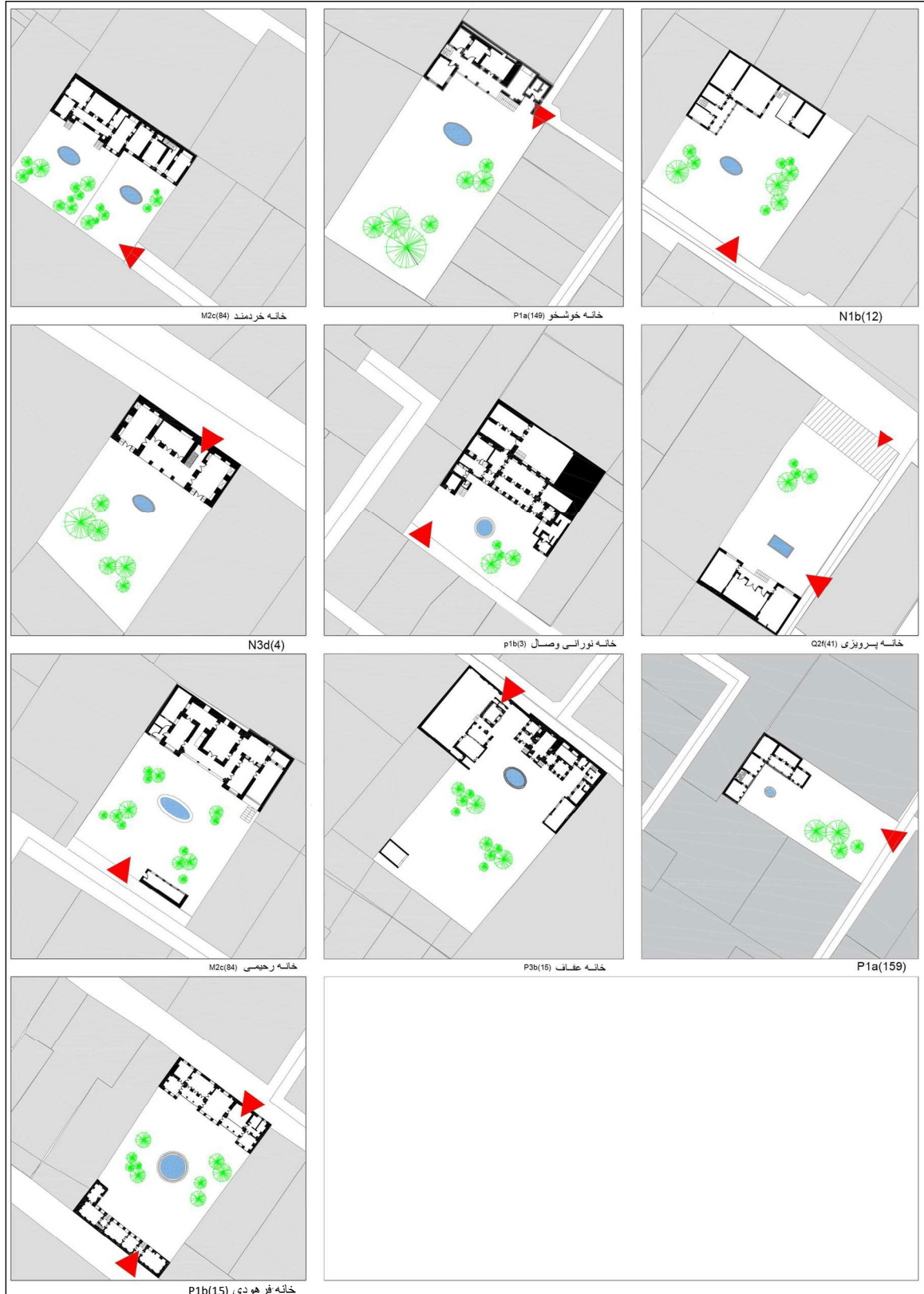
جدول ۳-۳- نظام دسترسی گونه خانه‌های پهلوی اول در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)



جدول ۳-۴- نظام دسترسی گونه خانه‌های کوشکی در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)



جدول ۳-۵- نظام دسترسی گونه خانه‌های یک‌طرف و دوطرف‌ساخت در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)



۳-۵-۳- نظام دانه‌بندی و جهت‌گیری بنا در بافت میانه شیراز

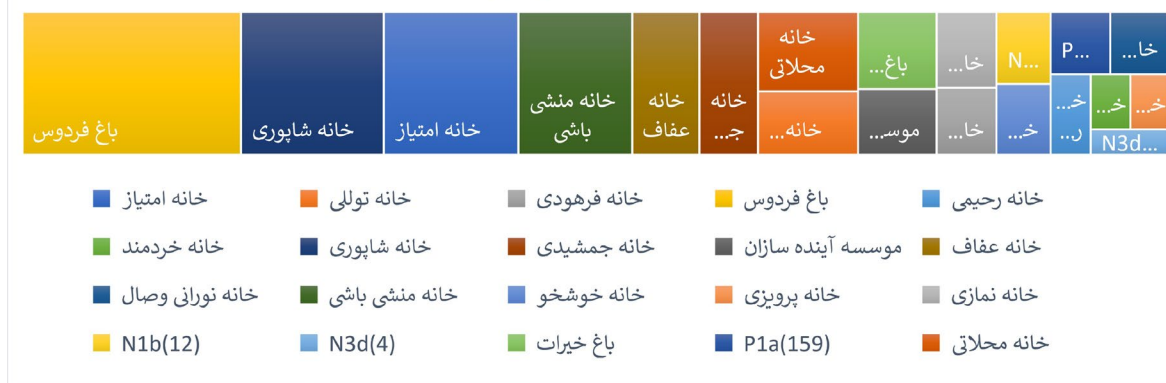


همان‌طور که در تصویر مشاهده می‌شود، به راحتی می‌توان نسبت قطعات خانه‌ها در محدوده بافت میانه و بافت تاریخی را مشاهده کرد. ابعاد زمین در محدوده بافت میانه بسیار بزرگتر از بافت تاریخی می‌باشد. توده‌گذاری خانه‌ها در بخش غالب این بافت به شکل کوشکی و یک‌طرف‌ساخت است و راستای کشیدگی فرم خانه‌ها در دو جهت شمال شرقی-جنوب غربی (جهت قبله) و جهت شمال غربی-جنوب شرقی می‌باشد.

۳-۵-۴- نظام توده‌گذاری

نکته جالب در مقایسه تطبیقی خانه‌های درون بافت تاریخی و خانه‌های بافت میانه شیراز در الگوی قرارگیری بنا در سایت می‌باشد. خانه‌هایی که در بافت میانه ساخته شدند، به دلیل نظام مناسبی آنها با خانه‌های بافت تاریخی، به‌نوعی متفاوت بوده و در گونه‌های اولیه به‌صورت خانه‌باغ طراحی شده و فرم کوشکی (شبیه کوشک باغ‌های قاجاری) را به خود گرفته‌اند. در خانه‌هایی که به‌صورت کوشکی ساخته می‌شوند، معمولاً در یک سمت حیاط بخش‌هایی نیز به‌عنوان خانه مباشر، محل

نسبت مساحت زمین ها



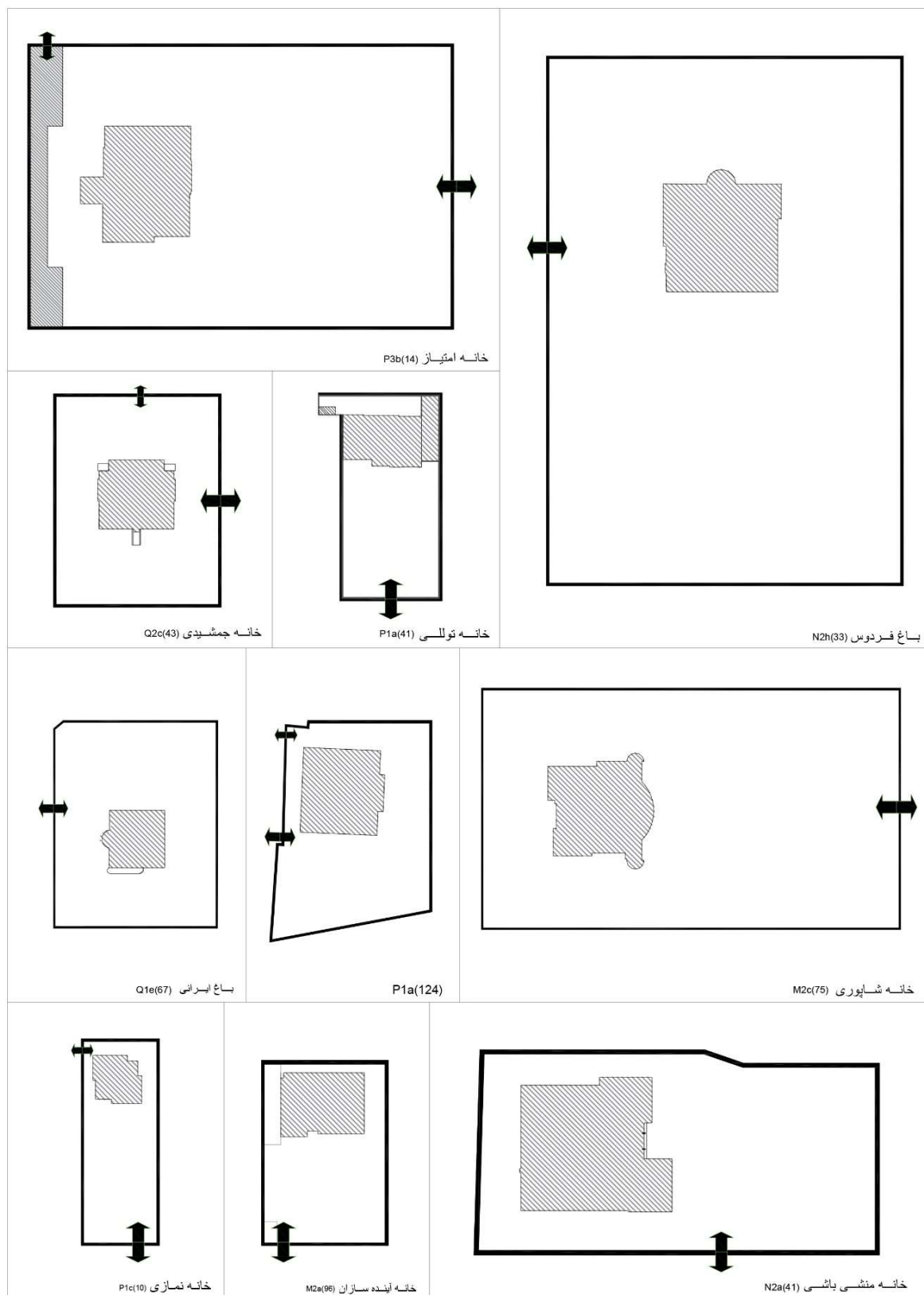
سکونت خدمه و همچنین مطبخ و انبار ساخته می‌شده که عملاً در توده‌گذاری لحاظ شده و عمارت اصلی را به‌عنوان محل سکونت صاحبان خانه و مهمان شامل می‌شده است. برای نمونه می‌توان به خانه امتیاز، شاپوری، جمشیدی، نمازی اشاره کرد.

فارغ از این‌گونه بنا که در بافت تاریخی شاهد آن نیستیم، گونه‌های دیگر نظام توده‌گذاری که شامل یک‌طرف‌ساخت، دو‌طرف، L شکل، سه‌طرف و چهارطرف‌ساخت است، در هر دو بافت قابل مشاهده است. جهت‌گیری بنا نسبت به سایت موضوعی است که با توجه به عکس هوایی سال ۱۳۳۵ و تحلیل ساختار آن می‌توان این‌گونه بررسی کرد که همچنان عوامل اقلیمی همچون جهت نور، باد و توجه به نظام ساختاری باغ‌ها مورد توجه بوده است.

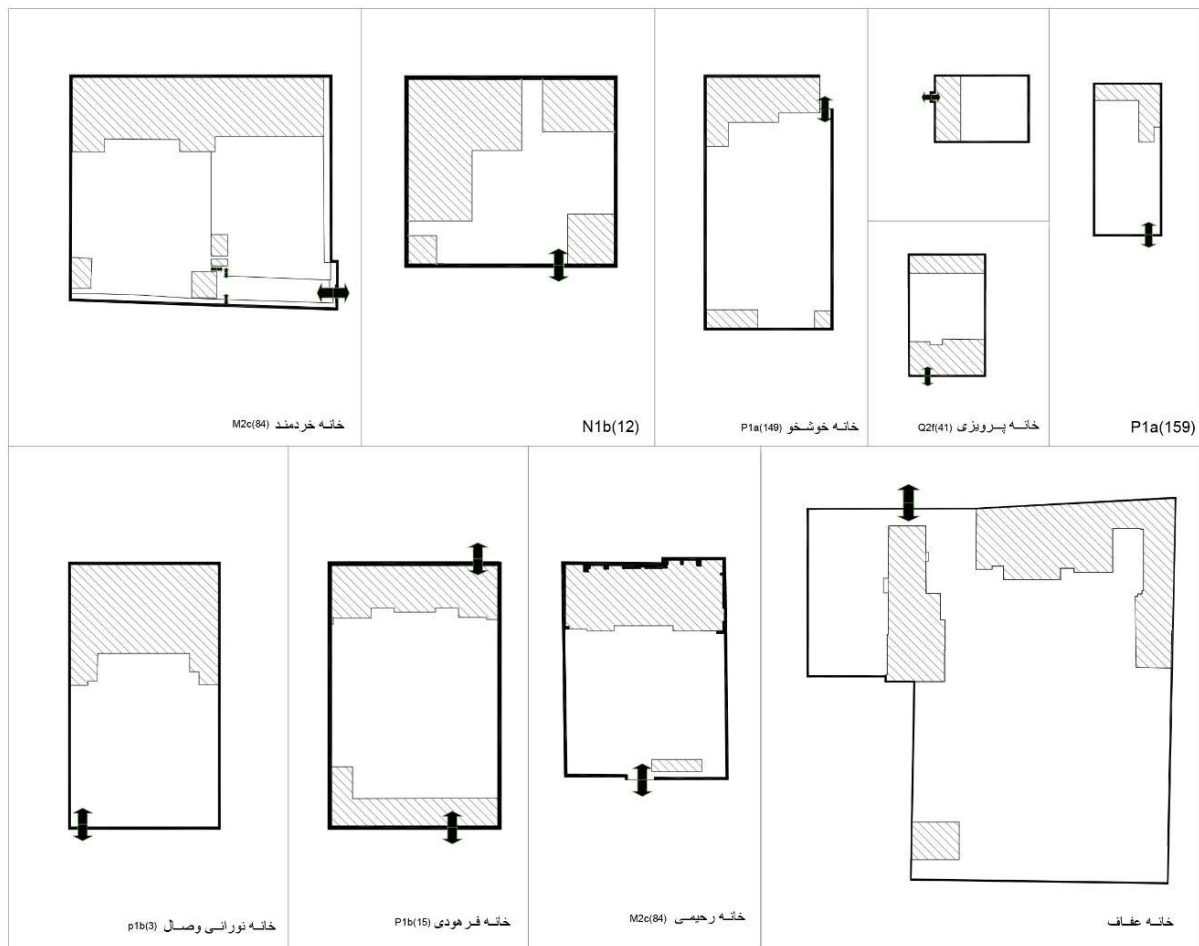
جدول ۳-۶- گونه بندی پلان خانه‌های پهلوی در شیراز (منبع: نگارنده)

سه طرف ساخت	یک طرف ساخت	دو طرف ساخت	L شکل	ساختمان در وسط	کوشکی	چهار طرف ساخت

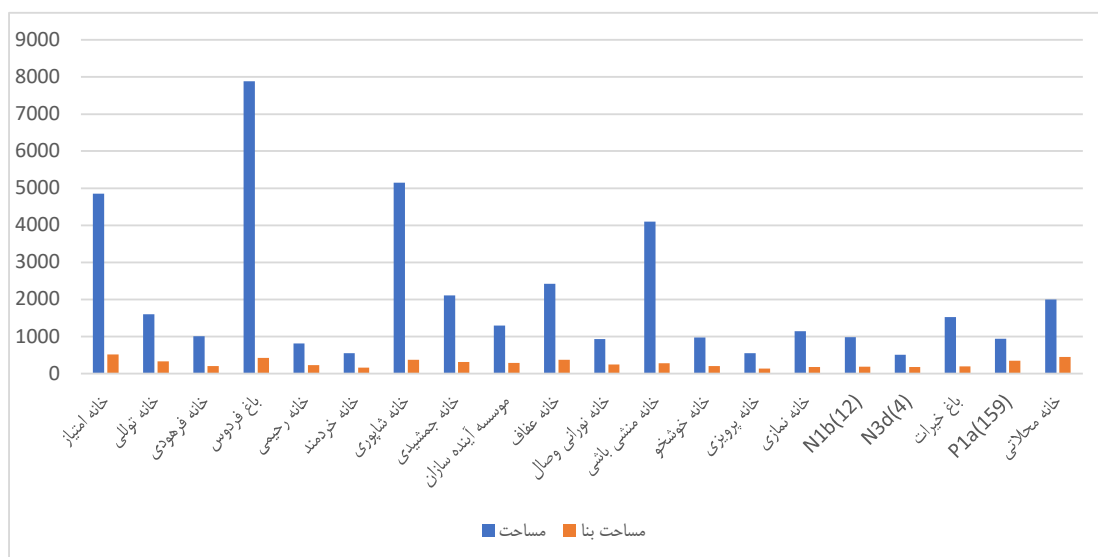
جدول ۳-۷- نظام توده‌گذاری گونه خانه‌های کوشکی در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)

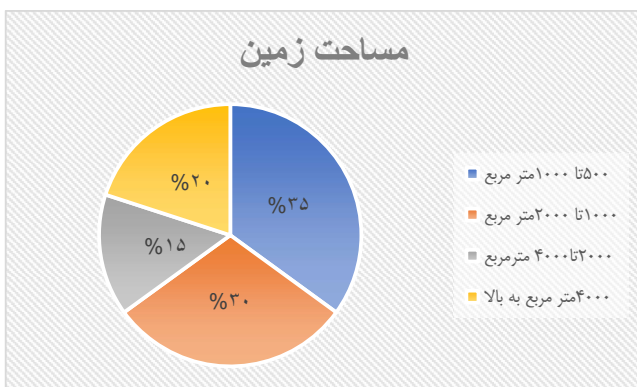


جدول ۳-۸- نظام توده‌گذاری گونه خانه‌های یک طرف ساخت در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)

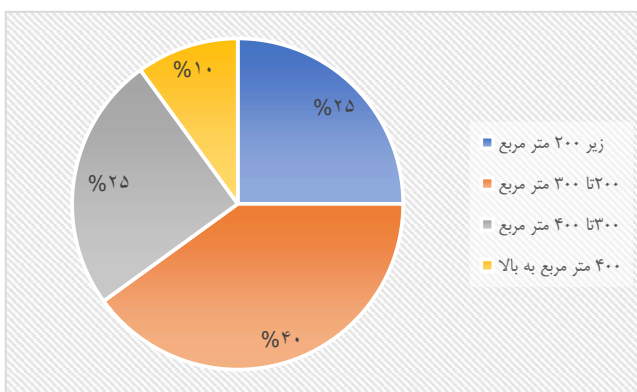


نمودار ۳-۱- نمودار مقایسه‌ای مساحت زمین و بنا در خانه‌های بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)

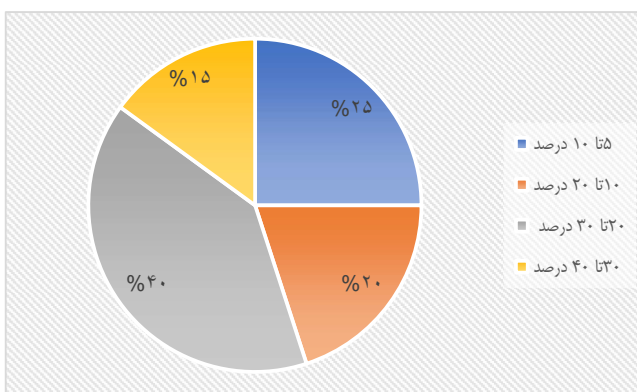




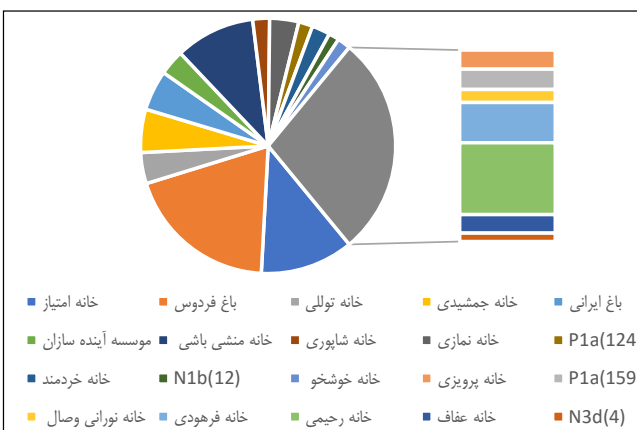
نمودار ۲-۳- نمودار نسبت مساحت زمین در خانه‌های بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)



نمودار ۳-۳- نمودار نسبت مساحت زمین در خانه‌های بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)



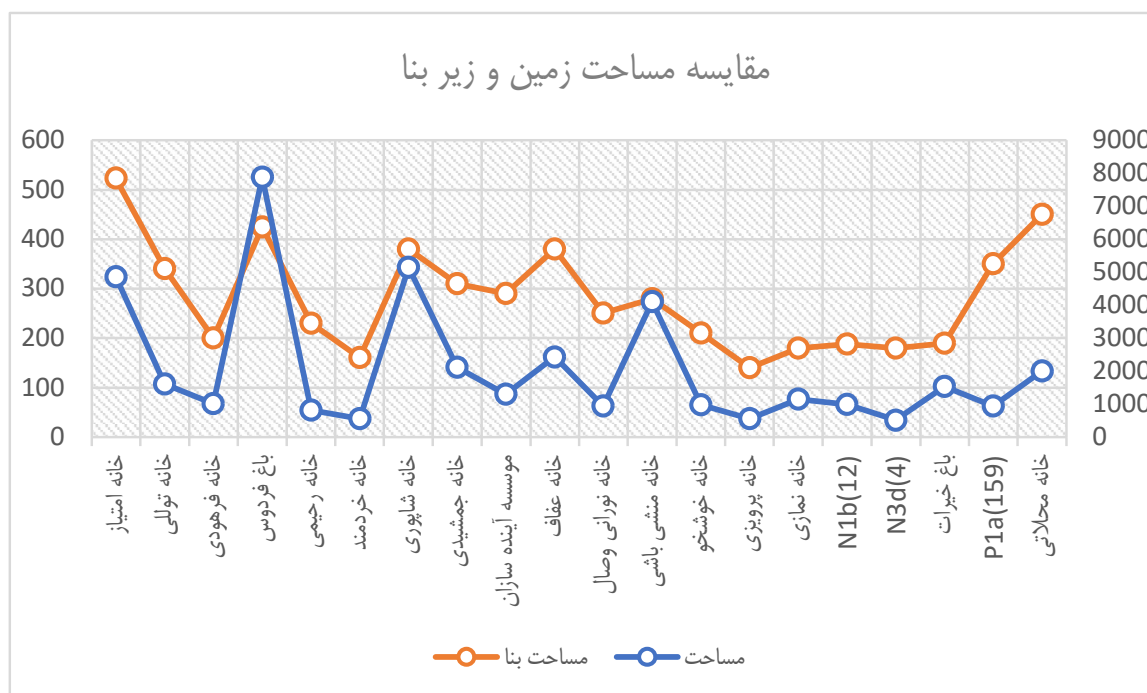
نمودار ۴-۳- نمودار نسبت سطح اشغال خانه‌های بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)



نمودار ۵-۳- نمودار مقایسه مساحت زمین در خانه‌های بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)

جدول ۳-۹- مساحت زمین، زیر بنا و سطح اشغال خانه های منتخب در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)

خانه تاریخی	مساحت	سطح اشغال	خانه تاریخی	مساحت	سطح اشغال
۱ خانه امتیاز	۴۸۵۸ مترمربع	۵۲۳ مترمربع (۱۰٪)	۱۱ خانه نورانی وصال	۹۳۶ مترمربع	۲۵۰ مترمربع (۲۶٪)
۲ خانه توللی	۱۶۰۰ مترمربع	۳۴۰ مترمربع (۲۱٪)	۱۲ خانه منشی باشی	۴۱۰۰ مترمربع	۲۸۰ مترمربع (۶٪)
۳ خانه فرهودی	۱۰۱۳ مترمربع	۲۰۰ مترمربع (۱۹٪)	۱۳ خانه خوشخو	۹۷۰ مترمربع	۲۱۰ مترمربع (۲۱٪)
۴ باغ فردوس	۷۸۸۲ مترمربع	۴۲۵ مترمربع (۵٪)	۱۴ خانه پرویزی	۵۵۰ مترمربع	۱۴۰ مترمربع (۲۵٪)
۵ خانه رحیمی	۸۱۳ مترمربع	۲۳۰ مترمربع (۲۸٪)	۱۵ خانه نمازی	۱۱۵۰ مترمربع	۱۸۰ مترمربع (۱۵٪)
۶ خانه خردمند	۵۵۰ مترمربع	۱۶۰ مترمربع (۲۹٪)	۱۶ N1b (۱۲)	۹۸۵ مترمربع	۱۸۸ مترمربع (۱۹٪)
۷ خانه شاپوری	۵۱۵۰ مترمربع	۳۸۰ مترمربع (۷٪)	۱۷ N3d (۴)	۵۵۵ مترمربع	۱۸۵ مترمربع (۳۳٪)
۸ خانه جمشیدی	۲۲۱۰ مترمربع	۳۱۰ مترمربع (۱۴٪)	۱۸ خانه باغ خیرات	۱۵۳۰ مترمربع	۱۹۰ مترمربع (۱۲٪)
۹ موسسه آینده سازان	۱۳۰۰ مترمربع	۲۹۰ مترمربع (۲۲٪)	۱۹ P1a (۱۵۹)	۹۳۸ مترمربع	۳۵۰ مترمربع (۳۷٪)
۱۰ خانه عفاف	۲۴۲۵ مترمربع	۳۸۰ مترمربع (۱۵٪)	۲۰ خانه محلاتی	۲۰۰۰ مترمربع	۴۵۰ مترمربع (۲۲٪)



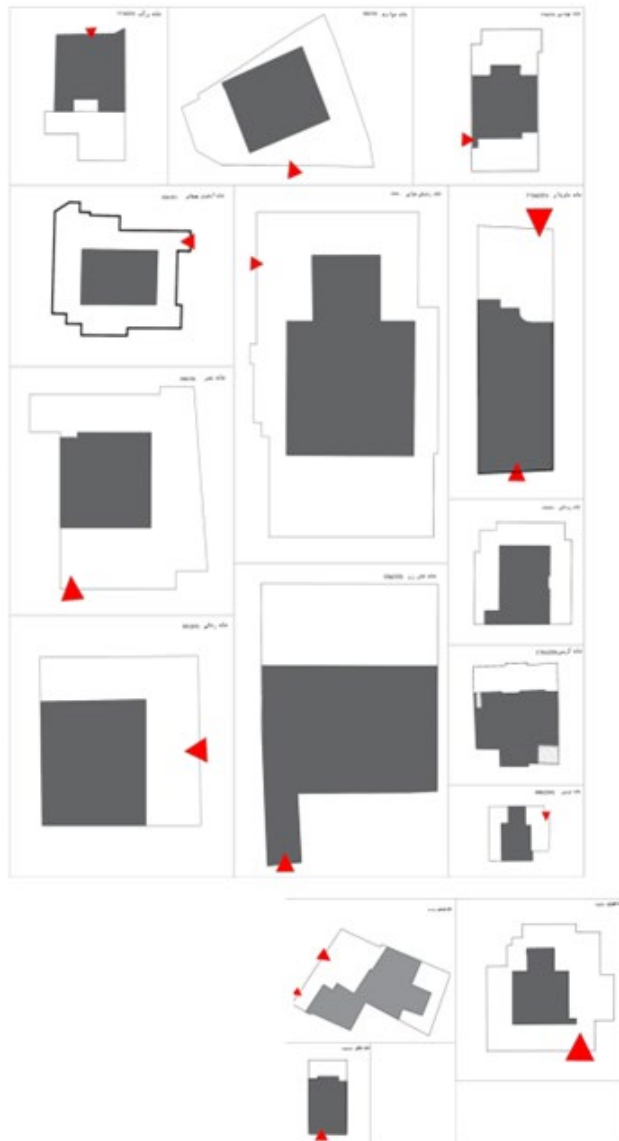
جدول ۳-۱۰- نظام توده‌گذاری خانه‌های بافت تاریخی شیراز (منبع: نگارنده)

خانه برگت F11a(324)	خانه خواسته 18a(154)	خانه مهندس (C18a(324))
خانه انجوی بهبهانی A2b(181)	خانه رحیم‌علی هوایی A8a(4)	خانه جاویدان F13a(331)
خانه نصر A8b(139)	خانه نقش زن C8a(332)	خانه روحانی A3(207)
خانه رسایی B1(307)	خانه جزینی A8b(334)	خانه کریمی C10c(329)

جدول ۳-۱۲- طول مماس زمین با معبر در خانه‌های بافت تاریخی شیراز
(منبع: نگارنده)



جدول ۳-۱۱- نظام توده فضای باز خانه‌های بافت تاریخی شیراز
(منبع: نگارنده)



۳-۵-۳- نظام عملکردی حیاط‌ها

حیاط‌ها با توجه به استفاده از خانه، کارکردهای متفاوتی دارند حیاط ممکن است: محدوده اموال را مشخص کند، به عنوان مکان خصوصی برای خانواده عمل کند، فضاها و عناصر مختلف را در یک خانه متحد کند، به عنوان عنصر گردش، به عنوان یک باغ یا مکان خنک، به عنوان تهویه عمل کند. در شیراز، حیاط تعدادی از وظایف ذکر شده را انجام می‌دهد. یک فضای باز است که توسط مجموعه‌ای از اتاق‌ها و فضاهای دیگر احاطه شده است. اتاق‌های فصلی، فضاهای خصوصی و پذیرایی این خانه‌ها در اطراف قسمت‌های مختلف حیاط سازماندهی شده‌اند و بخش‌های مختلف را به یکدیگر مرتبط می‌کند. بارزترین تفاوت حیاط شیراز با سایر شهرها، عناصر داخلی آن از جمله موقعیت حوض و چیدمان باغ است (معماریان، ۲۰۲۱، ۶۷)

در تحلیل نظام عملکردی حیاط‌ها در خانه‌های بافت میانه شیراز، در گونه‌هایی که شناسایی شده است، با پدیده چندحیاطی - مانند نمونه‌ای که در خانه‌های سنتی شیراز به صورت تقسیم‌بندی فضاهای باز شامل حیاط اندرونی و بیرونی مشاهده می‌شد- مواجه نیستیم. در خانه‌های محدوده بافت میانه غالباً با یک حیاط که نقش عملکردی متنوع دارد، مواجه هستیم. حیاط‌ها در این محدوده عموماً نقش باغ را نیز دارند.

۱- حیاط باغ‌ها:

مانند: خانه امتیاز، شاپوری، جمشیدی، باغ فردوس

نکته مهم در این گونه از حیاط‌ها، نظام درخت‌کاری، طراحی حوض و باغچه‌هاست. تنوع حوض‌ها که با فرم‌های منحنی، گل مانند، قلبی شکل و ... و تعداد زیاد آن‌ها در این گونه به شدت مورد توجه است. معمولاً در هر بنا، تعداد سه یا چهار حوض آب وجود داشته که از عناصر شاخص بنا محسوب می‌شود. همچنین وجود فضای گلخانه که با فرم زیبایی در گوشه حیاط طراحی و ساخته شده است.

۲- حیاط‌های با یک سمت توده:

تناسبات فرمی کشیده در راستای طولی حیاط و قرارگیری بنا در انتهاالیه حیاط و محل ورودی در آکس اصلی بنا، همچنین وجود یک حوض اصلی دایره یا بیضی شکل به همراه باغچه‌بندی و درخت‌کاری از ویژگی‌های این نوع خانه‌ها است؛ مانند خانه رحیمی، خانه خردمند، خانه پرویزی.



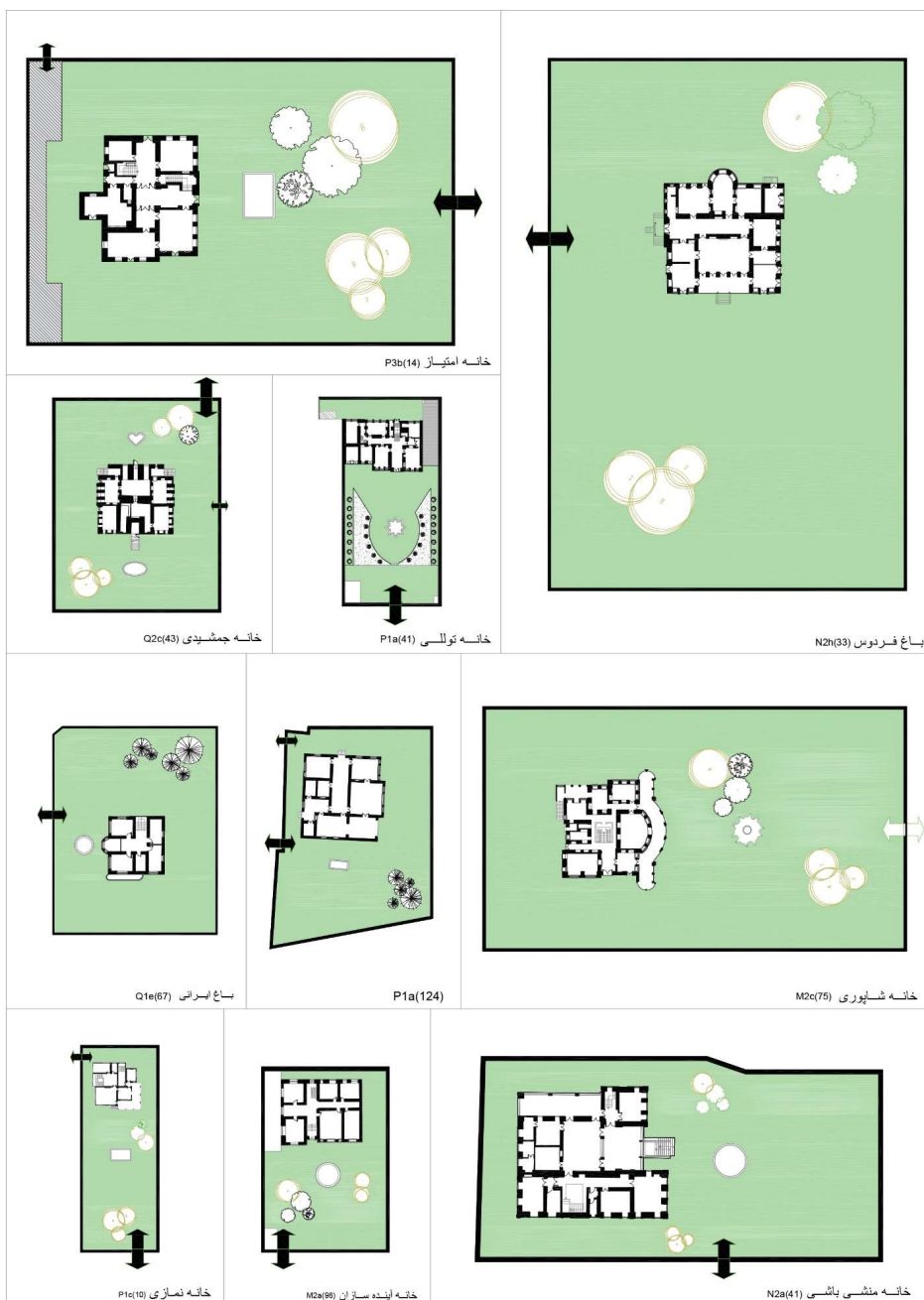
تصویر ۳-۴- تصاویری از گلخانه مربوط به خانه امتیاز در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)

۳- حیاط با دو سمت توده:

این گونه از بنا که از نظر تناسبات و فرم بنا در جایگاه دوم اهمیت گونه‌شناسی بعد از خانه‌های کوشکی قرار می‌گیرد، معمولاً عمارت اصلی در یک سمت حیاط واقع است و دارای تناسبات و ویژگی‌های شاخص می‌باشد. ساخت‌وساز ضلع مقابل یا مجاور، معمولاً فرعی بوده و کاربری خدماتی و محل سکونت خدمه و مطبخ را شامل می‌شده است. وجود حوض بیضی یا دایره‌ای شکل در نزدیکی نمای اصلی ساختمان و در آکس قرینه آن از ویژگی‌های بارز بنا بوده و همچنین باغچه و درخت‌کاری متنوع نوعی دیگر از باغ‌های شیراز را یادآور است اما در مقیاسی کوچکتر.



تصویر ۳-۵- تصاویری از فضای حیاط و باغچه‌ها مربوط به خانه امتیاز در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)



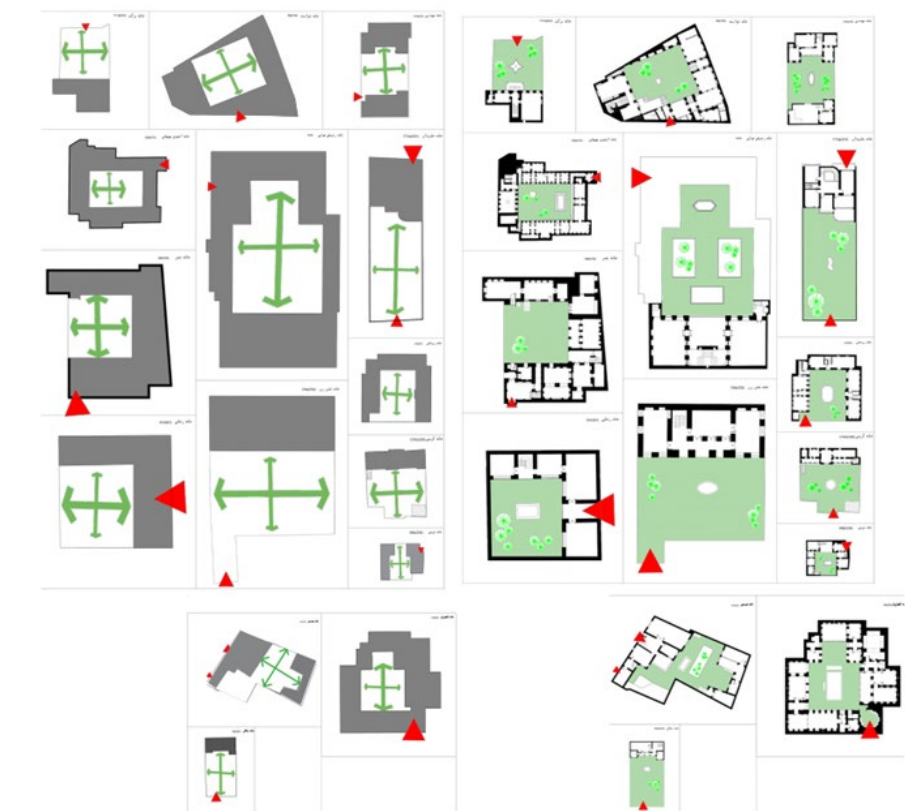
جدول ۳-۱۳- نظام عملکردی حیاط خانه‌های کوشکی در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)

جدول ۳-۱۴- نظام عملکردی حیاط خانه‌های یک طرف ساخت در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)



جدول ۳-۱۶- نظام تناسبات محوری خانه‌های بافت تاریخی شیراز (منبع: نگارنده)

جدول ۳-۱۵- نظام عملکردی حیاط خانه‌های بافت تاریخی شیراز (منبع: نگارنده)



۳-۵-۳-۶- نظام ترکیب‌بندی جزء فضاهای معماری

در تحلیل ترکیب‌بندی ریز فضاهای معماری خانه‌ها، همان‌طور که در تقسیم‌بندی‌های قبلی بیان شد، دو گونه کوشکی و یک‌طرف‌ساخت را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

گونه ۱: خانه‌های کوشکی - عمارت اصلی

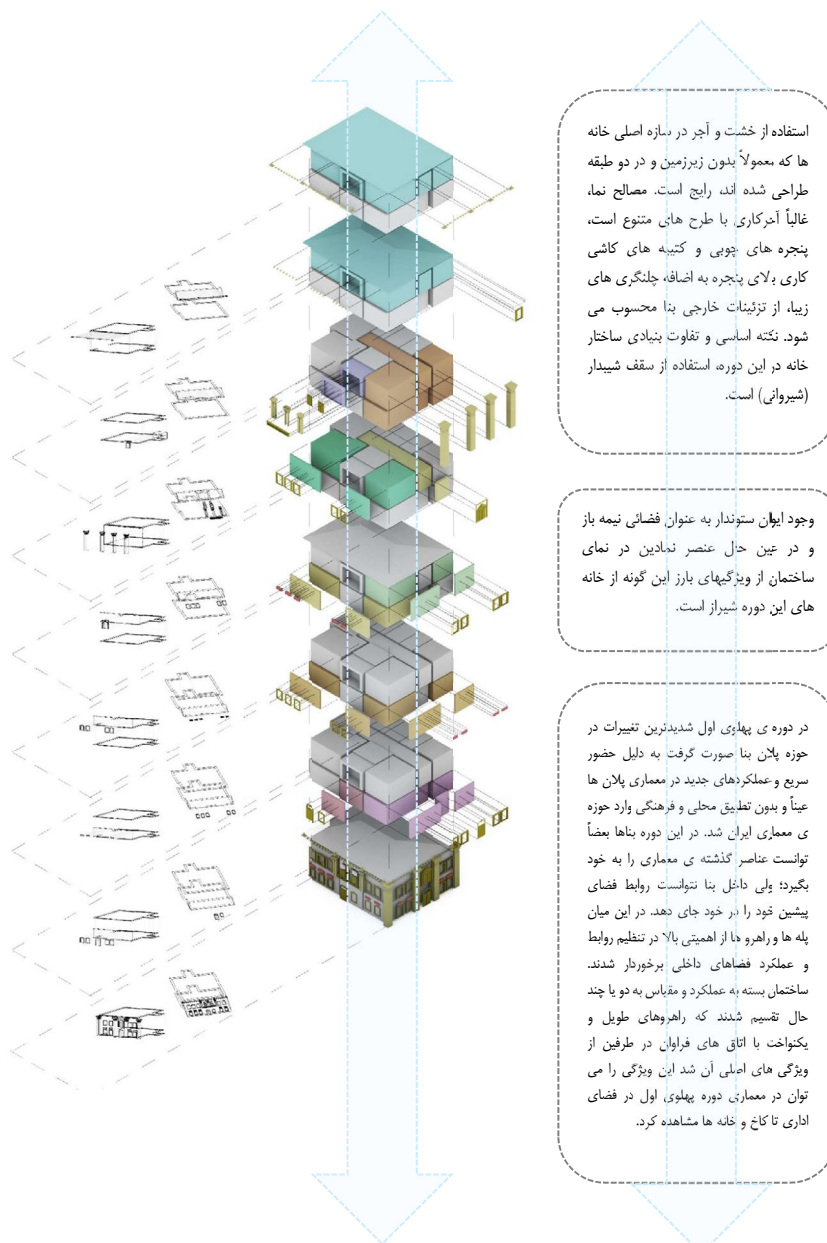
همه این خانه‌ها در دو طبقه ساماندهی شده و طبقه همکف معمولاً مورد استفاده خانواده است و طبقه اول به دلیل تزیینات و تناسبات ارتفاعی بلندتر، محل تشریفاتی و مهمان‌خانه می‌باشد. نوع ارتباط فضائی به گونه‌ای است که در وسط یک راهرو ارتباطی وجود دارد و وجود یک پله در مرکز خانه مثل خانه شاپوری یا دو عدد دستگاه پله در خانه امتیاز، ارتباط عمودی را مهیا می‌کند. در طراحی پلان این خانه‌ها، مبنا و اصول شکل‌گیری بنا، اتاق‌ها هستند که هر کدام شخصیت جداگانه و ویژگی‌های منحصربه‌فرد دارند، به گونه‌ای که، در طبقه همکف هر اتاق دسترسی مستقیم به حیاط داشته و معمولاً از یک پیش‌فضای مستقل و دید به حوض و فضای باغ برخوردار هستند. اتاق‌ها در اطراف راهرو مرکزی شکل گرفته و تناسبات فضایی هر اتاق به اندازه‌ای است که می‌تواند نقش مجزائی را جهت پذیرائی از مهمان یا سکونت افرادی خارج از نظام خانواده مثل، مادر بزرگ، پدر بزرگ، عمه و ... را شامل شود. در عین حال ارتباط درونی فضاها حفظ شده، و عملاً در زمان‌هایی که نیاز به ارتباط فضاها جهت برگزاری مراسم باشد امکان ارتباط فضائی میسر است. مفهوم خانه درون‌گرای «باغ بهشت» نمونه اولیه طبیعی برای خانه در فلات ایران تا جنگ جهانی بود. این خانه‌ها عمدتاً توسط ماسون‌های محلی معروف به معمار از آجر و خشت ساخته شده بودند. فضای داخلی به‌طور سنتی بدون مبلمان بوده و عمدتاً، به جای صندلی، به نشستن روی فرش متمایل بودند. اتاق‌ها شامل چندین فعالیت خواب، غذاخوردن، مطالعه و سرگرمی می‌شده و محیط اجازه استفاده از حیاط به‌عنوان یک اتاق خصوصی در فضای باز را می‌داد. اما در نخستین دوره مواجهه تجدیدپذیر با غرب، این نظام شهر و معماری دگرگون شد. گرچه خانه حیاط‌دار محبوب‌ترین نوع مسکن بود، اما فضای داخلی آن با جدیت شروع به تغییر کرد. معرفی مبلمان به بسیاری از منازل از پس از جنگ جهانی و نیاز ناشی از آن به اتاق‌های منفرد مانند اتاق‌های غذاخوری، اتاق‌های پذیرایی، تأثیر مستقیم و ماندگاری در طراحی خانه داشته است. پاسخ اولیه بیشتر شهروندان، که در راس این تغییر قرار داشتند، ایجاد تقسیم دوقسمتی در خانه بود: بخش «مبله» برای مهمان یا بازدیدکننده خارجی محسوب می‌شد و در حالی که فرش با محوریت سبک زندگی سنتی بوده و برای اجتماعات غیررسمی خانوادگی و فعالیت‌های خصوصی زنان و کودکان باقی ماند» (اردلان، ۱۹۸۶).

وجود ایوان ستون‌دار به‌عنوان فضایی نیمه‌باز و در عین حال عنصر نمادین در نمای ساختمان از ویژگی‌های بارز این گونه از خانه‌های این دوره شیراز است؛ که نمونه بارز آن را در خانه‌های امتیاز، شاپوری، جمشیدی مشاهده می‌کنیم. طبقه اول نیز اتاق‌ها در پیرامون راهرو مرکزی واقع شده و هر کدام دارای پنجره‌های متعدد به سمت حیاط بوده، و ضمن برخورداری از نور و ارتباط بصری مناسب، هر کدام دارای تزیینات داخلی مجزا و منحصربه‌فرد هستند. وجود اتاق‌ها و ایوان در اطراف و در جبهه‌های مختلف بنا امکان استفاده متنوع در فصول مختلف سال، همچنین در ساعات مختلف روز

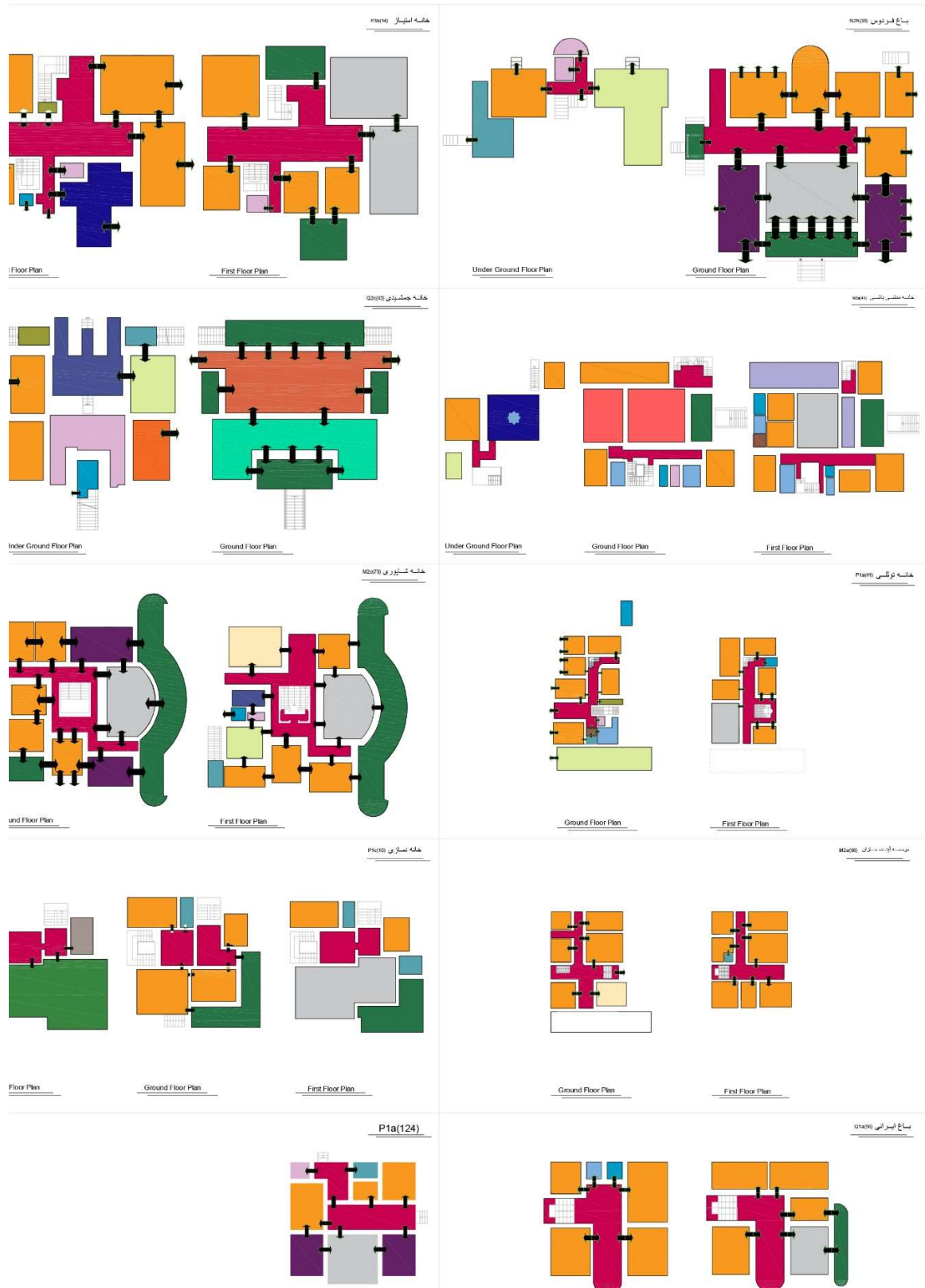
بر اساس نورگیری فضا را میسر می‌سازد. فراتر از همه چیز، این خانه‌ها، با این هدف ساخته شده‌اند که جایی باکیفیت برای سکونت باشند. این کیفیت سکونت به الگوهای مشخص و ویژه‌ای وابسته است. برای مثال، پنجره‌های بزرگ رو به آفتاب تابستان به چشم‌انداز بیرون می‌نگرد، توالی اتاق‌ها و فضاهایی که از ورودی شکل می‌گیرند، شاه‌نشین‌های کوچک به منظور ایجاد فضای خصوصی و صمیمی، ... و همچنین توالی فضاهای نشستن، حوزه‌های چرخش در فضا، تنوع در ارتفاع سقف، جانمایی حرکت و پله‌ها، استفاده از فضاهایی که نیمی از فضا درون و نیمی از آن بیرون است.

گونه ۲: خانه‌های یک یا دو طرف ساخت

این خانه‌ها نیز در دو طبقه ساخته شده و عمارت اصلی ساختار قرینه داشته، و ایوان دو ستونی در محور تقارن و مرکز نما



جدول ۳-۱۷- نظام عملکردی جزء فضای معماری خانه‌های کوشکی در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)



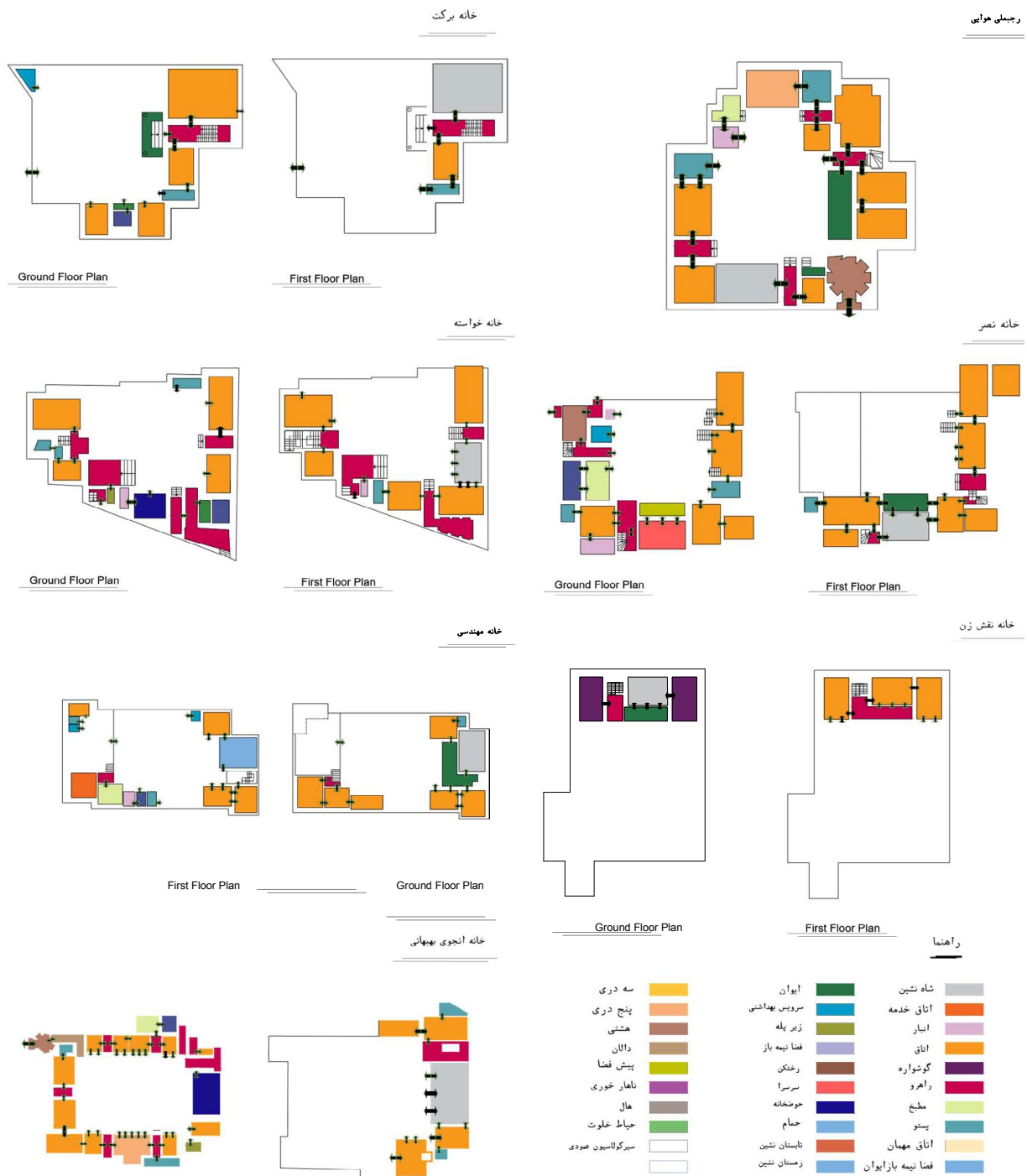
واقع شده است. طبقه همکف اتاق‌ها به وسیله یک راهرو به هم متصل بوده و همزمان ارتباط ساختاری با دیگر اتاق‌ها را دارند. طبقه اول شامل شاه‌نشین و اتاق‌های گوشواره می‌باشد، عامل پیونددهنده اجزا معمولاً ایوان است؛ ضمن اینکه اتاق‌ها به یکدیگر نیز راه دارند. در این گونه از خانه‌ها معمولاً مطبخ و فضاهای خدماتی در ضلع دیگر حیاط استقرار داشته است. طبقه همکف عمارت اصلی محل زندگی ساکنان و خانواده بوده و اتاق شاه‌نشین در طبقه اول محل پذیرایی از مهمان است. عمارت اصلی معمولاً در جبهه شمالی حیاط استقرار یافته و دریافت نور جنوب برای فضاها میسر شده است. روابط بسیاری که در این گونه خانه‌ها اتفاق می‌افتد به‌طور کامل در یک زبان الگو تشریح شده و در آفرینش این بناها به کار رفته است. تعدادی از این الگوها شامل: حوزه‌های گردش، شاه‌راه خانه، مراتب صمیمیت، راهروهای کوتاه، چشم‌انداز در حالت نشسته، فضای آفتاب‌گیر، ایوان چندستونه، پرده میان نور و تاریکی، نشستن در باغ، راه‌پله به مثابه یک مرحله، شاه‌نشین‌ها، فضای پنجره، شکل فضای داخلی، پنجره‌های عریض بازشونده، طاقچه‌های باز و ... به این ترتیب، در سطحی، می‌توانیم ببینیم که هر خانه محصول مستقیم این الگوها و تعاملات میان آنهاست. شکل این خانه‌ها نیز از کاربرد این الگوها حاصل شده است.



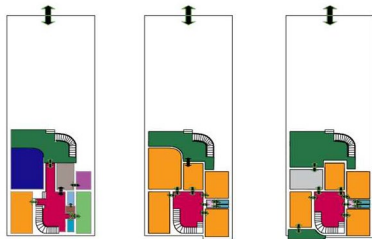
۳-۵-۳-۷- نظام پیکره‌بندی فضایی

پیکره‌بندی فضا را می‌توان آغازگر تحلیل به روش نحو فضا دانست که غالباً بر روی پلان ساختمان یا پلان ناحیه شهری اعمال می‌شود. نقطه آغاز تجزیه و تحلیل‌ها، یک شبکه گراف (توپولوژی) است که نمایش‌دهنده انتزاعی از این پیکره‌بندی

جدول ۳-۱۹- نظام عملکردی جزء فضای معماری خانه‌های بافت تاریخی شیراز (منبع: نگارنده)



خانه جاویدان

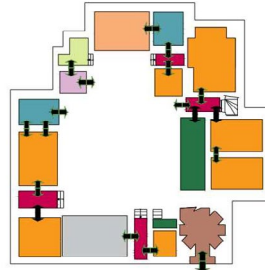


Ground Floor Plan

First Floor Plan

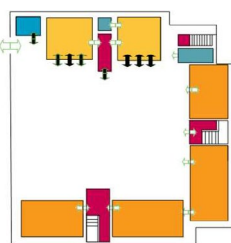
second Floor Plan

خانه افشاریان



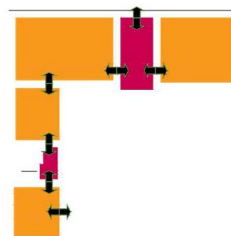
خانه رحایی

خانه رحایی

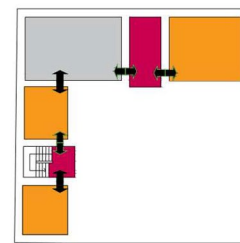


Ground Floor Plan

Ground Floor Plan

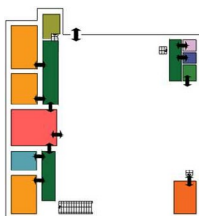


Ground Floor Plan



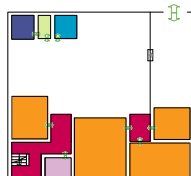
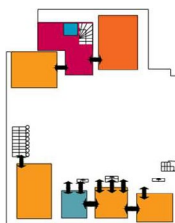
First Floor Plan

Ground Floor Plan

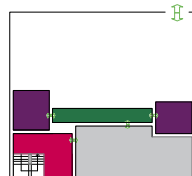


خانه جلالی

راه‌نما



Ground Floor Plan



First Floor Plan

سه دری	ایوان	شاه نشین
پنج دری	سرویس بهداشتی	اتاق خدمه
هشتی	زیر پله	آببار
دالان	فضا نیمه باز	اتاق
پیش فضا	رختکن	گوشواره
ناهار خوری	سرسرا	راهرو
هال	حوضخانه	ملبغ
خیاط خلوت	حمام	پشتو
سیرکولاسیون سودی	تابستان نشین	اتاق مهمان
	زمستان نشین	فضا نیمه باز ایوان

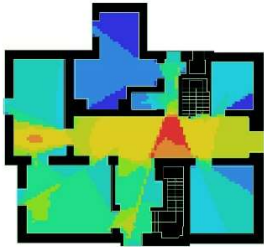
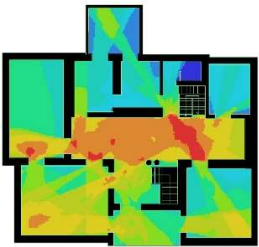
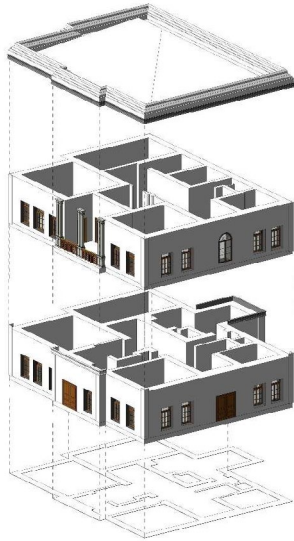
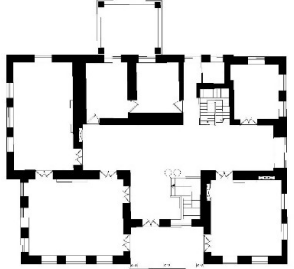
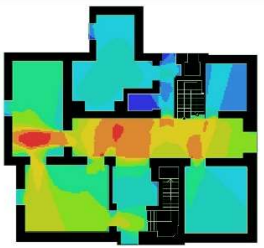
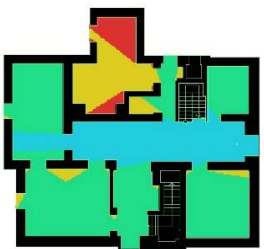
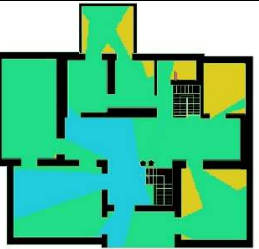
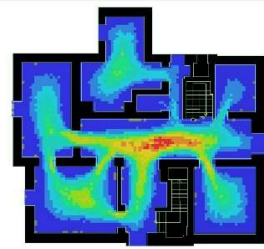
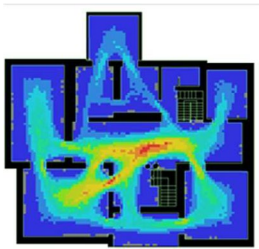
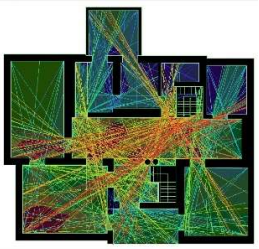
فضایی است. این شبکه گراف پیچیدگی‌های پلان معماری یا شهری را، که در روابط آن با فضاهای مجاورش تأثیر مستقیمی ندارد، از محاسبات خارج می‌کند و خالص و بی‌پیرایه به نسبت بین اجزای طرح می‌اندیشد. این مسئله باعث می‌شود که فضاهای مجاوری که دارای هندسه‌های متمایزی هستند، باتوجه به نقش شبکه‌ای خود مورد دآوری قرار گیرند و بعضاً دارای ارزش همسان تلقی گردند (بفنا^۱، ۲۰۰۳، ۱۸). ارائه یک مثال ملموس معماری از این روایت خانه‌های بافت میانی شهر شیراز است. این خانه‌ها، به دلیل فرم هندسی و بازشوهای متعددی که فضاهای معماری به یکدیگر دارند، نمونه‌های قابل بحثی را برای نظریه نحو فضا فراهم می‌آورند. نظریه‌ای که مبنای بسط و گسترش خود را در ارتباط میان فضاهای معماری عنوان نموده است و معتقد به تقدم و اصالت ارتباطات فضاهاست. این موضوع صرفاً از طریق ایجاد یک ارتباط فرمی با محیط‌ها آغاز نمی‌شود، بلکه شبیه جستجو برای ایجاد تطابق و همانندی با محیط در قالب یک پیوند بنیادی است؛ یک واکنش احساسی نسبت به محیط که از طریق معماری بیان می‌شود.

در بررسی‌ها و مطالعات میدانی که در راستای شناخت فرم خانه‌های موجود در بافت میانه شهر شیراز انجام شد، طی مستندسازی تعداد زیادی از این بناها و دسته‌بندی گونه‌شناسی آنها، در نهایت دو گونه‌شناسی فرمی به لحاظ فراوانی تعداد شناسایی گردید. که این دو گونه شامل ۱- گونه کوشکی (عمارت میان باغ: نظیر خانه‌های امتیاز، شاپوری، جمشیدی)، ۲- گونه یک یا دوطرف‌ساخت (که در بناهای دوطرف‌ساخت هم عمارت اصلی در یک سمت حیاط واقع شده است. نظیر خانه‌های رحیمی، فرهودی) می‌باشد. گونه خانه‌های کوشکی، که به‌عنوان بناهای اعیانی شناخته می‌شوند، معمولاً به لحاظ مقیاس و کارکرد متفاوت از گونه‌های دیگر بوده و در هر منطقه شهری تعداد یک یا دو عدد از این بناها شناسایی شده است و لذا بافت غالب را بناهای گونه دوم تشکیل می‌دهد. فرضیه پژوهش بیانگر این است که بین ساختار کالبدی-فضایی خانه‌های بافت میانه شهر شیراز (گونه‌های کوشکی و یک‌طرف‌ساخت) و عوامل هم‌پیوندی با زمینه رابطه معناداری وجود دارد، در همین رابطه ساختار کالبدی خانه‌ها، در هر دو گونه، تعاملات زیستی ساکنین را تسهیل، افزایش و در نهایت تغییر می‌دهد. در حالت اول (گونه کوشکی)، محیط در قابلیت مستقیم، رفتار تعامل فردی و فرافردی را در فضا مقدور می‌سازد، و در حالت دوم (گونه یک‌طرف‌ساخت)، محیط در قابلیت غیرمستقیم و به‌عنوان عامل ادراکی-معنایی با ایجاد تصاویر ذهنی منطبق بر پیشینه تاریخی منتج از زمینه، تعلقات و تجارب پیشین ساکنین، بر هر دو قابلیت تأکید شده است. در این پژوهش، به منظور سنجش قابلیت مستقیم ساختار کالبدی-فضایی خانه‌ها در تبیین مفهوم هم‌پیوندی با زمینه از روش چیدمان فضا استفاده شده است. متغیرهای چیدمان فضا به تنهایی دارای ارزش نیستند و به‌واسطه برقراری ارتباط بین این متغیرها و کیفیت‌های فضایی در بستر مورد مطالعه است که این تحلیل ارزش پیدا می‌کند. شناخت فضایی فرآیندی است که فرد در محدوده آن اطلاعات پیرامونی و ویژگی‌های پدیده‌های هرروزه محیط فضایی را کسب نموده، سپس رمزگذاری و ذخیره‌سازی شده، در پایان نیز آن اطلاعات را فراخوانی و آشکارسازی می‌کند (استیو و دان^۲، ۱۹۷۳، ۱۲۰). در این تحلیل تعداد پنج خانه از بناهای منتخب پژوهش بررسی گردیده، و در انتخاب این بناها سعی شده شامل هر دو گونه شناسی موجود بوده و اسناد کافی جهت تحلیل در نرم‌افزار نحو فضا داشته باشند. ساختار کالبدی-فضایی این بناها با تکنیک نحو

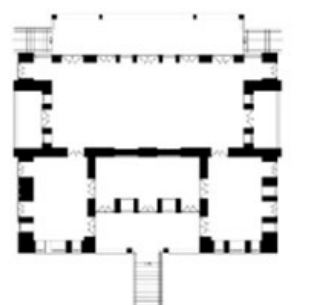
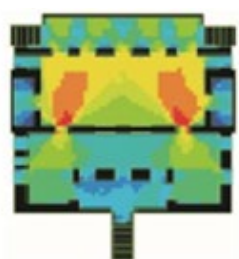
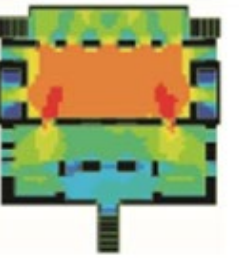
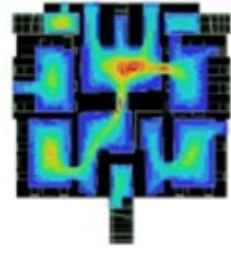
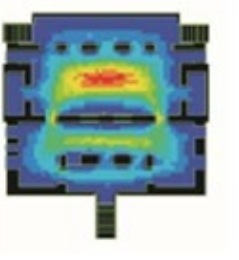
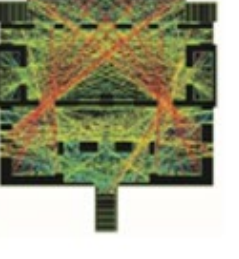
1. bafna

2. Down & Steo

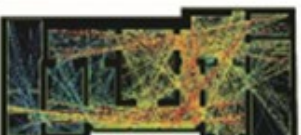
جدول ۳-۲۱- تحلیل ساختار فضایی خانه امتیاز واقع در بافت میانه شهر شیراز، با تکنیک نحو فضا (منبع: نگارنده)

نام بنا	کد بنا	طبقه همکف	طبقه اول
خانه امتیاز	P3b(14)		
 			
			
			
			

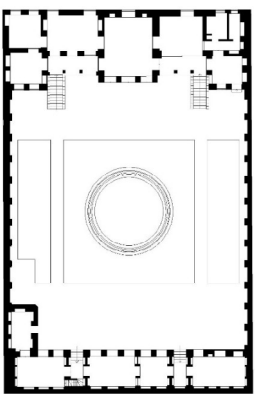
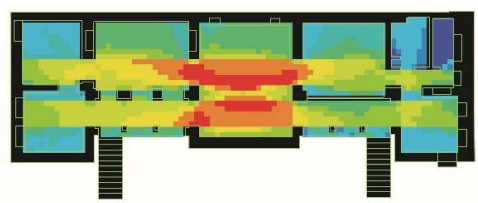
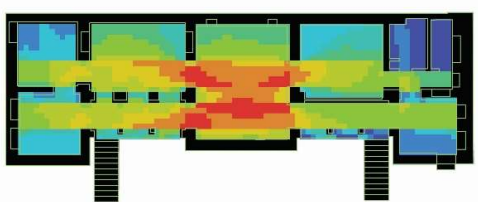
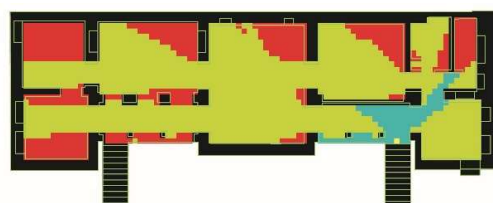
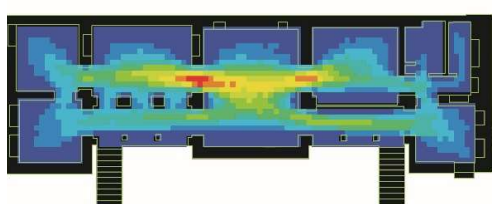
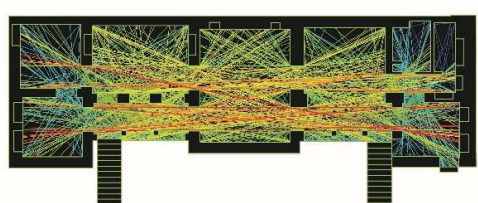
جدول ۳-۲۲- تحلیل ساختار فضایی خانه شاپوری واقع در بافت میانه شهر شیراز، با تکنیک نحو فضا (منبع: نگارنده)

نام بنا	کد بنا	طبقه همکف	طبقه اول
خانه جمشید  	P3b(14)		اتصال (Connectivity) 
			هم پیوندی (Integration) 
			عمق دید (Mean depth) 
			عامل اساس (Agent base) 
			میدان دید قابل رویت (Isovist) 

جدول ۳-۲۳- تحلیل ساختار فضایی خانه رحیمی واقع در بافت میانه شهر شیراز، با تکنیک نحو فضا (منبع: نگارنده)

نام بنا	کد بنا	طبقه همکف	طبقه اول
خانه رحیمی	M2c(84)		
			
			
			
			

جدول ۳-۲۴- تحلیل ساختار فضایی خانه فرهودی واقع در بافت میانه شهر شیراز، با تکنیک نحو فضا (منبع: نگارنده)

نام بنا	کد بنا	طبقه اول
 	P1b(15)	 اتصال (Connectivity)
		 هم پیوندی (Integration)
		 عمق دید (Mean depth)
		 عامل اساس (Agent base)
		 میدان دید قایل رویت (Isovist)

فضا و با استفاده از نرم افزار دپت مپ (Depthmap) تحلیل گردیده است. نتایج این تحلیل‌ها در جداول شماره ۳-۲۲ تا ۳-۲۶ آورده شده، سپس در بخش تحلیل داده‌ها، تحلیل‌ها در ساختار اصول هم‌پیوندی با زمینه مورد بررسی قرار گرفته، همچنین سعی شده ساختار سه‌بعدی بناهای مذکور در راستای ادراک بهتر ساختار کالبدی-فضایی تهیه گردد.

تحلیل داده‌ها بر اساس نظریه نحو فضا

به‌طور کلی، نرم‌افزار نحو فضا یا همان Depthmap، یک ابزار نیرومند تحت سیستم‌های معمول رایانه‌ای می‌باشد، که با ورود نقشه‌های معماری و شهری به فضای آن، قابلیت انجام فرآیندهایی نظیر آنچه مطلوب پژوهش است را دارا می‌باشد. با استفاده از جداول، نمودارها و تصاویر، که از جمله خروجی آن محسوب می‌شود، محقق می‌تواند انواع طرح‌واره‌های ذهنی خود را بررسی کند. در این پژوهش، در تحلیل ساختار فضایی هر پنج خانه، پارامترها و سنجش‌های تحلیل فضا نظیر اتصال، هم‌پیوندی، عمق، عامل اساس و فضای قابل رؤیت محاسبه شده است. در جداول بالا نقشه‌های مربوط به تحلیل هریک از این پارامترها، در بستر هر خانه آورده شده است. از تحلیل نقشه‌های هم‌پیوندی نتیجه می‌شود که فضای مرکزی خانه‌های کوشکی از بالاترین درجه هم‌پیوندی برخوردار است. همچنین از نظر ارزش هم‌پیوندی مسیرهایی که فضاهای هم‌پیوندتر را به هم مرتبط می‌سازند به همراه راهروهای اتق‌ها در درجه دوم اهمیت قرار دارد. از تحلیل دید بصری، فضای ایوان‌ها در خانه‌های یک‌طرف‌ساخت عامل اصلی در ایجاد دید بصری همه‌گیر و ارتباط فراگیر می‌باشد. این نقش را می‌توان در فضای مرکزی خانه‌های کوشکی (خانه امتیاز، خانه جمشیدی، خانه شاپوری) در طبقه اول مشاهده کرد. تحلیل اتصال راهروی مرکزی طبقه همکف در خانه امتیاز در دو مسیر عمود برهم که ساختار بنا را شکل می‌دهد، سطح قابلیت دید بصری درونی بیش از دیگر نقاط است. نسبت میان رفتار و سازمان فضایی یک بنای معماری و یا یک جانمایی شهری و مشخصاً میان میزان هم‌پیوندی فضا، و تعداد افرادی که از آن فضا بهره می‌برند، قابلیت محققان نظریه نحو فضا برای مطالعه رفتارهای محیطی افزایش داده است. از مسائل کلیدی اینجا، مسئله خوانایی یک فضای پیکره‌بندی شده است. خوانایی محیط را می‌توان قابلیت آن برای شناساندن خود به مخاطب، برای یافتن مسیر خویش در آن و در طول آن، تعریف کرد. رویکرد ویژه نظریه نحو فضا به مسئله خوانایی محیط معادل قابلیت پیش‌بینی قراردادن سازمان کلی فضا از مشخصات محلی آن است. مؤلفه دیگری که در سنجش بافت‌های شهری یا فضاهای معماری مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

برای تعریف آن، می‌توان تعداد فضاهایی را که مستقیماً در ارتباط با یک فضا هستند در نظر گرفت (پرپانیس^۱، ۱۹۸۹). همان‌طور که در بحث عوامل هم‌پیوندی با زمینه اشاره شد، مفاهیم خوانایی و ارتباط فضایی از عوامل زمینه‌گرایی کالبدی محسوب شده و از آنجایی که در تحلیل‌های خانه‌های مورد نظر به لحاظ خوانایی و ارتباط کلی فضاها وضعیت مطلوبی دارند، لذا می‌توان گفت که شاخصه‌های هم‌پیوندی به زمینه کالبدی را دارا هستند. به عبارتی، مطالعات نحو فضا، خوانایی یک پلان معماری را مولود سازمان فضایی آن در نهایت قرارگیری فضاها در مجموعه فضایی پیکره‌بندی شده می‌داند. فضا در ذات خود ماهیتی پیوسته و یکپارچه دارد؛ و این ماهیت در غالب سامانه‌های منطقی، به اجزایی ناپیوسته و از هم گسسته

1. perponis et la

کاهش می‌یابد (هیلیر^۱، ۱۹۸۹، ۳۳). به عبارت ساده‌تر، مرزهای فضا در عالم واقع، وجودی گسسته و از هم جدا ندارند، بلکه این خصوصیات فضایی است که آنها را به فضاهایی متفاوت تبدیل می‌نماید. چیدمان این فضاها کنار یکدیگر یک فضای پیکره‌بندی‌شده را می‌سازد و مسئله اصلی در به کارگیری روش نحو فضا تبدیل کردن یک فضای پیکره‌بندی‌شده به یک گراف است. تبدیل یک فضای پیوسته به یک نماد گسسته و جدای از هم به معنی شکافتن روابط پیوسته‌فضایی و جایگزین کردن آنها با اجزای ناپیوسته و تأکید بر وجهی از ارتباط این اجزا با یکدیگر است. پلان یک معماری یا بافت شهری، با خطوط متقن و مستحکمی به عنوان مرزهای یک فضا مسدود و محصور گردیده است. درحالی که در عالم واقع، فضا ماهیتی پیوسته و نامحدود دارد و مرزها و لبه‌ها در نقاط ارتباطی فضاها تعریف کاملاً معین و مشخصی ندارند. در نقد نظریه نحو فضا، دانشگاهیان چندین خلل را به مبانی و روش آن وارد دانسته‌اند (رتی^۲، ۲۰۰۴). اولین و مهم‌ترین بحث خدشه‌پذیر بودن نتایج مذکور در بافت‌های شبکه‌ای منظم است. مسئله دیگری که در این روش و نظریه مستتر است، در نظر گرفته نشدن ارتفاع ساختمان و کاربری اراضی است. بحث هم‌پیوندی معماری با زمینه بدون در نظر گرفتن ارتفاع بدنه‌ها، قابل داوری درست و دقیقی نیست. تلاش‌هایی در سال‌های اخیر برای پدید آوردن نظریه تحلیلی کامل‌تری از فرم معماری و شهر که پوشاننده نواقص فوق باشد در حال شکل‌گیری است (پینهو^۳، ۲۰۰۹، ۲۱۳). این تلاش‌ها بر محور ساختن نظریه‌ای کامل‌تر و جامع‌تر، که ویژگی‌های ممتاز و برجسته نظریه کنزن و نیز نظریه هیلیر را دارا باشد، شکل گرفته است. گرچه به نظر می‌رسد که هنوز راه طولانی برای به سرانجام رسیدن این نظریه‌ها باقی است (هیلیر، ۲۰۰۴).

باید به این نکته اشاره کرد که مسئله پیکره‌بندی فضایی صرفاً به عنوان یک عامل می‌تواند بر برخی متغیرهای محیطی تأثیرگذار باشد ولی به‌طور حتم برای تحلیلی جامع‌تر و عملیاتی‌تر، نیاز است دیگر ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی محیط نیز مورد بررسی قرار گیرد و همه این عوامل در کنارهم مورد بررسی قرار گیرند. با این وجود رابطه پیکره‌بندی فضایی با خصوصیات محیطی، اقتصادی و اجتماعی، امری حتمی است لیکن میزان و نحوه این تأثیر در شرایط و موقعیت‌های گوناگون می‌تواند متفاوت باشد (ایزدی، ۲۰۱۷، ۲۵).

۳-۵-۳-۸- نظام ارتباط فضایی

در بررسی‌های میدانی و خانه‌های شیراز، گونه‌های معماری متنوعی یافت شده است. از آنجایی که عوامل متنوعی در تعیین سازمان کالبدی اثر داشته، گونه‌گونی در خانه‌سازی، در پاسخ به سازگاری با عوامل مختلف شکل گرفته است. تحلیل گونه‌های معماری سبب پیدایش دو الگوی پایه شده است. این الگوهای پایه به روش‌های مختلف توسعه یافته و ساختار اجتماعی و اقتصادی سازگار شده است. در این بین ابزار زیادی در اختیار ساکنین بوده تا به فراخور امکانات و نیازهایشان نوع خانه خود را انتخاب کنند. در فرهنگ سکونت شیراز، انعطاف‌پذیری وجود دارد و این به معنای سازگاری با شرایط به روش‌های متنوع و متناسب با بستر است. در نظر گرفتن یک عامل ارتباط خانه با بستر جغرافیایی، خود شرایط متفاوتی

1. Hillier et la
2. Ratti
3. Pinho et la

ایجاد کرده است و پاسخ به آن در سازمان کالبدی فضایی خانه‌ها متفاوت بوده است.

در راستای شناخت چگونگی ارتباط جزء فضاها درون خانه و همچنین دسترسی از حیاط به خانه، بر مبنای گونه‌های شناسایی شده و سازمان کالبدی فضایی حاکم بر هر کدام، شبکه ارتباطی درون خانه بررسی خواهد شد. شناخت شبکه ارتباطی درون خانه بر مبنای بازشوها خواهد بود. لازم به ذکر است این بازشوها با وجود شکل‌های مشابه گاهی کارکرد مشابه ندارند و همواره برای عبور به یک فضای دیگر به کار گرفته نشده است بلکه به‌عنوان پنجره در نمای خانه نیز به کار گرفته شده است و در اینجا به‌عنوان عنصر ارتباط‌دهنده بصری در نظر گرفته خواهد شد.

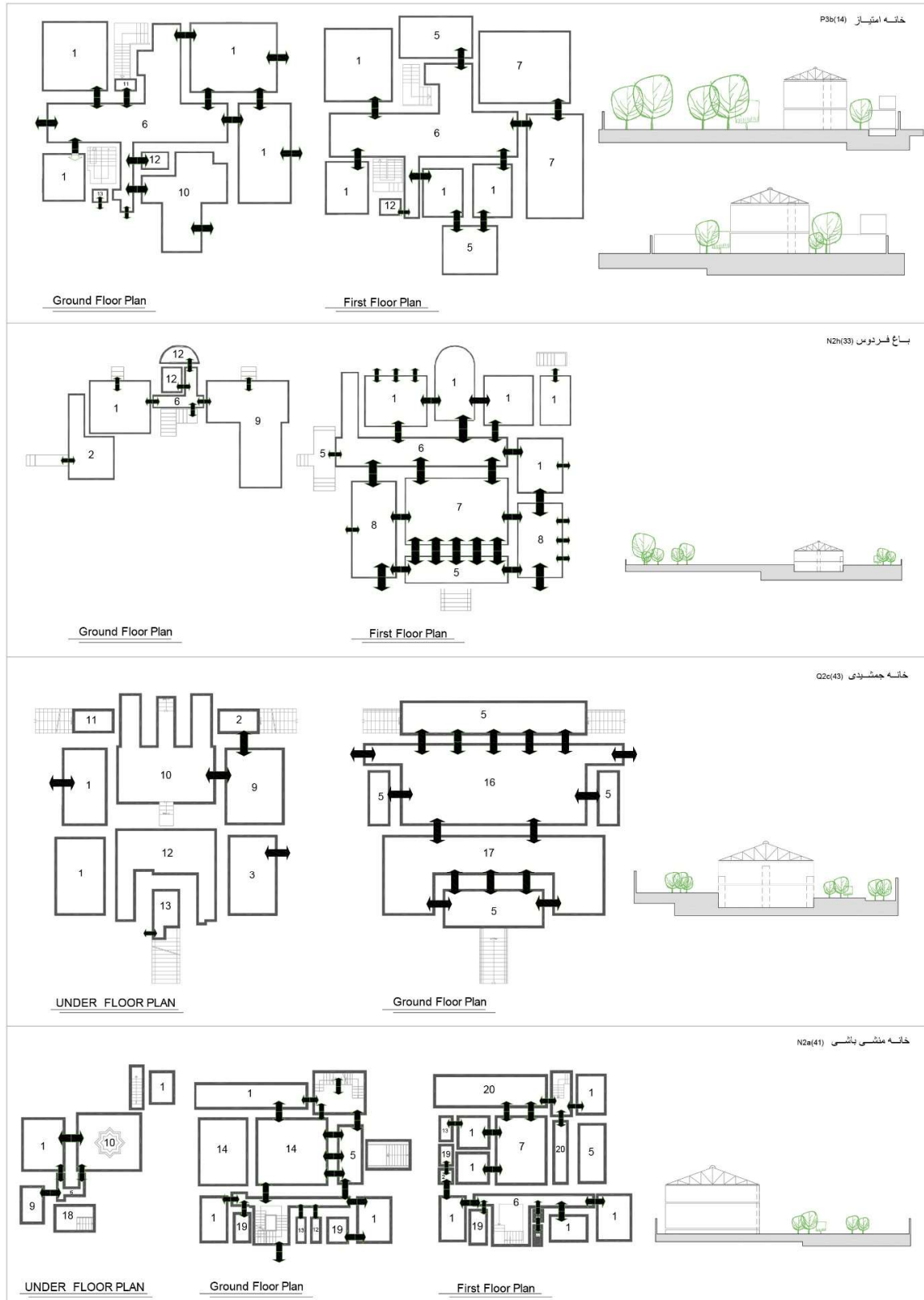
در این بخش تنها شبکه ارتباطی و نظام حرکت در خانه مد نظر است. بررسی‌ها در این بخش نیز براساس روش ارائه تحلیل‌های معماری در بخش‌های قبل، بر پایه دو گونه شناسایی شده انجام خواهد شد. به‌این ترتیب برای هر خانه یک ساختار گرافیکی بر مبنای نظام کلی ترکیب جزء فضاهای آن ترسیم شده و شبکه ارتباطی فضاهای داخلی نشان داده شده است.

۳-۵-۳-۹- نظام ترکیب‌بندی فضاهای نیمه‌باز (ایوان)

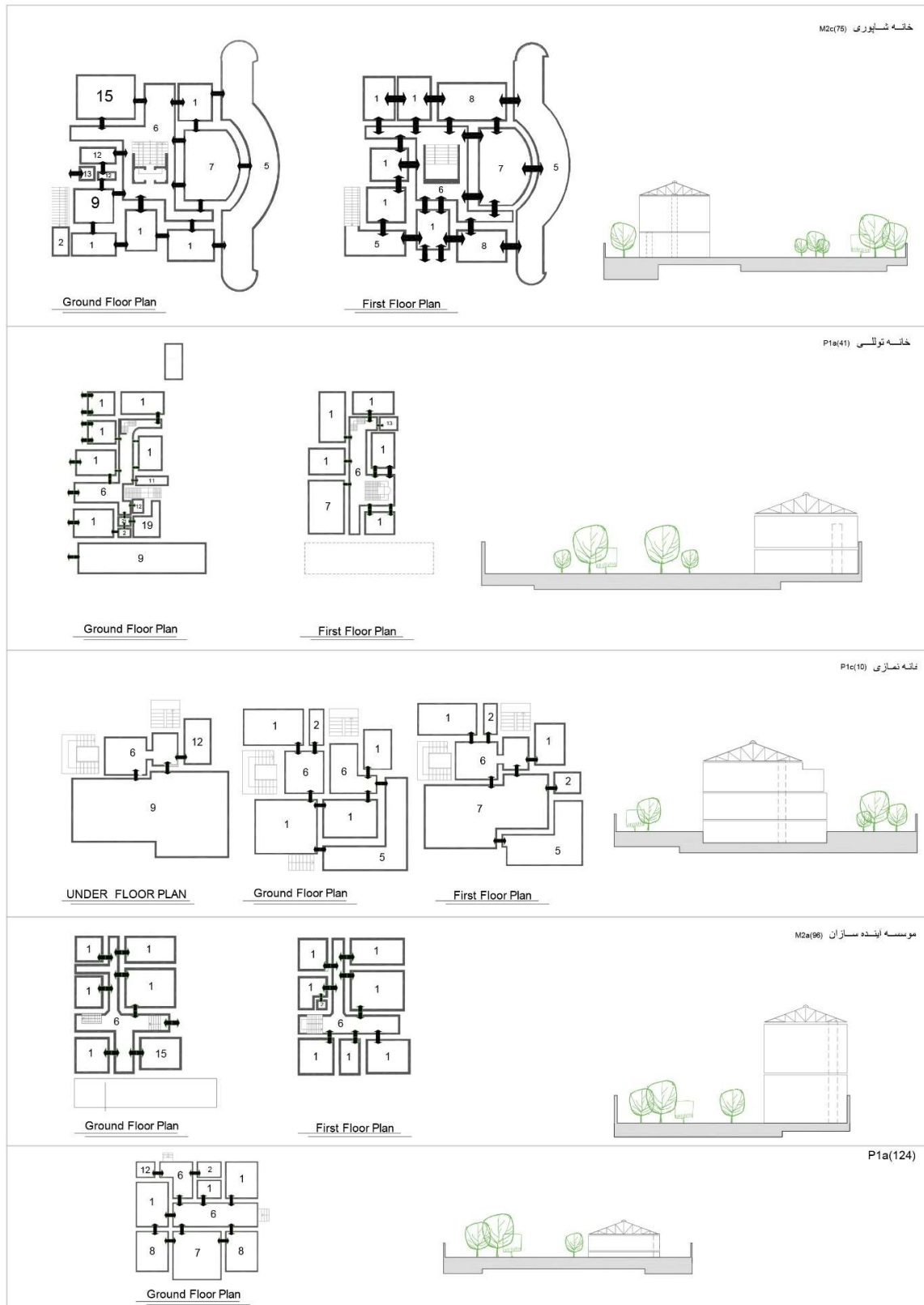
یکی از عناصر کالبدی کلیدی در خانه‌های پهلوی بافت میانه شیراز فضاهای نیمه‌باز هستند که به طرق مختلف در اغلب خانه‌ها به کار رفته است و ایوان یکی از نمودهای آن است. ایوان در ابعاد گوناگون در نماهای درونی و بیرونی خانه جای گرفته و بر شکل و جنبه‌های ارتباطی خانه با محیط مؤثر بوده است. نوع استفاده از ایوان براساس ویژگی‌های موقعیت قرارگیری خانه، متفاوت بوده است. برای مثال ایوان‌های کشیده که معمولاً سطح زیادی از یک ضلع را می‌پوشاند، در نمای درونی حیاط به کار رفته و دارای دو ستون و یا در موارد خاص‌تر (نظیر خانه شاپوری) تعداد ستون‌های بیشتر با تزیینات زیبا است.

ایوان به‌عنوان یک فضای نیمه‌باز در شرایط مختلف انعطاف داشته و بسته به نیاز مالک در ارتباط با محیط پیرامون در شکل،

جدول ۳-۲۵- نظام ارتباط فضایی خانه‌های کوشکی در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)



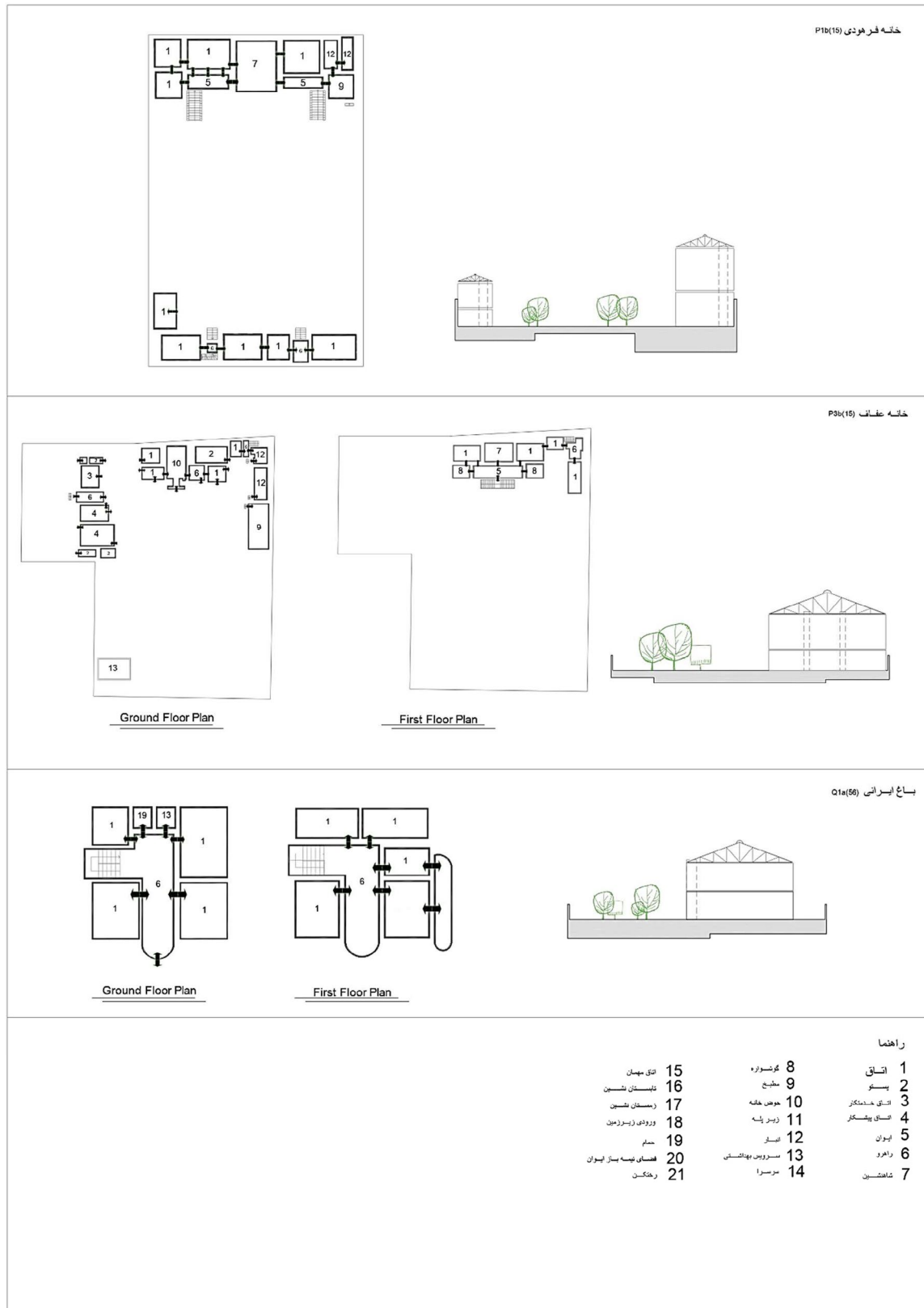
جدول ۳-۲۶- نظام ارتباط فضایی خانه‌های کوشکی در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)



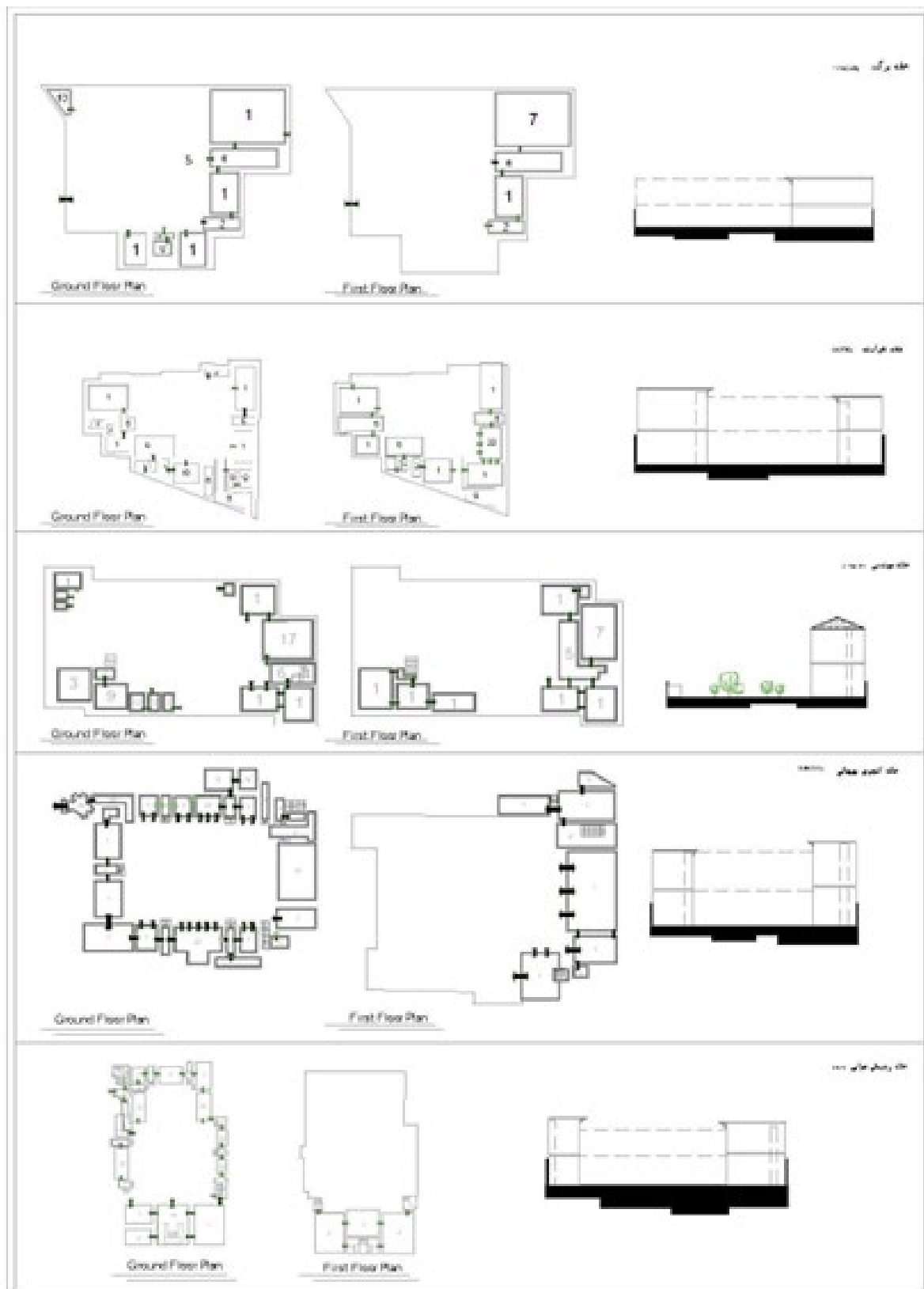
جدول ۳-۲۷- نظام ارتباط فضایی خانه‌های یک طرف ساخت در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)

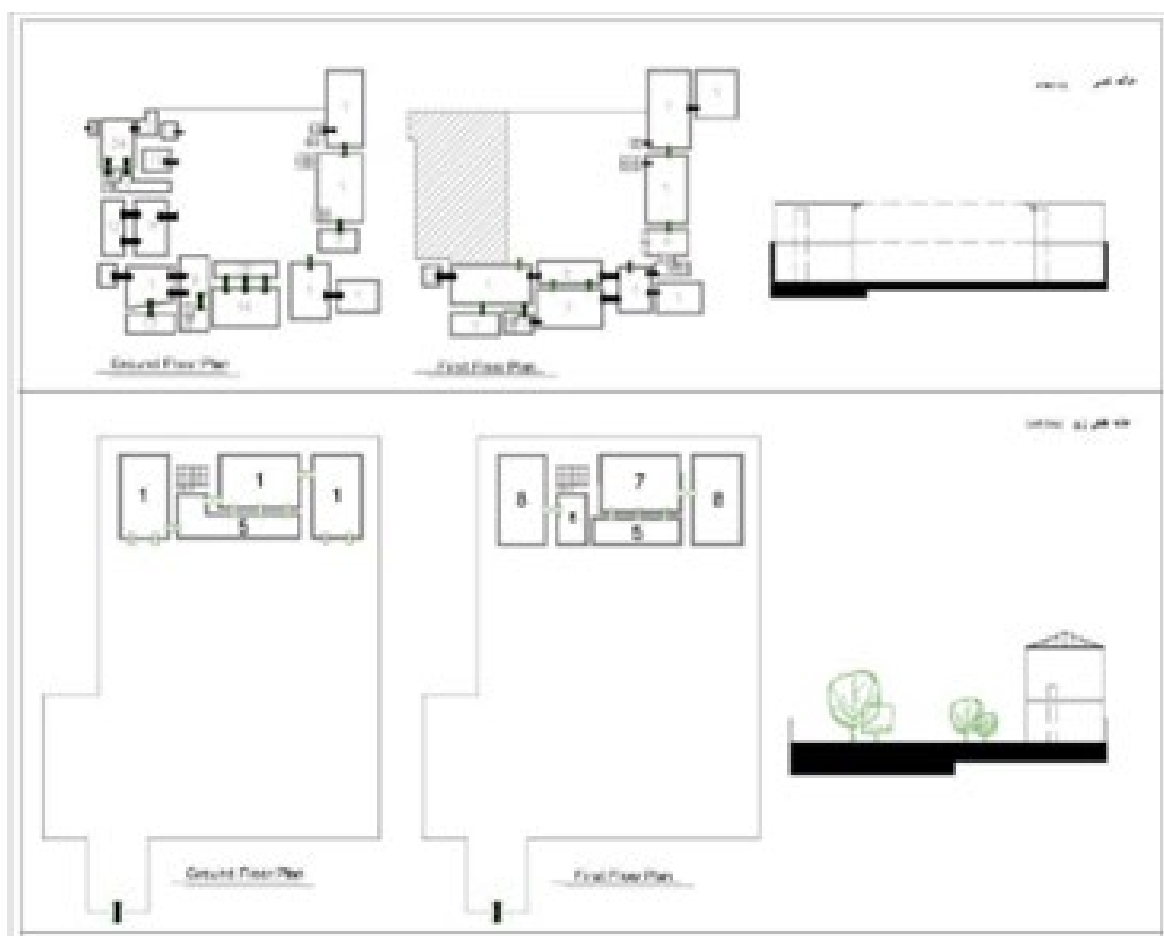


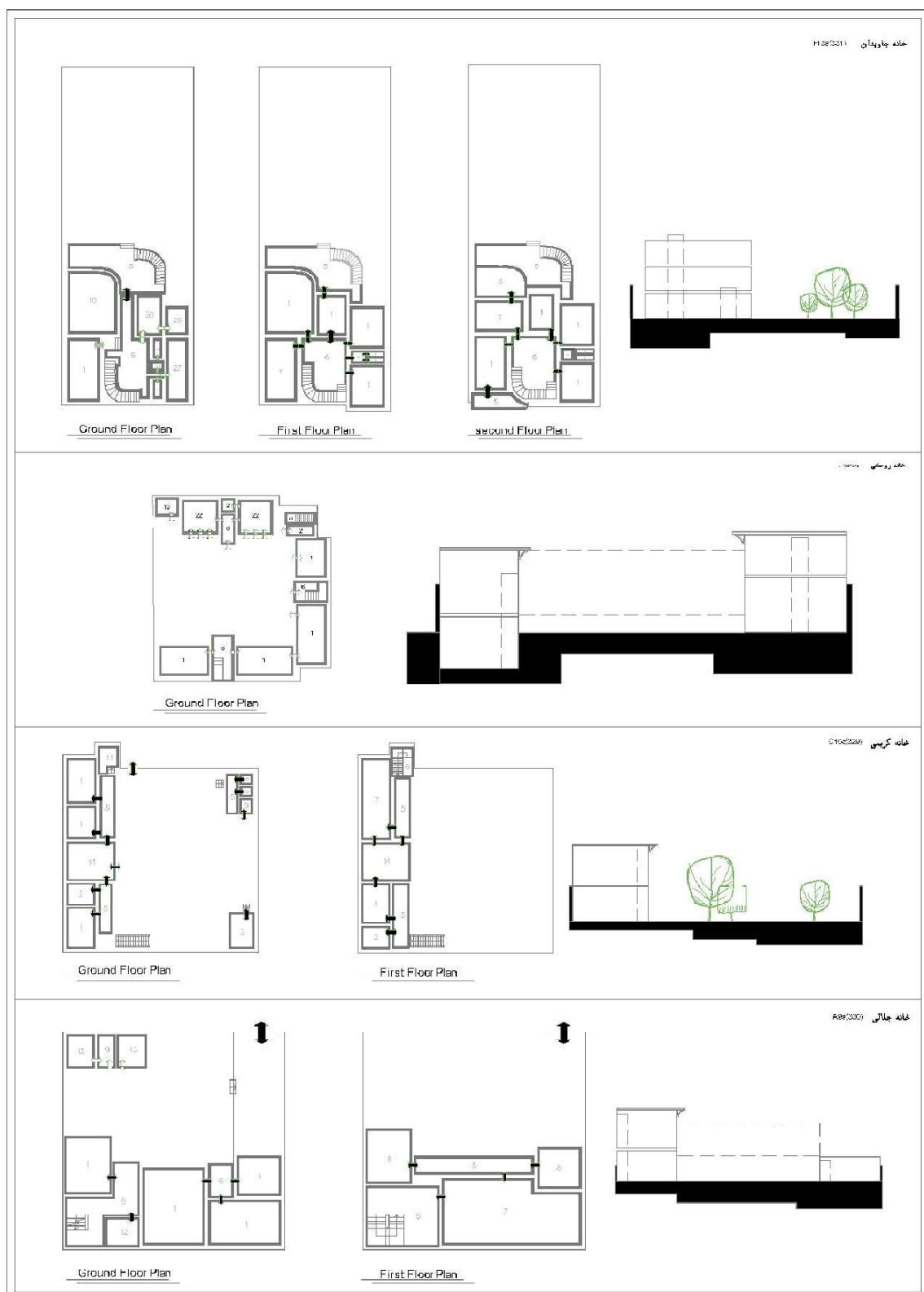
جدول ۳-۲۸- نظام ارتباط فضایی خانه‌های یک طرف ساخت در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)



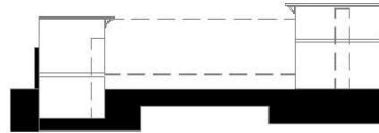
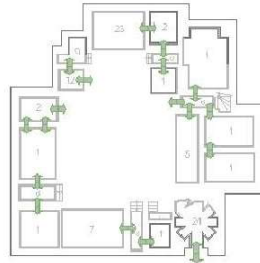
جدول ۳-۲۹- نظام ارتباط فضایی خانه‌های بافت تاریخی در شیراز (منبع: نگارنده)



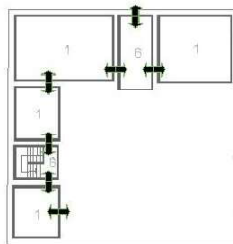




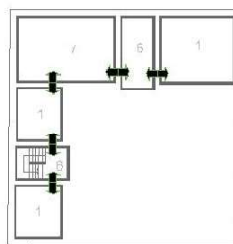
خانه افشاریان (۱۳۲۵ هجری)



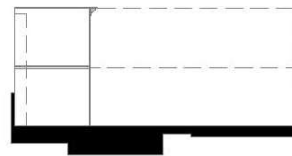
خانه روحانی (۱۳۱۵ هجری)



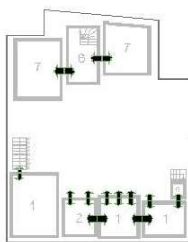
Ground Floor Plan



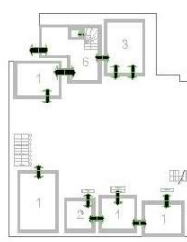
First Floor Plan



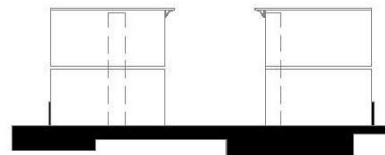
خانه جویس (۱۳۲۵ هجری)



Ground Floor Plan



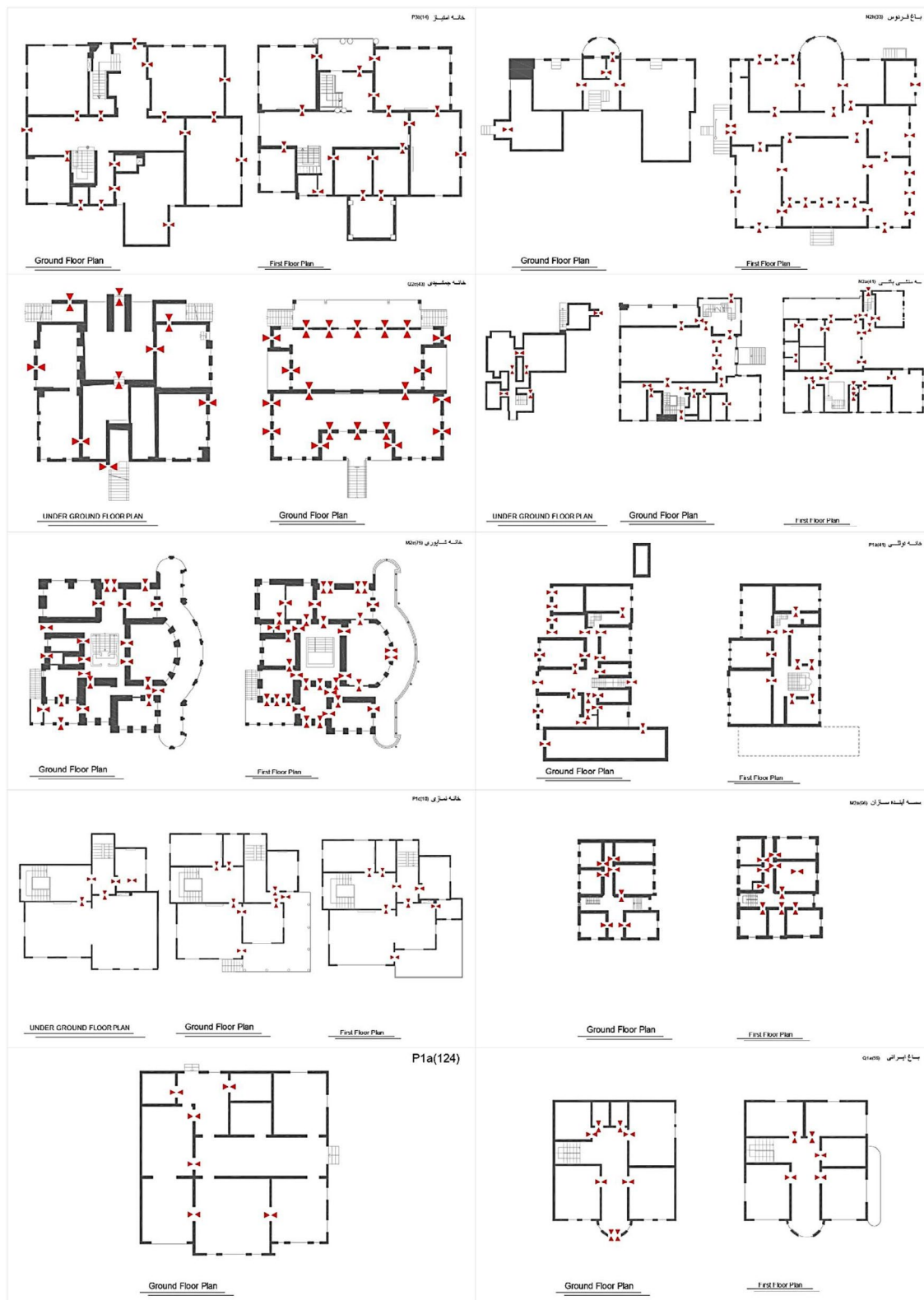
First Floor Plan



راهنما

1 اتاق	8 گوشواره	15 اتاق مهمان	22 سه دره	29 تالار عمومی
2 پستو	9 ملج	16 دهستان نشین	23 پنج دری	30 قمار
3 اتاق خدشه	10 حوضخانه	17 زمستان نشین	24 دهستان	
4 اتاق پیشکار	11 زیر پا	18 ورودی تیر زخم	25 دالان	
5 ایوان	12 انبار	19 حمام	26 پیش فضا	
6 راهرو	13 سرویس بهداشتی	20 فضای تیر پا ایوان	27 حیاط خلوت	
7 شاه نشین	14 سورا	21 چمنی	28 حیاط	

جدول ۳-۳-۳۰-۳ نظام ارتباط فضایی خانه‌های کوشکی در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)



جدول ۳-۳۱- نظام ارتباط فضایی خانه‌های یک طرف ساخت در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)

خانه خردمند M2c(84) Ground Floor Plan First Floor Plan	خانه خوشگو P1a(149) Ground Floor Plan First Floor Plan
N1b(12) Ground Floor Plan First Floor Plan	N3d(4) Ground Floor Plan First Floor Plan
خانه نورانی وصلی p1b(3) Ground Floor Plan First Floor Plan	خانه پرویزی Ground Floor Plan First Floor Plan
خانه رحیمی M2c(84) Under Floor Plan Ground Floor Plan	خانه عفاف P3b(15) Ground Floor Plan First Floor Plan
P1a(159) Ground Floor Plan First Floor Plan	خانه فرهودی P1b(15) Ground Floor Plan

جدول ۳-۳-۲- نظام ارتباط فضایی خانه‌های بافت تاریخی شیراز (منبع: نگارنده)



جدول ۳-۳۲- نظام ارتباط فضایی خانه‌های بافت تاریخی شیراز (منبع: نگارنده)



ابعاد و با مصالح مشخصی شکل گرفته است. در سازمان کالبدی این خانه‌ها تنوع زیادی وجود دارد و هر خانه در هر بستری قرار گرفته و بسته به شرایط محیط پیرامون از موتیف‌ها و عناصر معماری مشترکی که در شبکه معماری شیراز وجود دارد در ترکیب‌های متنوعی بهره برده است. هرچند ویژگی‌های کالبدی و همچنین روح مشترکی در اغلب خانه‌ها وجود دارد، اما در عین تنوع و انعطاف‌پذیری نیز در ترکیب‌های معماری مشاهده شود.

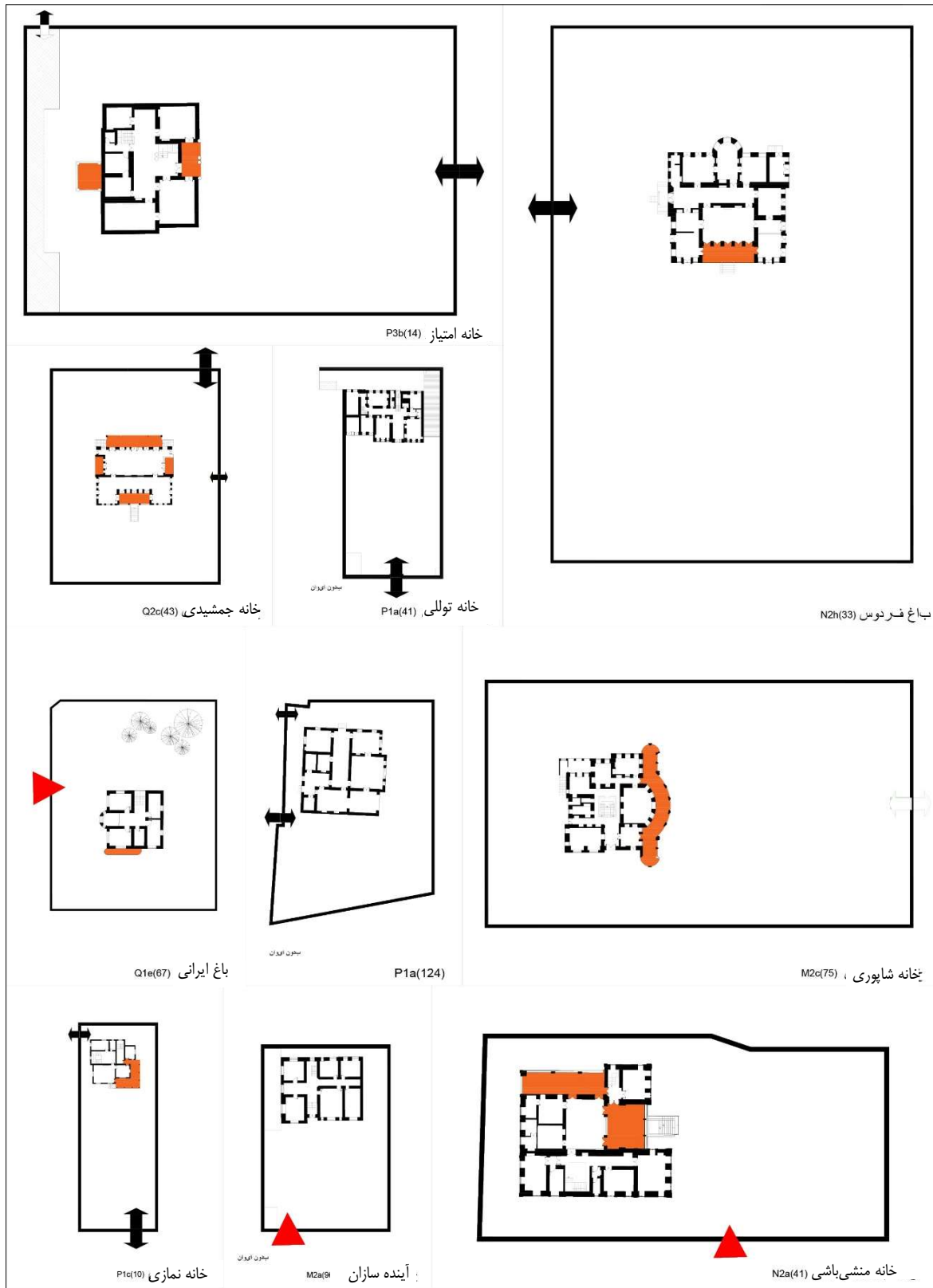
۳-۵-۳-۱۰- نظام ساختار سازه و تزیینات خانه

نوع سازه خانه‌ها در دوره پهلوی اول در هر دو محدوده بافت تاریخی و بافت میانه شیراز، دیوار باربر و به شیوه بنائی بوده است. استفاده از خشت و آجر در سازه اصلی خانه‌ها، که معمولاً بدون زیرزمین و در دو طبقه طراحی شده‌اند، رایج است. مصالح نما، غالباً آجرکاری با طرح‌های متنوع است، پنجره‌های چوبی و کتیبه‌های کاشی کاری بالای پنجره به اضافه چلنگری‌های زیبا، از تزیینات خارجی بنا محسوب می‌شود. نکته اساسی و تفاوت بنیادی ساختار خانه در این دوره، استفاده از سقف شیبدار (شیروانی) است. اتفاقی که در شیوه معماری سنتی شیراز وجود نداشته و از مظاهر معماری غربی محسوب می‌شود، اما همان‌طور که در تصویر مشاهده می‌شود همه خانه‌های ساخته شده در دوره پهلوی اول در بافت میانه شیراز دارای بام شیروانی هستند که ساختار آن در تصویر ارائه شده است.

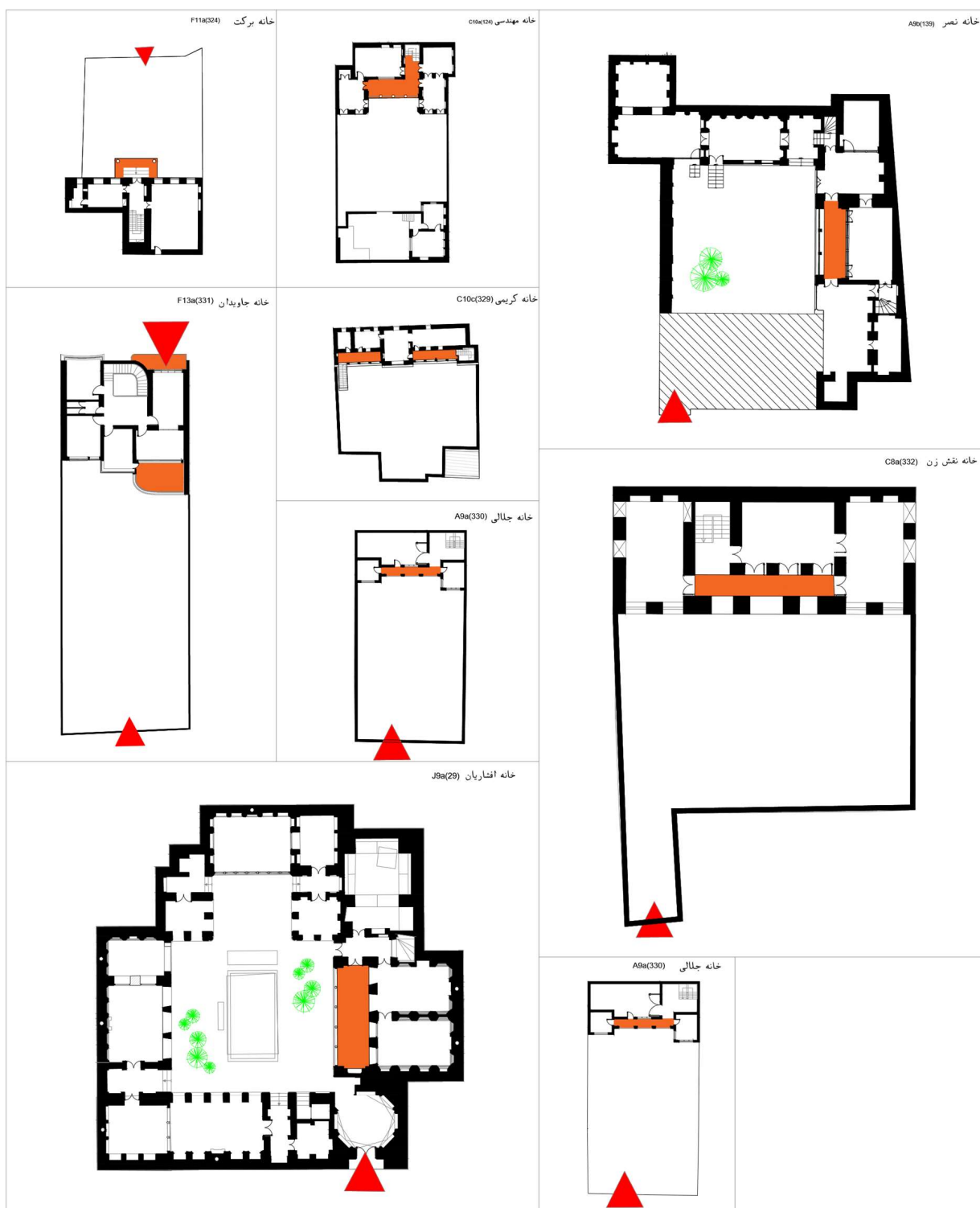
جدول ۳-۳-۳- نظام ترکیب‌بندی فضاهای نیمه باز (ایوان) در خانه‌های بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)



جدول ۳-۳۴- نظام ترکیب‌بندی فضاهای نیمه باز (ایوان) در خانه‌های بافت میانه در شیراز (منبع: نگارنده)



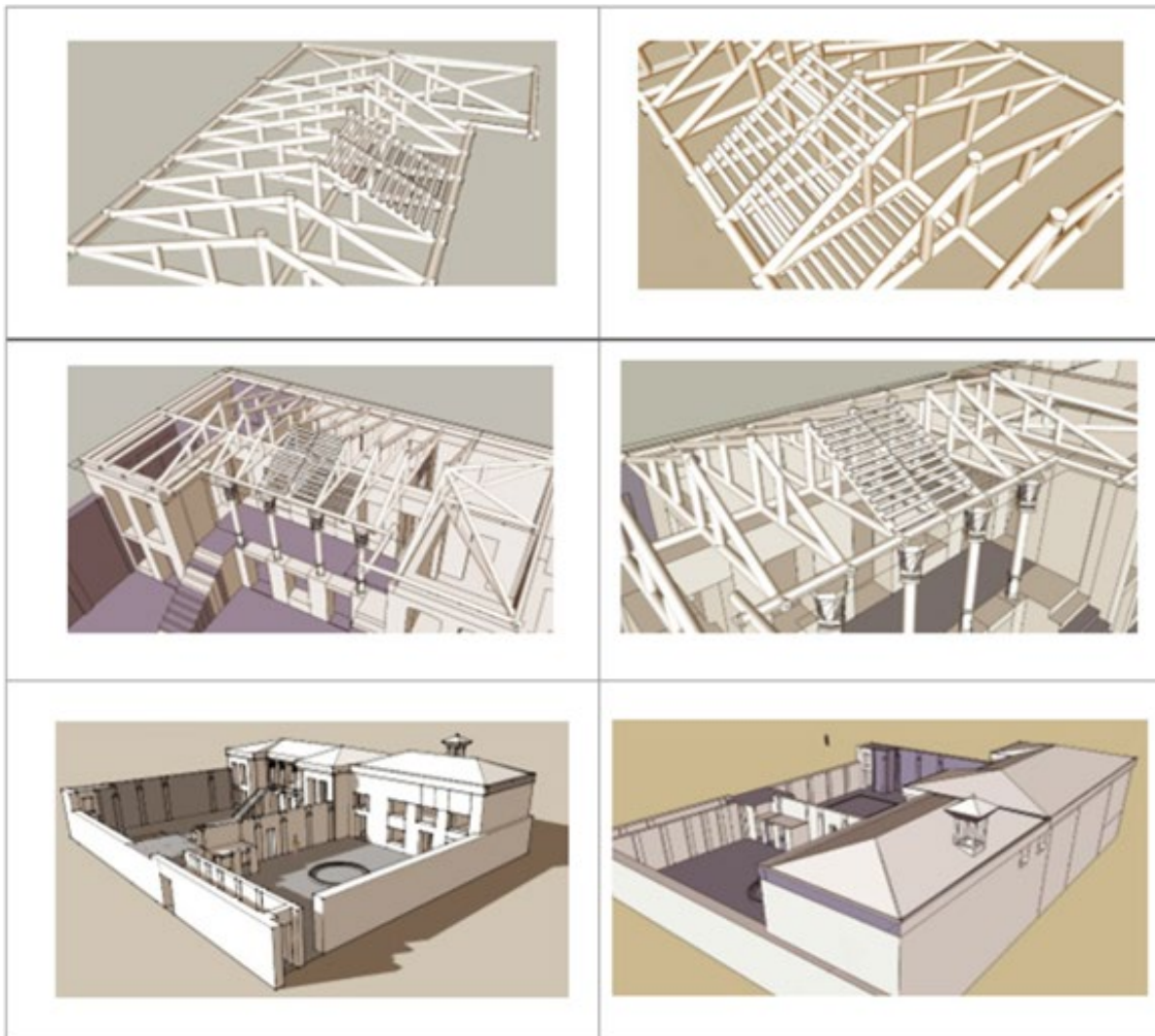
جدول ۳-۳۵- نظام ترکیب‌بندی فضاهای نیمه باز (ایوان) در خانه‌های بافت تاریخی در شیراز (منبع: نگارنده)



۳-۶- جمع‌بندی

در بررسی‌های میدانی و خانه‌های شیراز، گونه‌های معماری متنوعی یافت شده است. از آنجایی که عوامل متنوعی در تعیین سازمان کالبدی اثر داشته، گونا گونی در خانه‌سازی، در پاسخ به سازگاری با عوامل مختلف شکل گرفته است. تحلیل گونه‌های معماری سبب پیدایش دو الگوی پایه شده است. این الگوهای پایه به روش‌های مختلف توسعه یافته و با ساختار اجتماعی و اقتصادی سازگار شده‌اند. در این بین ابزار زیادی در اختیار ساکنین بوده تا به فراخور امکانات و نیازهایشان نوع خانه خود را انتخاب کنند. در فرهنگ سکونت شیراز، انعطاف‌پذیری وجود دارد و این به معنای سازگاری با شرایط به روش‌های متنوع و متناسب با بستر است. در نظر گرفتن یک عامل ارتباط خانه با بستر جغرافیایی خود شرایط متفاوتی ایجاد کرده است و پاسخ به آن در سازمان کالبدی فضایی خانه‌ها متفاوت بوده است. اما باید در نظر گرفت در ارتباط خانه با محیط پیرامون، که ویژگی‌های فیزیکی زمین یکی از زیرمجموعه‌های آن است، عوامل متنوعی دخیل بوده و معماری

جدول ۳-۳۶- نظام ساختار سازه خانه‌های خردمند شرقی و غربی در شیراز (منبع: آرشیو میراث فرهنگی استان فارس)





تصویر ۳-۶- تصاویری از نمای بام بافت میانه شهر شیراز در سال ۱۳۹۹ (منبع : نگارنده)

تغییر سیمای بام شهر در بافت میانه نسبت به بافت تاریخی



تصویر ۳-۷- تصویر سه بعدی از بافت میانه شیراز بر اساس عکس هوایی سال ۱۳۳۵ (منبع : نگارنده)



تصویر ۳-۸- ساختار سه بعدی بافت میانه شیراز بر اساس عکس هوایی سال ۱۳۳۵ (منبع : نگارنده)



تصویر ۳-۹- ساختار سه‌بعدی بافت میانه شیراز بر اساس عکس هوایی سال ۱۳۳۵ (منبع: نگارنده)



تصویر ۳-۱۰- ساختار سه‌بعدی بافت میانه شیراز بر اساس عکس هوایی سال ۱۳۳۵ (منبع: نگارنده)

در فصل مشترک تمامی این عوامل شکل گرفته است. بنابراین می‌توان ادعا کرد در ساخت هر خانه محدودیت‌ها و امکانات متفاوت بوده است، با این وجود در گونه‌شناسی دسته‌بندی مشخصی به دست آمد، به‌طوری که هر گونه و زیرمجموعه‌های آن الگوی پایه یکسان داشتند. ترکیب الگوهای پایه با حیاط، باغ و حیاط خلوت فرم‌های متنوعی از چینش جزء فضاها را در یک گونه ایجاد کرده است. چرایی این گونه‌گونی به محدودیت‌ها، نیازها و انتخاب‌هایی بازمی‌گردد که سازنده با آنها روبه‌رو بوده است، و براساس امکاناتی که شرایط شخصی سازنده و دانش عمومی ساخت خانه در اختیارش قرار داده، به فرم نهایی خود دست یافته است. ویژگی طبقه‌بندی در سازمان کالبدی فضایی خانه بر اساس ماهیت کارکردی جزء فضاها تنها در طبقات و بر اساس تراز ارتفاعی نبوده است، بلکه در پلان خانه و در یک طبقه، به طریقی دیگر حاکم بوده است. فضاهای واسط در خانه‌های این محدوده عضو تعیین‌کننده‌ای بودند، به‌طوری که وجود آنها یا عدم‌استفاده از آنها در سازمان کالبدی فضایی خانه، و همچنین ابعاد و تناسبات آنها، در شکل‌گیری گونه‌های متنوع معماری در شیراز اثرگذار بوده است.



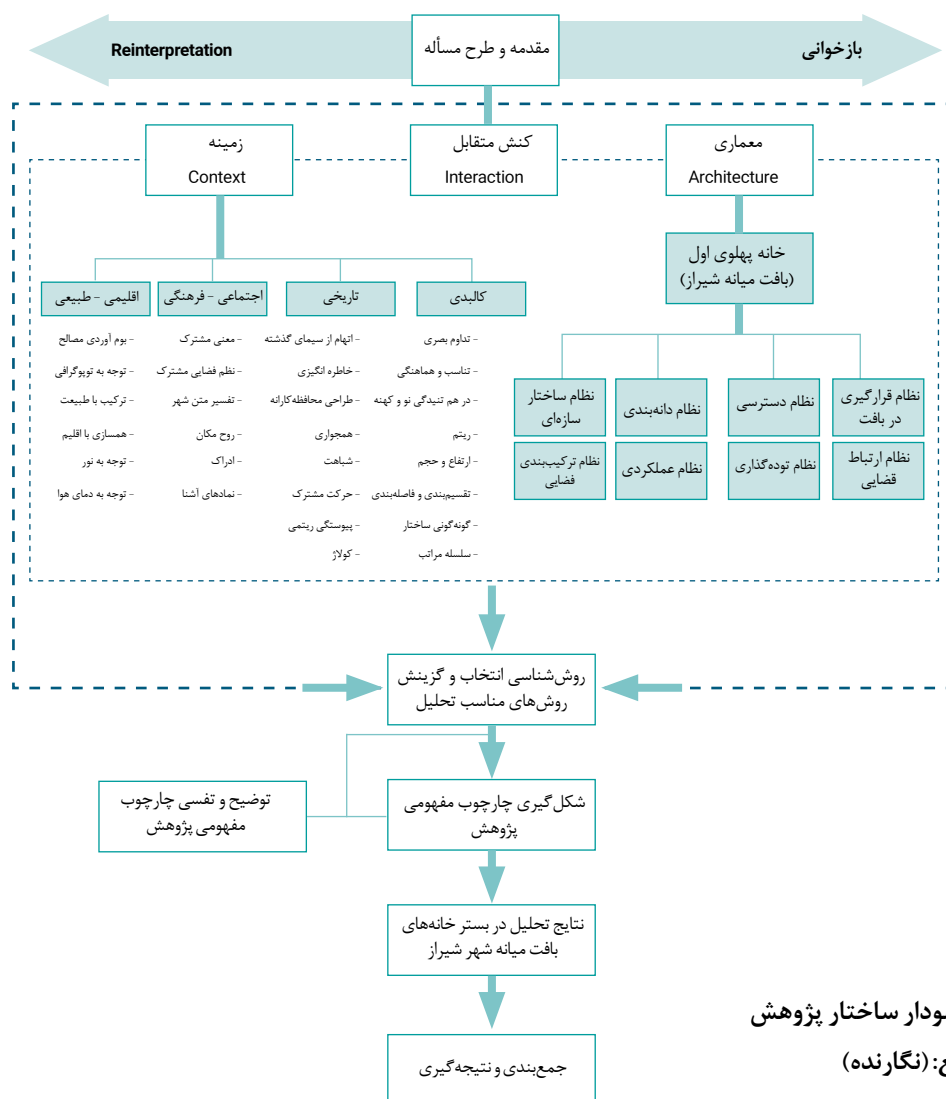
An aerial, grayscale photograph of a city model. The model features a prominent grid-like street pattern. Between the streets, there are numerous small, rectangular blocks representing buildings. Interspersed among these blocks are clusters of small, rounded shapes that represent trees or green spaces. The overall layout is a mix of straight lines and some curved paths, creating a structured yet organic urban form.

فصل ۴

نتیجه‌گیری نهایی

۴-۱- مقدمه

این پژوهش بر مبنای بازخوانی مفهوم کنش متقابل زمینه و معماری (نمونه موردی: معماری مسکونی بافت میانه شهر شیراز) شکل گرفت و براین اساس در ۴ فصل تنظیم گشت. فصل یک به کلیات پژوهش، مبانی نظری و بررسی نظریات پایه اختصاص یافت. فصل دو به شناسایی، مستندسازی و معرفی تفصیلی ابنیه منتخب و تکمیل مطالعات گونه‌شناسی بناهای شناسایی شده پرداخته است. به این منظور، در راستای شناخت و تجزیه تحلیل اصول به‌دست‌آمده از چارچوب نظری در نمونه موردی انتخاب‌شده، ابتدا به بازشناخت معماری مسکونی بافت میانه شهر شیراز، سپس به معرفی تعداد ۳۵ خانه از مجموع ۱۱۳ خانه شناسایی‌شده در محدوده بافت میانه و بافت تاریخی شیراز پرداخته شد. در فصل سوم، دیگرام‌های تحلیلی نمونه‌های موردی براساس ده معیار شناسایی‌شده در بخش چارچوب نظری ترسیم و ارائه گردید. در نهایت فصل چهار به نتیجه‌گیری نهایی ختم می‌شود. راهکارها و الگوهای دریافت شده به منظور بازخوانی ارتباط متقابل زمینه و معماری کاربردی بوده و می‌تواند در بازیابی الگوی مسکن معاصر شیراز مورد استفاده قرار گیرد.



شکل ۴-۱- نمودار ساختار پژوهش

منبع: (نگارنده)

۴-۲- دستیابی به پاسخ سؤال‌های مطرح‌شده در این پژوهش

با نظر به سطح اهدافی که این پژوهش در پی رسیدن به آن است، پرسش‌های این پژوهش نیز در دو سطح مطرح گردید. همان‌طور که در فصل یک عنوان شد، این پژوهش پرسش‌محور بوده و در راستای سه سؤال به شرح زیر شکل گرفت. هم‌اکنون برای مطمئن شدن از میزان دستیابی به اهداف پژوهش در راستای سؤال‌ها، جمع‌بندی نهایی به‌شرح زیر صورت می‌گیرد. در ادامه سؤال‌ها مجدداً مطرح و پاسخ آن‌ها در نمودارها بررسی می‌گردد.

۴-۲-۱- نخستین سطح - پرسش اصلی

مسئله پژوهش:

- چگونه می‌توان مؤلفه‌های کنش متقابل زمینه و معماری را در بستر معماری مسکونی بافت میانه شهر شیراز بازخوانی نمود؟

در این پژوهش با رویکردی کل‌نگر، سه سطح مجزا برای خوانش مجدد مفهوم کنش متقابل زمینه و معماری در نمونه موردی (خانه‌های بافت میانه شهر شیراز) در نظر گرفته شده است. «سطح نخست» به شناسایی بستر و تغییر و تحولات آن می‌پردازد. در این بخش به بستر سیاسی-اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه معاصر ایران توجه می‌شود. «سطح دوم» به بررسی و تحلیل بستر معماری و شهرسازی پرداخته و «سطح سوم» به تعیین مؤلفه‌های شناسایی و تحلیل معماری مسکونی در دوره پهلوی اول شیراز، که موضوع اصلی این پژوهش به‌عنوان حلقه واسط معماری سنتی و معاصر شهر شیراز می‌باشد، می‌پردازد. همان‌طور که در فصل‌های پیشین ارائه گردید، نتایج بررسی تعداد زیادی از خانه‌های بافت میانه شهر شیراز، که موضوع این پژوهش بوده است، به‌خوبی این موضوع را نشان می‌دهد که، علی‌رغم اینکه بسیاری از ظواهر و عوامل مدرنیستی در تزیینات و فرم خانه‌ها یا فرم سقف‌ها نمایان است، اما در موارد بسیاری همچون طراحی فضاها، ارتباط فضاها، نقش ایوان و هندسه و فرم از معماری گذشته شهر الهام گرفته شده، متضمن هم‌پیوندی با عوامل زمینه‌ای می‌باشد. معماری ایرانی و نقش بوم و زمینه در آن از چنان غنایی برخوردار بوده که حتی فکر و ذهن معمار مدرنیستی را از پایبندی مطلق به اصول آن واداشته و ردپای خود را در آثار ایشان برجای می‌گذارد.

■ در بررسی‌های میدانی خانه‌های بافت میانه شهر شیراز، گونه‌های معماری متنوعی یافت شده است. از آنجایی که عوامل متنوعی در تعیین سازمان کالبدی اثر داشته، گونه‌گونی در خانه‌سازی، در پاسخ به سازگاری با عوامل مختلف شکل گرفته است.

■ تحلیل گونه‌های معماری سبب پیدایش دو الگوی پایه شده است. این الگوهای پایه به روش‌های مختلف توسعه یافته و ساختار اجتماعی و اقتصادی سازگار شده است. در این بین ابزار زیادی در اختیار ساکنین بوده تا به فراخور امکانات و نیازهایشان نوع خانه خود را انتخاب کنند.

■ در فرهنگ سکونت شیراز، انعطاف‌پذیری وجود دارد و این به معنای سازگاری با شرایط به روش‌های متنوع و متناسب با بستر است. در نظر گرفتن یک عامل ارتباط خانه با بستر جغرافیایی، خود شرایط متفاوتی ایجاد کرده

است و پاسخ به آن در سازمان کالبدی فضایی خانه‌ها متفاوت بوده است.

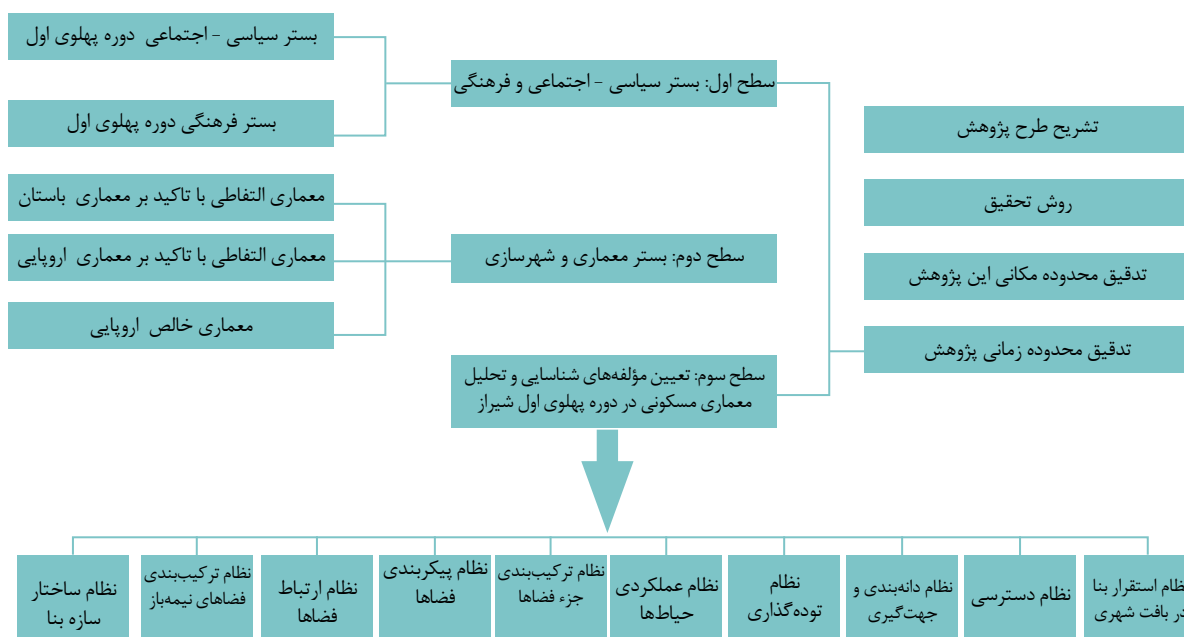
در پاسخ به سؤال مطرح شده، ضمن تطابق مباحث نظری و نظام تحلیلی خانه‌ها براساس مؤلفه‌های مستخرج از چارچوب نظری، موارد زیر را می‌توان نتیجه گرفت:

- اولین الگوی توسعه شهر شیراز، در دوره پهلوی اول و در محدوده خارج از بافت شهری، گونه خانه‌باغ‌ها هستند که در باغ‌های موجود و به‌صورت خانه‌های کوشکی و برون‌گرا ساخته شده و در دوره‌های بعد تداوم نمی‌یابد.
- گونه خانه‌های یک طرف ساخت الگویی است که به الگوی درون‌گرا نزدیک‌تر بوده و در دوره‌های بعد نیز تداوم می‌یابد.
- در تحلیل نظام عملکردی حیاط‌ها در خانه‌های بافت میانه شیراز، در گونه‌هایی که شناسایی شده است، با پدیده چندحیاطی مواجه نیستیم، نمونه‌ای که در خانه‌های سنتی شیراز مشاهده می‌شد به‌صورت تقسیم‌بندی فضاهای باز شامل حیاط اندرونی و بیرونی، اما در خانه‌های محدوده بافت میانه غالباً با یک حیاط که نقش عملکردی متنوع دارد، مواجه هستیم. حیاط‌ها در این محدوده عموماً نقش باغ را نیز دارند.
- خانه‌ها در بافت تاریخی شیراز، در دو طبقه زیرزمین و همکف ساخته می‌شدند. در معماری بافت میانه شاهد زیرزمین نیستیم، خانه‌ها در دو طبقه همکف و اول ساخته شده‌اند. این الگو تا دوره‌های بعد تداوم می‌یابد.
- نکته جالب در مقایسه تطبیقی خانه‌های درون بافت تاریخی و خانه‌های بافت میانه شیراز، در الگوی قرارگیری بنا در سایت می‌باشد. خانه‌هایی که در بافت میانه ساخته شدند، به‌دلیل نظام مناسبتی آنها با خانه‌های بافت تاریخی به‌نوعی متفاوت بوده و در گونه‌های اولیه به‌صورت خانه‌باغ طراحی شده و فرم کوشکی (شبه کوشک باغ‌های قاجاری) را به خود گرفته‌اند.
- ابعاد زمین در محدوده بافت میانه بسیار بزرگ‌تر از بافت تاریخی می‌باشد. توده‌گذاری خانه‌ها در بخش غالب این بافت به‌شکل کوشکی و یک‌طرف‌ساخت است و راستای کشیدگی فرم خانه‌ها در دو جهت شمال شرقی-جنوب غربی (جهت قبله) و جهت شمال غربی-جنوب شرقی می‌باشد.
- وجود ایوان ستون‌دار به‌عنوان فضائی نیمه‌باز و درعین حال عنصر نمادین در نمای ساختمان از ویژگی‌های بارز این گونه از خانه‌های این دوره شیراز است. نظام ترکیب‌بندی، اتاق، ایوان، فضای واسط که در الگوی خانه‌های سنتی شیراز مشاهده می‌شود نیز در این دوره تداوم و تکامل یافته است.
- در این دوره بناها بعضاً توانست عناصر گذشته معماری را به‌خود بگیرد، ولی داخل بنا نتوانست روابط فضای پیشین خود را در خود جای دهد.
- در فرهنگ سکونت شیراز انعطاف‌پذیری وجود دارد و این به معنای سازگاری با شرایط به روش‌های متنوع و متناسب با بستر است. در نظر گرفتن یک عامل ارتباط خانه با بستر جغرافیایی، خود شرایط متفاوتی ایجاد کرده است و پاسخ به آن در سازمان کالبدی فضایی خانه‌ها متفاوت بوده است.
- نکته اساسی و تفاوت بنیادی ساختار خانه در این دوره استفاده از سقف شیبدار (شیروانی) است.
- در راستای شناخت چگونگی ارتباط جزء فضاها درون خانه و همچنین دسترسی از حیاط به خانه بر مبنای گونه‌های شناسایی شده و سازمان کالبدی فضایی حاکم بر هر کدام شبکه ارتباطی درون خانه بررسی شده است. شناخت شبکه

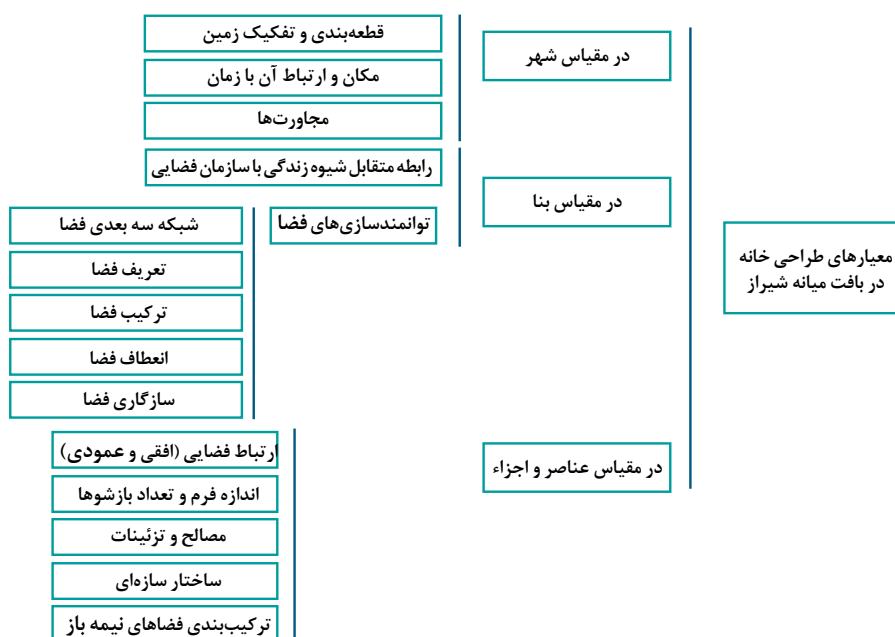
ارتباطی درون خانه بر مبنای بازشوها بوده است.

لازم به ذکر است این بازشوها با وجود شکل‌های مشابه گاهی کارکرد مشابه ندارند و همواره برای عبور به یک فضای دیگر به کار گرفته نشده است، بلکه به عنوان پنجره در نمای خانه نیز به کار گرفته شده است و در اینجا به عنوان عنصر ارتباط‌دهنده بصری در نظر گرفته شده است.

- در ادامه با دیگرام‌های ارائه شده، اصول هم‌پیوندی با زمینه در سطوح مختلف کالبدی در خانه‌های بافت میانه شهر شیراز



شکل ۴-۲- نمودار ساختار مؤلفه‌های هم‌پیوندی کالبدی معماری با زمینه (نگارنده)



شکل ۴-۳- دیگرام چارچوب راهبردی معیارهای طراحی خانه در فات میانه شهر شیراز منبع: (نگارنده)

جدول ۴-۱- ارائه مدل بازخوانی مؤلفه‌های کالبدی کنش متقابل زمینه و معماری در معماری مسکونی بافت میانه شهر شیراز
(منبع: نگارنده)

ارائه مدل بازخوانی مؤلفه‌های کالبدی کنش متقابل زمینه و معماری در معماری مسکونی بافت میانه شهر شیراز

ردیف	مؤلفه کالبدی	الگوی غالب در معماری تاریخی شهر شیراز	الگوی غالب در بافت میانه شهر شیراز	تداوم اصول هم-پیوندی با زمینه	تداوم اصول در دوره‌های بعد
۱	فرم بنا	درون‌گرا (حیات مرکزی)	گونه ۱: خانه-باغ ها گونه ۲: یک یا دو طرف ساخت	ادامه نمی‌یابد ادامه می‌یابد	اولین الگوی توسعه شهر شیراز، در دوره پهلوی اول و در محدوده خارج از بافت شهری، گونه خانه-باغ ها هستند که در باغ‌های موجود و به صورت خانه‌های کوچه‌ای و برون‌گرا ساخته شده و در دوره‌های بعد تداوم نمی‌یابد. گونه خانه‌های یک طرف ساخت الگویی است که به الگوی درون‌گرا نزدیک تر بوده و در دوره‌های بعد نیز تداوم می‌یابد.
۲	ارتباط با طبیعت	حیات مرکزی (باغ درون خانه) (چند حیاطی) • باغچه (نظام درختکاری) • حوض آب	گونه ۱: خانه-باغ ها گونه ۲: یک طرف ساخت	ادامه نمی‌یابد ادامه می‌یابد	در تحلیل نظام عملکردی حیاط‌ها در خانه‌های بافت میانه شیراز، در گونه-هایی که شناسایی شده است، با پدیده چندحیاطی مواجه نیستیم، نمونه‌ای که در خانه‌های سنتی شیراز، مشاهده می‌شد به صورت تقسیم‌بندی فضاهای باز شامل حیاط اندرونی و بیرونی، اما در خانه‌های محدوده بافت میانه غالباً با یک حیاط که نقش عملکردی متنوع دارد، مواجه هستیم. حیاط‌ها در این محدوده عموماً نقش باغ را نیز دارند.
۳	ارتفاع (تعداد طبقات)	دو طبقه: • زیرزمین • همکف	گونه ۱: خانه-باغ ها گونه ۲: یک طرف ساخت	ادامه می‌یابد	خانه‌ها در بافت تاریخی شیراز، در دو طبقه زیرزمین و همکف ساخته می‌شدند. در معماری بافت میانه شاهد زیرزمین نیستیم، خانه‌ها در دو طبقه همکف و اول ساخته شده این الگو تا دوره‌های بعد تداوم می‌یابد.
۴	توده گذاری (سطح اشغال)	میانگین سطح اشغال خانه‌ها در بافت تاریخی ۷۰ تا ۶۰ درصد	گونه ۱: خانه-باغ ها گونه ۲: یک طرف ساخت	ادامه نمی‌یابد ادامه می‌یابد	نکته جالب در مقایسه تطبیقی خانه‌های درون بافت تاریخی و خانه‌های بافت میانه شیراز، در الگوی قرارگیری بنا در سایت می‌باشد. خانه‌هایی که در بافت میانه ساخته شدند، به دلیل نظام مناسبی آنها با خانه‌های بافت تاریخی به نوعی متفاوت بوده و در گونه‌های اولیه به صورت خانه-باغ طراحی شده و فرم کوچه‌ای (شبه کوچه تاجاری) را به خود گرفته‌اند.
۵	جهت گیری بنا	روان راسته روان اضطراری	گونه ۱: خانه-باغ ها گونه ۲: یک طرف ساخت	ادامه می‌یابد	ابعاد زمین در محدوده بافت میانه بسیار بزرگتر از بافت تاریخی می‌باشد. توده گذاری خانه‌ها در بخش غالب این بافت به شکل کوچه‌ای و یک طرف ساخت است. و راستای کشیدگی فرم خانه‌ها در دو جهت شمال شرقی-جنوب غربی (جهت قبله) و جهت شمال غربی-جنوب شرقی می‌باشد.
۶	ترکیب بندی جزء فضاها	اتاق ایوان فضای واسطه	گونه ۱: خانه-باغ ها گونه ۲: یک طرف ساخت	ادامه می‌یابد	وجود ایوان ستون‌دار به عنوان فضائی نیمه‌باز و در عین حال عنصر نمادین در نمای ساختمان از ویژگی‌های بارز این گونه از خانه‌های این دوره شیراز است. نظام ترکیب بندی، اتاق، ایوان، فضای واسطه که در الگوی خانه‌های سنتی شیراز مشاهده می‌شود نیز در این دوره تداوم و تکامل یافته است. در این دوره بناها به‌صورت توانست عناصر گذشته ی معماری را به خود بگیرد؛ ولی داخل بنا توانست روابط فضای پیشین خود را در خود دهد.
۷	ارتباط فضایی	اتاق‌های تو در تو ارتباط فضایی قابلیت ترکیب فضایی	گونه ۱: خانه-باغ ها گونه ۲: یک طرف ساخت	ادامه می‌یابد	در فرهنگ سکونت شیراز، انعطاف پذیری وجود دارد و این به معنای سازگاری با شرایط به روش‌های متنوع و متناسب با بستر است. در نظر گرفتن یک عامل ارتباط خانه با بستر جغرافیایی، خود شرایط متفاوتی ایجاد کرده است و پاسخ به آن در سازمان کالبدی فضایی خانه‌ها متفاوت بوده است.
۸	ساختار سازه ای	دیوار یاریر سقف مسطح تیرپوش	گونه ۱: خانه-باغ ها گونه ۲: یک طرف ساخت	ادامه می‌یابد ادامه نمی‌یابد	نکته اساسی و تفاوت بنیادی ساختار خانه در این دوره، استفاده از سقف شیب‌دار (شیروانی) است.
۹	مصالح بومی	آجر سنگ چوب کاشی	گونه ۱: خانه-باغ ها گونه ۲: یک طرف ساخت	ادامه می‌یابد	استفاده از خشت و آجر در سازه اصلی خانه‌ها که معمولاً بدون زیرزمین و در دو طبقه طراحی شده اند، رایج است. مصالح نما، غالباً آجرکاری با طرح‌های متنوع است، پنجره‌های چوبی و کتیبه‌های کاشی کاری بالای پنجره به اضافه چلنگری‌های زیبا، از تزئینات خارجی بنا محسوب می‌شود.
۱۰	فرم و اندازه بازشوها	فرم قوسی بازشوها	گونه ۱: خانه-باغ ها گونه ۲: یک طرف ساخت	ادامه نمی‌یابد	شناخت شبکه ارتباطی درون خانه بر مبنای بازشوها خواهد بود. لازم به ذکر است این بازشوها با وجود شکل‌های مشابه گاهی کارکرد مشابه ندارند و همواره برای عبور به یک فضای دیگر به کار گرفته نشده است بلکه به عنوان پنجره در نمای خانه نیز به کار گرفته شده است و در اینجا به عنوان عنصر ارتباط دهنده بصری در نظر گرفته خواهد شد.

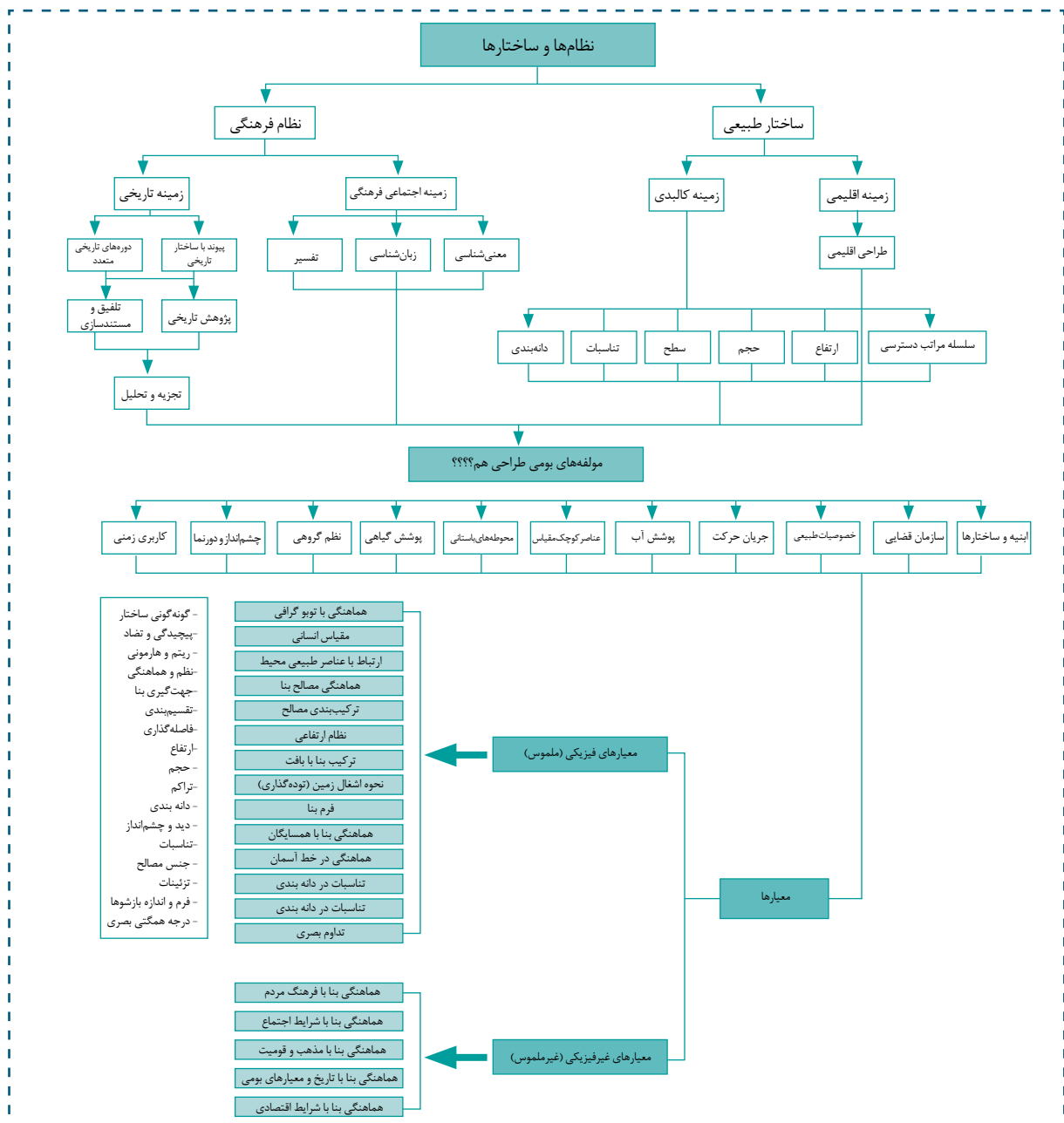
تشریح شده است.

۴-۲-۲- دومین سطح- پرسش‌های فرعی

دومین گروه پرسش‌ها پس از تحلیل تعاریف و دسته‌بندی موجود و آشکار شدن ضرورت ارائه تعریف بومی برای زمینه و معماری، پژوهش را به سوی تبیین چارچوب نظری مفهوم زمینه و معماری سوق می‌دهد.

پرسش دوم: چگونه مؤلفه‌های زمینه در ابعاد تاریخی، اجتماعی، عملکردی و معماری ارتباط متقابل دارند؟

همان‌طور که در فصل یک این پژوهش مفصل ارائه گردید، نتایج حاصلی از بررسی ادبیات موضوع و مبنای نظری، در پاسخ



شکل ۴-۴- جمع‌بندی معیارها و شاخصه‌های معماری هم‌پیوند با زمینه بر اساس چارچوب نظری (منبع: نگارنده)

به این سؤال در دیگرام‌های زیر آمده است.

پرسش سوم: ارتباط بین مؤلفه‌های زمینه و معماری مسکونی بافت میانه شهر شیراز در سطوح فرم و عملکرد چیست؟ معماری دوره پهلوی اول در دوره نسبتاً کوتاه بیست ساله‌اش از تعدد سبکی در معماری برخوردار است. نکته حائز اهمیت این است که مطالعات متعددی که در این زمینه انجام شده است نشان می‌دهد اگرچه در ساخت برخی از بناهایی که قبل‌تر نمود نداشته‌اند (مثل بانک‌ها و اداره‌ها) و زمان هم اجازه غور در معماری گذشته را نمی‌داده، لذا این بناها به گونه‌ای تقلیدوار طراحی شده‌اند، اما بحث طراحی خانه‌ها با توجه به پیشینه ارزشمند طراحی خانه در شهرهای ایران مقداری متفاوت است. نتایج بررسی تعداد زیادی از خانه‌های بافت میانه شهر شیراز، که موضوع این پژوهش بوده است، به‌خوبی این موضوع را نشان می‌دهد که علی‌رغم اینکه بسیاری از ظواهر و عوامل مدرنیستی در تزیینات و فرم خانه‌ها، یا فرم سقف‌ها نمایان است، اما در موارد بسیاری همچون طراحی فضاها، ارتباط فضاها، نقش ایوان و هندسه و فرم از معماری گذشته شهر الهام گرفته شده متضمن هم‌پیوندی با عوامل زمینه‌ای می‌باشد. در این پژوهش ضمن ارائه سه‌بعدی تحلیلی تعداد ۳۵ عدد از خانه‌های بافت میانه شیراز که متعلق به دوره پهلوی اول بوده و شامل هر دو گونه تیپولوژی خانه‌های شیراز در این دوره (گونه کوشکی و گونه یک‌طرف‌ساخت) می‌باشد که در فصل ۲ به تفصیل مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت، در جدول شماره ۴-۲، ویژگی‌های ساختاری خانه‌ها کدگذاری شده و با عوامل هم‌پیوندی با زمینه کالبدی تطابق داده شده است.

جدول ۴-۲- ویژگی‌های ساختاری خانه‌های برون‌گرا در بافت میانه شیراز (منبع: نگارنده)

ویژگی‌های خانه‌های برون‌گرا	کد گذاری	تطابق با مفهوم هم‌پیوندی با زمینه
احداث بنا در دو طبقه	C1	✓
وجود ایوان‌های متعدد در اطراف بنا	C2	✓
ارتباط حداکثری با فضای بیرون و شفافیت بنا به‌وسیله بازشوهای فراوان	C3	✓
یک‌دستی مصالح و تزئینات هم‌خانواده و تجلی تناسبات	C4	✓
استفاده از تزئینات مرسوم و ذهن مرکزگرا	C5	✓
تجلی عوامل زنده (مصالح زنده): آجر، کاشی، سفال	C6	✓
تاکید برسادگی و پرهیز از تنوع زیاد اشکال	C7	✓
تنوع در میزان محرومیت	C8	✓
ایجاد فضاهای چندبخشی (انعطاف پذیر)	C9	✓
تاکید بر دسترسی‌های غیرمستقیم	C10	✓
وجود فضاهای وحدت‌بخش	C11	✓
غالباً فاقد زیرزمین	-	خانه‌های قدیمی شیراز معمولاً زیرزمین داشته‌اند.
تاکید بر ارتباط با طبیعت: قرارگیری بنا در وسط باغ / ایجاد فضای گلخانه	-	خانه‌های قدیمی شیراز ساختاری درونگرا (حیاط مرکزی) داشته‌اند
سقف شیبدار (شیروانی)	-	سقف خانه‌های شیراز مسطح تیرپوش بوده است.
قرارگیری پله‌های در فضاهای مرکزی و اطراف بنا	-	پله معمولاً در خانه‌های شیراز در مرکز و به‌صورت نمایان ساخته نمی‌شده است.
ارتفاع نسبتاً بلند فضاهای داخلی بنا	-	ارتفاع زیاد فضاهای داخلی بنا به دلیل رفعت‌گرایی و تکنولوژی ساخت این دوران است.
    C۴-C۲ C۶-C۲-C۶ C۱-C۲ C۱-C۲		
    C۸-C۶ C۹-C۶-C۵ C۷-C۲ C۱۲-C۱۱		
    C۱۲-C۱۰ C۸-C۷-C۶ C۵-C۲ C۸-C۱		

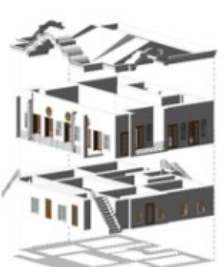
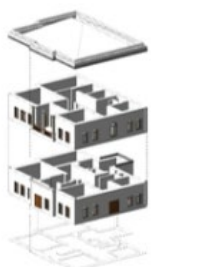
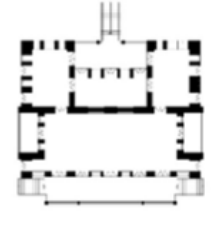
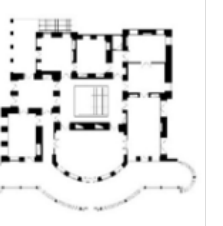
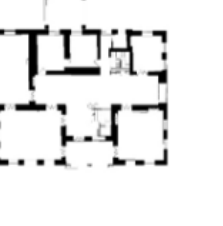
ویژگی‌های کالبدی

۴-۳- شرح یافته‌ها

شناسایی و بررسی آثاری از معماری مسکونی بافت میانه شهر شیراز، که به‌نظر می‌آید در عالی‌ترین سطح خود به اصول زمینه نیز پایبند بوده‌اند در گام نخست می‌تواند به تهیه شناختی مناسب از معماری معاصر شهر شیراز بینجامد، و در لایه‌های عمیق‌تر تحلیلی، می‌توان میزان و نحوه هم‌پیوندی و ارتباط به زمینه را در آنها بررسی نمود. هدف این پژوهش ارائه کاربردی بازخوانی این مفهوم کنش متقابل زمینه و معماری است. سعی در بررسی نتایج حاصل از مطالعات نظری در بستر معماری یکی از شهرهای ایران را داشته، لذا معماری بافت میانه شهر شیراز به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شد. نخست، با نظر به اینکه تفسیر منجر به بازشناسی می‌شود، تعاریف کلیدی زمینه تفسیر گردید تا از آن طریق اصلی‌ترین معیارهای تعریف زمینه که تاکنون مورد توجه قرار گرفته است بازیابی گردد.

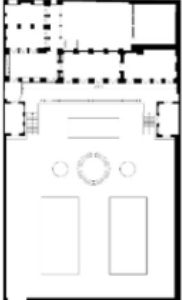
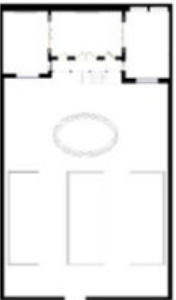
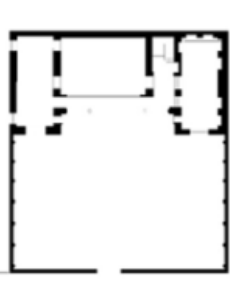
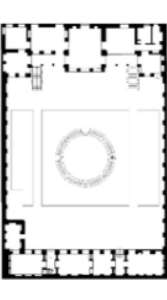
در این میان با زیربنا قرار دادن منشورهای بین‌المللی و نظریه‌های تئورسین‌های پسامدرن، تعاریف و دسته‌بندی آن‌ها با هدف آشکار ساختن جنبه‌های مختلف مفهوم زمینه مورد مذاقه قرار گرفت. از این رهگذر ضرورت ارائه و دسته‌بندی‌های بومی برای مفهوم زمینه و تأثیر آن در معماری آشکار گردید. دوم، تعاریف موجود در طیفی که یک سر آن «زمینه» و سر دیگر آن «معماری» قرار دارد دسته‌بندی گردیده؛ چون ریشه بخش قابل توجهی از چالش‌هایی که بازشناخت و در نتیجه حفاظت از ارزش‌ها با آن روبه‌رو هست را می‌توان در چالش‌های موجود مابین دو کلیدواژه شکل‌دهنده به مفهوم زمینه‌گرایی یعنی «زمینه» و «معماری»، جستجو کرد که در تعامل با یکدیگر بسترهای متنوع و پیچیده‌ای از این ارتباط را شکل می‌دهند. هر پدیده در محیط پیرامون خود تأثیر می‌گذارد و از آن نیز تأثیر می‌گیرد و در تعامل با یکدیگر هستند.

جدول ۴-۳- گونه‌بندی فرمی خانه‌های کوشکی - برون‌گرا در بافت میانه شهر شیراز (منبع: نگارنده)

			
خانه باغ فردوس کد بنا: N2h(33)	خانه چمشیدی کد بنا: Q2e(14)	خانه شاپوری کد بنا: M2e(75)	خانه امتیاز کد بنا: P3b(14)
			

در معماری ایران بعد از دوره صفویه، به واسطه ارتباط، تعامل و یا تقلید از غرب، بعضاً آمیختگی‌ها و یا التقاط‌هایی در سبک معماری ایجاد گردیده که خود به سبک و یا شبه‌سبک تبدیل گشته است. عامل زمان و مفهوم آن نقش تعیین‌کننده‌ای در حرکت تحول‌ساز معاصر داشت. موقعیت ثابت و تغییرات کند گذشته، به وضعیت پویا، غیریکنواخت و شتابان دوره معاصر تبدیل شده بود. کندی سرعت تحولات در گذشته، اما تغییرات اجتماعی جدید، زمان تحولات معماری را نیز دستخوش سردرگمی و نارسایی کرد و به ناچار معماری جدید با عملکردی جدید به پذیرش آن معماری روی آورد که تغییرات و نیازهای اجتماعی آن را پذیرا شده بود. اگر دوره قاجار را آغازگر این تلفیق‌پذیری محسوس تلقی کرده و به گونه‌ای منطقی بدانیم که شکل تقلید را به خود می‌گیرد، معماری عصر پهلوی اول، ادامه‌دهنده این تغییرپذیری است که مشهود، سریع و به گونه‌ای التقاطی به ساخت شکل شهر می‌پردازد. روشن است که تغییر و تحولات و نیز رویکردهای ایجادشده در عرصه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی تأثیرات خود را در دیگر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی ایجاد می‌کند. همین اتفاقات و تحولات در بستر معماری و شهرسازی نیز واقع افتاد. با حرکت سریع‌تر در رویکرد به برون‌گرایی در دوره پهلوی اول، خیابان‌ها و نمای خیابانی مکانی برای بروز این نوع معماری و به تبع آن نمایش نما و تزیینات می‌شود. دیگر تنها درون خانه‌ها یا بناهای اصلی شهر تنها مظهر نمایش معماری نیست و حرکت کند و اولیه‌ای که در اواخر قاجار از درون‌گرایی به برون‌گرایی روی کرده است، در این عصر، سرعت بیشتر و نمایش متفاوت و متحول شده‌ای به خود می‌گیرد. معماری خیابانی این دوره را می‌توان معماری نوگرایی ایران نامید که با تکنولوژی جدید متأثر از مبانی مدرنیسم در شرایط ایران متحول شده و شروع آن در تهران بوده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این معماری، تنوع کالبدی است که بعضاً پس از تغییرات در تقارن، به‌عنوان

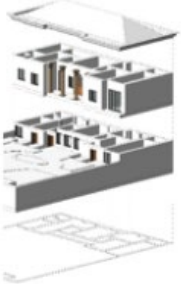
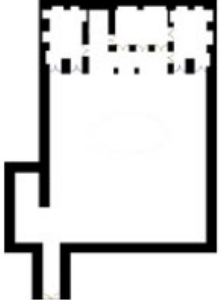
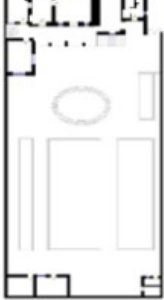
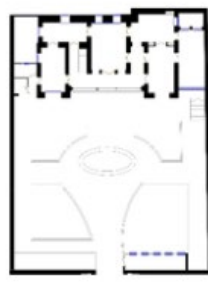
جدول ۴-۴- گونه‌بندی فرمی خانه‌های برون‌گرا (یک‌طرف ساخت) در بافت میانه شهر شیراز (منبع: نگارنده)

			
خانه نورانی وصال کد بنا: N3a(32)	خانه پرویزی کد بنا: Q2e(41)	خانه ملی کد بنا: T1e(14)	خانه فرهودی کد بنا: P1b(15)
			

ارزشی جدید در معیارهای زیباشناسی نما وارد شده و در این راستا عوامل متعدد فرهنگی و تکنولوژیک در شکل‌گیری آن مؤثر بوده است. افزون بر این، رویکرد معماری برون‌گرا که اینک سرعت و توسعه روز افزونی گرفته است، مکان‌نمایش خانه‌های مسکونی با نما و تزیینات جدید خود می‌شود.

در بررسی‌ها و مطالعات میدانی که در راستای شناخت فرم خانه‌های موجود در بافت میانه شهر شیراز انجام شد، طی مستندسازی تعداد زیادی از این بناها و دسته‌بندی تیپولوژی آنها، در نهایت دو تیپولوژی فرمی به لحاظ فراوانی تعداد شناسائی گردید. که این دو تیپولوژی شامل ۱- تیپولوژی کوشکی (عمارت وسط باغ: نظیر خانه‌های امتیاز، شاپوری، جمشیدی)، ۲- تیپولوژی یک یا دوطرف‌ساخت (که در بناهای دوطرف‌ساخت هم عمارت اصلی در یک سمت حیاط واقع شده است). (نظیر خانه‌های رحیمی، فرهودی). تیپولوژی خانه‌های کوشکی که به‌عنوان بناهای اعیانی شناخته می‌شوند، معمولاً به لحاظ مقیاس و کارکرد متفاوت از گونه‌های دیگر بوده و در هر منطقه شهری، تعداد یک یا دو عدد از این بناها شناسایی شده است، و لذا، بافت غالب را بناهای تیپولوژی دوم تشکیل می‌دهد. نتایج این پژوهش بیانگر این است که بین ساختار کالبدی-فضایی خانه‌های بافت میانه شهر شیراز (تیپولوژی کوشکی و یک‌طرف‌ساخت) و عوامل هم‌پیوندی با زمینه ارتباط متقابل وجود دارد. در همین رابطه کالبد، ساختار، در دو حالت تعاملات زیستی ساکنین را تسهیل، افزایش و در نهایت تغییر می‌دهد.

جدول ۴-۵- گونه‌بندی فرمی خانه‌های برون‌گرا (یک‌طرف‌ساخت) در بافت میانه شهر شیراز (منبع: نگارنده)

			
خانه نقش زن کد بنا: Alc (12)	خانه خوشخو کد بنا: Pla (149)	خانه خردمند کد بنا: M2c (61)	خانه رحیمی کد بنا: M2c (84)
			

۴-۴- سخن آخر

در سیر تحول نظریات مختلفی که ارائه شد، همواره ارجاع به محیط کالبدی مصنوع، چه تحت عنوان شهر پیش از مدرن یا شهر معاصر، وجود داشته و شیوه کار در این ارجاعات نه بر مبنای بی‌تفاوتی بلکه یا مبتنی بر هماهنگی با آن محیط یا تضاد با آن بوده است. معماری زمینه‌گرا تلاشی است برای نشان دادن توان محیط مطلوب بصری در مقیاسی کلان‌تر از معماری. پیام معماری زمینه‌گرا ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون اثر معماری است. به نظر می‌رسد در جمع‌بندی بتوان گفت که به‌هرصورت انسان، محیط پیرامون خود را به‌صورت مجموعه‌ای از عناصر مرتبطی ادراک می‌نماید. مجموعه‌ای که جریان خنثی پدیده‌ها نمی‌باشند، بلکه واجد ساختار و لذا معانی‌ای بوده که جهت‌گیری خاصی را الزام می‌کند. نتیجه‌این اقدام به‌صورت تشدید آن ساختار و معانی یا رد و اصلاح آنها می‌باشد. از این نظر، محیط کالبدی مصنوع و متناظر با آن محیط طبیعی پیرامونی نظیر منظومه‌ای از نیروهای پویا، متحرک و به تعبیری زنده تلقی می‌شوند که زندگی و سکونت در آن، دیگر زندگی در بستری خنثی نخواهد بود، بلکه دلالت بر همزیستی انسان با این موجودیت زنده دارد. این موجود زنده محیطی انسان را در بر داشته و زندگی انسان در گرو بهره‌بردن از امکانات و نیروهای آن، در قالب دخالت هماهنگ، و کاهش آسیب‌های آن، در قالب نقد متضاد می‌باشد. در این پژوهش، ضمن بررسی‌های انجام شده در دو نوع تیپولوژی خانه، رایج در دوره پهلوی اول در بافت میانه شهر شیراز و تطابق شاخصه‌های خانه با اصول زمینه‌گرایی، می‌توان گفت خانه در دوران معاصر قواعدی نو بر خود یافت. قواعدی که با نگاهی دقیق‌تر ناشی از تغییرات عوامل زمینه‌ای بوده و در هر دو بعد پیکر خانه و شیوه زیست ساکنان آن تغییر ایجاد کرد. تغییراتی که در فرم، ساختار فضائی و تزیینات خانه‌های شیراز در محدوده بافت میانه شهر با آن روبه‌رو هستیم، علی‌رغم اینکه باعث دگرگونی چهره بناها شده است، اما در بسیاری از موارد همچون هماهنگی در جنس و رنگ مصالح، ارتفاع و تناسبات حجمی، تقارن و هندسه فضائی، ارتباط با طبیعت، تعدد بازشوها، تفکیک‌های فضائی، مرکزیت‌گرایی، وجود ایوان‌ها، تأکید بر سادگی فرم و ... همان‌طور که در جدول شماره ۸ آورده شده است، از اصول هم‌پیوندی با زمینه به لحاظ کالبدی تبعیت می‌کند.

در واقع کل هستی به‌هم‌پیوسته است و هر جزئی مؤثر در کل است و هر تغییر در جزء در کل هستی تأثیری حتمی از خود به جا خواهد گذاشت. معنای هر شیء ریشه در روابط آن با اشیای دیگر دارد. ساختار در عوض، به ویژگی‌های شکلی و فرمی مجموعه‌ای از روابط اشاره دارد. به‌طور کلی زمینه‌گرایی سازگاری با زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی- فرهنگی است که بر طبق آن طراح زمینه‌گرا باید قادر باشد ویژگی‌های مکان را دریابد و آن را بخشی از فرآیند طراحی خود قرار دهد.

۴-۵- پیشنهاد پژوهش‌های آتی

- در پژوهش حاضر، کنش متقابل زمینه و معماری، در بستر نمونه موردی بررسی گردید، و با توجه به محدودیت‌های پژوهش، تنها به عوامل کالبدی پرداخته شد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی نحوه برهم‌کنش عوامل زمینه‌ای در سایر انواع آن با معماری مورد بررسی قرار گیرد.

■ ابعاد مختلفی در خلال بحث زمینه‌گرایی مطرح گردید که هر یک به نوبه خود جای پژوهش مجزا یا اثرگذاری همزمان با یکدیگر دارند. ابعاد مختلف کالبدی، طبیعی، تاریخی، اجتماعی-فرهنگی و انسان‌گرایانه، که نحوه تأثیرگذاری هر کدام روی یکدیگر و در ارتباط با متغیرهای میانجی که در این مختصر نمی‌گنجد، می‌تواند هر کدام موضوع یک پژوهش جدید باشد.

■ بستر مورد مطالعه به‌عنوان نمونه موردی (بافت میانه شهر شیراز) به لحاظ غنای معماری در حدی است که پژوهش‌های متعددی در زمینه‌های مختلف می‌تواند بر روی آن انجام گیرد که به بازشناخت مفاهیم، ویژگی‌ها و حفاظت آن کمک نماید.

■ بافت میانه شهرهای ایران، هر کدام دارای پتانسیل‌های گسترده در جهت الگویابی، بازخوانی مفاهیم و اصول معماری دوره گذار هستند. مطالعه و پژوهش در این محدوده‌ها می‌تواند پاسخگوی بسیاری از سؤالات و راهگشای شیوه‌های طراحی امروز شهرها باشد.

۴-۶- محدودیت‌های پژوهش

محدوده مکانی مورد بررسی در این پژوهش (معماری مسکونی بافت میانه شهر شیراز)، دارای بناهای بالارزشی است، که بسیاری از آن‌ها، متروک مانده، یا در اختیار ارگان‌هایی مانند، اطلاعات سپاه و بسیج و ... بوده که به‌هیچ‌وجه امکان دسترسی به آنها جهت مستندسازی و تهیه اسناد و مدارک وجود نداشت؛ لذا یکی از بزرگترین موانع این پژوهش دسترسی به بناها بود که با سختی بسیار به‌صورت محدود فراهم گردید.

فهرست منابع

- آقالطیفی، آزاده (۱۳۹۱)، «انسان و خانه (تبیین الگوی تعامل انسان و خانه معاصر در ایران)»، رساله دکتری رشته معماری، پردیس-هنرهای زیبا، دانشکده معماری، دانشگاه تهران.
- اخوت، هانیه سادات (۱۳۹۲)، «بازشناسی هویت دینی در مسکن سنتی (نمونه موردی: شهر یزد)»، رساله دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- اسدی، درنا، رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۷)، «بررسی عوامل مؤثر بر بازآفرینی محلات تاریخی با تأکید بر رویکرد برندسازی شهری (نمونه موردی: محله سنگ سیاه شیراز)»، مطالعات محیطی هفت حصار، شماره ۲۴، سال ششم، صفحات ۵-۱۴.
- اعتصام، ایرج، میرمیران، سیدهدادی (۱۳۸۸)، معماری معاصر ایران، ۷۵ سال تجربه بناهای عمومی، شرکت طرح و نشر پیام سیما، زیر نظر وزارت راه و شهرسازی، تهران.
- انصاری، حمیدرضا (۱۳۹۵)، تحلیلی بر معماری معاصر ایران، انتشارات سبزان، تهران.
- بانی مسعود، امیر (۱۳۸۶)، پست‌مدرنیته و معماری: بررسی جریان‌های فکری و معماری معاصر غرب، اصفهان، نشر خاک.
- بانی مسعود، امیر (۱۳۹۰)، معماری معاصر ایران، تهران، انتشارات نشر هنر معماری قرن.
- باور، سیروس (۱۳۸۸)، نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران، تهران، انتشارات نشر فضا.
- بایزیدی، اعتصام، حبیب، فرح و امرئی (۱۳۹۲)، «جستاری بر تبیین دیدگاه‌های منطقه‌گرایی و سیر تحول آنها در معماری معاصر»، نقش جهان، سال سوم، شماره ۴، ۷-۱۸.
- برنت سی برولین، (۱۳۸۳)، معماری زمینه‌گرا (سازگاری ساختمان‌های جدید با قدیم)، ترجمه راضیه رضازاده، خاک، اصفهان.
- بهمنی، المیرا، گودرزی سروش، محمد مهدی و زارعی، محمد ابراهیم (۱۳۹۵)، «بررسی شناخت عوامل زمینه‌گرا در کالبد خانه‌ها و بافت کهن سنندج با نگاهی به ویژگی‌های عمارت وکیل‌الملک»، فصلنامه علمی - پژوهشی شهر ایرانی اسلامی، سال هفتم، شماره بیست و ششم، زمستان.
- پاپلی یزدی، محمد حسین، حسین رجبی سناجردی، (۱۳۸۲)، نظریه‌های شهر و پیرامون. چاپ اول. تهران، انتشارات سمت.
- پورجعفر، محمدرضا (۱۳۹۰)، «پدیدارشناسی هویت و مکان در بافت‌های تاریخی»، تهران، نشریه شهر ایرانی اسلامی، شماره سوم.
- پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۰)، «فرهنگ و مسکن»، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴، صص ۱۸-۳.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۸)، تاریخ اجتماعی و فرهنگی، جلد دوم، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- تولایی، نوین (۱۳۸۰)، «زمینه‌گرایی در شهرسازی»، تهران، نشریه هنرهای زیبا، شماره شماره ۱۰.
- جفری، برادبنت (۱۳۸۸)، با برادبنت، درباره معماری، به کوشش حمید ندیمی، ترجمه: نیلوفر رضایی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- حائری مازندرانی، محمدرضا (۱۳۹۵)، خانه، فرهنگ، طبیعت در معماری ایران، زیر نظر وزارت راه و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- حسین پور، علی و همکاران (۱۳۹۲) «بررسی و تحلیل زمینه‌گرایی در معماری بومی با تأکید بر کاربرد تکنولوژیهای جدید در عصر جهانی سازی»، کنفرانس معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار.
- حسین مردی، حمید (۱۳۸۵)، «معماری امروز بی‌زمان‌تر، جهانی‌تر»، گفتگو با علی اکبر صارمی، آبادی، سال شانزدهم (جدید)، شماره ۱۷، ۱۲۶-...
- جعفری نجفآبادی، عاطفه (۱۳۹۰)، «طراحی الگوی مسکن معاصر یزد بر اساس پتانسیل‌های معماری بومی یزد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری یزد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد.
- خسروی، م. ب. بمانیان، م. ر. و سیفیان، م. ک (۱۳۹۲)، «نقش هویت‌ساز قاعده لاضرر در شکل‌گیری الگوی معماری اسلامی». نقش جهان، سال سوم، شماره ۴، ۳۰-۱۹.

- دهباشی، مزین (۱۳۸۰)، «تجدد و گفتگو در معماری معاصر ایران»، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره ۱۱.
- رضا خانی، ژیلا (۱۳۸۲)، «توسازی در معماری معاصر ایران»، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۷۰-۷۱.
- زارعی، هانی، (۱۳۸۹)، «بررسی ویژگی‌های سبکی گونه معماری مسکونی دوره قاجاریه شهر شیراز»، همایش ملی معماری و شهرسازی معاصر ایران.
- رهنمایی، محمدتقی، شعبانی فرد، محمد و اکبرپور، سراسکانرود (۱۳۸۸)، «توسعه استراتژیک شهرهای میانی ایران با تأکید بر رویکرد CDS راهی به سوی توسعه منطقه‌ای». فصلنامه آمایش سرزمین، سال اول، شماره اول، ۵۴-۲۱.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی، (۱۳۸۱)، آمارنامه استان فارس، سالنامه آماری کشور.
- سامی، علی (۱۳۶۳)، شیراز شهر جاویدان، چاپ سوم، انتشارات لوکس (نوید) شیراز، ص ۶۱۰.
- سلطان زاده، حسین (۱۳۸۳)، «بررسی بازتاب سنت در معماری معاصر ایران، ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ شمسی». مجله معماری و فرهنگ. شماره ۱۸-۱۹.
- سیلواپه، س، دانشجو، خ، فراهانی، س. ف. (۱۳۹۲)، «هندسه در معماری ایرانی پیش از اسلام و تجلی آن در معماری معاصر ایران». نقش جهان، سال سوم، شماره ۴، ۵۵-۶۶.
- شایان، حمیدرضا (۱۳۸۵)، «هویت معماری معاصر ایران». مجله معمار، شماره ۳۶.
- شکوفی، بابک (۱۳۷۸)، «بحران شخصیت در معماری امروز ایران»، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۵۴-۵۵.
- شماعی و پوراحمد (۱۳۹۲)، بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
- شولتز، نوربرگ (۱۳۸۸)، روح مکان به سوی پدیدارشناسی معماری، ترجمه محمدرضا شیرازی، رخ داد نو، تهران.
- طرح جامع شیراز، انتشارات اداره کل مسکن و شهرسازی استان فارس، سال ۱۳۷۰، ص ۶.
- علاقه‌بند، سید منصور (۱۳۹۷)، شناسایی و مستندسازی آثار هم‌پیوند با زمینه در معماری معاصر یزد، وزارت راه و شهرسازی، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران (مادر تخصصی).
- علی آبادی، نسرین (۱۳۸۸)، «بررسی الگوی توسعه شهر بجنورد با تأکید بر برنامه‌ریزی فضاهای مسکونی»، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور تهران.
- قانع، محمدرضا (۱۳۹۷)، شناسایی و تحلیل تجربیات معماری هم‌پیوند با زمینه در دوره معاصر در شهر اصفهان، وزارت راه و شهرسازی، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران (مادر تخصصی).
- قبادیان، وحید (۱۳۸۳)، «معماری نوگرای ایرانی»، مجله معماری و فرهنگ. شماره ۱۸-۱۹.
- قبادیان، وحید (۱۳۹۲)، سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران، تهران، موسسه علم معمار روپال.
- قبادیان، وحید (۱۳۹۳)، مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- قبادیان، وحید (۱۳۹۰)، بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- قنبری، ناصر (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی رویکردهای زمینه‌گرایی در معماری معاصر ایران و غرب، طراحی موردی مجموعه فرهنگی هنری شهر تهران.
- کیانی، مصطفی (۱۳۹۳)، بررسی علت دگرگونی‌های ایجادشده بر مبنای اندیشه‌ها و روش‌های تغییر شکل یافته در معماری این دوره، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ سوم.
- ماجدی و سعیده زرابادی (۱۳۸۹)، «شهر نشان‌دار به‌مثابه شهر زمینه‌گرا» فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹، ص ۲۱-۱.
- محمودی نژاد، محمد جواد، پور جعفر، محمدرضا (۱۳۸۵)، «جستاری بر تقسیم بندی معماری معاصر ایران؛ بررسی شاخصه‌ها و مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی. آبادی، سال شانزدهم (جدید). شماره ۱۷، ...-۲۴.
- محوی، نیلوفر (۱۳۸۳)، «معماری پهلوی دوم؛ رؤیای سنت و مدرنیته»، مجله معماری و فرهنگ. شماره ۱۸-۱۹.

- معماریان، غلامحسین (۱۳۷۵)، آشنایی با معماری مسکونی ایرانی گونه‌شناسی درون‌گرا، انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- مهدوی نژاد، محمدجواد (۱۳۸۵)، «سبک‌شناسی جریان‌های معماری معاصر؛ گرایش‌های معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران»، آبادی، سال شانزده، ۱۷-۱۲.
- مظاهریان، حامد و شاه تیموری، یلدا (۱۳۹۱)، «رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه‌های تاریخی»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴.
- مهدوی نژاد و همکاران (۱۳۹۰)، «فرآیند طراحی زمینه‌گرا تجربه معماری ۱۳۸۸-۱۳۸۹»، نقش جهان، شماره یک، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ۲۴-۲۱.
- مهندسین مشاور فجر و توسعه (۱۳۸۷)، طرح امکان‌سنجی بلندمرتبه‌سازی شهر بجنورد، وزارت مسکن و شهرسازی.
- نصر، طاهره (۱۳۸۳)، معماری و شهرسازی شیراز در دوره پهلوی، تهران، انتشارات روزنه کار.
- هال، استیون (۱۳۹۴)، پرسش‌های ادراک: پدیدارشناسی معماری و سه مقاله دیگر از نویسندگان/ استیون هال، یوهانی پالاسما و آلبرتو پرز گومز، تدوین و ترجمه: علی اکبری، محمدامین شریفیان، تهران، انتشارات پرهام نقش.
- Ashihara, Y. (1983) The Aesthetic Townscape. Trans. Lynne E. Riggs. Cambridge: MIT Press.
- Brolin, B.C. (1980) Architecture in Context: Fitting New Buildings with Old. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Futterman, M. A. (1991) The Composition of Spatial Sequence in Urban Design (unpublished M.A thesis) Edinburgh: University of Edinburgh.
- Gaines, M. C., 1980. «Teaching a Contextual Architecture.» JAE (lackwell Publishing on behalf of the Association of Collegiate Schools of Architecture, Inc.) 33: 21-26.<http://www.jstor.org/stable/1424629>
- Geddes, P. (1968) Cities in Evolution: An Introduction to the Town Planning Movement and to the Study of Civics. London: Ernest Benn Limited
- Gosling, D. (1996) Gordon Cullen: Visions of Urban Design London: Academy Editions.
- Hillier, B. & J. Hanson. (1984) The Social Logic of Space. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jodidio, Philip (2004) Iran Architecture for Changing Societies, Aga Khan Award for Architecture. Umberto Allemandi & C. Italy.
- King, R. (1979) Urban Spaces. London: Rizzoli.
- King, R. (1996) The Emancipating Space: Geography, Architecture & Urban Design. New York: The Guilford Press.
- Kostof, S. (1991) The City Shaped: Urban Patterns & Meanings through History. London: Thames & Hudson.
- Krier, L. (1992) Poundbury Masterplan. London: Royal Academy of Arts.
- Krier, R. (1979) Urban Space. London: Rizzoli.
- Memarian Gh.Hosseini. (2021) Courtyard House: With Special Reference To Shiraz. Goljam.
- Norberg-Schulz, C. (1980) Genius Loci: Toward the Phenomenology of Architecture. New York: Rizzoli.
- Rapoport, A. (1977) Human Aspects of Urban Form. New York: Pergamon Press.
- Rossi, A. (1984) The Architecture of the City. Trans. D. Ghirardo. Cambridge: MIT Press.
- Rowe, C & F. Koetter (1978) Collage City. Cambridge: MIT Press.
- Smith, P.F. (1973) «City as Organism», Ekistics, 35(209) pp. 234-240.
- Smith, P.F. (1974) The Dynamics of Urbanism. London: Hutchinson Educational.
- Smith, P.F. (1987) Architecture & the Principles of Harmony. London: Riba Publications Limited.
- Stevens, R. (1976) Integration and the Concept of Self.
- Stokols, D. & I. Altman. (1987) Handbook of Environmental Psychology. New York: John Wiley & Sons.
- Tugnut, A. (1987) Making Townscape. London: Mitchell.
- Walmsley, D. J. (1988) Urban living: The Individual in the City. New York: John Wiley & Sons.
- Waterhouse, A. (1978) Boundaries of the City: The Architecture of Western Urbanism. Toronto: Toronto University Press

و این پایانست بر آغازی دیگر...